



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

۲۵

علم مفاهیم شناسی  
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان



## فهرست

۵	فهرست
۶	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و پنجم - حرف گ
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۲۳	گاو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۳	گرایش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۵	گرسنگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۶۱	گرما از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۶۵	گروهها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۸۱	گریه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۰۶	گزینش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۱۷	گستاخی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۲۱	گمراهان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۱۳	گناه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۷۹۰	گندم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۷۹۲	گواه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۶۲	گوساله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۵۴	گوسفند از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۸۳	گوش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۲۰۰	گوشت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۲۳۶	گیاهان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۲۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و پنجم - حرف گ / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و



تعریف، هدف، فایده، پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبانشناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات

هرمنوتیک و متودولوژی می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این

زمینه مراکز قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به

مجله بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصور است اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن

را در منظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و



نقش آن در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه در حیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم و اعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن

و صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و .... در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست

و یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به

آنچه فرو فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات

وینیات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه

هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار

مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست . )

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل

نطق ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً- توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز میرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ پردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) -



وجود لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می

کند و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر بخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی

و کسانی که می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

## گاو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گاو

آبیاری با گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۴

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزارها استفاده می کردند .

لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

استفاده از گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۷

۷ - امکان بهره‌وری گسترده بشر از دام‌ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر

احوال آفریده هایش

و ما کنا عن الخلق غفلین .. و انّ لکم فی الأنعم لعبره ... و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان‌ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت شیر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۳

۳ - اهمیت و نقش بسیار شیر شتر ، گاو و گوسفند و فراورده های آن ، در تغذیه انسان ها

و مشارب

برداشت یاد شده از آن جا است که شیر با آن

که از منافع آنعام به شمار می رود اختصاص به ذکر یافته است.

بارکشی با گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۴

۴ - جواز استفاده از شتر و گاو برای سوار شدن و حمل و نقل

فمنها رکوبهم

پیه گاو در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلک جزینهم بیغیهم

تحریم پیه گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۳،۵

۳ خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرمننا علیهم شحومهما إلا ما حملت

<شحم> به معنی چربی و پیه است و <ظهر> یعنی پشت و <حوایا>، جمع <حویه>، به معنی روده است.

۵ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلک جزینهم بیغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

تحریم جنین گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل الذکرین حرم... ومن أظلم ممن افتری علی الله کذباً

تحریم گوشت گاو

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل ءالذکرین حرم .. ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تسخیر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۲

۲ - رام و مسخر کردن دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنا لهم

تعقل در خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت ( مانند شتر ، گاو و گوسفند )

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

حلیت جنین گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین .. قل ءالذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

حلیت گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر ، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم غير



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم ... کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین .. قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو

و گوسفند حلال شده است.

۹- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْبُحَايَظُ إِلَّا مَا  
و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْبُحَايَظُ إِلَّا مَا

یتلی علیکم

خالق گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام ( گاو ، شتر و گوسفند ) است .

و الأنعم خلقها لکم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله . . . و من الناس و الدواب و الأنعم

<أنعام> جمع <نعم> (شتر) می باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ - شتر ، گاو و گوسفند ، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <ممّا عملت أیدینا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

خوردن گوشت گاو در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ،

گوسفند و شتر) در میان مردم عصر بعثت، امری رایج و متداول بوده است.

و الأنعم خلقها لكم... و منها تأكلون... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت هنها ذکر شده، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

ذبح گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۵، ۳، ۱

۱ - خداوند، قوم موسی را به ذبح گاوی ماده فرمان داد.

إن الله يأمرکم أن تذبحوا بقره

ماده بودن گاو از <بکر> در آیه بعد استفاده می شود.

۳ - تأکید موسی (ع) بر اینکه دستور ذبح گاو، از ناحیه خداست نه صلاحدید وی.

إذ قال موسی لقومه إن الله يأمرکم

۵ - قوم موسی بر این گمان بودند که دستور ذبح گاو از ناحیه موسی (ع) است، نه فرمانی از جانب خداوند

أنتخذنا هزواً

از اینکه بنی اسرائیل با جمله <أنتخذنا هزواً> (آیا ما را به مسخره می گیری) موسی (ع) را مورد خطاب قرار دادند، معلوم می شود که: آنان دستور ذبح گاو را دستوری از ناحیه خداوند نمی پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۱ - بنی اسرائیل ، پس از انکار اولیه ، به الهی بودن دستور ذبح گاو ماده مطمئن شدند .

قالو ألتخذنا هزواً .. قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي

تقاضای تبیین ویژگیها و مشخصه های گاوی که باید ذبح شود، بیانگر این معناست که: قوم موسی در پی سخنان او (أعوذ بالله ..) باور کردند که دستور ذبح گاو، فرمانی از جانب خداوند است.

۲ - قوم موسی ، ناباور به کفایت ذبح هر گاوی برای حل معمای قتل

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي

۵ - موسی (ع) مردم خویش را به انجام مأموریتشان (ذبح گاو میانسال) فرمان داد .

إنها بقره لافارض و لابكر عوان بين ذلك فافعلوا ما تؤمرون

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بين ذلك فافعلوا ما تؤمرون

جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح <مأمور> به <آنان>، ذبح گاوی میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۵، ۷، ۸، ۲

۲ - گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند باید سالم ، بی نقص و پیراسته از هر نقطه و خطی در رنگ و پوستش می بود .

مسلمه لاشیه فیها

<مسلمه> یعنی دارای سلامت و سلامت به معنای: مبرا بودن از عیب و آفت است. <شیه> به هر رنگی گفته می

شود که مخالف رنگ عمومی چیزی باشد. بنابراین <لاشیه فیها> یعنی، در رنگ آن گاو، رنگ دیگری نباشد. گفتنی است که <شیه> از ماده <وشی> است و <هاء> آخر عوض واو محذوف می باشد.

۵- قوم موسی، گاوی را با تمام ویژگی های تعیین شده، یافته آن را ذبح کردند.

فذبوها

ضمیر <ها> در <ذبوها> به <بقره> [توصیف شده] برمی گردد.

۷- قوم موسی، پس از دستیابی به گاو مورد نظر، تمایلی به کشتن آن نداشتند.

و ما کادوا یفعلون

<کاد> به معنای نزدیک بود، است. این فعل آن گاه که منفی باشد گاهی دلالت بر تأکید انجام نگرستن فعل بعد دارد و احياناً حاکی از انجام گرفتن آن، از روی بی میلی، کندی یا سختی است. در جمله <ما کادوا یفعلون> به قرینه <فذبوها> دومین معنا مراد است، یعنی، انجام دادند ولی با سختی و بی میلی.

۸- قوم موسی، با سؤال و جستجوی بی مورد، تکلیف (کشتن گاوی ماده برای حل معمای قتل) را بر خود دشوار کردند.

فذبوها و ما کادوا یفعلون

جمله <ما کادوا یفعلون> (نزدیک بود انجام ندهند) می تواند اشاره به دشواری انجام تکلیف مذکور باشد، که به شهادت جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (در آیه ۶۸) و قرینه های دیگر، قوم موسی خود با سؤالهای بی مورد این مشکل را آفریدند و تکلیف را بر خویش دشوار ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ - بزنطی از امام رضا (ع) روایت نموده که : <ان رجلا من بنی اسرائیل قتل

قرايه له . . . فقالوا لموسى (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله؟ قال ايتونى ببقره . . . فاشتروها و جاؤا بها فأمر بذبحها ثم أمر ان يضرب الميت بذبها فلما فعلوا ذلك حياى المقتول و قال يا رسول الله ابن عمى قتلنى دون من يدعى عليه قتلى فعلموا بذلك قاتله . . . ;

شخصى از بنى اسرائيل يکى از نزديکان خود را کشت . . . بنى اسرائيل به موسى گفتند: فلان قبيله، فلانى را کشته است و تو قاتل را معرفى کن. موسى (ع) فرمود: گاوى را نزد من آوريد . . . آنان گاو را خريده و نزد موسى (ع) بردند و موسى امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون اين کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت اى پيامبر خدا! پسر عمويم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با اين عمل قاتل را شناسايى نمودند . . . <

ذبح گاو در حج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانى کردن به هر يک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

على ما رزقهم من بهيمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته مى شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در اين جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) مى باشد. گفتنى است که <بهيمه>



به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

رنگ گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۲،۳

۲ - قوم موسی، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاو را که باید ذبح شود، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد.

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها

۳ - گاو که قوم موسی مأمور به ذبح آن شدند، باید دارای رنگ زرد خالص بوده و مسرت بخش باشد.

إنها بقره صفراء فاقع لونها تسر الناظرين

<فاقع> به معنای خالص و روشن است. ضمیر در <تسر> (مسرت بخش باشد) به <بقره> بر می گردد؛ یعنی، آن گاو باید به گونه ای باشد که مایه مسرت بینندگان شود. البته از فراز قبل (صفراء...) این معنا استفاده می شود که رنگ آن نیز دخیل در مسرت بخشی بوده است؛ یعنی: تسر بلونها الناظرین. بنابراین باید هم گاو زیبا می بود و هم رنگ آن.

زوجیت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمانیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمانیه ازواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانیه ازواج>.

شخم زنی با گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزارها استفاده می کردند .

لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

شیر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۲

۲ - شیر دامها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از منابع مهم تغذیه انسان

نسقیکم ممّا فی بطونها

شیر گاو از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۳

۳ - بیرون آوردن شیر خالص و آماده نوشیدن ، از بین خون و سرگین داخل شکبه شتر ، گاو و گوسفند ، از آیات خداوند

و إن لکم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

صفات گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۶۸ ، ۴ ، ۳

۳ - قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

۴ - میانسال بودن - نه گوساله جوان و نه گاوی پیر - از مشخصه های تعیین شده برای گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

إنها بقره لافارض و لا بكر عوان بين ذلك

<فارض> به معنای پیر و بزرگ سال است. <بقره بكر> یعنی، ماده گاوی جوان که هنوز باردار نشده است (لسان العرب).  
<عوان> هم به معنای میانسال است.

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های

دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

جمله < فافعلوا ما تؤمرون > (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح < مأمور > به < آنان، ذبح گاو میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

۸- از امام صادق (ع) درباره آیه < قال إنه يقول إن ها بقره لافارض و لابکر > روایت شده که فرموده اند: و < الفارض < التي قد ضرب ها الفحل و لم تحمل و > البکر < التي لم يضرب ها الفحل ... >

< فارض > گاو ماده ای است که جفت گیری کرده ولی باردار نشده است و < بکر > گاو ماده ای است که جفت گیری نکرده است . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۱،۴

۱ - قوم موسی ، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود ( حل معمای قتل ) نمی دانستند .

فافعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی (ع) با جمله < فافعلوا ما تؤمرون > به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاو میانسال را ذبح کنند؛ ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاو (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

۴ - تأکید موسی (ع) بر اینکه ، صفات بیان شده برای گاو که باید ذبح شود

، صفاتی تعیین شده از جانب خداوندست نه از ناحیه خود او

قالوا إنه يقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۹، ۲، ۱

۱ - قوم موسی ، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربك بين لنا ما لونها

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علينا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر...> یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

۹ - از رسول خدا ( ص ) روایت شده که : < أنهم أمروا بأدنی بقره و لكنهم لما شدوا علی أنفسهم شدد الله عليهم و ايم الله لو لم يستثوا ما بينت لهم ، إلى آخر الأبد... >

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند؛ لکن چون بر خویشان سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان <إن شاء الله> نمی گفتند هرگز علامتهای

گاو می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شد . . . < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱،۲،۳،۶

۱ - گاو که برای شخم زنی رام نشده و برای کشتزاران آبکشی نکرده ، از ویژگی های گاو که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

قال إنه يقول بقره إنها بقره لاذلول تثير الأرض و لاتسقى الحرث

<ذلول> به معنای رام و مطیع است. <إثارة> (مصدر تثير) به معنای زیر و رو کردن می باشد. مراد از زیر و رو کردن زمین به وسیله گاو، شخم زدن آن است.

۲ - گاو که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند باید سالم ، بی نقص و پیراسته از هر نقطه و خطی در رنگ و پوستش می بود .

مسلمه لاشیه فیها

<مسلمه> یعنی دارای سلامت و سلامت به معنای: مبرا بودن از عیب و آفت است. <شیه> به هر رنگی گفته می شود که مخالف رنگ عمومی چیزی باشد. بنابراین <لاشیه فیها> یعنی، در رنگ آن گاو، رنگ دیگری نباشد. گفتنی است که <شیه> از ماده <وشی> است و <هاء> آخر عوض واو محذوف می باشد.

۳ - قوم موسی ، آخرین علایم تعیین شده را ( رام نشده برای شخم و . . . ) نشانه هایی قاطع و برطرف کننده سردرگمی خویش دانستند .

قالوا الثن جئت بالحق

<حق> در جمله فوق به معنای ثابت و استوار در مقابل امری تردیدپذیر و نامشخص است. ال در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است؛ یعنی، حق کامل و تمام.

۶ - قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاو را که باید

ذبح می شد، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند.

قالوا لئن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن... هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

عبرت از خروج شیر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۴

۴- در خارج کردن شیر خالص از میان خون و فضولات غذایی شتر، گاو و گوسفند، درس عبرتی است برای انسانها

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیكم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

عبرت از گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۱

۱- در شتر، گاو و گوسفند درس عبرتی برای انسانهاست.

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیكم

<أنعام> نامی است برای شتر، گاو و گوسفند.

فلسفه خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذی أنشأ.. و من الإبل اثین و من البقر اثین قل الذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲

۲- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره



- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲ - شتر، گاو و گوسفند، برای انسان و در خدمت او است.

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳،۵

۳ - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است.

فمنها ركوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۵ - خداوند، شتر، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید.

و منها یاكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱

۱ - خداوند، دام ها (شتر، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است.

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

فواید پشم گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- پشم ، کرک و موی دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن ااثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثنا و متعا

از اینکه خداوند

پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه ااثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

فواید پوست گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال ( برای عشایر و صحرائشین ) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بیوتاً تستخفونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بیوتاً

فواید شیر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۵

۵- شیر شتر ، گاو و گوسفند نوشیدنی ، سالم و سهل التناول است .

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

<خالصاً> (پالوده از هر چیز) حکایت از سلامت آن و <سائغاً> (آسان جریان یابنده) حکایت از سهل التناول بودن آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۲

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، دارای نوشیدنی های بسیار برای انسان

و مشارب

فوايد كرك گاو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل -

۹- پشم، کرک و موی دام‌ها ( شتر، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

جعل لکم من الأنعم .. تستخفونها ... أثنا و متعا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

فواید گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذی أنشأ .. و من الإبل اثین و من البقر اثین قل الذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۴

۴- دام‌ها ( شتر، گاو و گوسفند )، دارای فواید و منافع گوناگون برای انسان

و الأنعم خلقها لکم فیها دفء و منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۱،۶

۱ - وجود و کارایی دام‌ها ( شتر، گاو و گوسفند ) برای انسان، آکنده از درس‌ها و عبرت‌هایی از تقدیر و تدبیر الهی است.

و إن لکم فی الأنعم لعبره

<أنعام>؛ یعنی، گله‌های شتر، گاو و گوسفند. <عبره> و <اعتبار> نیز به معنای پند گرفتن و اندرز یافتن است.

۶- شتر، گاو و گوسفند، از منابع درآمد و امرار معاش انسان

و منها تأکلون

جمله <و منها تأکلون>

(از آنها می خورید) می تواند تعبیر کنایی از ارتزاق و کسب درآمد باشد؛ چنان که گفته می شود <فلانی از حرفه اش می خورد> که مقصود این است که فلانی از حرفه اش زندگی کرده کسب درآمد می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم یروا أننا خلقنا لهم مما عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳

۳ - خداوند برخی از دام ها ( چون شتر و گاو ) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۱

۱ - شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها رکوبهم و منها یأکلون . و لهم فیها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۸،۹

۸ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه آفرینش دام ها ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز

و أنزل لكم من الأنعم

۹- دام ها ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز ) دارای اهمیت و نقش ویژه در تغذیه و بهره‌وری انسان ها

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

از اختصاص به ذکر یافتن دام ها از میان دیگر حیوانات و نعمت های خدادادی، به وقت سخن گفتن از آفرینش انسان ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

فواید موی گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹

۹- پشم ، کرک و موی دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثثا و متعاً

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

قصه گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۲۵

۲۵- از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : > ان رجلا من خیار بنی اسرائیل و علمائهم خطب إمرأه منهم فانعمت له و خطبها ابن عمّ لذلك الرجل و كان فاسقاً ردياً فلم ينعموا له فحسد ابن عمّه الذي انعموا له فقعد له فقتله غيلة ثم حمله إلى موسى فقال يا نبي الله هذا ابن عمّي قد قتل قال موسى من قتله قال لا ادري . . . فعظم ذلك على موسى فاجتمع إليه



بنو اسرائیل فقالوا ماتری یا نبی اللہ... قال لهم موسی > ان اللہ یامرکم ان تذبحوا بقره <... ۱

مردی از علما و برگزیدگان بنی اسرائیل از قوم خود زنی را خواستگاری کرد و او پذیرفت ۱ و همان زن را پسر عموی آن عالم - که مردی فاسق و پست بود - خواستگاری کرد و آنان به او جواب رد دادند و این پسر عموی فاسق به آن عالم حسد برد و در کمین او نشست و غافلگیرانه او را کشت و جنازه او را به سوی موسی (ع) برده و گفت: ای پیامبر خدا! این پسر عموی من است که او را کشته اند. موسی (ع) فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: نمی دانم... این واقعه بر موسی (ع) گران آمد و بنی اسرائیل در اطراف موسی (ع) جمع شدند و گفتند نظر و حکم شما ای پیامبر خدا چیست؟ ... موسی (ع) فرمود: خداوند به شما امر می کند که گاوی را ذبح کنید...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۹

۹ - از رسول خدا (ص) روایت شده که : > أنهم أمروا بأدنی بقره و لكنهم لما شدوا علی أنفسهم شدد اللہ علیهم و ائیم اللہ لو لم یستثنوا ما بینت لهم ، إلى آخر الأبد... ۱

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند ۱ لکن چون بر خویشتن سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان > إن شاء اللہ < نمی گفتند هرگز علامتهای گاوی که

می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شد . . . <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱۱ - امام صادق (ع) فرموده اند: > . . . و كان في بني اسرائيل رجل له بقره و كان له ابن بازر و كان عند ابنه سلعه فجاء قوم يطلبون سلعته و كان مفتاح بيته تحت رأس أبيه و كان نائماً . . . فلما انتبه أبوه قال له يا بني ما صنعت في سلعتك قال هي قائمه لم ابعها لان المفتاح كان تحت رأسك فكرهت ان انبهك و انغصص عليك نومك قال له ابوه قد جعلت هذه البقره عوضاً عما فاتك من ربح سلعتك و شكر الله لابنه ما فعل بابيه و امر بني اسرائيل أن يذبحوا تلك البقره . . . قال لهم موسى ان الله يأمركم أن تذبحوا بقره . . . هي بقره فلان فذهبوا ليشتروا فقال: لا ابيعها الا بملء جلدها ذهباً فرجعوا إلى موسى فأخبروه فقال لهم موسى لا بد لكم من ذبحها بعينها بملء جلدها ذهباً فذبحوها . . . ;

. . . در بین بنی اسرائیل مردی بود که گاوی داشت و این مرد را پسر نیکوکاری بود و نزد این پسر کالایی بود که عده ای برای خرید آن آمدند و کلید خانه اش زیر سر پدرش بود و او نیز در خواب بود . . . پدر چون از خواب بیدار شد پرسید که با کالای خود چه کردی؟ پسر گفت: کالا در جای خود باقی است و آن را

نفروختم؛ چون کلید زیر سر شما بود و دوست نداشتم که شما را بیدار کرده و خواب را برایتان ناگوار نمایم. پدر به او گفت: این گاو را در مقابل سودی که از دست دادی به تو بخشیدم. و خدا خوشرفتاری این پسر را با پدر خویش پاس داشت و به بنی اسرائیل دستور داد آن گاو را ذبح کنند... موسی به آنان گفت: خداوند به شما دستور داده که گاوی را بکشید... این همان گاو شخص نیکوکار بود. پس برای خرید آن رفتند و آن شخص گفت: گاو خود را نمی فروشم مگر اینکه پوست آن را پر از طلا نمایید. پس بنی اسرائیل به سوی موسی (ع) آمدند و آن حضرت به آنان گفت: باید همین گاو را بکشید و لو اینکه پوست آن را پر از طلا نمایید و بنی اسرائیل ناچار به ذبح آن گاو شدند...>

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: >... ان الذین أمروا قوم موسی بعباده العجل ، کانوا خمسه أنفس ، و کانوا أهل بیت يأکلون علی خوان واحد... و هم الذین ذبحوا البقره التي أمر الله عز و جل بذبحها ؛

.. کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند... و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود ذبح کنند.>

۱۳ یونس بن یعقوب می گوید: > قلت لابی عبدالله (

ع) : ان اهل مكه يذبحون البقره في اللب فما ترى في اكل لحومها؟ قال : فسكت هنيهة ثم قال : قال الله : > فذبحوها و ما كادوا يفعلون لا تأكل الا ما ذبحوا من مذبحة ;

به امام صادق(ع) عرض کردم: اهل مكه گاو را (مثل شتر) می کشند (نحر می کنند) پس گوشت آن چه حکمی دارد؟ امام لحظه ای ساکت شد، سپس فرمود: خداوند فرموده: آن گاو را ذبح نمودند و نزدیک بود آن مأموریت را انجام ندهند. بنابراین هیچ گوشتی را نخور مگر اینکه از راه (شرعی) خودش ذبح شده باشد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ - بزنتی از امام رضا (ع) روایت نموده که : > ان رجلا من بنی اسرائیل قتل قرابه له . . . فقالوا لموسی (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله؟ قال ایتونی ببقره . . . فاشتروها و جاؤا بها فأمر بذبحها ثم أمر ان يضرب المیت بذنبها فلما فعلوا ذلك حیي المقتول و قال یا رسول الله ابن عمی قتلنی دون من یدعی علیه قتلی فعلموا بذلك قاتله . . . ;

شخصی از بنی اسرائیل یکی از نزدیکان خود را کشت . . . بنی اسرائیل به موسی گفتند: فلان قبیله، فلانی را کشته است و تو قاتل را معرفی کن. موسی (ع) فرمود: گاوی را نزد من آورید ... آنان گاو را خریده و نزد موسی(ع) بردند و موسی امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که

دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون این کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت ای پیامبر خدا! پسر عمویم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با این عمل قاتل را شناسایی نمودند...>

کشف قتل با گاو مذبوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۲

۲ - قوم موسی ، ناباور به کفایت ذبح هر گاوی برای حل معمای قتل

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۱

۱ - قوم موسی ، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود ( حل معمای قتل ) نمی دانستند .

فافعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی(ع) با جمله <فاعلوا ما تؤمرون> به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاوی میانسال را ذبح کنند؛ ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاوی (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۲

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد

إن البقر تشبه علينا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی>

متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر...> یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱

۱ - خداوند، به قوم موسی فرمان داد تا قطعه ای از گاو ذبح شده را بر پیکر مقتول بزنند.

فقلنا اضربوه ببعضها

ضمیر مفعولی در <اضربوه> به <نفساً> بر می گردد و ضمیر در <بعضها> به <بقره> ارجاع می شود.

کفاره صید گاو وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر، کفاره شکار شتر مرغ، گاو، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق (ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کیفیت خروج شیر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۲

۲- خداوند ، بیرون آورنده شیر خالص از میان خون

و سرگین های داخل شکنجه شتر ، گاو و گوسفند جهت استفاده انسانها

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

<فرث> سرگینی است که داخل شکنجه است و هنوز از آن خارج نشده است.

گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۶، ۷، ۴

۴ - بازیچه قرار دادن و به مسخره گرفتن بنی اسرائیل ، پندار و تحلیل قوم موسی از دستور ذبح گاو

أَتتخذنا هزواً

<هزواً> یعنی به بازی گرفتن و مسخره کردن. از آیه ۷۲، ۷۳ چنین بر می آید که فرمان مذکور در ارتباط با قتل بوده که در میان بنی اسرائیل اتفاق افتاده و هر یک از طایفه ها طایفه دیگر را مسؤول می شناختند و از آن جا که قوم موسی میان دستور ذبح گاو و کشف معمای قتل ارتباطی نمی دیدند، آن دستور (ذبح گاو) را به تمسخر گرفتن خویش، تحلیل کردند.

۶ - موسی (ع) مخالفت و موضع گیری قومش را درباره دستور ذبح گاو ، پیش بینی کرد .

إن الله يأمرکم أن تذبحوا بقره

موسی (ع) فرمان الهی (لزوم ذبح گاو) را با جمله اسمیه <إن الله ..> - که قرین به حرف تأکید <إن> است - بیان داشت و معمولاً - بیان معنا با کلامی مؤکد، حاکی از آن است که مخاطب پذیرای مضمون کلام نیست و یا آن را مورد تردید قرار خواهد داد.

۷ - قوم موسی وی را به دروغ گویی در ابلاغ حکم خدا (فرمان ذبح گاو) ، متهم کردند .

إن الله يأمرکم ..



قالوا أتتخذنا هزواً

با وجود اینکه موسی(ع) با جمله <إن الله..> تصریح می کند که خداوند چنین دستوری داده بنی اسرائیل با خطاب به موسی(ع) (أتتخذنا) او را صادر کننده آن فرمان می پنداشتند؛ یعنی، بر این گمان بودند که وی به گزاف آن حکم را به خداوند نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۳،۴،۵

۳ - قوم موسی ، تحیر و سردرگمی خویش را در انتخاب گاوی که باید ذبح می شد ، دلیل تکرار سؤال و تقاضای توضیح بیشتر عنوان کردند .

قال ادع لنا ربك .. إن البقر تشبه علينا

قوم موسی، با جمله تعلیلیه <إن البقر ..> - که تعلیل برای جمله قبل است - در صدد بیان این معنا بودند که: پرسشهای مکررشان بدین جهت است که امر بر آنان مشتبه شده و در پی رهایی از تحیر و سردرگمی هستند نه بهانه گیری و تلاش برای فرار از مسؤولیت.

۴ - قوم موسی ، با آخرین پرسش درباره گاو ، به معین شدن گاو و رهایی از تحیر امیدوار بودند .

و إنا إن شاء الله لمهتدون

<مهتدون> اسم فاعل از اهتداء و به معنای راه یافتگان است و متعلق آن همان گاوی است که باید ذبح می شد.

۵ - اتکای قوم موسی به مشیت و خواست خدا ، در دستیابی به گاوی که باید ذبح می کردند .

و إنا إن شاء الله لمهتدون

گاو در کفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۴،۸،۲۶

۴ جریمه و سزای کشتن

شکار، قربانی کردن دام اهلی ( شتر، گاو و گوسفند ) همانند آن شکار است .

و من قتله .. فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه ( شتر، گاو و یا گوسفند ) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدیاً بلغ الکعبه

۲۶ شتر، کفاره شکار شتر مرغ، گاو، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

گاو زرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۵

۵ - گاوی که دارای رنگ زرد خالص باشد، مایه جلب

نظر بینندگان شده و مایه مسرت آنان خواهد شد . \*

إنها بقره صفراء فاقع لونها تسر النظرين

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تسر الناظرین> قید توضیحی باشد نه احترازی.

گاو قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گاو ماده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱

۱ - خداوند، قوم موسی را به ذبح گاوی ماده فرمان داد .

إن الله يأمرکم أن تذبحوا بقره

ماده بودن گاو از <بکر> در آیه بعد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۶

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح <مأمور>  
به <آنان، ذبح گاوی میانسال

بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۸

۸ - قوم موسی ، با سؤال و جستجوی بی مورد ، تکلیف ( کشتن گاوی ماده برای حل معمای قتل ) را بر خود دشوار کردند .

فذبحوها و ما کادوا یفعلون

جمله < ما کادوا یفعلون > ( نزدیک بود انجام ندهند ) می تواند اشاره به دشواری انجام تکلیف مذکور باشد، که به شهادت جمله < فافعلوا ما تؤمرون > ( در آیه ۶۸ ) و قرینه های دیگر، قوم موسی خود با سؤالهای بی مورد این مشکل را آفریدند و تکلیف را بر خویش دشوار ساختند.

گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۳

۱۳ گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبیت أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره < طیبیت > در آیه فوق فرمود: ... یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ...

---

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۳

۳ خداوند گوشت چهارپایان ( شتر، گاو، گوسفند ) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم ... کلوا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند

الأنعم . .. و منها تأكلون

گوشت گاو در دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

مالکیت بر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۳

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) و بهره برداری از آنها، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> جمع <نعم> است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

منشأ پیدایش گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازواج من الضأن اثنین

<ثمانیه ازواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانیه ازواج>.

منشأ تسخیر گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، دام ها



( شتر ، گاو و گوسفند ) را رام انسان و در خدمت او قرار داده است .

أَنَا خَلَقْنَا لَهُمْ أَنْعَمًا .. و ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ

<تذليل> (مصدر <ذللنا>) به معنای خوار کردن و به خضوع واداشتن چیزی است. و مقصود از آن در آیه شریفه، رام کردن و در اختیار قرار دادن انعام برای بشر است.

نعمت پوست گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا

نعمت زوجیت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز ) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<أنعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <أزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - شتر، گاو و گوسفند، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۴

۴ - دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) و فرزندان ، از نعمت ها و امداد های الهی به بشر

أمدکم بأنعم و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم یروا أننا خلقنا لهم مما عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

و لهم فیها منفع و مشارب أفلاشکرون

گاو میش

احکام گاو میش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ ایوب بن نوح قال: سألت أبا الحسن الثالث (ع) عن الجاموس و اعلمته أن أهل العراق يقولون إنه مسخ فقال: او ما سمعت قول الله: <و من الإبل اثنين و من البقر اثنين >.

ایوب بن نوح گوید، از امام هادی (ع) درباره گاو میش سؤال کردم و گفتم:

اهل عراق آن حیوانات مسخ شده می دانند، آن حضرت فرمود: آیا نشنیده ای سخن خداوند را که فرمود: <از شتر دو نوع آن و از گاو دو نوع آن> برای شما آفرید. (یعنی اینکه گاو میش نیز از جنس <گاو> است و از حیوانات مسخ شده نیست.)

جنس گاو میش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱۴

۱۴ ایوب بن نوح قال: سألت أبا الحسن الثالث (ع) عن الجاموس و اعلمته أن أهل العراق يقولون إنه مسخ فقال: او ما سمعت قول الله: <و من الإبل اثنين و من البقر اثنين>.

ایوب بن نوح گوید، از امام هادی (ع) درباره گاو میش سؤال کردم و گفتم: اهل عراق آن حیوانات مسخ شده می دانند، آن حضرت فرمود: آیا نشنیده ای سخن خداوند را که فرمود: <از شتر دو نوع آن و از گاو دو نوع آن> برای شما آفرید. (یعنی اینکه گاو میش نیز از جنس <گاو> است و از حیوانات مسخ شده نیست.)

### گرایش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{گرایش}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۵،۳۷

۳۵ آزمایش های الهی برای آشکار نمودن گرایش های درونی مردمان است؛ نه اطلاع یافتن خداوند از آنچه در درون ایشان می گذرد.

و لیتلی الله ما فی صدورکم .. و الله علیم بذات الصدور

جمله <و الله علیم ..> این حقیقت را بازگو می کند که آزمایش الهی در جنگ احد <صرفکم عنهم> برای این نبود که خداوند مؤمن واقعی را از غیر آن تشخیص دهد، چرا که خداوند به

آنچه در سینه ها می گذرد آگاه است ؛ بنابراین آزمایش الهی برای آشکار نمودن درون افراد خواهد بود.

۳۷ انحراف در رفتار و کردار آدمی ، ناشی از انحراف در گرایش های درونی و انگیزه های او

و لیبتلی الله ما فی صدورکم و لیمحص ما فی قلوبکم

چون رفتار خارجی و اعمال ظاهری (فرار از جنگ، اظهار تردید در حقایق اسلام و ..) در این آیات نشانه تشخیص درون سینه ها معرفی شده، معلوم می گردد که رفتار و کردار آدمی نتیجه افکار اوست.

آثار ترک گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۷

۷ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری ، تکیه نکردن بر ستمگران و اقامه نماز ، نیکوکاری و در پی دارنده اجر و پاداش الهی است .

فاستقم . . . و لاترکنا . . . أقم الصلوه ... فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۴

۲۴- گرایش به صلاح و جلب رضای الهی ، نمودی از کمال عقلی انسان

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي . . . وَأَنْ أَعْمَلَ صَلَاحًا تُرْضِيهِ

توجه به قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که تعبیر <أربعین سنه> ناظر به بلوغ عقلی است، چه این که <بلغ أشده> می تواند اشاره به بلوغ جسمی داشته باشد. بنابراین آنچه بر سن چهل سالگی انسان در آیه مترتب شده، از کمال عقلی نشأت یافته است.

آثار گرایش به باطل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۲

۲ - باطل گرایي و سرگرم شدن به پوچي ها ، عامل اصلي تکذيب وحی و قیامت

الذین هم فی خوض یلعبون

از این که <الذین هم..> به عنوان تنها وصف <المکذبین> آمده است؛ نقش اصلی آن در تکذیب حق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۴

۴ - کفر و باطل گرایي و پوچي در زندگی ، موجب ذلّت و خواری شدید در روز قیامت

فذرهم یخوضوا و یلعبوا .. ترهقهم ذلّه ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون

آثار گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۴

۴ گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی ، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعبیاً إنکم إذا لخسرون

برداشت فوق با توجه به آیه ۸۵، که بیانگر پیامهای شعبی است، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۳، ۸

۸ نزول باران های فراوان ، در صورت پرهیز از شرک و گرایش به توحید و پرستش خدا ، از نوید های هود (ع) به قوم

خویش

و یقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدراراً

فعل مضارع <یرسل> به اصطلاح در جواب فعل امر (استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه) قرار گرفته و با <إنْ> شرطیه مقدر مجزوم شده است؛ یعنی: <إنْ تستغفروا و توبوا یرسل . . .> اگر استغفار کنید



و به سوی خدا حرکت کنید، او ابرهای پر باران را برای شما خواهد فرستاد.

۱۳ هود (ع) مردم خویش را در صورت استغفار از گناهان، گرایش به توحید و پرستش خدا، به افزایش نیرو و توانشان بشارت داد.

و یقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه .. یزدکم قوه إلی قوتکم

<یزدکم> عطف بر <یرسل> و جواب برای شرط مقدر می باشد؛ یعنی: <إن تستغفروا .. یزدکم> اگر استغفار کنید و ... خداوند نیروی شما را افزایش می دهد.

آثار گرایش به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۸

۸- گرایش و عدم گرایش مردم و آرای آنان در حقایق حق، بی تأثیر است.

الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر

آثار گرایش به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۶

۶ گرایش داشتن آدمی به خدا زمینه ساز مشیت الهی به هدایت وی و رهنمون ساختنش به پذیرش توحید و رسالت پیامبر (ص)

إن الله یضل من یشاء و یهدی إلیه من أناب

<انابه> (مصدر اناب) به معنای روی آوردن و بازگشتن است که به قرینه <إلیه> منظور از آن، روی آوردن و بازگشت به خداست و از آن جا که این وصف پیش از هدایت یافتن مطرح شده است، مراد از آن گرایش داشتن به خدا و گریزان نبودن از اوست.

آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۰۷

۱- احسان به

والدین ، روحیه شکر ، توبه ، صلاح جویی و تسلیم ، شرط پذیرش تمام اعمال نیک انسان به درگاه خدا

أولئك الذين نتقبل عنهم أحسن ما عملوا

مراد از <أحسن..> می تواند اعمال واجب و مستحب در قبال اعمال مباح باشد. که در این صورت از ارتباط دو آیه استفاده می شود که اگر کسی از روحيات یاد شده برخوردار بود اعمال نیک او (واجب و مستحب) پذیرفته می شود.

۷- احسان به والدین ، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصينا الإنسن .. أوزعنی أن أشکر ... و أن أعمل صلحا ترضیه و أصلح لی فی ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و .. یاد شده است؛ در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه <أولئك> این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

آثار گرایش به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۷

۷ زیر پا گذاشتن مقررات شرعی و گرایش به طاغوت ، از عوامل ابتلای جوامع به مشکلات و گرفتاریها

و اذا قيل لهم .. فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدّمت ايديهم

آثار گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۵، ۲

۲ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، موجب گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

و لا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار

۱۵ > عن رسول الله (ص) : . . . من مدح

سلطاناً جائراً و تخفّف و تضعضع له طمعاً فيه كان قرينه إلى النار... قال الله عزوجل : > و لا تركنوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: ... کسی که سلطان ستمگری را به خاطر طمع داشتن به او، ستایش کند و در برابر او کوچکی و تواضع نماید در آتش همنشین او گردد ... خداوند عزوجل فرمود: و لا ترکنوا...<

آثار گرایش به فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۳

۳ - گرایش طبیعی انسان به فسق و فجور ، زمینه پریش های انکارآمیز او درباره قیامت .

بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه

جمله <یسئل أیّان...> استیناف بیانی و در مقام تعلیل و تفسیر <بل یرید الإنسان لیفجر...> است؛ یعنی، پریش انکارآمیز انسان، برخاسته از گرایش او به فسق و فجور است؛ چرا که اگر قیامت را بپذیرد، نمی تواند به فسق و فجور متمایل گردد. ازاین رو برای ادامه راه فسق و فجور خویش، قیامت را انکار کرده و به تمسخر می گیرد.

آثار گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۲

۱۲- تمایل به کافران ، مایه تنها ماندن انسان و محروم شدن از نصرت خداوند

ترکن إلیهم شیئاً قلیلاً. إذا لأذقنک ... ثم لاتجد لک علینا نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۳

۳- تسلط شیطان بر روح منافقان ، معلول گرایش آنان به کافران و

اظهار همدلی با ایشان

الشيطان سؤل لهم . . . ذلك بأنهم قالوا... سنطيعكم

<ذلك> می تواند اشاره به تسلط شیطان باشد که از آیه قبل (الشيطان سؤل لهم) استفاده می شود و تعبیر <بأنهم..> در مقام تعلیل است.

اهمیت گرایش به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، گرایش دادن آنان به سوی اسلام است نه نابود کردن آنان .

فاقتلوا المشركين .. . فإن تابوا ... فخلوا سبيلهم

اهمیت گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۶

۶ استغفار از گناهان ، گرایش به توحید و پرستش خدا ، مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خداوند و تقرب به درگاه او

و يقوم استغفروا ربكم ثم توبوا إليه

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <ثم> که جمله <توبوا إليه> را بر <استغفروا ربكم> عطف کرده به دست می آید.

اهمیت گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲

۲ - رویکرد تمام عیار به دین خدا و مشغول نکردن خود به مشرکان هواپرستی که بر گمراهی خود پا می فشارند ، لازم است .

بل اتبع الذين ظلموا .. فأقم وجهك للدين

<فا> در <فأقم> فصیحه و نتیجه گیری از جمله محذوف است؛ یعنی : <حال که روشن شد که مشرکان، به دلیل هواپرستی شان، به خدا شرک میورزند و هدایت ناپذیرند، تو، به آنان توجه نکن و تنها،

به دین خدا متوجه باش. <.

پرسش از گرایش امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۲

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال الله يعيسى ابن مريم ءانت قلت للناس

ترک گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۳

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم كما أمرت .. و لا تتركوا إلى الذين ظلموا ... واصبر

حرمت گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱

۱ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، حرام و گناهی بزرگ است .

و لا تتركوا إلى الذين ظلموا

<الرکون إلى شیء > یعنی ، گرایش پیدا کردن به چیزی و اعتماد کردن بر آن.

خطر گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۱

۱ - هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أوحى إليك وإلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

مفرد آمدن خطاب در <أشركت> و <عملك> با آن که همه پیامبران مخاطب وحی الهی بودند می رساند که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

زمینه گرایش به ارزشها

جلد - نام سوره



- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۱ - ۷

۷- توجه به عظمت مراتب اخروی ، مایه گرایش به ارزش های عالی آن است .

انظر . . . و للأخره أكبر درجت و أكبر تفضيلاً

دعوت خداوند از انسانها برای تعمق و تأمل در مدارج عالی اخروی، می تواند به این منظور باشد که در انسانها انگیزه آخرت طلبی و تلاش برای کسب درجات عالی آخرت ایجاد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۴

۴ - توجه انسان به چگونگی خلقت خویش و مرگ و رستاخیز ، زمینه ساز گرایش وی به ایمان و رو کردن به ارزش های دینی و الهی

ثم إنكم يوم القيمة تبعثون

در آیات نخستین این سوره، سخن از مؤمنان راستین و صفات ارزشی آنان بود. اکنون در این آیات که سخن از خلقت شگفت انسان و مرگ و رستاخیز او است می تواند رهنمودی باشد به انسان ها برای گرویدن به راه مؤمنان راستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۶

۶- استفاده خداوند از تمایلات طبیعی بشر ، در جهت تشویق او به ایمان و ارزش ها

جنت تجرى من تحتها الأنهر

تمایل بشر به برخورداری از بوستان هایی سرشار از رودهای جاری، زمینه ای قرار گرفته است تا خداوند بهوسیله این تمایل طبیعی، او را به ارزش های معنوی مشتاق سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۳

۱۳- نیازهای طبیعی و مادی بشر، وسیله ای در جهت

گرایش دادن او به ارزش ها

فيها أنهر من ماء غير ءاسن و أنهر من لبن لم يتغير طعمه و أنهر من خمر لذه للش

خداوند از گرایش های طبیعی انسان به نوشیدن و لذت بردن و .. در جهت تشویق او به دین داری، استقامت و تقوایشگی در طریق حق استفاده کرده است.

زمینه گرایش به ارزشهای معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنين و المؤمنت جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

زمینه گرایش به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۲

۲ - گرایش به دین اسلام ، در گرو وجود سعه صدر و روح پذیرش حق در انسان است .

أفمن شرح الله صدره للإسلام

زمینه گرایش به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره گیری خداوند از تمایلات طبیعی انسان ها در گرایش دادن آنان به ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۹

۹ - بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی انسان ها

، در گرایش دادن آنان به ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و لِبَاسِهِمْ فِيهَا حَرِيرٌ

زمینه گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۸

۱۸ پرهیز از شرک و گرایش به توحید ، تنها در پرتو عنایت ها و امداد های الهی میسر است .

مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَشْرَكَ .. ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ مردم ، در صورت آگاهی از براهین توحید ، به یکتاپرستی گرایش خواهند یافت .

و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۸

۸ توجه به اینکه خداوند هیچ شریکی برای خویش سراغ ندارد ، آدمی را به توحید و نفی شرک گرایش می دهد .

أَمْ تَتَّبِعُونَ مَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ

زمینه گرایش به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۲۱

۲۱ یادآوری نعمت های الهی ، دارای تأثیری بسزا در توجه آدمی به خدا و دستیابی به رستگاری است .

فَاذْكُرُوا ءَالَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی روی آوردن به درگاه او به هنگام نیاز

إذ نادى ربّه ربّ لا تذرنى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۵

۵ - استفاده قرآن کریم از تحولات و حوادث

مهم ، به منظور جلب نظر مردم به سوی خداوند

غلبت الروم . . . لله الأمر من قبل ... بنصر الله ينصر من يشاء ... وعد الله لا يخ

پرداختن به حادثه ای تاریخی، مانند جنگ رومیان و ایرانیان که خارج از قلمرو حیات جمعی مسلمانان بوده اگر چه می تواند به خاطر نگرانی مؤمنان عصر بعثت از شکست معتقدان به کتاب آسمانی (رومیان) باشد، اما تأکید بر خدایی بودن حوادث در آن ماجرا (لله الأمر. . . و بنصر الله...) مشعر به نکته بالا است.

زمینه گرایش به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ احترام و اهمیت دادن به سنت های پیشینیان از عوامل گرایش جوامع به خرافات

ما جعل الله من بحيره . . . قالوا حسبنا ما وجدنا عليه اباءنا

زمینه گرایش به دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۶

۶- بیماردلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی ، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فيها القتال رأيت الدين في قلوبهم مرض . . . قالوا للدين كرهوا ... سنطيعكم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیماردلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

زمینه گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ علاقه به معارف دینی ، در گرو شناخت آنهاست .

فَعَمَّيتُ عَلَيْكُمْ .. و أَنْتُمْ لَهَا كَرِهُونَ

جلد - نام سورہ - سورہ -



آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۴

۴ - توجه به منشأ خلقت و روزی و مرگ انسان ، مقتضی رویکرد تمام عیار به دین است .

اللّٰه الذی خلقکم .. فأقم وجهک للذین

احتمال دارد <فاء> در <فأقم> تفریع بر آیه <الذی خلقکم ..> باشد که در آن، خداوند، برخی از افعال خود را به عنوان نشانه، یادآوری کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۴

۴- ملت های محروم و رنج دیده ، دارای زمینه حق پذیری و گرایش به دین

و لقد اخترنهم .. و ءاتینهم

با توجه به سیاق آیات پیشین که فرعونیان را به دلیل رفاه مندی و اسرافگری، حق ناپذیر و محکوم به هلاکت معرفی کرده است می توان علت و انتخاب بنی اسرائیل را برای دریافت آیات و معجزات، محرومیت آنان از رفاه مندی و آمادگی آنان برای حق پذیری دانست. البته این هم آغاز یک آزمون است نه امضای صلاحیت مطلق و بی استثنای آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۲

۱۲- توجه به محدودیت عمر زندگی ، هشداری به انسان ها و عاملی در جهت حق گرایی و روی آوردن آنان به حقایق دین

\*

ما خلقنا ..إلاّ بالحقّ وأجلّ مسمّی و الذین کفروا عمّا أنذروا معرضون

برداشت بالا براساس این احتمال است که تذکر خداوند به <أجلّ مسمّی> در پی تذکر به حقانیت هستی هشداری باشد به آدمیان که دل به زندگی ناپایدار نبندند و از حاکمیت حق غافل نگردند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۴

۴ - تأثیر مثبت بیان فواید و نتایج ایمان و دین داری در گرایش بیشتر مردم به دین

و أَلَوِاسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

مأموریت پیامبر(ص) به بیان فواید دین، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۲

۲ - تسبیح و حمد خداوند و استغفار به درگاه او، پس از مشاهده امداد های الهی و گرایش وسیع مردم، به دین، فرمان و

توصیه خداوند به پیامبر (ص)

إِذَا جَاءَ نَصْرَ اللَّهِ وَالْفَتْحَ . وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا . فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

زمینه گرایش به سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۹

۹- انسان برای گرایش به راه خدا، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <الموعظه> عطف بر <بالحكمة> است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که

<وجادلهم> با بیان دیگر و امری مجزا آمده است.

زمینه گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۸

۸ احساس بی نیازی از خداوند، زمینه غفلت از یاد او و گرایش به شرک است.

تدعونہ تضرعاً و خفیہ . . . قل اللہ ینجیکم منها و من کل کرب ثم أنتم تشرکون

زمینہ گرایش بہ عمل صالح

جلد - نام سورہ - سورہ

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره گیری خداوند از تمایلات طبیعی انسان ها در گرایش دادن آنان به ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

زمینه گرایش به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۴

۴ - فقر ، تنگدستی ، بیچارگی و درماندگی زمینه ساز یأس و نومیدی از خدا ( کفر ) و پناهنده شدن به غیر او ( شرک )

مَنْ كَانَ يَظُنُّ .. هَلْ يَذُوبُ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ

روی سخن در این بخش، با آن اشخاصی است که به خداپرستی گرویده بودند و همین که با برخی از ناملایمات زندگی روبه رو شدند از عبادت او روی برتافتند و به گمان آن که در هستی جز خدا، نیروهای دیگری نیز دخالت دارند، به شرک (آیین سابقشان) باز گشتند.

زمینه گرایش به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ - توجه به قیامت ، زمینه ساز گرایش انسان به حقانیت قرآن و موازین الهی

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ .. وَ مَا يَدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

زمینه گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۱

۱- ترجیح زندگی دنیا بر آخرت ، ریشه اصلی ارتداد و گرایش به کفر است .

من كفر بالله من بعد إيمنه .. ذلك بأنهم استحبوا الحيوه الدنيا على الأخره

جمله <ذلك بأنهم ..> در مقام تعليل برای آيه قبل است

و نیز <ذلک> اشاره دارد به ارتداد و کفر پس از ایمان.

زمینه گرایش به مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۸

۱۸- قطع ارتباط با خداخواهان تهیدست ، زمینه ساز تمایل آدمی به مظاهر مادی و جلوه های ظاهری دنیامداران است .

و لاتعد عیناک عنهم ترید زینه الحیوه الدنیا

سرزنش گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۷

۷ روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرک و بت پرستی ، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت خداوند

فذلکم الله ربکم الحق .. فأنی تصرفون

سرزنش گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ > عن النبی (ص) قال : ... و قال لقمان لابنه : یا بنی ... إن كنت صالحاً فابعد من الأشرار و السفهاء ، فریما أصابهم الله بعذاب فیصیبک معهم ، فقد أفصح الله سبحانه و تعالی بقوله : ... و ... و قال سبحانه : > و لاترکنوا إلى الذین ظلموا فتمسکم النار < ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: ... لقمان به فرزندش گفت: ای پسرک من! ... اگر انسان شایسته ای هستی از اشرار و سبک مغزان دوری کن، چه بسا خداوند بر آنان عذابی بفرستد و تو را هم با آنان فرا گیرد ... خداوند در گفتار خود به روشنی فرموده: ...

و... <ولا تركزوا إلى الذين...> <...>.

سرزنش گرایش به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۲

۲ - روی آوردن به غیر خدا ، با وجود اعتقاد به خالقیت یگانه او ، انحرافی آشکار و امری ملامت بار

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

<إفكك> (مصدر <يؤفكون>) به معنای روی گرداندن و انحراف از مسیر طبیعی است.

سرزنش گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۴

۴ گرایش به خصلت های کفرپیشگان ، امری نکوهیده برای اهل ایمان

و لا تكونوا كالذين خرجوا من ديارهم

سرزنش گرایش مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۶

۶ جستجوی منافع مادی در هنگامه جنگ با دشمنان دین ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند

تریدون عرض الدنيا و الله يريد الآخرة

عوامل گرایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۹

۹ گرایش مردم به رهبران دینی ، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك

عوامل گرایش به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- توجه به فرجام مؤمنان و کافران ، نقشی تعیین کننده در گرایش انسان به ایمان یا کفر دارد .

فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر إنا أعتدنا للظالمين نارا

عوامل گرایش به باطل

جلد -



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۵

۵ ستمگری ، باطل گرایی و دروغ پردازی ، از نتایج و اثرات کفر به خدا و انکار رسالت پیامبر ( ص )

و قال الذين كفروا إن هذا إلا إفك .. فقد جاء وظلمًا و زورًا

<زور> به معنای سخن باطل و دروغ است (لسان العرب).

عوامل گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان ( توانایی درک و فهم حقایق ) گرایش دهنده او به توحید ، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مثل الفريقين كالأعمى والأصم والبصير والسميع

عوامل گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۵

۵ - توجه انسان در دنیا به ناپایداری عمر خویش ، دارای نقشی اساسی در گرایش او به دین الهی

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنكم كنتم تعلمون

تعبیر <لو أنكم كنتم تعلمون> می رساند که اگر انسان در زندگی دنیوی، به ناپایداری آن توجه داشته باشد، راهی را انتخاب خواهد کرد که به دوزخ و پشیمانی منتهی نشود. آن راه، همان گردن نهادن به شریعت و آیین الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به آیات فراوان الهی ، مقتضی روی آوردن به دین خداست .

و من آیتہ .. فاقم وجهک للدین حنیفاً

احتمال دارد <فا> در <فاقم> تفریع بر آیاتی باشد که در صدد اثبات یک تایی

خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - تأثیر سازنده اخلاص و نداشتن چشم داشت مادی ، در تبلیغ دین و گرایش دادن مردم به دین داری

اتَّبِعُوا مِنْ لَایْسَلْکُمْ اَجْرًا

۱۱ - تأثیر سازنده آگاهی و پیمودن راه دین ، در تبلیغات دینی و گرایش دادن مردم به دین داری

اتَّبِعُوا مِنْ لَایْسَلْکُمْ اَجْرًا وَ هُمْ مَهْتَدُونَ

مقصود از جمله <و هم مهتدون> (آنان ره یافته اند) این است که پیامبران، راه دین را شناخته و آن را پیموده اند و طبیعی است کسانی که راه دین را پیموده باشند، در تبلیغ دین موفق تر خواهند بود و مردم نیز دعوت آنان را بهتر خواهند پذیرفت.

عوامل گرایش به عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۹

۹ - بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی انسان ها ، در گرایش دادن آنان به ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا... وَ لِبَاسِهِمْ فِيهَا حَرِيرٌ

عوامل گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - توجه به فرجام مؤمنان و کافران ، نقشی تعیین کننده در گرایش انسان به ایمان یا کفر دارد .

فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ إِنَّآ أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

کیفر اخروی گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی ، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا

و آخرت

لقد كدتّ تركزن إليهم شيئاً قليلاً. إذا لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف الممات

کیفر دنیوی گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی ، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا و آخرت

لقد كدتّ تركزن إليهم شيئاً قليلاً. إذا لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف الممات

گرایش انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۲۱، ۷، ۶، ۲

۲ جنگ و خونریزی ، امری ناخوشایند برای انسان

کتب علیکم القتال و هو کره لکم

۶ خوشایندی و ناخوشایندی انسان ، ملاک خیر و شر نیست .

و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

۷ خوشایندی و ناخوشایندی انسان ، نباید مانع انجام یا ترک احکام الهی شود .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان

۲۱ لزوم رضایت به مقدرات الهی ، علی رغم میلِ نفسانی خود

عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

رسول الله (ص): ... ارض عن الله بما قدروا ان كان خلاف هواك ... فانه مثبت في كتاب الله ... قال: > و عسی ان تکرهوا

شیئاً <

---

تفسیر طبری، ج ۲، ص ۲۰۱؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۸۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۵

۳۵ آزمایش های الهی برای آشکار نمودن گرایش های درونی مردمان است؛ نه اطلاع یافتن خداوند از آنچه در درون ایشان می گذرد.

و لیتلی

اللّٰهُ مَا فِي صَدُورِكُمْ .. وَ اللّٰهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

جمله < و اللّٰهُ عَلِيمٌ .. > این حقیقت را بازگو می کند که آزمایش الهی در جنگ اُحد < صرفکم عنهم > برای این نبود که خداوند مؤمن واقعی را از غیر آن تشخیص دهد، چرا که خداوند به آنچه در سینه ها می گذرد آگاه است؛ بنابراین آزمایش الهی برای آشکار نمودن درون افراد خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۷

۷ آدمی، همواره در پی خیر و سعادت خویش است.

و لا یحسینَ الذّٰین کفروا انّما نملیٰ لهم خیر لانفسهم

کافران از آن جهت عمر طولانی در دنیا را می پسندند که آن را برای خویش امری خیر و نیکو می پندارند. بنابراین در پی سعادت خویشند؛ گرچه مصداق واقعی آن را تشخیص نداده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۷

۷ دلبستگی انسان ها به مظاهر ناپایدار دنیا

تریدون عرض الدنيا و اللّٰهُ یرید الآخره

فعل مضارع < تریدون > حاکی از استمرار است و دلالت بر این دارد که این صفت (تلاش برای دنیا) با انسان عجین شده است. تعبیر از کالا- و متاع دنیوی به < عرض الدنيا >، اشاره به ناپایداری مواهب دنیایی است. زیرا < عرض > به معنای چیز ناپایدار است.

گرایش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۱، ۱۷

۱۱ گرایش بنی اسرائیل در برهه ای از زمان به رفتار پسندیده و اندیشه صحیح دینی

ثم تاب اللّٰهُ

چون آیات قبل رفتار ناپسند و نیز اندیشه های ناصحیح دینی بنی اسرائیل را بیان کرده بود، معلوم می شود توبه آنان در هر دو جهت بوده است.

۱۷ بسیاری از بنی اسرائیل با شکستن توبه بینش بازیافته خویش را از دست داده و به اعمال ناروا گراییدند .

فعموا و صموا ثم تاب الله علیهم ثم عموا و صموا .. و الله بصیر بماتعملون

گرایش به آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

گرایش به آبادانی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ خداوند ، توان و استعداد آباد کردن زمین را به آدمیان عطا کرده و ایشان را به سوی آبادانی گرایش داده است .

واستعمرکم فیها

استعمره فیه، یعنی: <جعلہ یعمره> وی را آبادکننده آن قرار داد< (لسان العرب). بر این اساس <استعمرکم فیها> چنین معنا می شود: خداوند شما را این گونه قرار داده و آفریده است که زمین را آباد سازید؛ یعنی، توان آبادسازی زمین را به شما عطا کرده و نیاز به آن را در شما ایجاد کرده است تا همواره به سمت آبادسازی زمین در حرکت باشید.



گرایش به آرامش روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۸ - ۹

۹ گرایش فطری انسان به تحصیل امنیت خاطر و آسایش روان

فمن ءامن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

تکیه بر دستاورد امنیت خاطر در رسالت پیامبران، گویای ریشه دار بودن چنین خواسته ای در آدمیان است.

گرایش به ارزشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۳

۱۳- انسان ، مجذوب ارزش های برتر است .

إنما عند الله هو خیر لكم إن كنتم تعلمون

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند با نمایاندن ارزشهای برتر، انسان را به سوی ارزشهای واقعی راهنمایی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۲

۱۲- ترغیب و تشویق همواره بندگان از سوی خداوند ، برای گرایش به ارزش ها

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

عبارت <کانوا یوعدون>، استمرار وعده های الهی را می رساند. که این وعده ها در نهایت برای انگیزش و ترغیب بندگان، به کسب ارزش ها است.

گرایش به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ رهایی مردم از جاهلیت و گرایش آنان به اسلام ، از نعمت های بزرگ الهی

كذلك كنتم من قبل فمّن الله علیكم

<مَنْت> به معنای نعمت بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ گرایش مسیحیان عصر بعثت به اسلام ، برخاسته از آگاهی آنان بر حقانیت قرآن

تری اعینهم

تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الحق> قرآن باشد.

گرایش به امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

گرایش به امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۸ - ۹

۹ گرایش فطری انسان به تحصیل امنیت خاطر و آسایش روان

فمن آمن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

تکیه بر دستاورد امنیت خاطر در رسالت پیامبران، گویای ریشه دار بودن چنین خواسته ای در آدمیان است.

گرایش به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۷

۷ محرومیت از هدایت الهی ، موجب شتاب در انحراف و گرایش به سوی باطل

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۱

۱ گرایش همه انسانها، حتی مشرکان، در سختیها و شداید به خدای یگانه

بل ایاه تدعون

گرایش به جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنت جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۵

۵ بهره گیری از گرایش انسان به زیبایی و جاودانگی ، در جهت هدایت وی به ایمان و جهاد ، امری است شایسته و بایسته .

جهدوا بأمولهم .. أعد الله لهم جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۴

۴- بهره گیری قرآن از گرایش های انسان ( گرایش به ابدیت ) در ترغیب به ارزش های معنوی ، بهره می گیرد .

بیشر المؤمنین الذین يعملون الصلحت أن لهم أجرًا حسنًا . مکثین فیه أبدًا

روشن است که تمایل به جاودانگی، در نهاد انسان ها وجود دارد و قرآن مجید، از همین علاقه ها، برای سوق دادن آدمی به سوی ارزش ها، بهره برداری کرده است.

گرایش به خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ گرایش به ناپاکی ها و زشتی ها ، نشانه بی خردی و نادانی

لا یستوی الخبیث و الطیب .. فاتقوا الله یا ولی الالب

گرایش به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۴۰ - ۹

۹ اگر مشرکان از صداقت بهره مند باشند، بر گرایش خویش به هنگام سختیها، به خدای یگانه اقرار می کنند.

قل أراءيتكم .. أغير الله تدعون إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۷

۷ گرایش به خداوند با فطرت آدمی عجین است.

قل من ینجیکم .. تدعونہ تضرعا و خفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۸ - ۲

۲ مسلمانان صدر اسلام از جمله کسانی اند که پیش از هدایت شدن به خدا گرایش داشته و از او گریزان نبودند .

و یهدی إلیه من أناب. الذین ءامنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله

<الذین ءامنوا> عطف بیان برای <من أناب> و تبیین کننده آن با ارائه مصداق است ؛ یعنی ، کسانی که ایمان آورده اند، همانند که به سوی خدا انابه می کردند ، از این رو مشیت الهی بر هدایت آنان تعلق گرفت.

گرایش به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۹

۲۹ وجود زمینه های گرایش به خیر و شر در انسان از آغاز آفرینش

قال لاقتلنک .. انما یتقبل الله من المتقین

با توجه به اینکه هابیل و قابیل هر دو فرزندان آدم بودند، لکن راههای متضادی را برگزیدند، معلوم می شود گرایشهای درونی انسانها متفاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۹

۹ انسان دارای گرایش فطری به سوی نیکیها و زیباییهاست.

و



زین لهم الشیطن ما کانوا یعملون

حرکت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نکته است که آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حرکت به دنبال آن است. از این روست که شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱- انسان، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی، طالب و خواستار است.

و یدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲- خیرطلبی در انسان، اصیل و در پی شرّ بودنش، تبعی و غیر اصیل است.

و یدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۳

۳ گرایش به دین، امری فطری است. \*

افغیر دین الله یبغون

<بغی> به معنای طلب است. و فعل مضارع <یبغون> دلالت بر طلب و خواست مستمرّ دارد. بنابراین آیه شریفه فرض کرده که مردمان همواره در پی دین هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲،۳،۴

۲- رویکرد تمام عیار به دین خدا و مشغول نکردن خود به مشرکان هواپرستی که

بر گمراهی خود پا می فشارند ، لازم است .

بل اتبع الذين ظلموا .. فأقم وجهك للدين

<فا> در <فأقم> فصیحه و نتیجه گیری از جمله محذوف است؛ یعنی : <حال که روشن شد که مشرکان، به دلیل هواپرستی شان، به خدا شرک میورزند و هدایت ناپذیرند، تو، به آنان توجه نکن و تنها، به دین خدا متوجه باش. >

۳- توجه به آیات فراوان الهی ، مقتضی روی آوردن به دین خداست .

و من آیته .. فأقم وجهك للدين حنیفاً

احتمال دارد <فا> در <فأقم> تفریح بر آیاتی باشد که در صدد اثبات یک تایی خداوند است.

۴- لزوم توجه همه جانبه و به دور از هرگونه انحراف و کجی به دین خداوند

فأقم وجهك للدين حنیفاً

بنابراین احتمال که <حنیفاً> حال برای ضمیر فاعلی <أقم> باشد، نکته بالا- استفاده می شود لازم به ذکر است که <حنف> مصدر <حنیف> به معنای <پرهیز از هرگونه تمایل به انحراف> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۶

۶- لزوم توجه تمام عیار به دین حق ، با عبرت گیری از فرجام بدکرداران گذشته

فانظروا كيف كان عقبه الذين من قبل .. فأقم وجهك للدين

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که <فاء> در <فأقم> تفریح بر آیه پیش باشد.

گرایش به رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱ - ۳

۳- انسان ، مجذوب رحمت است .

الرحمن

با توجه به این که خداوند در مقام جلب توجه انسان ها رحمت خود را به آنان یادآور شده است، استفاده می شود که

انسان بیش از هر چیز، مفتون لطف و رحمت است.

گرایش به زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث ( بدکردار و ناپاک ) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین .. و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث ( بدکردار و ناپاک ) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین .. و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۸

۸ - گرایش باطنی پیامبران به ترک دنیا و پرهیز از لذت های آن

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

این که خدا، به پیامبران توصیه می کند که از غذاهای لذیذ استفاده

کنید، نشان می دهد که در بین آن بزرگواران، نوعی گرایش به ترک دنیا و اجتناب از لذات آن وجود داشته است؛ که ممکن بود در صورت نبود این توصیه الهی، به نوعی رهبانیت کشیده شوند.

گرایش به زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۹

۹ انسان دارای گرایش فطری به سوی نیکیها و زیباییهاست.

و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون

حرکت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نکته است که آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حرکت به دنبال آن است. از این روست که شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ زیبا پنداشتن اعمال و افکار از مهمترین عوامل انگیزش آدمی است.

كذلك زين للكافرين ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۵

۵ بهره گیری از گرایش انسان به زیبایی و جاودانگی، در جهت هدایت وی به ایمان و جهاد، امری است شایسته و بایسته.

جهدوا بأموالهم .. أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ گرایش انسان به زیباییها

بل زين للذين كفروا مكرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۸

۸- گرایش به زیبایی ها ، از جمله



گرایش های انسانهاست .

لأزینن لهم

از اینکه ابلیس، از طریق تزئین اعمال به گمراهی انسانها می پردازد، به دست می آید که انسانها به زیبایی و زینت علاقه مند هستند و این علاقه مندی باعث و انگیزه آنها در رفتارشان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۲

۲- انسان ، موجودی زیباپسند است .

و لکم فیها جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۶

۶- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع <تلبسونها> حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۵

۵- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فزین لهم الشیطن أعملهم

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزئین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۳

۱۳- گرایش به زیبایی ها ، در سرشت انسان نهفته است .

جعلنا ما على الأرض زينة لها لئلا نملوهم

آفرینش زیبایی ها به منظور آزمایش انسان، در صورتی معنا خواهد داشت که گرایش به زیبایی در وجود انسان نهفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت -

۱۲ - انسان ها ، طبعاً ، به زیبایی و خوبی گرایش دارند .

و زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَلَهُمْ

این که شیطان، کارهای ناروا را خوب جلوه می دهد، تا مردم را از راه خدا باز دارد، حکایت از این حقیقت می کند که مردم، به زیبایی و خوبی گرایش دارند و شیطان از این گرایش، استفاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۶

۶ - گرایش درونی انسان به زیبایی ها

فَزَيِّنُوْا لَهُمْ .. و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

از این که اعمال ناشایست انسان ها را برایشان خوب و نیک جلوه می دادند، می توان استفاده کرد که طبیعت انسان از بدی گریزان است و به خوبی تمایل دارد.

گرایش به زیورآلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۶

۶- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع <تلبسونها> حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

و تستخرجون حلیه تلبسونها

آیه شریفه در صدد گزارش از یک واقعت خارجی است و آن استفاده مدام انسان ها از زیورآلات دریایی است. این کار حکایت از تمایل و گرایش است که در درون

انسان ها وجود دارد.

گرایش به سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۷

۷ آدمی ، همواره در پی خیر و سعادت خویش است .

و لا يحسبن الذين كفروا انما نملي لهم خيرا لانفسهم

کافران از آن جهت عمر طولانی در دنیا را می پسندند که آن را برای خویش امری خیر و نیکو می پندارند. بنابراین در پی سعادت خویشند؛ گر چه مصداق واقعی آن را تشخیص نداده اند.

گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک ، نشانه بی ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إِنَّ الَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْثُونَ وَالنَّصْرِيُّ .. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱،۷

۱ شعیب (ع) در پاسخ اشراف کفرییشه مدین ، گرایش به آیین شرک را افترا بر خداوند دانست .

قد افترينا على الله كذبا إن عدنا في ملتكم

۷ شعیب (ع) بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک تنها در صورت تعلق مشیت الهی ، ممکن دانست .

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

۶ گرایش به شرک ، ناسپاسی به نعمت های خداوند است .

قال أغير الله أبغيتكم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۵

۵ آدمی پس از نجات از شدايد، علی رغم پيمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پيمان شکنی می کند و مجدداً شرک میورزد.

لئن أنجنا .. قل الله ینجیکم ... ثم أنتم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ گرایش به شرک پس از توحید (ارتداد)، حرکتی ضد تکاملی و ارتجاعی است.

أندعوا من دون الله .. و نرد علی أعقابنا بعد إذ هدینا الله

معنای جمله <نرد علی ..> صرفاً به معنای بازگشت به گذشته تاریخی نیست بلکه حکایت از بازگشت به جهل و عقب ماندگی فکری نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أولئک لم یکنوا معجزین فی الأرض .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست؛ بلکه به دلیل ناتوانی آنان از

درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۹

۹ گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله ولا أشرك به

چون جمله <قل إنما أمرت ..> که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته است ، معلوم می شود این گروه ها به پرستش غیر خدا و شرک در عبادت روی آورده بودند.

گرایش به شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۹

۲۹ وجود زمینه های گرایش به شر در انسان از آغاز آفرینش

قال لاقتلنک .. انما یتقبل الله من المتقین

با توجه به اینکه هابیل و قابیل هر دو فرزندان آدم بودند، لکن راههای متضادی را برگزیدند، معلوم می شود گرایشهای درونی انسانها متفاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر



برداشت فوق از تشبیه سرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به

طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

گرایش به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۸

۸ اعتقاد به توحید و روی دل و جان به خدای یگانه کردن، مقتضای گرایش به حق و راه مستقیم است.

وجهت وجهی للذی ... حنیفا و ما أنا من المشرکین

راغب در معنای حنیف می گوید: <حنف> تمایل به استقامت و دوری از گمراهی است. و چون <حنیفا> در آیه شریفه وصف برای فاعل <وجهت> است، تعلیلی برای مضمون <وجهت ...> محسوب می شود.

گرایش به طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۶

۶ - بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی و غریزی انسان به آب ، بوستان و خانه های دلپذیر ، در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی است .

تؤمنون بالله و رسوله .. و یدخلکم جنت ... و مسکن طیبه

از این که خداوند، گرایش های طبیعی انسان ها را وسیله هدایت آنان و سوق دادن آنها به

کسب ارزش ها قرار داده است، براداشت بالا استفاده می شود.

گرایش به طبیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۷، ۱۰، ۷

۷ لزوم رعایت تقوا با پرهیز از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لا یتوی الخیث و الطیب .. فاتقوا الله

۱۰ تنها خردمندان زمینه دار دوری جستن از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لا یتوی الخیث و الطیب .. فاتقوا الله یا ولی الالب

۱۷ پرهیز از پلید و ناپاک و گرایش به پاکی ها ، زمینه نیل به فلاح و رستگاری

لا یتوی الخیث و الطیب .. لعلکم تفلحون

گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل : < ولا تركزوا إلى الذين ظلموا ... > قال : هو الرجل يأتي السلطان فيحب بقاءه إلى أن يدخل يده إلى كيسه فيعطيه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <ولا تركزوا إلى الذين ظلموا...> روایت شده است: رکون به ظالم این است که شخص نزد سلطان [ظالم] برود و دوست بدارد که او زنده بماند تا دست در کیسه اش کند و چیزی به او بدهد.<

گرایش به عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۷

۷ انسان ها از دیرباز برخوردار از روحیه گرایش به معبود و پرستش آن

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

٦ - اعراف -

۸ انسان از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش بود .

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۸

۸ انسان ها از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش بودند .

قال يقوم اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۹

۹ انسان از دیرباز ، برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۹

۹ انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش معبود و گرایش به آن بود .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

گرایش به عقیده حق

۳- عقیده حق ، دلپذیر و مطابق طبع آدمی بوده و عقیده باطل منفور است .

مثلاً کلمه طیبه کسجیره طیبه .. و مثل کلمه خبیثه کسجیره خبیثه

<طیب> در لغت به چیزی معنا شده است که مطابق طبع و میل آدمی می باشد و <خبث> چیزی است که مورد کراهت و نفرت می باشد. برداشت فوق، با توجه به معنای یاد شده، بنابر احتمالی است که مراد از <کلمه طیبه> عقیده حق و <کلمه خبیث> عقیده باطل

باشد.

گرایش به فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۵

۵ مال و فرزند ، دو عنصر پرجاذبه در زندگی دنیوی

أمولهم و أولدهم

با توجه به اینکه خداوند از میان امکانات مادی تنها به دو مورد مال و اولاد اشاره کرده، برداشت فوق به دست می آید.

گرایش به فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۳،۵

۳ - منشأ انکار معاد ، تمایل انسان به فسق و فجور است ؛ نه وجود شبهه ای علمی .

أیحسب الإنسان أن نجمع عظامه .. بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

۵ - گرایش به فسق و فجور ، از تمایلات طبیعی انسان ها است .

بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

گرایش به قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۸

۸ گرایش طبیعی انسان ها به قدرتی فراتر و نیرومند ، برای اتکا به او

و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

اینکه خداوند فرموده است: <برای شما جز او یار و سرپرستی نیست>، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و استمداد و اتکا به



مبدأ قدرت در انسانها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۸

۸ - انسان ها ، دارای گرایشی درونی به قدرتی برتر جهت انتخاب ولی و یاورند .

و ما لکم من دون اللّٰه من ولی و لانسیر

نفی مطلق غیرخدا برای ولایت و یآوری، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و اتکا به ولی برتر

است.

گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- > قال الرضا (ع) : مِمَّا نَزَلَ بِإِيَّاكَ أَعْنَى وَاسْمَعَى يَا جَارَهُ خَاطَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ نَبِيَّهُ وَ أَرَادَ بِهِ أُمَّتَهُ قَوْلُهُ : ... > و لَوْلَا أَنَّ ثَبْتَنَاكَ لَقَدْ كَدَّتْ تَرْكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا < ... ;

امام رضا(ع) فرمود: از جمله آیاتی که بر سبک و روش [مثال معروف عرب] >إِيَّاكَ أَعْنَى وَاسْمَعَى يَا جَارَهُ< نازل گردید و آن هم بدین معنا که خداوند عزوجلّ به پیامبر(ص) خطاب می کند ولی مقصود و مراد امت اوست؛ این آیه شریفه است: >و لَوْلَا أَنَّ ثَبْتَنَاكَ لَقَدْ كَدَّتْ تَرْكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا< ..>.

گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک ، نشانه بی ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إِنَّ الَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبِّونَ وَالنَّصْرِيَّ . . . لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أَوْلَيْتَكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ . . . مَا

كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مثل الفریقین كالأعمى والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱

۱- میل و گرایش به کفر پس از پذیرش ایمان ( ارتداد ) ، موجب خشم شدید الهی است

من كفر بالله من بعد إيمنه .. فعليهم غضب من الله

گرایش به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۵

۵ مال و فرزند ، دو عنصر پرجاذبه در زندگی دنیوی

أمولهم و أولدهم

با توجه به اینکه خداوند از میان امکانات مادی تنها به دو مورد مال و اولاد اشاره کرده، برداشت فوق به دست می آید.

گرایش به مردان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث ( بدکردار و ناپاک ) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین .. و الطیبون للطیبین

برخی از مفسران بر آنند که

آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث ( بدکردار و ناپاک ) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین .. و الطیبون للطیب

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ شکست دشمنان اسلام، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل بستگی به یهود و نصارا

فعسى الله ان يأتى بالفتح .. فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمين

در برداشت فوق جمله < ما اسروا > به قرینه < و من يتولهم منكم > در آیه قبل به دل بستگی مسلمانان به یهود و نصارا تفسیر شده است.

گرایش به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱

۱- پیامبر ( ص ) از ترفند های لغزش آفرین مشرکان و کمترین تمایل به آنان، در پرتو ثبات

قدم اعطا شده به او از جانب خداوند ، در امان بود .

و لولا أن ثبتنك لقد كدت تركن إليهم شيئاً قليلاً

گرایش به معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۹

۹ انسان از دیرباز ، برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۹

۹ انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش معبود و گرایش به آن بود .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

گرایش به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۸

۱۸ ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا ببني إسرائيل البحر . . . قال إنكم قوم تجهلون

گرایش به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۱

۱ - برخی از فرعونیان در پی سخنان موسی (ع)، به آن حضرت گرایش پیدا کرده، و موجب بروز تنش در میان فرعونیان گردیدند.

فتنزعوا .. قالوا إن هذن لسحرن

فاعل <قالوا> به قرینه <فأجمعوا کیدکم> (در آیه بعد) گروهی از فرعونیان بودند که با گروهی دیگر از خودشان به گفت و گو پرداختند.

آیه قبل نیز به این معنا تصریح دارد که در میان فرعونیان مشاجره ای پدید آمد. این مشاجره در باره موسی (ع) بوده و فاعل <قالوا> سعی در توجیه گروه دوم داشته است.

گرایش به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ شکست دشمنان اسلام ، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل بستگی به یهود و نصارا

فعسى الله ان يأتى بالفتح .. فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمين

در برداشت فوق جمله <ما اسروا> به قرینه <و من يتولهم منكم> در آیه قبل به دل بستگی مسلمانان به یهود و نصارا تفسیر شده است.

گرایش علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۲

۲ گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت (معبودی غیر از خدا) و طاغوت

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

<جبت> در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

گرایش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۲

۲ گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت (معبودی غیر از خدا) و طاغوت

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

<جبت> در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.





## مادی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۶

۶ جستجوی منافع مادی در هنگامه جنگ با دشمنان دین ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند

تریدون عرض الدنيا و الله يريد الآخره

گرایش مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک ، نشانه بی ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إِنَّ الَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْثُونَ وَالنَّصْرِيُّ .. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

گرایش ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۰

۱۰ ضرورت هشیاری آدمی ، در پرهیز از گرایش های حسرت آفرین

لا تكونوا كالَّذِينَ كَفَرُوا .. لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۳

۳ تمایلات و آرزوهای پوچ و بیجا ، نشانه تسلط شیطان بر انسان

و لائمههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۲

۲ کفر ، گرایش به ادیان باطل و انجام کردار های ناروا ، راهی است به سوی دوزخ .

و لالیهههم طریقهً . الا طریق جهنم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ظرف و زمان هدایت در جمله > و لالیهههم

... < حیات دنیا باشد / بر این مبنا مقصود از هدایت کافران به راه جهنم، فراهم سازی زمینه های کفرپیشگی و اعمال ناروا برای آنان است که سرانجام آن دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۴

۴ گرایش به خصلت های کفرپیشگان ، امری نکوهیده برای اهل ایمان

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم

گمراهی در گرایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۷

۳۷ انحراف در رفتار و کردار آدمی ، ناشی از انحراف در گرایش های درونی و انگیزه های او

و لیتلی الله ما فی صدورکم و لیمحص ما فی قلوبکم

چون رفتار خارجی و اعمال ظاهری (فرار از جنگ، اظهار تردید در حقایق اسلام و ...) در این آیات نشانه تشخیص درون سینه ها معرفی شده، معلوم می گردد که رفتار و کردار آدمی نتیجه افکار اوست.

گناه گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱

۱ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، حرام و گناهی بزرگ است .

و لاترکونوا الی الذین ظلموا

<الرکون الی شیء> / یعنی ، گرایش پیدا کردن به چیزی و اعتماد کردن بر آن.

ممانعت از گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . \*

فاعبدنی . . .

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

ممنوعیت گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۹

۹- کمترین تمایل و کوچک ترین اتکا به کافران ، ممنوع است .

و لولا أن ثبتنک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

از اینکه خداوند می فرماید: <اگر ما ثبات قدم به تو نداده بودیم، نزدیک بود که تو اندکی به آنان تمایل و اتکا بکنی> استفاده می شود که تمایل به کافران ممنوع است.

موانع گرایش به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم .. أفطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

موانع گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۷

۷ آلودگی قوم عاد به پلیدی و گرفتاری ایشان به خشم خدا ، مانع آنان از تصدیق رسالت هود و گرایش به توحید و

یکتا پرستی

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

برداشت فوق

بر اساس این احتمال است که جمله <قد وقع .. > به منزله دلیلی باشد بر کفرورزی قوم عاد، نه نتیجه ای برای انکار توحید و رسالت. یعنی هود با این جمله اشاره به ریشه عنادورزی آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ خودفربیی مشرکان و آراسته دیدن پندار شرک ، آنان را از گرایش به توحید باز داشت .

و صدّوا عن السبیل

<صدّ> (مصدر صدّوا) به معنای بازگرداندن است. به نظر می رسد فاعل محذوف از <صدّوا> مکر و حيله که مایه شرکورزی مشرکان شده است، باشد.

موانع گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۹

۹ منافقان همواره ، مانعی در جهت گسترش اسلام و گرایش مردم به دین

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

جمله <نمنعکم من المؤمنین> می تواند به این معنا باشد که منافقان پس از پیروزی کافران مدعی بودند که آنان اهل کفر را از گرایش به اسلام و ایمان باز می داشتند. قابل ذکر است که بر این مبنا مراد از غلبه در <الم نستحوذ>، غلبه در تفضل و احسان است. یعنی ما نسبت به شما احسان کردیم.

موانع گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۵

۵- توجه به آخرت و ارزش دادن به آن ، مانع روی گردانی از ایمان و گرایش به کفر و ارتداد

ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الآخره



جمله <ذلک بانهم .. > در صدد معرفی مرتد و

انگیزه ارتداد اوست و او کسی است که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده، در حالی که اگر آخرت را در نظر می داشت و برای آن ارزش لازم قائل بود، دست از ایمان برنداشته و مرتد نمی شد.

موانع گرایش ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران

أیتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

نهی از گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۵

۵ مسلمانان نباید در پایداری بر دین و پیشبرد اهداف آن بر ستمگران، اتکا کنند و از آنان یاری طلبند.

فاستقم كما أمرت و من تاب معك .. و لا تركنوا إلى الذين ظلموا

نهی از تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان، پس از امر به استقامت در راه دین، توجه دادن مؤمنان است به این که مبدا برای رسیدن به این مقصود (استقامت در راه دین و پیشبرد اهداف آن) بر ستمگران تکیه کنند و از آنان یاری بخواهند.

گرایش مادی

سرزنش گرایش مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۶

۶ جستجوی منافع مادی در هنگامه جنگ با دشمنان دین، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند

تریدون عرض الدنيا و الله یرید الآخره

گرایش مادی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۶

۶ جستجوی منافع مادی

در هنگامه جنگ با دشمنان دین ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند

تریدون عرض الدنيا و الله يريد الآخره

گرایشها

آثار ترك گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۷

۷ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری ، تکیه نکردن بر ستمگران و اقامه نماز ، نیکوکاری و در پی دارنده اجر و پاداش الهی است .

فاستقم .. و لاترکنا ... أقم الصلوه ... فإن الله لایضیع أجر المحسنین

آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۴

۲۴- گرایش به صلاح و جلب رضای الهی ، نمودی از کمال عقلی انسان

حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي .. و أن أعمل صلحًا ترضیه

توجه به قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که تعبیر <أربعین سنه> ناظر به بلوغ عقلی است، چه این که <بلغ أشده> می تواند اشاره به بلوغ جسمی داشته باشد. بنابراین آنچه بر سن چهل سالگی انسان در آیه مترتب شده، از کمال عقلی نشأت یافته است.

آثار گرایش به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۲

۲ - باطل گرایی و سرگرم شدن به پوچی ها ، عامل اصلی تکذیب وحی و قیامت

الذین هم فی خوض یلعبون

از این که <الذین هم..> به عنوان تنها وصف <المکذبین> آمده است؛ نقش اصلی آن در تکذیب حق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰

۴ - کفر و باطل گرای و پوچی در زندگی ، موجب ذلت و خواری شدید در روز قیامت

فذرهم يخوضوا و يلعبوا .. ترهقهم ذلّه ذلك اليوم الذی كانوا یوعدون

آثار گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۸،۱۳

۸ نزول باران های فراوان ، در صورت پرهیز از شرک و گرایش به توحید و پرستش خدا ، از نوید های هود (ع) به قوم خویش

و یقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا

فعل مضارع <یرسل> به اصطلاح در جواب فعل امر (استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه) قرار گرفته و با <إِنْ> شرطیه مقدر مجزوم شده است؛ یعنی: <إِنْ تستغفروا و تتوبوا یرسل ..> اگر استغفار کنید و به سوی خدا حرکت کنید، او ابرهای پر باران را برای شما خواهد فرستاد.

۱۳ هود (ع) مردم خویش را در صورت استغفار از گناهان ، گرایش به توحید و پرستش خدا ، به افزایش نیرو و توانشان بشارت داد .

و یقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه .. یزدکم قوه إلی قوتکم

<یزدکم> عطف بر <یرسل> و جواب برای شرط مقدر می باشد؛ یعنی: <إِنْ تستغفروا .. یزدکم> اگر استغفار کنید و ... خداوند نیروی شما را افزایش می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۴

۴ گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی ، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخسرون

برداشت

فوق با توجه به آیه ۸۵، که بیانگر پیامهای شعیب است، به دست می آید.

آثار گرایش به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۸

۸- گرایش و عدم گرایش مردم و آرای آنان در حقایق حق، بی تأثیر است.

الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر

آثار گرایش به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۶

۶ گرایش داشتن آدمی به خدا زمینه ساز مشیت الهی به هدایت وی و رهنمون ساختنش به پذیرش توحید و رسالت پیامبر (ص)

إن الله یضل من یشاء و یهدی إلیه من أناب

<انابه> (مصدر أناب) به معنای روی آوردن و بازگشتن است که به قرینه <إلیه> منظور از آن، روی آوردن و بازگشت به خداست و از آن جا که این وصف پیش از هدایت یافتن مطرح شده است، مراد از آن گرایش داشتن به خدا و گریزان نبودن از اوست.

آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱،۷

۱- احسان به والدین، روحیه شکر، توبه، صلاح جویی و تسلیم، شرط پذیرش تمام اعمال نیک انسان به درگاه خدا

أولئک الذین نتقبّل عنهم أحسن ما عملوا

مراد از <أحسن..> می تواند اعمال واجب و مستحب در قبال اعمال مباح باشد. که در این صورت از ارتباط دو آیه استفاده

می شود که اگر کسی از روحيات یاد شده برخوردار بود اعمال نیک او (واجب و



مستحب) پذیرفته می شود.

۷- احسان به والدین ، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصینا الإنسن . . . أوزعنی أن أشکر ... و أن أعمل صلحاً ترضیه و أصلح لی فی ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و .. یاد شده است، در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه <أولئک> این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

آثار گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۲،۱۵

۲ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، موجب گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

و لاترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار

۱۵ > عن رسول الله (ص) : . . . من مدح سلطاناً جائراً و تخفّف و تضعّض له طمعاً فیه کان قرینه إلی النار . . . قال الله عزوجل : > و لاترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: . . . کسی که سلطان ستمگری را به خاطر طمع داشتن به او، ستایش کند و در برابر او کوچکی و تواضع نماید در آتش همنشین او گردد ... خداوند عزوجل فرمود: و لاترکنوا ...>.

آثار گرایش به فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۳

۳ - گرایش طبیعی انسان به فسق و فجور ، زمینه پریش های انکارآمیز او درباره قیامت .

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أتیان یوم القیمه

جمله >یسئل

آیان.. < استیناف بیانی و در مقام تعلیل و تفسیر > بل یرید الإنسان لیفجر... < است / یعنی، پرسش انکار آمیز انسان، برخاسته از گرایش او به فسق و فجور است / چرا که اگر قیامت را بپذیرد، نمی تواند به فسق و فجور متمایل گردد. از این رو برای ادامه راه فسق و فجور خویش، قیامت را انکار کرده و به تمسخر می گیرد.

آثار گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۲

۱۲- تمایل به کافران ، مایه تنها ماندن انسان و محروم شدن از نصرت خداوند

ترکن إلیهم شیئاً قلیلاً. إِذَا لَأَذِقَنَّكَ ... ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۳

۳- تسلط شیطان بر روح منافقان ، معلول گرایش آنان به کافران و اظهار همدلی با ایشان

الشیطن سؤل لهم . . . ذلک بانهم قالوا... سنطیعکم

<ذلک> می تواند اشاره به تسلط شیطان باشد که از آیه قبل (الشیطان سؤل لهم) استفاده می شود و تعبیر <بانهم> .. < در مقام تعلیل است.

آثار گرایشهای باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

اهمیت گرایش به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، گرایش دادن آنان به سوی اسلام است

نه نابود کردن آنان .

فاقتلوا المشركين .. . فإن تابوا ... فخلوا سبيلهم

اهمیت گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۶

۶ استغفار از گناهان ، گرایش به توحید و پرستش خدا ، مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خداوند و تقرب به درگاه او

و يقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <ثم> که جمله <توبوا إلیه> را بر <استغفروا ربکم> عطف کرده به دست می آید.

اهمیت گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲

۲ - رویکرد تمام عیار به دین خدا و مشغول نکردن خود به مشرکان هواپرستی که بر گمراهی خود پا می فشارند ، لازم است .

بل اتبع الذین ظلموا .. فأقم وجهک للذین

<فا> در <فأقم> فصیحه و نتیجه گیری از جمله محذوف است ؛ یعنی : <حال که روشن شد که مشرکان، به دلیل

هواپرستی شان، به خدا شرک میورزند و هدایت ناپذیرند، تو، به آنان توجه نکن و تنها، به دین خدا متوجه باش. > .

ترک گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۳

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم كما أمرت .. . ولا تترکوا إلی الذین ظلموا ... واصبر

حرمت گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳

۱ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، حرام و گناهی بزرگ است .

و لا تتركوا إلى الذين ظلموا

<الرکون إلى شیء> یعنی ، گرایش پیدا کردن به چیزی و اعتماد کردن بر آن.

خطر گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۱

۱ - هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أوحى إليك وإلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

مفرد آمدن خطاب در <أشركت> و <عملك> با آن که همه پیامبران مخاطب وحی الهی بودند می رساند که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

زمینه گرایش به ارزشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۱ - ۷

۷- توجه به عظمت مراتب اخروی ، مایه گرایش به ارزش های عالی آن است .

انظر . . . و للأخیره أكبر درجت و أكبر تفضیلاً

دعوت خداوند از انسانها برای تعمق و تأمل در مدارج عالی اخروی، می تواند به این منظور باشد که در انسانها انگیزه آخرت طلبی و تلاش برای کسب درجات عالی آخرت ایجاد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۴

۴ - توجه انسان به چگونگی خلقت خویش و مرگ و رستاخیز ، زمینه ساز گرایش وی به ایمان و رو کردن به ارزش های

دینی و الهی

ثم إنكم يوم القيمة تبعثون

در آیات نخستین این سوره، سخن از مؤمنان راستین و صفات ارزشی آنان بود.

اکنون در این آیات که سخن از خلقت شگفت انسان و مرگ و رستاخیز او است می تواند رهنمودی باشد به انسان ها برای گرویدن به راه مؤمنان راستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۶

۶- استفاده خداوند از تمایلات طبیعی بشر ، در جهت تشویق او به ایمان و ارزش ها

جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

تمایل بشر به برخورداری از بوستان هایی سرشار از رودهای جاری، زمینه ای قرار گرفته است تا خداوند به وسیله این تمایل طبیعی، او را به ارزش های معنوی مشتاق سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۳

۱۳- نیاز های طبیعی و مادی بشر ، وسیله ای در جهت گرایش دادن او به ارزش ها

فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّ

خداوند از گرایش های طبیعی انسان به نوشیدن و لذت بردن و .. در جهت تشویق او به دین داری، استقامت و تقوای پیشگی در طریق حق استفاده کرده است.

زمینه گرایش به ارزشهای معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق



به دست می آید.

زمینه گرایش به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۲

۲ - گرایش به دین اسلام ، در گرو وجود سعه صدر و روح پذیرش حق در انسان است .

أفمن شرح الله صدره للإسلام

زمینه گرایش به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره گیری خداوند از تمایلات طبیعی انسان ها در گرایش دادن آنان به ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۹

۹ - بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی انسان ها ، در گرایش دادن آنان به ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و لِبَاسِهِمْ فِيهَا حَرِيرٌ

زمینه گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۸

۱۸ پرهیز از شرک و گرایش به توحید ، تنها در پرتو عنایت ها و امداد های الهی میسر است .

ما كان لنا أن نشرك .. ذلك من فضل الله علينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ مردم ، در صورت آگاهی از براهین توحید ، به یکتاپرستی گرایش خواهند یافت .

و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۸

۸ توجه به اینکه خداوند هیچ شریکی

برای خویش سراغ ندارد، آدمی را به توحید و نفی شرک گرایش می دهد.

أَمْ تَتَّبِعُونَ مَا لَا يُعْلَمُ فِي الْأَرْضِ

زمینه گرایش به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند، مقتضی روی آوردن به درگاه او به هنگام نیاز

إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۵

۵ - استفاده قرآن کریم از تحولات و حوادث مهم، به منظور جلب نظر مردم به سوی خداوند

غلبت الروم .. لله الأمر من قبل ... بنصر الله ينصر من يشاء ... وعد الله لا يخ

پرداختن به حادثه ای تاریخی، مانند جنگ رومیان و ایرانیان که خارج از قلمرو حیات جمعی مسلمانان بوده اگر چه می تواند به خاطر نگرانی مؤمنان عصر بعثت از شکست معتقدان به کتاب آسمانی (رومیان) باشد، اما تأکید بر خدایی بودن حوادث در آن ماجرا (لله الأمر .. و بنصر الله...) مشعر به نکته بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۲۱

۲۱ یادآوری نعمت های الهی، دارای تأثیری بسزا در توجه آدمی به خدا و دستیابی به رستگاری است.

فَاذْكُرُوا لِلَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ

زمینه گرایش به دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۶

۶- بیماردلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی ، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض. .. قالوا للذین

کرهوا ... سنطیعکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیمار دلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

زمینه گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ علاقه به معارف دینی، در گرو شناخت آنهاست.

فعمیت علیکم ... و أنتم لها کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۴

۴ - توجه به منشأ خلقت و روزی و مرگ انسان، مقتضی رویکرد تمام عیار به دین است.

اللّٰه الذی خلقکم .. فأقم وجهک للذین

احتمال دارد <فاء> در <فأقم> تفریع بر آیه <الذی خلقکم ..> باشد که در آن، خداوند، برخی از افعال خود را به عنوان نشانه، یادآوری کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۴

۴- ملت های محروم و رنج دیده، دارای زمینه حق پذیری و گرایش به دین

و لقد اخترنهم .. وءاتینهم

با توجه به سیاق آیات پیشین که فرعونیان را به دلیل رفاه مندی و اسرافگری، حق ناپذیر و محکوم به هلاکت معرفی کرده است می توان علت و انتخاب بنی اسرائیل را برای دریافت آیات و معجزات، محرومیت آنان از رفاه مندی و آمادگی آنان برای حق پذیری دانست. البته این هم آغاز یک آزمون است، نه امضای صلاحیت مطلق و بی استثنای آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶

۱۲- توجه به محدودیت عمر زندگی ، هشداری به انسان ها و عاملی در جهت حق گرایي و روی آوردن آنان به حقایق دین \*

ما خلقنا..إلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مَعْرُضُونَ

برداشت بالا براساس این احتمال است که تذکر خداوند به <أجل مسمی> در پی تذکر به حقانیت هستی هشداري باشد به آدمیان که دل به زندگی ناپایدار نبندند و از حاکمیت حق غافل نگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۴

۴ - تأثیر مثبت بیان فواید و نتایج ایمان و دین داری در گرایش بیشتر مردم به دین

و أَلْوِاسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

مأموریت پیامبر(ص) به بیان فواید دین، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۲

۲ - تسبیح و حمد خداوند و استغفار به درگاه او ، پس از مشاهده امداد های الهی و گرایش وسیع مردم ، به دین ، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر ( ص )

إِذَا جَاءَ نَصْرَ اللَّهِ وَالْفَتْحَ . وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا . فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

زمینه گرایش به سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۹

۹- انسان برای گرایش به راه خدا ، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلى سبیل ربّك بالحكمه و الموعظه الحسنه

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <الموعظه> عطف بر <بالحکمه> است و با یک سیاق ذکر شده،



در حالی که <و جادلهم> با بیان دیگر و امری مجزاً آمده است.

زمینه گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۸

۸ احساس بی نیازی از خداوند، زمینه غفلت از یاد او و گرایش به شرک است.

تدعونه تضرعاً و خفیه .. قل الله ینجیکم منها و من کل کرب ثم اَنتم تشرکون

زمینه گرایش به عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره گیری خداوند از تمایلات طبیعی انسان ها در گرایش دادن آنان به ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللَّهَ یَدْخُلُ الذِّیْنَ ءَامَنُوا .. جَنَّتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

زمینه گرایش به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۴

۴ - فقر، تنگدستی، بیچارگی و درماندگی زمینه ساز یأس و نومیدی از خدا ( کفر ) و پناهنده شدن به غیر او ( شرک )

من کان یظنّ .. هل یدهبّن کیده ما یغیظ

روی سخن در این بخش، با آن اشخاصی است که به خداپرستی گرویده بودند و همین که با برخی از ناملازمات زندگی روبه رو شدند از عبادت او روی برتافتند و به گمان آن که در هستی جز خدا، نیروهای دیگری نیز دخالت دارند، به شرک (آیین سابقشان) باز گشتند.

زمینه گرایش به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ - توجه به قیامت ، زمینه ساز گرایش انسان به حقانیت قرآن

و موازین الهی

اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكُتُبَ بِالْحَقِّ .. و ما يدريك لعلّ الساعه قريب

زمینه گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۱

۱- ترجیح زندگی دنیا بر آخرت ، ریشه اصلی ارتداد و گرایش به کفر است .

من كفر بالله من بعد إيمنه .. ذلك بأنهم استحبوا الحيوه الدنيا على الآخره

جمله <ذلك بأنهم ..> در مقام تعلیل برای آیه قبل است و نیز <ذلك> اشاره دارد به ارتداد و کفر پس از ایمان.

زمینه گرایش به مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۸

۱۸- قطع ارتباط با خداخواهان تهیدست ، زمینه ساز تمایل آدمی به مظاهر مادی و جلوه های ظاهری دنیامداران است .

و لاتعد عيناك عنهم تريد زينه الحيوه الدنيا

زمینه گرایشهای دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۵

۵ مال و فرزند ، دو عنصر پرجاذبه در زندگی دنیوی

أمولهم و أولدهم

با توجه به اینکه خداوند از میان امکانات مادی تنها به دو مورد مال و اولاد اشاره کرده، برداشت فوق به دست می آید.

زمینه گرایشهای معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۰

۱۰- عواطف غریزی انسان ، تأثیری بسزا در گرایش های معنوی و ایمانی وی دارد .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما طغيئا و كفرًا

خضر(ع) فرزند را از پدر و مادر می گیرد تا آنان به واسطه علقه ها و روابط عاطفی، به کفر و

طغیان گرایش پیدا نکنند. این نکته، گویای اثرپذیری گرایش ها از عواطف است.

سرزنش گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۷

۷ روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرک و بت پرستی، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت خداوند

فذلکم الله ربکم الحق .. فأنی تصرفون

سرزنش گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ > عن النبي (ص) قال : ... و قال لقمان لابنه : يا بنی ... إن كنت صالحاً فابعده عن الأشرار و السفهاء ، فربما أصابهم الله بعذاب فیصیبک معهم ، فقد أفصح الله سبحانه و تعالی بقوله : ... و ... و قال سبحانه : > و لا ترکنوا إلى الذین ظلموا فتمسکم النار < ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: ... لقمان به فرزندش گفت: ای پسرک من! ... اگر انسان شایسته ای هستی از اشرار و سبک مغزان دوری کن، چه بسا خداوند بر آنان عذابی بفرستد و تو را هم با آنان فرا گیرد ... خداوند در گفتار خود به روشنی فرموده: ... و ... > و لا ترکنوا إلى الذین ... < ... <.

سرزنش گرایش به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۲

۲ - روی آوردن به غیر خدا، با وجود اعتقاد به خالقیت یگانه او، انحرافی آشکار و امری

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

<إفك> (مصدر <يؤفكون>) به معنای روی گرداندن و انحراف از مسیر طبیعی است.

عوامل انحراف در گرایشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۱۲، ۱۳

۱۲- انسان ، بدون برخوردارى از هدايت پروردگار ، گرفتار انحراف در بينش و گرايش خویش

أفمن كان على بينة من ربه كمن زين له سوء عمله

از مقابله <من كان ..> با <من زين...>، استفاده می شود که انسان ها به دو گروه عمده تقسیم می شوند: ۱ کسانی که برخوردار از دلایل الهی و هدايت وحی اند؛ ۲ گروهی که در قبال دسته اول قرار دارند و در نهایت به انحراف در بينش (زين له سوء عمله) و انحراف در گرايش (و اتبعوا أهوائهم) کشیده شده اند.

۱۳- انحراف در بينش ، عامل هواپرستی و انحراف در گرايش \*

زين له سوء عمله و اتبعوا أهواءهم

از تقدیم <زين له سوء عمله> که دلالت بر انحراف در بينش دارد بر <اتبعوا أهوائهم> که بیانگر انحراف در گرايش است مطلب بالا قابل برداشت است.

عوامل گرايش به ايمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- توجه به فرجام مؤمنان و كافران ، نقشی تعیین کننده در گرايش انسان به ايمان يا كفر دارد .

فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر إنا أعتدنا للظالمين نارًا

عوامل گرايش به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۵

۵ ستمگری ، باطل گرایی و دروغ پردازی

، از نتایج و اثرات کفر به خدا و انکار رسالت پیامبر ( ص )

و قال الذين كفروا ان هذا الا فک .. فقد جاءو ظلماً و زوراً

<زور> به معنای سخن باطل و دروغ است (لسان العرب).

عوامل گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان ( توانایی درک و فهم حقایق ) گرایش دهنده او به توحید ، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

عوامل گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۵

۵ - توجه انسان در دنیا به ناپایداری عمر خویش ، دارای نقشی اساسی در گرایش او به دین الهی

قل ان لبثتم الا قليلاً لو انکم کنتم تعلمون

تعبیر <لو انکم کنتم تعلمون> می رساند که اگر انسان در زندگی دنیوی، به ناپایداری آن توجه داشته باشد، راهی را انتخاب خواهد کرد که به دوزخ و پشیمانی منتهی نشود. آن راه، همان گردن نهادن به شریعت و آیین الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به آیات فراوان الهی ، مقتضی روی آوردن به دین خداست .

و من ءایته .. فأقم وجهک للدين حنیفاً

احتمال دارد <فا> در <فأقم> تفریع بر آیاتی باشد که در صدد اثبات یک تایی خداوند است.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - تأثیر سازنده اخلاص و

نداشتن چشم داشت مادی ، در تبلیغ دین و گرایش دادن مردم به دین داری

اتَّبِعُوا مِنْ لَایْسَلْکُمْ اَجْرًا

۱۱ - تأثیر سازنده آگاهی و پیمودن راه دین ، در تبلیغات دینی و گرایش دادن مردم به دین داری

اتَّبِعُوا مِنْ لَایْسَلْکُمْ اَجْرًا و هم مهتدون

مقصود از جمله <و هم مهتدون> (آنان ره یافته اند) این است که پیامبران، راه دین را شناخته و آن را پیموده اند و طبیعی است کسانی که راه دین را پیموده باشند، در تبلیغ دین موفق تر خواهند بود و مردم نیز دعوت آنان را بهتر خواهند پذیرفت.

عوامل گرایش به عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۹

۹ - بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی انسان ها ، در گرایش دادن آنان به ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللّٰهَ یَدْخُلُ الذِّیْنَ ءَامَنُوا... و لباسهم فیها حریر

عوامل گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- توجه به فرجام مؤمنان و کافران ، نقشی تعیین کننده در گرایش انسان به ایمان یا کفر دارد .

فَمَنْ شَاءَ فَلِیُؤْمِنْ و مَنْ شَاءَ فَلِیْکُفِرْ اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِیْنَ نَارًا

عوامل گرایشهای ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۶

۶ عقاید شرک آلود و جاهلانه موجب گرایش انسان به اعمال ناشایست و خلاف فطرت و وجدان است.

و كذلك زين . . قتل أولدهم شركاؤهم

عوامل مؤثر در گرایشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۳ محیط اجتماعی، در عین تأثیر گذاشتن بر خصلت های روحی و گرایش های عقیدتی انسان، از وی سلب اختیار و انتخاب نمی کند.

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً .. و من الأعراب من يؤمن بالله

تصریح به وجود مؤمنان راستین در میان اعراب بادیه نشین به دنبال بیان خصلت کفر ورزی و نفاق شدید آنان، می تواند إشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۷

۷ - شناخت ها و کردار انسان، سرمایه و دستاورد او و مؤثر در گرایش ها و ضعف و قوت فهم او است.

ما کانوا یکسبون

تعبیر <یکسبون> که ناظر به تکذیب اعتدا و گناه کافران است بیانگر این است که اندیشه ها و کردار، سرمایه ای است که آن را به دست آورده اند؛ گرچه برای آنان چیزی جز زیان دربر ندارد.

کیفر اخروی گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا و آخرت

لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً. إذا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

کیفر دنیوی گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا و آخرت

لقد كدتّ تركزن إليهم شيئاً قليلاً. إذا لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف الممات

گرایش به آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

گرایش به آبادانی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ خداوند ، توان و استعداد آباد کردن زمین را به آدمیان عطا کرده و ایشان را به سوی آبادانی گرایش داده است .

واستعمرکم فیها

استعمره فیه، یعنی: <جعلہ یعمره/ وی را آبادکننده آن قرار داد> (لسان العرب). بر این اساس <استعمرکم فیها> چنین معنا می شود: خداوند شما را این گونه قرار داده و آفریده است که زمین را آباد سازید/ یعنی، توان آبادسازی زمین را به شما عطا کرده و نیاز به آن را در شما ایجاد کرده است تا همواره به سمت آبادسازی زمین در حرکت باشید.

گرایش به آرامش روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۸ - ۹

۹ گرایش فطری انسان به تحصیل امنیت خاطر و آسایش روان

فمن ءامن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

تکیه بر دستاورد امنیت خاطر در رسالت پیامبران، گویای ریشه دار بودن چنین خواسته ای در آدمیان است.

گرایش به ارزشها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۳

۱۳- انسان ، مجذوب ارزش های برتر است .

إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند با نمایاندن ارزشهای برتر، انسان را به سوی ارزشهای واقعی راهنمایی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۲

۱۲- ترغیب و تشویق همواره بندگان از سوی خداوند ، برای گرایش به ارزش ها

وَعَدَ الصَّدَقَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

عبارت <کانوا یوعدون>، استمرار وعده های الهی را می رساند. که این وعده ها در نهایت برای انگیزش و ترغیب بندگان، به کسب ارزش ها است.

گرایش به امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

گرایش به امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۹ گرایش فطری انسان به تحصیل امنیت خاطر و آسایش روان

فمن ءامن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

تکیه بر دستاورد امنیت خاطر در رسالت پیامبران، گویای ریشه دار بودن چنین خواسته ای در آدمیان است.

گرایش به توحید

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۱

۱ گرایش همه انسانها، حتی مشرکان، در سختیها و شداید به خدای یگانه

بل ایاه تدعون

گرایش به جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۵

۵ بهره گیری از گرایش انسان به زیبایی و جاودانگی ، در جهت هدایت وی به ایمان و جهاد ، امری است شایسته و بایسته .

جهدوا بأمولهم .. أعد الله لهم جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۴

۴- بهره گیری قرآن از گرایش های انسان ( گرایش به ابدیت ) در ترغیب به ارزش های معنوی ، بهره می گیرد .

يَبْشُرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا . مَكْتَبِينَ فِيهِ أَبَدًا

روشن است که تمایل به جاودانگی، در نهاد انسان ها وجود دارد و قرآن مجید، از همین علاقه ها، برای سوق دادن آدمی به

سوی ارزش ها، بهره برداری کرده است.

گرایش به خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۰ - ۹

۹ اگر مشرکان از صداقت بهره مند باشند، بر گرایش خویش به هنگام سختیها، به خدای یگانه اقرار می کنند.

قل أراءيتكم .. أغير الله تدعون إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۷

۷ گرایش به خداوند با فطرت آدمی عجین است.

قل من ینجیکم .. تدعونہ تضرعا و خفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۸ - ۲

۲ مسلمانان صدر اسلام از جمله کسانی اند که پیش از هدایت شدن به خدا گرایش داشته و از او گریزان نبودند .

و یهدی إلیه من أناب. الذین ءامنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله

<الذین ءامنوا> عطف بیان برای <من أناب> و تبیین کننده آن با ارائه مصداق است ؛ یعنی ، کسانی که ایمان آورده اند، همانند که به سوی خدا انابه می کردند ، از این رو مشیت الهی بر هدایت آنان تعلق گرفت.

گرایش به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۹

۹ انسان دارای گرایش فطری به سوی نیکیها و زیباییهاست.

و زین لهم الشیطن ما كانوا یعملون

حرکت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نکته است که آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حرکت به دنبال آن است. از این روست که شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.



۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و يدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و يدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است؛ یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۹

۲۹ وجود زمینه های گرایش به خیر و شر در انسان از آغاز آفرینش

قال لاقتلنک .. انما يتقبل الله من المتقين

با توجه به اینکه هابیل و قابیل هر دو فرزندان آدم بودند، لکن راههای متضادی را برگزیدند، معلوم می شود گرایشهای درونی انسانها متفاوت است.

گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲،۳،۴

۲- رویکرد تمام عیار به دین خدا و مشغول نکردن خود به مشرکان هواپرستی که بر گمراهی خود پا می فشارند ، لازم است .

بل اتبع الذین ظلموا .. فأقم وجهک للدين

<فا> در <فأقم> فصیحه و نتیجه گیری از جمله محذوف است؛ یعنی : <حال که روشن شد که مشرکان، به دلیل

هواپرستی شان، به خدا شرک میورزند و هدایت ناپذیرند، تو، به آنان توجه نکن و تنها، به

دین خدا متوجه باش. <

۳- توجه به آیات فراوان الهی، مقتضی روی آوردن به دین خدا است.

و من آیته .. فأقم وجهك للدين حنيفاً

احتمال دارد <فا> در <فأقم> تفریح بر آیاتی باشد که در صدد اثبات یک تایی خداوند است.

۴- لزوم توجه همه جانبه و به دور از هرگونه انحراف و کجی به دین خداوند

فأقم وجهك للدين حنيفاً

بنابراین احتمال که <حنيفاً> حال برای ضمیر فاعلی <أقم> باشد، نکته بالا- استفاده می شود لازم به ذکر است که <حنف> مصدر <حنيف> به معنای <پرهیز از هرگونه تمایل به انحراف> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۶

۶- لزوم توجه تمام عیار به دین حق، با عبرت گیری از فرجام بدکرداران گذشته

فانظروا كيف كان عقبه الذين من قبل .. فأقم وجهك للدين

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که <فاء> در <فأقم> تفریح بر آیه پیش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۳

۳ گرایش به دین، امری فطری است. \*

افغير دين الله ييغون

<بغى> به معنای طلب است. و فعل مضارع <ييغون> دلالت بر طلب و خواست مستمر دارد. بنابراین آیه شریفه فرض کرده که مردمان همواره در پی دین هستند.

گرایش به رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۳ - انسان ، مجذوب رحمت است .

الرحمن

با توجه به این که خداوند در مقام جلب توجه انسان ها رحمت خود را به آنان یادآور شده است، استفاده

می شود که انسان بیش از هر چیز، مفتون لطف و رحمت است.

گرایش به زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث ( بدکردار و ناپاک ) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین .. و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث ( بدکردار و ناپاک ) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین .. و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۸

۸ - گرایش باطنی پیامبران به ترک دنیا و پرهیز از لذت های آن

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

این که خدا، به پیامبران توصیه می کند که از

غذاهای لذیذ استفاده کنید، نشان می دهد که در بین آن بزرگواران، نوعی گرایش به ترک دنیا و اجتناب از لذات آن وجود داشته است؛ که ممکن بود در صورت نبود این توصیه الهی، به نوعی رهبانیت کشیده شوند.

گرایش به زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۹

۹ انسان دارای گرایش فطری به سوی نیکیها و زیباییهاست.

و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون

حرکت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نکته است که آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حرکت به دنبال آن است. از این روست که شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ زیبا پنداشتن اعمال و افکار از مهمترین عوامل انگیزش آدمی است.

كذلك زين للكافرين ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۵

۵ بهره گیری از گرایش انسان به زیبایی و جاودانگی، در جهت هدایت وی به ایمان و جهاد، امری است شایسته و بایسته.

جهدوا بأموالهم .. أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ گرایش انسان به زیباییها

بل زين للذين كفروا مكرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۸

۸- گرایش به زیبایی ها

، از جمله گرایش های انسانهاست .

لأزینن لهم

از اینکه ابلیس، از طریق تزئین اعمال به گمراهی انسانها می پردازد، به دست می آید که انسانها به زیبایی و زینت علاقه مند هستند و این علاقه مندی باعث و انگیزه آنها در رفتارشان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۲

۲- انسان ، موجودی زیباپسند است .

و لکم فیها جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۶

۶- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع <تلبسونها> حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۵

۵- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فزین لهم الشیطن أعملهم

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزئین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۳

۱۳- گرایش به زیبایی ها ، در سرشت انسان نهفته است .

جعلنا ما على الأرض زينة لها لنبلوهم

آفرینش زیبایی ها به منظور آزمایش انسان، در صورتی معنا خواهد داشت که گرایش به زیبایی در وجود انسان نهفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - انسان ها ، طبعاً ، به زیبایی و خوبی گرایش دارند .

و زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمٰلَهُمْ

این که شیطان، کارهای ناروا را خوب جلوه می دهد، تا مردم را از راه خدا باز دارد، حکایت از این حقیقت می کند که مردم، به زیبایی و خوبی گرایش دارند و شیطان از این گرایش، استفاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۶

۶ - گرایش درونی انسان به زیبایی ها

فَزَيِّنُوْا لَهُمْ .. و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

از این که اعمال ناشایست انسان ها را برایشان خوب و نیک جلوه می دادند، می توان استفاده کرد که طبیعت انسان از بدی گریزان است و به خوبی تمایل دارد.

گرایش به زیورآلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۶

۶- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع <تلبسونها> حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات



و تستخرجون حلیه تلبسونها

آیه شریفه در صدد گزارش از یک واقعت خارجی است و آن استفاده مدام انسان ها از زیورآلات دریایی است. این کار حکایت از تمایل و گرایش است

که در درون انسان ها وجود دارد.

گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۵

۵ آدمی پس از نجات از شدايد، علی رغم پيمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پيمان شکنی می کند و مجدداً شرک میورزد.

لئن أنجنا .. قل الله ینجیکم ... ثم أنتم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ گرایش به شرک پس از توحید (ارتداد)، حرکتی ضد تکاملی و ارتجاعی است.

أندعوا من دون الله .. و نرد علی أعقابنا بعد إذ هدینا الله

معنای جمله <نرد علی .. > صرفاً به معنای بازگشت به گذشته تاریخی نیست بلکه حکایت از بازگشت به جهل و عقب ماندگی فکری نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أولئک لم یکنوا معجزین فی الأرض .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست؛ بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۹ گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله ولا أشرك به

چون جمله <قل إنما أمرت ..> که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته است ، معلوم می شود این گروه ها به پرستش غیر خدا و شرک در عبادت روی آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک ، نشانه بی ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إنّ الذین هادوا و الصبئون و النصری .. لقد کفر الذین قالوا إنّ الله هو المسيح

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱،۷

۱ شعيب (ع) در پاسخ اشراف کفرییشه مدین ، گرایش به آیین شرک را افترا بر خداوند دانست .

قد افترینا علی الله کذبا إن عدنا فی ملتکم

۷ شعيب (ع) بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک تنها در صورت تعلق مشیت الهی ، ممکن دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۶

۶ گرایش به شرک

، ناسپاسی به نعمت های خداوند است .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

گرایش به شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است، یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۹

۲۹ وجود زمینه های گرایش به خیر و شر در انسان از آغاز آفرینش

قال لاقتلنک .. انما یتقبل الله من المتقین

با توجه به اینکه هابیل و قابیل هر دو فرزندان آدم بودند، لکن راههای متضادی را برگزیدند، معلوم می شود گرایشهای درونی انسانها متفاوت است.

گرایش به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۸

۸ اعتقاد به توحید و روی دل و جان به خدای یگانه کردن، مقتضای گرایش به حق و راه مستقیم است.

وجهت وجهی للذی .. حنیفا و ما أنا من المشرکین

راغب در معنای حنیف می گوید: <حنف> تمایل به استقامت و

دوری از گمراهی است. و چون <حنیفا> در آیه شریفه وصف برای فاعل <وجهت> است، تعلیلی برای مضمون <وجهت ...> محسوب می شود.

گرایش به طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان، آب، خانه های دلپذیر و جاودانگی، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنت جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۶

۶ - بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی و غریزی انسان به آب، بوستان و خانه های دلپذیر، در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی است.

تؤمنون بالله و رسوله .. و یدخلکم جنت... و مسکن طیبه

از این که خداوند، گرایش های طبیعی انسان ها را وسیله هدایت آنان و سوق دادن آنها به کسب ارزش ها قرار داده است، برداشت بالا استفاده می شود.

گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل: < ولا تتركوا إلى الذين ظلموا... > قال: هو الرجل يأتي السلطان فيحب بقاءه إلى أن يدخل يده إلى كيسه فيعطيه;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده:



>ولا تركزوا إلى الذين ظلموا...< روایت شده است: ركون به ظالم این است که شخص نزد سلطان [ظالم] برود و دوست بدارد که او زنده بماند تا دست در کیسه اش کند و چیزی به او بدهد.<

گرایش به عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۹

۹ انسان از دیرباز ، برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۹

۹ انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش معبود و گرایش به آن بود .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۷

۷ انسان ها از دیرباز برخوردار از روحیه گرایش به معبود و پرستش آن

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۸

۸ انسان از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش بود .

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۸

۸ انسان ها از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش بودند .

قال يقوم اعبدوا الله

گرایش به عقیده حق

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۳

۳- عقیده حق ، دلپذیر و مطابق طبع آدمی بوده و عقیده باطل منفور است .

مثلاً کلمه طیبه کسجیره طیبه .. و مثل کلمه خبیثه کسجیره خبیثه

<طیب> در لغت به چیزی معنا شده است که مطابق طبع و میل آدمی می باشد و <خبث> چیزی است که مورد کراهت و نفرت می باشد. برداشت فوق، با توجه به معنای یاد شده، بنابر احتمالی است که مراد از <کلمه طیبه> عقیده حق و <کلمه خبیث> عقیده باطل باشد.

گرایش به فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۵

۵ مال و فرزند ، دو عنصر پرجاذبه در زندگی دنیوی

أمولهم و أولدهم

با توجه به اینکه خداوند از میان امکانات مادی تنها به دو مورد مال و اولاد اشاره کرده، برداشت فوق به دست می آید.

گرایش به فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۳،۵

۳ - منشأ انکار معاد ، تمایل انسان به فسق و فجور است ؛ نه وجود شبهه ای علمی .

أیحسب الإنسان أَلَّنْ نجمع عظامه .. بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

۵ - گرایش به فسق و فجور ، از تمایلات طبیعی انسان ها است .

بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

گرایش به قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۸

۸ گرایش طبیعی انسان ها به قدرتی فراتر و نیرومند ، برای اتکا به او

و ما لکم

من دون الله من وليّ ولا نصير

اینکه خداوند فرموده است: <برای شما جز او یار و سرپرستی نیست>، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و استمداد و اتکا به مبدأ قدرت در انسانها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۸

۸ - انسان ها ، دارای گرایشی درونی به قدرتی برتر جهت انتخاب ولیّ و یاورند .

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

نفی مطلق غیرخدا برای ولایت و یآوری، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و اتکا به ولیّ برتر است.

گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- <قال الرضا (ع) : ممّا نزل بیایاک أعنی و اسمعی یا جاره خاطب الله عزّوجلّ بذلک نبیه و أراد به أمّته قوله : ... > و لولا أن ثبتناک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً < ... ;

امام رضا(ع) فرمود: از جمله آیاتی که بر سبک و روش [مثال معروف عرب] <إیّاک أعنی و اسمعی یا جاره> نازل گردید و آن هم بدین معنا که خداوند عزّوجلّ به پیامبر(ص) خطاب می کند ولی مقصود و مراد امت اوست / این آیه شریفه است: <و لولا أن ثبتناک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً> ..<.

گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر

خدا بر آنان است .

أولئك لم يكونوا معجزين في الأرض .. ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست؛ بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱

۱- میل و گرایش به کفر پس از پذیرش ایمان ( ارتداد ) ، موجب خشم شدید الهی است

من كفر بالله من بعد إيمنه .. فعليهم غضب من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک ، نشانه بی ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إنّ الذين هادوا و الصبئون و النصرى .. لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

گرایش به مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۵ مال و فرزند ، دو عنصر پرجاذبه در زندگی دنیوی

أمولهم و أولدهم

با توجه به اینکه خداوند از میان امکانات مادی تنها به دو مورد مال و اولاد اشاره کرده، برداشت فوق به دست می آید.

گرایش به مردان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث ( بدکردار و ناپاک ) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین . . . و الطیبون للطیب

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به مردان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث ( بدکردار و ناپاک ) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین . . . و الطیبون للطیب

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به مشرکان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱

۱ - پیامبر )

ص) از ترفند های لغزش آفرین مشرکان و کمترین تمایل به آنان ، در پرتو ثبات قدم اعطا شده به او از جانب خداوند ، در امان بود .

و لولا أن ثبتنك لقد كدت تركن إليهم شيئاً قليلاً

گرایش به معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۹

۹ انسان از دیرباز ، برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۹

۹ انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش معبود و گرایش به آن بود .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

گرایش به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۱

۱ - برخی از فرعونیان در پی سخنان موسی (ع) ، به آن حضرت گرایش پیدا کرده ، و موجب بروز تنش در میان فرعونیان گردیدند .

فتنزعوا .. قالوا إن هذين لسحرن

فاعل <قالوا> به قرینه <فأجمعوا کیدکم> (در آیه بعد) گروهی از فرعونیان بودند که با گروهی دیگر از خودشان به گفت و گو پرداختند. آیه قبل نیز به این معنا تصریح دارد که در میان فرعونیان مشاجره ای پدید آمد. این مشاجره در باره موسی (ع) بوده و فاعل <قالوا> سعی در توجیه گروه دوم داشته است.

گرایشها به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۳۱

۳۱ کج اندیشی و گرایش قلب به باطل ، مانع از ژرفنگری در علم \*

فأما الذين في قلوبهم زيغ .. و الراسخون في العلم

از مقابله دو گروه (کج اندیشان و راسخان در علم)، استفاده شده است.

گرایشها در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی ( کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری ) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

گرایشها در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی ( کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری ) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر

یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

گرایشها

در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی ( کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری ) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

گرایشها در میان سالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی ( کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری ) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

گرایشها در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی ( کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری ) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه

الدنيا لعب . . . و تكاثر في الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

گرایشهای پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۳

۳ گرایش به حق ( حنیف بودن ) و تسلیم خدا بودن ، حقیقت پیروی از حضرت ابراهیم ( ع ) و انبیا

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين. انّ اولی الناس بابرهیم للذین اتّ

گرایشهای فطری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۳

۳ گرایش به دین ، امری فطری است . \*

افغیر دین الله یبغون

<بغی> به معنای طلب است. و فعل مضارع <یبغون> دلالت بر طلب و خواست مستمرّ دارد. بنابراین آیه شریفه فرض کرده که مردمان همواره در پی دین هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۹

۹ گرایش به توحید امری فطری و معقول، و شرک پنداری دور از حقیقت و موجب شگفتی است.

ذلکم الله فأنی تؤفکون

در مفردات راغب آمده است که <افک> به معنای دروغ و نیز هر چیزی است که در غیر مجرا و مسیر صحیح خود قرار گرفته باشد. جمله <فأنی تؤفکون> در عین استفهام همراه با تعجب، بر انحراف و دروغ بودن شرک و در نتیجه بر حقانیت و

راستی توحید اشاره دارد.

گرایشهای مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -



۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۵،۱۰

۵ شیفستگی مردم نسبت به زن ، فرزندان ذکور ، سیم و زر و مرکب های نامدار

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرَ الْمُقَنْطَرَةَ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِ

۱۰ امکانات مادی ، و تمایل به آنها ، فقط وسیله ای برای گذران زندگانی دنیاست و هدف آفرینش نیست .

زَيْنَ لِلنَّاسِ ذَلِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۲۸

۲ تقوایپیشگان ، فریفته تمایلات شهوانی و مادی نیستند .

زَيْنَ . . . ذَلِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا ... لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ

۸ پرهیز از شیفستگی به تمایلات نفسانی ، عامل دستیابی به بهشت جاودان و رضوان الهی

لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ

به قرینه آیه قبل می توان مفعول <اتَّقُوا> را موارد ذکر شده در آن آیه دانست. موارد یاد شده عبارت است از حب و

شیفستگی به شهوات و ... . گفتنی است معنای لغوی <اتَّقُوا>، پرهیز و دوری است.

گرایشهای متضاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۸

۸ رشد ایمان در جامعه ، موجب نفی حضور کفر است .

وَ لِيَمْحَضَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ

نیابردن <لام تعلیل> در <یَمْحَق>، اشاره به این معنا دارد که نابودی کافران پس از خالص شدن مؤمنان صورت می گیرد.

یعنی به هر اندازه که مؤمنان از عیب و نقص خالص شوند، به همان مقدار از شوکت کافران کاسته خواهد شد تا به نابودی

کشانده شوند.

گرایشهای نکوهیده

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۴، ۷، ۵، ۱

۱ توجه و علاقه به مادیات ، زمینه محرومیت از پندگیری و بینش صحیح

انّ فی ذلک لعبره لاولی الابصار. زین للناس حبّ الشهوات

برداشت فوق از ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل استفاده شده است؛ گویا <زین> بیان می کند که چرا همه انسانها اهل بصیرت نیستند.

۵ شیفتگی مردم نسبت به زن ، فرزندان ذکور ، سیم و زر و مرکب های نامدار

زین للناس حبّ الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطره من الذهب و الف

۷ هشدار الهی در مورد جاذبه های موهوم امور مادی و دنیوی

زین للناس حبّ الشهوات .. متاع الحیوه الدنیا

۱۴ تضعیف انگیزه های مادی و تقویت انگیزه های معنوی ، از روش های قرآن برای تربیت انسان

زین للناس .. و الله عنده حسن المئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۳

۳ ضرورت پرهیز از بنا نهادن بینش ها و موضع گیری ها ، بر اوهام و پندار های باطل

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لّما يعلم الله

گناه گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱

۱ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، حرام و گناهی بزرگ است .

ولا تتركوا إلى الذين ظلموا

<الركون إلى شيء> یعنی ، گرایش پیدا کردن به چیزی و اعتماد کردن بر آن.

ممانعت از گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . \*

فاعبدنی .. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

ممنوعیت گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۹

۹- کمترین تمایل و کوچک ترین اتکا به کافران ، ممنوع است .

و لولا أن ثبتنک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

از اینکه خداوند می فرماید: <اگر ما ثبات قدم به تو نداده بودیم، نزدیک بود که تو اندکی به آنان تمایل و اتکا بکنی> استفاده می شود که تمایل به کافران ممنوع است.

موانع گرایش به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم .. أفطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

موانع گرایش به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٥ خودفريبي مشركان و آراسته ديدين پندار شرك

، آنان را از گرایش به توحید باز داشت .

و صدّوا عن السبيل

<صدّ> (مصدر صدّوا) به معنای بازگرداندن است. به نظر می رسد فاعل محذوف از <صدّوا> مکر و حيله که مایه شرک‌ورزی مشرکان شده است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۷

۷ آلودگی قوم عاد به پلیدی و گرفتاری ایشان به خشم خدا، مانع آنان از تصدیق رسالت هود و گرایش به توحید و یکتاپرستی

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <قد وقع .. > به منزله دلیلی باشد بر کفرورزی قوم عاد، نه نتیجه ای برای انکار توحید و رسالت. یعنی هود با این جمله اشاره به ریشه عنادورزی آنان دارد.

موانع گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۵

۵- توجه به آخرت و ارزش دادن به آن ، مانع روی گردانی از ایمان و گرایش به کفر و ارتداد

ذلک بأنهم استحبوا الحیوه الدنیا علی الآخره

جمله <ذلک بأنهم .. > در صدد معرفی مرتد و انگیزه ارتداد اوست و او کسی است که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده، در حالی که اگر آخرت را در نظر می داشت و برای آن ارزش لازم قائل بود، دست از ایمان برنداشته و مرتد نمی شد.

نقش گرایشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۷

۷- استفاده از گرایش ها و عواطف خویشاوندی برای هدایت مردم ، از روش



های هدایتی قرآن

أَلَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا. ذَرِيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <ذَرِيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا..> از سخنان قرآن باشد نه آموزه های تورات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۶

۶ - بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی و غریزی انسان به آب ، بوستان و خانه های دلپذیر ، در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی است .

تؤمنون بالله ورسوله... ویدخلکم جنت... و مسکن طیبه

از این که خداوند، گرایش های طبیعی انسان ها را وسیله هدایت آنان و سوق دادن آنها به کسب ارزش ها قرار داده است، براداشت بالا استفاده می شود.

نهی از گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۵

۵ مسلمانان نباید در پایداری بر دین و پیشبرد اهداف آن بر ستمگران ، اتکا کنند و از آنان یاری طلبند .

فاستقم كما أمرت و من تاب معك... و لا تتركوا إلى الذين ظلموا

نهی از تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، پس از امر به استقامت در راه دین ، توجه دادن مؤمنان است به این که مبدا برای رسیدن به این مقصود (استقامت در راه دین و پیشبرد اهداف آن) بر ستمگران تکیه کنند و از آنان یاری بخواهند.

## گرسنگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گرسنگی

آثار گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- فقر و گرسنگی مردم ، زمینه ساز ناامنی اجتماعی است . \*

فكفرت بأنعم الله فأذقها

از اینکه خداوند در کیفر کفران نعمت، ابتدا فقر و گرسنگی و سپس ترس و ناامنی را مطرح ساخته است، می توان به دست آورد که فقر و گرسنگی زمینه ناامنی اجتماعی، همچون دزدی و ... را فراهم می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۵

۵ - گرسنگی و محرومیت از مواد غذایی لازم، از نشانه های مسکین بودن

و لم نک نطعم المسکین

ابتلا به گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۲،۴

۲ - خداوند با مبتلا ساختن اهل ایمان به ترس و گرسنگی، آنان را می آزماید .

و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع

۴ - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن ( ترس، گرسنگی، زیان های مالی و جانی و کم محصولی ) از مشکلات راه ایمان است .

لا تقولوا لمن یقتل ... و لنبلونکم بشیء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و ... پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از <الخوف و ...> ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می آید، یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و ... می باشد.

اهتمام به رفع گرسنگی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۶

۶- اهتمام شدید اسلام ، به رفع گرسنگی

در جامعه و تغذیه بینوایان

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ . وَلَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ

از این که تکلیف تغذیه بینوایان و گرسنگان، در ردیف ایمان به خدا و به عنوان عامل عذاب الهی قرار گرفته است؛ می توان به حقیقت یاد شده پی برد.

اهمیت مشکلات گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۸ - ۵

۵ - توجه و اهتمام ویژه اسلام ، به مشکل گرسنگی و نیاز غذایی جامعه

و يطعمون الطعام على حبه مسكيناً و يتيمًا و أسيرًا

از تصریح به اطعام و رفع نیازهای غذایی نیازمندان جامعه به جای تأمین عموم نیازهای نیازمندان می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

بلاى گرسنگى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۸

۸- گرسنگی و ناامنی ، از بلاهای مهم اجتماعی است .

قریه كانت ءامنه مطمئنه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

جاودانگی گرسنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۳

۳ - خوردن گیاه < ضریع > ، دوزخیان را از گرسنگی نجات نخواهد داد .

و لا یغنی من جوع

زمینه رفع گرسنگی از جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۳

۳- ریشه کن ساختن گرسنگی در جامعه ، نیازمند همکاری مردمی و تلاش همگانی است .

و لاتحْضُونَ علی طعام المسکین

شدت گرسنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۱

دوزخیان ، همواره ضعیف و لاغر مانده و در شدت گرسنگی به سر خواهند برد .

لایسمن و لایغنی من جوع

کلمه <جوع>، نکره است و چون کلام منفی است، بر عموم دلالت دارد. بنابراین هر گونه گرسنگی که به تصور می آید، درباره دوزخیان مصداق خواهد داشت.

عوامل رفع گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۵

۵ - مصرف طعام ، باید به منظور از بین بردن گرسنگی و به دست آوردن توان عبادت باشد .

فلیعبدوا .. الذی أطعمهم من جوع

<من جوع>، بیانگر آن است که هدف از طعام، زوال گرسنگی است نه آن که خوردن، همواره مطلوب باشد. <فلیعبدوا> بیانگر هدف بودن عبادت برای طعامی است که از خداوند به انسان می رسد.

عوامل گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۶، ۹

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا ، عامل پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فكفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <يصنعون> که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

۱۶- دستیابی جامعه به امنیت ، رشد و رفاه اقتصادی و یا ابتلای آن به فقر ، گرسنگی ، ناامنی و ترس ، در گرو اعمال افراد آن جامعه است .

و ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنہ .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس

عوامل گرسنگی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -



۱۴- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

فلسفه رفع گرسنگی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۵

۱۵ - رفع گرسنگی و ناامنی از ساکنان مکه ، در راستای اعتلا و شکوفایی کعبه و از جلوه های ربوبیت خداوند است .

ربّ هذا البيت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

<الذی> ، وصف <ربّ> و بیانگر جلوه های آن است.

گرسنگی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۱۵

۱۵- اصحاب کهف ، پس از بیدار شدن از خواب طولانی خویش ، احساس گرسنگی کردند .

فابعثوا أحدکم بورقکم .. أزکی طعامًا

گرسنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۶ - ۳

۳- دوزخیان ستمگر ، در حال گرسنگی شدید به سر خواهند برد .

فمالتون منها البطون

پر کردن شکم از خوراکی های بسیار ناگوار، نشانه شدت گرسنگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۱،۳

۱ - دوزخیان ، گرفتار گرسنگی و نیازمند غذا خواهند شد .

لیس لهم طعام

۳ - بی غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی

ارزش و صدمه زننده ، از شکنجه ها و عذاب های جهنم است .

ليس لهم طعام إلا من ضريع

گرسنگی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۳

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <يضیفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

گرسنگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۳

۳- اهل دوزخ ( اصحاب شمال ) ، برای رفع گرسنگی ناچار به تغذیه از درخت زقوم خواهند بود .

لأكلون من شجر من زقوم

آوردن <لام> تأکید، بیانگر آن است که تغذیه اهل دوزخ از <زقوم> تردیدناپذیر است زیرا آنان برای رفع گرسنگی چاره ای جز آن ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۳ - ۱

۱- دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زقوم > می پردازند .

فمالون منها البطون

گرسنگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱

۱ - خداوند، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد.

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی؛ یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است؛ به گونه ای که اگر خداوند

آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

گرسنگی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۲

۲- موسی (ع) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرین ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۳

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <یضیفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۶،۷

۶ - کمک رسانی موسی (ع) به دختران شعیب ، علی رغم خستگی و گرسنگی شدید وی

ثمّ تولّی الی الظلّ فقال ربّ إنّی لما أنزلت الیّ من خیر فقیر

۷- اظهار گرسنگی و نیاز در پیشگاه خداوند از سوی موسی (ع) و درخواست کمک از ساحت او

فقال ربّ إنّی لما أنزلت الیّ من خیر فقیر

گرسنگی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۶

۶ - پیشه ساختن صبر و برپایی نماز ، دو وسیله کارساز برای تحمل ترس ها ، گرسنگی ها ، زیان های مالی و جانی و کمبود های به وجود آمده برای سالکان راه ایمان

یأیها

الذین ءامنوا استعینوا بالصبر والصلوه .. و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و ا

گرسنگی یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۲

۲- موسی (ع) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرین ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

منشأ گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۶

۱۶ خداوند ، منشأ تمام نعمت ها ( مانند سلامتی ، امنیت و گشایش روزی ) و تمام بلاها ( از قبیل بیماری ، ترس و گرسنگی )

و ان تصبهم حسنةً یقولوا هذه من عند الله و ان تصبهم سيئةً یقولوا هذه من عندك قل

از ائمه معصومین (ع) در معنای حسنات و سیئات در آیه فوق روایت شده است: .. الصحه و السلامه و الامن و السعه فی الرزق و قد سَمَّاهَا اللهُ حسنات ... یعنی بالسیئه هاهنا المرض و الخوف و الجوع ...

---

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۹، ح ۴۱۶.

نجات از گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱

۱ - خداوند، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد.

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی؛ یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی



در قریش است، به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

## گرما از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گرما

ابتلای بنی اسرائیل به گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱

۱ - قوم موسی پس از نجات از سلطه فرعونیان و گذر از دریا، در بیابان ها به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند.

و ظللنا علیکم الغمام

<تظلیل> مصدر <ظللنا> - که به معنای سایه قرار دادن می باشد - گویای این است که: قوم موسی پس از گذشتن از دریا، در جایی که سقف و دارای سایه بانی باشد سکونت نکردند و لذا کلمه <بیابانها> در برداشت آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۶،۱۷

۱۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند.

و ظللنا علیهم الغمم

۱۷ خداوند با سایه گستر ساختن ابرها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید.

و ظللنا علیهم الغمم

<غمامه> به معنای ابر و جمع آن غمام است. (لسان العرب). برخی از اهل لغت برآنند که غمام به معنای ابر سفید است. <تظلیل> (مصدر ظللنا) به معنای سایه قرار دادن است.

ابزار گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۳

۳- گرم شدن آدمی به وسیله پشم ، کرک و موی دام ها از جمله فواید آنهاست .

و الأنعـم خلقها لكم فیها دفءٌ

<دفء> اسم برای وسیله و چیزی است که آدمی به وسیله آن گرم شده و از سرما

محفوظ می ماند.

غزوه تبوک در گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لا تنفروا فی الحر

گرما در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۱

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

و إنَّک لا تظمؤا فیها و لا تضحی

<لا تضحی> یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی <جَنَّهُ> که بستان پوشیده از درخت است به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

گرما در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۴

۴ - فضای محشر ، سخت داغ ، دود آلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

منابع گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است .

و جعلنا سراجاً وهاجاً

<وَهَاجَ> (ریشه <وَهَّاجَ>)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقایس اللغه)

نجات بنی اسرائیل از گرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۷

۱۷ خداوند با سایه گستر ساختن ابرها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا علیهم الغمم

<غمامه> به معنای ابر و

جمع آن غمام است. (لسان العرب). برخی از اهل لغت برآنند که غمام به معنای ابر سفید است. <تظلیل> (مصدر ظللنا) به معنای سایه قرار دادن است.

## گروهها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گروه ها

بطلان گروه های مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۷

۷ - کلیه گروه هایی که اعتقادشان براساس شرک است ، بر باطل اند .

و لا تكونوا من المشركين . من الذين فرقوا دينهم

<من الذين فرقوا دينهم> بدل از <المشركين> است و به خاطر توجه دادن به این حقیقت آمده است که اگر چه مشرکان، عقیده واحدی ندارند و گروه های عقیدتی مختلفی اند، اما همه، مشرک اند و باید از قرار گرفتن در صف هر کدام از آنها پرهیز شود.

تمایز گروه ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفوف مؤمنان ، در روز قیامت ، از صف کافران جدا می شود .

و يوم تقوم الساعة يومئذ يتفرقون

در صورتی که مرجع ضمیر <يتفرقون> واژه <الخلق> در آیه یازده باشد و به قرینه دو آیه بعد که درباره وضعیت مؤمنان و کافران است نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید

این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۸

۸ - در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصّدعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحاً ... یمهدون

گروه ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۵

۵ - رو در رویی گروه های مختلف انسان ها ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ... و قال الذین أوتوا العلم و الإیمن لقد لبثتم

گروه های اجتماعی

{گروه های اجتماعی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۵،۸،۴

۴ مذمت آن گروه از مردم که پس از انجام مناسک حج ، تنها خواهان بهره های دنیوی از پروردگار خویشند .

فمن الناس من یقول ربّنا اتنا فی الدنیا

۵ دنیاطلبان ، زیبایی ها را تنها در امکانات و بهره های دنیوی می پندارند .

فمن الناس من یقول ربنا اتنا فی الدنیا

از اینکه در هنگام خواسته هایشان قید <حَسَبَیْهِ> را ذکر نکرده اند ، چنین برمی آید که هر چه را در دنیاست ، زیبا می پنداشتند .

۸ برخی مردم ، تنها دنیا را از پروردگارشان خواهانند .

و من الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا

چون گروهی که در آیه بعد مطرح است، خواهان دنیا و نیز آخرتند، به قرینه مقابله، این گروه تنها طالب دنیایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ -



۱ تمجید آن دسته از مردم که پس از انجام مناسک حج ، خواهان نیکو های دنیا و آخرت و نجات از آتش هستند .

و منهم من يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنه و في الاخره حسنه و قنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۴ - ۵

۵ منافقان ریاکار و متظاهرند .

و من الناس من يعجبك قوله في الحيوه الدنيا .. و هو اللد الخصام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۰،۴،۸،۱۰

۱ برخی از مردم ، رضایت خداوند را با فدا کردن جان خویش می خرنند .

و من الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله

۴ در برابر کسانی که حرث و نسل را فدای مصلحت خود می کنند ، برخی ، جان خود را در برابر حفظ ارزش های الهی فدا می کنند .

ليفسد الحرث و النسل .. و من الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله

۸ وجود مؤمنان ایثارگر در جامعه برای مبارزه با فساد ، از نشانه های رأفت خداوند به بندگان

و اذا تولى سعى في الأرض .. و من الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله ... و ال

۱۰ تفاوت عمیق میان انسان ها و تقسیم بندی آنها بر مبنای جهانی بینی ، عقیده ، عمل و اخلاق

و من الناس من يقول .. ربنا اتنا .. من يعجبك ... من يشري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۱۲،۶،۲



تا هنگامی که عذاب الهی نازل نشود، تسلیم نمی شوند و ایمان نمی آورند.

هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام

۶ برخی از مردم برای تسلیم شدن در برابر خداوند، منتظر آمدن خداوند و ملائکه هستند.

هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام و الملائكة و قضى الامر

بنابراینکه جمله <هل ينظرون>، تهدید به عذاب نباشد؛ بلکه بیان یک واقعیت که همان توقع نابجای مردم است باشد.

۱۲ توقعات نابجای برخی از مردم (دیدن خدا و ملائکه)

هل ينظرون الا ان ياتيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۹

۹ ایمان و کفر، ملائک تقسیم بندی جوامع انسانی از نظر قرآن

فاما الذين كفروا .. و اما الذين امنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۶ - ۳،۵

۳ تنها گروهی اندک از مردم، پذیرای حکم خودکشی و ترک خانه و کاشانه در صورت فرمان الهی به آن

و لو انا كتبنا عليهم ان اقتلوا انفسكم .. ما فعلوه الا قليل منهم

۵ رویگردانی مردم جز گروهی اندک از توبه در صورت مشروط بودن آن به خودکشی و یا ترک خانه و کاشانه

و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله .. و لو انا كتبنا ... ما فعلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۱۸، ۱۶

۱۶ تنها عده خیلی از مردم تحت تأثیر شایعات و اخبار گمراه کننده قرار

نمی گیرند .

اذاغوا به .. لو لا فضل الله عليكم و رحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا

۱۸ تنها گروهی اندک از مردمان برای رهایی از پیروی شیطان نیاز به هدایت های ویژه و دایمی ندارند .

لو لا فضل الله عليكم و رحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا

در برداشت فوق مستثنی منه، ضمیر در <اتبعهم> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱،۲

۱ برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۲ گروهی از مردم نابخردانه دین خدا را بازیچه و سرگرمی برای خود قرار داده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

مراد از <دینهم> می تواند آیین الهی باشد که برای آنان نازل گشته، ولی آنان به جای تمسک آن را بازیچه خویش قرار داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۴،۶،۹

۴ گروهی از انسان ها هیچ نشانه ای را که برای اثبات حقانیت دین به آنان ارائه شود ، تصدیق نمی کنند و بدان ایمان نمی آورند .

و إن یروا کل ءایه لا یؤمنوا بها

۶ گروهی از انسان ها هر چند راه رشد و هدایت را پیش روی خویش ببینند ، آن را راه و رسم زندگانی خویش قرار نمی دهند .

و إن یروا سبیل الرشدا لا یتخذوه سبیلا

۹ گروهی از انسان ها با برخورد به راه های ضلالت آن را روش خویش قرار داده و در پی آن سلوک خواهند کرد .

و إن

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و إن یروا سبیل الغی .. > عطف بر <یتکبرون> و صله چهارمی برای <الذین> باشد. در این صورت جمله مذکور اشاره به گروهی دیگر دارد که خداوند آنان را از درك آیات خویش باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۷

۷ - برخلاف همه پدیده های جهان هستی ، مردم دو دسته اند : بسیاری از آنان معتقد به توحید ربوبی و اهل خضوع و انقیاد در برابر خدا و بسیاری دیگر منکر توحید ربوبی و دیگر پرست هستند .

ألم تر أن الله یسجد .. و کثیر من الناس و کثیر حقّ علیه العذاب

جمله <حقّ علیه العذاب> کنایه از شرک و دیگرپرستی و روی گردانی از خضوع در برابر خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۲

۲ - انسان ها در برابر انذارها و اخطارهای پیامبران دو دسته اند : مؤمن و یا کافر

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ . فالذین ءامنوا ... و الذین سعوا فی ءآیتن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱،۱۰

۱ - برخی از مردم ، به دنبال فراگیری سخنان بیهوده و داستان های بی اساس اند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث

<لهو> در لغت، به معنای هر چیزی است که انسان را از

مقصودش باز دارد. عبارت <لهوالحدیث> اضافه صفت به موصوف خودش است و به معنای <سخن و کلام و یا افسانه های بیهوده> است.

۱۰ - گروهی از مردم، در برخورد با آیات قرآن کریم، آن را می پذیرند و گروهی دیگر، از آن روی گردانده و به سخنان بیهوده روی می آورند.

تلک ءایت الکتب .. هدی ... للمحسنین ... و من الناس من یشتري لهو الحدیث

آیه، عطف معنوی به آیات پیش و یا عطف قصه به قصه است و گویا، در صدد بیان این نکته است که مردم، در برخورد با قرآن، دو دسته اند: گروهی از آنان محسنان اند که هدایت پذیرند و گروهی دیگر، از آن گریزانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - گروهی از مردم، در برابر نعمت نجات از بلاها و خطر های مرگ آفرین، ناسپاس اند.

فلما نجّیهم إلی البرّ فمَنهم مقتصد و ما یجحد بأیتنا إلاّ .. کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۱

۱ - مردم، در برابر امانت الهی، به سه گروه منافق و مشرک و مؤمن صف بندی شدند.

إنّا عرضنا الأمانه .. لیعدّب الله المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۵

۵ - وجود گروهی مستکبر در جوامع بشری که گروه دیگر را به استضعاف می کشانند.

قال الذین استکبروا للذین استضعفوا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۴

۴ - وجود گروهی مستکبر در جوامع بشری که گروه دیگر را به استضعاف درمی آورند .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۱

۱ - دسته ای از مردم ، انفاقگر و اهل جود و تقوایند .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ

مراد از <إعطاء> به قرینه مقابله با <بخل> (در آیات بعد) انفاق مال و جود و کرم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۱

۱ - دسته ای از مردم ، از صرف اموال خود در موارد لازم ، بخل ورزیده و همواره درصدد ثروت اندوزی و غنی ساختن خویش اند .

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ

<بخل>؛ یعنی، دور نگه داشتن اندوخته ها، از مصارفی که منع آنها از آن شایسته نیست (مفردات).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، پاداش های موعود خداوند را دروغ پنداشته و وعده های الهی را تکذیب می کنند .

و كَذَّبَ بِالْحَسَنَىٰ

اختلاف گروه های اجتماعی



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۴

۴ تقسیم شدن مردم به فرقه های مختلف و درگیری و جنگ بین آنان، از انواع عذاب الهی بر مردم است.

أو یلبسکم شیعا و ینذیق بعضکم بأس بعض

<شیع>، جمع <شیعه>، به معنی گروهها و فرقه هاست و <بأس> نیز به معنی جنگ و

یا شدت جنگ است. (لسان العرب). جمله <و یذیق...> عطف تفسیر و یا عطف سبب بر مسبب است، یعنی نتیجه گروه گروه شدن جنگ و درگیری است.

امتحان گروه های اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱

۱ خداوند گروهها و قشرهای گوناگون جامعه را به وسیله یکدیگر می آزماید.

و كذلك فتنا بعضهم ببعض

گروه های اجتماعی در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ - در مدینه عصر پیامبر (ص) گروه های مختلف فکری و عقیدتی زندگی می کردند .

نساء المؤمنین .. لئن لم ينته المنفقون

گروه های اجتماعی دوران عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۳

۳ - وجود گروه ها و احزاب مختلف اجتماعی و قومی در جامعه عصر عیسی (ع)

فاختلف الأحزاب من بينهم

جمله <فاختلف الأحزاب> گویای این نکته است که مردمان در عصر عیسی (ع)، به گروه ها و احزاب مختلفی تقسیم شده بودند که بعد از بعثت آن حضرت، گرفتار اختلافاتی نوین شدند.

گروه های اجتماعی صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - وجود برخی از عناصر مذنب و هرهری مذهب در جمع مسلمانان صدراسلام

و من الناس من یعبد الله علی حرف فإن أصابه خیر اطمأنّ به و إن أصابته فتنه انقلب

<حرف> به معنای طرف و کنار است. <علی حرف> متعلق به عامل مقدر و حال از ضمیر مستتر در <یعبد>

است. یعنی، <و من الناس من يعبد الله حال كونه على طرف من الدين>. آیه فوق، خبر از عناصری از اهل شرک می دهد که همراه با اضطراب، تشویش، دودلی و تردید وارد جبهه توحید و یکتاپرستی (اسلام) می شدند. آنان مانند کسی هستند که در کنار معرکه چشم به راه می نشیند؛ اگر دید جنگجویان دارند پیروز می شوند، وارد معرکه می شوند؛ اما اگر احساس کرد که آنها شکست می خورند، فرار می کند. عناصر فوق نیز اگر به مال و منالی دست می یافتند، شادمان می شدند و پا بر جا می ماندند؛ اما اگر اتفاقاً مواجه با ناملازمات و سختی ها می شدند، از جبهه توحیدی روی بر می تافتند و به آیین سابقشان (شرک) باز می گشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱

۱ - در میان مؤمنان صدراسلام، افرادی با ایمان سست وجود داشتند.

و من الناس من يقول ءامنا بالله فإذا أؤذى فى الله جعل فتنه الناس كعذاب الله

گروه های اجتماعی و رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۲۴

۲۴ - رهبران دینی در خطر پیروی از تمایلات نفسانی گروه های مختلف اجتماعی

و لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولی و لانصیر

گروه بندی

آثار گروه بندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۵

۵ گروه گروه شدن، زمینه درگیری و خونریزی و نشانه عذاب الهی است.

أو یلبسکم شیعا و یدیق بعضکم بأس بعض

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - گروه بندی و حزب گرایی ، پیش درامدی بر اختلاف مذهبی است .

فَرَّقُوا دِينَهُمْ .. كَلَّ حِزْبٍ بَمَا لَدَيْهِمْ فَرَحُونَ

احتمال دارد < کَلَّ حِزْبٍ .. > به منزله تعلیل برای < فَرَّقُوا دِينَهُمْ > باشد؛ یعنی، آنان، دین خود را تجزیه کردند و یا در دین خود، اختلاف کردند، برای این که هر گروهی آنچه را که خود دارد، آن را می پسندد.

گروه بندی های اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۵

۵ - اختلاف دینی ، از عوامل دسته بندی و گروه بندی های اجتماعی است .

فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا

احتمال دارد ذکر < وَ كَانُوا شِيعًا > پس از < فَرَّقُوا > به خاطر توجه به این واقعیت است که: اختلاف دینی، گروه بندی اجتماعی را به دنبال دارد.

ناپسندی گروه بندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۶

۶ - اختلاف در دین و ایجاد دسته بندی ، امری نکوهیده و مذموم است .

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ .. وَ لَا تَكُونُوا مِنْ ... الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا

**گریه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

گریه

آثار گریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۳

۳ گریه و ناله ، نمی تواند دلیل صداقت و حقانیت باشد .

و جاء و أباهم عشاءً یبکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ حزن شدید و گریه فراوان ، باعث

سفید گشتن سیاهی چشم و نایبایی می شود .

وابيضت عیناه من الحزن

احکام گریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۴

۴ جواز گریستن بر فقدان برادر و کشته شدن او

جاء و أباهم عشاءً یبکون

هر چند گفتار و افعال برادران یوسف نمی تواند دلیلی بر احکام شرعی باشد ، ولی از آن جا که این عمل (گریه بر فقد برادر) در نزد یعقوب پیامبر انجام گرفته ، معلوم می شود او آن عمل را نکوهیده و حرام نمی دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۹

۹ جواز گریستن و اشک ریختن و غم و اندوه جانکاه خوردن در فراق عزیزان

و قال یأسفی علی یوسف وایضت عیناه من الحزن

اهمیت گریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۴

۴ - خنده و گریه ، از بارزترین نمود ها و ویژگی های طبیعت انسان

و أنه هو أضحک و أبکی

از اختصاص به ذکر یافتن خنده و گریه در میان سایر افعال انسان، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل گریه پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۷

۷ توجه به شدت حرارت آتش دوزخ ، عامل خشنودی اندک انسان و گریه طولانی وی در دنیا و بیم او بر فرجام خویش

قل نار جهنم أشد حراً .. فلیضحکوا قليلاً و لیبکوا کثیراً

عوامل گریه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ -



۳- مؤمنان راستین، دور از سرمستی، و گریان و اندوهناک در برابر انذارهای الهی

و تضحکون و لاتبکون

از توییح کافران به خاطر سرمستی و سرخوشی، استفاده می شود که مؤمنان بر خلاف ایشان از خوف انذارهای الهی، گریان و از سرمستی ها به دوراند.

فضیلت گریه در سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۲۰

۲۰- سجده و گریه در حال سجود، حالتی مطلوب و دارای فضیلت است.

إذا تتلى عليهم .. خرّوا سجّداً و بکياً

<بکياً> جمع است و مانند <سجّداً> حال مقدّره است؛ یعنی افراد یاد شده با شنیدن آیات الهی، خود را برای سجود و گریه به زمین می افکنند.

کثرت گریه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۶

۲۶ > عن أبي عبد الله (ع) : لم يبعث الله عزوجل من العرب إلا خمسة أنبياء : هوداً و صالحاً و اسماعيل و شعيباً و محمداً خاتم النبیین (ص) و كان شعيب بکاء؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: خدای عزوجل از عرب جز پنج نفر کسی را مبعوث نکرد: هود، صالح، اسماعیل، شعیب و محمد(ص) خاتم پیامبران و شعیب زیاد گریه کننده بود.

گریه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام

شنیدن

آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولَئِكَ . . . إِذَا تَلَى عَلَيْهِمُ آيَاتَ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه اخروی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۱،۳

۱ خوشحالی و خنده منافقان متخلف از جهاد ، اندک و زودگذر در مقایسه با عذاب ها و گریه های اخروی آنان

فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيرا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فليضحكوا> در مورد دنیا و <و ليبكوا> در مورد آخرت باشد.

۳ گریه های طولانی منافقان در آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد . . . و ليبكوا كثيرا

برداشت فوق با توجه به این است که <فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيرا> متفرع بر <قل نار جهنم أشد حراً> در آیه قبل باشد.

گریه ادريس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس (ع) ، هنگام

شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولَئِكَ . . . إِذَا تَلَى عَلَيْهِمُ آيَاتَ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۴

۴- گریستن به هنگام شنیدن آیات قرآن ، امری ارزشمند است .

إِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ .. وَ يَخْرُونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ

گریه اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولَئِكَ . . . إِذَا تَلَى عَلَيْهِم آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولَئِكَ . . . إِذَا تَلَى عَلَيْهِم آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۵

۱۵- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

مَنْ النَّبِيِّنَ . . . وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَلَى عَلَيْهِم آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ

گریه بر قتل برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۴

۴ جواز گریستن بر فقدان برادر و کشته شدن او

جاءو أباهم عشاءً يبكون

هر چند گفتار و افعال برادران یوسف نمی تواند دلیلی بر احکام شرعی باشد ، ولی از آن جا که این عمل (گریه بر فقد برادر)

در نزد یعقوب پیامبر انجام گرفته ،

معلوم می شود او آن عمل را نکوهیده و حرام نمی دانست.

گریه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۱

۱ فرزندان یعقوب ، پس از رها ساختن یوسف (ع) در چاه ، گریان نزد پدر آمدند .

و جاءو أباهم عشاءً يبكون

---

علل الشرايع، ص ۴۷، ح ۱، ب ۴۱؛ نورالتقلین، ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۷.

گریه برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹، ۱۵

۱۵- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبیین .. و ممن هدینا واجتیبنا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممن هدینا واجتیبنا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکیناً

گریه جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۴

۴ جواز گریستن بر فقدان برادر و کشته شدن او

جاءو أباهم عشاءً يبكون

هر چند گفتار و افعال برادران یوسف نمی تواند دلیلی بر احکام شرعی باشد ، ولی از آن جا که این عمل (گریه بر فقد برادر) در نزد یعقوب پیامبر انجام گرفته ، معلوم می شود او آن عمل را نکوهیده و حرام نمی دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۹

۹ جواز گریستن و اشک ریختن و غم و اندوه جانکاه



خوردن در فراق عزیزان

و قال یأسفی علی یوسف وایضت عیناه من الحزن

گریه در سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و مَمَّنْ هَدینَا وَاجتَبینَا إِذَا تَتَلَىٰ عَلَیْهِمْ ءَایَاتِ الرَّحْمٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكْیًا

گریه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۵

۵- قیامت ، روز خنده و گریه خلاق \*

ثُمَّ یَجْزِیهِ الْجَزَاءُ الْأَوْفَىٰ . . . وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكٌ وَ أَبْکِی

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه به قرینه آیات پیشین در ارتباط با قیامت باشد.

گریه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادیس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولَئِكَ . . . إِذَا تَتَلَىٰ عَلَیْهِمْ ءَایَاتِ الرَّحْمٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكْیًا

گریه طولانی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۳

۳ گریه های طولانی منافقان در آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد .. و لیبکوا کثیراً

برداشت فوق با توجه به این است که <فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً> متفرع بر <قل نار جهنم أشد

حراً > در آیه قبل باشد.

گریه علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۳،۵

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن ، همراه با سرشک دیدگان

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . . . و يخرون للأذقان يبكون و يزيد

۵- تأثیر قرآن بر روح و روان عالمان آشنا به معارف آسمانی ، در حدی است که از دیدگان آنها اشک جاری می شود .

إذا يتلى عليهم . . . يبكون

گریه علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۳

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسيسين و رهباناً . . ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسيسين> و <رهبان> برگردانده شود.

گریه عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس (ع) ، هنگام

شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك . . إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً و بکیاً

گریه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ترنم کافران به ترانه ها ، به جای گریستن بر فرجام شوم خویش \*

و تضحکون و لاتبکون . و

أنتم سمدون

بنا به گفته برخی از مفسران در معنای <سامد>، تغنی و آوازه خوانی نیز نهفته است.

گریه کشیشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مانده - ۵ - ۸۳ - ۳

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسيسين و رهباناً .. ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسيسين> و <رهبان> برگردانده شود.

گریه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۶

۶ - > عن علی بن الحسین (ع) قال : كان رجلٌ موسرٌ علی عهد النبی (ص) فی دار [ له ] حدیقه و له جار له صبیّه فكان يتساقط الرطب عن النخله فيشُدون صبیانه يأكلون فیأتی الموسر فيخرج الرطب من جوف أفواه الصبیه فشكى الرجل ذلك إلى النبی (ص) فأقبل وحده إلى الرجل فقال : یعنی حدیقتك هذه بحدیقه فی الجنه فقال له الموسر : لا أبيعك عاجلاً بأجل فبکی النبی (ص) و رجع نحو المسجد فلقیه أمير المؤمنين علی بن أبی طالب (ع) فقال له : یا رسول الله ما یبکیک ؟ لا أبکی الله عینیک فأخبره خبر الرجل الضعیف و الحدیقه فأقبل أمير المؤمنين حتى استخرجه من منزله و قال له ، یعنی دارک قال الموسر : بحائطک الحسی فصفق علی یده و دارَ إلى الضعیف فقال له : دُرُ إلى دارک فقد ملکک ها الله رب العالمین و أقبل أمير المؤمنين (ع) و نزل جبرائیل علی النبی (ص) فقال له

: یا محمد إقرء > و الیل إذا یغشی و النهار إذا تجلی و ما خلق الذکر و الأُنثی < إلی آخر السوره فقام النبی (ص) فقَبِلَ بین عینیه ثم قال : بأبی أنت قد أنزل الله فیک هذه السوره کامله ;

از امام سجاده (ع) روایت شده که شخص ثروتمندی در زمان پیامبر (ص) در خانه ای ساکن بود که [در آن خانه] باغی بود و برای او همسایه ای بود که چند کودک خرد سال داشت و هر زمان که خرما رسیده از درخت می افتاد، کودکان می دویدند که آن خرما را بخورند. آن مرد ثروتمند می آمد و خرما را از داخل دهان آن کودکان بیرون می آورد. آن مرد نزد پیامبر (ص) شکایت کرد. حضرت به تنهایی نزد صاحب خانه رفت و فرمود: باغ خود را در ازای باغی در بهشت به من بفروش. آن مرد گفت: نقد را به نسیه نمی فروشم. پیغمبر گریست و به طرف مسجد بازگشت پس امیرالمؤمنین علی (ع) حضرت را ملاقات کرد و گفت: ای رسول خدا! چه چیز تو را به گریه انداخته است؟ خداوند چشمان تو را گریان نسازد. حضرت داستان آن مرد ضعیف و باغ را به او خبر داد و امیرالمؤمنین (ع) نزد آن مرد رفت و او را از منزل خواست و گفت: خانه ات را به من بفروش. او گفت: می فروشم در ازای بستانت که هموار و آبگیر است. علی (ع) دست خود را [به علامت قبول بیع] بر دست او زد و به سوی آن مرد ضعیف رفت و فرمود: به خانه خود برگرد، پروردگار عالمیان آن خانه را به ملک تو

در آورد. امیرالمؤمنین برگشت و جبرئیل بر پیامبر(ص) نازل شد و به او گفت: ای محمد! بخوان <وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى...>. پیامبر(ص) برخاست و پیشانی حضرت علی(ع) را بوسید و فرمود: پدرم فدای تو! خداوند این سوره را کامل درباره تو نازل فرمود.<

گریه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادیس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولَئِكَ .. إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۲

۲ جوشیدن اشک شوق از دیدگان گروهی از مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) با شنیدن آیات قرآن

و إِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ

کلمه <دمع> می تواند به معنای اشک، باشد در این صورت تفیض یعنی لبریز می شود. بنابراین جمله <تفیض من الدمع> به این معناست که چشمانشان از اشک لبریز شد.

گریه مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸،۱۹

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ .. إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُ

<إذا تتلى> خبر اول و يا



خبر بعد از خیر برای <أولئك> است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و مَمَّنْ هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه معذوران غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أَعْيَنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا

گریه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند.

أُولَئِكَ .. إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۵، ۱۹

۱۵- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند.

مِنَ النَّبِيِّنَ .. وَ مَمَّنْ هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.



مَنْ هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه و صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ گریه و اندوه ، با بردباری و شکیبایی منافاتی ندارد .

فصیر جمیل . . . و قال یأسفی علی یوسف وایضت عیناه من الحزن

گریه هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادیس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولَئِكَ . . . إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

گریه هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ . . . إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

<إِذَا تَتْلَى> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولَئِكَ> است یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

گریه هنگام استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- گريستن به هنگام شنيدن آيات قرآن ، امری ارزشمند است .

إذا يتلى عليهم . . . و يخرون للأذقان

۵- تأثیر قرآن بر روح و روان عالمان آشنا به معارف آسمانی ، در حدی است که از دیدگان آنها اشک جاری می شود .

إذا يتلى عليهم . . . بیکون

گریه یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك . . . إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً و بکیاً

گریه یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۷

۷ گریه فراوان یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) \*

وابيضت عيناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب (ع) بود و ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب (ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب (ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود

اشک می ریختند .

أولئك .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً و بكيًا

منشأ گریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۲

۲ - بازگشت تمامی افعال انسان حتی خنده و گریه او به خداوند ، نمودی از تدبیر مطلقه الهی

و أن إلى ربك المنتهى . و أنه هو أضحك و أبكي

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

نبوت و گریه بر فراق محبوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۸

۸ گریستن و اندوهگین شدن در فراق عزیزان و تأسف خوردن بر دوری آنان ، با مقام نبوت ناسازگار نیست .

قال يأسفني على يوسف و ابیضت عیناه من الحزن

### گزینش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گزینش

شرایط گزینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵

۵ عدالت در نویسندگی ، شرط گزینش نویسنده برای ثبت اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> قیدی برای نویسنده سند باشد.

شرایط گزینش کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داری منصب پذیر را احراز کند .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی . . . مکین أمين

عوامل گزینش انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۷

۷ لیاقت و شایستگی برخی انسان ها ، موجب گزینش آنان به رسالت و پیامبری از سوی خدا

قال یموسی

إني اصطفتك على الناس برسلي

گزینش انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، بر اساس مشیت خویش ، پیامبران را به پیامبری بر می گزیند و انتخاب می کند .

أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۵

۵ شناسایی شایستگی انبیا و انتخاب آنان بر اساس شنوایی و آگاهی همه جانبه خداوند

ان الله اصطفى ... و الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۲۰

۲۰ پیامبران ، از بین زن ها برگزیده نمی شوند .

و ليس الذكر كالأُنثى

امام صادق (ع): ... <فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ... و ليس الذكر كالأُنثى>، ای لا يكون البنت رسولاً.

---

کافی، ج ۱، ص ۵۳۵، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۱۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ برگزیدن پیامبران از سوی خداوند ، بر مبنای علم اوست .



قل انّ الفضل بيد الله يؤتیه من یشاء و الله واسع علیم

بنابراینکه مراد از فضل الهی، چنانچه قبلاً توضیح داده شد، نبوت و برگزیدن پیامبران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۶

۶ خداوند پیامبران خویش را از میان مردان برمی‌گزیند.

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

گزینش کلمه <رجلا> به جای <بشراً> می‌تواند

گواهی بر نکته مذکور در برآشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۵

۵ گزینش و هدایت انبیا از جانب خداوند است.

و اجتینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

گزینش رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳

۳ سرپرست و رهبر هر جامعه ، باید از میان خود آنان گزینش شود .

و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً

ملاک گزینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۵، ۳

۳ شکفتی سردمداران بنی اسرائیل ، از برگزیدگی طالوت به دلیل سرشناس نبودن و نداشتن ثروت

قالوا انی یکون له الملك .. و لم یؤت سعه من المال

ظاهراً اعتراض کنندگان، همان پیشنهاددهندگان بودند که خداوند از قول آنان می فرماید: <قال الملأ... .. نحن احق>. بنابراین اعتراض آنان به دو جهت بوده است: یکی نبودن طالوت از طبقه ملأ و اشراف که می گفتند: <نحن احق>. و دوم نداشتن مال و ثروت که با <و لم یؤت سعه من المال> به آن اشاره شده است.

۵ سرشناسی و از طبقه اشراف و بزرگان بودن و داشتن ثروت فراوان ، شرط زمامداری ، در پندار بزرگان بنی اسرائیل

و نحن احق بالملك منه و لم یؤت سعه من المال

ظاهراً جمله <نحن احق .. > سخن ملأست؛ گویا آنان بدین جهت خود را برای زمامداری سزاوارتر می دانستند.

۶ سرشناسی و از اشراف بودن ، مهمترین ملاک برای زمامداری ، در دیدگاه ملائ بنی اسرائیل \*

و نحن احقّ بالملك

منه و لم يؤت سعه من المال

اشراف بنی اسرائیل در مقام بیان ملاک زمامداری، در ابتدا مسأله سرشناسی و ملاً بودن را مطرح نمودند و سپس مسأله ثروت را.

۸ تقدم برگزیدگان الهی بر دیگران ، در حکومت و زمامداری

نحن احقّ بالملك منه .. قال ان الله اصطفيه عليكم

۹ طالوت ، نسبت به دیگران ، از توانایی جسمی و علمی ( کاردانی ) بیشتری برخوردار بود .

و زاده بسطه فی العلم و الجسم

چون جمله < و زاده ... > بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و علت تقدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو صفت برتر از دیگران بوده است؛ بنابراین < زاده ... > بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

۱۰ گستردگی بیشتر توانایی های علمی ( اعلیت ) و جسمی ، ملاک برتری انسان در زمامداری جامعه

و زاده بسطه فی العلم و الجسم

۱۱ گستردگی توانایی های علمی و جسمی طالوت ، ملاک برگزیدگی وی از جانب خداوند برای زمامداری

ان الله اصطفيه عليكم و زاده بسطه فی العلم و الجسم

۱۲ سرشناسی و ثروت ، ملاک گزینش زمامداران نیست .

و لم يؤت سعه من المال .. و زاده بسطه فی العلم و الجسم

۱۴ اهمیت بیشتر توانایی های فکری و علمی ( کاردانی ) ، بر توانایی های جسمی در انتخاب زمامدار \*

و زاده بسطه فی العلم و الجسم

در بیان ملاک، توانایی علمی < فی العلم > مقدم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ اعلام طالوت به لشکریان ،

در مورد عدم انتساب آنان به وی و جدایی آنان از او ، در صورتی که از نهر بیاشامند .

فمن شرب منه فلیس منّی

۱۰ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد انتساب آنان به وی ، اگر از نوشیدن آب نهر چشم پوشند .

و من لم یطعمه فأنه منّی

۱۲ طالوت با آزمایش الهی ، برخی سپاهیان خود را تصفیه نمود و از لشکر طرد کرد .

فمن شرب منه فلیس منّی

۱۳ آزمایش افراد و طرد نیرو های غیر کارآمد ، وظیفه مدیر توانا

ان الله مبتلیکم بنهر فمن شرب منه فلیس منّی

طالوت نیروهایش را آزمایش نمود و سپس آنان را که از آزمایش موفق بیرون نیامدند، طرد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۴

۱۴ اعطای مسؤولیت به فرد ، باید پس از احراز صلاحیت وی باشد .

و قتل داود جالوت و اتیه الله الملك

پس از اینکه لیاقت داود (در کشتن جالوت) روشن شد، خداوند به او ملک عطا نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۶

۶ جهاد با مال و جان ، باید معیاری در واگذاری مقام ها و منصب ها به افراد باشد .

فضّل الله المجاهدون باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه

با توجه به اینکه هر کس را خدا برتری دهد، جامعه اسلامی نیز باید برای او برتری قائل بشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ پرهیز ابراهیم (ع) از انحراف و گرایش به باطل،

دلیل گزینش وی به دوستی خداوند

مله إبرهیم حنیفاً و اتخذ الله إبرهیم خلیلاً

بنابراین که وصف <حنیفاً> زمینه چینی باشد برای <و اتخذ الله...> یعنی چون ابراهیم پیراسته از کجی و انحراف بود، خداوند او را به دوستی خویش برگزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۴

۴ - لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسؤولیت های اجتماعی به آنان

الله یصطفی من الملائکه رسولاً و من الناس

ملاک گزینش انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۶،۷

۶ انتخاب رسول از سوی خداوند بر اساس علم کامل او به شایستگی رسولان انجام می گیرد.

الله أعلم حیث یجعل رسالته

۷ صلاحیت و شایستگی، اساس دستیابی انبیا به مقام رسالت است.

الله أعلم حیث یجعل رسالته

ملاکهای گزینش انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۷

۷ نیکوکاری، صلاح پیشگی و راه یافتن به صراط مستقیم، از ملاکهای گزینش انبیا

کذلک نجزی المحسنین... کل من الصالحین... هدینه إلى صراط مستقیم... ءاتینهم الکتب

## منشأ گزینش انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۴،۵،۶

۴ - انتخاب پیامبر ، در قلمرو و اختیار خداوند است .

و رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ

جمله <یختار> می تواند اشاره به برگزیدن پیامبران از میان خلق باشد.

۵ - بشر ، فاقد صلاحیت گزینش پیامبر و تشریح قانون برای مردم

و رَبُّكَ .. يَخْتَارُ مَا كَانَ



<خيره> به معنای <تخيّر> (اختيار کردن) است؛ مانند <طيره> که به معنای <تطيّر> می باشد.

۶- گزینش پیامبر و تبیین وظایف خلق، از شؤون ربوبیت خداوند است.

و ربك يخلق ما يشاء ويختار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۷

۷- گزینش پیامبران برای دریافت وحی، وابسته به مشیت خداوند و از شؤون اختصاصی او است.

يلقى الروح من أمره على من يشاء

### گستاخی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گستاخی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۸

۸ ابلیس موجودی متکبر، نژاد پرست و گستاخ در برابر خداوند

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۴

۴ ابلیس عنصری ناسپاس و گستاخ در برابر خداوند

قال فيما أغويتني

استجاب درخواست ابلیس از سوی خداوند اقتضا می کرد که وی در برابر این نعمت الهی سپاسگزار باشد. ولی او تمردی دیگر کرد و مصمم شد تا راه مستقیم الهی را بر بندگان خدا سد کند و این حکایت از گستاخی و ناسپاسی وی دارد.

گستاخی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ قوم موسی (ع) ، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند

قال رجالان من الذين يخافون

<من الذين يخافون> می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی (ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی (ع) را اطاعت نکردند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۸

۸ بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا .. فاذهب انت و ربك فقتلا

گستاخی شقاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۶

۶ - شقاوتمندان ، در برابر خداوند و پیام های قرآن ، گستاخ و بی پروایند .

سیدّ کر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

گستاخی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۱

۱ - فرعون زمان موسی (ع) ، مردی طغیان گر و فرو رفته در پلیدی ها و گستاخ در برابر خداوند

إلی فرعون إنه طغی

<طغیان> یعنی، از حد گذراندن (مصباح) و مراد از <طغیان فرعون> به قرینه <تزگی> و <فتخشی> در آیات بعد ناپاکی فرعون و بی باکی او، در برابر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۹

۹\$ - فرعون ، به ربوبیت خداوند ، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود .

و أهدیک إلی ربك فتخشی

- فرعون، به ربوبیت خداوند، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۱ - ۳

\$۳ - فرعون ، طغیان گری بس گمراه و بی پروا

طغی ... و اهدیک ... فتخشی ... فکذب

تکذیب معجزه موسی (ع)، نشانه عمق محرومیت فرعون از هدایت و خشیت است.

گستاخی قوم لوط

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۷

۷- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو لم ننهك عن العلمین

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

موانع گستاخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۶

۶- ظهور حقایق در رستاخیز ، وادارنده انسان به ستایش خدا و بازدارنده او از گستاخی

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمدہ

جمله <تستجیبون بحمدہ> می رساند که این پاسخ گویی، همراه با زور و اکراه نیست؛ بلکه ممکن است به خاطر مشاهده حقایقی باشد که انسان را به ستایش خدا وامی دارد.

### گمراهان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{گمراهان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۱

۱ - تقسیم انسان ها به ثابت قدمان بر هدایت و مغضوبین در گناه خدا و گمراهان ، از طبقه بندی های مردم در قرآن

صرط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لالضالین

مراد از <نعمت> در <انعمت علیهم> به قرینه فراهای قبل و بعد، نعمت هدایت است، نه نعمتهای مادی. علاوه بر اینکه همه موجودات، حتی کافران، از این نعمتها برخوردار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱،۵

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت

پیشه و به دور از هدایتند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى

۵ - عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى و العذاب بالمغفرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۸

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبين الرشد .. الله وليّ الذين ... الم تر الى الذي حاج ابراهيم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <الله> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۶،۱۹،۴۸

۱۶ منحرفین ، به منظور تأویل محکّمات ، متشابهات را دنبال می کنند .

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأويله

بنابراینکه ضمیر در <تأويله> ارجاع به <ام الكتاب> شود که عبارت است از آیات محکم.

۱۹ منحرفان و کج اندیشان توان تأویل آیات قرآن را ندارند .

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأويله

در معنای فوق، ضمیر <تأويله> ارجاع به قرآن شده است.

۴۸ خروج کنندگان بر حاکم اسلامی ، کج اندیشانی که دنبال کننده آیات متشابه هستند .

فأما الذين في قلوبهم زيغ

رسول الله (ص) درباره آیه فوق فرمود: هم



الدر المثور، ج ۲، ص ۱۴۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۹ - ۵

۵ آن گروه از اهل کتاب که برای گمراه ساختن مسلمانان می کوشیدند ، در واقع خویش را گمراه تر ساخته اند ؛ بی آنکه خود بفهمند .

وَدَّتْ .. لو يضلونكم و ما يضلون الا انفسهم و ما يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۰ - ۵

۵ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند ، گمراهان واقعی هستند .

اولئك هم الضالون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ انسان های گمراه و در بند آرزو ها ، فرمانبرانی گوش به فرمان شیطان

و لاضلنهم و لامنينهم و لامرنهم فليبتكن .. فليغيرن

با توجه به ترتیب ذکر شده در آیه، معلوم می شود که انسان پس از ضلالت و دلبستگی به آمال و آرزوهای توخالی، مطیع خوبی برای شیطان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۱

۱ کافران بازدارنده از راه خدا ، منحرفانی سخت گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

عطف جمله <صدوا...> بر جمله <كفروا> بدون تکرار <الذین> دلالت بر این دارد که مجموع دو صفت کفر و بازداری از راه خدا، ضلالت بعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۶، ۱۵

۱۵ یهود و نصارا، مردمی گمراه و

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

از مصادیق مورد نظر برای <الظالمین> به قرینه صدر آیه ، یهود و نصارا هستند.

۱۶ مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۸،۱۹

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ گروهی از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) ، هواپرستان گمراه و ناشر عقاید افراطی و غلوآمیز در میان همکیشان خود

و لاتتبعوا اهواء قوم .. و اضلوا كثيراً و ضلوا عن سواء السبيل

کلمه <ضلوا> در دو بخش از آیه می تواند اشاره به دو طایفه از گمراهان داشته باشد، طائفه ای پیش از بعثت که جمله <قد ضلوا من قبل> بیانگر آن است و طائفه ای معاصر پیامبر(ص) که جمله <ضلوا عن سواء السبيل> حاکی از آنان می باشد.

گفتنی است که آوردن قید <من قبل> در یک بخش و نیامدن آن

در بخش بعد، گویای این تفسیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۵

۵ کسانی که نتوانند از جنبندگان و شکل زندگی آنها به توانمندی خداوند پی ببرند، مانند کر و لالهایی فرو رفته در تاریکی هستند.

و ما من دابه فی الأرض .. . إلی ربهم یحشرون. و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظ

مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث با آیه قبل می تواند این مضمون باشد که همین آیات موجود در طبیعت برای هدایت کافی است و کسانی که نتوانند از همین آیات توانمندی خداوند را (إن الله قادر علی ان ینزل) دریابند، کر و لالهایی ظلمت زده هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۷، ۱۶

۱۶ مؤمنان به پیامبر(ص)، بینا و راه یافته و تکذیب کنندگان او کور و گمراه هستند.

فمن ءامن .. . والذین کذبوا ... قل هل یتوی الأعمی و البصیر

چون موضوع آیات اثبات رسالت پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <البصیر> مؤمنان به آن حضرت و مراد از <الأعمی> تکذیب کنندگان آن حضرت هستند.

۱۷ پیامبر(ص)، بینا و راه یافته، و مشرکان، کور و گمراه هستند. \*

فمن ءامن .. . والذین کذبوا ... قل هل یتوی الأعمی و البصیر

ظاهراً مراد از <البصیر>، پیامبر(ص)، مراد از <الأعمی>، مشرکان هستند. و چون موضوع آیه، ایمان به پیامبر است، گویا آیه در صدد بیان فلسفه لزوم ایمان به آن حضرت است. یعنی از آنجا که پیامبر(ص) بصیر است، دیگران باید از او تبعیت کنند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۷ - ۱

۱ تنها خداوند آگاهترین فرد به گمراهان و هدایت یافتگان است.

إن ربك هو أعلم .. بالمهتدين

ضمیر <هو>، که بین اسم و خبر <إن> قرار گرفته، ضمیر فصل است و نقش آن در جمله حصر و تأکید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۳

۱۳ إن رسول الله(ص) قال: .. <إن الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعاء>، هم اصحاب البدع و اصحاب الأهواء و اصحاب الضلاله من هذه الأمة ...

رسول خدا(ص) پس از تلاوت آیه <إن الذين فرقوا .. > فرمود: آنان همان بدعتگذاران و هواپرستان و گمراهان از این امت هستند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۹

۹ گروهی از انسان ها با برخورد به راه های ضلالت آن را روش خویش قرار داده و در پی آن سلوک خواهند کرد .

و إن يروا سبيل الغي يتخذوه سبيلا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و إن يروا سبيل الغي .. > عطف بر <يتكبرون> و صله چهارمی برای <الذين> باشد. در این صورت جمله مذکور اشاره به گروهی دیگر دارد که خداوند آنان را از درک آیات خویش باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۷

۲۷ مسؤولان جوامع دینی در صورت بی تفاوت بودن نسبت به رسوخ انحراف ضلالت در جامعه خویش ، همسنگ منحرفان محسوب می شوند .



جمله < و لا تجعلنی .. > می رساند که موسی (ع) پیش از آنکه اثبات شود هارون با عوامل فساد مبارزه کرده و در این مسیر از هیچ تلاشی دریغ نکرده است، او را همسنگ منحرفان به حساب می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ گروهی از انسان ها با شکست در آزمون های الهی به گمراهی کشانده می شوند و گروهی با موفقیت به هدایت بایسته می رسند .

إن هی إلا فتنتک تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۶۸

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوايه>، مصدر <غاوين> به معنای گمراه شدن است.

۸ پیروی از شیطان موجب قرار گرفتن آدمی در زمره گمراهان می شود .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۸ - ۳،۴

۳ گمراه واقعی کسی است که خداوند او را گمراه کند .

و من یضلل فأولئک هم الخسرون

جمله < فأولئک .. > جانشین جواب شرط است و جواب شرط به قرینه صدر آیه، <فهو الضالّ> است.

۴ تصدیق کنندگان آیات الهی، هدایت یافتگان، و تکذیب کنندگان آیات الهی، ضلالت پیشگانند .

الذین کذبوا بآیتنا .. من یهد الله فهو المهتدی و من یضلل

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مصداق مورد نظر برای ضلالت، تکذیب



آیات خداوند است و مصاق هدایت، تصدیق آیات و ایمان به آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۴،۶

۴ اضلال ، از کیفر های الهی برای بی تقویان

ما كان الله ليضل . . حتى بين لهم ما يتقون

۶ صدور خلاف از انسان ، قبل از دستیابی وی به شناخت رهنمود های الهی ، مایه محکومیت او به گمراهی نیست .

ما كان الله ليضل . . حتى بين لهم ما يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۵،۶

۵- کافران ، در نهایت گمراهی هستند .

للكافرين . . أولئك في ضلل بعيد

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند .

الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الأخره و يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۵

۵- بسیاری از مردم در عصر حضرت ابراهیم (ع) ، گمراه و بت پرست بودند .

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللن كثيراً من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۲ - ۸

۸- پیروان ابلیس ، مردمانی گمراهند .

إِلَّا مِنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ

<من الغاوین> حال است برای ضمیر فاعلی <اتبع> و <الغاوین> از مصدر <غَى> (عقیده فاسد) به کسانی گفته می شود که دارای عقیده فاسد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف

۹- محرومان از هدایت الهی، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند.

إذ جاءهم الهدى و يستغفروا ربهم

این که می فرماید: <چرا مردمان، با آمدن هدایت، استغفار نمی کنند؟>، نشان می دهد که قبل از آمدن هدایت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۷

۷- کافران از زمره ستم کاران و گمراهان اند.

فویل للذین كفروا .. لكن الظلمون اليوم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ مشرکان، در نهایت گمراهی و ضلالت

من أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۵

۱۵ - شرک پیشگان، غرق در گمراهی اند.

و من هو فی ضلل

تعبیر <فی ضلال> با به کارگیری <فی>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۷

۷- مشرکان ، مردمانی هواپرست ، گمراه و محروم از هدایت خداوند

بل اتبع الذين ظلموا أهواءهم .. فمن يهدى من أضلّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۸

۸- مؤمنان نیک کردار ، بهره مند از رحمت و هدایت الهی در دنیا و گناه پیشگان محروم از آنند .

و هدی و رحمه لقوم یوقنون .. أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصلحت

منظور از تفاوت مؤمنان صالح با گناه پیشگان در دنیا

به قرینه آیه قبل ممکن است تمایزشان در بهره‌وری از رحمت و هدایت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۲

۲۲ - دنیاطلبان ، انسان هایی فریب خورده اند .

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۹

۹ - تاریخ بشر در طول بعثت پیامبران ، شاهد هدایت پذیری دسته ای و بیراهه رفتن دسته ای دیگر بوده است .

و لقد أرسلنا نوحًا .. فممنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۶ - ۳

۳ - منافقان ، عناصری منحرف از راه خدا و آیین او

فصدّوا عن سبیل الله

<صدّ> (مصدر <صدّوا>) دو گونه استعمال می شود: لازم و متعدی. <صدّ> در صورت اول به معنای اعراض کردن و میل و انحراف است. برداشت یاد شده بر پایه این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۶ - ۹

۹ - منافقان ، عناصری فاسق و منحرف

إنّ الله لا یهدی القوم الفسقین

آثار اخروی عقیده گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۷

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی ( چشم ، گوش و زبان ) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیاً و بکمّاً و صمّاً

آثار اخروی عمل گمراهان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۷

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی ( چشم ، گوش و زبان ) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًا

آثار عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۸

۱۸- گمراهان ، هنگام نزول عذاب دنیوی و یا لحظه فرارسیدن مرگ ، ضعف و ناتوانی یاران خود را خواهند دید .

فسیعلمون من هو . . . أضعف جنڈًا

آثار عمل گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۸

۱۸ اعمال و رفتار هر یک از گمراهان و هدایت یافتگان دارای بازتاب و سزایی مناسب در قیامت

فینبئکم بما کنتم تعملون

هدف از جمله <فینبئکم بما . . .> ترغیب مردمان به هدایت و پذیرش تعالیم قرآن و تهدید کفرپیشگان و منحرفان به عذاب است و چون مجرد آگاه سازی به اعمال و کردار برای تهدید و ترغیب کافی نیست بنابراین جمله <فینبئکم> کنایه از پاداش دهی و به کیفرسانی خواهد بود.

آثار کفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۱

۱- عذاب های اخروی گمراهان ، نتیجه عملکرد کفرآمیز خود آنان در قبال آیات الهی است .

و من يضلل . . . و نحشرهم يوم القيمه ... ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بآيتنا

آثار مرگ گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۷۵ -



۱۰- عذاب الهی در دنیا و یا فرا رسیدن مرگ و قیامت ، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَّإِمَّا السَّاعَةَ

<الساعة> در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای <قیامت> است و ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از <الساعة> قیامت با تمام مقدمات آن خواهد بود.

۱۸- گمراهان ، هنگام نزول عذاب دنیوی و یا لحظه فرا رسیدن مرگ ، ضعف و ناتوانی یاران خود را خواهند دید .

فَسَيَعْلَمُونَ مِنْ هُوَ... أضعف جنداً

آثار همنشینی با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۳

۳- رهایی انسان از جبر محیط اجتماعی و نیز از پیامدهای سوء معاشرت با افراد فاسد و منحرف جامعه ، در سایه ایمان به خدا و لطف و عنایت او ، امری ممکن است .

و لولا نعمه ربِّي لكنت من المحضرين

آثار یأس از حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۳

۳- سعی در هدایت گمراهان ، پس از یأس از حق پذیری آنان ، لازم نیست .

إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ . فاصفح عنهم

آرزوی اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۱

۱- انسان گمراه و غفلت زده ، در روز قیامت گرفتار حسرت و آرزومند عدم همنشینی با عناصر شیطانی گمراه کننده

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ

آرزوی عدم همنشینی با

## گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۱

۱ - انسان گمراه و غفلت زده ، در روز قیامت گرفتار حسرت و آرزومند عدم همنشینی با عناصر شیطانی گمراه کننده

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ

## آرزوی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۱

۱ - گمراهان و مخالفان پیامبر (ص) ، در آرزوی فقدان و رحلت آن حضرت

فَأَمَّا نَذَهْبِنَّ بَكَ

آیه شریفه گویا درصدد پاسخ گویی به نکته ای مقدر است، یعنی، کافران و منکران در آرزوی فقدان پیامبر(ص) بودند، با این گمان که با درگذشت آن حضرت، آنان قادر به پیشبرد اهداف خویش خواهند بود.

## آشامیدنیهای اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۳ - ۱

۱ - آب داغ و جوشان ، نوشیدنی تکذیب گران گمراه در جهان آخرت

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ . فَنَزَلَ مِنْ حَمِيمٍ

<حمیم>، به معنای آبی است که به شدت گرم باشد.

## آگاهی اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. \*

و شهدوا علی أنفسم أنهم كانوا کفرین

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

اتمام حجت با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ اغوای گمراهان پس از اتمام حجت بر آنان و عنادورزی ایشان، پرتوی از ربوبیت خداوند است.

إِنَّ كَانِ اللَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۶

۶- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان، ظلم و دور از ساحت خداوند \*

و قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ... وَ مَا أَنَا بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قد قَدَّمْتُ...> باشد؛ یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

اتمام حجت بر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۳

۳ لزوم اتکای مبلغان الهی بر خداوند و نگران نبودن بر حق ناپذیری گمراهان، پس از اتمام حجت بر آنان

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ ... عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم ارشاد و هدایت گمراهان، تا مرحله اتمام حجت و احتمال اثر است.

فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ

<فاء> در <فأعرض> ممکن است فصیحه باشد؛ یعنی، حال که روشن شد که آنان تا آخرین لحظات، ایمان نخواهند آورد و در لحظه آخر هم ایمانشان سودی ندارد، به حال خود رهایشان کن و دیگر ادامه نده!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

- جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

اتمام حجت به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۹

۹ - نزول عذاب بر جوامع ضلالت پیشه ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

فهدینهم فاستحبوا العمی . . فأخذتهم صعقه العذاب

اجبار اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - اختیار کنندگان راه کج و گمراهی ، فاقد اختیار و عزت در قیامت

أفمن یلقى فی النار خیر

مجهول آمدن <یلقى> اشعار به آن دارد که گروه یاد شده، فاقد اختیار و اراده بوده و همچون شیء بی ارزش به درون آتش افکنده خواهند شد.

اجتناب از تعجیل در عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱

۱- مهلت دهی خداوند ، به ماندگان در وادی گمراهی و عدم تعجیل در عذاب آنها

قل من کان فی الضلله فلیمدد له الرحمن مداً

<لیمدد> فعل امر از <مدّ> است و <مدّ له> یعنی، او را رها ساخت و به وی مهلت داد (لسان العرب). گفتنی است که این معنا، مصداق معنای اصلی <مدّ> است که کشاندن چیزی در ناحیه طول آن می باشد. در آیه مورد بحث مقصود، مهلت خداوند به کافران و پایان ندادن کار آنها با عذاب است.

اجتناب از عذاب دنیوی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم



۱۶- تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا ، مهلت خداوند به آنان است .

فليمدد له الرحمن مدًّا حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعه

استمداد از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۸،۱۱

۸- به کارگیری نیروهای ناصالح ، ناسازگار با ولایت دل سوزانه و برحق است .

و ما كنت متّخذ المضلّين عضدًا

۱۱- استفاده از نیروهای گمراه و گمراه کننده در مدیریت ها و مراکز تصمیم گیری جامعه ، امری ناروا و شیوه ای غیرالهی است .

و ما كنت متّخذ المضلّين عضدًا

اصلاح گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۹ - ۶

۶ باز گذاشتن راه توبه و اصلاح برای منحرفان ، روشی برای هدایت آنان

و الله لا يهدى القوم الظالمين .. الا الذين تابوا من بعد ذلك و اصلحوا

اطاعت از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۸

۸ پیروی اهل کتاب از پیشینیان گمراه و هواپرست خویش ، منشأ غلو و گزافه بستن آنان به دین

ياهل الكتب لاتغلوا .. و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

بنابر اینکه مخاطبان <يا اهل الكتب> نصارا و يهود در عصر پیامبر(ص) باشند، به نظر می رسد مراد از <قوم قد ضلوا من قبل> پیشینیانی از خود اهل کتاب باشد و مصداق مورد نظر در ضلالت آن قوم، غلو و تجاوزشان در طرح مسائل

دینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۸

۱۸ ناپسندی تقلید و پیروی از جاهلان و گمراهان امری وجدانی و روشن

او لو کان ءاباؤهم لایعلمون شیئاً و لایهتدون

استفهام در <او لو کان ..> برای تقریر است و حکایت از آن دارد که ناپسندی تقلید از جاهلان امری است که وجدان هر انسانی بدان اعتراف دارد.

اعتراض اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۴

۴ نازل نشدن قرآن موجب اعتراض گمراهان و مشرکان در قیامت به سبب نداشتن کتاب آسمانی و دور ماندن از هدایت‌های الهی

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ

اعتراض به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۴

۴- اعتراض به صاحبان اندیشه انحرافی و بحث و گفتوگو در جهت اصلاح آن ، شیوه ای پسندیده و مطلوب نزد خداوند است

و مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ .. أَكْفَرْتُم بِالذِّمَىٰ خَلْقِكُمْ

اعراض از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

اعراض گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۸

۸- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن

در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و نَزَّلَ .. شفاء و رحمه للمؤمنين و لايزيد الظلمين إلا خسارًا . و إذا أنعمنا ع

اقرار اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ اعتراف گمراهان در قیامت به تبعیت از خواهشهای نفسانی خویش تا آخرین لحظه عمر

ربنا استمتع بعضنا ببعض و بلغنا أجلنا الذي أجلت لنا

جمله <و بلغنا>، پس از <ربنا استمتع .. >، بیان استمرار بهره گیری گمراهان از تمتعات دنیا تا لحظه رسیدن اجل است. بنابراین عمر آنها در این منظور صرف شده است.

اکثریت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۱

۱ - گروه بسیاری از انسان ها به دست شیطان گمراه شدند .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لا تعبدوا الشيطان .. و لقد أضل منكم جبلاً كثيراً

<جبل> اسم جمع و مشتق از <جبل> (خلق) است و به معنای گروهی از مردم می باشد.

اندوه بر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۶،۳۰

۱۶ توجه به حاکمیت اراده خداوند بر هدایت و ضلالت مردمان ، از میان برنده هر گونه حزن و اندوه بر گمراهی آنان

فان تولوا فاعلم انما يرید الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

از اهداف آگاه ساختن پیامبر(ص) (فاعلم ..) به اینکه حتی گمراه ساختن مردمان نیز برخاسته از اراده الهی است، بازدارنده‌ی وی از تأسف و اندوه بر گمراهی آنان است.

۳۰ توجه رهبران دینی به پلیدی و ناپاکی گروه بسیاری

از مردم ، مانع حزن و اندوه آنان بر سرپیچی برخی از مردم از دین و احکام آن

فان تولوا .. و إن كثيراً من الناس لفسقون

چنانچه هدف از جمله <فاعلم ..>، بازداری زاید پیامبر(ص) از حزن و اندوه باشد، می توان جمله <ان كثيراً> را بیانگر علت آن دانست ؛ یعنی ای پیامبر(ص) بسیاری از مردم فاسقند و خداوند هدایت آنان را اراده نکرده است. بنابراین بر رویگردانی آنان از دین و احکام آن محزون مباش.

انذار گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک ءآیت الکتب .. ان أنذر الناس و بشر الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۸،۱۰

۸- انذار گری و هشداردهی ، موضع پیامبر ( ص ) در برابر گمراهان حق ناپذیر

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرين

۱۰- پیامبر ( ص ) ، موظف به تداوم بخشیدن انذار گری خود نسبت به گمراهان و دست برنداشتن از تبلیغ

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرين

تعبیر <فقل إنّما ..> می رساند که پیامبر(ص) در مرحله نخست، با تلاوت آیات در مقام هدایت توده ها است و در صورت مخالفت عده ای، وظیفه او پایان یافته نیست ؛ بلکه او در موضع انذار گری هم چنان باید باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۱

۱ هشدار ها و

انذار های الهی به گمراهان ، جدی و غیر قابل تغییر

و قد قدّمت إلیکم بالوعید . ما یبدّل القول لدیّ

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که مراد از <القول> به قرینه آیه قبل وعیدهای الهی باشد که مبنای حکم و قضاوت خداوند در دادگاه قیامت است.

اهداف گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۳۹

۳۹ گسترش کفر ، هدف کج اندیشان از تمسک به آیات متشابه و دنبال کردن آن

فأما الذّین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

امام صادق(ع): المراد بالفتنه هاهنا الکفر.

---

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۰۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

اهمیت امید به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۶

۶ - لزوم امیدوار ساختن منحرفان و خطاکاران ، به رحمت و مغفرت الهی

إنّما فتنتم به و إنّ ربّکم الرحمن

اهمیت مبارزه با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۱



۲۱ مسؤولان جوامع دینی باید نسبت به عقاید دینی مردم حساس بوده و در طریق مبارزه با منحرفان و عوامل انحراف کوتاهی نکنند .

قال ابن أمّ إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

اهمیت هدایت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۱

۱۱ - لزوم ساکت نشستن در قبال گمراهان جامعه

و من ضلّ فقلّ إنّما أنا من المنذرين

گرچه مخاطب این آیه در مرحله نخست، شخص پیامبر(ص) است؛ اما با توجه به

این که پیامبر(ص) اسوه خلق می باشد، تکلیف یاد شده متوجه همه مؤمنان و رسالت داران هدایت و انذار مردم نیز هست.

بی ارزشی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- سگ اصحاب کهف، بر جامعه مشرک و گمراه، شرافت داشت.

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

یاد کردن از سگ اصحاب کهف و تصویر حالت اش، بلکه برشمردن آن در جمع اصحاب کهف، در آیات بعد (رابعهم کلبهم..)، تعریضی است به آنان که اصحاب کهف را یاری نکردند و با آنان همگام نشده و به پای سگ آنان نیز نرسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۳ - ۲

۲ - تکذیب گران گمراه، عناصری بی ارزش و فاقد حرمت و احترام در آخرت

و أمّا إن كان من المكذّبين الضالّين . فنزل من حميم

واژه <نزل> به چیزی گفته می شود که صاحب خانه برای میهمان می آورد و از او پذیرایی می کند و معمولاً بهترین خوردنی و آشامیدنی است که صاحب خانه در اختیار دارد. به کار گیری این واژه (نزل) برای آشامیدنی دوزخیان، تعبیری استهزاآمیز بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

بی پناهی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - هنگامه عذاب، لحظه ظهور و بروز بی پناهی گمراهان ستم پیشه است.

فما له من ولیّ من بعده و ترى الظلمین لما رأوا العذاب یقولون هل إلی مردّ من سبی

بی تأثیری پشیمانی اخروی گمراهان



- سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۱

۱ - اظهار پشیمانی و چاره جویی گمراهان در قیامت ، دستاوردی برای آنان نخواهد داشت .

و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم

برداشت یاد شده بر این پایه استوار است که فاعل <لن ینفع>، گفتار سابق کافران باشد. آنان در قیامت آرزو می کنند که میان آنها و شیاطین فاصله افتد؛ ولی این آرزو سودی نخواهد بخشید.

بی یاوری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۲ - ۳

۳ - ناتوانی معبود های مشرکان از نجات گمراهان ، از دوزخ و دفاع از آنان در برابر عذاب

و برزت الجحیم للغاوین . و قیل لهم این ما کنتم تعبدون

پرسش از مکان معبودها به قرینه آیه قبل که سخن از رخ نمودن دوزخ برای گمراهان است پرسش از موقعیت آنها برای نجات گمراهان از دوزخ و هرگونه دفاع از آنان است.

بی یاوری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۷ - ۸،۹

۸- گمراهان ، از هرگونه یار و مددکاری محرومند .

فإن الله لایهدی من یضلّ و ما لهم من نصرین

۹- محرومان از هدایت خداوند ، مردمانی بی یاورند .

فإن الله لایهدی من یضلّ و ما لهم من نصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- آنان که گمراهی شان از سوی خدا تثبیت شود ، غیر قابل هدایت و فاقد هرگونه سرپرست و یاورند .

و من یضلل فلن تجد لهم أولیاء من دونه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۷ - ۴

۴- غار اصحاب کهف ، دارای فضایی وسیع بوده است .

و هم فی فجوه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱

۱ - کسانی که خداوند ، آنان را گمراه کند ، از هرگونه سرپرست و یاور محروم اند .

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده

بیان فرجام گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۵

۵- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادت‌مندان تقوایندگان ، از روش های هدایتی قرآن \*

الغاوین . و إن جهنم لموعدهم أجمعین... إن المتقین فی جنّٰت و عیون

بینش گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشان را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و يحسبون أنّهم مهتدون . حتّى إذا جاءنا

پایان مهلت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۰

۱۰- عذاب الهی در دنیا و یا فرا رسیدن مرگ و قیامت ، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا

<الساعة> در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای <قیامت> است؛ ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از <الساعة> قیامت با تمام مقدمات آن خواهد بود.

پیروی از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۶

۶ - پیروی کورکورانه از مستکبران و منحرفان، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است.

و إِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضَّعْفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

تشخیص گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۷ - ۲

۲ شناخت عمیق و گسترده راه هدایت و ضلالت و راهیان آن با راهنمایی خداوند میسر است.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ

تقلید از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱۰

۱۰ - پیروی از بی خردان و هدایت نیافتگان و تقلید از آنان، امری ناروا و نکوهیده است.

أَوْ لَوْ كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَيَعْقِلُونَ شَيْئًا و لَآ يَهْتَدُونَ

تنبه گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۷- گمراهان ، به هنگام عذاب الهی و یا مرگ ، به تیره بختی و موقعیت بد خویش آگاه خواهند شد .

فسیعلمون من هو شرّ مکاناً

به نظر می رسد عبارت <شرّ مکاناً> در برابر <خیر مقاماً> و عبارت <أضعف جنداً> در برابر <أحسن ندیاً> ( در دو آیه قبل) باشد، یعنی، همان کسانی که خود را دارای موقعیت برتر و امکانات و نفرات بیشتر می

دانستند، با رسیدن عذاب و مرگ، خود را در نقطه مقابل آن می یابند.

توبه گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۹ - ۶

۶ باز گذاشتن راه توبه و اصلاح برای منحرفان ، روشی برای هدایت آنان

و الله لا يهدي القوم الظالمين .. الا الذين تابوا من بعد ذلك و اصلحوا

جهل گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ بی خبری گمراهان از ضلالت خویش، نابود کننده زمینه های هدایت در آنان

فريقا حق عليهم الضلله إنهم اتخذوا .. و يحسبون أنهم مهتدون

حتمیت عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان

تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله <فلا مرد له> می رساند که تقدیر الهی بر گذردسانی بازگشتنی نیست و جمله <و ما لهم ..> بیانگر آن است که

پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - همدمی منحرفان با شیاطین در دوزخ ، تأثیری در تخفیف عذاب و یا آرامش آنان نخواهد داشت .

لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این اساس

است که عبارت <أنکم فی...> فاعل <لن ینفع> باشد.

حتمیت کیفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۲

۲ - محیط ناسالم و نظام اجتماعی فاسد ، موجب تبرئه انسان گمراه و مردم فاسد از مجازات الهی نمی شود .

فإنهم یومئذ فی العذاب مشترکون

اشتراک مردم گمراه با رهبران گمراه کننده که معمولاً نظام اجتماعی مردم را نیز در دست دارند در مجازات الهی، می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

حسرت اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۱

۱ - انسان گمراه و غفلت زده ، در روز قیامت گرفتار حسرت و آرزومند عدم همنشینی با عناصر شیطانی گمراه کننده

حتی إذا جاءنا قال یت یبنی و بینک بعد المشرقین

حشر اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲

۲ گمراهان برای حسابرسی و جزای عملکردشان در روز قیامت برانگیخته خواهند شد.

و من یرد أن یضله... و یوم یحشرهم جمیعاً یمعشر الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۶،۷

۶- گمراهان ، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هرگونه شنوایی ، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من یضلل . . . و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیاً و بکمّاً و صمّاً

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی ( چشم ، گوش و زبان ) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم

القيمه على وجوههم عميًا و بكما و صمًا

حشر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۲

۱۲- > عن ابراهيم بن عمر رفعه إلى أحدهما في قول الله : > و نحشرهم يوم القيامة على وجوههم < قال : على جباههم ;

در مرفوعه ابراهيم بن عمر از امام باقر(ع) يا امام صادق(ع) درباره سخن خدا > و نحشرهم يوم القيامة على وجوههم < روایت شده است که فرمود: آنان را در حالی که بر پیشانیهایشان افتادند [محشور می کنیم].<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتني أعمى

حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ينوح قد جدلتنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن كان الله يريد أن يغويكم

وقوع جمله > إن كان الله < پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلتنا ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

## حمایت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۲

۲ - ویژگی شاعران خیال پرداز ، هواداری گمراهان و فاسدان از آنان است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان

خطر عذاب دنیوی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۳

۱۳- گمراهان ، همواره در خطر گرفتاری به عذاب های الهی در دنیا

فليمدد له الرحمن مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وِإِمَّا السَّاعَةَ

تردید در <إِمَّا الْعَذَابَ وِإِمَّا السَّاعَةَ> و نکره آوردن <مَدًّا> و مبهم گذاشتن مقدار مهلت، این نتیجه را می دهد که هر یک از گمراهان، باید هر لحظه منتظر عذاب دنیوی و پایان مهلت در باره خود باشند.

دشمنی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ اغوای گمراهان پس از اتمام حجت بر آنان و عنادورزی ایشان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

إِنَّ كَانِ اللَّهُ يَرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۱

۱ - مشاجره و دشمنی ، گمراهان ( مشرکان ) با یکدیگر در دوزخ



## قالوا و هم فیها یختصمون

ضمیر فاعلی در <قالوا> و نیز ضمیر <هم>، به <غاوون> بازمی گردد. جمله <و هم فیها یختصمون> حال از ضمیر در <قالوا> و <اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و ستیزه کردن است؛ یعنی، شرک پیشگان گمراه، در حالی که در دوزخ باهم ستیزه می کنند، به معبودهایشان خواهند گفت.

دعوت از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ - دعوت گمراهان به راه هدایت و صراط مستقیم ، وظیفه الهی تمامی ره یافتگان به آن

و ادع إلى ربك إنك لعلی هدی مستقیم

جمله <إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًىٰ مُسْتَقِيمٌ> تعلیل برای <و ادع إلى ربك> است؛ یعنی، چون تو بر طریق هدایت و در صراط مستقیم هستی، آن گمراهان شرک پیشه را به سوی پروردگارت دعوت کن، تا شاید از ضلالت و گمراهی نجات یابند و به راه تو باز گردند.

ذلت اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۸

۸- ذلت و به خاک در افتادن چهره گمراهان در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - اختیار کنندگان راه کج و گمراهی ، فاقد اختیار و عزت در قیامت

أفمن یلقى فی النار خیر

مجهول آمدن <یلقى> اشعار به آن دارد که گروه یاد شده، فاقد اختیار و اراده بوده و همچون شیء بی ارزش به درون آتش افکنده خواهند شد.

رحمت بر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۶

۶ رحمت خدا حتی کافران و گمراهان را نیز فرامی گیرد .

فليمدد له الرحمن مدًّا

رسوایی اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۲

۲ - روز رستاخیز ، روز رسوایی و شرمساری شرک پیشگان گمراه

إنه كان من الضالّين . و لا تخزني يوم

یبعثون

روزی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۵

۵ - برخورداری گمراهان از روزی خداوند ، نمود لطف او به بندگان خویش است ؛ نه نشانه استحقاق آنان

لفی ضلل بعید . الله لطیف بعباده یرزق من یشاء

روش برخورد با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۵

۵ - لزوم تصفیه جامعه از عناصر گمراه کننده و قطع رابطه متقابل آنان و مردم

قال فاذهب .. لامساس

روش مبارزه با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۷ - ۳

۳ - کلام ، ابزار پیامبران برای مبارزه با منحرفان و سرکشان بوده است .

واحلل عقده من لسانی

روش هدایت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۴

۴ - اعتراض به صاحبان اندیشه انحرافی و بحث و گفتوگو در جهت اصلاح آن ، شیوه ای پسندیده و مطلوب نزد خداوند است

و ما أظن الساعة قائمه ولئن رُددتُ .. أكفرت بالذي خلقك

رؤیت گمراهان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم يعرضون علیها .. و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین

زمینه هدایت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۱

۱ - بلاها و

گرفتاری های دنیوی ، بر اساس مشیت خدا و در جهت تنبه و هدایت غافلان و منحرفان

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استكانوا لربهم

<أخذ> (مصدر <أخذنا>) به معنای گرفتن (گرفتار ساختن) است. <استكانه> (مصدر <استكانوا>) به معنای فروتنی و <تضرع> (مصدر <یتضرعون>) به معنای نالیدن و زاری کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۲

۲ - وجود پیامبر در جامعه ، مهلتی به گمراهان برای حق شنوی و مایه تأخیر انتقام الهی از ایشان

فإما نذهبنّ بك فإنا منهم منتقمون

زیان به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۴، ۱۵

۱۴ بازگشتی برای تقدیر الهی بر آسیب دیدن گمراهان و تبه کاران نیست .

و إذا أراد الله بقوم سوءاً فلا مردّ له

مراد از <قوم> در آیه شریفه به مناسبت حکم و موضوع ، قوم گنه کار می باشد. <مردّ> مصدر میمی و به معنای بازگرداندن است.

۱۵ هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله <فلا مردّ له> می رساند که تقدیر الهی بر گزندرسانی بازگشتنی نیست و جمله <و ما لهم ..> بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

زیانکاری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - قیامت ،

روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إِنَّ الْخَسْرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

زیانکاری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۸ - ۵

۵ گمراه شدگان به دست خدا، زیانکار و تباه کننده سرمایه عمر خویشند.

مَنْ يَضِلُّ فَاُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۹

۹ ضرر و زیان گمراهی، تنها متوجه خود گمراهان است.

و مَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

سرزنش اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی مورد بازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

يَمْعَشِرُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۹

۹ - گمراهان ستمکار، در روز قیامت، مورد سرزنش اهل ایمان خواهند بود.

و قَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخَسْرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ



## سرزنش گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۴

۴ - کسانی که از عبادت خدا سرباز زده و از صراط مستقیم منحرف شوند ، مورد سرزنش خدا قرار دارند .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم . . . و أن اعبدونى هذا صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۴

۴ - کسانی که بر اثر عدم تعقل و خردورزی به دست شیطان گمراه

شدند ، مورد سرزنش خدا قرار دارند .

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

برداشت یاد شده از استفهام انکاری در جمله < أفلم تكونوا تعقلون > که در مقام سرزنش است به دست می آید.

سرنوشت خانواده گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهليهم

سرنوشت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهليهم

شخصیت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۱

۱ - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

شرایط هدایت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- پیامبر (ص) بدون خواست خداوند، قادر به هدایت کردن گمراهان نیست.

إِنْ تَحْرَصْ عَلَىٰ هُدًى مِّنَ اللَّهِ لَا يُهْدِيَكَ اللَّهُ إِذْ تَبْتَغِيهَا

جواب <إِنْ> شرطیه <لَا تُقَدِّرُ> محذوف است به قرینه اینکه <فَا> در <فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُهْدِيكَ مِنْ يَضَلُّ> برای تعلیل است؛ یعنی، اگر تو حرص و ولع هم بر هدایت آنان داشته باشی، نخواهی توانست؛ زیرا خداوند گمراه شدگان به دست خود را هدایت نخواهد کرد.

۴- تلاش انبیا و هدایتگران، به تنهایی برای هدایت گمراهان کافی نیست.

إِنْ تَحْرَصْ

علی هدھم فإن الله لایھدی من یضلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۳

۳- سعی در هدایت گمراهان ، پس از یأس از حق پذیری آنان ، لازم نیست .

إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ . فاصفح عنهم

شقاوت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۷

۱۷- گمراهان ، به هنگام عذاب الهی و یا مرگ ، به تیره بختی و موقعیت بد خویش آگاه خواهند شد .

فسیعلمون من هو شرّ مکاناً

به نظر می رسد عبارت <شرّ مکاناً> در برابر <خیر مقاماً> و عبارت <أضعف جنداً> در برابر <أحسن ندیاً> ( در دو آیه قبل) باشد ، یعنی ، همان کسانی که خود را دارای موقعیت برتر و امکانات و نفرات بیشتر می دانستند، با رسیدن عذاب و مرگ، خود را در نقطه مقابل آن می یابند.

ضعف یاوران گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۸

۱۸- گمراهان ، هنگام نزول عذاب دنیوی و یا لحظه فرا رسیدن مرگ ، ضعف و ناتوانی یاران خود را خواهند دید .

فسیعلمون من هو .. أضعف جنداً

طرد گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۵

۵- لزوم تصفیه جامعه از عناصر گمراه کننده و قطع رابطه متقابل آنان و مردم

قال فاذهب... لامساس

ظلم گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۳،۴

۳ گمراه کنندگان و گمراه شوندگان

هر دو ظالمند.

و كذلك نولى بعض الظلمين بعضا

مراد از <بعض> گمراه کنندگان و مراد از <بعضا> گمراه شوندگانند که هر دو متصف به ظلم شده اند. گفتنی است تنوین <بعضا> عوض مضاف الیه است، یعنی: <نولى بعض الظالمين بعضهم>.

۴ جنیان اغواگر و آدمیان اغواشده، هر دو از ظالمانند.

يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس . . . و كذلك نولى بعض الظلمين بعضها

عبرت از فرجام گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۲

۲ - مطالعه در فرجام شوم گمراهان شرک پیشه در جهان آخرت ، در بردارنده درسی بزرگ برای مردمان

يوم لا ينفع مال ولا بنون . . . إن في ذلك لآيه

برداشت یاد شده بر این اساس است که <ذلك> اشاره به مضمون آیات پیشین نیز داشته باشد. گفتنی است که آیات قبل در زمینه فرجام شوم گمراهان و مشرکان بود.

عبرت از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۶

۶ - لزوم تعقل و خردورزی در وسوسه های گمراه کننده شیطان و درس آموزی از سرنوشت شوم قربانیان فریب وی

و لقد أضل منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

عجز از هدایت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۳

۱۳ - ناتوانی همگان از هدایت گمراه شده الهی

و من یضلل الله فما له من هاد

عجز گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۷

۱۷- گمراهان ، به هنگام عذاب الهی و یا مرگ ، به تیره

بختی و موقعیت بد خویش آگاه خواهند شد .

فسيعلمون من هو شرّ مكاناً

به نظر می رسد عبارت <شرّ مكاناً> در برابر <خير مقاماً> و عبارت <أضعف جنداً> در برابر <أحسن ندياً> ( در دو آیه قبل) باشد؛ یعنی، همان کسانی که خود را دارای موقعیت برتر و امکانات و نفرات بیشتر می دانستند، با رسیدن عذاب و مرگ، خود را در نقطه مقابل آن می یابند.

عدم تعقل گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۴

۴ - کسانی که بر اثر عدم تعقل و خردورزی به دست شیطان گمراه شدند ، مورد سرزنش خدا قرار دارند .

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

برداشت یاد شده از استفهام انکاری در جمله <أفلم تكونوا تعقلون> که در مقام سرزنش است به دست می آید.

عذاب اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۹

۹ - ضلالت پیشگان و گنهکاران به عذاب طاقت فرسای قیامت گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى .. فما أصبرهم على النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۶، ۱۲، ۹

۹- خداوند ، برخی از گمراهان را به عذاب دنیوی مبتلا می سازد و عده ای را به عذاب اخروی گرفتار خواهد ساخت .

حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعة

مراد از <العذاب> به قرینه <الساعة> عذاب دنیوی است.



۱۲ گمراهان بارها از جانب خداوند به عذاب در دنیا و یا در قیامت تهدید شده اند

حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ  
فعل مضارع <يوعدون> بر استمرار دلالت دارد.

۱۶- تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا ، مهلت خداوند به آنان است .

فليمدد له الرحمن مدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۸

۸ - گمراه کنندگان و گمراه شدگان ، شریک یکدیگر در عذاب اخروی

أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

عذاب دنیوی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - جوامع گمراه و گنه کار ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند .

فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذْتَهُمُ صَعَقَةَ الْعَذَابِ الْهُونَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۴ - ۱

۱ کافران ، مشرکان ، گمراهان و آنان که پیامبران را به مسخره می گیرند ، به عذاب های سخت دنیوی و اخروی گرفتار خواهند شد .

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لِعَذَابِ الْآخِرَةِ أَشَقُّ

مراد از ضمیر در <لهم> به قرینه آیه ۳۱ و ۳۲ کافران، مشرکان، استهزاگران و گمراهان می باشد.

عذاب‌دنیوی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۲، ۱۰، ۹

۹- خداوند ، برخی از گمراهان را به عذاب دنیوی مبتلا می سازد و عده ای را به عذاب اخروی گرفتار خواهد ساخت .

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وِإِمَّا السَّاعَةَ

مراد از

<العذاب> به قرینه <الساعة> عذاب دنیوی است.

۱۰- عذاب الهی در دنیا و یا فرا رسیدن مرگ و قیامت، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ

<الساعة> در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای <قیامت> است؛ ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از <الساعة> قیامت با تمام مقدمات آن خواهد بود.

۱۲ گمراهان بارها از جانب خداوند به عذاب در دنیا و یا در قیامت تهدید شده اند.

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ

فعل مضارع <یوعدون> بر استمرار دلالت دارد.

عذابهای اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۹

۹ - مشاهده شیاطین در قیامت و همنشینی با آنان، خود نوعی عذاب برای گمراهان است.

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

عذر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۲

۲ هدایت نایافتگان در صورت آگاهی از وجود قرآن، هیچ عذری در پیشگاه خدا نخواهند داشت.

هذا کتب أنزل نه .. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفین

عقیده گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ عقاید ناروا و غلوآمیز اهل کتاب برخاسته از افکار باطل گمراهانی مشرک در گذشته تاریخ

قل یا اهل الکتب لا تغلوا فی دینکم . . . و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا

بدان احتمال که خطاب در <یا اهل الکتب> متوجه تمام یهود و نصارا باشد نه

خصوص آنانکه در عصر پیامبر(ص) بودند. بر این مبنا مراد از <قوم قد ضلوا> پیشینیان اهل کتاب نخواهند بود بلکه مقصود، پیروان مذاهب شرک می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱ اهل ایمان بر رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقاید ناصواب ایشان مؤاخذه نخواهند شد .

يايها الذين ءامنوا .. لا يضركم من ضل إذا اهتديتم إلى الله مرجعكم جميعاً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <لا يضركم ..> در ارتباط با عذابهای الهی مطرح باشد بر این مبنا جمله <عليكم انفسكم لا يضركم ...> یعنی مراقب ایمان خویش باشید، شما بر بی ایمانی کافران و اعمالشان مؤاخذه نخواهید شد و بدین سبب ضرری از ناحیه آنان متوجه شما نمی شود.

علائق گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۴

۴ - گمراهان ، دوستدارِ مطالب سست ، بی بنیاد و خیال انگیز

و الشعراء يتبعهم الغاوان . ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

از ارتباط دو آیه استفاده می شود که گمراهان، در پی شاعرانی بی اصالت و وهم گرا هستند.

علم به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۸

۱۸- خداوند ، نسبت به گمراهان و هدایت یافتگان ، برترین آگاهی را دارد .

إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين

علم خدا به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۶

۶ - هدایت یافتگان و گمراهان ،

تحت احاطه علمی کامل خداوند

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۱

۱ - آگاهی همه جانبه و برتر خداوند ، از انسان های گمراه و کافر

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ

عمل گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱ اهل ایمان بر رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقاید ناصواب ایشان مؤاخذه نخواهند شد .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <لایضركم...> در ارتباط با عذابهای الهی مطرح باشد بر این مبنا جمله <علیکم انفسکم لایضركم...> یعنی مراقب ایمان خویش باشید، شما بر بی ایمانی کافران و اعمالشان مؤاخذه نخواهید شد و بدین سبب ضرری از ناحیه آنان متوجه شما نمی شود.

عوامل تنبه گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۸

۱۸- گمراهان ، هنگام نزول عذاب دنیوی و یا لحظه فرارسیدن مرگ ، ضعف و ناتوانی یاران خود را خواهند دید .

فسيعلمون من هو... أضعف جنداً

عوامل تهدید گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۴ - نظارت بیوقفه و فراگیر خداوند نسبت به کردار بندگان ، تهدیدی برای گمراهان و مایه دلگرمی هدایت یافتگان است .

فمن اهتدی . . . و من ضلّ ... و ما ربّک بغفل

با توجه به آیات پیشین که در آن سخن از هدایت یافتگان و گمراهان به میان آمده است، تأکید بر غافل نبودن خدا از عملکرد مردمان، دلگرم کننده هدایت یافتگان از یکسو و مایه تشویش خاطر گمراهان از سوی دیگر است.

عوامل حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فیها یختصمون . تالله ان کنا لفی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

عیسی(ع) و گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۸

۸ عطوفت عیسی (ع) ، نسبت به همه مردمان حتی به گمراهان امت خویش \*

ان تعذبهم فانهم عبادک و ان تغفر لهم فانک انت العزیز الحکیم

فرجام اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۲

۲ - مطالعه در فرجام شوم گمراهان شرک پیشه در جهان آخرت ، در بردارنده درسی بزرگ برای مردمان

یوم لاینفع مال و لابنون ... ان فی ذلک لأیه

برداشت یاد شده بر این اساس است که <ذلک> اشاره به مضمون آیات پیشین نیز داشته باشد. گفتنی است که آیات قبل در زمینه فرجام شوم گمراهان و مشرکان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۱

۱ - چشیدن عذاب آتش

دوزخ، فرجام نهایی تکذیب گران گمراه

و أما إن كان من المكذبين الضالين .. و تصليه جحيم

<صَلِيٌّ> (مبدأ اشتقاق <تصلیه>) در معانی چشیدن، بریان شدن و افتادن به کار می رود. بنابراین <تصلیه جحیم> می تواند به معنای چشیدن آتش دوزخ، بریان شدن به وسیله آن و یا افتادن در آن باشد. برداشت بالا- ناظر به معنای اول <تصلیه> است.

فرجام گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۱

۱ دوزخ، جایگاه و فرجام گمراهان و فریب خوردگان از شیطان

أولئك ماويهم جهنم ولايجدون عنها محيصاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- مأوا و جایگاه گمراهان حق ناپذیر، دوزخ است.

مأوهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۴ - ۲

۲ - دوزخ، فرجام مشترک گمراهان و معبودهایشان

فككبوا فيها هم و الغاوان

فلسفه مهلت به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۷

۷- هدف از مهلت به گمراهان و ترک عذاب دنیوی آنان ، افزایش ضلالت آنها است .

من كان في الضلله فليمدد له الرحمن مدًا

تقابل این آیه با آیه بعد که در باره هدایت یافتگان است گویای برداشت یاد شده است. در آن آیه آمده که <هدایت افزایش می یابد> و در این آیه آمده است که <به گمراهان مهلت می دهیم>. قرینه بودن هر آیه برای دیگری، نتیجه می دهد که به هر دو فرقه فرصت داده می

شود تا هدایت راه یافتگان و ضلالت گمراهان افزایش یابد. این گونه بیان را <فن احتباك> می نامند.

قانونمندی عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۹

۹ - نزول عذاب بر جوامع ضلالت پیشه ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

فهدینهم فاستحبوا العمی . . فأخذتهم صعقه العذاب

قرآن و گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷ قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلك ءآیت الکتب . . أن أنذر الناس و بشر الذین ءامنوا

قطع رابطه با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۵

۵ - لزوم تصفیه جامعه از عناصر گمراه کننده و قطع رابطه متقابل آنان و مردم

قال فاذهب . . لامساس

قلب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ عن أبی جعفر(ع): إن القلب ینقلب من لدن موضعه إلى حنجرته ما لم یصب الحق فاذا اصاب الحق قرّ . . و قرء هذه الآیه

<فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام ... >.

از امام باقر(ع) روایت شده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضطرب است که گویی از جای خود کنده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت کرد ...

قوای ادراکی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۷

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر، در قوای ادراکی و حسی (چشم، گوش و زبان) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًا

قیاس گمراهان با مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۱

۱ - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

قیاس مهتدین با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱

۱ - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی)

قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. کمن متّعه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

کری اخروی گمراهان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۶

۶- گمراهان ، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هرگونه شنوایی ، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من یضلل . . .

و نحشرهم يوم القيمة على وجوههم عميًا و بكما و صمًا

کوردلی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۱

۱ - برخی از گمراهان ، گرفتار کوردلی و فاقد زمینه هدایت

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

کوری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۶

۶- گمراهان ، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هرگونه شنوایی ، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من یضلل ... و نحشرهم يوم القيمة على وجوههم عميًا و بكما و صمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۵

۵ - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او ، در صحنه قیامت ، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری ... و نحشره يوم القيمة أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتني أعمی

کیفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ . اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد

شده به دست می آید.

کیفیت ورود گمراهان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۲

۲- برای ورود هر دسته از گمراهان به جهنم ، دری مخصوص وجود دارد .

من الغاوین . و إن جهنم لموعدهم ... لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

گرایشهای گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۹

۱۹ فعلیت یافتن توانهای گمراهان در راستای گرایشهای نفسانی

و بلغنا أجلنا الذي أجلت لنا

<اجل> به معنی پایان وقت و فرصت است. جمله <و بلغنا اجلنا ...> ممکن است کنایه از مرتبه و درجه باشد. بر این اساس معنی <و بلغنا اجلنا ...> یعنی به آن مرتبه و جایگاهی رسیدیم که برای ما مقدر کردی.

گفتگو با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۷ - ۴

۴- اعتراض به صاحبان اندیشه انحرافی و بحث و گفتوگو در جهت اصلاح آن ، شیوه ای پسندیده و مطلوب نزد خداوند است

و ما أظن الساعة قائمة و لن زُددتُ .. أكفرت بالذي خلقك

گمراهان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ غالیان هواپرست و گمراه از اهل کتاب ، گمراه کننده بسیاری از مردم

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا كثيراً

در برداشت فوق < كثيراً > مفعول به برای < ضلوا > گرفته شده است ؛ یعنی < اضلوا كثيراً من الناس >.

گمراهان ثروتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - مقایسه انسان هدایت شده ( هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی ) با انسان هدایت ناپذیر ( اما برخوردار از متاع مادی )  
قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدداً حسناً .. كمن متعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

گمراهان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۳

۳- گمراهان و راه نایافتگان دنیا ، در آخرت در گمراهی افزون تری فرو می روند .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً

گمراهان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۱،۶

۱ دوزخ ، جایگاه و فرجام گمراهان و فریب خوردگان از شیطان

أولئك ماويهم جهنم و لا يجدون عنها محيصاً

۶ ورود گمراهان و فریب خوردگان از شیطان به جهنم ، حتمی است .

و ما يعدهم الشيطان الا غروراً. أولئك ماويهم جهنم و لا يجدون عنها محيصاً

بنابر اینکه جمله <لا يجدون...> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماويهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که

دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

۳- جهنّم ، دارای هفت درکه ( طبقات زیرین ) است و هر گروهی از گمراهان در درکه مخصوص و طبقه مشخصی جای دارند .

لها سبعة أبواب لكلّ باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <أبواب> معنای کنایی آن باشد؛ زیرا هر دری، نوعاً به سوی مکانی خاص گشوده می شود و به جایی مستقل منتهی خواهد شد و مؤید این معنا، عبارت بعدی است که هر بابی، برای گروهی از گمراهان تعیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- مأوا و جایگاه گمراهان حق ناپذیر ، دوزخ است .

مأوهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱،۵

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و برزت الجحيم للغاوين

۵ - دوزخ ، جایگاه گمراهان

و برزت الجحيم للغاوين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۱

۱ - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فككبوا فيها ... و جنود إبليس أجمعون



۱ - مشاجره و دشمنی ، گمراهان ( مشرکان ) با یکدیگر در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

ضمیر فاعلی در <قالوا> و نیز ضمیر <هم>، به <غاوون> بازمی گردد. جمله <و هم فیها یختصمون> حال از ضمیر در <قالوا> و <اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و ستیزه کردن

است؛ یعنی، شرک پیشگان گمراه، در حالی که در دوزخ باهم ستیزه می کنند، به معبودهایشان خواهند گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فیها یختصمون . تالله ان کنا لفی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان، در دوزخ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است.

ان الظلمین فی عذاب مقیم . و ما کان لهم من اولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۱

۱ - چشیدن عذاب آتش دوزخ، فرجام نهایی تکذیب گران گمراه

و اما ان کان من المکذبین الضالین . . و تصلیه جحیم

<صَلِّی> (مبدأ اشتقاق <تصلیه>) در معانی چشیدن، بریان شدن و افتادن به کار می رود. بنابراین <تصلیه جحیم> می تواند به معنای چشیدن آتش دوزخ، بریان شدن به وسیله آن و یا افتادن در آن باشد. برداشت بالا- ناظر به معنای اول <تصلیه> است.

گمراهان در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۳

۳- گمراهان و راه نایافتگان دنیا، در آخرت در گمراهی افزون تری فرو می روند.

و من كان في هذه أعمى

فهو في الآخره أعمى و أضلّ سبيلاً

گمراهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ اعتراف گمراهان در قیامت به تبعیت از خواهشهای نفسانی خویش تا آخرین لحظه عمر

ربنا استمتع بعضنا ببعض و بلغنا أجلنا الذي أجلت لنا

جمله <و بلغنا>، پس از <ربنا استمتع ..>، بیان استمرار بهره گیری گمراهان از تمتعات دنیا تا لحظه رسیدن اجل است. بنابراین عمر آنها در این منظور صرف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۵

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. \*

و شهدوا علی أنفسهم كانوا کفرین

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱

۱ حضور انسانها در قیامت، مانند آفرینش نخستینشان، در دو گروه هدایت یافته و گمراه گشته

فریقا هدی

جمله <فریقا هدی ..> حال برای فاعل <بدأکم> و بیانگر وجه مشابهت مطرح شده در جمله <كما بدأکم تعودون> است و حاصل معنی چنین می شود: خداوند شما را آفرید در حالی که شایستگان هدایت را هدایت کرد و مستحقان گمراهی را به گمراهی کشاند و به همین صورت (دو جناح بودن) به سوی او باز خواهید گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۸

۸- ذلت و

به خاک در افتادن چهره گمراهان در قیامت

و نحشروهم یوم القیمه علی وجوههم عمیاً و بکماً و صمماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

و قال الذین استضعفوا .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

بنابراین که ضمیر فاعلی <أسروا> به <استضعفوا> برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۹،۱۲

۹ - گمراهان ستمکار ، در روز قیامت ، مورد سرزنش اهل ایمان خواهند بود .

و قال الذین ءامنوا إنّ الخسیرین الذین خسروا أنفسهم

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إنّ الخسیرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۲،۳،۴،۷

۲ - حضور انسان های گمراه و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت و در محضر خداوند

حتّی إذا جاءنا

۳ - رویارویی گمراهان و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت

قال یت بی بی و بینک بعد

تعبیر <بینی و بینک> خطاب رو در رو را می رساند.

۴ - اظهار نفرت گمراهان ، از شیاطین و وسوسه گران خویش ، در صحنه قیامت و هنگام حضور در پیشگاه خداوند

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلِيتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبئسَ الْقَرِينُ

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و يحسبون أنهم مهتدون . حَتَّى

إذا جاءنا

گمراهان در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۲

۲ - حضور انسان های گمراه و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت و در محضر خداوند

حتی إذا جاءنا

گمراهان مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الكتب على طائفتين

گمراهان و شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۳

۳ - رویارویی گمراهان و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت

قال یلیت بینی و بینک بعد

تعبیر <بینی و بینک> خطاب رو در رو را می رساند.

گمراهان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۴ - کج اندیشان از حق بازداشته شده ، از هیچ مثل و بیان روشن قرآن ، بهره ای نمی برند .

كذلك كانوا يؤفكون .. و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كلّ مثل

گمراهان هدایت ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۶

۶ برخی مردم در مرحله ای از گمراهی قرار می گیرند که دیگر امیدی به هدایت آنان نیست.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

در این آیه گویا مردم به دو بخش تقسیم شده اند: یک

دسته به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت می دهند و دسته ای دیگر به تعبیر آیه <الموتی> هستند. و همان گونه که امید به زنده شدن مرده در این جهان واهی است، نمی توان به هدایت این گونه افراد امیدی داشت.

گمراهان هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - هنگامه عذاب ، لحظه ظهور و بروز بی پناهی گمراهان ستم پیشه است .

فما له من ولی من بعده و ترى الظلمین لما رأوا العذاب یقولون هل إلی مرد من سبی

گمراهی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۸

۸ کسانی که در صدد گمراه ساختن و به اشتباه انداختن پیامبر (ص) بودند ، تنها خود را به گمراهی و اشتباه افکندند .

لهتم طائفه منهم ان یضلوک و ما یضلون الا أنفسهم و ما یضرونک من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱۱، ۲

۲ هدایتیابی هدایت یافتگان و گمراهی گمراه پیشگان، به دست خدا و در اختیار اوست.

فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلله

کلمه <فریقا> در <فریقا حق ...> مفعول به برای عاملی محذوف است، و جمله <حق علیهم الضلاله> دلالت می کند بر این که آن عامل محذوف فعل <أضل> می باشد.

۱۱ بی خبری گمراهان از ضلالت خویش، نابود کننده زمینه های هدایت در آنان

فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا .. و یحسبون أنهم مهتدون

گناه گمراهان



۱۸- > عن النبي (ص) قال: أيما داع دعى إلى ضلاله فاتبع كان عليه مثل أوزار من اتبعه من غير أن ينقص من أوزارهم شيء... ;

از پیغمبر(ص) روایت شده است که فرمود: هر دعوت کننده ای که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی شود، همانند بار سنگین گناهان کسانی که او را پیروی کرده اند بر دوش دعوت کننده است؛ بی آنکه چیزی از گناهان پیروان او کاسته شود. <..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۴

۴ - آنانی که برای گمراهی دیگران تلاش می کنند ، در گناه گمراه شدگان سهیم اند .

و قال الذين كفروا... آتبعوا سيلنا... و ليحملن أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

لالی اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۶

۶- گمراهان ، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هرگونه شنوایی ، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من يضلل... و نحشرهم يوم القيمة على وجوههم عمياً و بكمًا و صمًا

لجاجت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ينوح قد جدلتنا... فأتنا بما تعدنا... إن كان الله يريد أن يغويكم

وقوع جمله <إن كان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلتنا...)

حاکمی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

مبلغان و حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۳

۳ لزوم اتکای مبلغان الهی بر خداوند و نگران نبودن بر حق ناپذیری گمراهان ، پس از اتمام حجت بر آنان

فإن تولوا فقل حسبى الله .. عليه توكلت

محبت به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - ابراز محبت و اظهار عطف با گمراهان ، از شیوه های پسندیده در هدایت آنان است .

يقوم إنما فتنتم به و إن ربكم الرحمن

محرومیت اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۳

۳ گمراهان، در قیامت از رحمت خدا محروم خواهند بود.

فاتبعوه و اتقوا لعلکم ترحمون. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفین

محرومیت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱۴

۱۴ انسان های گمراه و محروم از هدایت های ویژه الهی ، خود موجب از میان بردن شایستگی خویش برای دستیابی به هدایت

الهی .

و الله لا يهدى القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۰

۱۰ خداوند انسانهایی را که با برخورد به راه ضلالت آن را روش زندگانی خویش قرار می دهند ، از درک معارف و آیات خویش محروم می سازد .

سأصرف عن آيتي الذين . . . و إن يروا

سبیل الغی یتخذوه سیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۷ - ۸

۸- گمراهان ، از هرگونه یار و مددکاری محرومند .

فإن الله لا يهدي من يضلّ و ما لهم من نصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۴

۴ - کج اندیشان از حق بازداشته شده ، از هیچ مثل و بیان روشن قرآن ، بهره ای نمی برند .

كذلك كانوا يؤفكون .. و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - گمراه شده الهی ، برای همیشه از هدایت محروم است .

و من یضلل الله فما له من هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - گمراه شده الهی ، برای همیشه از هدایت محروم است .

و من یضلل الله فما له من هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۵،۶

۵ - گمراه شده الهی ، برای همیشه محروم از هدایت خواهد بود .

و من یضلل اللّٰه فما له من هاد

۶- هیچ کس ، توانایی هدایت کردن گمراه شدگان الهی را ندارد .

و من یضلل اللّٰه فما له من هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱

۱ - کسانی که خداوند ، آنان را گمراه کند ، از هرگونه سرپرست و یاور محروم اند .

و



من يضلل الله فما له من ولي من بعده

محمد(ص) و گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۸

۸ پیامبر(ص) از پیروی تمایلات منحرفان باید بر حذر باشد.

ولا تتبع أهواء الذين كذبوا بآيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۳

۳- بیان سنت < استدراج > و < امهال > خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (ص) است .

قل من كان في الضلالة

فعل < كان > که برای دلالت بر استمرار است حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

مراد از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۱۴

۱۴ عن أبي جعفر(ع) في قوله إبراهيم صلوات الله عليه < لئن لم يهدني ربي لأكونن من القوم الضالين >: ای ناس للميثاق.

از امام باقر(ع) درباره < لئن لم يهدني .. من القوم الضالين > روایت شده است: (مراد از < القوم الضالين > در آیه فوق)، فراموش کنندگان میثاق الهی هستند.

مرگ گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۰

۱۰- عذاب الهی در دنیا و یا فرا رسیدن مرگ و قیامت ، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَّإِمَّا السَّاعَةَ

<الساعة> در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای <قیامت> است؛ ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از <الساعة> قیامت

با تمام مقدمات آن خواهد بود.

مشاجره گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۱

۱ - مشاجره و دشمنی، گمراهان (مشرکان) با یکدیگر در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

ضمیر فاعلی در <قالوا> و نیز ضمیر <هم>، به <غاوون> بازمی گردد. جمله <و هم فیها یختصمون> حال از ضمیر در <قالوا> و <اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و ستیزه کردن است؛ یعنی، شرک پیشگان گمراه، در حالی که در دوزخ باهم ستیزه می کنند، به معبودهایشان خواهند گفت.

ممنوعیت اطاعت از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۲

۲ - اطاعت از عناصر گمراه و اجابت خواسته های آنان، ممنوع است.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ .. فَلَا تَطْعَمُ الْمَكْذِبِينَ

مطلب یاد شده، از تفریع <فلا تطعم> بر <إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ> استفاده می شود.

موانع اطاعت از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۷

۷ توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان

و إن أطعتموهم إنکم لمشركون. أو من كان میتا فأحیینه و جعلنا له نوراً یمشی به فی ال

تمثیل مذکور برای بر حذر داشتن مسلمانان از اطاعت مشرکان است.

موانع اندوه بر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۷

۱۷ - توجه و ایمان به آگاهی همه جانبه خداوند بر احوال و

رفتار کافران و گمراهان ، بازدارنده آدمی از حسرت و اندوه شدید نسبت به آنان

فلاتذهب نفسک عليهم حسرت إن الله عليم بما يصنعون

جمله <إن الله عليم..> تعلیل برای جمله <فلاتذهب نفسک عليهم حسرات> است؛ یعنی، از آن جایی که خداوند بر احوال کافران آگاه است، پس به حال آنان حسرت مخور. این معنا گویای دو مطلب است: ۱ چون خدا بر احوال کافران آگاه است و آنان تحت نظر او قرار دارند، پس باید آنها را به خدا وا گذاشت و بیش از این بر آنان اندوه نخورد. ۲ این سخن نوعی دل‌داری به پیامبر(ص) است.

موانع سلب امکانات مادی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و سلب بهرهوری های دنیوی ایشان است؛ ولی ریزنگری ها و مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است .

لفی ضلل بعید .. لطیف ... یرزق من یشاء و هو القوی

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ گویی به یک پرسش نهفته است و آن این که: اگر منکران معاد و گمراهان، بر باطل اند پس چرا خداوند روزی خود را از آنان دریغ نمی دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: <لطیف بودن>، <مشیت> و <قدرت شکست ناپذیر او>.

موانع کیفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و سلب بهرهوری های دنیوی ایشان است؛ ولی ریزنگری ها و

مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است .

لفی ضلل بعید .. لطیف ... یرزق من یشاء و هو القوی

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ گویی به یک پرسش نهفته است و آن این که: اگر منکران معاد و گمراهان، بر باطل اند پس چرا خداوند روزی خود را از آنان دریغ نمی دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: <لطیف بودن>، <مشیت> و <قدرت شکست ناپذیر او>.

موانع نجات اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۵

۵ - راه نجات از عذاب جهنم ، بر روی ستمکاران و گمراه شدگان از سوی خدا ، مسدود است .

و من یضلل الله فما له من سبیل

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه، ناظر به وضعیت گمراه شدگان در قیامت باشد.

موجبات عذاب اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۱

۱- عذاب های اخروی گمراهان ، نتیجه عملکرد کفرآمیز خود آنان در قبال آیات الهی است .

و من یضلل .. و نحشرهم یوم القیمه ... ذلک جزاؤهم بأنهم کفروا بآیتنا

مؤاخذة اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲

۲ گمراهان برای حسابرسی و جزای عملکردشان در روز قیامت برانگیخته خواهند شد.

و من یرد أن یضله .. و یوم یحشرهم جمیعا یمعشر الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی مورد بازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

یَمْعَشِرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ

مؤمنان و گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱ اهل ایمان بر رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقاید ناصواب ایشان مؤاخذه نخواهند شد .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <لَا يَضُرُّكُمْ...> در ارتباط با عذابهای الهی مطرح باشد بر این مبنا جمله <عليكم انفسكم لا يضركم...> یعنی مراقب ایمان خویش باشید، شما بر بی ایمانی کافران و اعمالشان مؤاخذه نخواهید شد و بدین سبب ضرری از ناحیه آنان متوجه شما نمی شود.

مهلت به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۷

۷ - مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و يَمْدَهُمْ فِي طَغْيِهِمْ يَعْهَدُونَ

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <مَدَّ> (مصدر يَمَدُّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: <مده في غيه يعني، امهله (او را مهلت داد).>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۶، ۱۵، ۴، ۲، ۱

۱- مهلت دهی خداوند ، به ماندگان در وادی گمراهی و عدم تعجیل در عذاب آنها



قل من كان في الضلله فليمدد له الرحمن مدًّا

<ليمدد> فعل امر از <مدّ> است و <مدّ له> یعنی، او را رها ساخت و به وی مهلت داد (لسان العرب). گفتمی است

که این معنا، مصداق معنای اصلی <مدّ> است که کشاندن چیزی در ناحیه طول آن می باشد. در آیه مورد بحث مقصود، مهلت خداوند به کافران و پایان ندادن کار آنها با عذاب است.

۲- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من كان في الضلله فليمدد له الرحمن مدًا

به کارگیری فعل امر (فليمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

۴- مهلت خداوند به کافران و گمراهان ، جلوه ای از رحمت گسترده او است .

فليمدد له الرحمن مدًا

<رحمان> یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

۱۵- تأخیر عذاب دنیوی از زمان استحقاق آن ، مهلت خداوند به گمراهان است .

من كان في الضلله فليمدد .. حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب

۱۶- تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا ، مهلت خداوند به آنان است .

فليمدد له الرحمن مدًا حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۲

۲ - وجود پیامبر در جامعه ، مهلتی به گمراهان برای حق شنوی و مایه تأخیر انتقام الهی از ایشان

فإمّا نذهبنّ بک فإنّا منهم منتقمون

مهلت به گمراهان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۷

۷ - مهلت خداوند به کافران و گمراهان عصر بعثت ، مرتبط با عنایت ویژه او نسبت به پیامبر ( ص )

بود .

رَبِّكَ

اضافه شدن نام مقدس <رَبِّ> به ضمیری که خطاب به پیامبر(ص) است، می تواند به نقش عنایت خداوند به پیامبر(ص) در تأخیر عذاب و مهلت به کافران اشاره داشته باشد؛ چنان که در سوره ای دیگر فرموده است: <و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم> .

نفرت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۴

۴ - اظهار نفرت گمراهان ، از شیاطین و وسوسه گران خویش ، در صحنه قیامت و هنگام حضور در پیشگاه خداوند

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبئسَ الْقَرِينِ

نقش گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۵

۵ - منشأ گمراهی ، خود گمراهان اند و منشأ هدایت ، خداوند است .

قُلْ إِنْ ضَلَلْتَ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتَ فَمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي

برداشت یاد شده به این خاطر است که عامل گمراهی به خود انسان نسبت داده شده؛ ولی عامل هدایت، خداوند معرفی گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهليهم

نگرانی از فرجام گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۰

۲۰- مردان الهی، از اعماق وجود، نگران بدفرجامی توده ها و انسان های گمراه

و اذکر أخوا عاد... إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

با توجه به تعبیر <أخوا عاد>، از <إني

آخاف .. < استفاده می شود که نگرانی هود(ع) ریشه در عواطف وی داشته است.

ورود گمراهان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم يعرضون عليها .. و قال الذين ءامنوا إِنَّ الخسرين

وقت عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۶

۱۶ - تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا ، مهلت خداوند به آنان است .

فليمدد له الرحمن مدًّا حتَّىٰ إذا رأوا ما يوعدون إمَّا العذاب و إمَّا الساعه

هارون(ع) و گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۱

۱ موسی (ع) پس از مشاجره خویش با هارون و پی بردن به ناتوانی او در برابر منحرفان ، رو به درگاه خدا آورد و به مناجات با او پرداخت .

قال رب اغفر لی و لأخی

هارون(ع) و گمراهان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۲

۲۲ هارون با بیان موضع خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل از موسی (ع) خواست تا با مؤاخذه وی دشمنان دین را شاد نسازد.

و کادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء

<ال> در <الأعداء> برای جنس است و مراد از آن، به قرینه <القوم الظلمین>، دشمنان دین و توحید، یعنی همان گوساله پرستان، است.

<اشمات> (مصدر <لا- تشمتم>) به معنای خشنود ساختن و <باء> در <بی> سببیه است. بنابراین <لا- تشمتم بی الأعداء> یعنی دشمنان دین را با مؤاخذه من شاد نکن.

هدایت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۸ - ۱۹، ۱۳

۱۳ ناتوانی مردم از هدایت گمراه کنندگان به دست خداوند

و من یضلل الله فلن تجد له سیلاً

۱۹ کسی را که خداوند گمراه کند ، پیامبر ( ص ) نیز راهی برای هدایت او نخواهد داشت .

و من یضلل الله فلن تجد له سیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۴

۴ کسی را که خداوند گمراه کند ، هیچکس ، حتی پیامبر ( ص ) ، راهی برای هدایت او نخواهد یافت .

و من یضلل الله فلن تجد له سیلاً

ظاهراً مراد از <سیل> به قرینه <اضلال> ، راه هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۲

۳۲ گمراه نبودن انسان هدایت یافته ، به منزله کشتن وی و هدایت انسان گمراه ، به منزله زنده کردنش می باشد .

من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: من اخرجها من ضلال الی هدی فکانما احياها و من اخرجها من هدی الی ضلال فقد قتلها.

كافى، ج ٢، ص ٢١٠، ح ١ نورالثقلين، ج ١، ص ٦١٩، ح ١٥٣.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٤١



۳۰ پیامبر (ص)، ناتوان از هدایت گمراهانی که خداوند ضلالت آنان را حتمی ساخته است.

و من یرد الله فتنته فلن تملك له من الله شيئاً

در برداشت فوق، <فتنه> به معنای گمراه ساختن گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۴

۴ - علاقه و سعی فراوان پیامبر (ص) در هدایت گمراهان

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اگر تلاش فراوان پیامبر(ص) نبود دلیلی نداشت که خداوند برای آرامش بخشیدن به او یادآور شود که آنان مردگانی کور و کورند و تلاش او برای آنان سودی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم ارشاد و هدایت گمراهان، تا مرحله اتمام حجت و احتمال اثر است.

فأعرض عنهم

<فاء> در <فأعرض> ممکن است فصیحه باشد؛ یعنی، حال که روشن شد که آنان تا آخرین لحظات، ایمان نخواهند آورد و در لحظه آخر هم ایمانشان سودی ندارد، به حال خود رهایشان کن و دیگر ادامه نده!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۴

۴ - علاقه شدید و کوشش فراوان پیامبر به هدایت و نجات مردمان گمراه از عذاب و بدبختی

أفأنت تنقذ من فی النار

از آهنگ آیه شریفه، استفاده می شود که پیامبر(ص) تلاشی فراوان برای هدایت مردم کافر و لجوج مکه داشتند. این آیه

درصدد بیان این حقیقت به آن حضرت است که این کافران مردمی حق

گریزند و بیش از این خود را به رنج و سختی مینداز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۸

۸- مکلف نبودن پیامبر (ص) به هدایت گمراهان حق ناپذیر، نمودی از ربوبیت خداوند در حق آن حضرت

فأعرض عن من تولّى... إن ربك هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله

ذکر <ربك> پس از تعیین محدوده تبلیغ برای پیامبر(ص)، می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

هدایت ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۴

۴ تعالیم و نصیحت های پیامبران، در کسانی که خداوند خواهان گمراهی ایشان باشد، بی تأثیر است.

و لا ينفعكم نصحي... إن كان الله يريد أن يغويكم

<إن كان الله...> به منزله تعلیل برای <لا ينفعكم نصحي> است؛ یعنی، چون خداوند گمراهی شما را خواسته است، نصیحت من در شما تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ کسی را که خدا گمراهش کند، هیچ کس نمی تواند او را هدایت کند.

و من يضلّل الله فما له من هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۷ - ۲،۶

۲- خداوند، کسانی را که به گمراهی بکشاند، هدایت نخواهد کرد.

فإن الله لا يهدي من يضلّ

۶- کسانی که محکوم به گمراهی اند ، هرگز هدایت نخواهند شد .

و منهم من حقّ عليه الضلله . .. فإن الله لا يهدي من يضلّ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۷

۱۷- دل و اندیشه برخی از انسان ها ، حتی در برابر هدایت گری شخص پیامبر ( ص ) نفوذناپذیر است .

و إن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذا أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۱،۲

۱ - برخی از گمراهان ، گرفتار کوردلی و فاقد زمینه هدایت

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

۲ - بی تأثیر بودن قوی ترین هدایتگران و نیرومندترین هدایت ها ، در گمراهان کوردل

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از آن جایی که فردی چون پیامبر(ص) که قوی ترین هدایتگر و کتابی چون قرآن که دربردارنده نیرومندترین پیام هدایت است در کوردلانی که زمینه بینش را از دست داده اند، بی تأثیرند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۸

۸ - راه هدایت ، برای کسانی که خداوند ایشان را در اثر عملکردشان گمراه نموده بسته است .

و من یضلل الله فما له من سبیل

برداشت یاد شده بر این پایه است که آیه شریفه مربوط به وضعیت گمراه شدگان در دنیا باشد.

همنشینان گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - همدمی منحرفان با شیاطین در دوزخ ، تأثیری در تخفیف عذاب و یا آرامش آنان نخواهد داشت .

لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت >أنکم

فی.. < فاعل > < لن ینفع > باشد.

هواپرستی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ اعتراف گمراهان در قیامت به تبعیت از خواهشهای نفسانی خویش تا آخرین لحظه عمر

ربنا استمتع بعضنا ببعض و بلغنا أجلنا الذی أجلت لنا

جمله < و بلغنا >، پس از < ربنا استمتع .. >، بیان استمرار بهره گیری گمراهان از تمتعات دنیا تا لحظه رسیدن اجل است. بنابراین عمر آنها در این منظور صرف شده است.

یأس گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۱

۱- در پی توصیه ملائکه به ابراهیم (ع) برای اجتناب از یأس، او تنها گمراهان را مأیوس از رحمت خداوند خواند.

فلاتکن من القنطین . قال و من یقنط من رحمه ربّه إلا الضالون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۸

۸- اعراض از خدا در حال رفاه، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواریها، بیماری محرومان از هدایت قرآن است.

و ننزل .. شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلا خسارًا . و إذا أنعمنا ع

گمراهان مکه

گمراهان مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكُتُبَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ

گمراهگران

آثار یأس از هدایت گمراهگران

جلد - نام



سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۸

۸ - نفرین بر ظالمان و گمراه کنندگان جامعه پس از ناامیدی از هدایت آنان کاری پسندیده و روا

و لا تزدد الظلمین إلاّ ضللاً

ازدیاد گمراهی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۵

۵ - افزودن گمراهی ، از عذاب های الهی برای ظالمان و گمراه کنندگان جامعه

و قد أضلّوا کثیراً و لا تزدد الظلمین إلاّ ضللاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که پیامبران برای هدایت مردمان مبعوث شدند و افزودن گمراهی گمراه کنندگان، جنبه مجازاتی دارد نه ابتدایی.

انتقام از گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۱

۱ - کافران در قیامت ، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان

و قال الذین کفروا ربّنا أرنا الذین أضلّنا .. نجعلهما تحت أقدامنا

پشیمانی اخروی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، با دیدن عذاب الهی ، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر اليل و النهار إذ تأمروننا أن نكفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسروا>، <استکبروا> باشد.

تجاوزگری گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۶

۱۶ بدعتگذاران در دین و گمراه کنندگان مردم، تجاوزگرند.

و ما لكم ألا

تأكلوا... و إن كثيرا... إن ربك هو أعلم بالمعتدين

توطئه گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ تزیین اعمال زشت، از ترفندهای گمراهگران برای به هلاکت افکندن مردم و به اشتباه انداختن آنها در دین

و كذلك زين... ليردوهم و ليلسوا عليهم دينهم

درخواست ازدیاد گمراهی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۳

۳ - درخواست نوح (ع) از درگاه الهی، مبنی بر افزودن گمراهی ظالمان و گمراه کنندگان جامعه

و لاتزد الظلمين إلاّ ضللاً

زمینه نفرین بر گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۸

۸ - نفرین بر ظالمان و گمراه کنندگان جامعه پس از ناامیدی از هدایت آنان کاری پسندیده و روا

و لاتزد الظلمين إلاّ ضللاً

ظلم گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۳

۳ گمراه کنندگان و گمراه شوندگان هر دو ظالمند.

و كذلك نولى بعض الظلمين بعضا

مراد از <بعض> گمراه کنندگان و مراد از <بعضا> گمراه شوندگانند که هر دو متصف به ظلم شده اند. گفتنی است تنوین <بعضا> عوض مضاف الیه است، یعنی: <نولى بعض الظالمين بعضهم>.

عذاب اخروی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۸

۸ - گمراه کنندگان و گمراه شدگان ، شریک یکدیگر در عذاب اخروی

أنکم فی العذاب مشترکون

عذاب گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۵

۵ - افزودن گمراهی، از عذاب های الهی برای ظالمان و گمراه کنندگان جامعه

و قد أضلّوا کثیرًا و لاترد الظلمین إلاّ ضلّلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که پیامبران برای هدایت مردمان مبعوث شدند و افزودن گمراهی گمراه کنندگان، جنبه مجازاتی دارد نه ابتدایی.

گمراهگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت، با دیدن عذاب الهی، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد.

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الیل و النهار إذ تأمروننا أن نکفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسرّوا>، <استکبروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۲

۲ - حضور انسان های گمراه و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان، در قیامت و در محضر خداوند

حتّی إذا جاءنا

گمراهگران در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۲

۲ - حضور انسان های گمراه و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان، در قیامت و در محضر خداوند

حتّى إذا جاءنا

گمراهگران هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، با دیدن عذاب الهی ، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل

مکر الیل و النهار إذ تأمروننا أن نکفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسروا>، <استکبروا> باشد.

نفرت از گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۶

۶ - اظهار تنفر و انزجار شدید کافران ، از عاملان گمراهی خویش در قیامت

قال الذین کفروا .. نجعلهما تحت أقدامنا

نفرین بر گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۷

۷ - ظالمان و گمراه کنندگان جامعه ، مستحق نفرین اند .

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

نقش گمراهگران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک و لایلدوا إلاّ فاجراً کفّاراً

نگرانی اخروی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، نگران فضاحت و بی حیثیتی خود هستند .

و قال الذین استضعفوا .. و أسرّوا الندامه لَمَّا رأوا العذاب

احتمال دارد پنهان کردن پشیمانی، به خاطر احساس فضاحتی باشد که در قیامت برای مستکبران رخ می دهد؛ یعنی، کار خطایی را که اکنون از آن پشیمان شده اند، رو نمی کنند تا کسی از آنان عیب جویی نکند.

گمراهگری

آثار گمراهگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح



۱۲ - گمراه کردن مردم ، از موجبات نزول عذاب الهی در دنیا

رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكُفْرِينَ . . . إِنَّ تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فِاجِرًا

آثار گمراهگری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكُفْرِينَ دِيَارًا . إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ

آثار گمراهگری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۱

۱ - گمراه گری مشرکان و معبودهایشان ، تنها در کسانی مؤثر خواهد بود که راه دوزخ را برگزینند .

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِينَ . إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ

<صال> اسم فاعل و به معنای <لازم> است (اصل آن <صالی> می باشد)؛ یعنی، کسی که ملازم و هم راه دوزخ است و دست از این راه دوزخی برنمی دارد. گفتنی است: صیغه اسم فاعل هرگاه درمورد موجود عاقل به کار رود، به مفهوم انجام کاری از روی اختیار و انتخاب است.

حقیقت گمراهگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۶

۶ - گمراه کردن مردم ، ظلم است .

و قد أضلّوا كثيرًا و لا تزدد الظلمين إلاّ ضللاً

برداشت یاد شده، از تعبیر <ظالمان> درباره <گمراه گران> استفاده می شود.

عجز از گمراهگری مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر

۲ - ناتوانی همگان ، از گمراه کردن هدایت یافته الهی

و من یهد الله فما له من مضلّ

گمراهگری ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۹

۹ - ( فی المجمع ) > و قال الذین کفروا فی النار أرنّا الذین أضلّنا من الجن و الإنس < یعنون إبلیس الأبالسه و قابیل بن آدم أوّل من أبدع المعصیه . روى ذلك عن علی ( ع ) ;

در مجمع البیان راجع به قول خداوند که می فرماید: < و قال الذین کفروا فی النار أرنّا الذین .. > آمده است که: مقصود آنان رئیس ابلیس ها و قابیل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی (ع) روایت شده است.<

گمراهگری ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قد أضلّوا کثیرًا

گمراهگری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، دل های بنی اسرائیل را بر اثر انحراف آنان از حق ، منحرف کرد .

فلما زاغوا أزاغ الله قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان

از سوی خداوند

كذلك يضلّ الله من يشاء و يهدى من يشاء

گمراهگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۱،۳،۴

۱ - گروه بسیاری از انسان ها به دست شیطان گمراه شدند .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لا تعبدوا الشيطان . . . و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

<جبل> اسم جمع و مشتق از <جبل> (خلق) است و به معنای گروهی از مردم می باشد.

۳ - هشدار خداوند به فرزندان آدم ، درباره وسوسه های گمراه کننده شیطان

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لا تعبدوا الشيطان . . . و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

۴ - کسانی که بر اثر عدم تعقل و خردورزی به دست شیطان گمراه شدند ، مورد سرزنش خدا قرار دارند .

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

برداشت یاد شده از استفهام انکاری در جمله <أفلم تكونوا تعقلون> که در مقام سرزنش است به دست می آید.

گمراهگری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۱

۱ - فرعون با تبلیغات گمراه کننده ، مردم مصر را تحمیق کرده ، به اطاعت از خویش واداشته بود .

و نادى فرعون فى قومه . . . فاستخفّ قومه

<استخفّ> در آیه شریفه، به معنای سبک مغز ساختن است.

گمراهگری قایل

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۹

۹ - ( فی المجمع ) > وقال الذين كفروا في النار أرنا الذين أضلّنا من الجن والإنس < يعنون إبليس الأبالسه وقابيل بن آدم  
أول من

أبدع المعصيه . روى ذلك عن على ( ع ) ؛

در مجمع البيان راجع به قول خداوند که می فرماید: <وقال الذين كفروا فى النار أرنا الذين .. > آمده است که: مقصود آنان رئیس ابلیس ها و قابیل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی(ع) روایت شده است.<.

گمراهگری قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قد أضلّوا كثيرًا

گمراهگری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱،۴

۱ - تلاش مستمر قوم کافر و گمراه گر نوح ، برای گمراه کردن مؤمنان و بندگان خدا

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ

۴ - در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان ، به کفر ، نافرمانی خدا و تبه کاری روی می آوردند .

و لا يلدوا إلا فاجرًا كَفَّارًا

<فاجر> به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

گمراهگری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ - مستکبران ، عاملی برای انحراف مردم از دین الهی و مانع ایمان آنان ، از دیدگاه مستضعفان

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم لکننا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ -



۱ - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی خواهند کرد .

بل کنتم مجرمین . و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الّیل و النهار إذ تأ

گمراهگری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۱

۱ - مشرکان و معبودهایشان ، از فریب دادن و گمراه کردن مردم و جلوگیری از پیشرفت دین خدا ( توحید و یگانه پرستی ) ناتوان اند .

ما أنتم علیه بفتنین

<فاتن> (اسم فاعل و مفرد <فاتنین>) به معنای کسی است که می فریبد و به گمراهی فرا می خواند. گفتنی است طبق نظر بیشتر مفسران ضمیر <علیه> به <الله> برمی گردد و مقصود از آن راه خدا و دین او (اسلام) می باشد.

گمراهگری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۱

۱ - مشرکان و معبودهایشان ، از فریب دادن و گمراه کردن مردم و جلوگیری از پیشرفت دین خدا ( توحید و یگانه پرستی ) ناتوان اند .

ما أنتم علیه بفتنین

<فاتن> (اسم فاعل و مفرد <فاتنین>) به معنای کسی است که می فریبد و به گمراهی فرا می خواند. گفتنی است طبق نظر بیشتر مفسران ضمیر <علیه> به <الله> برمی گردد و مقصود از آن راه خدا و دین او (اسلام) می باشد.

گمراهگری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - هدف منافقان از تمسك به سوگند

های دروغ ، اغفال کردن مردم و بازداشتن آنان از راه خداوند

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

یأس از گمراهگری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من يهد الله فما له من مضلّ

یادآوری گمراه نشدن هدایت یافتگان (مؤمنان)، می تواند به منظور مأیوس ساختن کافران و مشرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

گمراهی

{گمراهی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۵

۵ روشنی راه رشد و هدایت ، از مسیر کفر و ضلالت

قد تبين الرشد من الغي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ قلب در اصطلاح قرآن ، جایگاه هدایت و گمراهی است .

فأما الذين في قلوبهم زيغ .. ربنا لا ترغ قلوبنا بعد اذ هديتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۳

۳ لزوم اعتراض ، در برابر کجروی های کافران و اهل کتاب

قل يا اهل الکتب لم تکفرون بايات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۱

۱ گمراهی و کفر ( ارتداد ) مؤمنان ، علی رغم تلاوت آیات الهی بر آنان و حضور پیامبر ( ص ) در میانشان ، مایه شکفتی است .

و کیف تکفرون و انتم

تتلى عليكم آيات الله و فيكم رسوله

مراد از استفهام، تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۳۲ - ۶

۶ وراى حق و حقيقت جز گمراهى و ضلالت نيست .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

آثار اجتناب از رهبران گمراهى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۶

۶ - سعادت و نيك بختى انسان در عرصه دنيا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روى كرد به خداوند است .

و الذين اجتنبوا الطغوت .. لهم البشرى

مقصود از بشارت در آيه شريفه، بشارت به بهشت و سعادت بشرى است.

آثار اطاعت از رهبران گمراهى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۳۸

۳ - عبادت طاغوت و اطاعت از سردمداران گمراهى ، شرك است .

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

برداشت ياد شده به خاطر اين نکته است كه آيه شريفه در توصيف مؤمنانى است كه در برابر مشركان قرار داشته و در عقیده مخالف آنان مى باشند.

۸ - عبادت طاغوت و اطاعت از سران ضلالت ، مانع توبه و باريافتن به درگاه الهى است .

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها و أنابوا إلى الله

آثار انتخاب گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - انتخاب آزادانه راه انحراف ، منتهی به گمراهی و کج روی اجتناب ناپذیر

أفريت من اتخذ إلهه هويه و أضله الله على علم

آثار ایجاد گمراهی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ گمراه ساختن مردم ناآگاه با جعل احکام دروغین، از بزرگترین ستمهاست.

فمن أظلم .. لیضل الناس بغير علم

آثار زمینه سازی گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت اولی> نسل قبل و مراد از <امت آخری> نسل بعدی می باشد.

آثار فردی گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - ضرر و زیان گمراهی، تنها متوجه خود گمراهان است.

و من ضلّ فإِنَّمَا یضِلُّ علیها

آثار گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ انحراف ، پس از آمدن آیات الهی ،



موجب کیفر سخت خداوند

و من یبدل نعمه اللّٰه .. فان اللّٰه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۹، ۱۶، ۱۲، ۱۱

۱۱ افراد منحرف ( کج اندیش ) ، دنبال کننده آیات متشابه ، به منظور ایجاد فتنه

فأما اللّٰذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبِعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

۱۲ قلب های منحرف ، منشأ فساد و فتنه هستند .

فأما اللّٰذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبِعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

۱۶ منحرفین ، به منظور تأویل محکّمات ، متشابهات را دنبال می کنند .

فأما اللّٰذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبِعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

بنابراینکه ضمیر در <تأویله> ارجاع به <ام الكتاب> شود که عبارت است از آیات محکم.

۱۹ منحرفان و کج اندیشان توان تأویل آیات قرآن را ندارند .

فأما اللّٰذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبِعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

در معنای فوق، ضمیر <تأویله> ارجاع به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲

۲ کفر و گمراهی بنی اسرائیل به علت نقض پیمان های الهی

فمن کفر بعد ذلك منکم فقد ضل .. فیما نقضهم میثقهم لعنهم

به مقتضای آیه قبل (و لقد اخذ اللّٰه .. فمن کفر بعد ذلك منکم فقد ضل سواء السبیل)، نقض میثاق الهی، کفر و گمراهی

است. و آیه مورد بحث، بنی اسرائیل را نقض کننده پیمان الهی معرفی می کند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - مائدہ - ۵ - ۷۷ - ۱۹

۱۹ اضلال و

به گمراهی کشاندن جوامع ، پیامد گمراهی و هواپرستی و در پی دارنده محرومیت از هدایت به اسلام

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا .. و اضلوا كثيراً و ضلوا عن سواء السبيل

تکرار <ضلوا> می تواند اشاره به مراحل ضلالت هواپرستان گمراه داشته باشد که در این صورت فاعل در هر سه فعل <قد ضلوا> و <اضلوا> و <ضلوا> یک طایفه خواهد بود. بنابراین <لاتتبعوا...> یعنی متابعت نکنید از هواپرستانی گمراه که دیگران را به گمراهی کشاندند و در نتیجه از هدایت به سواء السبيل (اسلام) باز ماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۲

۲ درک نکردن و غوطهور بودن در تاریکی جهل و گمراهی، ریشه تکذیب آیات الهی است.

و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظلمت

<صم و بکم> (کری و لالی)، علاوه بر بیان حقیقت حال تکذیب کنندگان، اشاره به ریشه تکذیب آیات نیز می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۸

۱۸ خداوند به قوم موسی هشدار داد که در صورت ادامه مخالفت با راه رشد و تعالی و پیمودن راه ضلالت ، ایشان را از درک معارف تورات محروم خواهد ساخت .

و أمر قومک یاخذوا بأحسنها .. إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها ... سیبلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۳ - ۳

۳- پیروی از ابلیس و گمراه شدن ، از عامل های گرفتار شدن به جهنم

إلا من اتبعک .. و إن جهنم لموعدهم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۴

۴ - شقاوت و گمراهی ، عامل روی آوردن سران و اشراف مرّفه ، به تکذیب آیات الهی

ألم تكن ءآيتي .. تكذبون . قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قومًا ضالّين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۳

۳ - عوامل انحراف و حق ناپذیری ، سبب مخفی بودن روشن ترین حقایق ( یگانگی خدا ) بر گمراهان در دنیا

تالّه إن كنا لفي ضلل مبین

با این که پوچی شرک و یگانگی خدا، امری روشن است، مشرکان، تنها پس از گرفتار شدن به آتش دوزخ، وضوح آن را درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۴

۴ - گمراهی هر کس ، مربوط به خود او است ، نه دیگران .

إن ضللت فإنما أضلّ علی نفسي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۹

۹ - تردیدافکندن در باور های دینی ، نتیجه گمراهی عمیق انسان

ألا إنّ الذین یمارون

با توجه به معنای <یمارون> (مجادله ای که در آن شک و تردید باشد) برداشت بالا به دست می آید. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- مخالفت با پیام اصول وحی ، ریشه در انحرافات روحی و روانی فرد دارد ؛ نه پیچیدگی و ابهام مفاهیم آن .

بل هم فی شکّ یلعبون

<شک> و <لعب> آن هم شکی که دستمایه بازی و سرگرمی

و بحث و لجاج قرار گیرد از موانع رسیدن به حق و اقرار به آن می باشد و ویژگی چنین شکی، بیماری روحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۱۰

۱۰ - استکبار و انحراف ، مانع از پذیرش نصیحت و خیرخواهی

و إذا قیل لهم... و رأیتهم یصدّون و هم مستکبرون

آثار گمراهی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۱

۱۱ - اهل کتاب ، دین خود را با تعالیم غیر الهی ، آمیختند و خود به انحراف کشیده شدند .

و ما تفرّق الذین أوتوا الکتب... و ما أمرُوا إِلَّا لیعبدوا الله مخلصین له الد

اوامر الهی برای اهل کتاب، بیش از اموری بوده که این آیه از آنها یاد کرده است. بنابراین اکتفا به آنها، تعریض به اهل کتاب خواهد بود که خود را با آن امور، بیگانه ساخته بودند.

آثار گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱

۱ - موسی (ع) در پی آگاه شدن از گمراهی بنی اسرائیل همراه با خشم و اندوهی شدید ، به نزد آنان بازگشت .

و أضلّهم السامریّ . فرجع موسی إلى قومه غضبین أسفاً

با توجه به آیات دیگر قرآن در این زمینه و نیز قرینه های موجود در همین آیات، چنین برمی آید که گمراه شدن بنی اسرائیل به دست سامری در میقات چهل روزه موسی(ع)، اتفاق افتاده بود و رجوع موسی(ع) به قوم خود نیز پس از

پایان میقات بوده است. <غضبان> چنان که برخی از اهل لغت گفته اند به شخصی گفته می شود که غضب شدیدی داشته باشد و <أسف> به فرد خشمگینی گفته می شود که بر چیزی افسوس می خورد (لسان العرب).

آثار گمراهی دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۴

۴- گمراهی مشرکان مخالف پیامبر (ص) در مکه، به حدی بود که آنان زمینه هدایت را از دست داده بودند.

فَضِّلُوا فَلَاسْتَطِيعُونَ سَيِّئًا

<فَلَاسْتَطِيعُونَ> تفریع بر <ضَلُّوا> است و مراد از آن، بسته شدن تمامی راههای هدایت برای آنان است.

آثار گمراهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۵

۵- پیشوایان شرک در عرصه قیامت، گمراهی خود را، عامل انحراف دیگران معرفی خواهند کرد.

فَأَغْوِينَكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ

برداشت یاد شده به خاطر تعلیل بودن جمله <إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ> برای جمله پیشین (فَأَغْوِينَاكُمْ) است.

آثار گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۸

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی، نمودی از <استدراج> و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است.

الرحمن مدًّا .. ألم تر أننا أرسلنا الشيطان

این آیه با آیه <من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدًّا> که بیانگر سنت <امهال> بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فليمدد.. مدًّا> است که همان <امهال> و <استدراج> می باشد.

آثار گمراهی مردم

جلد



- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۲

۲ - ارتداد مردم و گمراه شدن آنان پس از هدایت ، مقوله ای سزاوار به خشم آمدن و فرو رفتن در حزن و اندوه

و أضلّهم السامريّ . فرجع موسى إلى قومه غضبين أسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۳ - ۳

۳ - مردم گمراه و فاسد ، در پیدایش نظام اجتماعی فاسد و ظاهر شدن رهبران گمراه گر و انحراف ساز در جامعه ، مؤثر بوده و دارای نقش اند .

فإنّهم يومئذ في العذاب مشتركون

مشترک بودن عذاب مردم اغوا شده با رهبران اغواگر خود، می رساند که اغوا شدن مردم، هرچند به وسیله رهبران آنان است ولی آنان نیز در این گمراهی نقش داشته و مؤثر بوده اند. گفتنی است که نقش آنان می تواند در رابطه با پیدایش نظام فاسد و ظهور رهبران گمراه کننده در جامعه باشد.

آثار گمراهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۶ - ۴

۴ - سردرگمی و درماندگی مشرکان در قیامت ، بازتاب گمراهی و هدایت ناپذیری آنان در دنیا است .

ماذا أجبتم المرسلين فعميت عليهم الأنباء يومئذ

تفریع <عمیت علیهم> .. بر آیه پیش، نشانگر آن است که نوع موضع گیری در برابر دعوت پیامبران، دارای بازتابی مناسب با آن در قیامت است. بر این اساس، برگزیدن گمراهی و سر باز زدن از پذیرش راهنمایی های پیامبران، به صورت گمراهی و سردرگمی در قیامت انعکاس می یابد.

آثار گمراهی مشرکان مکه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۴

۴- گمراهی مشرکان مخالف پیامبر (ص) در مکه، به حدی بود که آنان زمینه هدایت را از دست داده بودند.

فَضِّلُوا فَلَاسْتِطِيعُونَ سَبِيلاً

<فَلَاسْتِطِيعُونَ> تفریع بر <ضَلُّوا> است و مراد از آن، بسته شدن تمامی راههای هدایت برای آنان است.

ابزار گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ حيله و مکر، از ابزار های زنان برای ایجاد فساد و انحراف

إِنَّهُ مِنْ كَيْدِ كَنَزٍّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۷

۷- ایجاد انحراف در دین، از شیوه ها و ابزار های دنیاپرستان و صاحبان زر و زور برای نیل به هدف های مادی خود

و أَحْلُوا قَوْمَهُمْ .. و جعلوا لله أندادًا ... قل تمتعوا

اجتناب از رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۲،۷

۲ - لزوم اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت از سردمداران ضلالت

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها

۷- اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت از سران ضلالت، شرط توبه و رویکرد به خداوند است.

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها و أنابوا إلى الله

تقدم طرح مسأله اجتناب از طاغوت، بر موضوع توبه و رویکرد به خداوند، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

اجتناب از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ باور به قیامت و بازگشت به خدا و حسابرسی کردار

ها زمینه ساز مراقبت بر ایمان و پرهیز از عوامل گمراهی

علیکم انفسکم .. فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۲

۲ پرهیز از گمراه گشتن بر اثر وسوسه های شیطان، توصیه و هشدار خداوند به انسانها

یبنی ءادم لا یفتننکم الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۹

۹- استواری و دور بودن از انحراف و کجی ، شرطی لازم برای هدایت گری است .

لم یجعل له عوجًا قیماً لینذر .. و یبشّر

اختیار در گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۹

۹ - انسان ، دارای اختیار تکوینی در پذیرش هدایت و ضلالت

لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۳۰

۳۰ اختیار و آزادی انسان ، در پذیرش هدایت و عدم پذیرش آن

لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ انسان در انتخاب راه هدایت و ضلالت آزاد است.

فإن استطعت أن تبتغي .. و لو شاء الله لجمعهم على الهدى

از اینکه خداوند می فرماید اگر هر گونه معجزه بیاید ایمان نمی آورند و اگر خداوند می خواست می توانست هدایت کند، معلوم می شود که انسان در انتخاب راه آزاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ضلالت مختار است.

قل فله الحجه البلغه فلو شاء لهديكم أجمعين

۹ سنت و مشیت خداوند بر هدایت و ضلالت جبری آدمیان قرار نگرفته است.

فلو شاء لهديكم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در انتخاب راه هدایت یا گمراهی مختار است .

من اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضلّ فإنما يضلّ عليها

ادعای گمراهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۸

۸- کافرانِ صدراسلام ، عقیده به روزی رسانی خدا برای انسان ها را باطل دانسته و مؤمنان را در گمراهی محض می پنداشتند

قال الذين كفروا للذين ءامنوا أنطعم من لو يشاء الله أطعمه إن أنتم إلا في ضلل م

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إن أنتم إلا في ضلال مبین > دنباله گفتار کافران باشد.

ازدیاد گمراهی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۵

۵- افزودن گمراهی ، از عذاب های الهی برای ظالمان و گمراه کنندگان جامعه

وقد أضلّوا كثيرًا ولا تزد الظلمين إلا ضللاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که پیامبران برای هدایت مردمان مبعوث شدند و افزودن گمراهی گمراه کنندگان، جنبه مجازاتی دارد نه ابتدایی.

ازدیاد گمراهی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۵

۵ - افزودن گمراهی ، از عذاب های الهی برای ظالمان و گمراه کنندگان جامعه

و قد أضلّوا كثيرًا ولا تزد الظالمين إلاّ ضللاً

برداشت یاد شده، با

توجه به این نکته است که پیامبران برای هدایت مردمان مبعوث شدند و افزودن گمراهی گمراه کنندگان، جنبه مجازاتی دارد نه ابتدایی.

ازدیاد گمراهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۳

۳- تأثیر فزون تر وسوسه های شیطانی در مشرکان و افزایش گمراهی آنان بر اثر مهلت های الهی، دلیل شتاب نورییدن خداوند در عذاب آنان

فلا تعجل علیهم

<لا تعجل> به وسیله <فاء> بر آیات پیشین (نظیر <فلیمدد له الرحمن مدأ> و <تؤزهم أزأ>) تفریع شده است، یعنی، حال که تأخیر عذاب مایه افزایش گمراهی مشرکان و فزونی فریب های شیطانی است، چه ضرورتی در تعجیل عذاب است؟ جمله <إِنَّمَا...> نیز که تعلیل برای <فلا تعجل علیهم> است، همین نکته را تأکید می کند زیرا بر انبوه تر شدن مدارک عذاب مشرکان دلالت دارد.

استمرار گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۷

۷- پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق گریز، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است.

و من یضلل الله فما له من هاد . و من یهد الله فما له من مضلّ ألیس الله بعزیز ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق گریز به وسیله خداوند، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

استمرار گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۷



۷- پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق گریز

، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است .

و من یضلل الله فما له من هاد . و من یهد الله فما له من مضلّ أليس الله بعزیز ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق گریز به وسیله خداوند، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

اصرار بر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۶

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لایقصرون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لایقصرون> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاهیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قومًا> نظر به کافران و منکران <آیام الله> داشته باشد.

اصرار مشرکان بر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲

۲ - رویکرد تمام عیار به دین خدا و مشغول نکردن خود به مشرکان هواپرستی که بر گمراهی خود پا می فشارند ، لازم است .

بل اتبع الذین ظلموا .. فأقم وجهک للذین

<فا> در <فأقم> فصیحه و نتیجه گیری از جمله محذوف است؛ یعنی: <حال که روشن شد که مشرکان، به دلیل هواپرستی شان، به خدا شرک میورزند و هدایت ناپذیرند، تو،

به آنان توجه نکن و تنها، به دین خدا متوجه باش. <

اضلال مردم گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ کسانی که با اندیشه های مبتنی بر تمایلات خود دیگران را به گمراهی می کشانند، مردمی نادان هستند.

و إن كثيرا لیضلون بأهوائهم بغير علم

اطاعت از رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۸

۸ گروهی از اهل کتاب ، مطیع و فرمانبردار سران کفر و ضلالت

و عبد الطغوت

اقرار ابلیس به گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۶

۶ ابلیس خود معترف به گمراهی و گمراه گری خویش

فبما أغويتني لأقعدن لهم صراطك المستقيم

اقرار به گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۳

۳ بنی اسرائیل پس از اذعان به گمراهی خویش ، به این حقیقت رسیدند که نجاتشان از فرجام شوم گوساله پرستی در گرو

شمول رحمت خدا و مغفرت اوست .

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۳

۳- ابلیس ، معترف به گمراهی خود بود .

قال ربّ بما أغویتني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۳

۳- اعتراف دوزخیان به استیلاي شقاوت و گمراهی ، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و کنا قومًا

## ضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۲

۲ - اعتراف کافران ، در قیامت به گمراه شدن خود از سوی بزرگان شان

اِنَّا اطعنا سادتنا .. فاضلونا السبيلا

اقرار به گمراهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ اعتراف گمراهان در قیامت به تبعیت از خواهشهای نفسانی خویش تا آخرین لحظه عمر

ربنا استمع بعضنا لبعض و بلغنا أجلنا الذي أجلت لنا

جمله <و بلغنا>، پس از <ربنا استمع .. >، بیان استمرار بهره گیری گمراهان از تمتعات دنیا تا لحظه رسیدن اجل است. بنابراین عمر آنها در این منظور صرف شده است.

اقسام گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷ - ۸

۸ گمراهی دارای شعبه ها و چهره هایی گوناگون است .

و تركهم في ظلمت لا يبصرون

برداشت فوق با توجه به جمع بودن <ظلمات> (تاریکیها و گمراهیها) استفاده شده است.

التذاذ از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۵،۱۶

۱۵ جنیان از اغوای آدمیان بهره و لذت می برند.

و قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

۱۶ انسانها از گمراه شدن توسط جنیان لذت و بهره می برند.

و

قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

انتخاب گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۹

۹ انسانها بر انتخاب راه هدایت و یا گمراهی توانا هستند.

حق عليهم الضلله إنهم اتخذوا الشيطان أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - انسان ، دارای اختیار و آزادی در انتخاب هدایت و گمراهی و تعیین سرنوشت خویش

فاستحبوا العمى .. فأخذتهم ... بما كانوا يكسبون

اندوه بر گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - توصیه خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر حسرت و اندوه نداشتن بر گمراهی کافران

فلاتذهب نفسك عليهم حسرت

۱۴ - حسرت و اندوه شدید و همه جانبه پیامبر ( ص ) ، بر انحراف و گمراهی مردم کافر

فلاتذهب نفسك عليهم حسرت

آمدن <حسرات> به صورت جمع به جای <حسرت>، بر کثرت و چند جانبه بودن آن دلالت می کند.

انذار از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مصر ، از دچار شدن به گمراهی ابدی بر اثر پافشاری بر مخالفت با دعوت موسی (ع) و تردید در حقانیت آن

كذٰلِكَ يَضِلُّ اللّٰهُ مِنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ

اهمیت مبارزه با عوامل گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۳

۳ - جهت گیری مبارزه با گمراهی و فساد ، نخست

باید متوجه کانون های اصلی آن باشد .

و لقد أرسلنا موسى بايتنا إلی فرعون و ملائیه

از این که موسی (ع)، فرعون و درباریان وی را مخاطب اولیه خویش قرار داد، مطلب بالا استفاده می شود.

بدترین گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۵

۵ - شرک و بت پرستی ، بدترین و عمیق ترین نوع گمراهی

ذلك هو الضلل البعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۶

۶ - دشمنی بی دلیل با دین خدا و کتاب های آسمانی ، بدترین نوع گمراهی

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه

مصدق مورد نظر در آیه، هواپرستانی اند که با قرآن و تورات به مبارزه برخاسته و بدون دلیل آنها را به سحر متهم ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۴

۴ - کفر به قرآن ، بدترین درجه ضلالت و گمراهی است .

قل أراءیتم إن کان من عند اللّٰه ثمّ کفرتم به من أضلّ ممّن هو فی شقاق بعید

بطلان گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۲

۲ مشاهده ملکوت، عیان دیدن بطلان و ضلالت شرک و لمس توحید در جهان هستی است.

إني أريك و قومك في ضلل مبین. و كذلك نرى إبراهيم ملكوت السموت

بی منطقی گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۷

۷ - منکران آیات خدا و کافران به خدا، تحت تأثیر عوامل بیرونی و

منفعلانه ، از خدا و آیات او ، روی گرداندند و نه با منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق ... و سخر ... ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

مجهول آورده شدن فعل <یؤفکون> دلالت بر این می کند که مشرکان و منکران آیات خدا و مؤمنان به باطل، تحت تأثیر القائنات بیرونی، چنین روی کردی را پیدا کرده اند.

بی منطقی گمراهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۶

۶ - با وجود اعتقاد مشرکان به این که خالق عالم و رام کننده خورشید و ماه ، خدا است ، بازداشته شدنشان از حق ، قابل توجه و منطقی نیست .

و لئن سألتهم من خلق ... و سخر ... ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

جمله <فأنى يؤفکون> جواب شرط مقدر است و <أنى> معادل <کیف> استفهامیه و برای تعجب است.

پیش بینی گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۲

۱۲ - پیش بینی لغزش گناه ها و زمینه های گمراهی و هشدار نسبت به آن ، از مسؤلیت های پیامبران و پیشوایان دینی است .

فأخلفتم موعدى

تبرئه از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۳،۴

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشتن را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال يقوم ليس بي ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر

عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند.

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

۴ نوح (ع) و دیگر رسولان الهی، دارای عصمت و مبرا از هر گونه گمراهی

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جمله <لکنی رسول...> به منزله تعلیلی است برای تبریته نوح از هر گونه گمراهی. بنابراین جمله <لیس بی ضلله> به همراه <و لکنی...> علاوه بر عصمت نوح، دلالت بر عصمت تمامی رسولان الهی دارد.

تبیین فرجام گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، وظیفه دار ابلاغ روشن فرجام گمراهی و بیان منشأ هدایت

قل إن ضللت فإنما أضلّ علی نفسی و إن اهتدیت فبما یوحی إلیّ ربّی

تبیین گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۸

۸ - هارون (ع)، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد.

لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی إنی خشیت

تحقیق در گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۲۲

۲۲ لزوم ریشه یابی و تحلیل زمینه های گریز از حق و گرایش به عقاید شرک آلود و انحرافی

انظر کیف نبین لهم الایت ثم انظر

انی یؤفکون

کلمه <انی> گاه به معنای <من این> بکار می رود، بنابراین جمله <ثم انظر ..> می تواند فرمان به تأمل و اندیشه در منشأ انحراف بنی اسرائیل باشد.

تداوم گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۳

۳ شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در رها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لا یقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <لا یقصرون> به شیطان بازگردانده شود. <اقصار> (مصدر یقصرون) به معنای دست برداشتن است.

تزیین گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأفعدن لهم صراطك المستقیم .. لاتجد أكثرهم شکرین

تعدد راه گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۴

۴ - راه حق و هدایت ، یکی است و راه باطل و گمراهی متعدد و گوناگون .

ولا الظلمت و لا النور

جمع آوردن <ظلمات> و مفرد آوردن <نور>، گویای برداشت یاد شده است.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۳

۱۳ - راه خداوند ، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت ، متعدد و گوناگون است .

ليخرجكم من الظلمت إلى النور

برداشت یاد شده، از استعمال <ظلمات> به صورت جمع و <نور> به صورت مفرد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۸

راه خدا، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت، متعدد و گوناگون است.

من الظلمت إلى النور

مطلب یاد شده، با توجه به کاربرد <ظلمات> به صورت جمع و واژه <نور> به صورت مفرد به دست می آید.

تعدد راههای گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ تعدد راه های گمراهی و باطل، و یکتایی راه هدایت و حق

و یخرجهم من الظلمت إلى النور

برداشت فوق با توجه به جمع بودن <ظلمات> و مفرد بودن <نور> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۶

۶ تعدد تاریکیها و گمراهیها و وحدت نور و هدایت در جهان آفرینش

و جعل الظلمت و النور

جمع آوردن <ظلمات> در برابر <نور> به صورت مفرد می تواند اشاره به تعدد راههای گمراهی و یگانه بودن راه مستقیم هدایت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۹

۹ کفر و گمراهی دارای رشته ها و صورتهای مختلف و گوناگون است.

و جعلنا له نورا .. مثله فی الظلمت

جمع آوردن <ظلمات> ممکن است جهت عنایت به این نکته باشد که گمراهی دارای یک شعبه نیست بلکه انواع و اقسام مختلفی و متعددی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹ - ۳

۳- راه های انحرافی و بیراهه های بسیاری ، فراروی انسان ها وجود دارد .

و علی الله قصد السبیل و منها جائز

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ - خدافراموشان ، گرفتار بیراهه ها و راه های پرپیچ و خم در زندگی معنوی و اعتقادی خویش

و من یعش عن ذکر الرحمن .. إنک علی صراط مستقیم

آیات پیشین، در ارتباط با اعراض کنندگان از یاد خدا بود و جمله <إنک علی صراط مستقیم> تعریضی است به آنان که شما از راه مستقیم به دورید.

تنوع گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۰، ۱۲

۱۰- راه خدا، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت، متعدد و گوناگون است.

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

برداشت فوق با توجه به استعمال <ظلمات> به صورت جمع و <نور> به صورت مفرد استفاده می شود.

۱۲- مردم در عصر بعثت پیامبر (ص)، در انواع ظلمت ها بسر می بردند.

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

تهمت گمراهی به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۶

۶ - پیامبران، متهم به گمراهی شدید از سوی کافران محکوم به دوزخ

إن أنتم إلا فی ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم..> دنباله اعتراف های کافران باشد. گفتنی است که صفت <کبیر> (برای <ضلالت>) اشاره به شدت و نهایت گمراهی است.

تہمت گمراہی بہ محمد(ص)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲ - ۴

۴ - اتہام گمراہی و جہل بہ پیامبر (ص) از سوی مشرکان

ما ضلّ صاحبکم و ما

آیه شریفه در رد این دیدگاه مشرکان است که پیامبر(ص) را متهم به گمراهی و جهل می کردند.

تهمت گمراهی به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۲ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر ، با مشاهده مؤمنان به نکوهش آشکار ایشان پرداخته ، آنان را ره گم کرده قلمداد می کنند .

و إذا رأوهم قالوا إن هؤلاء لضالون

جمله <إذا رأوهم..> ، بیانگر برخورد علنی کافران با مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۴ - ۷،۸

۷ - قیامت ، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قالوا إن هؤلاء لضالون .. فاليوم الذين ءامنوا من الكفار يضحكون

۸ - تمسخر مؤمنان ، با ریشخند ، چشمک ، لطیفه سازی و گمراه دانستن آنان ، گناه و از نشانه های کفر است .

إن الذين أجزموا .. يضحكون ... يتغامزون ... فكهين ... من الكفار

حتمیت گمراهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلا إفك .. وقالوا مال هذا الرسول ... إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

<فاء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلايستطيعون> تفسیریه است ، یعنی ، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص)

سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

حتمیت گمراهی رهبران کفر

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إِن هَذَا إِلَّا إِفْكَ. .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

<فاء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلا يستطيعون> تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

حقیقت گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹ - ۶

۶- تنها راه صحیح هدایت ، از ناحیه خداوند ایجاد شده و مسیر های ضلالت ، همه بیراهه است .

و علی الله قصد السبیل و منها جائز

از اینکه خداوند <قصد السبیل> را به خود نسبت داده و راه منحرف را به خود نسبت نداده است و با توجه به اینکه خداوند خالق همه چیز است، معلوم می شود که راه منحرف چیزی نیست جز نیمودن راه حق.

خرید گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۵،۶

۵ عالمان اهل کتاب ، خریدار گمراهی در قبال از دست دادن هدایت

الم تر . . . یشترون الضلاله

۶ سودای هدایت با گمراهی از سوی عالمان دین ، امری بس شگفت و نکوهیده

الم تر . . . یشترون الضلاله

استفهام در <الم تر>، به انگیزه تعجیب و شگفتی است.



خطر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸

۳ خطر انحراف پس از هدایت ، برای همگان ( حتی راسخین در علم )

و الرّاسخون فی العلم یقولون .. ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۴،۵

۴ مسلمانان در صورت بی توجهی به احکام الهی در خطر گمراهی و گرایش های کفرآمیز

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل

۵ انسان همواره بر سر دو راهی هدایت و گمراهی

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۷

۷ انسان ها ، حتی عالمان هدایت یافته ، در خطر پیروی از شیطان و گام نهادن در مسیر گمراهی هستند .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

خطر گمراهی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۱۰

۱۰- انسان ها ، در معرض اغواگری ابلیسند

لأغویّتهم أجمعین

خطر گمراهی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - گروهی از هدایت یافتگان ، بر طریق هدایت ثابت قدم نماندند و در زمره غضب شدگان و یا گمراهان قرار گرفتند .

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

برداشت فوق بر این اساس است که <غیر المغضوب> صفت احترازی برای <الذین انعمت> باشد. بر این مبنا نعمت داده شدگان یعنی، هدایت یافتگان سه گروه می شوند: ۱ راه یافتگانی که دست از هدایت شسته و از <مغضوبین> می شوند. ۲ هدایت یافتگانی که در بین راه

گمراه شده و از <ضالین> می گردند. ۳ هدایت پیشگانی که تا آخر بر صراط مستقیم پایدار می مانند.

۵ - هدایت یافتگان نیز در خطر قرار گرفتن در زمره غضب شدگان و یا گمراهان هستند .

صرط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

درخواست ازدیاد گمراهی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۳

۳ - درخواست نوح (ع) از درگاه الهی، مبنی بر افزودن گمراهی ظالمان و گمراه کنندگان جامعه

و لا تزدد الظلمین إلاّ ضللاً

درخواست ازدیاد گمراهی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۳

۳ - درخواست نوح (ع) از درگاه الهی، مبنی بر افزودن گمراهی ظالمان و گمراه کنندگان جامعه

و لا تزدد الظلمین إلاّ ضللاً

ذکر گمراهی انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۴

۴ - توجه به آفرینش نیکوی انسان ها و سقوط و انحراف برخی از آنان، دستاویزی برای تکذیب دین و کیفرهای اخروی، باقی نمی گذارد .

فما یکذبک بعد بالذین

حرف <فاء> در <فما یکذبک> و نیز کلمه <بعد>، این آیه را بر آیات پیشین، تفریع کرده است؛ یعنی، آیا وجود کسانی که در <أحسن تقویم> بوده و خود را به <أسفل سافلین> سقوط داده اند؛ دلیل ضرورت دین برای پیشگیری از آن سقوط

و ضرورت روز جزا، برای کیفر آن منحرفان نیست!؟

ذلت اخروی رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ -

۸ - کفرپیشگان ، در قیامت خواستار ذلت و خواری بیشتر و عذاب شدیدتر برای رهبران اغواگر خویش خواهند بود .

نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَ مِنَ الْأَسْفَلِينَ

راه گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۷ - ۲

۲ شناخت عمیق و گسترده راه هدایت و ضلالت و راهیان آن با راهنمایی خداوند میسر است.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ

روش برخورد رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - بهره گیری از شخصیت های محبوب جامعه و وابسته نشان دادن افکار و رفتار خویش به آنان ، از ترفند های رهبران ضلالت است .

فَقَالُوا هَذَا .. إِلَهَ مُوسَىٰ فَنسَىٰ

روش گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - فریب دادن با تمسک به دروغ و پذیرش مسئولیت خطا ، از راه های ایجاد انحراف دینی است .

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطِيئَتَكُمْ .. إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

روش مبارزه با گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۳

۳ - جهت گیری مبارزه با گمراهی و فساد، نخست باید متوجه کانون های اصلی آن باشد .

و لقد أرسلنا موسىٰ بايتنا إلیٰ فرعون و ملائیه

از این که موسیٰ(ع)، فرعون و درباریان وی را مخاطب اولیه خویش قرار داد، مطلب بالا استفاده می شود.

روش نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ -

۲۱- بیان تاریخ انبیا و سرگذشت اقوامشان ، از روش های هدایتی تربیتی قرآن برای نجات مردم از ظلمت ها و بردن آنان به سوی نور

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. ألم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح و عاد

رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

رهبران گمراهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۱۱

۱۱ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : > اذا كان يوم القيامة ... يأتي النداء من عند الله عز وجل ، ألا من تعلق بامام في دار الدنيا فليتبعه الى حيث يذهب فحينئذ يتبرء الذين اتبعوا من الذين اتبعوا و رأوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب ... ;

وقتی قیامت بر پا شود .. ندایی از نزد خداوند عز و جل می آید که هر کس در دنیا دلبستگی به پیشوایی داشته باید هر جا پیشوای او می رود او به دنبالش برود. و در این هنگام است که بیزاری می جویند رهبران گمراه از پیروان گمراه



خود و عذاب خدا را مشاهده می کنند و دستشان از همه جا کوتاه می شود ... <.

ریشه یابی عوامل گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۳

۳- لزوم تحقیق در باره انحرافات فکری و عقیدتی مردم و شناخت علل و زمینه های آن

قال فما خطبک یسمری

مسلم است که عمل سامری، کاری انحرافی، محکوم و مخالف با زیربنای اعتقادی موسی (ع) بوده است. ولی در عین حال آن حضرت با سؤال از کار او، در صدد یافتن انگیزه ها و زمینه های آن بود تا با کشف آن، راه را برای ریشه کن ساختن انحرافات هموار سازد.

زمینه اجتناب از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۸

۸- انسان ها ، نیازمند انذار و تبشیر ، برای پایداری بر ارزش ها و پرهیز از انحرافات اند .

لم يجعل له عوجًا قتيماً لينذر بأساً شديداً.. و يبشّر

خداوند قرآن را به عنوان تضمین کننده قوام جامعه بشری با دو ویژگی <انذار و تبشیر> معرفی کرده است و این می رساند که قوام بخشی، در پرتو این دو عامل میسر است.

زمینه ازدیاد گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۷

۷- هدف از مهلت به گمراهان و ترک عذاب دنیوی آنان ، افزایش ضلالت آنها است .

من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدداً

تقابل این آیه با آیه بعد که در باره هدایت یافتگان است گویای برداشت یاد شده است. در آن آیه آمده

که <هدایت افزایش می یابد> و در این آیه آمده است که <به گمراهان مهلت می دهیم>. قرینه بودن هر آیه برای دیگری، نتیجه می دهد که به هر دو فرقه فرصت داده می شود تا هدایت راه یافتگان و ضلالت گمراهان افزایش یابد. این گونه بیان را <فن احتباك> می نامند.

زمینه گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - فسق و تبهکاری آدمی ، مایه اراده خداوند بر گمراه سازی اوست .

و ما یضل به إلا الفسقین

<باء> در <به> سببیه و یا استعانت است. فاعل <یضل> ضمیری است که به <اللهم> بر می گردد و مفعولش <الفسقین> می باشد.

۱۳ - اراده خداوند بر هدایت انسان ها و یا گمراه کردنشان ، مشروط به زمینه هایی است که آدمی خود فراهم کننده آنهاست .

یضل به کثیراً و یهدی به کثیراً و ما یضل به إلا الفسقین

جمله <و ما یضل...> خداوند تنها فاسقان را به وسیله مثلهایی از قرآن گمراه می سازد< بیانگر این حقیقت است که گمراه سازی خداوند گزاف نبوده، بلکه ریشه در عملکرد اختیاری خود انسان دارد. در حقیقت این گمراهی پیامد فسق آدمی و کیفر تبهکاری خود اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۷

۷ - تأثیر آداب و رسوم اقوام در هدایت و یا گمراهی نسل های آنان

قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه ءآباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۴



، مانع اصلاح و نصیحت پذیری

اخذته العزّه بالاثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۲

۲ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران ، واقعیت آن را پوشانده است .

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱۹

۱۹ انسان بدون هدایت الهی ، در تشخیص مصالح و مفسد خویش دچار اشتباه می شود .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم . . . و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۵،۲۴

۱۵ ازدواج با مشرک ، زمینه ساز انحراف و دخول در جهنم است .

و لا تنکحوا . . . اولئک یدعون الی النار

۲۴ لزوم پرهیز از معاشرتهایی که خطر کفر و انحراف دارد و مایه درآمدن به جهنم است .

و لا تنکحوا . . . و لا تنکحوا . . . اولئک یدعون الی النار

با توجه به عمومیت تعلیل: اولئک یدعون الی النار، و شمول آن نسبت به موارد غیر ازدواج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۹

۹ کفر ، زمینه ساز سرپرستی و حاکمیت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۸

۱ توجہ و علاقہ بہ مادیات ، زمینہ محرومیت از پندگیری و بینش صحیح

انّ فی ذلک لعبره لاولی الابصار. زین للناس حبّ

برداشت فوق از ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل استفاده شده است؛ گویا <زین> بیان می کند که چرا همه انسانها اهل بصیرت نیستند.

۸ نقش عمده تمایلات جنسی ، در فریفته شدن مردمان

زین للنّاس حبّ الشّهوات من النّساء

از تقدیم <النساء> بر سایر امور ذکر شده در آیه، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۷

۲۷ پندار های جاهلانه نسبت به خداوند ، منشأ تردید در حقاقت اسلام و وعده های خدا و رسول ( ص )

يظنون بالله غير الحقّ .. يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۴

۴ اطلاع ناقص از تعالیم الهی ، زمینه گمراهی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يشترون الضلالة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۳

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً فنرّدها علی ادبارها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نطمسها عن الهدی فنرّدها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۱۴، ۱۳

۱۳ انتشار اخبار امّیتی در جامعه، زمینه گمراهی انبوه مردم و پیروی آنان از شیطان

و اذا جاءهم ..



اذاعوا به ... لا تبعتم الشيطان الا قليلا

۱۴ شایعات و اخبار گمراه کننده ، تأثیر گذار در اقشار وسیعی از جامعه و زمینه ساز گمراهی آنان

اذاعوا به .. لو لا فضل الله عليكم و رحمته لا تبعتم الشيطان الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲

۲ سوگند و عزم راسخ شیطان بر سر گرم کردن مردم به آرزوهای پوچ

و لامنینهم

<امنین> از مصدر <تمنیه> به معنای القای آرزوهای موهوم و خیالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۷

۷ تکذیب آیات الهی زمینه تعلق مشیت الهی به گمراه کردن انسان

و الذين كذبوا بآيتنا .. من يشاء الله يضلله

طرح مشیت الهی پس از سخن از تکذیب آیات و آثار آن، بیانگر زمینه های تعلق مشیت الهی به گمراه کردن برخی از آدمیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۱، ۶

۶ ضیق صدر و قرار گرفتن صدر در تنگنای شدید (روحیه حق ناپذیری) زمینه گمراهی انسان است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا

حرج به معنای تنگنای شدید است. در مجمع البیان آمده است: <الحرج أضیق الضیق>.

۱۱ ضیق صدر، زمینه و قرین گمراهی انسان است.

و من یرد آن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۵

۱۵ تکبر و خودبزرگ بینی مانع گرایش به ایمان و انتخاب راه کمال و زمینه تمایل به گمراهی است .

الذین یتکبرون .

.. و إن يروا كل آية ... و إن يروا سبيل الغي يتخذوه سيلا

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله های <و إن يروا كل آية .. > و <إن يروا سبيل الرشده ... > و <إن يروا سبيل الغي ... > بیانگر حالات و صفات متکبران در زمین باشد، نه اینکه چنانچه در برداشتهای پیش گذشت قسیم متکبران گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۸ - ۹

۹ دنیا دوستی و هواپرستی ، زمینه ساز گمراهی و زیانکاری است .

و لكنه أخلد إلى الأرض .. و من يضل فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۵

۵ مخالفت آگاهانه با رهنمود های الهی ، زمینه سلب هدایت خداوند و گمراه شدن انسان

ما كان الله ليضل .. حتى يبين لهم ما يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ينوح قد جدلنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن كان الله يريد أن يغويكم

وقوع جمله <إن كان الله > پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلنا ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۷

۷ گرایش نداشتن آدمی به خدا ، زمینه

ساز مشیت الهی به گمراه ساختن او و هدایت نکردنش به توحید و رسالت پیامبر ( ص )

إن الله يضل من يشاء و يهدى إليه من أناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ انسان دارای نقشی بسزا در گمراهی و هدایت خویش

بل زین للذین كفروا مكرهم . . . و من یضلل الله فما له من هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۸

۸- انسان ها ، بدون تعالیم دین و آموزه های قرآن ، گرفتار انواع ظلمت ها گمراهیهايند .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

خداوند، هدف از نزول کتاب خویش را بیرون آوردن مردم از ظلمتها معرفی می کند و برای ظلمتها نیز هیچ گونه قیدی نیاورده است که مشخص کند مراد از آنها چیست و این، حکایت از آن دارد که بدون تعالیم دین، زندگی انسانها در ظلمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- کسانی که قرآن را اسطوره می خواندند ، با استفاده از جهل مردم ، آنان را به قرآن بدبین کرده و گمراهشان می ساختند .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا ... و من أوزار الذین یضلونهم بغير علم

این برداشت بر این اساس است که <بغير علم> حال برای ضمیر مفعولی <یضلونهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱۸

۱۸- نادیده گرفتن آیات الهی ، زمینه ساز گمراهی انسان است .

ذلك من آيات الله . . . و من يضلل

فلن تجد له وليًا مرشدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۵ - ۱۰

۱۰- غرور و استكبار ، زمینه ساز انحراف در بینش و از موانع شناخت است .

أنا أكثر منك ملاً .. قال ما أظن أن تبید هذه أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۵

۱۵ - انسان ، دارای اختیار در انتخاب راه هدایت و یا گمراهی

فإما يأتينكم مني هدى فمن اتبع هداى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۳

۳ - ابتلاى به شرك ، خطرى جدی در مسیر عقیده و عمل انسان

فلاتدع مع الله إلهاء اخر

نهی الهی آن هم در ظاهر خطاب به پیامبر(ص) نشانگر آن است که اصولاً انسان در معرض چنین خطری قرار دارد زیرا وقتى آن حضرت مورد هشدار قرار گیرد، تکلیف دیگران روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۵ - ۵

۵ - بازمندن از اندیشه و تعقل در مظاهر هستی و پدیدآورنده آن ، انحراف از مسیر فطرت و هدایت

فصدّهم عن السبيل .. ألا يسجدوا لله الذى يخرج الخبء

توصیف <الله> به <الذى يخرج الخبء> در بردارنده برهان و استدلال است، یعنی، به حکم عقل تنها آن کسی که در همه هستی اثر می گذارد و آن را از کتم عدم پدید می آورد، سزاوار پرستش است. این برهان، همان راه صحیح فطری است که

شیطان آن را سد کرده تا مردم به جای روی آوردن به علت و

پدیدآورنده هستی، پدیده ها و مظاهر هستی را بیرستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ - دارندگان روحیه استکباری، جمعی از مردم را تضعیف کرده و تابع خود می کنند.

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم لكانا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۴

۴ - دنیا، زمینه فریب و لغزشگاه انسان

فلاتغرّنكم الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۵

۵ - پیروی از شیطان و گمراه شدن به دست او، نتیجه و پی آمد عدم تعقل و خردورزی است.

الم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان . . . و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۳

۳ - روح طغیان گری و حق ناپذیری، زمینه ساز تأثیرپذیری از فریب اغواگران و کثری منحرف کنندگان

بل کنتم قومًا طغین . . . فأغوينکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۵

۵ - انسان ها، بدون تعالیم پیامبران، از راه درست هدایت دور شده و با انواع خطر ها و آفت های گریزناپذیر رو به رو



خواهند شد .

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولين . و لقد أرسلنا فيهم منذرين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که انذار و اخطار مردم از سوی منذران الهی، حاکی از این حقیقت است که بر سر

راه

انسان ها، خطرهایی وجود دارد که به وسیله پیامبران الهی شناخته می شود. و اگر انسان ها به این اخطارها توجه نکنند، با آنها رو به رو خواهند شد. گفتنی است معنای لغوی <انذار> (اعلام به امری خطرناک و شایسته بر حذر بودن)، مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذریتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست؛ بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱۲

۱۲ - بی تقوایی ، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لقومه ألا تتقون . أتدعون بعلاً و تذرّون أحسن الخلقين

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس (ع)، پیش از سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۳

۱۳ - انسان ، موجودی آزاد و مختار و

مسؤول هدایت و گمراهی خویش

فمن اهتدی فلنفسه و من ضلّ فإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - فراهم کردن زمینه های گمراهی خود و خانواده خویش ، مایه خسران و سرزنش در صحنه قیامت

و قال الذین ءامنوا إِنَّ الخسیرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ - حرکت براساس هواها ، با وجود شناخت حق ، زمینه ساز تثبیت گمراهی در انسان

من اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ

برداشت بالا بدان احتمال است که بیان <أَضَلَّهُ اللَّهُ> پس از <اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ> به عنوان نتیجه و بازتاب باشد؛ یعنی، چون آنان هوس خویش را به خدایی گرفتند، خداوند نیز آنان را به گونه ای گمراه ساخت که با وجود بهره مندی از تمام ابزار ادراکاتی، طرفی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۳

۳ - تمسک به رحمانیت خدا و کنار نهادن خشیت ، زمینه ساز انحراف و فروهستن وظایف \*

من خشی الرحمن بالغیب

از ارتباط <أَوَابٍ حَفِیظٍ> و <خشی> و وصف <الرحمان> مطلب بالا احتمال می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۷

۱۷ - مسلمانان بی تفاوت ، در خطر خارج شدن از جاده حق و عدالت در صورت استمرار یافتن بی تفاوتی آنان نسبت به

تذکرات و رهنمود های قرآن

و لایکونوا کالذین . . . فطال علیهم الأمد . . . و کثیر

در آیه شریفه، قساوت قلب و خروج از عدل و انصاف (حقّ)، از پیامدهای بی تفاوتی مستمر و دائمی یهود و نصارا نسبت به رهنمودهای کتاب های آسمانیشان برشمرده است. برحذر داشتن مسلمانان از پیش گرفتن شیوه اهل کتاب، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۳

۳ - عواطف خانوادگی و خویشاوندی، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ... لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۷

۷ - زندگی انسان ها بدون تعالیم دین در معرض انواع خطر ها و آسیب های نابود کننده و علاج ناپذیر

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

انذار و اخطار پیامبران، بیانگر وجود خطر ها و آسیب های بسیاری است که اگر انسان ها به تعالیم دین بی اعتنایی کنند، دچار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - ضعف روح صبر و شکیبایی، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا

از توصیف شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



خلقت ویژه انسان و برخورداری او از دانش و هنر نویسنده‌گی، دور ماندن او را از هر گونه انحراف تضمین نمی‌کند.

خلق الإنسن ... علم بالقلم ... کلاً

حرف <کلاً> مانع پیدایش پنداری است که ممکن است با شنیدن آیات پیشین که درباره آفرینش انسان و علم او بود، برای مخاطب به وجود آید و انسان را از خطر هر انحرافی دور بداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۵

۵ - تکرار وسوسه، فراهم سازنده زمینه تأثیر آنها در انسان است.

الذی یوسوس

فعل مضارع <یوسوس> به قرینه سیاق آیه که بیانگر ویژگی‌های وسوسه‌گران است بر استمرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۰

۱۰ - انسان، همواره در خطر وسوسه‌های شیطان است.

من الجّنه

<شیطان> چنانچه در برخی از سوره‌های دیگر آمده است از جنس جن است.

زمینه گمراهی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۴

۴- ابلیس گمراه شدن خود را، نتیجه فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع) می‌دانست.

فسجد الملكة کلهم ... إلا ابلیس ابي ... قال فاخرج منها فانك رجيم ... قال رب

در اینکه مقصود ابلیس از اغوا شدنش توسط خداوند چیست؟ چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها این است که چون خداوند،

ابلیس را با فرمان سجده بر آدم (ع) مورد آزمایش قرار داد، او در این امتحان مردود شد و این مردود

شدن نیز موجب لعن و طرد وی شد؛ لذا همین طرد و لعن در نظر ابلیس نوعی گمراهی تلقی گردید.

زمینه گمراهی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۷

۷ - امت های پیامبران ، در معرض آزمون و فتنه در غیبت رهبران خود هستند .

فَإِنَّا قَدْ فِتْنَا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ

خبر از آزموده شدن بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)، هشدار و تذکری برای همه امت ها است؛ تا در غیبت پیشوایان خود (مرگ و یا عدم حضور آنان)، مراقبت کافی به عمل آورند تا از فتنه ها سربلند بیرون آیند.

زمینه گمراهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱،۳

۱ - تلاش مستمر قوم کافر و گمراه گر نوح ، برای گمراه کردن مؤمنان و بندگان خدا

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ

۳ - تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، موجب گمراهی بندگان خدا و مؤمنان می شد .

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ

زمینه گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۹

۹ - اعتراض خداوند به موسی (ع) در مورد جدا شدن او از مردم و پیشی گرفتن بر آنان ، به جهت بروز انحراف در آنان ، در غیاب وی بوده است .

و ما أعجلک .. فَإِنَّا قَدْ فِتْنَا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۶

۶ - بنی اسرائیل با بی

توجهی به وعده خداوند ( اعطای تورات ) ، زمینه گمراهی خویش را فراهم آوردند .

و أضلهم السامريّ .. ألم يعدكم ربكم وعدًا حسنًا

زمینه گمراهی بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۱

۱ - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلك .. ألقى الشيطان في أممته ... ليجعل ... والقاسية قلوبهم

<فتنه> برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد>. گفتنی است که از آیهء پیش دو مطلب استفاده می شود: ۱ خداوند اجازه می داد تا شیطان در آیات وحی که توسط پیامبران تلاوت می شد القای شبهه کند. ۲ خداوند شبهه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است؛ یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیماردلان و سنگ دلان قرار دهد.

زمینه گمراهی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

وَلَوْ اِلٰى قَوْمِهِمْ مَنْذَرِيْنَ

<منذرين>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

زمینه گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۱

۱ - گمراه گری مشرکان و معبودهایشان ، تنها در کسانی مؤثر خواهد بود که راه دوزخ را برگزینند .

ما اَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِيْنَ . اِلَّا مِنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيْمِ

<صال> اسم فاعل و به معنای <لازم> است (اصل آن <صالی> می باشد)؛ یعنی، کسی که ملازم و هم راه دوزخ است و دست از این راه دوزخی بر نمی دارد. گفتنی است: صیغه اسم فاعل هرگاه درمورد موجود عاقل به کار رود، به مفهوم انجام کاری از روی اختیار و انتخاب است.

زمینه گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۲

۲ - آیین شرک و بت پرستی ، تنها در انسان های بدطینت و حق گریز زمینه تأثیر و نفوذ دارد .

ما اَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِيْنَ . اِلَّا مِنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيْمِ

زمینه گمراهی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - سازش با هواپرستان و تمایلات نامشروع آنان ، موجب انحراف رهبران دینی

فادع و استقم كما أمرت و لا تتبع أهواءهم

استقامت (مصدر <استقم>) به معنای ادامه حرکت در راه راست است و تقابل <استقم> با <لا تتبع أهوائهم> مطلب بالا را

می

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۹

۹ - خطر نفوذ و تأثیر گذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً

زمینه گمراهی سختدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۱

۱ - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلك .. ألقى الشيطان في أممته ... ليجعل ... والقاسية قلوبهم

<فتنه> برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد>. گفتنی است که از آیه پیش دو مطلب استفاده می شود: ۱ خداوند اجازه می داد تا شیطان در آیات وحی که توسط پیامبران تلاوت می شد القای شبهه کند. ۲ خداوند شبهه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است، یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیماردلان و سنگ

دلان قرار دهد.

زمینه گمراهی فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۷

۷ برخورداری خانواده از رفاه بسیار ، زمینه ساز انحراف عقیدتی رفتاری فرزندان

و لکن متعتهم و اباؤهم حتی نسوا الذکر

زمینه گمراهی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - فسق دیرینه جامعه فرعونى ، زمینه ساز تأثیرپذیری آنان از تبلیغات غلط و گمراه کننده

إنهم كانوا قومًا فسقین

<إنهم> جنبه تعلیل برای قسمت اول آیه شریفه دارد.

زمینه گمراهی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۱،۲

۱ - استفاده صاحبان زر و زور از مکر و نیرنگی بس بزرگ ، علیه دعوت نوح (ع) و در جهت گمراه کردن مردم

من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا . و مکروا مکرا کبارًا

۲ - قدرت صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت مکر و حيله گری علیه دین الهی و در جهت گمراه کردن مردم قرار داشت .

و مکروا مکرا کبارًا

زمینه گمراهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۲

۲ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، زمینه ساز تأثیرپذیری آنان از اغواگری سردمداران شرک

بل کنتم قومًا طغین . . . فأغویناکم

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <فأغویناکم> می تواند متفرع بر جمله <بل کنتم قومًا طغین> باشد، یعنی، چون شما مردم سرکشی بودید، پس ما توانستیم به

اغوای شما بپردازیم.

زمینه گمراهی مؤمنان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۳

۳ - تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، موجب گمراهی بندگان خدا و مؤمنان می شد .

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ

زمینه گمراهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود ، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به ثمناً قليلاً

زمینه نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی بیرون آوردن بندگان خویش از گمراهی کفر ، و هدایت آنان به نور ایمان

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور بإذن ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۷

۷ - استفاده از رخداد های مهم تاریخی ، روشی برای تربیت مردم و ابزارای جهت نجات آنان از ظلمتها

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. ألم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح و عاد



زمینه های گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ افتادن بندگان به ورطه انحراف ، در صورت قطع ولایت و حمایت الهی از آنان

اذ همت .. و الله وليهما

جمله <الله وليهما>، بیانگر علت انصراف مسلمانان از تصمیم بر مخالفت پیامبر (ص) است. بنابراین قطع ولایت، موجب گرفتار شدن آدمی به انحراف و مخالفت پیامبر

(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۹

۹ شکست مسلمانان در پیکار احد ، زمینه ساز رواج تبلیغات گمراه کننده کافران و منافقان

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا الذین کفروا یردکم

در شأن نزول آیه آمده است که منافقان پس از شکست نبرد احد، مسلمانان را به بازگشت و پذیرش آیین مشرکان ترغیب می کردند. (مجمع البیان، ذیل آیه).

زیان گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۶

۶ - زیان واقعی انسان ، در ضلالت و از دست دادن هدایت است .

اشتروا الضلله بالهدی فما ربحت تجارتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۹

۹ ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضل فإنما یضل علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱،۲

۱- نفع هدایت و ضرر گمراهی هر کسی متوجه خود اوست .

من اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضلّ فإنما یضلّ علیها

۲- هدایت ، دربردارنده سود و منافع و گمراهی در پی دارنده زیان و ضرر

من اهتدی فإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۳

۳ - گمراهی ، دارای ضرر و خسارت برای خود گمراه است .

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱

۱۱ - ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضلّ فإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- هدر دادن امکانات زندگی در مسیر کفر و گمراهی ، زیان و زمینه ساز عذاب الهی است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ .. . إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

تعبیر <إِنَّ> در صورتی که علیت را برساند، نشان می دهد که نفس همین خسران، باعث شده تا عده ای گرفتار عذاب حتمی شوند.

شدت گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۵

۵ - کافران ، چنان در ظلمت و گمراهی فرو رفته اند که حتی ملموس ترین حقایق الهی را درک نمی کنند .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلَهُمْ .. . أَوْ كَظَلَمْتَ فِي بَحْرِ لَجِّي يَغْشِيهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ س

ندیدن دست خویش با آن که دست از ملموس ترین چیز برای انسان است (إذا أخرج يده لم يكد يرها) حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

شرایط نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۴

۱۴- خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و گمراهی و رهنمونی آنان به نور ایمان ، حتی از سوی پیامبر ( ص ) ، منوط به اذن و مشیت خداوند است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور ياذن ربهم

شگفتی گمراهی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۵

۱۵ - کجروی های منافقان

و مواضع آنان در برابر اسلام و مسلمانان ، بس شگفت آور و تأمل برانگیز است .

أَنِّي يُؤفِكُونَ

استفهام در <أَنِّي>، برای بیان تعجب است.

ظلم گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ عنه فی قوله: <و لم یلبسوا ایمانهم بظلم> قال: الضلال فما فوقه.

از امام صادق(ع) روایت شده که مراد از <ظلم>، در آیه فوق گمراهی و بالاتر از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۵

۵ - انحرافات عقیدتی و عملی انسان ، مصداق ظلم و ستم

أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي .. أَمَاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . و وقع القول عليهم بما ظلموا

از این که خداوند تنها علت عذاب کافران را، ظلم آنان معرفی کرده است، استفاده می شود که آنچه در آیه قبل به عنوان تکذیب گری و نیز اعمال نادرست مطرح شده، داخل در عنوان ظلم است.

ظلمت گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۵

۵ - منافقان رها شده در ظلمت گمراهی ها ، راه نجاتی ندارند و به ایمان راستین باز نخواهند گشت .

صم بکم عمی فهم لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ درک نکردن و غوطهور شدن در تاریکیهای جهل و گمراهی، پیامد تکذیب آیات الهی است.

و الذين كذبوا بآيتنا صم و بكم فى الظلمت من يشاء الله يضلله

کری و لالی تکذیب کنندگان، کنایه از درک نکردن و سردرگمی آنان است. محتمل است این حالت کیفری

از جانب خداوند برای آنان باشد؛ چنانچه جمله <من یشاءالله> شاهد بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۸

۸ - <ضلالت و گمراهی> ، ظلمت و تاریکی و <هدایت و رهایی> ، نور و روشنایی است .

لیخرجکم من الظلمت إلى النور

استعاره آوردن <ظلمت> برای ضلالت و <نور> برای هدایت بیانگر مطلب یاد شده است.

عبرت از گمراهی هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - لزوم عبرت آموزی مردمان از گمراهی هواپرستان

أفرءیت من اتخذ إلهه هویه . . أفلاتذکرون

<أفلاتذکرون> می تواند به مجموع آیه نظر داشته باشد.

عذاب اخروی رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۸

۸ - کفرپیشگان ، در قیامت خواستار ذلت و خواری بیشتر و عذاب شدیدتر برای رهبران اغواگر خویش خواهند بود .

نجعلهما تحت أقدامنا لیکونا من الأسفلین

عذاب رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۱



۱ - درخواست کافرانِ پیرو در قیامت ، از خداوند برای دو برابر کردن عذاب رهبران گمراهگیشان .

یوم تقلّب وجوههم . . . و قالوا ربّنا إنّنا أطعنا سادتنا ... ربّنا ءاتهم ضعفین من ا

عذر بر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ،

فرب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جنّهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

عذر در گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱۳

۱۳ پس از نزول آیات و اتمام حجت ، عذری برای تمرد نیست .

کم اتیناهم من ایه بیّنه .. و من یبدل نعمه الله من بعد ما جاءته

عوامل ازدیاد گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۸

۸- افزایش گمراهی ، کفر و پیامد ستم پیشگی است .

و یضلّ الله الظلمین

عوامل تثبیت گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۵

۵ پذیرش سرپرستی شیاطین بجای خدا، عامل تثبیت گمراهی و دور ماندن از هدایت الهی

فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطین أولیاء من دون الله

عوامل گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۵

۵ - عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى و العذاب بالمغفرة

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لايكلهم الله يوم القيمه . . . ذلك بان الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۵

۱۵ انسان ، بدون هدایت الهی در گمراهی است .

و ان كنتم من قبله لمن الضالين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۰

۱۰ نفاق ، فساد در زمین و نصیحت ناپذیری در برابر دعوت به تقوا ، گناه و موجب عذاب جهنم

و من الناس من يعجبك . . . فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۹،۱۴

۹ فریبکاری و وسوسه شیطان ، از راه های گوناگون و تدریجی است .

و لا تتبعوا خطوات الشيطان

کلمه <خطوات> که به معنی <گامها> است ؛ بیانگر راههای متعدد شیطان برای فریبکاری است. و چون گامها همیشه یکی پس از دیگری برداشته می شود، حکایت از تدریجی بودن آن می کند.

۱۴ نغمه هایی که باعث تفرقه و اختلاف میان مسلمین شود ، نغمه هایی شیطانی است .

يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - بقره - ٢ - ٢٠٩ - ٣

٣ متابعت از شيطان ،

لغزش و انحراف است .

و لا تتبعوا خطوات الشيطان .. فان زللتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۴

۴ دل‌بستگی به جلوه های مادی دنیا ، از عوامل تحریف آیات الهی و تبدیل نعمت های او

و من یبدل .. زین للذین کفروا

جمله <زین ..> ، بیان علت برای <و من یبدل ...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۳۴

۳۴ مسؤولیت خطیر علما و نقش مؤثر آنان در هدایت و گمراهی جامعه

و ما اختلف فيه الا الذین اوتوه .. بغیا بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۲

۱۲ عدم پذیرش ولایت الهی ، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

الله ولی الذین امنوا .. و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۴،۵

۴ شیطان ، ترغیب کننده آدمیان به زشتیها

و یامرکم بالفحشاء

۵ خودداری از انفاق ، زمینه گرایش جامعه به زشتیها

الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء

گویا جمله <یأمرکم بالفحشاء>، توضیح و تفسیر جمله <یعدکم الفقر> است. یعنی شما را از انفاق بازمی دارد و در نتیجه، شما را به فحشا می کشاند. (از یک سو صفت بخل را در انسان رشد می دهد و از سوی دیگر عده ای در فقر و فلاکت خواهند ماند که نتیجه ای جز خیانت و جنایت در جامعه نخواهد داشت.)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۳،۷

۳ رباخواری ، موجب انحراف و نابسامانی نظام اقتصادی جامعه می گردد .

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ

۷ پندار نادرست رباخواران ، از همانندی بیع با ربا ، دلیل رباخواری آنان

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا .. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا

بنابراینکه <ذَلِكَ> اشاره به <اکل ربا> باشد که از <يَأْكُلُونَ الرِّبَا> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵۰

۵۰ جبران نکردن خسارتهایی که بر کاتب و شاهد از ناحیه کتابت و شهادت وارد می شود ، موجب فسق و انحراف از حق

و لَا يَضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَأَنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ

بر مبنای مجهول بودن <لَا يَضَارَّ>، مقصود از <ضرر>، ضررهای ناشی از <کتابت> است. یعنی اگر ضرری متوجه کاتب و شاهد گردید و خسارتهای ایشان را جبران ننمودید، از حق منحرف شده اید و فاسق گشته اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۱۲

۱۲ هدایت و انحراف انسان ، بسته به خواست خداوند است .

رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

در آیه فوق، انحراف قلب و هدایت انسان به خداوند اسناد داده شده است. پس انحراف قلب و هدایت انسان به خواست و مشیت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۹



۹ گرایش های طبیعی انسان ، مورد سوء استفاده عوامل گمراه کننده

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ

بنابراینکه

فاعل محذوف از <زین>، شیطان باشد، که او یکی از عوامل گمراهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۱،۳،۴

۱ پایبندی به خرافات، عقاید بی اساس و احساس امتیّت واهی، عامل رویگردانی اهل کتاب از اسلام

ثمّ يتولّى فريق .. ذلك بانّهم قالوا لن تمسنا النار

۳ احساس مصونیت از خلود در آتش دوزخ، عامل فریب و گمراهی اهل کتاب

ثمّ يتولّى فريق .. ذلك بانّهم قالوا لن تمسنا النار ... و غرّهم

۴ باور های دروغین و خرافی، مایه فریب و گمراهی

قالوا لن تمسنا النار .. غرّهم فی دینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ تأثیر آلودگی های محیط کفر در انسان

و مطهّرك من الذین كفروا

نجات از میان کافران که به کلمه <تطهیر> تعبیر شده، مستلزم این است که آلودگی جامعه مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۹ - ۶۸

۶ تلاش برای گمراه کردن دیگران، افزودن بر گمراهی خود است.

وَدّت .. لو یضلّونکم و ما یضلّون الا انفسهم

۸ کسانی که در جهت گمراه نمودن دیگرانند، از افزودن بر گمراهی خود بی خبرند.

و ما یضلّون الا انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۲

۲ انکار و پوشاندن آیات الهی توسط اهل کتاب ، وسیله ای برای گمراه کردن دیگران

وَدَّت طائفه من اهل الکتاب لو

يُضِلُّونَكُمْ .. لم تكفرون بايات الله

كفر، در لغت چه همراه باء باشد و یا نباشد به معنای انکار و پوشاندن است (القاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۲

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق، مردم را گمراه می ساختند.

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ .. يا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۷،۱۰

۷ تلاش برخی اهل کتاب (عالمان آنان)، برای انحراف مسلمانان، با قلمداد کردن نوشته های خود به عنوان تورات و انجیل

و انّ منهم لفريقاً .. لتحسبوه من الكتاب

از ظاهر <لتحسبوه> که باید خطاب به مؤمنان و مسلمانان باشد استفاده شده است.

۱۰ نقش تحریف کتب آسمانی و عالمان تحریفگر در انحراف جوامع

و انّ منهم لفريقاً .. و يقولون على الله الكذب و هم يعلمون

از ذکر تحریف و بیان کیفیت آن و لحن تند آیه نسبت به علمای اهل کتاب برمی آید که این عمل در گمراه کردن مردم سهم بسزایی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۶،۸

۶ منحرف نشان دادن راه خدا برای بازداشتن مؤمنان از آن، خواسته اهل کتاب

لم تصدّون عن سبيل الله من امن تبغونها عوجاً

جمله <تبغونها عوجاً>، یعنی شما اهل کتاب خواهان کج نشان دادن راه خدا هستید.



، موجب انحراف مردم و تحریف حقایق

یا اهل الكتاب لم تصدّون عن سبیل الله .. تبغونها عوجاً و انتم شهداء

ظاهراً مراد از اهل کتاب به دلیل <انتم شهداء> عالمان اهل کتاب هستند و مراد از <من امن> مردمان عادی؛ بنابراین عالمان اهل کتاب از عوامل انحراف مردم و تحریف حقایق معرفی شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲

۲ غفلت اهل ایمان نسبت به توطئه های کافران ، موجب فریب خوردنشان و در نهایت محبت به آنان

یا ایها الذین امنوا .. ها انتم اولاء تحبّونهم ... و اذا خلوا عضّوا علیکم الآن

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث و آیه سابق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۸

۸ خطر واپسگرایی مردم صدر اسلام از مسیر رهبری ، پس از رحلت یا شهادت پیامبر ( ص )

و ما محمّد الا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۴،۳۷

۱۴ خودگزینی و دنیاطلبی ، منحرف کننده بینش توحیدی آدمی و عقاید دینی اوست .

و طائفه قد اهتمّهم انفسهم یظنون بالله غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

بنابر اینکه <یظنون بالله .. > نتیجه <قد اهتمّهم> باشد، نه بیان علت آن.

۳۷ انحراف در رفتار و کردار آدمی ، ناشی از انحراف در گرایش های درونی و انگیزه های او

و لیبتلی الله ما فی صدورکم و لیمحص ما فی قلوبکم

چون رفتار خارجی و اعمال ظاهری

(فرار از جنگ، اظهار تردید در حقایق اسلام و ..) در این آیات نشانه تشخیص درون سینه ها معرفی شده، معلوم می گردد که رفتار و کردار آدمی نتیجه افکار اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۶

۶ پاره ای از گناهان، زمینه ساز نفوذ شیطان در انسان و گمراهی او

أَنتُمْ اسْتَزَلْتُمُ الشَّيْطَانَ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

بنابر اینکه مراد از <ما کسبوا>، خصوص گناهان باشد، نه تمامی اعمال. بنابراین برخی از گناهان، زمینه نفوذ شیطان را فراهم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۵

۵ گمراهی و ایمان نیاوردن گروهی از مردم عصر پیامبر (ص)، ناشی از کتمان حقایق از سوی عالمان اهل کتاب

و اذ اخذ الله... و لا تکتُمونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۴،۵،۱۰

۴ تلاش شهوترانان برای انحراف جوامع دینی از حدود و مقررات الهی در روابط جنسی

و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

۵ تلاش هواپرستان برای انحراف جوامع دینی از محدوده احکام و قوانین الهی

و لا تنکحوا... حرمت... و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

۱۰ تجاوز از حدود و مقررات الهی در ازدواج و روابط جنسی، انحرافی بزرگ

حرمت... و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



٣- نساء - ٤ - ٤٤ - ١٢٠١١٠٩٨

٨ تصميم

عالمان اهل کتاب بر گمراه ساختن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل

۹ تصمیم عالمان یهود بر گمراه کردن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل

۱۱ سوء استفاده علمای یهود و دانشمندان اهل کتاب از علم و مقام خویش برای گمراهی مسلمانان

الم تر الی الذین . . ان تضلوا السبیل

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الی الذین . . ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۳

۳ تحریف و تفسیر ناصواب گفته ها ، از روش های عالمان یهود برای گمراه ساختن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل . . من الذین هادوا یحرفون الکلم

هدف از تحریف و تفسیر ناصواب سخنان از سوی عالمان یهود، به دلیل <ان تضلوا>، گمراه ساختن مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۸، ۱۶

۱۶ شیطان ، همواره در صدد گمراه کردن مردم است .

و یرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا

۱۸ سقوط به ژرفنای گمراهی ، پیامد پذیرش دادگاه های طاغوتی

یریدون ان یتحاکموا .. و یرید الشیطان ان یضلّهم ضلالاً بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۸ - ۱۲، ۱۰، ۷

۷ اعمال ناروای منافقان، عامل برگشت آنان به کفر و ضلالت

و الله اركسهم بما كسبوا

با توجه به جمله <بما كفروا> در آیه بعد، از مصادیق <ارکاس> (وارونه شدن)، گرایش آنان

به کفر است.

۱۰ اضلال آدمیان از سوی خداوند ، پیامد و کیفر اعمال ناروای خود آنان است .

و الله اركسهم بما كسبوا اتريدون ان تهدوا من اضلّ الله

۱۲ خداوند ، گمراه کننده منافقان

فما لكم في المنافقين .. اتريدون ان تهدوا من اضلّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۳

۳ تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر ( ص ) ، در قضاوت

هانتهم هؤلاء جدلتم عنهم في الحيوة الدنيا .. لهتم طائفه منهم ان يضلوك

اگر چه ظاهر جمله شرطیه <لولا... .. لهتم>، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر(ص)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلاً تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۲

۱۲ رها شدن در ورطه ولایت و حکومت گمراهان ، پیامد مخالفت با رسول خدا ( ص )

و من يشاقق الرسول .. و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۲،۷

۲ عزم راسخ شیطان بر گمراه ساختن و فریب دادن مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

لام قسم و نون تأکید در فعل <لاتخذن>، حکایت از تصمیم قاطع شیطان بر گمراه کردن مردم دارد.

۷ هشدار خداوند به مردم در مورد اغواگری شیطان و خطر منحرف شدن توسط او

و قال لاتخذن من

عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۴، ۱۱، ۶، ۱

۱ سوگند و عزم راسخ شیطان بر گمراه کردن مردم

و لاضلنهم

لام قسم و نون تأکید در فعل <لاضلنهم>، دلالت بر تصمیم قطعی شیطان دارد.

۶ گمراه ساختن، اسیر آرزو ها نمودن و تحت فرمان گرفتن، هدف شیطان از گزینش گروهی از مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً. و لاضلنهم و لامننهم و لامرنهم

۱۱ شیطان، عامل انحراف انسان از فطرت خویش

و لامرنهم فلیغیرن خلق الله

۲۴ شیطان، برانگیزنده مردمان به تحریف دین خدا

لامرنهم فلیغیرن خلق الله

امام باقر(ع) در مورد <خلق الله> در آیه فوق فرمود: دین الله.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۲۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۰ - ۱

۱ وعده های دروغین و ایجاد آرزو های موهوم، از روش های شیطان برای گمراه ساختن مردم

و لاضلنهم ... یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطن الا غروراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ ضلالت و گمراهی هر انسان، نتیجه عمل خود وی و نیز بر اساس و برنامه و سنت خداوند است.

مذبذبین بین ذلك .. و من یضلل الله فلن تجد له سییلا

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، خیانت در جنگ، خدعه با خدا، سستی در عبادت، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن، موجب گمراهی و

محرومیت دایمی از هدایت الهی است .

و من یضلل الله فلن تجد له سیبلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۹

۱۹ نادیده گرفتن مسایل اقتصادی و حقوقی دین (ارث و ...) مایه گمراهی و ضلالت

یستفتونک قل الله یفتیکم .. بین الله لکم ان تضلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۳

۳۳ تعلق اراده الهی به عذاب و ضلالت آدمی ، پیامد کفرورزی ، تحریفگری ، دروغپردازی علیه پیامبر ( ص ) و پیروی از تحریفگران دین

الذین یسرعون فی الکفر .. و من یرد الله فتنته فلن تملک له من الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ محبت و دوستی و انتخاب ولی و سرپرست ، دارای نقشی اساسی و کارآمد در هدایت و گمراهی

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

با توجه به اینکه آیه مورد بحث، ناظر به آیات پیشین است و در آن آیات پذیرش ولایت یهود و نصارا، مایه محرومیت از هدایت الهی دانسته شده بود، معلوم می شود پذیرش ولایت خدا، پیامبر(ص) و مؤمنان واجد شرایط، مایه هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۹، ۱۵، ۹

۹ غالیان هواپرست و گمراه از اهل کتاب ، گمراه کننده بسیاری از



و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا كثيراً

در برداشت فوق <كثيراً> مفعول به برای <ضلوا> گرفته شده است ؛ یعنی <اضلوا كثيراً من الناس>.

۱۵ پی ریزی عقاید دینی بر پایه هواپرستی و تمایلات نفسانی ، موجب گمراهی و گمراه سازی دیگران

و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا كثيراً

۱۹ اضلال و به گمراهی کشاندن جوامع ، پیامد گمراهی و هواپرستی و در پی دارنده محرومیت از هدایت به اسلام

و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا .. و اضلوا كثيراً و ضلوا عن سواء السبيل

تکرار <ضلوا> می تواند اشاره به مراحل ضلالت هواپرستان گمراه داشته باشد که در این صورت فاعل در هر سه فعل <قد ضلوا> و <اضلوا> و <ضلوا> یک طایفه خواهد بود. بنابراین <لا تتبعوا...> یعنی متابعت نکنید از هواپرستانی گمراه که دیگران را به گمراهی کشاندند و در نتیجه از هدایت به سواء السبيل (اسلام) باز ماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۳،۴

۳ منحرفان در کمین برای گمراه سازی اهل ایمان

لا يضرکم من ضل إذا هتديتم

۴ مسلمانان در صورت بی توجهی به احکام الهی در خطر گمراهی و گرایش های کفرآمیز

عليکم انفسکم لا يضرکم من ضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۳

۳ درک نکردن و غوطهور شدن در تاریکیهای جهل و گمراهی، پیامد تکذیب آیات الهی است.

و الذين كذبوا بآيتنا صم و بکم في الظلمت من يشاء الله يضلله

کری و لالی تکذیب کنندگان، کنایه از درک نکردن و سردرگمی آنان است. محتمل است

این حالت کیفری از جانب خداوند برای آنان باشد؛ چنانچه جمله <من یشاء الله> شاهد بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۶

۶ پیروی از هواها و تمایلات نفسانی مشرکان، موجب ضلالت و محروم ماندن از هدایت می شود.

قل لا أتبع أهواءكم قد ضللت إذا و ما أنا من المهتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ انسان بدون هدایت پروردگار در گمراهی خواهد ماند.

لئن لم يهدني ربي لأكونن من القوم الضالين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ اعتقاد به توحید، نتیجه حقگرایی، و شرک، گمراهی و مولود گریز از راه مستقیم است.

وجهت وجهی . . . حنیفا و ما أنا من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲۴

۲۴ روی عن أبي جعفر(ع) فی معنی قوله: <یوحی بعضهم إلى بعض> إن الشیاطین یلقى بعضهم بعضا فیلقى الیه ما یغوی به الخلق . . .

از امام باقر(ع) درباره <یوحی بعضهم . . .> روایت شده است: بعضی از شیاطین با بعض دیگر ملاقات و آنچه باعث گمراه کردن مردم است، به آنان می آموزند . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۶۸

۶ تکیه بر گمان در مسائل اصولی و زیربنایی موجب گمراهی می شود.

يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ

۸ گمراهی، پیامد پیروی از اکثر مردم است.

و

إن تطع أكثر من في الأرض يضلوك عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۲، ۱۳، ۱۴

۱۲ بسیاری از مردم با هوای نفس خود نادانسته موجب گمراهی دیگران می شوند.

و إن كثيرا ليضلون بأهوائهم بغير علم

<با> در <بأهوائهم> سببه است، ولی در <بغير علم> معنی الصاق دارد.

۱۳ کسانی که با اندیشه های مبتنی بر تمایلات خود دیگران را به گمراهی می کشانند، مردمی نادان هستند.

و إن كثيرا ليضلون بأهوائهم بغير علم

۱۴ جهل و هوای نفس از عوامل اصلی گمراهی است.

و إن كثيرا ليضلون بأهوائهم بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۸

۱۸ عن أبي عبد الله (ع) قال: إن الله عز وجل إذا أراد بعبد خيرا نكت في قلبه نكتة من نور وفتح مسامع قلبه و كل به ملكا يسدده و إذا أراد بعبد سوءا نكت في قلبه نكتة سوداء و سد مسامع قلبه و وكل به شيطانا يضلّه ثم تلا هذه الآية: <فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام و من يرد أن يضلّه يجعل صدره ضيقا حرجا>.

امام صادق (ع) فرمود: هر گاه خداوند عز و جل برای بنده ای خیری بخواهد، در دلش نقطه ای از نور ایجاد می کند و گوشه های دلش را بازمی گرداند و فرشته ای بر او می گمارد که وی را در کارهایش استوار نماید. و آنگاه که خدا برای بنده ای بدی بخواهد، در دلش نقطه ای سیاه ایجاد کرده و گوشه های دلش را می بندد و شیطانی را بر او می

گمارد تا گمراهش کند، سپس امام صادق(ع) آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۳،۱۶

۱۳ جنیان اغواگر و انسانهای پیرو آنها برای انحراف و گمراهی از یکدیگر بهره می برند.

و قال أولیاءهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

<استمتع> به معنای طلب تمتع و بهره جویی است و مراد از <بعض>، برخی از جنیان و انسانها هستند، چون بنای سخن نیز سؤال از روابط متقابل این دو گروه در دنیا است.

۱۶ انسانها از گمراه شدن توسط جنیان لذت و بهره می برند.

و قال أولیاءهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۲

۲ انسانهایی ظالم در صدد گمراه کردن و منحرف ساختن انسانهای دیگرند.

یمعشر الجن قد استكثرتم .. و كذلك نولی بعض الظلمین بعضا

در آیه پیشین سخن از اغواگری جنیان در مورد آدمیان بود. مقتضای تشبیه <كذلك> شباهت روابط متقابل آدمیان و جنیان با روابط میان ظالمان است. یعنی همان گونه که جنیان به اغوای مردم می پردازند، ظالمان نیز در صدد اغوای ظالمان دیگرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۹،۱۱

۹ جعل احکام و انتساب آنها به خداوند موجب گمراه شدن مردم ناآگاه می شود.

افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغیر علم

<بغیر علم> می تواند حال یا وصف برای یکی از سه مورد باشد: <افتری>، <لیضل> و <الناس>. برداشت فوق بر اساس احتمال سوم است. لذا معنی جمله چنین

می شود: تا گمراه کند مردم را در حالی که آنان جاهل هستند.

۱۱ افترازنندگان به خدا و جعل کنندگان احکام دروغین، ندانسته توده های مردم را به گمراهی می افکنند.

افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغیر علم

<ل> در <لیضل> می تواند لام عاقبت باشد، و چنانچه <بغیر علم> نیز حال برای فاعل <لیضل> باشد، نتیجه آن معنا و برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۱،۲

۱ گمراه ساختن مردم، هدف ابلیس از مهلت خواهی و درخواست عمر طولانی

أنظرنی .. لأقعدن لهم صرطک المستقیم

۲ ابلیس به تلافی گمراه شدن خویش، با کمین کردن در صراط مستقیم، بر گمراه کردن مردم مصمم شد.

فبما أغویتنی لأقعدن لهم صرطک المستقیم

کلمه <باء> در <فبما أغویتنی> سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۱،۲،۱۱

۱ انسان از هر سو (مقابل، پشت سر، راست و چپ) مورد هجوم توطئه های ابلیس است.

ثم لأتینهم من بین أیدیهم و من خلفهم و عن أیمنهم و عن شمائلهم

۲ ابلیس دارای شیوه ها و روشهای مختلف در منحرف ساختن انسان

ثم لأتینهم من بین أیدیهم

برداشت فوق بر این اساس است که جهات یاد شده (مقابل و ..) کنایه از شیوه های مختلف باشد.

۱۱ شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطك المستقيم .. لاتجد أكثرهم شكرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ سوگند دروغ، شیوه ای شیطانی در فریب دادن دیگران

و قاسمهما إني لكما

۴ سوء استفاده شیطان از خصیصه کمال طلبی و منفعت جویی انسان برای گمراه سازی ایشان

و قاسمهما إني لكما لمن النصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۲

۲ پرهیز از گمراه گشتن بر اثر وسوسه های شیطان، توصیه و هشدار خداوند به انسانها

بینی ءادم لا یفتنکم الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۴

۱۴ تکذیب آیات الهی و تغافل از آن، موجب نپذیرفتن راه رشد و تعالی و مایه چنگ زدن به راه های ضلالت است.

و إن یروا سیل الرشد لا یتخذوه... ذلك بأنهم کذبوا بآیتنا و کانوا عنها غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ پیروی از شیطان موجب قرار گرفتن آدمی در زمره گمراهان می شود.

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

۱۰ شیطان در کمین انسان ها برای کشاندن آنان به مسلک گمراهان

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

عطف جمله <أتبعه...> بر <فانسلخ منها> به وسیله <فاء> دلالت بر این دارد که بین دور شدن بلعم باعورا از آیات الهی و تعقیب شدن از سوی شیطان فاصله ای نبوده است. و این حکایت از در کمین بودن شیطان برای اغواگری انسانها دارد.

۱۱ شیطان از عوامل گمراهی است.



فأتبعه الشيطان فكان من الغاوين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ٢٠٠ - ١

١ شيطان با وسوسه های خود همواره در صدد واداشتن انسان ها به

تخلف از فرمان های خداوند است .

و إما ینزغنک من الشیطن نزع

<نزغه> یعنی او را اندکی تحریک کرد و <نزع> به کلامی گفته می شود که مایه تحریک شود. (لسان العرب). <من الشیطان> حال برای <نزع> می باشد. و مراد از <نزع شیطان> وسوسه اوست، بنابراین <اما ینزغنک ...>، یعنی اگر وسوسه ای از سوی شیطان تو را تحریک کرد. گفتنی است با توجه به آیه قبل، مراد از تحریک، ترغیب کردن به مخالفت با دستورهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۲،۳

۲ شیاطین ، بی تقویان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند .

و إخوانهم یمدونهم فی الغی

ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به <اخوان>، یعنی <و اخوان الشیاطین یمدهم الشیاطین فی الغی>. <مد> (مصدر یمدون) به معنای کشیدن است و آوردن <فی> به جای <إلی> برای رساندن این معناست که شیطان بی تقویان را به عمق گمراهی می برد.

۳ شیطان پس از گمراه ساختن بی تقویان آنان را در رها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لایقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <لایقصرون> به شیطان بازگردانده شود. <اقصار> (مصدر یقصرون) به معنای دست برداشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۸

۸ ثروت و زینت های فراوان دنیوی در دست طاغوت و طاغوتیان ، از عوامل گمراهی مردم است .

ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملاءه زینه و

أمولاً... ليضلوا عن سبيلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۷ - ۷

۷ رهبران ناصالح و گمراه ، از عوامل ضلالت و گمراهی امت ها می باشند .

فاتبعوا أمر فرعون و ما أمر فرعون برشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۶

۶- ابلیس ، از طریق تزئین اعمال ناپسند و خوب جلوه دادن آنها ، مردم را به گمراهی می کشاند .

قال ربّ بما أغويتني لأزيننّ لهم في الأرض و لأغوينهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۳،۶

۳- ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ، موجب گمراهی و گرفتاری به عذاب است .

أضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوت فسوف يلقون غيّا

<غِيّ> به معنای گمراهی است. گفتنی است که در جمله <يلقون غيّا> به قرینه آیه بعد ( ... يدخلون الجنّه ) مضافی در

تقدیر است ؛ یعنی ، <يلقون جزاء غيهم> آنان سزای گمراهی خود را که جهنم و عذاب آن است خواهند چشید.<

۶- ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ، ریشه اصلی انحرافات پس از رحلت پیامبران

فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۳

۳- شیاطین ، موجوداتی وسوسه گر و تحریک کننده در جهت گمراهی مردم

أرسلنا الشيطان على الكافرين توّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۹ - ۲

۲ - رهبران و حاکمان جوامع ، دارای نقشی

بسیار مؤثر در گمراهی و یا هدایت مردم

و أضلّ فرعون قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۳

۳ - اعراض کنندگان از قرآن و تذکار های آن ، در دنیا گرفتار انحراف و گناه می شوند .

ءاتینک من لدنا ذکرًا . من أعرض عنه فإِنَّه یحمل ... وزرًا

جمله <فإِنَّه یحمل...> ممکن است حاکی از گرفتاری اعراض کنندگان از قرآن به گناهی دیگر باشد؛ یعنی، آنان بر اثر این روی گردانی، در دنیا به دام گناه گرفتار می شوند و در قیامت زیر بار آن بوده و آن را حمل خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۱

۱۱ - دروغ ، ابزار شیطان برای فریفتن انسان ها

هل أدلک علی شجرة الخلد و ملک لایلی . .. فبذت لهما سوءتھما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۷

۱۷ - سربلندی از هدایت های الهی ، عامل گمراهی انسان و گرفتار آمدن او به رنج و سختی است .

فمن اتبع هدای فلا یضلّ و لایشقی

<شقاوت> به معنای سختی و دشواری است (قاموس) و به قرینه آیه بعد، مراد تنگناها و فشارهای زندگی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۳ - ۶

۶- تعصب بر عقاید نیاکان و پیروی غیر آگاهانه از اجداد ، عامل انحراف و گمراهی انسان ها است .

ما هذه التماثيل .. قالوا وجدنا اباؤنا لها عبيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - حج -

۴- ضلالت و گمراهی ، پیامد قطعی قرار گرفتن در قلمرو ولایت شیطان و پیروی از او

من تولاه فإنه يضلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۷

۷- کفر ورزی و پرستش غیر خدا ، سقوط از اوج هدایت ، نور و روشنایی ، به حضيض ضلالت ، ظلمت و تاریکی است .

و من يشرك بالله .. أو تهوى به الريح في مكان سحيق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۸

۸- رهبانیت و زهدورزی های بی جا ، ارتکاب اعمال ناشایست و شرک ورزی در عبادت ، انحراف از طریقه پیامبران

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ .. و إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً و أَنَا رَبُّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۴ - ۴

۴- ابتلا به کجی ها و ضد ارزش ها ، نتیجه حتمی و جدا نشدنی عدم باور به آخرت و روز جزا

و إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّرْطِ لَنُكْبَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۳

۳- بینش غلط نسبت به هدف آفرینش ( بازگشت به سوی خدا ) ، ریشه انحرافات بشر و عامل دوزخی شدن وی

قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا .. أفحسبتم أنما ... لا ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ برخوردار عناد آلود و بهانه جویانه با تعالیم آسمانی ،



در پی دارنده گمراهی هدایت ناپذیر و مانع دستیابی به حق

انظر كيف ضربوا لك الأمثل فضلوا فلا يستطيعون سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۷

۷ شیطان ، عامل جدا شدن آدمی از راه انبیا ، دوستی با افراد ناباب و گمراهی

يليتنى اتَّخَذت مع الرسول سبيلاً . يويلتى ليتنى لم أتَّخذ فلاناً خليلاً. لقد أضلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۳،۴

۳ - نقش ابلیس و سپاهیانش ، در گمراهی و شرک‌ورزی آدمیان

فككبوا فيها هم والغاون . و جنود إبليس أجمعون

به دوزخ افکنده شدن ابلیس و سپاهیانش به همراه مشرکان و معبودهایشان، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - ابلیس ، به تنهایی توانا بر فریب و گمراهی انسان ها نیست .

و جنود إبليس أجمعون

وجود سپاهیان بسیار برای ابلیس که بر گمراه ساختن انسان ها سوگند یاد کرده گواه مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۱،۲،۴

۱ - شکوه دوزخیان از نقش اصلی پیشوایان مجرم خویش در گمراهی آنان

و ما أضلنا إلا المجرمون

۲ - دوستی مجرمان ، عامل گمراهی انسان ها

و ما أضلنا إلا المجرمون

٤ - > عن أبي جعفر (ع) ... وقوله > و ما أضلنا إلا المجرمون < يعنى المشركين الذين اقتدوا بهم هؤلاء فاتبعوهم على شركهم و هم قوم محمد (ص) ليس فيهم من اليهود و النصارى أحد... و قولهم > و ما أضلنا إلا المجرمون < إذ

دعونا إلى سبيلهم ... ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند <و ما أضلنا إلا المجرمون> روایت شده که فرمود: این مجرمان همان مشرکانی بودند که گمراهان به آنها اقتدا کردند و در شرکشان از آنان پیروی نمودند و آنان گروهی از امت محمد(ص) بودند و در بین آنان احدی از یهود و نصارا نبود... و سخن آنان <و ما أضلنا إلا المجرمون> بدین معنا است که آن گاه که آنان ما را به راه خودشان دعوت کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۵

۵ - دروغ ، مادر گناهان و زاینده انحراف ها

أفأك أئيم

اختصاص به ذکر یافتن <إفك> از میان سایر گناهان و اصل قرار گرفتن برای <إثم> (تقدم آن بر إثم) می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۵

۵ - شعر در پرتو ایمان ، به دور از گمراهی و گمراه گری است .

و الشعراء يتبعهم الغاونا .. إلا الذين آمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۶۸

۶ - نقش مهم شیطان در سد کردن طریق فطرت و منحرف ساختن مردم از خداوند یکتا

و زين لهم الشيطان أعمالهم فصدهم عن السبيل

۸ - شیطان ، عامل گمراهی انسان ها و محرومیت آنان از هدایت

و زين لهم الشيطان أعمالهم فصدهم عن السبيل فهم لا يهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - شیطان ، دشمن

انسان و عامل گمراهی وی

إِنَّهٗ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۴

۴ - سرکشی و استکبار ، بی عدالتی و انحراف از حق است .

و استکبر هو و جنوده فی الأرض بغير الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ - انسان ، نیازمند به هدایت الهی است و در صورت بهره نجستن از آن گمراه می شود .

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که گمراهی بشر در برابر هدایت ارائه شده از سوی خداوند قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۸،۹

۸ - پافشاری بر عقیده شرک آلود ، اضلال الهی را در پی دارد .

اتَّبِعِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ .. فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ

تعبیر از <أشركوا> به <ظلموا> برای بیان این نکته است که آنان، با وجود دلایل زیاد و روشن برای اثبات وحدانیت خداوند، باز بر عقیده خویش پای فشردند و در نتیجه، به جایی رسیدند که به اضلال کیفری خداوند گرفتار آمدند.

۹ - تبعیت جاهلان از هوای نفس ، در پی دارنده محرومیت از هدایت الهی و عامل غوطهور شدن در گمراهی است .

بل اتَّبِعِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بغير علم فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - غنا و نغمه های مفسده انگیز ، ابزار کافران برای

گمراه کردن مردم از راه خدا است .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۹

۹ - آداب و رسوم اقوام ، در هدایت و یا گمراهی نسل ها آنان ، تأثیری قابل توجه دارد .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱،۳

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إِنَّ اللَّهَ لعن الكافرين . . . يوم تقلّب . . . وقالوا ربّنا إنّنا أطعنا سادتنا . . . فأ

۳ - پیروی بی چون و چرا ( و بی منطق ) از بزرگان ، راهزن خرد دینی است .

ربّنا إنّنا أطعنا سادتنا و كبراءنا فأضلّونا السبيلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۱۰

۱۰ - ایمان نیاوردن به آخرت ، کیفر دارد و انسان را در وادی بس بی راهه قرار می دهد .

الذين لا يؤمنون بالأخرة في العذاب و الضلل البعيد

آوردن موصول به جای اسم ظاهر (الكافرون) دلالت می کند که ایمان نیاوردن، علت گرفتاری در عذاب و واقع شدن در گمراهی دور و دراز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲- ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک



و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۲

۲ - شیطان ، از عوامل گمراهی انسان ها

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۶

۶ - مشرکان فریب خورده و پیشوایان شان در قیامت ، یکدیگر را به دست داشتن در گمراهی و انحراف از مسیر حق ، متهم خواهند کرد .

و أقبل بعضهم على بعض يتساءلون . قالوا إنكم كنتم تأتوننا ... قالوا ... و ما كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۶

۶ - نقش مؤثر پیشوایان گمراه در گمراهی توده ها و هم فکر و هم سان ساختن مردم با افکار و عقاید خویش

فأغوينكم إنا كنا غوين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - هواپرستی ، موجب گمراهی و دوری از راه خدا است .

و لا تتبع الهوى فيضلّك عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۷

۱۷ - آیین شرک ، آیینی راه زن و گمراه کننده

و جعل لله أندادًا ليضلَّ عن سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت است و رد و انکار آن گمراهی و ضلالت .

فمن اهتدى فلنفسه و من ضلَّ فإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۶، ۱۳

۱۳ - پافشاری در مخالفت با دین و تردید در حقانیت آن با وجود مشاهده دلایل روشن موجب گمراهی ابدی است .

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

مقصود از <مسرف> در این آیه، کسی است که در مخالفت با حق، پافشاری و اصرار فراوان دارد.

۱۶ - گمراه شدن انسان از سوی خداوند ، نتیجه و پیامد کردار خود او است .

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

از این که خداوند از میان انسان ها، کسانی را گمراه می سازد که دست به اسراف می زنند و پیوسته در حق تردید روا می دارند، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۳

۳ - جدال بدون دلیل و برهان در آیات الهی ( دین ) ، موجب گمراهی و محرومیت ابدی از هدایت الهی است .

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب . الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان أتیة

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که <الذين يجادلون ..> بدل برای <من> در آیه پیش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۸

۸ - تصویر نادرست از زندگی دنیایی و اخروی ، منشأ اصلی انحراف ها ، خودکامگی ها و حق ستیزی ها است .

يقوم .. و إنّ الآخره هي دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۹



، در هدایت و گمراهی نسل آینده

و ما تفرقوا .. إنَّ الذين أورثوا الکتب من بعدهم لفي شك منه مريب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۳،۹

۳ - هدایت و ضلالت الهی نسبت به انسان ، نتیجه اعمال خود او است .

إنّما السبیل علی الذين یظلمون الناس و ییغون فی الأرض .. و من یضلل الله

۹ - ستم و تجاوز به حقوق مردم ، موجب محرومیت از هدایت و افتادن در گرداب گمراهی

و من یضلل الله .. و ترى الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۷

۷ - تقلید کورکورانه و تعصبات قومی ، از عوامل مهم گمراهی و انحرافات اعتقادی در طول تاریخ

و کذلک ما أرسلنا .. و إنّنا علی ءاثرهم مقتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۸

۸ - گمراهی انسان و تسلط شیطان بر وی ، نتیجه عملکرد تباه کننده خود او است .

و من یعیش .. نقیض له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۲،۸

۲ - تأثیر حاکمان ، در هدایت و گمراهی مردمان

و نادى فرعون .. فاستخفّ قومه

۸- نقش اساسی و مؤثر تبلیغات در هدایت و گمراهی انسان ها

و نادى فرعون فى قومه .. فاستخفَّ قومه فأطاعوه

از این که فرعون توانست با تبلیغات خویش، قوم خود را به اطاعت وادارد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۳

۳ - پیروی از شیطان ، عامل انحراف و بازماندن از صراط مستقیم

و اتبعون هذا صراط مستقیم . و لایصدنکم الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۶ - ۶

۶ - دل بستگی بیهوده به شفاعت غیر خدا ، از عوامل گمراهی است .

و لایملک .. الشفعه إلا من شهد بالحق

خداوند، برای بازداشتن مشرکان از گمراهی، به آنان یادآور شده است که معبودهای دروغین آنها هرگز قدرت شفاعت ندارند. پس از ایشان قطع امید کنند و به حق روی آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۱

۱- عبادت گران غیر خدا و حاجت طلبان از درگاه غیر او ، گمراه ترین و سرگشته ترین انسان ها

و من أضلّ ممّن یدعوا من دون الله من لایستجیب له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۶

۱۶- گناه ، مایه تیرگی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان \*

کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

میان سیئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علی و سببی باشد. از تقدم سیئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که <بال> به معنای قلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۱۲

۱۲- انسان ، بدون برخورداری از هدایت پروردگار ، گرفتار انحراف در بینش و گرایش



أفمن كان على بينة من ربه كمن زين له سوء عمله

از مقابله <من كان ..> با <من زين...>، استفاده می شود که انسان ها به دو گروه عمده تقسیم می شوند: ۱ کسانی که برخوردار از دلایل الهی و هدایت وحی اند؛ ۲ گروهی که در قبال دسته اول قرار دارند و در نهایت به انحراف در بینش (زین له سوء عمله) و انحراف در گرایش (و اتبعوا أهوائهم) کشیده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۸

۸- وسوسه ، تزئین و القای آرمان های دروغین ، ابزار شیطان در منحرف ساختن انسان ها

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا .. الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ

مفهوم <أملی> ممکن است به معنای ایجاد آمل و آرزو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قد أضلُّوا كثيرًا

۲ - شرک و بت پرستی و دوری از رهنمود های پیامبران الهی ، گمراهی است .

و قالوا لا تذرنا للهتكم .. و قد أضلُّوا كثيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۷ - ۲

۲ - پیشرفت و تکامل معنوی یا سقوط و انحطاط انسان ، در دست خود او است .

لمن شاء منكم أن يتقدم أو يتأخر

عوامل گمراهی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۵

۵- اغوای ابلیس از سوی خداوند

، کیفر تمرد وی از فرمان الهی بود .

رَبِّ بَمَا أُغْوَيْتَنِي

بی تردید، گمراه شدن ابلیس از جانب خداوند، پس از سرپیچی او از سجده بر آدم(ع) بود و این می رساند که این گمراهی، جنبه کیفری داشته است.

عوامل گمراهی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۷

۱۷ شیطان ، مترصد زمینه های مساعد برای نفوذ در انسان و منحرف ساختن او

لَا تَقْصُصْ رِءْيَاكَ .. فَيَكِيدُوا ... إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۱

۱- ابلیس ، گمراه شدن خود از سوی خداوند را ، عامل زیبا نمایاندن زشتی ها و به گمراهی کشاندن همه انسان ها معرفی کرد .

قَالَ رَبِّ بَمَا أُغْوَيْتَنِي لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

<با> در <بما> بای سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۴

۴ - مستکبران ، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجْدُلُ .. لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

جمله <ليُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ> به تقدیر <ليُضِلَّ النَّاسَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ> است؛ یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند؛ بلکه بدان

منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

عوامل گمراهی بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۲

۱۲ دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا موجب فاصله گرفتن او از آیات الهی و تکذیب آنها شد .

فانسلخ منها .. و لکنه أخلد إلى الأرض

جمله < و لکنه أخلد .. > می تواند بیانگر علت < فانسلخ منها > باشد. یعنی دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا باعث شد که از آیات الهی فاصله گیرد.

عوامل گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۴

۴ - سامری ، موجب گمراهی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع) شد .

و أضلَّهُم السامریّ

<سامریّ> نام شخصی است که از قوم بنی اسرائیل بود و موجب گمراهی آنان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۵

۵ - شنیده شدن صدای گوساله از تندیس دست ساز سامری ، مایه فریفتگی بنی اسرائیل و باور به معبود بودن آن شد .

له خوار

ذکر هر یک از اوصاف گوساله، نشانگر دخالت آن در گرایش بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۳

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال يهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

<ما منعك..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۴

۴ - هارون (ع) ، متهم به مخالفت با

فرمان های موسی (ع) با سکوت و بی تفاوتی در برابر انحراف بنی اسرائیل

ما منعك .. أفصیت امری

<أفصیت.. > خطاب موسی(ع) به هارون(ع) است. ظاهر آیه چنین دلالت دارد که عصیان هارون از دستورات موسی(ع)، لاقبل به عنوان اتهام از جانب موسی(ع) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۳

۳- هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعك .. لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۲

۲- پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمری

<خطب> نزد برخی لغت دانان به معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک> یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۶

۶- ارتداد سامری ، سبب انحراف بنی اسرائیل بود .

فنبذتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - نقش جدی درباریان و اطرافیان فرعون ، در انحراف و گمراهی مردمان

و لقد أرسلنا موسىٰ بآيتنا إلی



از این که <ملاً> در برنامه تبلیغی موسی (ع) هم طراز فرعون قرار گرفته اند، نقش اساسی آنان در انحراف مردم به دست می آید.

عوامل گمراهی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۴

۴ - نقش مهم رهبری کفر، در گمراهی و انحراف ارکان جامعه

فتوئی برکنه

در صورتی که مراد از <رکن>، ارکان جامعه بوده و <باء> برای تعدیه باشد، از منتسب شدن انحراف ارکان جامعه، به شخص فرعون، مطلب یاد شده استفاده می شود.

عوامل گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنم، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد.

و قال الشیطن لَمَّا قَضَى الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ

مفسران، از جمله احتمالاتی که برای <قضی الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنم چنین خطابی خواهد کرد.

عوامل گمراهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهیِ گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إِن هَذَا إِلَّا إِفْكَ. .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

<فاء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلايستطيعون> تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص)  
سبب گمراهی آنان بود

و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

عوامل گمراهی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكَ. .. وَقَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ ... إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

<فَاء> در <فَضَلُوا> برای سببیت و در <فَلَايَسْتَطِيعُونَ> تفسیریه است، یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

عوامل گمراهی رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فَقَالَ الضَّعْفُؤُا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا .. قَالُوا ... وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او درصدد پاسخ گویی برمی آید.

عوامل گمراهی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۱

۱ ظالمان در روز رستاخیز، دوستان ناباب را عامل گمراهی خود خواهند شمرد .

و يَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ .. لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَل

عوامل گمراهی فاسقان



- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - تنها فاسقان به سبب وجود مثل‌هایی در قرآن ، به گمراهی کشانده می شوند .

و ما یضل به إلا الفسقین

عوامل گمراهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ - زیبا جلوه گر شدن رفتار زشت فرعون در دیدگان خود او ، سبب انحراف وی از راه اصلی هدایت و سعادت ( ارائه شده از سوی موسی (ع) ) گشت .

كذلك زين لفرعون سوء عمله و صدّ عن السبيل

جمله <وَصُدِّعَ عَنْ السَّبِيلِ> به منزله نتیجه برای جمله پیش است یعنی، رفتار زشت فرعون در دیدگان او زیبا جلوه کرد و همین سبب شد که او راه اصلی هدایت را پیدا نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۵

۵ - اقتدار حکومت فرعون ، اغواگر او و بازدارنده وی از پذیرش پیام روشن موسی (ع)

فتوئی برکنه

در صورتی که <باء> برای بیان سببیت یا استعانت و <رکن> کنایه از ارکان اقتدار حکومت فرعون باشد، استفاده می شود که فرعون به اتکای همین نیروها، به مبارزه با موسی (ع) پرداخت و از پذیرش دعوت او سر بر تافت.

عوامل گمراهی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۹ - ۱

۱- فرعون ، نقش اساسی و تعیین کننده ای در گمراهی مردم خود داشت .

و أضلّ فرعون قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ -

۷- هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، درباره این که قتل موسی (ع) موجب گمراهی ابدی و علاج ناپذیر آنان خواهد شد .

أقتلون رجلاً .. و من یضلل الله فما له من هاد

برداشت یادشده به خاطر این نکته است که هشدار مؤمن آل فرعون نسبت به گمراه شدن آنان در مورد قتل موسی(ع) انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۷

۷- دنیاطلبی فرعونیان و تصویر نادرست آنها از زندگی دنیایی و اخروی ، سبب انحراف و خودکامگی آنان شد .

يقوم .. و إنّ الآخره هی دار القرار

با توجه به یادآوری حقیقت زندگی در دنیا و آخرت از سوی مؤمن آل فرعون برای فرعونیان، برداشت بالا به دست می آید.

عوامل گمراهی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۸

۸- صاحبان زر و زور ، عامل اصلی گمراهی و کفر قوم نوح بودند .

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خساراً

عوامل گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۱

۱۱ زندگی دنیا عامل فریب خوردن کافران در پذیرفتن آیات و پند نگرفتن از انذار انبیا

و غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۵

۵ جا به جایی ماه های حرام ، عاملی در جهت گمراهی کافران

إنما النسيء .. يضل به الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه



- فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۳

۳- مخالفت و عنادورزی کافران با پیامبر ( ص ) ، با تمثیل و توصیف های ناروا ، در پی دارنده گمراهی علاج ناپذیر برای آنان

کیف ضربوا لک الأمثال فضلوا فلا يستطيعون سبیلاً

برداشت فوق بنابراین است که مراد از <سبیلاً> راه هدایت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۴ - ۱

۱ - بی اعتقادی به جهان آخرت ، مهم ترین عامل انحراف و کجروی کافران

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره عن الصرط لنکبون

<نکوب> (مصدر <ناکبون>) به معنای منحرف شدن است؛ یعنی، کسانی که به آخرت ایمان ندارند، قطعاً از راه راست، سخت منحرف اند. گفتنی است که بیان ایمان به آخرت و اختصاص به ذکر یافتن آن، از میان مسائل گوناگون اعتقادی، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۱

۱ - کافران در قیامت ، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان

و قال الذین کفروا ربّنا أرنا الذین أضلّنا .. نجعلهما تحت أقدامنا

عوامل گمراهی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... و قال الشيطان لما قضي الأمر إنَّ الل

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش

را به شیطان نسبت می دهند و او درصدد پاسخ گویی برمی آید.

عوامل گمراهی مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۷

۷ - سران و بزرگان گمراه ، دارای نقشی بسزا در گمراهی مردم

إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا

عوامل گمراهی مردم دوران ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱

۱- از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع) ، بت ها و بت پرستان عامل گمراهی بسیاری از مردم در عصر او بودند .

اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ

عوامل گمراهی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ - مستکبران ، عاملی برای انحراف مردم از دین الهی و مانع ایمان آنان ، از دیدگاه مستضعفان

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لكننا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۳،۴،۱

۱ - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرفی خواهند کرد .

و قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صدقناكم عن الهدى . . . بل كنتم مجرمين

۳ - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

۴ - مستضعفان گمراه و مؤاخذه شده در قیامت ، در دنیا از هدایت برخوردار بودند ؛ لکن آن را نپذیرفته اند .

قال الذين

استكبروا للذين استضعفوا أنحن صددنكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱

۱ - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی خواهند کرد .

بل کنتم مجرمین . و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الیل و النهار إذ تأ

عوامل گمراهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۶ - ۵

۵- تلاش مشرکان در قیامت برای دخیل شمردن معبود های دروغینشان در گمراهی خویش \*

و إذا رء الذین أشركوا شركاءهم قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا الذین كنا ندعوا من دو

برداشت فوق ، بر این احتمال استوار است که غرض مشرکان از نمایاندن معبودهای دروغین خویش ، کاستن از بار گناه خویش و نهاندن آن بر دوش معبودها باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۲

۲ خداوند به روز رستاخیز ، خواستار پاسخ گویی معبود های مشرکان در باره علت گمراهی مشرکان و نقش آنان در این گمراهی

ویوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله فیقول ءأنتم أضللتهم عبادى هؤلاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱۱ ، ۱۰ ، ۶ ، ۵ ، ۴

۴ معبود های مشرکان در قیامت ، خود را از داشتن هر گونه نقشی در گمراهی مشرکان ، تبرئه کرده و آن را تکذیب خواهند

کرد .

ءأنتم أضللتهم عبادى . . قالوا سبحنك ما كان ينبغي لنا أن نتخذ من دونك من

۵ اظهار شگفتی و اعلام انزجار معبودهای مشرکان در قیامت، از معبود قرار گرفتن خودشان از سوی مشرکان و یا نقش داشتن آنان در گمراهی دیگران

فيقول ءأنتم أضللتم عبادي هؤلاء .. قالوا سبحنك

جمله <سبحانك> و یا <سبحان الله> در دو مورد به کار می رود: ۱ آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود و شنونده بخواهد اظهار شگفتی کند. ۲ آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروایی شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اعلان برائت و اظهار انزجار کند و واکنش منفی از خود نشان دهد (برگرفته از لسان العرب).

۶ معبودهای مشرکان در پاسخ به سؤال خداوند در قیامت، عامل انحراف و گمراهی مشرکان را، برخوردار از آنان و پدرانشان از رفاه بسیار و از یاد بردن خدا خواهند دانست.

و لكن متعتهم و ءاباءهم حتى نسوا الذكر

<لكن> که در استدراک به کار می رود در آیه شریفه برای رد این اتهام است که معبودها در گمراهی مشرکان مؤثر بودند و نیز برای بیان علت های واقعی این انحراف است که در این آیه، به دو عامل اشاره شده است: ۱ رفاه (که موجب فراموشی خدا است) (متعتهم..الذکر). ۲- رفتار هلاکت بار آنان (و كانوا قوماً بوراً).

۱۰ معبودهای مشرکان در روز رستاخیز، عامل انحراف مشرکان را، کردار و رفتار هلاکت بار خود آنان معرفی خواهند کرد

و لكن .. و كانوا قوماً بوراً

<بور> یا جمع <بائر> (به معنای هالك) و یا مصدر (به معنای هلاک) است. در صورت دوم، صفت بودن آن برای <قوماً>، از باب

مبالغه خواهد بود.

۱۱ گمراهان ( مشرکان و ... ) ، خود عامل اصلی گمراهی خویش اند .

أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ . . . وَ لَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ ءَابَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَ كَانُوا قَوْمًا بِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۲

۲ ادعای مشرکان در باره نقش داشتن معبودهایشان در گمراهی آنان ، مورد تکذیب همان معبود ها در قیامت

فَقَدْ كَذَّبُوا كَمَا تَقُولُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۵

۱۵ - نیندیشیدن مشرکان در آیات و دلایل وحدانیت خداوند ، باعث انحراف آنان از حق است .

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ . . . وَ لئن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۲،۳،۴،۱

۱ - تلاش مشرکان فریب خورده برای تبرئه خویش از هرگونه نقش داشتن در امر گمراهی خود

قَالُوا إِنَّا كُنَّا نَتَّبِعُونَ

۲ - مشرکان فریب خورده ، پیشوایان خود را مسؤول گمراهی خویش در قیامت معرفی خواهند کرد .

قَالُوا إِنَّا كُنَّا نَتَّبِعُونَ

۳ - پیشوایان شرک با تظاهر به خیرخواهی ، عامل اصلی فریب خوردن و دور شدن از مسیر خیر و حق در دیدگاه مشرکان گمراه شده

قَالُوا إِنَّا كُنَّا نَتَّبِعُونَ عَنِ الْيَمِينِ



<یمین> می تواند مشتق از <یمن> (خیر و برکت) باشد. بر این اساس، معنای آیه چنین می شود: شما از سر خیرخواهی به سراغ ما می آمدید. اما متعدی شدن فعل <تأتوننا> به <عن> که برای مجاوزت است موجب می شود که

این کلمه متضمن معنای <تصددنا> که متناسب با معنای مجاوزت است باشد. بر این اساس، پیام اصلی آیه چنین خواهد بود: شما بودید که در ظاهر از سر خیرخواهی به سراغ ما آمده و ما را از مسیر حق و خیر گمراه می کردید.

۴ - مشرکان گمراه شده ، در قیامت اعمال قدرت سران شرک را عامل گمراهی و فریب خود معرفی خواهند کرد .

قالوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که <یمین> (جهت راست) کنایه از قدرت و قوت باشد زیرا معمولا سمت راست قوی تر است. از این رو بیشتر مردم کارهای مهم و سنگین را با دست راست انجام می دهند. گفتنی است که دو آیه بعد (و ما کان لنا علیکم من سلطان) و نیز آمدن واژه <یمین> به این معنا در آیه ۹۳ همین سوره (فراغ علیهم ضربا بالیمین) مؤید مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۲۹ - ۱،۲

۱ - پیشوایان شرک ، در روز رستاخیز در برابر اتهام داشتن نقش در فریب و گمراهی مشرکان ، به دفاع برخاسته و به تبرئه خود خواهند پرداخت .

قالوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا .. قالوا بل لم تکونوا مؤمنین

۲ - پیشوایان شرک ، در گفت و گو با مشرکان فریب خورده در روز رستاخیز ، سوء اختیار خود آنان را عامل گمراهی شان معرفی خواهند کرد .

قالوا بل لم تکونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۰ - ۱،۲،۳

۱ - پیشوایان شرک در قیامت ،

هرگونه اعمال زور و سلطه از ناحیه خود را برای به گمراهی کشاندن مشرکان ، مردود خواهند دانست .

و ما کان لنا علیکم من سلطن

۲ - پیشوایان شرک ، عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قومًا طغین

۳ - سران شرک در قیامت ، بدون اجبار به نقش خود در گمراهی مشرکان اقرار خواهند کرد .

و ما کان لنا علیکم من سلطن بل کنتم قومًا طغین

برداشت یاد شده از آن جا است که پیشوایان شرک، در پاسخ به اتهام داشتن نقش در گمراهی مشرکان، تنها به اجبار نکردن بر گمراهی اکتفا کرده و اصل نقش داشتن خود را نفی نخواهند کرد. پذیرش دست داشتن در گمراهی مشرکان در دو آیه بعد (فأغویناکم إنا کنا غاوین)، مؤید این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۳

۳ - پذیرش مقصر بودن و داشتن نقش در گمراهی مشرکان ، از سوی پیشوایان شرک در عرصه قیامت

فحقّ علینا قول ربّنا إنا لذائقون

این که پیشوایان شرک، خود را در استحقاق عذاب الهی شریک می دانند، حاکی از پذیرش نوعی از مسؤولیت در گمراهی مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۱،۵

۱ - اعتراف سران شرک به دست داشتن خود در گمراهی توده های مشرک

فأغویناکم

۵ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، گمراهی خود را ، عامل انحراف دیگران معرفی خواهند کرد .

فأغویناکم إنا کنا غوین

برداشت یاد شده به خاطر تعلیل بودنِ جمله <إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ> برای جمله

پیشین (فأغویناکم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۷

۷ شیطان ، مدعی طغیان گری مشرکان ، در نتیجه گمراهی عمیق خودشان و نه اغواگری های او

قال قرینه ربّنا ما أطمعته و لکن کان فی ضللل بعید

عوامل گمراهی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۵

۵ - آگاه نبودن اهل نفاق به سود و زیان واقعی خویش ، عامل اختیار کردن ضلالت و از دست دادن هدایت

أولئک الذین اشتروا الضلله .. و ما کانوا مهتدین

جمله <ما کانوا مهتدین> عطف بر جمله <اشتروا الضلله بالهدی> است و به منزله علت برای آن می باشد، یعنی: چون به سود و زیان واقعی خویش راه نیافتند، به چنین تجارتی دست زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۲ - ۴

۴ - انحرافات منافقان ، نتیجه سوگند های دروغ آنان

اتّخذوا أیمنهم جَنّه فصّدوا عن سبیل اللّٰه

مطلب یاد شده از تفریع <فصّدوا..> بر <اتّخذوا...> به دست می آید.

عوامل مصونیت از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری در برابر جلوه های فریبنده دنیا برای مصون ماندن از گمراهی

و غرتهم الحیوه الدنیا

فرجام گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - انتخاب آزادانه راه انحراف ، منتهی به گمراهی و کج روی اجتناب ناپذیر

أفريت من اتخذ إلهه هويه و أضله الله على علم

فضایل

معرضان از رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۵

۵ - کسانی که از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت ، پرهیز کرده و به خدا روی آورند و توبه کنند ، شایسته بشارت الهی اند .

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها و أنابوا إلى الله لهم البشري

قانونمندی گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۸ - ۱۷، ۱۴

۱۴ هدایت و ضلالت ، دارای نظامی قانونمند

و الله اركسهم بما كسبوا اتریدون ان تهدوا من اضلّ الله و من يضلّل الله فلن تجد

۱۷ امید برخی از مؤمنان صدر اسلام به هدایت منافقان ، برخاسته از عدم شناخت سنن الهی در هدایت و گمراهی

فما لكم في المنافقين .. اتریدون ان تهدوا من اضلّ الله و من يضلّل الله فلن تجد

قرآن و گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ تأثیر منفی قرآن در برخی مردمان ، برخاسته از کفرورزی و طغیانگری آنان

و ليزیدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفرةً

کیفر اخروی رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- پیشوایان گمراهی، با مجازات دنیوی از مجازات اخروی معاف نخواهند شد.

فی الحیوه .. لامساس و إنّ لک موعداً لن تخلفه

کیفر دنیوی رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- پیشوایان گمراهی،



با مجازات دنیوی از مجازات اخروی معاف نخواهند شد .

فی الحیوه . . لامساس و إنّ لک موعداً لن تخلفه

کیفر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ عقوبت سنگینتر ، بازتاب ضلالت افزونتر

قل هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه . . اضل عن سواء السبیل

گمراهی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۱

۱ پدر ابراهیم، آزر و قوم او مردمی بت پرست و گمراه بودند.

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر أتتخذ أصناما

گمراهی آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ - شرک‌ورزی ، گمراهی آشکار و بی نیاز به دلیل

و من هو فی ضلل مبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که روی سخن در این بخش از آیات، با اهل شرک می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۸،۱۳

۸- مشرکان ، به دلیل عبادت معبودانی عاجز از هرگونه آفرینندگی ، در گمراهی آشکارند .

ماذا خلق الذين من دونه بل الظلمون في ضلل مبين

۱۳- همه ظالمان ، در گمراهی آشکارند .

بل الظلمون في ضلل مبين

<الظالمون>، جمع و دارای الف و لام است و در جای خود گفته شده که این گونه جمع ها، عمومیت را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۶ - ۶

۶- تمرد از فرمان خدا و پیامرش ، گمراهی آشکاری

را در پی دارد .

و من يعص الله و رسوله فقد ضلّ ضللاً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - مؤمن انطاکیه به مردم اعلان کرد : شرک و پرستش غیر خدا ، گمراهی آشکاری است .

ءأتخذ من دونه ءالهه .. إني إذا لفي ضلل مبين

<إذا> در آیه شریفه برای جواب و جزای مقدر است و تقدیر آن چنین می باشد: <إن أتخذت من دون الله ءالهه أكن في ضلال مبين> یعنی، اگر من به جز خدا معبود دیگری بگیرم، در گمراهی آشکاری به سر خواهم برد.

۲ - شرک و پرستش غیر خدا ، گمراهی آشکاری است .

إني إذا لفي ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۶،۱۷

۱۶ - کسانی که قلبشان دچار قساوت بوده و دلشان سخت می باشد ، در گمراهی شدید و آشکاری به سر می برند .

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله أولئك في ضلل مبين

آشکار بودن ضلالت سنگدلان، می تواند به خاطر شدید و بسیار بودن آن باشد؛ به گونه ای که این حقیقت برای همگان محرز و انکارناپذیر است.

۱۷ - قساوت قلب و خدا فراموشی ، نشانه گمراهی سخت و آشکار

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله أولئك في ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۷

۷ - ازدست دادن استعداد هدایت پذیری ، آشکارترین نوع ضلالت و گمراهی است .

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدي العمى و من كان فى ضلل مبین

جمله <و من كان..> گویا

به منزله عطف تفسیری برای قسمت قبل است؛ یعنی، شخصی که حق را نشنود و راه هدایت را نبیند، در گمراهی آشکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۹

۹ - مردم جزیره العرب پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص)، در گمراهی آشکاری به سر می بردند.

و إن كانوا من قبل لفی ضلال مبین

<إن> در <و إن كانوا> مخفف از مثقله است؛ یعنی، <و إنَّهم كانوا من قبل لفی ضلال مبین>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۸

۸ - انحراف منافقان، آشکار برای هر بیننده ای

و رأیْتهم یصدون

خطاب در <رأیْتهم> عام است و اختصاص به بیننده ای خاص ندارد.

گمراهی آشکار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۹ - ۷

۷ - کافران لجوج و تکذیب گر، در گمراهی آشکار قرار دارند.

فستعلمون من هو فی ضلال مبین

گمراهی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۲

۲ ابلیس به تلافی گمراه شدن خویش، با کمین کردن در صراط مستقیم، بر گمراه کردن مردم مصمم شد.

فبما أغويتني لأقعدن لهم صراطك المستقيم

کلمه <باء> در <فبما أغويتني> سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۱،۳

۱- ابلیس، گمراه شدن خود از سوی خداوند را، عامل زیبا نمایاندن زشتی ها و به گمراهی کشاندن همه انسان ها معرفی کرد.

قال ربّ بما أغويتني

لأزیننَّ لهم فی الأرض و لأغوینَّهم أجمعین

<با> در <بما> بای سببیه است.

۳- ابلیس ، معترف به گمراهی خود بود .

قال ربّ بما أغویتنی

گمراهی اجداد قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۱

۱- قوم ابراهیم و نیاکان آنان ، در گمراهی آشکار قرار داشتند .

قال لقد کنتم أنتم و ءاباؤکم فی ضلل مبین

گمراهی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۸

۱۸- > عن أبی عبد الله جعفر بن محمد (ع) قال : ... ان الله تبارک و تعالی یضلّ الظالمین یوم القیامه عن دار کرامته ... کما قال عزّوجلّ : > و یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی ستمگران را در روز قیامت از سرای کرامت خویش گمراه می کند ... چنان چه می فرماید: < یضلّ الله الظالمین... > .

گمراهی اخروی فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۸

۸ گمراهی و سرگردانی فاسقان در قیامت \*

و الله لایهدی القوم الفسقین . یوم یجمع الله الرسل

برداشت فوق بر این اساس است که <یوم> ظرف برای <لایهدی ..> در آیه قبل باشد.

گمراهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین



رفتن چشم ها و نوردیدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأئی يبصرون

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از <لطمسنا علی أعینهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از <الصراط> نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

گمراهی اخروی کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۱

۱- کوردلان در دنیا ، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً

گمراهی از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۲۲

۲۲ لزوم ریشه یابی و تحلیل زمینه های گریز از حق و گرایش به عقاید شرک آلود و انحرافی

انظر كيف نبين لهم الايت ثم انظر اني يؤفكون

کلمه <انی> گاه به معنای <من این> بکار می رود، بنابراین جمله <ثم انظر ..> می تواند فرمان به تأمل و اندیشه در منشأ انحراف بنی اسرائیل باشد.

گمراهی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۹

۹ - پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

گمراهی از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - هواپرستی ، موجب گمراهی و دوری از راه خدا است .

و لا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

گمراهی از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۲

۲ ابلیس به تلافی گمراه شدن خویش، با کمین کردن در صراط مستقیم، بر گمراه کردن مردم مصمم شد.

فبما أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

کلمه <باء> در <فبما أَغْوَيْتَنِي> سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۵

۵- پرستش شیطان ، انحراف از راه راست و متعادل است .

فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكْ صِرَاطًا سَوِيًّا .. لَا تَتَّبِعِ الشَّيْطَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۸

۸- شرک و بت پرستی ، گمراهی و انحراف از صراط مستقیم است .

فَلَا يَنْزِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعَ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ

گمراهی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۲

۲ نوح (ع) ، پس از تلاش های ناموفق خویش ، این احتمال را موجه دانست که خداوند خواسته تا اشراف و سران قومش ، به ورطه ضلالت و گمراهی سقوط کنند .

و لا ینفعکم نصحی . . . إن کان الله یرید أن یریکم

<إن> در <إن کان الله . . .> شرطیه است و جمله <لا ینفعکم . . .> به منزله جواب برای آن می باشد. گرچه این احتمال نیز که مخففه از مثقله باشد بعید به نظر نمی رسد. بر این اساس جمله

<إِنَّ كَانِ اللَّهُ> بیانگر آن است که نوح(ع) به ایمان نیاوردن قومش اطمینان پیدا کرده بود. قابل ذکر است که نیامدن <لام> در خبر <إِنَّ> مخففه، به خاطر مشتبّه نشدن آن با <إِنَّ> نافیّه است.

گمراهی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۴

۴ - باغداران یمنی ، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش ، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند .

فلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <ضالون> گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه <لَمَّا> در اصطلاح بیانگر اقراران جواب به شرط و افاده کننده فور و بداهت است.

گمراهی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۲ - ۳

۳ - تکذیب و گمراهی ، دو ویژگی اصلی اصحاب الشمال

وَأَمَّا إِنْ كَانِ مِنَ الْمَكْذِبِينَ الضَّالِّينَ

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که در توصیف اصحاب الشمال به جای ذکر همین عنوان، وصف <المكذبین الضالین> آمده است.

گمراهی اعراض از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۵

۵ - روی گردانی از یاد خدا ، ضلالت و گمراهی آشکار است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن . . . و من كان في ضلل مبين

از ارتباط آیه فوق با جمله <و من يعيش عن ذكر الرحمان> (در آیات پیشین) مطلب بالا استفاده می شود.

## گمراهی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۳،۵

۳ اغلب مردم زمین، گمراه و تابع گمانهای نادرست در عقاید خود هستند.

و إن تطع أكثر من فی الأرض یضلوك عن سبیل الله

۵ کمی رهپویان راه خدا نباید موجب تزلزل رهپویان در برابر اکثریت مردم گمراه گردد.

و إن تطع أكثر من فی الأرض یضلوك

## گمراهی اکثریت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۷،۱۲

۷- سوگند ابلیس برای به دست گرفتن زمام امور و منحرف ساختن فرزندان آدم (ع) - جزاندگی از آنان - در صورت مهلت خداوند به وی تا روز قیامت

لئن أخرتن إلی یوم القیمه لأحتکن ذریته إلاّ قلیلاً

۱۲- ابلیس، علی رغم سوگند و تصمیم قطعی بر گمراه کردن ذریه آدم (ع)، بر ناتوانی خویش از تسلط بر گروه اندکی از آنان اعتراف کرد.

لأحتکن ذریته إلاّ قلیلاً

## گمراهی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۶

۶- برخی از امت ها با اعزام انبیا به سوی آنان، هدایت یافتند و برخی دیگر بر گمراهی خود باقی ماندند.

فمنهم من هدی الله و منهم من حقت علیه الضلله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۸

۸ - امداد های الهی برای امت ها در برهه های خاص ، به معنای معاف شدن آنان از آزمون ها و فتنه ها در مراحل بعد نیست .

قد أنجینکم . . .



فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ

گمراهی امت های ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۷

۷ مشیت الهی به شقاوت و ضلالت امتهای ستمگر پس از اتمام حجت بر ایشان تعلق می گیرد.

و من یرد أن یضله .. یجعل الله الرجس ... ذلک أن لم یکن ربک مهلك القرى بظلم

مراد از هلاکت در آیه، شقاوت و ضلالتی است که در آیات قبل از آن سخن به میان آمده بود.

گمراهی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۰ - ۳

۳- همه انسان ها ، حتی بندگان خالص خدا ، در معرض فریب و آراسته نمودن زشتی ها توسط ابلیس

لأغویٰنهم أجمعین . إلاّ عبادک منهم المخلصین

جمله <إلاّ عبادک منهم المخلصین> استثنا از جمله <لأغویٰنهم أجمعین> است نه جمله <لأزیننّ لهم ..> یعنی، ابلیس از گمراهی بندگان خالص خدا ناتوان است، ولی به سراغ همه می رود و درصدد وسوسه همگان برمی آید. گفتنی است آیه ۲۰۰ سوره <اعراف> که درباره وسوسه گری شیطان برای پیامبر اسلام (ص) است مؤید همین حقیقت است (و إما ینزعنک من الشیطان نزع فاستعد بالله).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۲ - ۳

۳ - گمراه کردن همه انسان ها ، هدف و فلسفه مهلت خواهی ابلیس از خداوند بود .

قال ربّ فأظنرني إلى یوم یبعثون . قال فإنک من المنظرین ... قال فبعزّتک لأغویٰنهم

از این که ابلیس، پس از مهلت خواهی از خداوند و پذیرش این خواسته از سوی او،

اعلام کرد که بر گمراه کردن مردم مصمم گشته است؛ می توان به دست آورد که هدف اصلی او از این درخواست، همان گمراه سازی بنی آدم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۱ - ۲

۲ - هدایت شدن یا گمراه گشتن مردمان ، خارج از قلمرو توانایی پیامبر ( ص )

قل إني لا أملك لكم ضرًّا ولا رشدًا

<ضرّ> در مقابل <نفع> و <رشد> در مقابل <غی> است و در این آیه، هر یک از آن دو واژه به لحاظ معنا می تواند قرینه برای دیگری باشد؛ یعنی، <ضرّ> قرینه باشد که مقصود از <رشد>، ضلالت است و <ضرّ> قرینه بر این باشد که مراد از <رشد>، نفع است.

گمراهی اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۴ - ۳

۳ - مردم انطاکیه ، در گمراهی آشکاری بسر می بردند .

إني إذا لفي ضلل مبین

گمراهی اهل بابل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ اهل بابل به سبب پندار ربوبیت برای اجرام آسمانی و پرستش بتها، گمراه بودند.

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا .. .. كوكبا ... القمر ... القوم الضالین

به گفته بسیاری از مفسران، احتجاج ابراهیم(ع) با مشرکان در سرزمین بابل روی داده است.

گمراهی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۳

۳ احساس مصونیت از خلود در آتش دوزخ ، عامل فریب و گمراهی اهل کتاب

ثم يتولى فريق ..

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ... وَغَرَّهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۱

۱ انحراف اهل کتاب از دین خدا (ایمان به پیامبر اکرم (ص) و یاری آن حضرت)

افغیر دین الله یبغون

با توجه به آیات قبل که درباره اهل کتاب بوده است، این آیه اشاره به آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۳

۳ لزوم اعتراض، در برابر کجروی های کافران و اهل کتاب

قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۲

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازدارى مردمان از پیوستن به اسلام، منحرفانی سخت گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا...> به قرینه آیات پیشین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند؛ و مراد از <سبیل الله> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

گمراهی با علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹ - ۵

۵ لغزش، پس از علم، پذیرفتنی نیست.

و لا تتبعوا .. فان زللتم من بعد ما جاءكم البينات

گمراهی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- انعام - ۶ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ بت پرستی گمراهی آشکار است.

إني أريك و قومك في ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۳

۳ ابراهیم(ع) به دلیل مشاهده ملکوت آسمانها و زمین بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

إني أريك و قومك في ضلل مبین. و كذلك نرى إبرهیم

جمله <و كذلك نرى> احتمالا در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۴

۴ شرك (اعتقاد به ربوبیت غیر خدا) آیینی باطل و بت پرستی ضلالت و گمراهی است .

فذلکم الله ربکم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۵

۵ - شرك و بت پرستی ، بدترین و عمیق ترین نوع گمراهی

ذلک هو الضلل البعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۸

۸ - شرك و بت پرستی ، گمراهی و انحراف از صراط مستقیم است .

فلا ینزعنک فی الأمر و ادع إلى ربک إنک لعلی هدی مستقیم

گمراهی بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۸

۸ - دنیامداری ، شرک ، بدعت در دین ، ظلم و سیاه کاری است .

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ... وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

گمراهی بدنمایانندین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم -

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند .

الذین يستحبون الحیوه الدنيا علی الأخره و یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً

گمراهی بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۶

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوايه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱

۱ تخلف و انحراف بنی اسرائیل ، علی رغم ارائه آیات روشن و معجزات الهی به آنان

کم اتیناهم من ایه بینه و من یبدل نعمه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲

۲ کفر و گمراهی بنی اسرائیل به علت نقض پیمان های الهی

فمن کفر بعد ذلك منکم فقد ضل ... فیما نقضهم میثقهم لعنهم

به مقتضای آیه قبل (و لقد اخذ الله .. فمن کفر بعد ذلك منکم فقد ضل سواء السبیل)، نقض میثاق الهی، کفر و گمراهی

است. و آیه مورد بحث، بنی اسرائیل را نقض کننده پیمان الهی معرفی می کند.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۲

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن

لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۴

۴- قوم موسی در انواع ظلمت ها گرفتار بودند .

أن أخرج قومک من الظلمت إلى النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۲

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إلیک .. فإنا قد فتنا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۷

۷- بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند ( اعطای تورات ) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم یعدکم ربکم .. أفضال علیکم العهد

استفهام در <أفضال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم یعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱

۱ - انحراف و گوساله پرستی بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) ، علی رغم هشدار های هارون (ع) صورت گرفته بود .

و لقد قال لهم هرون من قبل

<من قبل> یعنی، پیش از بازگشت موسی(ع) از میقات.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۹ -

۵- بنی اسرائیل در عصر فرعون ، گرفتار انحراف در عقیده و عمل و نیازمند هدایت از سوی خدا

و لقد آتینا موسی الکتب لعلهم یهتدون

<هم> در <لعلهم> کنایه از بنی اسرائیل است و ارجاع آن به فرعون و طایفه او، درست نیست زیرا نزول تورات، بعد از هلاکت آنها بود.

گمراهی بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۲،۳،۶

۲ شیاطین ، بی تقوایان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند .

و إخونهم یمدونهم فی الغی

ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به <اخوان>، یعنی <و اخوان الشیاطین یمدهم الشیاطین فی الغی> . <مد> (مصدر یمدون) به معنای کشیدن است و آوردن <فی> به جای <إلی> برای رساندن این معناست که شیطان بی تقوایان را به عمق گمراهی می برد.

۳ شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در رها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لایقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <لایقصرون> به شیطان بازگردانده شود. <اقصار> (مصدر یقصرون) به معنای دست برداشتن است.

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لایقصرون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لایقصرون> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ اضلال ، از کیفر های الهی برای بی تقویان

ما کان الله لیضل . . حتی یبین لهم ما یتقون

گمراهی پیروان ابلیس

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۲ - ۸

۸- پیروان ابلیس ، مردمانی گمراهند .

إِلَّا مِنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ

<من الغاوین> حال است برای ضمیر فاعلی <اتبع> و <الغاوین> از مصدر <غی> (عقیده فاسد) به کسانی گفته می شود که دارای عقیده فاسد باشند.

گمراهی پیروان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ پذیرندگان ولایت شیاطین، بی خبر از گمراهی خویش و در پندار برخوردار از توفیق هدایت هستند.

و يحسبون أنهم مهتدون

گمراهی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۷

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

و قال الشیطن ... و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۳

۳- اعتراف دوزخیان به استیلای شقاوت و گمراهی ، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و كُنّا قومًا ضالّين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٢ - مؤمنون - ٢٣ - ١٠٧ - ٦

٦ - > و في الحديث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . > فقالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و كُنّا قومًا ضالّين ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظالمون < فيقفون أربعين سنه ذلّ الهوان لا يجابون . .

، ثم يجيهم الله جلّ جلاله > اخسئوا فيها و لا تكلمون < قال : فعند ذلك يأسون من كلّ فرج و راحه و يغلق أبواب جهنم عليهم... >

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند]: .. > فقالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قوماً ضالین... < پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: > اخسئوا فيها و لا تكلمون <. امام(ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۴

۴ کسانی که در قیامت به روافتان به سوی جهنم سوق داده می شوند ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیراند .

الذین يحشرون علی وجوههم إلی جهنم أولئک شرّ مکاناً و أضلّ سبیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <الذین > مبتدا و <أولئک > خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تالله إن كنا لفي ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی از سوء اختیار خود آنان است



نه معلول عوامل جبری .

و قد قدمت إليكم بالوعيد

تعبیر <قد قدمت إليكم بالوعيد> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلاً اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.

گمراهی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لا يكلمهم الله يوم القيمة . . . ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . . . هذا صراط ربك مستقيما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توان بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنك لاتسمع الموتى ولا تسمع الصمّ الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم

۴ - کافران حق ناپذیر ، در گمراهی و ضلالت ، غوطهورند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

گمراهی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ گمراهی آشکار مردم ، پیش از بعثت پیامبر ( ص )

و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین

۱۳ هواپرستی و رواج ضدارزش ها ، جهل و محرومیت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر ( ص )

یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین

۱۵ یادآوری وضعیت نابهنجار ( گمراهی آشکار ) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر ( ص )

لقد منّ الله .. و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله < ان كانوا .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

گمراهی در گرایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۷

۳۷ انحراف در رفتار و کردار آدمی ، ناشی از انحراف در گرایش های درونی و انگیزه های او

و لیبتلی الله ما فی صدورکم و لیمحص ما فی قلوبکم

چون رفتار خارجی و اعمال ظاهری (فرار از جنگ، اظهار تردید در حقیقت اسلام و ..) در این

آیات نشانه تشخیص درون سینه ها معرّفی شده، معلوم می گردد که رفتار و کردار آدمی نتیجه افکار اوست.

گمراهی دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۳

۳ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیر خواهند بود .

الذین .. أولئك شرّ مكاناً و أضلّ سبيلاً

گمراهی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۶

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند .

الذین يستحبون الحيوه الدنيا على الآخرة و يصدّون عن سبيل الله و يبغونها عوجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۲

۲۲ - دنیاطلبان ، انسان هایی فریب خورده اند .

و ما الحيوه الدنيا إلا متع الغرور

گمراهی دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۸

۸ - دنیامداری ، شرک ، بدعت در دین ، ظلم و سياه کاری است .

أم لهم شركوا .. و إنّ الظلمين لهم عذاب أليم

گمراهی دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت پیشه و به دور از هدایتند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى

گمراهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۴

۴ - اعتراف سردمداران شرک در عرصه قیامت به گمراهی خود

إِنَّا كُنَّا غَوِين

گمراهی رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - رهبران مستکبر ، در قیامت ، به گمراهی خود اعتراف خواهند کرد .

لَوْ هَدَيْنَا اللَّهَ لَهْدَيْنُكُمْ

گمراهی رهبران مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۵

۵ - قیامت ، روز آگاهی مشرکان تابع و دنباله رواز گمراهی پیشوایان و بزرگان خویش

إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا

گمراهی سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ - کسانی که قلبشان دچار قساوت بوده و دلشان سخت می باشد ، در گمراهی شدید و آشکاری به سر می برند .

فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

آشکار بودن ضلالت سنگدلان، می تواند به خاطر شدید و بسیار بودن آن باشد، به گونه ای که این حقیقت برای همگان

محرز و انکارناپذیر است.

گمراهی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ توحید و یکتاپرستی ، آیینی بدون کمترین انحراف و کجی ، و شرک پنداری منحرف و نادرست است .

أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم

<قیم> به معنای مستقیم و بدون انحراف و کجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۵

۵ - شرک و بت پرستی ، بدترین و عمیق



ترین نوع گمراهی

ذلك هو الضلل البعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۸

۸ - شرک و بت پرستی ، گمراهی و انحراف از صراط مستقیم است .

فلا ینزعنک فی الأمر و ادع إلی ربک إنک لعلی هدی مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۴ - ۸

۸ - شرکورزی ، ضلالت و گمراهی است .

لو أنهم کانوا یتهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ - شرکورزی ، گمراهی آشکار و بی نیاز به دلیل

و من هو فی ضلل مبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که روی سخن در این بخش از آیات، با اهل شرک می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۵

۵ - شرکورزی و پرستش غیر خدا ، گمراهی و کوری است .

فاستحبوا العمی علی الهدی

مصدق بارز برای ضلالت و کوردلی قوم ثمود به قرینه <ألا تعبدوا إلا الله> در آیه ۱۴ شرک و پرستش غیر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۸

۸ - دنیامداری ، شرک ، بدعت در دین ، ظلم و سياه کاری است .

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ .. و إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۳

۳ - توحيد ، امری فطری و شرک انحراف از فطرت انسانی است

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

در صورتی که آیه شریفه را مستقل از قبل بدانیم و ضمیر <هم> به مطلق بشر بازگردد، استفاده می شود که توحید در فطری بودن انسان نهفته است.

گمراهی طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۹، ۱۸

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله . . . و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله . . . أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

گمراهی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان الهی ( درک حقایقی نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتی گناه ، باور به عدم رستگاری ظالمان و گنه کاران و . . . ) عامل عصمت پیامبران است .

و هم بها لولا أن رءا برهن ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۷

۷- خداوند ، ستمگران را به گمراهی می کشاند .

و يضلّ الله الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - همه ظالمان ، در گمراهی آشکارند .

بل الظالمون في ضلال مبين

<الظالمون>، جمع و دارای

الف و لام است و در جای خود گفته شده که این گونه جمع ها، عمومیت را می رساند.

گمراهی عبادت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۵

۵ پرستیدن غیر خدا ، گمراهی است .

ء أنتم أضللتهم عبادى هؤلاء أم هم ضلّوا السبيل

گمراهی علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۵

۵ - عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى والعذاب بالمغفرة

گمراهی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ - خدا فراموشان ، گرفتار بیراهه ها و راه های پرپیچ و خم در زندگی معنوی و اعتقادی خویش

و من يعيش عن ذكر الرحمن . . . إنك على صراط مستقيم

آیات پیشین، در ارتباط با اعراض کنندگان از یاد خدا بود و جمله <إنك على صراط مستقيم> تعریضی است به آنان که شما از راه مستقیم به دورید.

گمراهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۱ - ۳

\$۳ - فرعون ، طغیان گری بس گمراه و بی پروا

طغی . . . و اهدیک . . . فتخشی . . . فکذب

تکذیب معجزه موسی (ع)، نشانه عمق محرومیت فرعون از هدایت و خشیت است.

گمراهی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۴

۴- جامعه فرعونى ، جرم پیشه و غوطهور در

گناه و انحراف

أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ

گمراهی فقیهان دنیاطلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۵

۵ - > عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزَّوجلَّ الشعراء يتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ < قال: ... هم قوم تفقَّهوا لغير الدين فضلَّوا و أضلَّوا >

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجل <الشعراء يتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ> روایت شده که فرمود: .. آنان گروهی هستند که فقه را برای غیر دین آموخته اند، هم خود گمراه گشته اند و هم دیگران را گمراه کرده اند.

گمراهی فقیهان سطحی نگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۷

۷ - > عن أبي عبد الله (ع) [في قوله] < والشعراء يتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ > قال هم قوم تعلَّموا و تفقَّهوا بغير علم فضلَّوا و أضلَّوا >

از امام صادق(ع) [درباره قول خدا] <والشعراء يتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ> روایت شده که فرمود: آنان گروهی اند که علم و فقه را [به طور سطحی] آموخته اند، بدون این که دانش و بصیرت لازم را داشته باشند. پس خود گمراه شده و دیگران را هم گمراه کرده اند.

گمراهی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۱

۱ پدر ابراهیم، آزر و قوم او مردمی بت پرست و گمراه بودند.

و إذ قال إبرهیم لأبيه أزر أتتخذ أصناما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- قوم ابراهیم و نیاکان آنان ، در گمراهی



آشکار قرار داشتند .

قال لقد كنتم أنتم وءاباؤكم فى ضلل مبين

گمراهی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۳، ۱۴

۱۳ - قوم عاد و ثمود ، قبل از گمراه شدن ، مردمی آگاه و بصیر بودند .

و زین لهم الشیطن أعملهم .. و كانوا مستبصرین

۱۴ - قوم عاد و ثمود ، پس از انحراف و از دست دادن بصیرت ، مرتکب اعمال زشت می شدند . و آن را خوب می دانستند .

و زین لهم الشیطن أعملهم .. و كانوا مستبصرین

گمراهی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۳، ۱۴

۱۳ - قوم عاد و ثمود ، قبل از گمراه شدن ، مردمی آگاه و بصیر بودند .

و زین لهم الشیطن أعملهم .. و كانوا مستبصرین

۱۴ - قوم عاد و ثمود ، پس از انحراف و از دست دادن بصیرت ، مرتکب اعمال زشت می شدند . و آن را خوب می دانستند .

و زین لهم الشیطن أعملهم .. و كانوا مستبصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۶

۶- قوم عاد ( ساکنان سرزمین احقاف ) ، گرفتار انحراف و گناه

إذ أنذر قومه بالأحقاف

انذار در جایی صورت می گیرد که انحرافی وجود داشته باشد؛ چنان که از ادامه آیه، گرفتاری آنان به شرک استفاده می شود. <أحقاف> سرزمینی در جنوب جزیره العرب بوده است.

گمراهی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح -

۲ - ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۱۲

۱۲ کافران ، بی بهره از هدایت الهی

و الله لا یهدی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۳

۳ لزوم اعتراض ، در برابر کجروی های کافران و اهل کتاب

قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافران به خدا ، ملانکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر بالله و ملئکتہ و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۱

۱ کافران بازدارنده از راه خدا ، منحرفانی سخت گمراه

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله قد ضلوا ضللاً بعیداً

عطف جمله <صدوا...> بر جمله <كفروا> بدون تکرار <الذین> دلالت بر این دارد که مجموع دو صفت کفر و بازداری از راه خدا، ضلالت بعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ کافران همواره محروم از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۴،۱۱

۴ کافران گمراهگر، در چنان ظلماتی اسیرند که امیدی به رهایی آنان نیست.

کمن مثله فی الظلمت لیس بخارج منها

۱۱ کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

کمن مثله فی الظلمت .. کذلک زین للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافران به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینه آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۵

۵- کافران ، در نهایت گمراهی هستند .

للکفرین .. أولئک فی ضلل بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۹

۹- محرومان از هدایت الهی ، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند .

إذ جاءهم الهدی و يستغفروا ربهم

این که می فرماید: <چرا مردمان، با آمدن هدایت، استغفار نمی کنند؟>، نشان می دهد که قبل از آمدن هدایت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۵

۵- کسانی که با فرزند خواندن عیسی (ع) برای خدا، به تعالیم

توحیدی او کفر ورزیدند ، در گمراهی آشکاری قرار دارند .

لكن الظلمون اليوم فى ضلل مبين

الف و لام در <اليوم> می تواند برای عهد حضوری باشد ؛ یعنی <امروز> در این صورت، مراد از آن، ایام زندگی در دنیا است. مراد از ظالمان به قرینه آیه قبل کسانی هستند که به سخن عیسی(ع) کفر ورزیده و در باره او، راه افراط و یا تفریط پیمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۹

۹- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با پرستشگران خویش

و یكونون عليهم ضداً . ألم تر أننا أرسلنا الشیطين

استفهام در <ألم تر> برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۳

۳ کافران معاند با پیامبر ( ص ) ، در قیامت ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیر خواهند بود .

الذین .. أولئك شرّ مكاناً و أضلّ سبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کافران حق ناپذیر ، در گمراهی و ضلالت ، غوطهورند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۷

۱۷ - کافران ، گرفتار انحراف در عقیده و



تستکبرون فی الأرض ... تفسقون

بنابراین که مراد از <تستکبرون> حق ناپذیری و انکار پیام وحی باشد؛ تعبیر <تستکبرون> دلالت بر انحراف فکری دارد. و انحراف عملی کافران از <مما کنتم تفسقون> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۷،۸

۷- انسان کافر ، گرفتار انحراف در ارزش گذاری اعمال

کمن زین له سوء عمله

۸- بعضی از افعال ، دارای حسن و قبح ذاتی و کافران گرفتار انحراف در تشخیص آن \*

زین له سوء عمله

در آیه شریفه میان بینش فرد کافر و ارزش واقعی اعمال، تفکیک شده است؛ یعنی، در متن واقع عمل او حقیقتاً بد است؛ ولی کافر آن را زیبا می بیند و این می نمایاند که واقعیت هر عمل، بدون داوری انسان ها، دارای ارزشی مستقل و اصیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۷

۷ - کافران تکذیب کننده دین ، در گمراهی عمیق بسر می برند .

إن أنتم إلا فی ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم...> از سخنان نگهبانان دوزخ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۵

۵ - کافران و مشرکان ، غوطهور در غرور و فریب خوردگی

إن الکفرون إلا فی غرور

گمراهی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۱ - ۱

۱ - کافران صدر اسلام ، مردمی گمراه و ره نیافته

ثم إنكم أيها الضالون المكذبون

خطاب در آیه شریفه، متوجه کافران

صدر اسلام است.

گمراهی کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۲

۱۲ خداوند حق پوشان و مغالطه کاران در رسالت پیامبر (ص) را در گمراهی رها می کند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

گمراهی کتمان کنندگان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت پیشه و به دور از هدایتند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدی

گمراهی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۹

۹- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از <ظلمات>، کفر و مراد از <نور>، راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۵

۵ راه کفر و ستیزه جویی با پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ، بی راهه ترین راه ها است .

الذین کفروا .. أولئک شرّ مکاناً و أضلّ سیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۱

۱ - کفر و بی ایمانی ، راهی است لغزنده ، پریچ و خم و بی مقصدی روشن

أفمن یمشی مکباً علی وجهه أهدی

آیه شریفه، ضرب المثلی برای انسان های کافر و مؤمن است. عبارت <مکباً علی وجهه> (پی در پی به رو افتاده)، اشاره به لغزنده

بودن راه کفر است و به قرینه <سویاً> فهمیده می شود که کافر، راه درست و مقصد خود را نمی شناسد و به قرینه <صراط مستقیم>، استفاده می شود که راه کفر، پریچ و خم و ناهموار است.

### گمراهی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۸

۸ کسانی که در صدد گمراه ساختن و به اشتباه انداختن پیامبر (ص) بودند، تنها خود را به گمراهی و اشتباه افکندند.

لهتم طائفه منهم ان يضلوك و ما يضلون الا أنفسهم و ما يضرونك من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۲،۱۱

۲ هدایتیابی هدایت یافتگان و گمراهی گمراه پیشگان، به دست خدا و در اختیار اوست.

فريقا هدى و فريقا حق عليهم الضلله

کلمه <فريقا> در <فريقا حق...> مفعول به برای عاملی محذوف است، و جمله <حق عليهم الضلاله> دلالت می کند بر این که آن عامل محذوف فعل <أضل> می باشد.

۱۱ بی خبری گمراهان از ضلالت خویش، نابود کننده زمینه های هدایت در آنان

فريقا حق عليهم الضلله إنهم اتخذوا... و يحسبون أنهم مهتدون

### گمراهی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان الهی (درک حقایقی نظیر ربوبیت خدا، دریافت زشتی گناه، باور به عدم رستگاری ظالمان و گناه کاران و... عامل عصمت پیامبران است.

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه



- فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۸

۸- مؤمنان نیک کردار، بهره مند از رحمت و هدایت الهی در دنیا و گناه پیشگان محروم از آنند.

و هدی و رحمه لقوم یوقنون .. أن نجعلهم کالذین ءامنوا و عملوا الصلحت

منظور از تفاوت مؤمنان صالح با گناه پیشگان در دنیا به قرینه آیه قبل ممکن است تمایزشان در بهره‌وری از رحمت و هدایت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۵

۵- مجرمان، گمراهان از راه حق در دنیا و مبتلا به شعله های آتش در قیامت \*

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <فی ضلال>، نظر به گمراهی دنیوی و <سعر> نظر به عذاب اخروی داشته باشد.

گمراهی مانعان سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۶

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند.

الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً

گمراهی مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۵

۵ راه کفر و ستیزه جویی با پیامبر (ص) و تعالیم قرآن، بی راهه ترین راه ها است.

الذین کفروا .. أولئک شرّ مکاناً و أضلّ سبیلاً

گمراهی مبارزه با محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵



۵ راه کفر و ستیزه جویی با پیامبر (ص) و تعالیم قرآن، بی راهه ترین راه ها است .

الذین کفروا .. أولئک شرّ مکائناً و أضلّ سبیلاً

گمراهی محرومان از بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۳ - ۳

۳ هیچ کس حتی پیامبران بر هدایت کردن مردمی که بصیرت دل را از دست داده اند، توانایی ندارد .

أفأنت تهدی العمی و لو کانوا لا یبصرون

گمراهی مدعیان هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۶

۶ - احساس هدایت یافتگی در اوج گمراهی، نتیجه سلطه طولانی و همواره شیاطین بر خداگریزان است .

و إنهم لیصدّونهم .. و یحسبون أنّهم مهتدون

از فعل مضارع <یصدّون> که دال بر استمرار است و نیز ارتباط <لیصدّونهم..> با <یحسبون...>، مطلب بالا استفاده می شود.

گمراهی مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۲

۱۲ - مردم جزیره العرب، گرفتار انواع ضلالت ها پیش از بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن

هو الذی ینزل .. لیخرجکم من الظلمت

گمراهی مردم دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۵

۵- بسیاری از مردم در عصر حضرت ابراهیم (ع) ، گمراه و بت پرست بودند .

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضلّنّ كثيرًا من الناس

گمراهی مردم صدر اسلام

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۲

۱۲ - مردم در عصر بعثت پیامبر (ص) ، در انواع ظلمت ها بسر می بردند .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

گمراهی مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۲

۱۲ - مردم در عصر بعثت پیامبر (ص) ، در انواع ظلمت ها بسر می بردند .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

گمراهی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۹

۹ - مردم جزیره العرب پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص) ، در گمراهی آشکاری به سر می بردند .

و إن كانوا من قبل لفی ضلال مبین

<إن> در <و إن كانوا> مخفف از مثقله است ، یعنی ، <و إنَّهم كانوا من قبل لفی ضلال مبین>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - مردم ، پیش از بعثت پیامبر اسلام (ص) ، در انواع ظلمت ها به سر می برند .

ليخرج الذين آمنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

گمراهی مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۴

۴ - شقاوت و گمراهی ، عامل روی آوردن سران و اشراف مرفّه ، به تکذیب آیات الهی

ألم تكن ءآيتى . . . تكذبون . قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قوماً ضالّين

گمراهی مسخ شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

گمراهی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين

بنابراینکه جمله <و لكن كان ... >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ یهود و نصارا ، مردمی گمراه و ستمگر

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

از مصادیق مورد نظر برای <الظالمين> به قرینه صدر آیه ، یهود و نصارا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ - رهبانیت ، بدعت پیروان عیسی و انحراف از سیره آن حضرت بود .

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

این که مکان زندگی عیسی و مادرش، همراه با امکانات و وسایل آسایش و در سرزمین خوش آب و هوا بود، می تواند اشاره به این مطلب باشد

که زندگی رهبانی پیروان آن حضرت، انحراف از سیره او و بدعت در دین او بود.

گمراهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ مشرک به خدا، در پست ترین مراحل گمراهی و ضلالت

و من یشرک بالله فقد ضل ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ پیامبر(ص)، بینا و راه یافته، و مشرکان، کور و گمراه هستند. \*

فمن آمن .. والذین کذبوا ... قل هل یتوی الأعمی و البصیر

ظاهراً مراد از <البصیر>، پیامبر(ص)، مراد از <الأعمی>، مشرکان هستند. و چون موضوع آیه، ایمان به پیامبر است، گویا آیه در صدد بیان فلسفه لزوم ایمان به آن حضرت است. یعنی از آنجا که پیامبر(ص) بصیر است، دیگران باید از او تبعیت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ گمراه شدن مشرکان و به هلاکت افکندن آنان از سوی شریکان موهوم خداوند (جنیان و بتها) در قلمرو مشیت الهی است.

و لو شاء الله ما فعلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۶

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لا یقصرون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لایقصرن> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۵

۵- کسانی که با فرزند خواندن عیسی (ع) برای خدا



، به تعالیم توحیدی او کفر ورزیدند ، در گمراهی آشکاری قرار دارند .

لكن الظلمون اليوم في ضلل مبين

الف و لام در <اليوم> می تواند برای عهد حضوری باشد ؛ یعنی <امروز> در این صورت، مراد از آن، ایام زندگی در دنیا است. مراد از ظالمان به قرینه آیه قبل کسانی هستند که به سخن عیسی(ع) کفر ورزیده و در باره او، راه افراط و یا تفریط پیمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۵

۵ - پیامبر ( ص ) ، مأمور وانهادن شرک پیشگان متعصب در غرقاب جهل و گمراهی شان

فذرهم في غمرتهم حتى حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ مشرکان ، در نهایت گمراهی و ضلالت

من أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۹

۹ - در دیدگاه مشرکان ، گمراهی توأم با امنیت و آسایش ، برتر از هدایت همراه با ناامنی و اضطراب است .

و قالوا إن نتبع الهدى معك نتخطف من أرضنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۵

۱۵ - شرک پیشگان ، غرق در گمراهی اند .

و من هو في ضلل

تعبیر <فی ضلال> با به کارگیری <فی>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۷،۱۵

۷ - مشرکان ، مردمانی هواپرست ، گمراه و محروم از هدایت خداوند

بل اتبع الذين ظلموا

أهواءهم... فمن يهدى من أضلّ الله

۱۵ - هیچ کس ، نمی تواند مشرکان هواپرست را از اضلال الهی نجات بدهد .

فمن يهدى من أضلّ الله و ما لهم من نصرين

مراد از <ناصرين> به قرینه سیاق و فراز قبلی، می تواند <نجات دهنده> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۸

۸ - مشرکان ، به دلیل عبادت معبودانی عاجز از هرگونه آفرینندگی ، در گمراهی آشکارند .

ماذا خلق الدين من دونه بل الظلمون في ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱

۱ - مشرکان ، خدا را آن گونه که شایسته او است ، نشناخته و ارج ننهادند .

و ما قدروا الله حقّ قدره

بیشتر مفسران و اهل ادب جمله <و ما قدروا الله..> را به معنای <ما عرفوا الله> و <ما عظموا الله> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۲ - ۵

۵ - <محمد بن سالم عن أبي جعفر (ع) إنّ الله تبارك و تعالی يقول... > و أمّا إن كان من المكذّبين الضالّين... < فهؤلاء مشرکون... >

محمد بن سالم از امام باقر(ع) روایت کرده است: ..خدای تبارک و تعالی می فرماید: ...<و أمّا إن كان من المكذّبين الضالّين>... و آنان مشرکان می باشند...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۵



فرب خوردگی

إن الكفرون إلا فی غرور

گمراهی مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱۱، ۱۰

۱۰ مشرکان عصر جاهلی مردمی گمراه و به دور از هدایت بودند.

قد ضلوا و ما کانوا مهتدین

۱۱ مشرکان عصر جاهلی در گذشته نیز از آبخور هدایت بهره مند نبودند.

قد ضلوا و ما کانوا مهتدین

گمراهی مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۸

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبیل

گمراهی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۵

۵ - خداگریزان ، بر اثر نادانی و گمراهی ، خود را هدایت یافته و راه جسته می پندارند .

و يحسبون أنهم مهتدون

گمراهی معرضان از دعوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۶

۶- روی گردانان از مبلغان الهی و دعوت حق ، گرفتار گمراهی آشکار

و من لایجب داعی الله .. أولئك فی ضلل مبین

گمراهی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۳

۳- اعراض کنندگان از قرآن و تذکار های آن ، در دنیا گرفتار انحراف و گناه می شوند .

ءاتینک من لدنا ذکرًا . من أعرض عنه فإنه یحمل ... وزرًا

جمله >فإنه یحمل.

..< ممکن است حاکی از گرفتاری اعراض کنندگان از قرآن به گناهانی دیگر باشد؛ یعنی، آنان بر اثر این روی گردانی، در دنیا به دام گناه گرفتار می شوند و در قیامت زیر بار آن بوده و آن را حمل خواهند کرد.

گمراهی مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۹

۲۹ لجاجت پیشگان مغلطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم في حوضهم يلعبون

گمراهی مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۸

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

گمراهی مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۲ - ۴

۴ - تکذیب گران ، عناصری گرفتار ضلالت و گمراهی

و أما إن كان من المكذبين الضالين

گمراهی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۹

۹ - کسانی که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، در گمراهی ژرف اند .

الذین لایؤمنون بالأخره فی العذاب و الضلل البعید

گمراهی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۷

۷ - کافران تکذیب کننده دین ، در گمراهی عمیق بسر می برند .

إن أنتم



إلّا في ضلل كبير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم..> از سخنان نگهبانان دوزخ باشد.

گمراهی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۷

۷ کفرپیشگان منکر قرآن، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهُ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

گمراهی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره .. و لو رحمّهم ... فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - پی بردن به حقانیت رستاخیز، دارای راه علمی است و منکران آن گرفتار گمراهی اند.

و یعلمون أنّها الحقّ ألا إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

گمراهی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ مؤمنان به پیامبر(ص)، بینا و راه یافته و تکذیب کنندگان او کور و گمراه هستند.

فمن آمن .. والذین کذبوا... قل هل یتوی الأعمی و البصیر

چون موضوع آیات اثبات رسالت پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <البصیر> مؤمنان به آن حضرت و مراد از <الأعمی> تکذیب کنندگان آن حضرت هستند.

گمراهی مکذبان معاد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۱ - ۴

۴ - تکذیب گران معاد ، عناصری گمراه

ثم إنكم أيها الضالون المكذبون

گمراهی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۳

۳ - منافقان ، مردمانی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

يَمْدَهُمْ فِي طَغْيَانِهِم يَعْمَهُونَ

<عَمَهُ> (مصدر <يعمهُون>) به معنای تحیر و سرگردانی است. <يعمهُون> حال برای <هم> در <يَمْدَهُمْ> می باشد. <فی طغیانهم> علاوه بر تعلقش به <يَمْدَهُمْ> متعلق به <يعمهُون> نیز می تواند باشد. بنابراین جمله چنین معنا می شود: خداوند بر طغیانگری منافقان، در حالی که در گمراهی و طغیان سرگردانند می افزاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - منافقان ، خریداران گمراهی در برابر از دست دادن هدایت هستند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى

۳ - تجارت منافقان ( خرید ضلالت در قبال هدایت ) ، تجارتي فاقد هرگونه سود و منفعت

فما ربحت تجارتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷ - ۹،۱۰

۹ هیچ امیدی به راهیابی و هدایت منافقان پس از سلب شدن نور ایمان از آنان ، وجود ندارد .

و ترکهم فی ظلمت لایبصرون

جمله <ترکهم فی ظلمات> بیان می کند که: ظلمتها منافقان را احاطه کرده و در نتیجه راه به جایی نمی برند و جمله <لایبصرون> (آنها نمی بینند)، حاکی از آن است که ابزار دیدن و هدایت شدن در آنان نابود شده است؛ یعنی علاوه بر اینکه موانع هدایت برای آنان

ایجاد شده مقتضی هدایت نیز از آنان سلب گشته است.

۱۰ رها کردن منافقان در ظلمت و گمراهی پس از روشنایی گذرا، استهزای خداوند نسبت به آنهاست.

اللّٰهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ .. فَلَمَّا أَضَاءتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ

جمله <فَلَمَّا أَضَاءتْ مَا حَوْلَهُ ..> می تواند توضیحی در قالب مثل برای <اللّٰهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ و یمدّهم ...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۵، ۱

۱ - منافق رها شده در ظلمت و گمراهی بسان شخص کر و لال و نابیناست.

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

صم، بکم و عمی به ترتیب: جمع اصم (کر)، ابکم (لال) و اعمی (کور) است. کلمات یاد شده خبر برای مبتدای محذوف، یعنی ضمیر <هم> است که به توصیف شدگان در آیه قبل (منافقان رها شده در ظلمت) بر می گردد.

۵ - منافقان رها شده در ظلمت گمراهی ها، راه نجاتی ندارند و به ایمان راستین باز نخواهند گشت.

صم بکم عمی فهم لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۸ - ۱۲، ۸

۸ طرد و اضلال منافقان از سوی خدا، دلیل لزوم طرد آنان از سوی تمامی مؤمنان است.

فما لکم فی المنافقین فئتین و اللّٰهُ ارکسهم بما کسبوا

جمله <و اللّٰهُ ارکسهم بما کسبوا>، حالیه است؛ یعنی در حالی که خداوند آنها را وارونه و طرد کرده، چرا از آنان طرفداری می کنید.

۱۲ خداوند، گمراه کننده منافقان

فما لکم فی المنافقین .. اتریدون ان تهدوا من اضلّ اللّٰهُ

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۸

۸ گمراهی منافقان و محرومیتشان از هدایت و ایمان واقعی، قانون و برنامه خداوند است.

مذبذبین بین ذلك .. و من یضلل الله فلن تجد له سیبلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۶ - ۳

۳ - منافقان، عناصری منحرف از راه خدا و آیین او

فصدوا عن سبیل الله

<صد> (مصدر <صدوا>) دو گونه استعمال می شود: لازم و متعدی. <صد> در صورت اول به معنای اعراض کردن و میل و انحراف است. برداشت یاد شده بر پایه این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۲ - ۳

۳ - منافقان، عناصری منحرف از راه خدا و آیین او

فصدوا عن سبیل الله

<صد> (مصدر <صدوا>) دو گونه استعمال می شود: لازم و متعدی. <صد> در صورت اول به معنای اعراض کردن و منحرف شدن است. برداشت یاد شده بر پایه همین استعمال است: بنابراین <فصدوا...> یعنی، <فمالوا عن سبیل الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۴

۱۴ - منافقان، سخت در انحراف و کج روی

أنی یؤفکون

<أنی یؤفکون> یعنی، چگونه از حق، این چنین بازگردانده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۷

۷ - منافقان ، عناصری منحرف و باطل گرا

و رأیتهم یصدّون

<صدّ> (مصدر <یصدّون>) بر دو معنا اطلاق می شود: الف) میل و انحراف، ب) منع و بازداشتن. در

آیه شریفه، ظاهراً معنای اول اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۶ - ۹

۹ - منافقان ، عناصری فاسق و منحرف

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

گمراهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۱

۱ گمراهی و کفر (ارتداد) مؤمنان ، علی رغم تلاوت آیات الهی بر آنان و حضور پیامبر (ص) در میانشان ، مایه شکفتی است .

و کیف تکفرون و انتم تتلى عليكم ايات الله و فيكم رسوله

مراد از استفهام، تعجب است.

گمراهی نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۸

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبين الرشد .. الله ولي الذين ... الم تر الى الذي حاج ابراهيم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <الله> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

گمراهی نیاکان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .

.. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

گمراهی نیاکان کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۱ - ۱

۱ - بیشتر پدران و اجداد کافران و مشرکان صدر اسلام ، همچون خودشان در گمراهی به سر می بردند .

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

گمراهی نیاکان مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۱ - ۱

۱ - بیشتر پدران و اجداد کافران و مشرکان صدر اسلام ، همچون خودشان در گمراهی به سر می بردند .

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

گمراهی هدایت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۸

۸ آنان که زمینه هدایت ندارند ، با ارائه معجزات نیز هدایت نمی شوند و به توحید و رسالت پیامبر ( ص ) نمی گروند .

لولا أنزل عليه آية من ربه قل إن الله يضل من يشاء

خداوند در پاسخ کسانی که هدایت یافتن خویش را منوط به آمدن معجزه کرده اند، می فرماید: امر هدایت و ضلالت به دست خداست. این پاسخ در جواب ادعای مذکور گویای این حقیقت است که معجزات نمی توانند موجب هدایت کسی باشند ؛ بلکه مشیت الهی است که آن را رقم می زند.

گمراهی هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد نفوذ آراء و اندیشه های انحرافی هواپرستان

و يريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلاً عظيماً

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۴

۴ - هواپرستان ، گمراه ترین مردمان

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۷

۷ - گمراهی هواپرستان و محرومیت آنان از هدایت الهی ، به رغم برخورداری آنان از علم و آگاهی

و أضلّه الله علی علم

مراد از <علی علم> ممکن است علم هواپرستان باشد.

گمراهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین

بنابراینکه جمله <و لکن کان .. >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۴

۲۴ یهودیان ، جز اندکی از آنان ، هرگز به راه خیر و قوام روی نخواهند آورد .

لکان خیراً لهم و اقوم و لکن لعنهم الله بکفرهم فلا یؤمنون الاّ قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ یهود و نصارا ، مردمی گمراه و ستمگر

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

از مصادیق مورد نظر برای <الظلمین> به قرینه صدر آیه ، یهود و نصارا هستند.

مبارزه با گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- ترویج دین و مبارزه با گمراهی ، از لوازم ایمان و پذیرش قرآن

یستمعون

القرءان .. فلَمَّا قَضَىٰ وَوَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنذِرِينَ

عبارت <فلَمَّا قَضَىٰ وَوَلَّوْا.. مندرین > می رساند که پس از فهم پیام وحی و قبول آن، نوبت اقدام برای هدایت خلق است.

محمد(ص) و گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۶، ۲

۲ - پندار مشرکان درباره گمراهی پیامبر (ص)

قُلْ إِن ضَلَلتْ فَإِنَّمَا أَضَلَّ عَلَىٰ نَفْسِي

سفارش خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر اعلام موضع روشن درباره این که به فرض گمراهی او، ضررش عاید خود آن حضرت می شود؛ احتمال دارد برای رفع توهم و یا اتهامی (نکته یاد شده) باشد.

۶ - گمراه شدن پیامبر بر فرض تحقق آن مثل گمراهی سایر گمراهان است؛ اما هدایت شدنش از ناحیه خداوند است.

إِن ضَلَلتْ فَإِنَّمَا أَضَلَّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِن اهْتَدَيْتْ فَبِمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي

احتمال دارد مراد از <إِن ضَلَلتْ.. و إِن اهْتَدَيْتْ...> این باشد که همه گمراهی ها، منشأ انسانی دارند و در این نکته پیامبر و غیر پیامبر تفاوتی ندارند؛ اما هدایت جنبه الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲ - ۶، ۵، ۲، ۱

۱ - پیامبر (ص)، مبرّا از گمراهی و عقاید باطل

ما ضلّ صاحبكم و ما غوى

<ضلال> (مصدر <ضَلَّ>) به معنای منحرف شدن از راهی است که انسان را به مقصود می رساند و <غى> (مصدر <غوى>) بر نادانی ای اطلاق می شود که برخاسته از رأی فاسد و عقیده باطل باشد.

۲ - شهادت خداوند بر گمراه نبودن پیامبر (ص) و مبرّا بودن آن حضرت از جهل

و رأی فاسد

و النجم . . . ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

۵ - حضور همیشگی پیامبر (ص) در میان مردم ، گواه روشنی برای آنان بر میرا بودن ساحت آن حضرت از گمراهی و فساد رأی

ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

آوردن وصف <صاحب> (همدم، همنشین) برای پیامبر(ص) و اضافه آن به <کم>، پیامدار این معنا است که رسول اکرم(ص) همیشه با شما بوده و این حضور خود گواهی است بر پاکی و درستی آن حضرت در طول عمرشان.

۶ - پیامبر (ص) ، ستاره ای هدایتگر ، بدون کمترین انحراف و گمراهی

و النجم . . . ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

از ارتباط مقسم به با مقسم علیه (یعنی از ارتباط <و النجم> با <ما ضلّ>) استفاده می شود که اگر ستارگان به اراده الهی راهنمای بشر در کره خاک اند و کسی را گمراه نمی سازند پیامبر الهی نیز به اراده خدا هدایتگری است قویم و بی کمترین خطا.

مراتب گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ تجاوز از حدود و مقررت الهی در ازدواج و روابط جنسی ، انحرافی بزرگ

حزمت . . . و یرید الذین یتبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ گمراهی و ضلالت ، دارای مراتب است .

ان یضلّهم ضلالاً بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۱۱، ۱۰

۱۰ مشرک به خدا، در پست ترین مراحل گمراهی و ضلالت

و من



يشرك بالله فقد ضلّ ضللاً بعيداً

۱۱ ضلالت و گمراهی ، دارای مراتب

و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء و من يشرك بالله فقد ضلّ ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱۱

۱۱ گمراهی و ضلالت ، دارای مراتب و شدت و ضعف

و من يكفر بالله .. فقد ضلّ ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۱،۲،۳،۷

۱ کافران بازدارنده از راه خدا ، منحرفانی سخت گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

عطف جمله <صدوا...> بر جمله <كفروا> بدون تکرار <الذین> دلالت بر این دارد که مجموع دو صفت کفر و بازداری از راه خدا، ضلالت بعید است.

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، منحرفانی سخت گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا...> به قرینه آیات پیشین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند؛ و مراد از <سبیل الله> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، گمراهی عمیق است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

متعلق <كفروا> به قرینه آیات قبل قرآن و پیامبر(ص) است.



گمراهی ، دارای مراتب است .

قد ضلوا ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۶

۶ برخی مردم در مرحله ای از گمراهی قرار می گیرند که دیگر امیدی به هدایت آنان نیست.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يعثهم الله

در این آیه گویا مردم به دو بخش تقسیم شده اند: یک دسته به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت می دهند و دسته ای دیگر به تعبیر آیه <الموتی> هستند. و همان گونه که امید به زنده شدن مرده در این جهان واهی است، نمی توان به هدایت این گونه افراد امیدی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱۱، ۶، ۵

۵- کافران ، در نهایت گمراهی هستند .

للكافرين .. أولئك في ضلل بعيد

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند .

الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الآخرة و يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجاً

۱۱- گمراهی دارای مراتب و درجات است .

أولئك في ضلل بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱۲

۱۲- گمراهی دارای مراتب است .

الضلل البعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۳

۳- گمراهان و راه نایافتگان دنیا ، در آخرت در گمراهی افزون تری فرو می روند .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- شرک و بت پرستی ، بدترین و عمیق ترین نوع گمراهی

ذَلِكْ هُوَ الضَّلَلُ البَعِيدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۴

۴ - گمراهی ، دارای مراتب گوناگون است .

أَوْ كَظَلَمْتَ فِي بَحْرِ لَجِّي يَغْشِيهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظَلَمْتَ بَعْضَهَا فَوْقَ بَعْضٍ

جمع آمدن <ظلمات> که مقصود از آن در این آیه ضلالت ها و گمراهی ها است بیانگر تنوع و کثرت راه ضلالت و گمراهی است و جمله <ظلمات بعضها فوق بعض> (تاریکی هایی بر فراز یکدیگر) حکایت از مراتب و شدت و ضعف آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۹

۹ - کسانی که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، در گمراهی ژرف اند .

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَلِ البَعِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۴

۴ - کفر به قرآن ، بدترین درجه ضلالت و گمراهی است .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانُوا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلِّ مَمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقِ بَعِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - ضلالت و گمراهی ، دارای مراتب است .

لفی ضلل بعید

واژه <بعید> می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۷

۷ - ازدست دادن استعداد هدایت پذیری ، آشکارترین نوع ضلالت

و گمراهی است .

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدى العمى و من كان فى ضلل مبین

جمله <و من كان..> گویا به منزله عطف تفسیری برای قسمت قبل است؛ یعنی، شخصی که حق را نشنود و راه هدایت را نبیند، در گمراهی آشکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۷

۷ - کافران تکذیب کننده دین ، در گمراهی عمیق بسر می برند .

إن أنتم إلا فى ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم..> از سخنان نگهبانان دوزخ باشد.

مسؤول گمراهی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۷

۱۷- رهبران مستکبر ، در قیامت ، در پی معرفی شدن به عنوان مسؤول گمراهی پیروان ، گمراهی خود و آنان را به خداوند نسبت خواهند داد .

فقال الضعفاء للذین استکبروا إنا کنا لکم تبعًا .. قالوا لو هدینا الله لهدین

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از هدایت در آیه هدایت در برابر گمراهی است و نه احتمال دیگر که به معنای راهنمایی برای نجات از عذاب باشد.

مسؤول گمراهی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۸

۱۸- مستکبران ، در قیامت ، گمراهی خود را جبری و معلول خواست خداوند معرفی می کنند .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

<لو> حرف شرط امتناعی است و مقدم قضیه را ممتنع می کند. بنابراین مفهوم عبارت چنین می شود اگر خداوند ما را هدایت می کرد و محال است



که چنین بکند.

مشركان و گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۶

۶ دست شستن از گرایش های شرک آلود و روی کردن به تعالیم پیامبران (همچون یگانه پرستی) و عقیده به قیامت، در دیدگاه اهل شرک، گمراهی و انحراف است.

إن كاد ليضلنا عن ءالھتنا

مشیت خدا در گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۴، ۱۳

۱۳- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم، تخلف ناپذیر است.

فیضلُ الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز

<عزیز> به معنای غلبه کننده شکست ناپذیر است و به تناسب صدر و ذیل آیه استفاده می شود که مشیت خداوند، قطعی است.

۱۴- فرستادن پیامبران برای تبیین تعالیم الهی به زبان مردم و در سطح فکر آنان، برخاسته از عزت و حکمت خداوند است.

و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبین .. و هو العزیز الحکیم

ملاک تشخیص گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۳ - ۲

۲ - تنها فرستادگان الهی، برای مراقبت از ایمان مردم و تشخیص هدایت و ضلالت آنان، شایسته اند.

و ما أرسلوا علیهم حفظین

مجهول بودن فعل <أرسلوا>، گویای آن است که تنها کسانی می توانند مراقب مردم باشند که رسالتی برعهده آنان نهاده شده باشد. سیاق کلام نشان می دهد که ارسال، باید از جانب خداوند باشد.

ملاکهای گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۵ حق ، مدار هدایت و باطل ، مدار ضلالت است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

جمله <فما بعد الحق ..> دارای حذف و ایجاز است و تقدیر آن چنین می باشد: <فماذا بعد الحق الذى هو الهدى إلا الباطل الذى هو الضلال>.

ممانعت از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۵

۵ - مسؤولان جوامع دینی ، باید در برابر انحراف عقاید مردم حساس بوده و از خود واکنش نشان دهند .

یهرون ما منعك

ممانعت از گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۲،۶

۲ - جلوگیری از انحراف و گمراهی بنی اسرائیل ، از وظایف هارون در غیاب موسی (ع)

یهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

۶ - جلوگیری از انحراف و گمراهی بنی اسرائیل ، از وظایف هارون در غیاب موسی (ع)

یهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

ممانعت از گمراهی مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۱

۱ - پیامبران و جانشینانشان ، مسؤول جلوگیری از انحراف و گمراه شدن مردم در حد توان هستند .

ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا . أَلَا تَتَّبِعُنَّ

مراد از تبعیت هارون از موسی(ع) که <ما منعك.. أَلَا تَتَّبِعُنَّ> گویای آن است این است که هارون می بایست در غیاب موسی مانند او عمل می کرد و با انحراف مردم برخورد شدید می نمود و یا این که باید رهنمودها و سفارش های موسی(ع) (اصلاح و لا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمَفْسِدِينَ، اعراف /

۱۴۲) را، به کار می بست برخی گفته اند: مراد این است که هارون می بایست با مؤمنان باقی مانده به سوی موسی (ع) حرکت می کرد.

منشأ گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - هدایت انسان ها و نیز گمراهی آنها به دست خدا و در اختیار اوست .

یضل به کثیراً و یهدی به کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ ضلالت های فراوان و ریشه دار بشر ، میراث عقاید و افکار هواپرستان تاریخ

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا کثیراً

بدان احتمال که <کثیراً> صفت مفعول مطلق محذوف باشد ؛ یعنی (اضلوا اضلالاً کثیراً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۶،۷

۶ هدایت و ضلالت در گرو مشیت خداوند است.

من یشاء الله یضللّه و من یشاء یجعله علی صراط مستقیم

۷ تکذیب آیات الهی زمینه تعلق مشیت الهی به گمراه کردن انسان

و الذین کذبوا بآیتنا .. من یشاء الله یضللّه

طرح مشیت الهی پس از سخن از تکذیب آیات و آثار آن، بیانگر زمینه های تعلق مشیت الهی به گمراه کردن برخی از آدمیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۸

۸ هدایت و گمراهی انسان تحت اراده خداوند است.

فمن یرد الله أن یهدیه .. و من یرد أن یضله یجعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۲۶ -

۴ هدایت و گمراهی از شؤون ربوبیت خداوند است.

و هذا صراط ربك مستقيما

ذکر نام مبارک <رب> پس از اشاره به هدایتگری (أن يهديه) و اضلال الهی (يضله) بیانگر ارتباط این نام و تجلی آن با گمراهی و هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۸

۸ هدایت و ضلالت مردم ، خارج از اختیار خداوند و مشیت او نیست .

إلا أن يشاء الله ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۸ - ۱

۱ هدایت مردم و گمراه گشتن آنان در اختیار خداوند و به دست اوست .

من يهد الله فهو المهتدي و من يضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۱،۲

۱ هدایت و ضلالت مردم در اختیار خدا و به دست اوست .

من يضل الله فلا هادي له

۲ کسانی را که خداوند به ضلالت کشاند ، هیچکس و هیچ چیز قادر بر هدایت آنان نیست .

من يضل الله فلا هادي له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ هدایت یابی انسان ها و گمراه شدن آنان ، از خواست و اراده خداوند خارج نیست .

و لا ینفعکم نصحی . . . إن کان الله یرید أن یغویکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ هدایت انسان ها و گمراهی آنان ، به دست خدا و منوط به مشیت اوست .

قل إن الله یضل من



يشاء و يهدى إليه من أناب

قیدها و خصوصیات هر يك از دو فعل <يضل> و <يهدى> قرینه بر وجود آنها برای دیگری است. بنابراین مفاد جمله فوق چنین می شود: <إن الله يضل عنه من يشاء و يشاء اضلال من لم ينب و يهدى إليه من يشاء و يشاء هدایه من أناب / خداوند گمراه می کند از خویشتن کسی را که بخوهد و گمراهی کسی را می خواهد که به درگاه او انابه نمی کند و گرایش به او ندارد. و هدایت می کند به خود کسی را که بخوهد و هدایت کسی را می خواهد که به درگاه او انابه کند و به او گرایش داشته باشد.>

۵ انسان خود در هدایت و گمراهی خویش نقشی بسزا دارد .

إن الله يضل من يشاء و يهدى إليه من أناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ هدایت و ضلالت آدمیان به دست خدا و در اختیار اوست .

و من يضل الله فما له من هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۰، ۱۱

۱۰- انبیا فقط عهده دار ابلاغ و تبیین تعالیم الهی برای مردمند و هدایت و گمراهی مردم به دست خداوند است .

و ما أرسلنا من رسول . . . لیبین لهم فیضل الله من يشاء و يهدى من يشاء

۱۱- خداوند ، عزیز ( شکست ناپذیر ) و حکیم ( کاردان ) است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۸

۸- گمراه شدن

گمراهان ، به دست خود آنهاست .

و منهم من حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَلَةُ

از آن جایی که خداوند در مقام بیان منشأ هدایت و گمراهی، تنها هدایت را به خود اسناد داده است، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۷ - ۵

۵- زمام امر هدایت و گمراهی ، به دست خداوند است .

إِنْ تَحَرَّصَ عَلَىٰ هَدْيِهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يَضِلُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۳ - ۴۸

۴- راهیابی گروهی به هدایت و نیز گمراهی گروهی دیگر، مبتنی بر مشیت الهی است .

يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

۸- هدایت و گمراهی انسان ها توسط خداوند ، تابع خواست و انتخاب خود آنان است .

يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که فاعل <یشاء>، ضمیری باشد که به <من> برگردد و با فاعل <يَضِلُّ> متحد نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۳

۳- هدایت و گمراهی انسان به دست خداوند است .

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱۵

۱۵- هدايت يافتن و گمراه شدن آدمي ، به اراده خداوند است .

من يهد الله فهو المهتد و من يضلل فلن تجد له ولياً مرشداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۶

۶ - هدايت يا

گمراهی مردم، در گرو اراده و خواست خداوند است.

وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَرِيدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴ - ۲

۲ - بی اعتقادی به جهان آخرت، منشأ انحراف ها و موجب حیرت و سرگردانی

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... فَمَنْ يَعْمَهُونَ

<عَمَهُ> (مصدر <يعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است. عبارت <فهم يعمهون> متفرع بر مطلب قبل است؛ یعنی، این دسته از مردمان در نتیجه بی اعتقادی به جهان آخرت و مغرور شدن به اعمال خود، بی هدف و سرگردان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۹

۹ - گمراهی هر فرد، از ناحیه خود وی و نتایج شوم آن نیز گریبانگیر خود او است.

وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ

از این که فعل <ضَلَّ> به خود فرد نسبت داده شده و انذار هم مربوط به او است، مطلب یاد شده به دست می آید. گفتنی است که اصولاً انذار در زمینه ای صورت می گیرد که نتایجی شوم در پی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - هدایت و گمراهی، به دست خداوند است.

فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ

<مَنْ> استفهام انکاری است و هادی بودن هر کس و چیزی جز خداوند را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۵

۵- منشأ گمراهی ، خود گمراهان اند و منشأ هدایت ، خداوند

است .

قل إن ضللت فإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتَ فَبِمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي

برداشت یاد شده به این خاطر است که عامل گمراهی به خود انسان نسبت داده شده؛ ولی عامل هدایت، خداوند معرفی گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۰

۱۰ - هدایت و گمراهی انسان ، به دست خدا و منوط به مشیت او است .

فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ

گمراهی و هدایت در این آیه، ابتدایی نیست؛ بلکه از باب کیفر و پاداش است؛ یعنی، چون کافران با اختیار خود و از سر لجاجت، راه گمراهی را برگزیدند؛ خداوند هم با ازدیاد گمراهی شان، آنان را کیفر می دهد (چنان که در مورد مؤمنان عکس آن صادق است)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۳

۳ - هدایت و ضلالت به دست خدا است .

و مَن يُضِلُّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ . و مَن يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۵

۵ - هدایت و گمراهی ، در دست خداوند است .

كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكٰفِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۹

٩- ( فى المجمع ) > وقال الذين كفروا فى النار أرنا الذين أضلّنا من الجن والإنس < يعنون إبليس الأبالسه وقابيل بن آدم  
أول من أبدع المعصية . روى ذلك عن على ( ع ) ;

در

مجمع البيان راجع به قول خداوند که می فرماید: <وقال الذين كفروا في النار أرنا الذين .. > آمده است که: مقصود آنان رئیس ابلیس ها و قابیل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی (ع) روایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۲

۲ - هدایت و گمراهی انسان ، به دست خداوند است .

و من يضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۶

۶ - هدایت و ضلالت انسان ، به دست خدا است .

و من يضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - هدایت و ضلالت ، به دست خداوند است .

و أضله الله على علم .. فمن يهديه من بعد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی از سوء اختیار خود آنان است ؛ نه معلول عوامل جبری .

و قد قدمت إليكم بالوعيد

تعبیر <قد قدمت إليكم بالوعيد> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلاً اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳ - ۵

۵ - هوای

نفس ، منشأ اصلی سخنان باطل و القای مفاهیم گمراه کننده

و ما ينطق عن الهوى

از این که <الهوى> به خصوص نفی گشته و عوامل دیگر یاد نشده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۱ - ۴

۴ - سود و زیان و هدایت شدن و یا گمراه گشتن انسان ها ، تنها به دست خداوند است .

قل ائى لا املك لكم ضراً ولا رشداً

آیه بعد که در آن از ناتوانی پیامبر(ص) در برابر خداوند مطرح شده است قرینه است بر این که اعلام مالک نبودن پیامبر(ص) نسبت به سود و زیان و هدایت شدن و گمراه گشتن انسان ها، بیانگر انحصار این مالکیت برای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۵،۱۸

۱۵ - هدایت و گمراهی انسان ، به دست خداوند و منوط به مشیت او است .

كذلك يضلّ الله من يشاء و يهدى من يشاء

ضلالت و هدایت، در آیه شریفه، ابتدایی نیست؛ بلکه از باب کیفر و پاداش است؛ یعنی، چون کافران و بیمار دلان با اختیار خود و از سر لجاجت، راه گمراهی را برگزیدند؛ خداوند نیز با ازدیاد گمراهی شان، به آنان کیفر می دهد؛ چنان که در مورد مؤمنان، عکس آن صادق است.

۱۸ - انسان ، به وجود آورنده زمینه های گمراهی یا هدایت خویش از سوی خداوند

كذلك يضلّ الله من يشاء و يهدى من يشاء

منشأ گمراهی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۷



ابلیس، گمراهی خویش را از ناحیه خداوند می پنداشت.

فبما أغويتني لأقعدن لهم صراطك المستقيم

منشأ گمراهی بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - ازدیاد شك و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و

بیماردلان از سوی خداوند

كذلك يضلّ الله من يشاء و يهدى من يشاء

منشأ گمراهی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ - ثابت قدم کردن مؤمنان و افزایش گمراهی ستم پیشگان از سوی خداوند ، بسته به مشیت اوست .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و يفعل الله ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - اضلال خداوند ، شامل حال ظالمان و ستمکاران است .

و من يضلّل الله .. و تری الظلمین

<الظالمین> هم بر <من يضلّل الله> منطبق شده و هم بر <الذین یظلمون الناس> در آیه قبل . از مجموع استفاده می شود

که <إضلال> در حق ظالمان صورت می گیرد.

منشأ گمراهی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - انتخاب گمراهی از سوی قوم ثمود ، با وجود روشن شدن راه هدایت برای آنان

و أمّا ثمود فهدینهم فاستحبوا العمی علی الهدی

<استحاب> (مصدر <فاستحبوا>) به معنای دوست داشتن است و آن گاه که با <علی> متعدی شود به معنای انتخاب و برگزیدن خواهد بود.

منشأ گمراهی کافران

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۹

۹ - فرو رفتن کفرپیشگان در ظلالت و سردرگمی گریز ناپذیر ، برخاسته از محرومیت آنان از نور هدایت الهی است .

و الذین کفروا أعملهم .. کظلمت فی بحر لَجّی ... من فوقه سحب ظلمت بعضها فوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۷

۷ - منکران آیات خدا و کافران به خدا ، تحت تأثیر عوامل بیرونی و منفعلانه ، از خدا و آیات او ، روی گرداندند و نه با منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق .. و سخر ... ليقولنّ الله فأنی یؤفکون

مجهول آورده شدن فعل <یؤفکون> دلالت بر این می کند که مشرکان و منکران آیات خدا و مؤمنان به باطل ، تحت تأثیر القانات بیرونی ، چنین روی کردی را پیدا کرده اند .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

کذلک یضلّ الله من یشاء و یهدی من یشاء

منشأ گمراهی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۵

۵ - شرک در عبادت و الوهیت ، بنیاد و اساس انحراف مردم عصر بعثت

أئما إلهکم إله وحده .. و ویل للمشرکین . الذین لایؤتون الزکوه

منشأ گمراهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ خداوند گمراه کننده مشرکان است .

و من یضلل الله فما له من هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۳

۳ خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ء أنتم أضللتم عبادى هولاء أم هم ضلّوا السبیل

منشأ گمراهی مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۷

۷ - منکران آیات خدا و کافران به خدا ، تحت تأثیر عوامل بیرونی و منفعلانه ، از خدا و آیات او ، روی گرداندند و نه با

منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق . . . و سخر . . . ليقولنّ الله فأنى يؤفكون

مجهول آورده شدن فعل <یؤفکون> دلالت بر این می کند که مشرکان و منکران آیات خدا و مؤمنان به باطل ، تحت تأثیر القنات بیرونی ، چنین روی کردی را پیدا کرده اند .

منشأ گمراهی هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۹

۹ - اضلال الهی نسبت به هواپرستان ، دارای ملاک علمی و نه بی دلیل و برهان \*

و أضله الله على علم



بنابراین که منظور از <علم> در آیه شریفه علم الهی باشد، تذکر به <علی علم> در حقیقت عالمانه بودن و فلسفه داشتن افعال الهی، از جمله اضلال هواپرستان را می رساند.

منشأ مصونیت از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲

۵ - لطف و عنایت خداوند ، سبب مصونیت انسان از جنون و هرگونه اندیشه نادرست و دور از عقل و خرد

ما أنت بنعمه ربك بمجنون

منشأ نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۲

۲ - توفیق نجات از پیامد های هلاکت بار معاشرت با افراد فاسد و منحرف ، نعمت و لطف الهی است .

و لولا نعمه ربی لکننت من المحضرين

موارد گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۸،۴۹

۴۸ زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن <لا یضار>

۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن <لا یضار>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۶

۶ تحیر و سرگردانی میان کفر و ایمان ، گمراهی است .

مذنبین . . . و من یضلّل اللّٰه فلن تجد له سیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۳

۳ انکار رسالت پیامبر ( ص ) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، گمراهی عمیق است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

متعلق < کفروا > به قرینه آیات قبل قرآن

و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۱، ۳۲، ۳۰

۳۰ کفر ( شکستن پیمان خدا، ترک نماز و ... ) پس از دریافت وعده بهشت و آمرزش گناهان، ضلالت و انحراف است.

لاکفرن عنکم سیاتکم .. فمن کفر بعد ذلك منکم فقد ضل سواء السبیل

بنابر اینکه مشارالیه <ذلك>، جمله <لاکفرن .. و لادخلنکم> باشد.

۳۱ انکار هر یک از رسولان الهی و ترک یاری آنان، بر پا نداشتن نماز، پرداختن زکات و خودداری از انفاق، کفر و ضلالت است.

لئن اقمتم الصلوه .. فمن کفر

۳۲ شکستن پیمان های الهی، کفر و گمراهی است.

و لقد اخذ الله میثق .. فمن کفر بعد ذلك منکم فقد ضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۷

۱۷ غلو در دین، ضلالت و انحراف از حد اعتدال و راه میانه است.

لا تغلوا فی دینکم غیر الحق و لاتتبعوا اهواء قوم .. و ضلوا عن سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۷

۷ شرک و پرستش هر معبودی جز خداوند، گمراهی است.

إنی نهیت أن أعبد الذین .. قد ضللت إذأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ بت پرستی گمراہی آشکار است.

إني أريك و قومك في ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام -

۱۱ پندار ربوبیت برای غیر خداوند، گمراهی است.

لئن لم یهدنی ربی لأكونن من القوم الضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۹

۹ تکذیب و انکار معاد، ضلالت و گمراهی و ایمان و اعتراف به آن، هدایت است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله و ما کانوا مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت، و ردّ و انکار آن گمراهی و ضلالت است.

قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یتهدی لنفسه و من ضل فإنما یضل علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۶

۱۶- تحمیل بدترین شکنجه ها، سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان از سوی فرعونیان، آزمایشی بزرگ از جانب

خداوند برای بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب ... و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> شکنجه های فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- کفر به ربوبیت خداوند، گمراهی است و از صراط مستقیم فاصله بسیاری دارد.

الذین کفروا برّیهم .. ذلک هو الضلل البعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۶

۶- شرک و بت پرستی ، مظهر گمراهی و انحراف از مسیر حق و حقیقت

است .

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضلّن كثيرا من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۶

۶- گمان فرزندى عيسى (ع) برای خداوند ، پندارى ظالمانه و ضلالتى آشکار است .

ما كان لله أن يتخذ من ولد .. لكن الظلمون اليوم فى ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۴ - ۳

۳- بت پرستى و شرک ، ضلالت و گمراهى آشکار است .

ما هذه التماثيل .. أنتم وءاباؤكم فى ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۷

۷- پيمودن هر راهى به جز راه خدا ، گمراهى است .

ليضلّ عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۴

۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) . . . ان من شبه ربنا الجليل . . . لم يعقد غيب ضميره على معرفته و لم يشاهد قلبه اليقين بأنه لاند له و كأنه لم يسمع بتبرى التابعين من المتبوعين و هم يقولون > تالله إن كنا لفي ضلال مبين . إذ نسويكم رب العالمين < فمن ساوى ربنا بشيء فقد عدل به و العادل به كافر بما تنزلت به محكمات آياته ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده است: . . . همانا كسى كه پروردگار بزرگ ما را به [چيزى] تشبيه كند ... ضمير باطن خود را بر شناخت او معتقد نساخته و قلب او به اين كه



خدا نظیر ندارد به یقین نرسیده است و گویا نشنیده که پیروی کنندگان، از پیشوایان (معبودهای) خود تبری می جویند و می گویند: به خدا سوگند! حقاً ما در گمراهی آشکار بودیم؛ زیرا شما را با پروردگار عالمیان برابر می دانستیم. پس کسی که خدا را با چیزی مساوی بداند، برای او نظیر قرار داده است و کسی که برای خدا نظیر قرار دهد، به مفاد آیات محکّمات خدا، کافر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۱

۱ - غیر خدا را همتای او شمردن ، گمراهی بس آشکار است .

إِنَّ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . إِذْ نَسَوْنَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

خطاب در <نَسَوْنَا> متوجه معبودهای اهل شرک است. <تسویه> (مصدر <نَسَوْنَا>) به معنای برابر کردن و همتا قرار دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - چشم بستن بر مظاهر یک تایی خدا در هستی ، ظلم و گمراهی آشکار است .

هَذَا خَلْقَ اللَّهِ . . . بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۶ - ۶

۶ - تمرد از فرمان خدا و پیامرش ، گمراهی آشکاری را در پی دارد .

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا مُّبِينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - مؤمن انطاکیه به مردم اعلان کرد : شرک و پرستش غیرخدا ، گمراهی آشکاری است .

ءأآآء من ءونه ءالهه .. إني إءا

>إِذَا< در آیه شریفه برای جواب و جزای مقدر است و تقدیر آن چنین می باشد: >إِنْ اتَّخَذَتْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهًا لَهَا أَكُنْ فِي ضَلَالٍ مَبِينٍ< یعنی، اگر من به جز خدا معبود دیگری بگیرم، در گمراهی آشکاری به سر خواهم برد.

۲ - شرک و پرستش غیرخدا، گمراهی آشکاری است .

إِنِّي إِذَا لَفِيَ ضَلَلٍ مَبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۳

۳ - کفر، ضلالت و گمراهی است .

و قال الذين كفروا .. الذين أضلانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۷۸

۷ - بی اعتنایی به ضرورت ها و احتیاط های عقلی، کج روی و لجاجت است .

قل أرأيتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به من أضلّ

از آن جا که بی اعتنایی به احتمال نزول قرآن از سوی خداوند، موجب گمراهی دانسته شده است؛ استفاده می شود که برای پرهیز از گمراهی به عنوان ضرر، باید به احتمال منتهی به آن اعتنا کرد.

۸ - نزول قرآن از جانب خداوند، احتمالی شایان توجه و بی اعتنایی به آن کج روی از فطرت و منش انسانی است .

قل أرأيتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به من أضلّ ممن هو في شقاق بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۷۸

۷ - پیروی از بشری معمولی و فاقد موقعیت اجتماعی، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٍ وَسَعْرٍ

واژه <إِذَا> ضلالت و جنون را

مترتب بر تبعیت از <بشراً منّا واحداً> ساخته است. گفتنی است در صورتی که <واحداً> اشاره به تنهایی و بی یآوری صالح(ع) داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۸- پذیرش ادعای نبوت از یک انسان، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٌ وَسَعْرٌ

در صورتی که <أبَشْرًا مِّنَّا واحداً> در مقام نفی شایستگی بشر برای نبوت باشد، از ارتباط <إِذَا لَفِيَ..> با جمله قبلی مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۲۰

۲۰- داشتن روابط سرّی و دوستانه با دشمنان دین، رفتن به بیراهه و حرکتی بی فرجام است.

و من يفعلهُ منكم فقد ضلّ سواء السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۳، ۲

۲- بی اعتمادی به قرآن، با وجود مصونیت آن در مراحل نزول، دریافت و ابلاغ و اعتماد به غیر آن، انتخاب بیراهه است.

فأين تذهبون

مفاد استفهام (کجا می روید؟) در آیه شریفه این است که جز این راه، راه دیگری وجود ندارد. گفتنی است که در این گونه پرسش ها نوعی <تعجیز> نهفته است. حرف <فاء> این مفاد را بر اوصاف قرآن که آیات پیشین بیانگر آن بود تفریع کرده است.

۳- تصور وحی نبودن قرآن و تراوش آن از مغزی مجنون و یا شیطانی مطرود و پندار بخلورزی پیامبر (ص) در بیان حقایق، کژاندیشی و گم کردن راه حقیقت است.

فأين تذهبون

ممکن است استفهام در آیه

شریفه، ناظر به توهمات‌هایی باشد که مخالفان درباره قرآن و شخص پیامبر(ص) داشتند. در این صورت پرسش آیه این است که: فکر شما به کجا می‌رود و چه می‌پندارید؟! قرآن غیر آنچه گفته شد، نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۷ - ۴

۴ - بی‌خبری از هدایت‌های الهی، گمراهی است.

و وجدك ضالاً فهدی

ضلالت و هدایت، دارای مراتب است و عدم آگاهی پیامبر(ص) پیش از بعثت، به معارفی که پس از بعثت بر آن حضرت نازل شد، در آیه شریفه نوعی ضلالت قلمداد شده است که با بعثت، به هدایت تبدیل شد.

موانع گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۸

۸ توجه به نظارت و آگاهی خداوند بر اعمال انسان، عامل بازدارنده از کفر به آیات خداوند

و الله شهيد على ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۱

۲۱ توجه به دانایی خدا به تمامی اسرار دل‌ها، زمینه‌ساز پرهیز آدمی از انحرافات

يا ايها الذين امنوا .. ها اتم اولاء ... ان الله عليم بذات الصدور

جمله <ان الله...> علاوه بر بیان این حقیقت که خداوند به نهای دل‌ها آگاه است، به این هدف ایراد شده که انسانها با توجه به این حقیقت از انحرافات پرهیزند، چرا که تمام افکار و اعمالشان در محضر و دید خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران -

۹ ارزیابی صحیح و عاقبت اندیشی ، زمینه جلوگیری از انحراف

و لا یحسینّ الذّین کفروا إنّما نملی لهم خیر لانفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۷

۷ توجه به بهشت جاودانه ، موجب گرایش به تقوا و فریفته نشدن در برابر بهره های اندک دنیا

متاع قليل .. لكن الذّین اتّقوا ربّهم لهم جنّات ... خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱۱

۱۱ اکتفا به یک همسر یا بهره گیری از کنیزان ، بهترین و نزدیکترین راه برای منحرف نشدن از عدالت در مورد زنان

فواحدہ او ما ملک ایمانکم ذلک ادنی الّا تعولوا

<ذلک>، اشاره به <واحدہ او ما ملک ایمانکم> است. و <الّا تعولوا>، از ماده <عول> به معنی کجروی و ستم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۱۵

۱۵ فضل و رحمت الهی ، مانع از تأثیر اخبار و شایعات گمراه کننده در میان مسلمانان

لو لا فضل اللّٰه علیکم و رحمته لاتبعتم الشیطان الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ دانایی به حقیقت اعمال و واقعیت گناه ، بازدارنده آدمی از خطا و گناه \*

و لولا فضل الله عليك و رحمته لهمت طائفه . . . و علمك ما لم تكن تعلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۷

۱۷ خداوند



، بیانگر احکام خویش به منظور جلوگیری از گمراهی مردم

ببین الله لكم ان تضلوا

در جمله <ان تضلوا> حرف <لا> مقدر است؛ یعنی <لان لاتضلوا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۹

۹ قرآن و پیامبر (ص)، خارج کننده انسان ها از تاریکی و گمراهی به نور و هدایت با اذن خداوند

و یخرجهم من الظلمت إلى النور باذنه

در برداشت فوق <باذنه> متعلق به <یخرجهم> گرفته شده است. بر این مبنا ضمیر در <یخرجهم> باید به <نور> و <کتاب> برگردانده شود، نه به <الله>، چون معنا ندارد که خدا با اذن خودش کاری انجام دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۸

۱۸ - لزوم اطاعت و پیروی از اوامر و رهنمود های پیامبران الهی، جهت مصون ماندن در فتنه ها

إِنَّمَا فَتَنَّتُمْ بِهِ... فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۶

۱۶ - پیروی از هدایت الهی، مانع گمراهی و بدبختی است.

فمن اتبع هدای فلا یضلّ و لایشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - یاد قیامت، مؤثر در تصحیح رفتار و بازداشتن انسان از انحراف

أفمن يلقى في النار خير أم من يأتي ءامناً يوم القيمه . .. إنه بما تعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ - پیروی از دستورات وحی و رهنمود

های پیامبر (ص)، هیچگاه به خسران و گمراهی انسان نخواهد انجامید.

و اِنَّكَ لَتَهْدِي اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

از تأکید خداوند بر نقش هدایت‌گری پیامبر(ص)، این نکته استفاده می‌شود که تعالیم وحی هیچ‌گاه به خسران و گمراهی انسان منتهی نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۵

۵ - تعقل و اندیشه، مانع از تأثیر تبلیغات سوء و گمراه‌کننده در انسان

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۴

۴ - توجه به عمر محدود دنیا و گرفتاری‌های لحظه‌مرگ، بازدارنده انسان از گناه و انحراف

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ

تعبیر <فکیف..> در مقام بازداشتن منافقان و منحرفان از بی‌ایمانی و نفاق است بدین منظور اولاً - مرگ را به رخ آنان کشیده تا بدانند زندگی دنیا دیری نمی‌پاید. ثانیاً کیفر و عقاب را به یاد آنان آورده تا بدانند حق ستیزی، فرجامی سخت و دشوار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۸

۸ - توجه به نظارت خداوند بر رفتار انسان، مانع‌گرایش وی به انحراف

لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَاءَ .. و اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۶

۶- انسان ها ، بدون تعالیم دین و آموزه های قرآن ، گرفتار انواع ظلمت ها و گمراهی هایند .

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

تأکید خداوند بر این

مطلب که قرآن، رهایی بخش انسان ها از ظلمت ها و هدایت به نور است، می رساند که بدون تمسک به این کتاب، امکان رهایی برای بشر نخواهد بود، زیرا اگر راه دیگری ممکن بود خداوند آن را به بشر ارائه می کرد.

موسی(ع) و گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲

۲ موسی (ع) به هنگام بازگشت به سوی بنی اسرائیل از گمراه شدن قومش خشمگین و بسیار اندوهناک بود .

و لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً

<أسف> به کسی گفته می شود که بسیار اندوهناک باشد. (برگرفته از لسان العرب).

نجات از گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص)

يا اهل الكتب قد جاءكم رسولنا .. يهديهم إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۵،۶

۵- هدف از نزول قرآن ، خارج ساختن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور است .

كتب أنزلنه إلیك لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها ( گمراهی ها ) ، با تعالیم قرآن کریم

أنزلنه إلیك لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۳،۸،۹

۳- موسی (ع) ، وظیفه دار هدایت مردم خویش به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها ، با آیات و معجزات الهی .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا أن أخرج قومک من الظلمت إلى النور

۸- حضرت موسی (ع) ، دارای هدفی مشترک با پیامبر اسلام (ص) در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

کتب أنزلنه إليك لتخرج الناس من الظلمت .. لقد أرسلنا موسی بأیتنا أن أخرج قو

۹- تورات ، حاوی تعالیمی برای نجات مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به سوی نور بود .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا أن أخرج قومک من الظلمت إلى النور

مصدق بارز <آیاتنا>، که در آیه آمده است، همان تورات است که کتاب آسمانی حضرت موسی(ع) بود. از اینکه خداوند رسالت موسی(ع) را در بیرون بردن مردم از ظلمتها با اعطای تورات به او بیان می کند برداشت می شود که تورات حاوی چنین تعالیمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توان بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصم الدعاء

نشانه های گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۳

۳ انکار قرآن و پیام های آن نشانه گمراه گشتن انسان به دست خداوند است .

فبأی حدیث بعده يؤمنون. من یضلل الله فلا هادی له

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۲

۲- یأس از رحمت خداوند ، نشانه گمراهی است .

و من یقنظ من رحمه ربّه إلا الضالّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۸

۸- کفرورزی به آیات الهی ، فریفتگی به جاه و مقام و دل بستن به هم فکran در برابر مؤمنان ، از نمود های کامل گمراهی

قل من كان في الضلالة

جمله <من كان في الضلالة . . .> پاسخی است به گفته کافران که هنگام شنیدن آیات خدا، به مؤمنان می گفتند: <أَيّ الفریقین خیر...>. در این آیه کافران به آیات الهی، اهل ضلالت معرفی شده اند و در آیه بعد مؤمنان به آیات الهی، اهل هدایت قلمداد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۱

۱ - شرک و بت پرستی در کنار کعبه ( خانه توحید ) ، نمونه ای بارز از اقدام انسان ها برای تغییر آیین پیامبران و انحراف از طریقه آنان

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ . . فذرههم فی غمرتهم

<وَذُرُّ > (مصدر <ذرههم >) به معنای ترک کردن و وا نهادن است. ضمیر <هم > به قرینه مقام کنایه از مردم مکه و پیرامون آن است؛ که سیره یکتاپرستی حضرت ابراهیم(ع) را تغییر دادند و به شرک ورزی روی آوردند و بر آن پافشاری کردند <غمره > به معنای غرقاب است و در این جا استعاره از ورطه جهل و گمراهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی

در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... و لو رحمٰنهم... فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۵، ۲۶

۲۵ - کفر و ارتداد ، پس از دیدن حاکمیت دین و دین داران و امنیت و آرامش زیر سایه آن ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم .. لیستخلفنّهم ... و لیمکننّ لهم دینهم ... یعبدون

در این که مقصود از <کفر> در آیه شریفه چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود ارتداد است، یعنی، چنانچه هر کس پس از دیدن حاکمیت و امنیت زیر سایه دین و نیز اتمام حجت الهی، مجدداً راه کفر را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. ۲- مراد کفران نعمت است، یعنی، آن کس که نعمت حاکمیت و امنیت تحت لوای دین را مشاهده کند و در عین حال به جای شکرگزاری، راه ناسپاسی را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. برداشت یاد شده، بنابر دیدگاه نخست است.

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم .. لیستخلفنّهم ... و لیمکننّ لهم دینهم ... یعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره -



آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۲

۱۲ - عجب و خودپسندی ، جلوه گمراهی

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسناً فإن الله يضل من يشاء و يهدى من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - قساوت قلب و خدا فراموشی ، نشانه گمراهی سخت و آشکار

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله أولئك في ضلل ميين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۸

۸ - تشکیک در برپایی قیامت ، نشانگر گمراهی عمیق انسان

ألا إن الذين يمارون في الساعه لفي ضلل بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۷

۷ - ازدست دادن استعداد هدایت پذیری ، آشکارترین نوع ضلالت و گمراهی است .

أفأنت تسمع الصم أو تهدى العمى و من كان في ضلل ميين

جمله <و من كان..> گویا به منزله عطف تفسیری برای قسمت قبل است؛ یعنی، شخصی که حق را نشنود و راه هدایت را نبیند، در گمراهی آشکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۹

۹ - خداگریزی و دنیا محوری ، بارزترین نمود انحراف و گمراهی

تولّی عن ذکرنا و لم یرد إلّا الحیوه الدنیا . . . هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۳

۳ - مبتلا ساختن خویش به عذاب های سخت قیامت ، نشانه گمراهی و جنون است ، نه پیروی از

فقالوا أُبشراً .. تَبِعَهُ إِنَّا إِذَا لَفَى ضَلَلٌ وَ سَعْرٌ ... إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَلٍ وَ سَعْرٍ

برداشت یاد شده در صورتی است که <سعر> به معنای جنون و آیه <إِنَّ الْمَجْرِمِينَ..> در مقام پاسخ به سخن کافران باشد که مدعی بودند پیروی از خط پیامبر(ص) و پیام وحی جنون و گمراهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۶

۶ - اعتقاد به وجود نیرویی توانمند و پیروز در برابر اراده و قدرت خداوند در عالم ، نشانه غرور و فریب خوردگی است .

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكُفْرَانَ إِلَّا فِي غُرُورٍ

نشانه های گمراهی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ - زندگانی پر دردسر در دنیا و محسور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، از جلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فَمَنْ اتَّبَعَ هَدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى . وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشَرَ يَوْمَهُ

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

نشانه های گمراهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۳

۳ حرکت فرعونیان به سوی دوزخ به رهبری و پیشاهنگی فرعون ، نمود برنامه های ناصواب او در دنیا است .

و ما أمر فرعون برشيد. يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

جمله <يقدم قومه ..> بیانگر فرجام پیروی از فرعون است و به منزله تفسیری

برای <و ما أمر فرعون برشید> می باشد.

نشانه های گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۱

۱۱ - خودپسندی و زیبا دیدن رفتار زشت خویش ، جلوه گمراهی کافران

أفمن زین له سوء عمله .. فَإِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <فَإِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ...> در مقام تعلیل برای <أفمن زین...> است؛ یعنی، از آن جایی که آنان رفتار زشت خود را زیبا می دیدند و به خود پسندی گرفتار آمدند؛ خداوند هر کسی را که بخواهد مانند این دسته گمراه خواهد ساخت.

نشانه های گمراهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۲

۲- تردید و ناباوری مشرکان به معاد ، نمونه بارزی از گمراهی آنان است .

فَضِّلُوا .. و قالوا أءذا كنا ... أءنَّا لمبعوثون خلقًا جديدًا

نقش عوامل گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - عوامل گمراهی ، وسیله های آزمون مردم از سوی خداوند بوده و مقهور قدرت او هستند .

فَتَنَّا .. و أضلَّهم السامريّ

گمراه گری سامری با آن که به شخص او استناد داده شده است؛ مصداق آزمون الهی قرار گرفته، حاکی از این است که خداوند بر کار او تسلط دارد و وی را به خواست خویش، آزاد گذاشته است.

نگرانی از گمراهی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۶

۲ - نگرانی ابراهیم (ع) از گمراهی دیرینه پدر خود

و اغفر لأبي إنّه كان من الضالّين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که دعای ابراهیم (ع) در زمان حیات پدرش بوده باشد. بر این اساس به کارگیری <کان> در جمله <إنّه كان من الضالّين> بیانگر گمراهی دیرینه پدرش است.

نگرانی از گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۳

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إنك أنت الاعلی

جمله <إنك أنت الاعلی> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی (ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبه گردد و مردم به حقانیت او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

وضوح گمراهی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۸

۸ - انحراف منافقان ، آشکار برای هر بیننده ای

و رأيتهم یصدّون

خطاب در <رأيتهم> عام است و اختصاص به بیننده ای خاص ندارد.

هارون (ع) و گمراهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۴، ۱۰، ۹

۹ موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت .

و أخذ برأس أخيه يجره إليه

۱۰ موسی (ع) به خاطر مقصر شناختن هارون در انحراف بنی اسرائیل ، با گرفتن موهای سر او و کشیدنش به سوی

خود، در صدد مؤاخذه وی برآمد.

أخذ برأس أخيه يجره إليه

مفسران در معنای جمله <أخذ برأس أخيه> گفته اند که موسی موهای هارون را گرفت. گویا تفسیر <راس> به موهای سر به دلیل جمله بعد (یجره إليه، او را به سوی خود می کشید) باشد. زیرا اگر موسی سر هارون را گرفته بود، طبعاً هارون با او فاصله ای نداشت تا او را به سوی خود بکشد.

۱۴ هارون با تحریک عواطف موسی (ع) در صدد تسکین غضب او و مطمئن ساختنش بر انجام وظایف و مسؤولیت های خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل برآمد.

قال ابن أم إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني

به نظر می رسد هارون با انتخاب <ای فرزند مادرم> در خطاب به موسی، در صدد تحریک عواطف وی به سوی خود بوده است.

يأس از گمراهی آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱۵

۱۵- شیطان، ناتوان و ناامید از به دام افکندن آدم (ع) و گمراه ساختن او

لأحتنكن ذرئته إلا قليلاً

تأکید ابلیس بر گمراه ساختن ذریه آدم(ع) و به میان نیاوردن نامی از خود او، می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

گمشدگان

منشأ هدایت گمشدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۲ - ۶

۶- راهنمایی گمشدگان، مقتضای ربوبیت و پروردگاری خداوند



قال عسى ربّي أن يهديني سواء السبيل

## گناه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{گناه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۸

۸ بیزاری شدید بدکاران ، از کردار

خویش در قیامت

تودّ لو أنّ بینها و بینہ امداً بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۳

۱۳ طلب آمرزش نکردن و به فکر توبه نبودن، در عین توجّه به گناه، اصرار بر آن است.

و الذین اذا فعلوا فاحشه .. لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمودند: الاصرار هو ان یذنب الذنب فلا یتستغفر الله و لا یحدّث نفسه بتوبه فذلک الاصرار.

---

کافی، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۳۶۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۵

۵ مهلت دادن خداوند به کافران، تنها به جهت افزایش یافتن گناه آنان است.

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۸

۱۸ بخیلان در قیامت، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

برخی برآنند که معنای ظاهری <سیطوقون .. > اراده نشده است، بلکه کلمه ای همانند وبال و گناه، قبل از <ما بخلوا> مقدر است. یعنی وبال گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۶

۱۶ اعتراف خردمندان به گناه و تقصیر ، در پیشگاه خداوند

رَبَّنَا فاغفرلنا ذنوبنا و كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتنا

آثار آمرزش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۸

۸ ورود به بهشتِ تقوایپیشگان ، در گرو آمرزش گناهان

و سارعوا الى مغفرة من ربكم و جنه عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين

تقدیم ذکری آمرزش الهی بر بهشت پهناور، بیانگر تقدّم خارجی آن است؛ یعنی نخست باید آمرزش حاصل شود، و آنگاه ورود به بهشت متّقین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۹

۲۹ پاکی از گناه ، شرط ورود به بهشت \*

لاکفرنّ عنهم سيئاتهم و لادخلنهم جنّات

تقدّم جمله <لاکفرنّ...> بر جمله <لادخلنهم>، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که پاک شدن از گناه، مقدمه ورود به بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۱۰

۱۰ آمرزش گناهان آدمی ، زمینه ساز بهره مندی وی از هدایت های الهی

لم یکن الله لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۹

۹ آمرزش گناهان ، شرط ورود به بهشت

لکفرنا عنهم سيئاتهم و لادخلنهم جنت النعيم

تقدم آمرزش بر ورود به بهشت می تواند اشاره به این باشد که تا گناهان آدمی آمرزیده نشود، به بهشت وارد نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۶

۶ آمرزش گناهان ، زمینه ساز نیل به سعادت دنیا و آخرت است .

و أنت خير الغفرین. و اکتب لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱۵، ۱۳

۱۳ خداوند ، امور انسان ها را بر اساس رحمت خویش و مغفرت خطا های آنان تدبیر می کند .

إن ربی غفور رحیم

۱۵ آمرزیده شدن گناهان و خطا های آدمی ، شرط شمول رحمت خدا بر ایشان است .

إن ربی غفور رحیم

برداشت فوق، از تقدم <غفور> بر <رحیم> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۳

۳ - بخشودگی گناهان ، مقدمه برخورداری انسان از نعمت های اخروی

لهم مغفره و رزق کریم

با توجه به تقدیم <مغفره> بر <رزق کریم> برداشت یاد شده استفاده می شود.

آثار اجتماعی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۵

۱۵ گناه و تخلف گروهی از یک جامعه ، می تواند مایه گرفتاری همه افراد آن جامعه به عقوبت های دنیوی باشد .

فبظلم من الذين هادوا حرمنا .. و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ بی گناهان جامعه ، در خطر گرفتار آمدن به کیفر گناهکاران

قال فانها محرمه عليهم اربعين سنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۱،۲،۴

۱ آثار شوم برخی از گناهان و

ظلم ها تنها دامنگیر گناهکار و ظالم ، و برخی دارای آثاری فراگیر بر گناهکار و بی گناه

و اتقوا فتنه لاتصیین

۲ برخی از گناهان و ستمکاری ها در جامعه ایمانی مایه گرفتار شدن همگان ( مرتکبان گناه و غیر آنها ، یعنی ظالم و غیر ظالم ) به عذاب های الهی است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه

<لا> در <لاتصیین> نافی و <خاصه> حال برای <الذین> است. جمله <لاتصیین الذین ...> تبیین و توضیحی است برای <فتنه>. و مراد از اتقاء فتنه، پرهیز از عامل آن می باشد که به قرینه <ظلموا>، ستمکاری است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ای اهل ایمان از گناهانی که موجب فتنه ای عظیم می شود پرهیزید ؛ آن گونه فتنه ای که نه تنها دامنگیر گناهکار می شود، بلکه همگان را در شعله های خود خواهد سوزانید.

۴ مؤمنان وظیفه دار اهتمام بیشتر در پرهیز از گناهانی که آثار شوم آن فراگیر جامعه ایمانی است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه

بدیهی است هیچ گناه و ستمی را نباید مرتکب شد. بنابراین نهی از ارتکاب گناهی که فتنه ای فراگیر دارد، حاکی از تأکید بیشتر نسبت به پرهیز از چنین گناهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۷

۷ گناه ، دارای آثار سوء اجتماعی و روحی ، علاوه بر کیفر الهی

یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم

از آنجا که تکفیر و غفران سیئات به یک معناست، می توان تکرار آن را اشاره به آثار دنیوی گناهان (آثار سوء اجتماعی، روحی و .



.. ) و آثار اخروی آنها دانست. که در صورت تقوای پیشگی خداوند گناهان را می آمرزد و هر دو نوع اثر را می زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۴

۴- جرم پیشگی و تبه کاری ، زمینه ساز هلاکت و نابودی جوامع بشری

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۵

۵- فراگیری جرم و جنایت در جامعه ، موجب انحطاط و زوال آن خواهد شد .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين .. أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحين

از اینکه ملائکه عذاب قوم لوط به آن حضرت اعلام می کنند که: <آن دابر هؤلاء مقطوع> (نسل آن قوم قطع می شود) و نمی گویند: نسل گنهکاران قطع می شود و نیز در آیه بعد کار <آمدن> به همه اهل شهر نسبت داده شده (و جاء أهل المدینه)، حاکی است که همه مردم شهر قوم لوط آلوده به گناه بوده اند. تعبیر <مجرم> از آنان و نجات خانواده لوط (ع) از عذاب به جز همسر او نیز مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۲، ۹

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا ، عامل پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فكفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <يصنعون> که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبق به عدم است، استفاده گردید.

۱۲- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی ، دارای آثار

شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه ... فكفرت ... فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۰

۱۰- گناه ، عامل اصلی هلاکت جوامع بشری است .

کم أهلکنا من القرون ... و کفی بریک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۳

۳- ظلم و گناه ، بنیان برافکن جوامع بشری

يقوم لم تستعجلون بالسیئه قبل الحسنه .. فتلك بیوتهم خاویه بما ظلموا

ثمودیان، به صورت جامعه ای متشکل بودند که در نتیجه ظلم و گناه خود به گونه دسته جمعی و فراگیر هلاک شدند و این نشان می دهد که هر جامعه ای که معصیت و ستم در آن رواج پیدا کند، در معرض خطر نابودی قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۴۸

۴- بلاها و مصائب اجتماعی ، بازتاب گناهان جمعی مردمان است .

و ما أصبکم من مصیبه فما کسبت أیدیکم

خطاب جمع <ما أصابکم>، می تواند ناظر به حیثیت جمعی انسان ها باشد.

۸- مصائب و بلاهای جوامع بشری ، تنها بازتاب و نتیجه بخشی از گناهان و خطاهای مردم است .

و ما أصبکم ... و یعفو عن کثیر

از یادکرد <یعفو عن کثیر> در پایان آیه، این مطلب به دست می آید که انسان گرفتار تمامی نتایج و آثار عملکرد خویش نیست؛ چه این که بسیاری از گناهان مورد عفو خداوند قرار می گیرد.



آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطه‌وری مردم در جرم و گناه ، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أَنَّ هؤلاء...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۵

۵- گناه ترک واجبات از سوی فرد ، دارای پیامد های ناگوار اجتماعی

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

واژه <فی الأرض>، می رساند که فساد روی گردانان از دین و تکالیف الهی، محدود و منحصر در قلمرو وجود خودشان نیست؛ بلکه همچون بیماری مسری در بستر جامعه شیوع می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۲ - ۴

۴ - جامعه مجرم ، در معرض انتقام الهی و نابودی

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین

بیان هشدار دهنده و هدایت قرآنی، با ذکر رسالت فرشتگان به سوی مجرمان، پیامدار معنای یاد شده است.

آثار اجتناب از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۲۱، ۱۹

۱۹ - ضرورت پرهیز از گناهان برای دور ماندن از عذاب های الهی

و اتقوا الله

۲۱ - رستگاری انسان ها در گرو رعایت تقوا و پرهیز از گناهان است .

و اتقوا الله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۳۳

۳۳ خویشتن داری در برابر گناه ،

موجب خیر و سعادت

و ان تصبروا خیر لکم

بنابر اینکه متعلق <ان تصبروا>، ارتکاب زنا باشد که از کلمه <عنت> به دست می آید. گفتنی است که در این صورت کلمه <خیر>، افعال تفضیل نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۴

۴ - تقوای پیشگی و دوری کردن انسان از انجام گناه در دنیا، سبب نزدیک شدن بهشت به وی در رستاخیز

و أزلقت الجنة للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۳،۴،۵،۶

۳ - کافران صدر اسلام، به بهره مند شدن از رحمت و لطف خدا در سایه پرهیز از گناهان فراخوانده شدند.

و إذا قیل لهم اتقوا ما بین أیدیکم و ما خلفکم لعلکم ترحمون

۴ - پرهیز از گناه و توبه از خطاهای گذشته، موجب جلب رحمت و لطف خداوند است.

و إذا قیل لهم اتقوا ما بین أیدیکم و ما خلفکم لعلکم ترحمون

۵ - تنها در سایه پرهیز از گناه و توبه از خطاهای گذشته، می توان به رحمت و لطف خدا امیدوار بود.

و إذا قیل لهم اتقوا .. لعلکم ترحمون

به کار رفتن کلمه <لعل> که برای ترجیحی و امیدواری است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۶ - لزوم پرهیز از گناهان و توبه از خطاهای گذشته، به منظور جلب رحمت و لطف خداوند

و إذا قیل لهم اتقوا ما بین أیدیکم و ما خلفکم لعلکم ترحمون

لزوم پرهیز از گناهان و توبه .. از فعل امر <اتقوا> به دست می آید.



سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۱ - ۲

۲- تقوا و اجتناب از گناه ، فراهم آورنده امنیت اخروی برای انسان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۳

۳ - چشم پوشی از گناه و لذت های آلوده دنیا ، در پی دارنده نعمت های سرشار اخروی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . يَأْخُذِينَ مَا أَرْتِهِمْ رَبَّهُمْ

<تقوا> یعنی، خودداری از مشتهیاتی که مورد منع دین قرار گرفته است. تقوای پیشگان در برابر داشتن این خصلت، از هدایای پروردگارشان بهره مند خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۲

۲ - خودسازی و پاک ساختن روح خویش از گناه و پلیدی و سوق دادن آن به تقوا ، مایه نجات و کامیابی است .

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

مراد از <تزکیه نفس> به قرینه آیه قبل پاک سازی آن از <فجور> (گناه، فسق، دروغ و ..) و رشد دادن آن به وسیله تقوا است.

آثار اخروی ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۴

۴ - ایمان و دوری از گناه ، مایه بشاش و خندان بودن چهره مؤمنان در قیامت

وجوه ... ضاحکه مستبشره



به قرینه آخرین آیه این سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة)، مراد از <وجوه> در این آیات، چهره های کسانی است که کافر نبوده و از فسق و فجور پاک و منزّه اند.

آثار اخروی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۶

۶ عن امیر المؤمنین (ع): ... و أما قوله: <... و من خفت موازینہ > فإنما یعنی الحساب ... و السيئات خفه المیزان ... .

از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: مراد از آیه <و من خفت موازینہ>، حسابرسی (در قیامت) است ... و گناهان، موجب سبکی میزان هستند ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۵

۵ بروز و ظهور گناهان در قیامت، به صورت علامت و نشانه ای برای گناهکاران

و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - کفر پیشگی و ارتکاب گناه، مایه تغییراتی ناخوشایند در چهره انسان، هنگام حضور در صحنه قیامت

علیها غبره . ترهقها قتره . أولئک هم الکفره الفجره

تعبیر <علیها> و <ترهقها>، حاکی از عارض شدن تیرگی بر چهره کافران است؛ به گونه ای که اگر کفر و گناه نبود، چهره اصلی انسان نمایان می شد. این چهره در آیات پیشین، به درخشان و خندان بودن توصیف شده بود.

۳ - گرفتاری به آثار کفر و گناه در قیامت، فرصت هرگونه یاری رسانی به دیگران حتی نزدیک ترین خویشاوندان را از کافران و گنه کاران سلب خواهد کرد .

یوم یفرّ المرء ... لکل امریء منهم یومئذ شأن یغنیه ... أولئک هم الکفره الفجره

آثار اصرار بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۵



پیدا کردن گناهان بر سراسر وجود آدمی است .

من کسب سیئه و أخطت به خطيئته

چنانچه مجرد ارتکاب گناه باعث احاطه خطيئته بر انسان می شد، جمله <أخطت .. > آورده نمی شد. لذا این احتمال تقویت می شود که احاطه خطيئته بر اثر اصرار بر گناه و یا تکرار گناهان حاصل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۱۳

۱۳ عن احدهما عليهما السلام في قوله: <أو كسبت في إيمانها خيرا> قال: المؤمن العاصي حال بينه وبين إيمانه كثره ذنوبه و قله حسناته، فلم يكسب في إيمانه خيرا.

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره آیه <او کسبت فی ایمانها خیرا> روایت شده است: فراوانی گناه و کمی نیکیهای مؤمن گناهکار، بین او و ایمانش جدایی می اندازد و او با آن که مؤمن بوده خیری به دست نیاورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۲

۲ کسانی که بر انجام محرمات الهی اصرار ورزند ، در معرض ذلیل گشتن و مطرود شدن از درگاه خدا هستند .

کونوا قرده خسئين

<خاسيء> به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل است. <خاسئين> خبر دوم برای <کونوا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۹، ۱۱

۹ غیر قابل بخشش بودن کیفر برخی از منافقان ، به دلیل مداومت و استمرار آنان بر انجام جرم و خطا

إن نفع عن طائفه منكم نعتب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

برداشت فوق با

توجه به این است که <بأنهم .. > تعلیل <نعذب > می باشد و <هم كانوا مجرمين > افاده استمرار می کند.

۱۱ استمرار و مداومت بر جرم ، مانع پذیرفته شدن توبه و عذرخواهی انسان از درگاه الهی

لا تعذبوا .. نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۲

۲۲ اصرار بر ظلم و گناه ، عامل نزول عذاب الهی

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۸

۸ استمرار بر گناه ، مسلترم عذاب دوزخ و رنج طولانی

قل نار جهنم أشد .. جزاء بما كانوا يكسبون

<كانوا يكسبون > مفید استمرار است. زیرا فعل مضارع آن گاه که با <كان > و نظایر آن استعمال شود، بر استمرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۸

۸ - اصرار بر گناهان و بدی ها ، عامل اصلی چشیدن آتش دوزخ

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

تعبیر <كنتم تعملون > ماضی استمراری و بیانگر عمل مستمر است، نه عمل مقطعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۶

۶ - تداوم بر اعمال ناروا ، در پی دارنده عذاب فراگیر جهنم است .

ذوقوا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۴ - ۸

۸ - استمرار بر گناه ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

و أنیبوا .. من قبل أن یأتیکم العذاب

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۴

۴ - گناه پیشگی و ظلم مستمر ، باعث دوزخی شدن انسان

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ ... و لکن کانوا هم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۹

۹ - خطاپیشگی و غوطهوری در گناه ، مایه سقوط و بدفرجامی انسان و نه لغزش های ناخواسته \*

اجترحوا السیئات

تعبیر <اجترحوا> که در آن معنای طلب و پی جویی نهفته است می تواند بیانگر این معنا باشد که آنچه انسان را از جرگه مؤمنان صالح خارج می سازد، نه صرف لغزش؛ بلکه گناه جویی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۸

۸ - جرم پیشگی و استمرار ارتکاب گناه ، عامل محرومیت از رحمت الهی در قیامت

و کنتم قومًا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۴،۷

۴ - اصرار بر گناه و نقض حریم دیگران ، زمینه ساز تکذیب آیات الهی است .

کذّبت ثمود بطغویها

از مصادیق <طغیان> (فرا تر از حد رفتن <العین>)، تجاوز به حقوق دیگران است.

۷ - طغیان گری ، اصرار بر گناه و تکذیب پیام های الهی ، مایه سقوط و تباهی نفس انسان است .

و قد خاب من دسيها . كذبت ثمود بطغويها

آثار اقرار به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ١٠٢ - ٥٢،٥

٢ اعتراف به گناه و انتقاد از خویش ، وسیله جلبِ غفران و



رحمت الهی و از ارکان توبه است .

و ءآخرون اعترفوا .. عسى الله يتوب عليهم إن الله غفور رحيم

۵ توجه گنهکار به زشتی عمل خویش و اعتراف به آن و نیز ندامت از آن ، به منزله توبه و زمینه بخشش گناه از سوی خدا

اعترفوا بذنوبهم .. عسى الله أن يتوب عليهم

از اینکه خداوند در مقابل <اعترفوا> وعده <عسى الله أن يتوب> را داده است و بعد از اعتراف، مسأله دیگری را به عنوان توبه مطرح نکرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۶

۶ پذیرش توبه گنهکار ، در پرتو اعتراف و نیز خشکاندن ریشه های گناه است ؛ نه صرف ندامت .

و ءآخرون اعترفوا بذنوبهم .. هو يقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقت

برداشت فوق با توجه به شأن نزول است که در آن چنین آمده: متخلفان از جنگ تبوک به خاطر دلبستگی به مال مرتکب گناه شدند و پس از ندامت و اعتراف، پیشنهاد کردند که همان اموال را صدقه دهند تا ریشه گناهشان بخشکد، خداوند نیز بر پیشنهاد آنان صحنه نهاد و تنها بخشی از مالشان را پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۸

۸ عقوبت و سرزنش کسانی که در حق آدمی ستم کرده اند پس از اعترافشان به گناه و توبه از آن ، به دور از شأن نیکوکاران است .

لا تثریب علیکم الیوم

<الیوم> ظرف و متعلق به <تثریب> است و مراد از آن زمانی است که برادران یوسف به

خطای خویش اعتراف نموده و از گناه خود توبه کردند (و إن كنا لخاطئين).

آثار پاکی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۶

۱۶ - رهایی از عذاب دردناک قیامت در گرو لطف خدا و پاک شدن از گناهان و آلودگیهاست .

و لا یكلمهم الله یوم القیمه و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۵

۵- پاکی و دوری از جرم و تبه کاری ، موجب نجات از عذاب الهی در دنیا ( عذاب استیصال )

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین . إلا ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

آثار پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۵

۵ توجه گنهکار به زشتی عمل خویش و اعتراف به آن و نیز ندامت از آن ، به منزله توبه و زمینه بخشش گناه از سوی خدا

اعترفوا بذنوبهم .. عسی الله أن یتوب علیهم

از اینکه خداوند در مقابل <اعترفوا> وعده <عسی الله أن یتوب> را داده است و بعد از اعتراف، مسأله دیگری را به عنوان توبه مطرح نکرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

آثار تبری از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۴

۲۴ - رشد واقعی انسان ، در پرتو محبت دین و بیزاری از کفر و گناه

حَبِّ إِلَيْكُمْ الْإِيمَنُ . . . وَ كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ . . . أَوْلَئِكَ هُمُ الرُّشِدُونَ

آثار ترک گناه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۶

۶ پذیرش توبه گنهکار، در پرتو اعتراف و نیز خشکاندن ریشه های گناه است؛ نه صرف ندامت.

و ءآخرون اعترفوا بذنوبهم .. هو يقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقت

برداشت فوق با توجه به شأن نزول است که در آن چنین آمده: متخلفان از جنگ تبوک به خاطر دلبستگی به مال مرتکب گناه شدند و پس از ندامت و اعتراف، پیشنهاد کردند که همان اموال را صدقه دهند تا ریشه گناهشان بخشکد، خداوند نیز بر پیشنهاد آنان صحنه نهاد و تنها بخشی از مالشان را پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۸

۸ ضرورت ایمان به قیامت و سرای آخرت و لزوم پرهیز از گناهان برای دستیابی به موهبت های اخروی

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و كانوا یتقون

در آیه شریفه بیان نشده که متعلق ایمان (آمنوا) و تقوا (یتقون) چیست؟ به نظر می رسد به قرینه <لأجر الأخره> مراد از ایمان، ایمان به آخرت و مراد از تقوا پرهیز از اموری باشد که مایه محرومیت از پاداشهای اخروی است.

آثار تشویق به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - رضایت و تشویق دیگران به گناه، معصیت و زمینه ساز عذاب است.

إذ انبعث أشقیها .. بذنبهم

آثار تعاون در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۶

۶- فراهم آوردن گان زمینہ گناہ ، همانند مرتکبان گناہ

مستحق عذاب اند .

ففقير .. إنا أرسلنا عليهم

در صورتی که قوم ثمود در ابتلا به عذاب خصوصیتی نداشته باشند، از آیه شریفه استفاده می شود که همه توطئه گران علیه حق، در معرض عذاب اند؛ چه مباشران و چه فراهم آورندگان زمینه جرم و خطا.

آثار تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۴

۴ - برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن بدترین اعمال احتمالی گذشته آنان است .

لهم ما يشاءون عند ربهم .. ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که لام <ليكفر>، برای تعلیل و متعلق به فعل محذوفی است که جمله <لهم ما يشاءون..> بر آن دلالت می کند؛ بر این اساس تقدیر چنین می شود: <وعدهم الله بذلك و يسر لهم ليكفر...>.

آثار تکوینی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۵

۵ - گناه ، دارای آثار تکوینی در نظام زندگی انسان ها است .

و ما أصبكم من مصيبة فيما كسبت أيدكم و يعفوا عن كثير

آثار جبران گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۸

۱۸- برخورداری گناهکاران از رحمت و بخشش خداوند ، مشروط به توبه عملی و تدارک گذشته هاست .

ثمّ إن ربّك للذّين هاجروا من بعد ما فتنوا ثمّ جهدوا و صبروا إن ربّك من بعدها لغف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ -

۱۱ - شمول لطف و رحمت الهی ، نسبت به گنه کاران ، در صورت اقدام عملی آنان به جبران گناهان

قل للمخلفين من الأعراب .. فإن تطيعوا يؤتكم الله أجرًا حسنًا

آثار درك پليدي گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان الهی ( درك حقایقی نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتی گناه ، باور به عدم رستگاری ظالمان و گنه کاران و .. ) عامل عصمت پیامبران است .

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

آثار رضایت به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - رضایت و تشویق دیگران به گناه ، معصیت و زمینه ساز عذاب است .

إذ انبعث أشقيها .. بذنبهم

آثار روحی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۷

۷ گناه ، دارای آثار سوء اجتماعی و روحی ، علاوه بر کیفر الهی

یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم

از آنجا که تکفیر و غفران سیئات به یک معناست ، می توان تکرار آن را اشاره به آثار دنیوی گناهان (آثار سوء اجتماعی ، روحی و .. ) و آثار اخروی آنها دانست . که در صورت تقواییشگی خداوند گناهان را می آمرزد و هر دو نوع اثر را می



زداید.

آثار زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۴

۴ - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و

رسول او ، به خود آنان باز می گردد نه به پیامبر ( ص )

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما عليه ما حمل و عليكم ما حملتم

آثار شیوع گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۵

۵- فراگیری جرم و جنایت در جامعه ، موجب انحطاط و زوال آن خواهد شد .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين .. أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحين

از اینکه ملائکه عذاب قوم لوط به آن حضرت اعلام می کنند که: <آن دابر هؤلاء مقطوع> (نسل آن قوم قطع می شود) و نمی گویند: نسل گنهکاران قطع می شود و نیز در آیه بعد کار <آمدن> به همه اهل شهر نسبت داده شده (و جاء أهل المدینه)، حاکی است که همه مردم شهر قوم لوط آلوده به گناه بوده اند. تعبیر <مجرم> از آنان و نجات خانواده لوط (ع) از عذاب به جز همسر او نیز مؤید برداشت فوق است.

آثار عفو از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۴

۴ - اصلاح رفتار فاسد و جبران ضرر و زیان آثار اجتماعی گناه ، از شرایط توبه حقیقی است .

إلا الذين تابوا من بعد ذلك و أصلحوا

آثار فردی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۱

۱ آثار شوم برخی از گناهان و ظلم ها تنها دامنگیر گناهکار و ظالم ، و برخی دارای آثاری فراگیر بر گنهکار و بی گناه

و اتقوا فتنه لاتصیبین



آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۸

۸ - بار گناه هر فردی ، در مرحله نخست به دوش خود او است ؛ نه دیگران .

و لاتزر وازره وزر آخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۵،۶

۵ - گناه ، جنایتی علیه خود و تعدی به جان خویشان است .

قل یعبادی الذین أسرفوا علی أنفسهم

برداشت بالا- از تعبیر <أنفسهم> به همراه <علی> به دست می آید. از این رو بسیاری از مفسران عبارت <أسرفوا علی أنفسهم> را به <جنوا علیها> معنا کردند (روح المعانی آلوسی و الکشاف زمخشری).

۶ - ضرر و زیان گناه و اسراف ، متوجه خود انسان است .

الذین أسرفوا علی أنفسهم

برداشت یاد شده از آمدن لفظ <علی> به دست می آید.

آثار گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۵

۵ - گناه ، مایه دور شدن آدمی از خداوند است .

فتوبوا إلی بارئکم

<توب> و <توبه> (مصدر توبوا) به معنای رجوع کردن و بازگشتن است. این معنا می رساند که: انسان با ارتکاب گناه از خداوند فاصله گرفته، از او دور می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۸

۱۸ - بازگشت زیان معصیت به گنهکار است نه متوجه ساحت قدس خداوند

و ما ظلمونا و لکن كانوا أنفسمهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۶

۳۶ - تجاوزگری و ارتکاب گناهان ، آدمی رابه سوی کفر گرایش داده و بر کشتن

رهبران الهی بی پروا می سازد .

یکفرون بأیت الله .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۳،۴

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أتخذتم عند الله عهداً .. بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

۴ - گنهکارانی که گناهانشان سراسر وجود آنان را فرا گیرد ، در آتش دوزخ برای همیشه گرفتار خواهند شد .

من کسب سیئه و أحطت به خطیئته فأولئک أصحاب النار هم فیها خلدون

<سیئه> و <خطیئته> هر دو به معنای بدی و گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۶

۶ - گریز باور داران به قیامت از مرگ و ناپسند شمردن آن ، به خاطر ارتکاب گناهان و ترس از عذاب اخروی است .

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

<باء> در <بما قدمت> سبیه است. بنابراین جمله <لن یتمنوه...> گویای این حقیقت است که گناهان از عوامل ترس از مرگ است. گفتنی است که چون جمله فوق درباره باورداران به خدا و قیامت است، علت یاد شده مخصوص آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۳۸

۳ سرسختی ، غرور و تکبر برخاسته از گناه ، مانع نصیحت پذیری حاکمان مفسد

و اذا قیل له اتق الله اخذته العزه بالاثم

بنابراینکه <بالاثم>، متعلق به <العزه> باشد.



حاکمان مُفسد ، در حصار سرسختی ، تکبر و غرور برخاسته از گناه خویش هستند .

و اذا تولّى .. اخذته العزّه بالاثم

بنابراینکه <تولی>، به معنای پذیرش حکومت باشد و <باء> در <بالاثم>، سببیه و متعلّق به <العزّه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۶

۶ شراب و قمار ، موجب کُندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

<الاثم>: اسم للافعال المُبطئه عن الثواب (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۷

۷ تغییر شخصیت معنوی انسان ، در اثر کار های لغو و بیهوده \*

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

آیه مزبور احتمالاً در صدد تقسیم سوگند به لغو و جدّ و کفّاره داشتن یکی و نداشتن دیگری نیست؛ بلکه در صدد بیان این است که اگر چه خداوند در سوگندهای لغو کیفری قرار نداده است؛ ولی این عمل حکایت از قلبی بیمار دارد و یا اینکه به تدریج به بیماری قلب و دل می انجامد و خداوند بر این بیماری مؤاخذه می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۵،۶

۵ ناسپاسان از نعمت ها و گنهکاران ، محروم از محبت الهی

و الله لا یحبّ کل کفّار اثم

۶ رباخواران ، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبت الهی

یمحقّ الله الرّبوا .. و الله لا یحبّ کلّ کفّار اثم



کلمه <کفّار> (بسیار ناسپاس) و کلمه <اثیم> (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس

از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ گناهان ، خود ، مایه و وسیله عذاب و کافران است .

فاخذهم الله بذنوبهم

بنابراینکه <باء> در <بذنوبهم> برای استعانت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۲

۲ کفر و کشتن پیامبران و عدالتخواهان ، گناه بزرگی است که همه اعمال نیک را می زداید و تباه می کند .

انّ الذین یکفرون .. اولئک الذین حبطت اعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۴

۱۴ عذاب اُخروی آدمی ، نتیجه کفر و اعمال بد او

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

<تکفرون .. > ، می تواند هم شامل کفر عملی و هم اعتقادی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۸

۱۸ گناه ، عصیان ، تعدی و تجاوز مداوم ، موجب کفر به آیات الهی

بانّهم کانوا یکفرون بآیات الله و یقتلون الانبیاء بغير حقّ ذلک بما عصوا و کانوا

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۳

۳ گناه ، ستم بر خویشان است .

او ظلموا انفسهم .. فاستغفروا لذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ برخی از گناهان آدمی ، در پی دارنده عذاب های دنیوی

کیف کان عاقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۴،۵

۴ پرورش یافتگان مکتب انبیا ، گناه و اسراف ( زیاده روی در امور ) را نقطه ضعف و مانع پیروزی خود می دانند . \*

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا .. و انصر

از اینکه مردان الهی نصرت و پیروزی بر دشمنان را پس از درخواست آموزش گناهان طلب می کنند (اغفرلنا .. و انصرنا)، معلوم می شود که آنان پیروزی را در گرو پاکی از گناه می دانند.

۵ گناه و تجاوز از حد ، موجب فاصله گرفتن مجاهدان راه خدا ، از پیروزی \*

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۳۱

۳۱ مؤمن را به مجرد یک گناه ، نمی توان از صفوف اهل ایمان خارج دانست .

و لقد عفا عنکم و الله ذو فضل علی المؤمنین

از مصادیق مورد نظر کلمه <المؤمنین> ، کسانی هستند که در نبرد احد مرتکب گناه شدند / و گر نه فضل بر مؤمنان نمی توانست دلیل عفو آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۴،۶

۴ گناهان آدمی موجب نفوذ شیطان در او

انما استزلهم الشیطان ببعض ما کسبوا



از <ما کسبوا> تمامی رفتار (پسندیده و ناپسندیده) باشد. بنابراین مراد از <بعض>، گناه و رفتار ناصواب خواهد بود.

۶ پاره ای از گناهان، زمینه ساز نفوذ شیطان در انسان و گمراهی او

انّما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبوا

بنابر اینکه مراد از <ما کسبوا>، خصوص گناهان باشد، نه تمامی اعمال. بنابراین برخی از گناهان، زمینه نفوذ شیطان را فراهم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۱۴

۱۴ تحقق خذلان الهی، به رها کردن و حایل نشدن خداوند بین بنده خویش و معصیت

ان ینصرکم الله فلا غالب لکم و ان یخذلکم

امام صادق (ع) درباره <خذلان> در آیه فوق فرمود: .. و متی خلی بینه و بین تلک المعصیه فلم یحل بینه و بینها حتی یرتکبها فقد خذله و لم ینصره و لم یوقفه.

---

توحید صدوق، ص ۲۴۲، ح ۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۱

۱۱ مهلت خداوند به کافران، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الذّین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا انّما

<انّما>، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت بازمی دارد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۲۵

۲۵ گناه و اعمال ناشایست، مانعی در راه همشانی و همراهی با ابرار

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ

كَفَّرَ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ

درخواست آمرزش گناه و آنگاه تقاضای همراهی با ابرار، دلالت بر برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۲۵

۲۵ گناه ، حجابی بین انسان و بهره گیری او از جلوه رحمت الهی

و لو اَنَّهُمْ اذ ظلموا .. لو جددوا الله تَوَاباً رَحِيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۵

۵ گناه ، ستم بر خویشان است .

و من يعمل سوءاً او يظلم نفسه ثم يستغفر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۱،۴،۵،۶

۱ آثار زیانبار گناه ، دامنگیر خود انسان

و من يكسب اثمًا فانما يكسبه على نفسه

۴ خداوند باز گرداننده آثار زیانبار گناه به گنهکاران

فانما يكسبه على نفسه و كان الله عليماً حكيماً

جمله <كان الله عليماً حكيماً> می رساند که تحمیل آثار سوء آدمی به دست خداوند است.

۵ خداوند ، آثار سوء گناه آدمی را بر اساس علم خویش و بدور از هرگونه خطا به وی باز می گرداند .

و من يكسب اثمًا فانما يكسبه على نفسه و كان الله عليماً حكيماً

توصیف خداوند به <علیماً> برای رساندن این معناست که در باز گرداندن آثار سوء گناه، هیچ خطایی رخ نخواهد داد.



۶ بازگرداندن آثار زیانبار گناه به گنهکاران ، کاری حکیمانه

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۷

۷ برخی گناهان ، در پی دارنده عقوبت های

دنیوی است .

فقالوا أرنا الله جهرة فأخذتهم الصعقة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۲

۲ گناه و تخلف از فرامین خدا می تواند در پی دارنده کیفر و عقوبت های دنیوی باشد .

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۴

۱۴ آلوده شدن گروهی از یهودیان به گناه ، موجب تحریم طيبات الهی بر تمامی آنان

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم ... و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۶، ۴۳، ۴۲

۴۲ اضطراری که در طریق گناه به وجود آید ، مجوز ارتکاب محرمات نخواهد بود .

فمن اضطر في مخصصه غير متجانف لاثم

مراد از <اثم> به دلیل نکره بودن آن، مطلق گناه است و <غير متجانف لاثم> حال برای <من اضطر> است و اضطرار را مقید می کند. یعنی حکم جواز مخصوص مضطری است که به سوی گناه در حرکت نباشد.

۴۳ عدم تمایل به گناه ، شرط جواز استفاده از محرمات در حال اضطرار \*

فمن اضطر ... غير متجانف لاثم

۵۶ بهره گیری مضطر از مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و ... ، مشروط به آن است که از روی عمد و قصد گناه نباشد .

فمن اضطر في مخصصه غير متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح <غیر متجانف> در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

---

تفسیر قمی، ج

۱، ص ۱۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۷، ۱۸، ۱۳

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد، عذر نیست.

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

۱۷ گناه، از عوامل فراموشی و نسیان معارف الهی

فبما نقضهم ميثقهم .. و نسوا حظاً مما ذكروا به

۱۸ فراموشی، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد، عذر نیست.

و نسوا حظاً مما ذكروا به

از اینکه خداوند بنی اسرائیل را به خاطر فراموشی دستورات الهی مذمت کرده، معلوم می شود فراموشی آنان عذر نبوده است. چرا که این فراموشی، کیفر پیمان شکنی آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۹

۹ یهود و نصارا به دلیل ارتکاب گناه، نه محبوب خدا هستند و نه مقرب درگاه او

نحن ابئوا الله و احبوه قل فلم يعذبكم بذنوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ تمرد و گناه بنی اسرائیل، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فأفرق بيننا و بين القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۱۷ جنایت و آدمکشی ، حاکی از جرأت و جسارت نسبت به خداوند جهانیان است .

ما إِنَّا بِنَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لَا قَتْلُكَ انِي اخاف الله رب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۸

۸ گناه آدمی ، همواره ملازم وی

ان تبوا باثمی و اثمک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۹

۹ گرفتاری به کیفر های گناه ، موجب از دست رفتن فرصت توبه و بازگشت به خدا

الا الذين تابوا من قبل ان تقدروا عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۷

۷ گناه ، موجب دوری از رحمت خداوند

فإن الله يتوب عليه

توبه خداوند بر بندگان به معنای بازگشت رحمت او به آنان است. بنابراین گناهکار قبل از توبه از رحمت خداوند به دور بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۱،۲۳ - ۱۷

۱۷ برخی گناهان ، مایه محرومیت از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر ( ص )

فان تولوا فاعلم انما يرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ان یصیبهم> همان گرفتار ساختن گنهکاران به رویگردانی و نپذیرفتن احکام قرآن باشد.

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما يرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

کلمه <بعض> می تواند اشاره به

این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد؛ نه همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۲۳ برخی گناهان اهل کتاب، موجب گرفتاری حتمی آنان به عذاب الهی

انما یریدالله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

در برداشت فوق <ان یصیبهم> به معنای گرفتار ساختن به عذاب گرفته شده است. قابل ذکر است که <بعض ذنوبهم> می تواند اشاره به این باشد که برخی گناهان به گونه ای است که خداوند مرتکبان آن گناه را قطعاً به عذاب گرفتار خواهد ساخت و لذا توفیق حق پذیری را از آنان سلب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۶،۲۰

۱۶ انحطاط و نابودی بسیاری از تمدنها پیش از اسلام به سبب گناه و ستیز با حق

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم . . . فأهلكنهم بذنوبهم

۲۰ هلاکت امتهای و نابودی تمدنها بر اثر کفر و گناه، از سنتهای الهی است.

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم من قرن . . . فأهلكنهم بذنوبهم

جمله <فأهلکناهم>، بیان قاعده و قانونی است که جمله <ألم یروا کم أهلکنا . . .> جریان آن را در طول تاریخ نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و



توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ گناه و تبهکاری ، زمینه ساز پیدایش روحیه استکباری و مایه انکار آیات الهی است .

فاستکبروا و کانوا قوما مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۲

۳۲ بازگشت زیان گناه به گنهکار است ، نه متوجه ساحت قدس خداوند

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انفال - ۸ - ۵۳ - ۷،۱۲

۷ محرومیت جوامع بشری از نعمت های الهی ، پیامد گرفتار شدن آنان به کفر و گناه است .

ذلک بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

<ذلک> علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و

نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انفال - ۸ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ هلاکت فرعونیان و امت های کافر پیشین ، نمودی از زوال نعمت ها در نتیجه ظلم و گناه

ذلك بأن الله لم يك مغيرا نعمه أنعمها على قوم حتى يغيروا ..

و کل کانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۸،۹

۸ گناه تخلف از وظیفه جهاد ، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع الله علی قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنانه منافقان باشد نه علت آن.

۹ مهر شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۹،۱۰

۹ قوم عاد ، بر اثر شرکورزی و ارتکاب گناه ، به کمبود باران مبتلا شده بودند .

ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن ، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

۱۰ شرکورزی ، ارتکاب گناهان و مخالفت با پیامبران الهی ، از عوامل کمبود موهبت های دنیوی است .

استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۳۱

۳۱ > عبدالله بن الفضل الهاشمی قال : سألت أبا عبد الله جعفر بن محمد (ع) عن قول الله عزوجل : ... > و ما توفیقی إلا بالله

< ... قال : إذا فعل العبد ما أمره الله عزوجل به من الطاعة كان فعله وفقاً لأمر الله

عزوجل و سمي العبد به موقفاً و إذا أراد العبد أن يدخل في شيء من معاصي الله فحال الله تبارك و تعالی بينه و بين تلك المعصيه فتركها كان تركه لها بتوفيق الله تعالی ذكره ... ۱

عبدالله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل: .. <و ما توفیقی إلا بالله> پرسیدم، فرمود: هرگاه بنده طاعتی را که خدا به آن امر کرده انجام دهد، عمل او با امر خدا موافق است و آن بنده موفق خوانده می شود (توفیق خدا شامل حال او شده) و هرگاه بنده ای بخواهد گناهی انجام دهد و خداوند تبارک و تعالی بین او و آن معصیت مانعی ایجاد کند که موجب ترک آن گردد، این ترک گناه به توفیق خداوند متعال خواهد بود ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ ارتکاب گناه ، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی است .

قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲۲، ۲۰، ۱۹

۱۹ یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکماً و علماً . . . و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و

حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

۲۰ گناه ، موجب سلب علوم خدادادی و موهبتی است .

و ءاتینه حکماً و علماً .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

۲۲ ارتکاب گناه ، سفاهت و بی خردی است .

أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲، ۲۱

۲۱ > عن أبی عبدالله (ع) قال : إن أبی کان یقول : إن الله قضی قضاءً حتماً لا ینعم علی عبده بنعم فسلبها إیاه قبل أن یحدث العبد ذنباً ینستوجب بذلك الذنب سلب تلك النعمه و ذلك قول الله : < إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم می فرمود خداوند به قضای حتمی خود مقرر کرده است که هر نعمتی را به بنده اش بدهد از او باز نستاند، مگر اینکه آن بنده گناهی را مرتکب شود که موجب سلب آن نعمت گردد و این است سخن خدا که فرمود: <إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم>.

۲۲ > عن علی بن الحسین (ع) یقول : الذنوب التي تغیر النعم ، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر ، و اصطناع المعروف ، و کفران النعم ، و ترک الشکر . قال الله عزوجل : < إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم > . . . ;

از امام زین العابدین(ع) روایت شده است که می فرمود: گناهانی که موجب تغییر

نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: *إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ*.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۹ - ۳

۳- جرم و گناه پیشگی عامل اسارت مجرمان در زنجیرها و بندها در قیامت

و ترى المجرمين يومئذ مقرنين فى الأصفاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۱۸

۱۸- برخی از گناهان ، در پی دارنده عذاب دنیوی اند .

فانظروا كيف كان عقبة المكذبين

دعوت به دقت و ژرف کاوی در فرجام تکذیب کنندگان انبیا، مشعر به این نکته است که تکذیب گران گرفتار عذاب شده اند. بنابراین به دست می آید که برخی از گناهان (تکذیب انبیا) عذاب دنیوی در پی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- ارتکاب برخی از گناهان ، عذاب دنیوی در پی دارد .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض أو يأتيهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۱۱

۱۱- ظلم و گناه ، مانع از برخورداری انسان از غفران و رحمت گسترده خدا

كانوا أنفسهم يظلمون .. ثم تابوا ... إن ربك من بعدها لغفور رحيم

تعبیر و قید <من بعدها> می رساند که قبل از توبه واقعی، انسان نمی تواند از بخشش و رحمت الهی با همه گستردگی آن

سود جويد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱

۱- جوامع و ملت های بسیاری پس از دوران نوح (ع) در نتیجه فسق و گناه و به اراده خداوند نابود شدند .

ففسقوا .. و کم أهلکنا من القرون

<قرن> (مفرد قرون) به معنای قومی است که نزدیک به یک زمان و در یک عصر زندگی می کنند (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۸

۸- گناه ، زمینه ساز هراس و نگرانی انسان در قیامت است .

فترى المجرمین مشفقین ممّا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۴

۴- نابود ساختن جوامع ، در نتیجه گناه و ستم شان ، سّت دیرینه الهی در کیفر ظالمان است .

و تلك القرى أهلکنهم لئما ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۲۲

۲۲ - پی آمد های هر گناه ، برای تمامی مرتکبان آن گناه یکسان نیست .

فأکلا .. و عصی ءادم ربّه فغوی

مطرح نشدن عصیان حوا، شاید به این جهت باشد که وی در عصیان خود اصالت نداشت؛ بلکه عملکرد شوهرش را سرمشق خود ساخته بود. در نتیجه آثار عصیان او در حد عصیان آدم نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۲- ملائکه ، در صورت گناه و لغزش ، از عذاب الهی در امان نخواهند بود .

و من یقل منهم إتی إله من دونه فذلک نجزیه جهنم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۹

۹- ظلم به نفس ، موجب گرفتاری انسان به غم و اندوه است .

فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ... إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ... وَنَجِّينَهُ مِنَ الْغَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۸

۸ - گناه ، مانع بر خورداری انسان از رحمت الهی

فاغفر لنا و ارحمنا

تقدم طلب غفران بر رحمت، می تواند اشاره به این مطلب باشد که با وجود گناه و آثار آن، نمی توان به رحمت الهی دل بست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۶

۶ - گناه ، مانع بر خوردار شدن انسان از رحمت الهی

و قل رب اغفر و ارحم

تقدیم <طلب غفران> بر <طلب رحمت>، می تواند اشاره به این داشته باشد که با وجود گناه و آثار آن به رحمت الهی نمی توان دل بست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - پیامد گناه هر کسی ، گریبان گیر خود او است .

لِكُلِّ امْرِي مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان ، بر حذر داشت .

ولا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقَرَبِيِّ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ

<إيتاء> (مصدر <يأتلى>) می تواند مشتق از <الو> به

معنای <تقصیر و منع> باشد. هم چنین می تواند از <الیه> به معنای <حلف> و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای <حلف> باشد، <یؤتوا> منفی به <لا-> ی محذوف است؛ یعنی، <لا یحلفوا أن لا یؤتوا...> درباره شأن نزول آیه شریفه دو نظر وجود دارد: ۱ آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای <افک>، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. ۲- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای <افک>، از انفاق به <مسطح بن اثابه> که پسرخاله یا پسر خواهر وی بود امتناع ورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۳، ۳۵

۳۳ - گناه، مانع فلاح و رستگاری است.

توبوا إلى الله جميعًا .. لعلکم تفلحون

از این که خداوند مؤمنان را برای رسیدن به فلاح و رستگاری، به توبه و بازگشت از راه خطا و گناه فرا خوانده است، می توان استفاده کرد که گناه و خطا، مانع از رستگاری است و باید با توبه این مانع را از سر راه برداشت.

۳۵ - گناه، موجب کفر و بیرون آمدن از زمره مؤمنان نیست.

توبوا إلى الله جميعًا أيه المؤمنون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که خداوند، مؤمنان گناه کار را با عنوان <مؤمنان> خطاب کرده است و این می رساند که انسان به صرف گناه کردن، کافر نشده و از صف مؤمنان بیرون نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۹

پیشگی و تبه کاری ، موجب محرومیت از غفران و رحمت الهی

لابشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۳

۳ - آشکار گشتن پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و ما أضلنا إلا المجرمون . . . و لاصدیق حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۲

۲ - جرم و گناه ، زمینه ساز حق ناپذیری

كذلك سلكنه فی قلوب المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۲ - ۲

۲ - غوطه‌وری مجرمان در گناه و تباهی ، مایه غفلت آنان از عذاب الهی

فیأتیهم بغته و هم لا یشرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۲

۲ - دروغ پردازی و گناه ، نمود های تصرف شیاطین در قلب و روح انسان

تنزل علی کل أفاك أئیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۵

۵- ارتکاب گناه ، ظلم و درپیی دارنده کیفر الهی

لا یخاف لدی المرسلون . إلامن ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۴

۴- قرار گرفتن ثمودیان در مشکلات و گرفتاری ها به خاطر گناهان

لولا تستغفرون الله لعلکم ترحمون

از تعبیر <لعلکم ترحمون> استفاده می شود که ثمودیان بر اثر گناهان، گرفتار بدبختی و مشکلات شده بودند و بیرون آمدن از آن و جلب رحمت خداوند، نیازمند استغفار بوده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۹ - ۶

۶ - جرم و تبه کاری ، عامل هلاکت جوامع پیشین

فانظروا کیف كان عقبه المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۴

۴ - ظلم و گناه خود انسان ، مایه ابتلای وی به عذاب الهی

و وقع القول عليهم بما ظلموا

<با> در <بما ظلموا> برای سببیت و نشانگر آن است که سبب اصلی محکومیت کافران به عذاب الهی، ظلم و ستم خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۲

۲ - نگه داشتن اعمال نیک تا صحنه قیامت و از دست ندادن آنها در نتیجه گناه ، شرط بهره‌وری انسان از ثمرات آن

من جاء بالحسنة فله خير منها

واژه <جاء> می تواند اشاره به این داشته باشد که اعمال نیک، در صورتی ثمربخش است که انسان بتواند تا پایان عمر آن را حفظ کرده و با گناهان خود موجبات حبط آن را فراهم نکند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۲

۲ - به همراه بردن گناهان تا صحنه قیامت ، عامل دوزخی شدن انسان

و من جاء بالسئته فكبت وجوههم في النار

به کارگیری واژه <جاء> ممکن است اشاره به این داشته باشد که کردار بد، در صورتی زیان بخش است که انسان از آن

توبه نکند و با سنگینی بار گناه در عرصه قیامت حاضر شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ -



۳ - گناه ، وبال گردن آدمی و باری سنگین بر دوش او است .

و ليحملن اَثقالهم و اَثقالاً مع اَثقالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۴،۱۶

۴ - آلودگی به گناه ، در پی دارنده عذاب و هلاکت است .

فكلاً أخذنا بذنبه

۱۶ - آلوده شدن به گناه ، ستم به خویش است .

فكلاً أخذنا بذنبه . . . ولکن كانوا أنفسمهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۳

۳ - جرم و گناه ، عامل ناامیدی انسان ، در قیامت است .

و يوم تقوم الساعة يبلس المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - گناهان ، در سرنوشت انسان ها ، تأثیر سوء دارند .

و إن تصبهم سيئه بما قدمت أیدیهم

بی شک، مراد از <ما قدمت> به قرینه مقام، رفتار خوب و پسندیده نیست و بلکه گناهان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - پرداختن به کارهای خیر، مانند انفاق به نیازمندان با توجه به دستاورد بدکارهای نادرست لازم است.

تصبهم سیئه بما قدّمت أیدیهم .. فأت ذا القربی حقّه

<فا> در <فآت> می تواند فصیحه و مربوط به فراز <إن تصبهم> در آیات قبل باشد؛ یعنی: <حال که سیئه، در پی دارنده ناگواری است، پس، از آن پرهیز و حقوق خویشاوندان و .. را ادا کنید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - گناه و معصیت انسان ها ، زمین ها و دریا ها را از بازدهی و سودبخشی ساقط می کند .

ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس

۷ - تمامی پدیده های خشکی و دریا ، گرفتار آثار گناه آدمیان است .

ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس

۱۰ - خداوند ، به منظور تنبّه انسان ها ، تنها بخشی از گناهان را کیفر می هد .

ظهر الفساد فی البرّ . . . لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون

۱۳ - فلسفه از دست رفتن امکانات دنیوی ، در پی گناه ، تنبیه گناهکاران جهت بازگشت از خطا به صراط مستقیم است .

ظهر الفساد فی البرّ . . . لیذیقهم بعض الذی عملوا

<لام> در <لیذیقهم> لام عاقبت است و <لعلّ> معنای تعلیل دارد و مراد از <فساد> براساس ریشه لغوی آن، یعنی خروج شیء از اعتدال (تباه شدن)، قابل بهره برداری نبودن امکانات و یا از دست دادن آنها است. بنابراین، خداوند، در پی آلوده شدن انسان ها، به گناه، آنان را مبتلا می کند تا به این صورت، بیدارشان سازد.

۱۴ - گناه ، عامل دوری معنوی انسان از خدا است .

لعلّهم یرجعون

۱۸ - > قال الصادق (ع) : حياه دوابّ البحر بالمطر ، فإذا کُفّ المطر ظهر الفساد فی البرّ و البحر و ذلك إذا کثرت الذنوب و المعاصی . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: حیات جنیدگان دریا، وابسته به باران است و اگر باران نبارد، در خشکی و دریا، فساد آشکار می شود. آن، هنگامی است که گناه و معصیت ها زیاد

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - غیر از شرک ، گناهان دیگری وجود دارد که موجب گرفتار شدن به عذاب دنیوی می شود .

فانظروا كيف كان عقبة الذين .. . كان أكثرهم مشركين

فرمان به مطالعه در عاقبت کسانی که به خاطر انحراف و پیمودن راه نادرست، گرفتار عذاب شدند و آنگاه یادآوری این نکته که اکثر آنان، مشرک بودند، نشان می دهد که در میان گرفتار شدگان به عذاب، غیر مشرک هم بوده اند. بدیهی است از آن جایی که موحدان، گرفتار عذاب نمی شوند، به دست می آید که آنان، گناهکار بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۲

۲ - گناه و اسراف ، مانع از تقرب انسان به خداوند است .

قل يعبادى الذين أسرفوا

از این که خداوند، پیامبر(ص) را مأمور ابلاغ پیام رحمت الهی به گنه کاران کرده و خود آنان را مستقیماً مورد خطاب قرار نداده است، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - گناهان ، زمینه ساز عذاب الهی و نابودشدن تمدن ها ، قدرت ها و آثار ملی

فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۹

۹ - اسراف و زیاده روی در گناه و حق ستیزی ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

وَأَنَّ الْمَسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ -

۳ - تأثیر گناه ، در گرفتار آمدن انسان ها به قحطی و خشکسالی

و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا . . . و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

سیاق آیات ، می تواند بیانگر این نکته باشد که رحمت و قدرت الهی گسترده و فراگیر است و قحطی ها و خشکسالی ها بازتاب عملکرد خود انسان ها است.

۹ - > هشام بن سالم عن أبی عبدالله ( ع ) قال : أما انه لیس من عرق یضرب و لا نکهه و لا صداع و لا مرض إلا بذنب و ذلك قول الله عزوجل فی کتابه > و ما أصابکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم و یعفو عن کثیر < قال : ثم قال ما یعفو الله أكثر مما یؤاخذ به ;

هشام بن سالم از امام صادق(ع) روایت نموده که فرمود: هیچ رگی نمی زند و هیچ گرفتاری و سردرد و مرضی عارض نمی شود مگر این که اثر گناهی است که انجام گرفته، و این است سخن خدای عزوجل در کتاب خودش > و ما أصابکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم و یعفو عن کثیر < سپس امام فرمود: آنچه را خدا عفو می کند بیشتر از آن است که مورد مؤاخذة قرار می دهد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تدبیر های بشری برای جلوگیری از بازتاب های گناهان خود ، فاقد تأثیر و کارایی است .

و ما أصبکم . . . و ما أنتم بمعجزین فی الأرض

برداشت یاد شده برپایه ارتباط این قسمت از آیه، با آیه

قبل است.

۱۱ - بازتاب گناهان انسان به صورت مشکلات دنیایی، تدبیری الهی در جهت بازداشتن انسان از سرکشی و تجاوز است.

و ما أصبکم من مصیبه فیما کسبت أیدیکم .. و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و ما لکم م

سیاق آیات، نشانگر بیان گونه های مختلف از یک حقیقت است؛ چه این که باران، غفران، ولایت و نصرت گونه هایی از روزی خداوند برای انسان ها است که از پس خشکسالی، گناه و مصیبت به انسان ارزانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۵

۵ - عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أو یوبقهنّ بما کسبوا و یعف عن کثیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ - > عن أمير المؤمنين (ع) : من تصدّى بالإثم أعشى عن ذکر الله تعالی و من ترک الأخذ عمّن أمر الله بطاعته قیض له شیطاناً فهو له قرین ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: هر کس مرتکب گناه شود از یاد خدا روی گردان شده و کوردل می گردد و کسی که ترک کند گرفتن [معارف دین] را از کسی که خداوند اطاعت او را فرمان داده است، خداوند شیطانی را برای او قرار می هد که همدم او خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ - گناه و فسق انسان ها، موجب گرفتار آمدن آنان به مخالفت با پیامبران و فرورفتن

در منجلا ب حكومت های طاغوتی

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۲

۲ - گناه پیشگی ، عامل ورود به جهنم و جاودانگی در عذاب

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۳

۳ - کفر و گناه پیشگی ، موجب عذاب پیوسته و اندوه پایان ناپذیر در قیامت

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ... و هم فيها ملبسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۶

۶ - گام نهادن آدمی در وادی کفر ، شرک و گناه ، در حقیقت ظلم آدمی به خویش است .

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ... و ما ظلمنهم و لكن كانوا هم الظالمين

به کار رفتن واژه <ظالم> به جای <مجرم> ، حاکی از آن است که جرم و گناه بیان شده در آیات پیشین، همان ظلم و ستم آدمی به خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۵،۷

۵- جرم پیشگی ، عامل هلاکت قوم < تبع > و اقوام هلاک شده قبل از آن

أهم خير أم قوم تبع و الذين من قبلهم أهلكنهم إِنَّهُمْ كَانُوا مجرمين



۷- جرم پیشگی مردمان و حق ناپذیری ایشان ، زمینه ساز عقوبت آنان در دنیا

أهلکنهم إنهم كانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۵

۵- آزاد پنداشتن خویش در ارتکاب هر گناه ، مستلزم پوچ انگاری آفرینش

إنهم كانوا مجرمین . و ما خلقنا السموت

و الأرض و ما بينهما لعین

از ارتباط این آیه با آیه قبل که در توبیخ امت های جرم پیشه بود مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۶

۶- عزت ها و شرافت های دنیوی ، متکی به گناه و حق ستیزی ، ناپایدار و منتهی به ذلت و درماندگی است .

ذق إنَّك أنت العزيز الکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۳

۳- پیوستگی گناه ، با تردید و ناباوری نسبت به قیامت

طعام الأثیم .. إنَّ هذا ما كنتم به تمترن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۷ - ۴

۴- دروغ پردازی علیه دین و آیات الهی ، دارای ریشه در گناه پیشگی فرد

أفأك أثیم

می توان گفت: <أثیم> در مقام بیان فلسفه <أفأك> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۸ - ۱۰

۱۰- دروغ پردازی و گناه پیشگی ، مانع از شنود و دریافت بایسته آیات الهی است .

أفأك أثیم . یسمع ءایت الله ... ثم یصرّ مستكبرًا كأن لم یسمعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- مجازات و کیفر الهی پی آمد آلودگی به گناه است / نه صرف هر لغزش \*

بما کانوا یکسبون .. و من أساء فعلیها

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در مورد عمل صالح، تعبیر <عمل صالحاً> با تنوین

تقلیل ذکر شده است که کم ترین اعمال ارزشی را نیز شامل می شود ولی در مورد اعمال زشت، تعبیر <أساء> به کار رفته است و نه <عمل سیئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۲۴ - ۴

۴ - گناه پیشگی و هواپرستی ، دارای پیوند با بی اعتقادی به حیات اخروی

اجترحو السیئات .. اتخذ إلهه هویه ... و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۳۱ - ۵،۷

۵ - استکبار و جرم پیشگی ، مهم ترین عامل گرایش کافران به کفر و انکار آیات الهی

ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین

با توجه به این که خداوند، درباره کافران تنها به دو ویژگی (استکبار و جرم پیشگی) تصریح کرده است؛ اساسی بودن عوامل یاد شده در گرایش کافران به کفر استفاده می شود.

۷ - روحیه استکباری کافران در برابر آیات الهی ، معلول عملکرد و جرایم گذشته خود آنان \*

فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین

براساس این احتمال که تعبیر <و کنتم> .. در مقام تعلیل گرایش کافران به استکبار باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۳۲ - ۹

۹ - انکار قیامت و اظهار ناباوری به آن ، به رغم پیام های مکرر وحی ، معلول استکبار و جرم پیشگی است . \*

فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین .. قلتما ندری ما الساعه

برداشت بالا با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و این نکته

است که <قلتم ما ندری..> به عنوان نمودی از استکبار و جرم پیشگی کافران یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۸

۱۸- گناه ، مانع برخورداری انسان از رحمت گسترده خداوند \*

و هو الغفور الرحيم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم <الغفور> بر <الرحيم>، اشاره به این جهت داشته باشد که تا غفران الهی شامل انسان نشود، زمینه برای بهره‌وری وی از رحمت گسترده خداوند مهیا نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۱

۱۱- غفران الهی ، پناهگاه مؤمنان از آثار سخت گناهان و عذاب دردناک

يغفر لكم... و يجركم من عذاب أليم

در برداشت یاد شده عطف <يجركم..> بر <يغفرلكم...> تفسیری دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۶، ۱۴

۱۴- گناهان ، پدید آورنده مشکلات و نابسامانی ها در شؤون زندگی انسان \*

كفر عنهم سيئاتهم و أصلح بالهم

از تقدم <سيئات> استفاده می شود که وجود گناهان عامل نابسامانی ها است و با آموزش آنها، امور دیگر نیز سامان می یابد.

۱۶- گناه ، مایه تیرگی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان \*

كفر عنهم سيئاتهم و أصلح بالهم

میان سیئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علی و سببی باشد. از تقدم سیئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که <بال> به معنای قلب

باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۹

۹- ثمربخشی اعمال نیک ، منوط به حفظ آن تا پایان عمر و نابود نکردن آن باگناه و نفاق

ذلك بآئهم اتبعوا ما أسخط الله و كرهوا رضونه فأحبط أعمالهم

<فأحبط أعمالهم>، در حقیقت پاسخ به این سؤال مقدر است که: مرتدان و اهل نفاق، گرچه سرانجام به انحراف گراییدند؛ اما در آغاز، اعمال نیک نیز داشته اند و با وجود آن اعمال، چرا عذاب شوند؟ آیه شریفه پاسخ می دهد که نفس انجام نیکی ها، کافی نیست؛ بلکه باید آن را از حبط و سقوط مصون داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۷

۷- ایمان و کفر و طاعت و معصیتِ خلق ، بی تأثیر در ساحت خداوندی \*

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... لَنْ يَضُرَّوْا اللَّهَ شَيْئًا

جمله <لَنْ يَضُرَّوْا اللَّهَ شَيْئًا> می رساند که کفر و عصیان خلق در برابر خدا و رسول او، زیانی به خداوند نمی رساند. به قرینه مقابله می توان استفاده کرد که ایمان و طاعت آنان نیز، نفعی برای خداوند ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ - گناه ، مانع برخورداری انسان از رحمت گسترده حق \*

و الله غفور رحيم

تقدم <غفور> بر <رحيم>، ممکن است از این جهت باشد که گناه، مانع برخورداری از رحمت حق است. از این رو بخشش آن گناهان، زمینه شمول رحمت گسترده حق نسبت به انسان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات -

۳ - عوامل حیات آفرین طبیعت ، مایه نابودی ملت ها در نتیجه کفر و گناه

أرسلنا عليهم الريح العقيم

تعبیر <الريح العقيم> (باد نازا) می رساند که باد، آثار مختلفی دارد و اصولاً در نظام طبیعت، یکی از عوامل گسترش حیات به شمار می آید. اما همین نیروی طبیعی به اراده الهی و در نتیجه کفر مردم، نه تنها زاینده حیات نخواهد بود؛ بلکه زداینده آن خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۶ - ۴

۴ - جامعه فرو رفته در فسق و گناه ، در معرض عذاب الهی قرار دارد .

و قوم نوح .. إنهم كانوا قومًا فسقین

بیان سرنوشت قوم نوح و علت نابودی آنان، در مقام هشدار به همه امت ها است که بدانند، هرگاه علت نزول عذاب در قومی فراهم آید، آنها نیز چون قوم نوح مبتلا خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۶

۶ - فراهم آوردن گان زمینه گناه ، همانند مرتکبان گناه مستحق عذاب اند .

فعر .. إنا أرسلنا عليهم

در صورتی که قوم ثمود در ابتلا به عذاب خصوصیتی نداشته باشند؛ از آیه شریفه استفاده می شود که همه توطئه گران علیه حق، در معرض عذاب اند؛ چه مباشران و چه فراهم آوردن گان زمینه جرم و خطا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۲۴

۲۴ - عدم زدایش تمامی آثار گناهان کافران ، به صرف روی آوردن آنان به ایمان



يأتيها النبي إذا جاءك .. فبايعهن

و استغفر لهّن الله

از این که پس از پذیرش بیعت مؤمنان، باز هم خداوند از پیامبر(ص) خواسته است تا برای ایشان استغفار کند؛ معلوم می شود که به صرف ایمان، تمامی آثار گناهان گذشته محو نشده و نیاز به استغفار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۵

۵ - گناه ، عامل انحراف قلب و روح آدمیان

إن تتوبا إلى الله فقد صغت قلوبكما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۲

۲ - کیفر و عذاب دوزخ برای کافران ، نتیجه و پیامد کوتاهی و تقصیر کاری خود آنان است .

فاعترفوا بذنبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۳

۳ - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی ( همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خویی و بی تباری ) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خفت بار الهی

فلاتطع المكذبین . . . كل حلاف مهين ... عتلّ بعد ذلك زنيماً ... سنسمه على الخرطوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۵

۵ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إنّ الرّجل ليذنب الذّنْب فيدرء عنه الرّزقُ و تلا هذه الآية : > إذ أقسموا ليصرمّنها مصبحين . و لا يستنون . فطاف عليها طائف من ربّك و هم نائمون < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: شخص گناهی را انجام می دهد که

در پی آن روزی از وی دفع می گردد سپس این آیه را تلاوت فرمود: (إِذْ أَقْسَمُوا لِيَصْرَمَنَهَا مَبْحِينِ . وَ لَا يَسْتَنْوْنَ . فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ) <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۷

۷ - گرفتاری و از دست دادن نعمت ها ، بر اثر کیفر گناهان و خطا ها ، سبب توبه و روی آوری انسان ها به سوی خدا

بل نحن محرومون ... إنا إلى ربنا رغبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۷

۷ - جرم پیشگی ، از موجبات عذاب رهایی نیافتنی در قیامت

يُودِّ الْمَجْرِمَ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمئذٍ بَيْنِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۳

۳ - کفر و گناه ، از عوامل خشک سالی و سلب نعمت ها است .

استغفروا ربکم ... يرسل السماء عليكم مدرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۴

۴ - کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهر ها و روستا ها ( نابودی باغ ها ، نهر ها و ... )

استغفروا ربکم ... و یمددکم بأموال و بنین ... و یجعل لکم أنهرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۵ - ۵

۵- بت پرستی و ارتکاب خطاها و گناهان ، از موجبات عذاب الهی در دنیا و عالم برزخ است .

مما خطیتهم

أَغْرَقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۳

۳ - جرم ، از موجبات دوزخی شدن انسان ها است .

عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۳

۳ - جرم پیشگی ، عامل هلاکت و نابودی

کذلک نفعل بالمجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۵

۵ - جرم پیشگی ، عامل محرومیت از نعمت ها و موهبت های بهشت

إنکم مجرمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنکم مجرمون> در مقام تعلیل برای مطالب پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۴

۴ - طغیان گری و گناه بی حد ، پیامد تکذیب آیات و نشانه های خداوند است .

للطغین . . . و کذبوا بآیتنا کذابًا

ارتباط این آیه با آیات پیشین، گویای برداشت یاد شده است. مراد از <آیاتنا>، ممکن است آیات نازل شده از سوی خداوند باشد. هم چنین می تواند علاوه بر آن، آیات و نشانه های وجود و یگانگی خداوند نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۴

۴ - گناه ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

ما غرک .. بل تکذبون بالدین

<تکذبون> مضارع و بیانگر این است که آنچه هم اکنون و از این پس انجام می دهید، تکذیب عذاب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰

۳ - کم فروشی و گناه پیشگی ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

ویل للمطففین . . . کلاً إن کتب الفجار ... الذین یکذبون بیوم الدین

۴ - کم فروشی ، زمینه ساز آلودگی به گناه و گناه زمینه ساز تکذیب قیامت است .

ویل للمطففین . . . کلاً إن کتب الفجار ... الذین یکذبون بیوم الدین

ترتیب آیات، ممکن است برخاسته از ترتیب پیدایش اوصاف ذکر شده در آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آلودگی به گناه و شکستن حریم قوانین و وظایف الهی ، زمینه ساز انکار روز جزا است .

و ما یکذب به إلا کلّ معتد أثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۶

۶ - تجاوزگری و آلودگی به گناه ، زمینه ساز انکار معارف قرآن و ارتجاعی خواندن آیات آن است .

کلّ معتد أثیم . إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۹،۱۲

۹ - طغیان گری و گناه ، سیاه کننده قلب و مسدودسازنده راه درک و اعتقاد است .

کلّ معتد أثیم . . . بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

۱۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال : [ قال ] ما من عبد إلاّ - و فی قلبه نکته بیضاء فإذا أذنب ذنباً خرج فی النکته نکته سوداء فإن

تاب ذهب ذلك السواد فإن تمادی فی الذنوب زاد ذلك السواد حتی یغطی البیاض فإذا [ ت

[ غَطَى الْبِيَاضَ لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : < كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست جز این که در قلبش نقطه سفیدی است، هرگاه گناهی مرتکب شود، در آن سفیدی نقطه سیاهی پدید می آید، پس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می رود و اگر گناهان را ادامه دهد، آن سیاهی افزون می گردد تا تمام سفیدی قلب را فرامی گیرد و هنگامی که سفیدی قلب به سیاهی پوشیده شد، صاحب آن قلب هرگز به سوی نیکی بر نمی گردد و این سخن خدای عزوجل است که فرمود: کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كَلٌّ مَعْتَدٌ أَتَيْمٌ .. إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۳۰ - ۲

۲ - عیب جویی از مؤمنان و اشاره های تمسخرآمیز به آنان و نشان دادن عیوب ایشان به دیگران ، خوی ناپسند و برخاسته از گنه پیشگی است .

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا .. وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۳۲ - ۲

۲ - گناه ، مانع بینش صحیح و زمینه ساز باطل دیدن راه مؤمنان

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا ..



و إذا رأوهم قالوا إن هؤلاء لضالون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - گناه کافران ، بر عذاب آنان می افزاید .

إن الذين فتنوا .. فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحريق

مصدق <الذين فتنوا> به قرینه مقابله با آیه بعد کافران اند. حرف <فاء> در <فلهم> دلالت می کند که این عقوبت، کیفر شکنجه گری آنان است. بنابراین کافران، علاوه بر این که بر کفر خویش مؤاخذه می شوند، بر کردار خویش نیز کیفر خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۲

۲ - گناه پیشگی و طغیان گری ، عامل گرفتاری به عذاب الهی

ألم تر كيف فعل ربك .. الذين طغوا في البلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۳

۳ - گناه ، مایه سقوط و تباهی نفس انسان است .

فجورها .. دسیها

تقابل فعل های <دسها> و <زگها> در قیاس با تقابل <فجور> و <تقوی> در آیات پیشین بیانگر تأثیر <تقوا> در تزکیه و تأثیر فجور، در سقوط نفس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۴،۵

۴ - آلودگی به دروغ و گناه ، ساقط کننده انسان تا مرحله تکذیب دین و باز داشتن مردم از نماز

ینہی. عبداً إذا صلی ... کذب و تولی ... ناصیه کذبہ خاطئہ

وصف های <کاذبه> و <خاطئه> بیانگر استمرار کذب و خطا در شخص است. این دو وصف در مقایسه با

<ینهی> و <کذب> فعل و دلالت کننده بر حدوث نهی و تکذیب اند به منزله علت و معلول می باشند.

۵ - گناهان زبانی و عملی طغیان گران ، گرفتار سازنده آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی .. ناصیه کذبہ خاطئه

<کذب> از مصداق های گناه زبانی می باشد و <خطا>، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

آثار گناه آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - شیوع عمل لواط و راهزنی و رواج گناه علنی ، عذاب الهی را در پی دارد .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکر فما کان جواب قومه

درخواست قوم لوط از حضرت لوط(ع) برای نزول عذاب، با جمله شرطی <إن كنت من الصادقين> نشان دهنده وعده عذاب از جانب لوط(ع)، به آنها است. گفتنی است وعده عذاب از سوی پیامبری به قومی، به خاطر اعمال یاد شده، حکایت می کند که آن اعمال مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ظلم قوم لوط با لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، در پی دارنده هلاکت و عذاب برای آنان

أنتکم لتأتون الرجال و .. إنا مهلكوا أهل هذه القرية إن أهلها كانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۴ - ۸

۸ - رواج لواط و راهزنی و گناه علنی در جامعه ، در پی دارنده عذابی شکننده و سخت است .

أنتکم لتأتون الرجال و .. إنا منزلون علی

أهل هذه القرية رجزًا ... بما كانوا

آثار گناه آگاهانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۵

۵ ارتکاب ظلم و گناه در عین آگاهی، موجب هلاکت جامعه می شود.

ذلك أن لم یکن ربک مهلك القرى بظلم و أهلها غفلون

جمله <و أهلها غفلون>، یعنی خداوند جامعه ستمکاری را که اهل آن از تعالیم انبیا غافل بوده اند و پیام آنان را دریافت نکرده باشند، هلاک نمی کند.

آثار گناه اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۹

۹ - نابودی بسیاری از اقوام نیرومند و دارای تمدن و آثار ملی در گذشته تاریخ به خاطر گناهانشان

فأخذهم الله بذنوبهم

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <با> در <بذنوبهم> برای سببیت می باشد.

آثار گناه امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱

۱- جوامع و ملت های بسیاری پس از دوران نوح (ع) در نتیجه فسق و گناه و به اراده خداوند نابود شدند .

فسقوا .. و کم أهلکنا من القرون

<قرن> (مفرد قرون) به معنای قومی است که نزدیک به یک زمان و در یک عصر زندگی می کنند (مفردات راغب).

## آثار گناه پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۵

۵ عذاب نازل شده بر متمردان بنی اسرائیل ، سزای گناهان پیشین آنان و گناه رعایت نکردن آداب مقرر شده برای ورود به بیت المقدس

فبدل الذین ظلموا منهم . . .

فأرسلنا عليهم رجلاً من السماء بما كانوا يظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ظلم و گناه در <بما كانوا يظلمون> غیر از گناهی باشد که جمله <فبدل...> بیانگر آن است. بنابراین تفریح <فأرسلنا...> بر <فبدل...> می رساند که عذاب به خاطر تبدیل فرمان الهی بوده و <باء> سببه در <بما كانوا...> می رساند که عذاب به سبب ظلم و گناه سابق بنی اسرائیل بوده است. یعنی گناه تبدیل، به ضمیمه گناهان سابق باعث ارسال عذاب بر آنان شد.

آثار گناه ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱

۱- فسق و گناه بر خورداران از مکنت و ثروتمندان هر جامعه ، عامل هلاکت و نابودی آن جامعه است .

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

<مترف> از واژه <ترفه> گرفته شده و <ترفه> هم به معنای روزی و نعمت فراوان است (مفردات راغب).

آثار گناه فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱۰

۱۰ گناه و تبهکاری فرعونیان ، مایه استکبار آنان در برابر آیات الهی شد .

آیت مفصلت فاستکبروا و كانوا قوما مجرمین

جمله <كانوا...> بیانگر ریشه کبرورزی فرعونیان در برابر آیات الهی است.

آثار گناه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۴

۴- جرم و تبه کاری قوم لوط ، عامل هلاکت و عذاب آنان شد .

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

## آثار گناه قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۶ - ۱

۱ - قوم نوح ، از پیشین ترین اقوام هلاک شده بشر در نتیجه فسق و گناه

و قوم نوح من قبل إِنْهُمْ كانوا قومًا فسقین

## آثار گناه مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین ، کیفر مخالفت آنان با نماز ، هدایت و تقوا

لنسفَعًا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

## آثار نفرت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۴

۲۴ - رشد واقعی انسان ، در پرتو محبت دین و بیزاری از کفر و گناه

حَبِّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ... وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ... أُولَئِكَ هُمُ الرُّشِدُونَ

## آثار وضعی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۸



۸ بقای آثار وضعی گناه ، حتی پس از توبه و قبول آن از سوی خداوند

فتاب علیه .. قلنا اهبطوا منها جميعاً فإما يأتينكم منى هدى

تأکید به هبوط آدم(ع) بعد از بیان توبه وی و پذیرش آن از سوی خداوند، دلالت بر این دارد که: علی رغم پذیرش توبه آدم(ع)، وی به جایگاهش در بهشت بازگردانده نشد و این حاکی است که میان

آمزش گناه و برطرف شدن آثار وضعی آن تلازم نیست.

آثار گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۰ - ۴

۴ - گناه ، تکذیب عملی قیامت است .

إِنَّ كُتُبَ الْفَجَّارِ .. وِیل یومئذٍ لِّلْمُكذِّبِینَ

تعبیر <یومئذ> به قرینه <إِنَّ كُتُبَ الْفَجَّارِ لَفِی سَجِّینَ> بر روز برخورد فاجران با نامه عمل خویش منطبق است. بنابراین عنوان <مکذبین> در برگیرنده <فَجَّارِ> خواهد بود که با گناه خود، در عمل، تکذیب کننده قیامت اند.

آلودگی به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱،۲

۱ بسیاری از یهود و نصارا، مردمی حرام خوار و دارای زبانی آلوده به گناه و سخنان ناروا

لولا ینهیهم ... عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

۲ بازداری یهودیان و مسیحیان از آلودگی به گناه ( گفتار های ناروا، حرام خواری و ... )، تکلیفی الهی بر عهده عالمان اهل کتاب

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

آمزش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - بخشوده شدن گناه ، نعمتی بایسته سپاسگزاری

ثم عفونا عنکم ... لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۰

۱۰ وعده الهی به آمرزش و رحمت استغفارکنندگان

و استغفروا الله ان الله غفور رحيم

گرچه آیه مزبور درباره کوچ از مشعر و عرفات است؛ ولی تعلیل <ان الله غفور رحيم>، عام است. بنابراین وعده رحمت و

آمزش، به مطلق استغفار کنندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۴، ۱۳

۱۳ حج گزاری که در ایام تشریق بمیرد، آمرزیده است.

فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه

امام صادق (ع) درباره آیه <فمن تعجل...>، فرمود: یعنی من مات قبل ان یمضی، فلا اثم علیه

---

کافی، ج ۴، ص ۵۲۱، ح ۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۷۴۰.

۱۴ پاکی حج گزار از گناه، در صورت پرهیز از گناهان بزرگ

و من تأخر فلا اثم علیه لمن اتقی

امام صادق (ع): ... <و من تأخر...> ... <فلا اثم علیه> اذا اتقی الكبائر

---

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۳۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۱۰

۱۰ آمزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند. (عبدالله بن جحش و همراهان او)

ان الذین امنوا و الذین هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبدالله بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ خداوند ترغیب کننده آدمی به انفاق، با وعده آمرزش گناهان و فزونی رزق

و الله يعدكم مغفره منه و فضلا

کلمه <فضلا> به قرینه مقابله آن با وسوسه شیطان بر تهیدستی، به معنای فزونی در رزق است.

۸ انفاق، موجب توسعه رزق و آمرزش گناهان

یا ایها

الَّذِينَ آمَنُوا انْفَقُوا... و اللّٰه يَعدكم مَغْفِرَه مِنه و فَضلاً

۱۰ آمرزش گناهان و افزونی مال از جانب خداوند ، پاداشی برای انفاق کنندگان

یا ایّها الذّٰین آمنوا انفقوا... و اللّٰه یعدکم مغفره منه و فضلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱۰

۱۰ بخشش گناهان انسان و یا عقاب وی ، به مشیت الهی است .

فیغفر لمن یشاء و یعدّب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۹ - ۳۸

۳ همراهی توبه مرتدان با اصلاح ( جبران گذشته ) ، شرط آمرزش گناهشان

الا الذّٰین تابوا... و اصلحوا فانّ اللّٰه غفور رحیم

۸ غفران و رحمت الهی ، دلیل پذیرش توبه مرتد و آمرزش گناه او

الا الذّٰین تابوا... فانّ اللّٰه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۱۵، ۱۸، ۱۹ - ۸، ۱۰

۸ ورود به بهشت تقوای پیشگان ، در گرو آمرزش گناهان

و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدت للمتّقین

تقدیم ذکری آمرزش الهی بر بهشت پهناور، بیانگر تقدّم خارجی آن است؛ یعنی نخست باید آمرزش حاصل شود، و آنگاه ورود به بهشت متّقین.

۱۰ آمرزش گناهان و درآمدن به بهشت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول ( ص )

و اطيعوا الله و الرسول . . سارعوا الى مغفره من ربكم و جنه

آمزش گناهان، فعل خدا و در اختيار اوست. بنابراین مراد از شتاب به سوی مغفرت، انجام اعمالی است که موجبات آمزش

الهی را فراهم می سازد، که به قرینه عطف شدن <سارعوا> بر <اطیعوا الله و الرسول>، همان پیروی از خدا و پیامبرش است.

۱۵ اطاعت خدا و رسول (ص)، جلب رحمت الهی و آمرزش گناهان، مراحلی در طول هم برای ورود به بهشت متّین

و اطیعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون. و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه عرضها

۱۸ نیل به تقوا، در گرو اطاعت از خدا و رسول (ص) و فراهم آوردن زمینه آمرزش گناهان

و اطیعوا الله و الرسول... و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه... أعدت للمتّ

معنای اینکه به سوی بهشت متّیان بشتابید، این است که از زمره متّیان شوید و مخاطبین این دعوت کسانی هستند که به اطاعت از خدا و رسول (ص) و فراهم ساختن موجبات آمرزش، فراخوانده شدند. بنابراین از زمره اهل تقوا شدن به این است که از خدا و رسول او پیروی کرده و کاری کنند که گناهشان آمرزیده شود.

۱۹ انجام فرایض دینی، وسیله آمرزش گناهان

سارعوا الی مغفره من ربکم

امیرالمؤمنین علی (ع) درباره <سارعوا الی مغفره من ربکم> فرمود: الی اداء الفرائض.

---

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۳۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۹، ۳۵۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۶

۶ تنها خداوند آمرزنده گناهان است.

و من یغفر الذّنوب الا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۱۲، ۷، ۶، ۳

۳ آمرزش گناه بندگان، پرتویی از <ربوبیت> خداوند





مغفره من ربهم

۶ آمرزش گناه بندگان ، جنبه ای از تربیت خداوندی نسبت به آنان

اولئك جزاؤهم مغفره من ربهم

با توجه به اینکه آمرزش بندگان به <رب> نسبت داده شده و <رب> به معنای مدبر و مربی است، معلوم می شود که بخشش گناه آدمی از سوی خداوند، برای تربیت اوست.

۷ ورود بندگان به بهشتی جاودانه ، در گرو آمرزش گناه آنان

اولئك جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات تجرى .. خالدين فيها

تقدّم ذکری مغفرت و آمرزش بر بهشت (جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات)، حکایت از تقدّم واقعی و خارجی آن بر بهشت دارد؛ یعنی نخست باید آمرزش صورت گیرد، آنگاه اجازه ورود به بهشت داده شود.

۱۲ آمرزش گناهان و بهشت های دارای نهر های جاری ، پاداش خوبی برای عمل کنندگان به دستورات الهی

اولئك جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها و نعم اجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۵

۵ بخشایش گناهان و گذشت از اسراف ها و زیاده روی ها و ثبات قدم ، پاداش الهی به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربنا اغفر .. فاتيهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۹

۲۹ عفو از گناهکاران مؤمن ، جلوه ای از فضل خداوند

و لقد عفا عنكم و الله ذو فضل على المؤمنين

جمله <و الله ذو فضل .. >، به منزله علتی برای عفو است؛ یعنی چون خداوند صاحب فضل است از گناه

شما صرف نظر کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۱۳، ۱۰

۱۰ عفو خداوند از گناه فراریان جنگ احد

انّ الذین تولّوا . . و لقد عفا الله عنهم

۱۳ عفو و چشم پوشی خداوند از لغزش ها و گناهان ، پرتویی از غفران و حلم او

و لقد عفا الله عنهم انّ الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۶

۶ آمرزش گناهان آدمی از سوی خداوند ، زمینه بهره مندی او از رحمت خاصّ الهی

لمغفره من الله و رحمه

چون در آیه شریفه <مغفره> مقدّم بر <رحمه> شده، می توان نتیجه گرفت که آمرزش گناهان مقدّمه ای برای دریافت رحمت خاصّ الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۷

۱۷ آمرزش تمامی گناهان شهدا

فرحین بما اتیهم الله . . الا خوف علیهم و لا هم یحزنون

چون گناه در عالم برزخ و قیامت موجب حزن و اندوه خواهد بود، و به دلیل <الا خوف . . >، شهیدان هیچگونه حزن و اندوهی ندارند، معلوم می شود تمام گناهان آنان مورد عفو الهی قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ آمرزش گناهان و پوشاندن بدی ها ، تقاضای خردمندان از پیشگاه پروردگار

رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

۱۰ خداوند ، آمرزنده گناهان و پرده پوش اعمال ناپسند

فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

۱۲ توجه به ربوبیت خداوند

، زمینه درخواست و انتظار آمرزش گناهان از او

رَبَّنَا فاغفرلنا

۱۴ بخشش گناهان و پوشاندن ناروایی ها ، پرتوی از ربوبیت الهی

رَبَّنَا فاغفرلنا ذنوبنا و کفرَّ عَنَّا سَيِّئَاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۳، ۳۲، ۳۵

۲۳ تنها خداوند آمرزنده گناهان و واردکننده بندگان به بهشت .

لاکفرنَّ عنهم سَيِّئَاتهم و لادخلنَّهم جنَّات

۳۲ ترغیب الهی به تحمّل رنج ها و سختی های راه ایمان ، با وعده بهشت و آمرزش گناه مؤمنان آزاردیده و رنج کشیده

فَالَّذین هاجروا .. لاکفرنَّ عنهم سَيِّئَاتهم و لادخلنَّهم جنَّات

۳۵ بهشت و آمرزش گناهان ، پاداش نیک خداوند

لاکفرنَّ .. و لادخلنَّهم ... ثواباً من عند الله و الله عنده حسن الثواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ خداوند ، آمرزنده گناه زناکار و لواط کننده ، به شرط توبه و اصلاح

و الذان یأتیانها منکم .. فان تابا و اصلحا ... إِنَّ الله کان تَوَّاباً رحیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ خداوند ، آمرزنده گناهان و جای دهنده پاکان در بهشت

نکفر عنکم .. و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۳، ۵۸

۵ هر گناهی کوچکتر از شرک قابل آمرزش و مغفرت

و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء

کلمه <دون> به معنای کمتر و پایینتر است.

۸ آمرزش گناهان ، حتمی نخواهد بود .

و یغفر ما دون ذلک لمن

۱۳ تمامی گناهان، حتی گناهان کبیره بجز شرک قابل آمرزش و بخشش

و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمودک الکبتر فما سواها ... .

مقصود از قابل آمرزش بودن همه گناهان بجز شرک بخشش بدون توبه است؛ زیرا مشرک هم اگر از شرک توبه کند، بخشیده می شود.

---

کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۳، ۲۸۴، و ص ۴۸۸، ح ۲۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱، ۲، ۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳۶، ب ۱۷۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ استغفار (طلب آمرزش گناه)، موجب جلب رحمت الهی و پذیرش توبه و بخشش گناه

فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۶ - ۴،۵

۴ جهاد در راه خداوند، موجب دستیابی به منزلتهایی والا و آمرزش گناهان و جلب رحمت خاص او

فضّل الله المجاهدين علی القاعدین .. درجات منه و مغفره و رحمه

۵ بهره مندی انسان از رحمت خاص الهی، در گرو آمرزش گناهان اوست.

مغفره و رحمه

تقدیم <مغفره> بر <رحمه>، دلالت بر این معنا دارد که تا مغفرت حاصل نشود، آن رحمت خاص شامل آدمی نمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۲

۲ عفو الهی از گناه ترک



هجرت ، هر چند از سر ناتوانی باشد ، حتمی است .

لا يستطيعون حيله .. فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۷

۱۷ آمرزش گناهان ، زمینه ساز برخوردار شدن از رحمت خاصّ خداوند \*

و كان الله غفوراً رحيماً

تقديم <غفوراً> بر <رحيماً>، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۱۱، ۱۰، ۴، ۲

۲ خداوند ، آمرزنده گناه شرک و غیر شرک ، در صورت استغفار و توبه

و من يعمل سوءاً او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً

گفته شده مقصود از ظلم در <يظلم نفسه>، شرک است و مقصود از <سوء>، گناهی غیر از شرک.

۴ خداوند آمرزنده گناه خیانتکاران و حامیان آنان ، در صورت استغفار و توبه

هأنتم هؤلاء .. او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای <من يعمل سوءاً> خیانتکاران هستند و حامیان آنان از مصادیق <يظلم نفسه> می باشند.

۱۰ توبه و استغفار ، افزون بر آمرزش گناهان ، موجب جلب رحمت الهی خواهد شد .

ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً

۱۱ آمرزش گناهان آدمی ، زمینه ساز شمول و جریان رحمت الهی بر وی

يجد الله غفوراً رحيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۲،۳،۴

۲ هر گناهی ، کمتر از شرک ، قابل آمرزش و مغفرت

و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء

کلمه <دون> به معنای

کمتر و پاینتر است.

۳ گناه در حد شرک ، قابل آمرزش نیست .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ انْ يَشْرِكُ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ

کلمه <دون> به معنای کمتر و پاینتر است. بنابراین اگر گناهی در حد شرک باشد قابل آمرزش نیست.

۴ آمرزش گناهان ، منوط به مشیت خداوند است .

و يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۸

۸ مغفرت و آمرزش گناهان از سوی خداوند ، زمینه هدایت پذیری انسان \*

لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَ لَأَلِيهِمْ سَبِيلًا

تقدیم جمله <لم يكن الله ليغفر لهم> بر جمله <لا يهدى لهم> ، می تواند اشاره به مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴۸

۴۸ بخشایش گناه بندگان از سوی خدا همراه با لطف و مهربانی بر ایشان است .

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در برداشت فوق <رحیم> ، صفت برای <غفور> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، آمرزنده گناه تائبان و رحیم و مهربان نسبت به آنان

فَمَنْ تَابَ .. إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۵

۲۵ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند ، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو كفاره له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از <فمن تصدق به فهو كفاره له > فرمود: يكفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا . . .

---

كافی، ج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱،۴

۱ وعده حتمی خداوند به آموزش تمامی گناهان گذشته اهل کتاب در صورت ایمان به خدا، پیامبر (ص)، همه کتب آسمانی و پرهیز از گناهان

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم

با توجه به آیه ۵۹ (هل تنقمون منا الا- ان ءامنوا بالله و ما انزل الينا و ما انزل من قبل) و نیز آیه ۶۱ (و اذا جاءوكم قالوا ءامنوا)، معلوم می شود مراد از ایمان در <ءامنوا> ایمان به خدا، قرآن، همه کتب آسمانی و ایمان به پیامبر اکرم (ص) است.

۴ خداوند، آمرزنده گناهان

لكفرنا عنهم سيئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۶

۱۶ گناه شکارهای صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم .. عفا الله عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفاره جمله <عفا الله عما سلف> می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ خداوند آمرزنده گناه مترتب بر پرسش های بیجا تا پیش از تحریم آن \*

لا تسئلوا عن اشیاء .

.. و الله غفور حلیم

توصیف خداوند به <غفور> پس از بیان نهی از پرسشهای بیجا می تواند ناظر به آمرزش گناه کسانی باشد که تا پیش از بیان نهی، چنین سؤالاتی را مطرح کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ خداوند غفور (آمرزنده گناهان) و رحیم (مهربان به بندگان) است.

لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۵

۵ شمول رحمت خدا بر بندگان و آمرزش گناه آنان جلوه ای از ربوبیت خداوند بر بندگان است .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۱۰، ۱۱

۱۰ اعطای بصیرت ویژه به تقوایندگان و بخشش گناه آنان ، تفضلی از جانب خداست ، نه پاداش استحقاقی آنان .

یجعل لکم فرقانا .. و الله ذوالفضل العظیم

۱۱ خداوند ، مؤمنان تقوایگانه را علاوه بر اعطای بصیرت و بخشش گناهان ، از موهبت های دیگر نیز بهره مند خواهد کرد .

یجعل لکم فرقانا .. و الله ذوالفضل العظیم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که جمله <و الله .. > مستانفه باشد نه بیانگر تعلیل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۹

۹ خداوند ، آمرزنده گناهان و با بندگان خویش مهربان است .

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۹

۹ خداوند ، بخشنده

گناهان و لغزش های مؤمنان حقیقی و راستین

لهم مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۳

۳ بخشایش گناهان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

استغفروا ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۸

۸ بخشش گناهان بندگان و گسترش رحمت بر آنان ، جلوه ای از ربوبیت خداوند

إن ربی لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۳

۳ بخشایش گناهان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

استغفروا ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۴،۵،۹

۴ ایمان به یکتایی خدا ، پرستش او و آمرزش گناهان ( شرکوری ، فساد و بی عدالتی در مبادلات ) مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه اوست .

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

برداشت فوق ، با توجه به حرف <ثم> که جمله <توبوا إلیه> را بر <استغفروا ربکم> عطف کرده است استفاده می شود .  
گفتنی است متعلق استغفار به قرینه آیات پیشین ، گناه شرکوری و بی عدالتی در مبادلات اقتصادی و نیز فسادگری و مخالفت



با پیامبران الهی است.

۵ بخشایش گناه بندگان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

واستغفروا ربکم

۹ آمرزش گناه استغفارکنندگان و باریافتن سالکان به درگاه الهی ، پرتوی از رحمت ، مهربانی و محبت خداوند به بندگان است .

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه إن ربی رحیم ودود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

۱۱ آمرزش گناهان ، از شؤون خداوند است .

یغفر الله لکم

۱۴ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهی ، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

جمله <و هو .. > حالیه است و به منزله تعلیل برای <یغفر الله > می باشد ، یعنی ، چون <ارحم الرحمین > است ، گناه شما را می بخشاید. قابل ذکر است که یوسف با یادآوری این صفت خداوند ، پس از گذشت از گناه برادرانش ، به این نکته اشاره می کند که: من از شما درگذشتم پس او که از همه از من و غیر من مهربان تر است ، بی هیچ تردید از شما خواهد گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۳،۴

۳ آمرزش گناهان از شؤون خداوند است .

سوف أستغفر لکم ربی

۴ آمرزش گناه بندگان ، پرتوی از ربوبیت خداست .

سوف أستغفر لکم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۸

۸ خداوند ، بخشاینده گناهان و ستم کاری های مردم است .

و إن ربك لذو مغفره للناس علی ظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۳

۳ - آمرزش گناهان به دست خداوند و در اختیار او است .

ليغفر لنا خطينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۵

۵ - بخشودن گناه گناه کاران ، مقتضای آمرزش گری و مهرورزی خدا نسبت به بندگان

فغفر له إنّه

۸ - خداوند ، تمامی گناهان خرد و کلان و کم و زیاد بندگانش را می آمرزد .

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

در آیه شریفه دو مطلب وجود دارد: ۱ جمع آمدن واژه <ذنوب> به همراه الف و لام تعریف که دلالت بر استغراق دارد؛ ۲ آمدن <جمیعاً> که حال مؤکد برای <الذنوب> است. این دو می رساند که تمامی گناهان از هر نوع و به هر مقدار که باشد بی هیچ استثنایی، شامل غفران الهی خواهد شد.

۹ - یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، در عین وعده او به آمرزش تمامی گناهان بندگان ، امری بی جا و نامعقول است .

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

جمله <إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا> به منزله تعلیل برای جمله <لَا تَقْنَطُوا..> می باشد؛ یعنی، از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ چون او همه گناهان را می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

۱۱ - آمرزش تمامی گناهان بندگان ، مقتضای ذات خداوند است .

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

آمدن اسم جلاله به صورت اسم ظاهر (اللّه یغفر) به جای ضمیر (إنّه یغفر)، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

۱۲ - امید به رحمت و لطف خداوند ، زمینه آمرزش تمامی گناهان از سوی او است .

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

توصیه به مأیوس نشدن از رحمت خداوند، در حقیقت سفارش به امید داشتن به لطف و رحمت او است؛ تا از

این رهگذر بتوان به آمرزش او دست یافت.

۱۵ - گستردگی و انحصار غفران و رحمت خداوند ، مقتضی آمرزش تمامی گناهان خرد و کلان بندگان است .

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ..> در مقام تعلیل برای جمله پیشین <إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ...> می باشد؛ یعنی، چون تنها خداوند غفور و رحیم است، تمامی گناهان را می آمرزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۸

۸ - تضمین خداوند ، به آمرزش گناهان و پذیرش توبه بندگان

غافر الذنب و قابل التوب

یاد شدن دو مسأله آمرزش گناهان و پذیرش توبه در قالب صفت، گویای این نکته است که این دو، کاری است مستمر از خداوند و نیز تضمینی از سوی او بر انجام این دو کار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۶

۶ - خداوند ، لغزش ها و گناهان یکتاپرستان پایدار بر توحید را ، مورد عفو و بخشش قرار می دهد .

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ .. نَزَلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۵،۷

۵ - تمامی گناهان ، حتی گناه کفر ، تکذیب پیامبر و تهمت و افترا بر او ، قابل بخشایش خداوند است .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى .. يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ

از واژه <السَّيِّئَاتِ> که جمع محلی به الف و لام است و نیز از ارتباط

این آیه با آیه قبل که سخن از تهمت افترای پیامبر(ص) بر خدا از سوی مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

۷- امکان بخشودگی برخی از گناهان ، حتی بدون توبه \*

يقبل التوبه .. و يعفو عن السيئات

برداشت یاد شده، بدین احتمال است که <يعفواً..> جمله ای مستقل از جمله پیشین باشد و دو فراز آیه، اشاره به دو مطلب جداگانه داشته باشد: ۱ خداوند توبه گنه کاران را می پذیرد؛ ۲ برخی از گناهان بدون توبه نیز مورد بخشش قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۳

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذين ءامنوا .. كُفِّرْ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ و اَصْلِحْ بِالْهَمِّ

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۵ - ۸

۸- رفتار نامناسب و دور از آداب با پیامبر ( ص ) ، گناهی نیازمند آمرزش الهی است .

لا تَقْدَمُوا .. لا ترفعوا أصواتكم ... و لا تجهروا له بالقول ... و لو أنّهم صبروا حتّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۸

۸- آمرزش و چشم پوشی از گناه بندگان در قیامت ، جلوه ربوبیت و پروردگاری خداوند

سابقوا إلى مغفرة من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ -

۱۲ - آمرزش گناهان و دستیابی به بهشت ، کامیابی بزرگ است .

يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَدْخُلْهُ جَنَّتٍ .. ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

آمرزش گناه ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۶

۶ ارتداد ( مشرک شدن پس از توحید و کفرورزی پس از ایمان ) گناهی قابل بخشش است .

و الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ .. إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

آمرزش گناه جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۴

۴- بخشش خداوند از بدکاران ، در صورتی است که آنان گناه را از روی جهل و نادانی به حقایق انجام داده باشند نه از سر

عمد و خوی عصیان گری

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ

مقصود از <بجهاله> ممکن است جهل به احکام الهی، در برابر علم نباشد؛ چون در این صورت گناهی سر نزده است تا نیاز به توبه و یا آمرزش الهی باشد؛ بلکه مراد، جهل در برابر عمل آگاهانه و از روی عمد و خوی عصیان گری و نیز جهل به معارف بلند آسمانی است.

آمرزش گناه خطایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۷

۱۷ - گناه و جرم به حساب نیاوردن گناه خطایی ، برخاسته از آمرزندگی و مهربانی خداوند است .

و ليس عليكم جناح فيما أخطأتم به .. و كان الله غفوراً رحيمًا

آمزش گناه شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۶

۶ ارتداد )



مشرك شدن پس از توحيد و كفوروزى پس از ايمان ( گناهى قابل بخشش است .

و الذين عملوا السيئات .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

آمزش گناه صغيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۱

۱ توبه و استغفار ، راهى براى آمزش همه گناهان ، اعم از صغيره و كبيره

و من يعمل سوءاً او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً

برخى بر آنند كه مراد از <سوءاً>، گناه صغيره است و مراد از ظلم در <يظلم نفسه>، گناهان كبيره است.

آمزش گناه كبيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۱

۱ توبه و استغفار ، راهى براى آمزش همه گناهان ، اعم از صغيره و كبيره

و من يعمل سوءاً او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً

برخى بر آنند كه مراد از <سوءاً>، گناه صغيره است و مراد از ظلم در <يظلم نفسه>، گناهان كبيره است.

آمزش گناه كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۶

۶ ارتداد ( مشرك شدن پس از توحيد و كفوروزى پس از ايمان ) گناهى قابل بخشش است .

و الذين عملوا السيئات .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

آمزش گناه يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۷۸،۱۱

۷ دنیاگرایان یهود بر این باور بودند که خداوند گناهان آنان را ، حتی بدون توبه ، خواهد آمرزید .

و يقولون سیغفر لنا و إن

يأتهم عرض مثله يأخذوه

جمله <و إن يأتهم عرض ... > حاکی از این است که گنهکاران یهود در عین آمادگی برای حرامخواری مجدد، خود را مورد عفو و مغفرت خداوند می پنداشتند. یعنی هرگز از عمل گذشته پشیمان نبودند تا توبه کنند.

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند

يأخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا

۱۱ ادعای آمرزش گناه یهودیان بدون توبه، از نسبت های دروغین دنیاگرایان یهود به خداوند

و يقولون سيغفر لنا .. ألم يؤخذ عليهم ... أن لا يقولوا على الله إلا الحق

آمرزش گناهان صغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۹

۹ - بخشش گناهان کوچک و یا گناهانی که انسان هر از گاهی مرتکب آن می شود، نمود از تفضل و گستردگی عفو الهی است .

الذين يجتنبون .. إلا اللّٰم إن ربك وسع المغفرة

با توجه به معانی واژه <اللّم> و ارتباط عبارت <إن ربك واسع المغفرة> با آن، برداشت بالا استفاده می شود.

اجتناب از استماع گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۲۰

۲۰ عن امير المؤمنين(ع): .. ففرض على السمع لا تصغى به إلى المعاصى ... فقال عز وجل: <و إذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا فأعرض عنهم ... >

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: .. خداوند بر گوش انسان واجب کرد که گناهان با آنان استماع نشود ... خداوند عز و جل فرمود: <هرگاه

کسانی را دیدی که از روی خرده گیری در آیات ما گفتگو می کنند، از آنان رویگردان شو ... .

اجتناب از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - ضرورت فاصله گرفتن از محدوده گناه ، در صورتی که آدمی در خطر ارتکاب آن گناه باشد .

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر ( ص ) و قرآن و پرهیز از گناهان ( سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و ... ) از پادشاه های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمتوبه...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیوا> (همانا پادشاه داده می شدند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول الله ( ص ) : . . . : یابن مسعود قول الله . . . > و لنبلونکم بشیء من الخوف . . . و بشر الصابرين < قلنا یا رسول الله فمن الصابرون ؟ قال : الذین یصبرون علی طاعه الله واجتنبوا معصیه ، الذین کسبوا طیباً و انفقوا قصداً و قدموا فضلاً فافلحوا . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده .

.. که فرمود: ای پسر مسعود ... سخن خداوند است: <و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و بشر الصابرين>، به آن حضرت عرض کردیم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمایند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکیزه کسب کرده و در انفاق میانه رو هستند و زیادی درآمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۶،۷

۶ - روزه، زمینه ساز رسیدن آدمی به تقوای پیشگی و پرهیز از گناهان است.

کتب علیکم الصیام .. لعلکم تتقون

۷ - تحصیل تقوا و پرهیز از گناهان، وظیفه همه بندگان است.

لعلکم تتقون

و جوب روزه برای تحصیل تقوا، بیانگر این است که: نیل به تقوا لازم و ضروری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۳، ۱۴

۱۳ - نیکوکاری، به تقوای پیشگی و پرهیز از گناهان است.

و لکن البر من اتقی

۱۴ - عمل نیک در حج، رعایت تقوا و پرهیز از گناهان است.

و لکن البر من اتقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱۰

۱۰ - رعایت تقوا و پرهیز از گناه، برای دور ماندن از عذاب های الهی ضروری است.

و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۴

۲۴ لزوم پرهیز از معاشرتهایی که خطر کفر و انحراف دارد و مایه درآمدن به جهنم

است .

و لا تنكحوا ... و لا تنكحوا ... اولئك يدعون الى النار

با توجه به عمومیت تعلیل: اولئك يدعون الى النار، و شمول آن نسبت به موارد غیر ازدواج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۱۲

۱۲ شناخت امام و پرهیز از گناهان کبیره ، حکمت است .

و من يؤت الحكمة

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: معرفه الامام و اجتناب الكبائر التي اوجب الله عليها النار

---

کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۲۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۱۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۹

۹ معصوم ، پرهیزکننده از تمامی گناهان با استعانت از خداوند

و من يعتصم بالله فقد هدى الى صراط مستقيم

امام صادق (ع): ... المعصوم هو الممتنع بالله من جميع محارم الله و قال الله تبارك و تعالی: > و من يعتصم بالله فقد هدى الى صراط مستقيم <.

---

معانی الاخبار، ص ۱۳۲، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۲

۲۲ خودداری از گناه ، امر به معروف و نهی از منکر و آمادگی برای دفاع از ائمه ( ع ) ، وظیفه مؤمنان

يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

امام صادق (ع) درباره <اصبروا> فرمود: عن المعاصي. و درباره <و اتقوا الله>، فرمود: امروا بالمعروف و انهوا عن المنكر. و درباره <رابطوا> فرمود: ... و نحن الرباط الادنى فمن جاهد عنا فقد



تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۲، ج ۱۷۹؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۶، ح ۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۶، ۱۰

۱۰ بهشت، پاداش اجتناب کنندگان از گناهان کبیره

و ندخلکم مدخلا کریماً

۱۶ مؤمنان پرهیزکننده از گناهان کبیره، معاف از پاسخگویی درباره گناهان صغیره خویش

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

امام کاظم (ع): ... من اجتنب الکبائر من المؤمنین لم یسئل عن الصغائر سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت فرمود.

---

توحید صدوق، ص ۴۰۷، ح ۶، ب ۶۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۱۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۴، ۱۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۲۷

۲۷ مرد، وظیفه دار پرهیز از دلدادگی به همسر و دختر دیگران و آرزوی داشتن آنها

و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض

امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال از آیه فوق فرمود: لا يتمنى الرجل امرأه الرجل ولا ابنته ...

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۱۱۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ همسرانی که خود را در نهان از هر آلودگی حفظ می کنند ، همسرانی شایسته هستند .

فَالصّٰلِحٰتِ .. حَافِظٰتٍ لِّلْغَيْبِ

بدین احتمال که مفعول <حافظات> ، <انفسهنّ> باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱۷

۱۷ جبران خطا های گذشته و پرهیز از ارتکاب گناه ، موجب آمرزش و جلب رحمت الهی \*

و إن تصلحوا و تتقوا فإنّ الله کان غفوراً رحیماً

جمله <ان تصلحوا> می تواند اشاره به جبران و اصلاح گذشته ها و جمله <تتقوا> بیانگر رعایت تقوا و پرهیز از آن گناهان در آینده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۸،۱۱

۸ گروهی از اهل کتاب مردانی صالح ، پرهیز کننده از گناه ، و بدور از تجاوز و حرام خواری

و تری كثيراً منهم یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت

۱۱ لزوم پرهیز از گناه ، تجاوز ، رشوه گیری و حرام خواری

یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۳

۳ ایمان به خدا ، پیامبر ( ص ) و کتب آسمانی و دامن گرفتن از گناه ، موجب آمرزش گناهان گذشته آدمی

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

متعلق <واتقوا> به قرینه <سیئاتهم> گناهان است، و مراد از <سیئاتهم> در <لکفرنا عنهم سیئاتهم> گناهان پیش از ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۵

۱۵ پرهیزکنندگان از فساد در صورتی که برای بازداري جامعه از گناه تلاش نکنند ، در پیشگاه خداوند مسؤولند .

قالوا معذره إلى ربكم و لعلهم يتقون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۴

۴ مؤمنان وظیفه دار اهتمام بیشتر در پرهیز از گناهایی که آثار شوم آن فراگیر جامعه ایمانی است .

و اتقوا فتنه لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة

بدیهی است هیچ گناه و ستمی را نباید مرتکب شد. بنابراین نهی از ارتکاب گناهی که فتنه ای فراگیر دارد، حاکی از تأکید بیشتر نسبت به پرهیز از چنین گناهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۰

۱۰- اهتمام اسلام به سالم سازی روابط اجتماعی انسان ها و تحکیم بخشیدن به آن و پاک سازی جامعه از فحشا ، بزهکاری ، ستم و سرکشی

إن الله يأمر بالعدل والإحسان و... و ينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - پذیرش توبه و بخشش گناهان ، مشروط به مداومت بر ترک آنها و پرهیز از گناه مجدد است .

و إني لعَفَّارٌ لمن تاب .. ثم اهتدى

>ثم اهتدى< که به مرحله بعد از توبه نظر دارد، گویای این نکته است که اگر پس از توبه، راه هدایت ترک شود و آنچه از آن توبه شده، دوباره انجام گیرد، انسان مشمول مغفرت الهی نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - بازگشت انسان های گناهکار از گناه خویش ، در صورت تنبیه شدن ، باز هم حتمی و قطعی نیست .

و لنذيقنهم من العذاب الأدنى .. لعلهم يرجعون



حرف ترجی است و در جایی استعمال می شود که انجام شدن فعل، قطعی نیست، بلکه صرفاً امید به انجام آن وجود دارد.

۱۱ - بازگشت گناهکاران از گناه خویش ، اجباری نبوده و به اراده خود آنان است .

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

معلوم آورده شدن فعل <یرجعون> مخصوصاً با حرف ترجی <لعل> گویای این نکته است که در نظام دینی، حتی برای مجرمان و فاسقان نیز اجباری وجود ندارد و این خود آنان اند که باید تصمیم به بازگشت بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۶

۶ - از هر عملی که گناه بودن اش روشن و آشکار است ، باید پرهیز کرد .

و الذین یؤذون المؤمنین .. فقد احتملوا ... إثمًا مبینًا

<مبینًا> صفت <إثمًا> است و احتمال دارد که ذکرش به منزله تعلیل باشد، یعنی، این که تهمت، چون گناه آشکاری است، پس باید از آن اجتناب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲۲

۲۲ - مبادرت به نیکی و پرهیز از گناه و زشتی ، تجلی تقوای پیشگی است .

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش ... هو أعلم بمن

ارتباط آیات شریفه، نشانگر آن است که مراد از <من اتقى> همان <الذین أحسنوا و..> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۰ - ۶

۶ - پرهیز از بدکرداری و خطاپیشگی ، از مهم ترین فرمان های پیامبران به فرعون و اقوام پس از آنان و قوم لوط

و جاء فرعون ..

بالخاطئه . فعصوا رسول ربهم

مطرح کردن سرپیچی اقوام یاد شده از فرمان های پیامبران پس از توصیف آنان به خطاپیشگی می تواند گویای این حقیقت باشد که دستورات پیامبران بر محور پرهیز این اقوام از خطاپیشگی بود.

اجتناب از گناه آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۱

۱ لزوم اجتناب از هر گناه آشکار و پنهان

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

اضافه شدن <ظاهر> به <الإثم> اضافه صفت به موصوف می تواند باشد، یعنی گناه ظاهر. <باطنه> نیز یعنی گناه پنهان.

اجتناب از گناه پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۱

۱ لزوم اجتناب از هر گناه آشکار و پنهان

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

اضافه شدن <ظاهر> به <الإثم> اضافه صفت به موصوف می تواند باشد، یعنی گناه ظاهر. <باطنه> نیز یعنی گناه پنهان.

اجتناب از گناه صغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۴، ۱۳

۱۳ پاکی از گناهان صغیره و کبیره ، شرط ورود به بهشت

ان تجتنبوا كبائر... نكفر عنكم سيئاتكم و ندخلكم و مدخلا كريماً



۱۴ بهشت ، پیامد پاکی و پیراستگی از گناهان صغیره و کبیره

ان تجتنبوا .. و ندخلکم مدخلا کریماً

اجتناب از گناه کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۴، ۱۳، ۳، ۲

۲ دوری از گناهان بزرگ ، زمینه آمرزش گناهان کوچک

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

۳ ترغیب و تشویق مردم

از سوی خداوند به اجتناب از گناهان کبیره

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و تدخلکم مدخلا کریماً

وعده آمرزش گناهان صغیره و کبیره و نیز وعده بهشت، برای تشویق مردم به دوری از گناهان کبیره است.

۱۳ پاکی از گناهان صغیره و کبیره، شرط ورود به بهشت

ان تجتنبوا کبائر .. نکفر عنکم سیئاتکم و تدخلکم و مدخلا کریماً

۱۴ بهشت، پیامد پاکی و پیراستگی از گناهان صغیره و کبیره

ان تجتنبوا .. و تدخلکم مدخلا کریماً

اجتناب از مجلس گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۱۸

۱ بندگان خالص خدا، در مجالسی که به باطل و دروغ پرداز می گذرد، هرگز حضور نمی یابند.

و عباد الرحمن ... و الذین لایشهدون الزور

فعل <شهد> گاهی در معنای <حضر> (حضور یافت) استعمال می شود و گاهی در معنای <أخبر عن الشيء و شهده> (خبر داد از چیزی و گواهی به آن داد) به کار می رود. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است. <زور> نیز به معنای دروغ و باطل است.

۸ گذر از گفتار و کردار لغو و بیهوده و پرهیز از حضور در این گونه مجالس، نشان کرامت و بزرگواری انسان است.

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً

اجتناب از محدوده گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۴

۱۴ استغفار کامل، مشروط به پشیمانی از گناه و ترک آن است.

و لم یصروا علی ما فعلوا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق

فرمودند: .. > و الْمَذِين اِذَا فَعَلُوا ... و لَمْ يَصْرُوْا عَلٰى مَا فَعَلُوا ... < فِهٰذَا مَا اَمَرَ اللّٰهُ بِهِ، مِنْ الْاِسْتِغْفَارِ وِ اشْتَرَطَ مَعَهُ بِالْتَّوْبَةِ وِ الْاِقْلَاعِ عَمَّا حَرَّمَ اللّٰهُ.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۳.

اجتناب از مقدمات گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۸ - ۳

۳ - لزوم پرهیز از محیط ها و شرایط مستعد برای حضور و وسوسه شیطان

قل ربّ .. و أعوذ بك ربّ أن يحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۸

۸ - باید از هرگونه زمینه سازی گناه، پرهیز کرد.

فلاتخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

فرمان اجتناب از طنزانه سخن گفتن، اگر چه مربوط به همسران پیامبر است، اما چنین امری، برای آنان خصوصیتی ندارد و چون صدا و سخن یاد شده، صرفاً زمینه ساز گناه است که از آن نهی شده، استفاده می شود که باید از مقدمه سازی و فراهم کردن زمینه انجام دادن گناه، اجتناب کرد.

احاطه گناه بر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۴، ۵ - ۳

۳ - خداوند، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد.

أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا... بَلَىٰ مِنْ كَسْبٍ سَيِّئٍ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۴ - گنهكارانى كه گناهانشان سراسر وجود آنان را فرا گیرد ،

در آتش دوزخ برای همیشه گرفتار خواهند شد .

من کسب سیئه و أحطت به خطیئته فأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

<سیئه> و <خطیئته> هر دو به معنای بدی و گناه است.

۵- اصرار بر گناه ، موجب احاطه پیدا کردن گناهان بر سراسر وجود آدمی است .

من کسب سیئه و أحطت به خطیئته

چنانچه مجرد ارتکاب گناه باعث احاطه خطیئته بر انسان می شد، جمله <أحاطت ..> آورده نمی شد. لذا این احتمال تقویت می شود که احاطه خطیئته بر اثر اصرار بر گناه و یا تکرار گناهان حاصل می شود.

احساس مصونیت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۳، ۲

۲ - ساختار وجودی انسان و مراحل پیدایش او ، فاقد زمینه آلودگی به کفر و گناه است .

الذی خلقک فسویک فعدلک . فی أی صورہ ما شاء رکبک . کلاً

حرف <کلاً> به قرینه آیات پیشین ممکن است برای رفع این توهم باشد که زمینه کفر و گناه، در وجود کافران و گنه کاران نهاده شده است؛ یعنی، با آن تسویه، تعدیل و ترکیب، جایی برای این توهم نمی ماند؛ بلکه علت گناه و کفر به خداوند را باید در تکذیب کیفرهای اخروی جست و جو کرد.

۳ - چیزی جز دروغ پنداشتن کیفرهای اخروی ، گنه کاران و کافران را به احساس امنیت از عذاب سوق نداده است .

بل تکذّبون بالدین

مراد از <دین> به قرینه آیات بعد که در آنها قیامت با عنوان <یوم الدین> یاد شده جزای اعمال است. حرف <بل> که برای اضراب است بیانگر

آن است که کافران و گناه کاران، گرچه توجیهاتی نزد خود دارند، ولی محرک اصلی آنان، چیزی جز دروغ دانستن کیفرهای آخرت نیست.

ارتکاب گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ - ادعای بهشتی بودن ، علی رغم ارتکاب گناه ، ادعایی ظالمانه است .

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. و الله عليم بالظلمين

علت ستمگر خواندن یهود، علاوه بر گنهکار بودنشان، می تواند به خاطر ادعای ناروای آنان نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۳

۱۳ شرکت در مجالس گناه ، گناهی همسنگ با انجام آن

فلاتتعدوا معهم حتى يخوضوا في حديث غيره إنكم إذا مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۹

۹ اطمینان به مغفرت الهی ، در حین ارتکاب گناه ، باوری بس نکوهیده و گمانی ناصواب است .

ياخذون عرض هذا الأدنى و يقولون سيغفر لنا

ارزش ترک گناه در خلوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - ارزشمندی خداترسی و دوری از گناه در نهان و به دور از انظار و اطلاع یافتن دیگران

الذین یخشون ربهم بالغیب

برداشت یاد شده از آمدن قید <بالغیب> به دست می آید؛ زیرا ترس از خدا در هر حال مطلوب است. بنابراین آمدن این قید، بیانگر اهمیت و ارزش والای خدا ترسی در خلوت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱



۷- ارزشمندی و برتری ترس از خدا و دوری از گناه در خلوت ، بر ترس و تحفظ از نافرمانی خدا در انظار دیگران

و خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده، از مقید شدن ترس از خدا به <غیب> (نهان) به دست می آید.

استعاذه از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۹

۹ لزوم پناه بردن به خداوند ، برای دور ماندن از گناه و ستمگری

قال معاذ الله . . . إنا إذا لظلمون

استغفار از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۷

۷ فرمان الهی به امتیازطلبان قریش در حج ، مبنی بر استغفار از گناه امتیازطلبی \*

ثم افيضوا من حيث افاض الناس و استغفروا الله

پس از ردّ امتیازطلبی (من حيث افاض الناس)، امر به استغفار، می تواند اشاره باشد که این عمل، گناه و استغفار از آن لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۲

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا في امرنا و ثبت اقدارنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <رَبِّيون> برگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۵

۵- دستور استغفار از گناه به پیامبر ( ص )

و استغفر لذنبك

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲۴

۲۴ - > اسحاق بن عمار قال : قال أبو عبد الله (ع) . . . و سألته عن قول الله عزوجل > الذين يجتنبون كبائر الإثم و الفواحش إلا اللّم < قال : الفواحش الزنى و السرقة > و اللّم < الرجل يلم بالذنب فيستغفر الله منه ;

اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق(ع) از این سخن خداوند عزوجل >الذين يجتنبون كبائر الإثم و الفواحش إلا اللّم< سؤال نمودم؟ حضرت فرمود: <فواحش> زنا و سرقت است و <لَمَمٌ> گناهی است که شخص پس از اقدام به آن استغفار نماید [و از خدا عفو و آمرزش بطلبد]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۶

۶ استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس ، فرمان خدا به بنی اسرائیل

و قولوا حطه

>حطه< خبر برای مبتدایی محذوف مانند >مسألتنا< است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرود آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد (نغفر لكم) برداشتن وزر گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین >قولوا حطه< یعنی بگوئید خدایا درخواست ما آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۵، ۱۲، ۷، ۵، ۲، ۱

۱ ضرورت استغفار به درگاه خدا و طلب بخشایش گناهان از او

و أن استغفروا ربکم

۲ ضرورت استغفار از گناهان ( پرستش غیر خدا و . . . ) از پیام های اساسی ، متقن و روشن قرآن است .

و أن استغفروا ربکم

>أن< در جمله فوق تفسیریه است و

لذا <استغفروا ربکم> نیز همانند <لا تعبدوا..> تفسیر <کتابُ احکمت...> می باشد.

۵ پرستش خدا، بیزاری از شرک، پذیرش رسالت پیامبر (ص) و استغفار از گناهان، مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه او

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ .. و أن استغفروا ربکم ثم توبوا إليه

ظاهر این است که <توبوا إليه> عطف به همه جمله های سابق <أَلَّا تَعْبُدُوا..>، <إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ...> و <أن استغفروا...> است.

۷ یکتاپرستی، پذیرش رسالت پیامبر (ص)، استغفار از شرک و گناه و حرکت به سوی خدا، موجب جلب عنایت خدا و دستیابی به معیشتی نیکو در دنیا است.

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ .. و أن استغفروا ربکم ثم توبوا إليه یمتعکم متعًا حسنًا

۱۲ برخوردار شدن از پاداش های الهی در آخرت، منوط به یکتاپرستی، پرهیز از شرک، پذیرش رسالت پیامبر (ص) و استغفار از گناهان است.

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ .. یؤت کل ذی فضل فضله

استفاده برداشت فوق از آیه، بر اساس این احتمال است که: جمله <یؤت..> بیانگر پاداش اخروی باشد. وجود <إلی أجل> در جمله قبل و نبود آن در این جمله، می تواند مؤید این احتمال باشد.

۱۵ جبران نکردن گناهان با استغفار و بازماندن از حرکت به سوی خدا، موجب گرفتار شدن به عذاب قیامت است.

و أن استغفروا ربکم ثم توبوا إليه .. و إن تولّوا فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ لزوم استغفار از گناهان

استغفر لنا ذنوبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۶

۶ - گناه هرچند بدون تمایل و با اکراه صورت بگیرد، نیازمند بخشش الهی و توبه است.

إِنَّا ءَامِنًا لِيَغْفِرَ .. و ما أكرهتنا عليه من السحر

در کلام ساحران مؤمن هم <خطایا> نیازمند غفران دانسته شده و هم <ما أكرهتنا>؛ بنابراین گناه اگر چه از روی اجبار و عدم تمایل نیز باشد، نیازمند مغفرت الهی است.

استقامت در برابر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۲

۲- ارزش و ثمربخشی اقرار به توحید، در گرو پایداری در برابر عوامل شرک و گناه

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

<فلا> بیانگر نتیجه حقیقتی است که از دو عنصر به هم پیوسته تشکیل شده است: ۱ اقرار به توحید؛ ۲ استقامت در طریق آن.

اصرار بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۹

۱۹ گناه و اصرار بر آن، موجب ارتکاب گناهان بزرگتر

كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون الانبياء بغير حق ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلك بما عصوا>، كفر به آیات و قتل انبیا باشد و این دو گناه بزرگ، معلول اصرار بر گناهان خفیفتری است که <عصوا> و <يعتدون> اشاره به آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸

۸ عدم عناد و اصرار آگاهانه تقوایندگان

، بر گناه

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً .. لَمْ يَصِرُوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ

چون به مجرد ذکر خدا توبه می کنند، معلوم می شود گناهشان از روی عناد نیست، بلکه به جهت غفلت از یاد پروردگارشان بوده است.

۹ منافات عناد و اصرار آگاهانه آدمی بر گناه ، با تقوای پیشگی

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً .. لَمْ يَصِرُوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ

با توجه به توضیح برداشت قبل.

۱۰ اصرار کنندگان بر گناه ، محروم از وعده الهی به آمرزش گناهانشان

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً .. وَ مَنْ يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَصِرُوا عَلٰى مَا فَعَلُوا

۱۲ پشیمان نشدن و توبه نکردن از گناهان گذشته خود ، به منزله اصرار بر آن گناهان است .

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً .. فَاسْتَغْفَرُوا لَذُنُوبِهِمْ ... وَ لَمْ يَصِرُوا عَلٰى مَا فَعَلُوا

بنابر اینکه جمله <و لم یصروا .. >، عطف تفسیری برای جمله <فاستغفروا> باشد یعنی اگر بعد از گناه، یاد خدا نکنند و استغفار نمایند، در واقع اصرار کنندگان بر گناه هستند.

۱۳ طلب آمرزش نکردن و به فکر توبه نبودن ، در عین توجه به گناه ، اصرار بر آن است .

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً .. لَمْ يَصِرُوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمودند: الاصرار هو ان یذنب الذنب فلا یستغفر الله و لا یحدّث نفسه بتوبه فذلک الاصرار.

---

کافی، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۳۶۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۲

آنان که پشیمان از کرده های ناشایست و ستم بر خویش هستند و اصراری بر گناهان ندارند ، بهره مند از آمرزش الهی و بهشت جاودانه خواهند بود .

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا .. . أَوْلَتْكَ جِزْأَوْهُمْ مَغْفِرَةً مِنْ رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٍ ... خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۲

۲ اصرار بر گناه تا لحظه فرارسیدن مرگ ، مانع پذیرش توبه

و ليست التوبه للذين يعملون السيئات حتى اذا حضر احدهم الموت

جمع آوردن <السيئات> و نیز بکارگیری فعل مضارع <يعملون>، دلالت بر استمرار گناه و اصرار بر آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۱

۲۱ اصرار بر گناه موجب عقوبت و انتقام الهی \*

و من عاد فينتقم الله منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۴،۱۵

۴ دنیاگرایان یهود به گناه خویش ( دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع ) ، اصرار میورزیدند .

و إن يأتهم عرض مثله يأخذوه

جمله <و إن يأتهم .. . > (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)،

اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

۱۵ اظهار اطمینان به مغفرت الهی ، علی رغم اصرار بر گناه ، سخنی نابحق درباره خداست .

و يقولون سيغفر لنا .. . ألم يؤخذ عليهم ... أن لا يقولوا على الله إلا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه -



۲۶ - > عن الحسن قال : قال رسول الله ( ص ) أتدرون ما اللّمم ؟ قالوا : الله و رسوله أعلم قال هو الذی یلم بالخطره من الزنا ثم لا یعود ، و یلم بالخطره من شرب الخمر لا یعود و یلم بالسرقه ثم لا یعود ;

حسن [بصری] گوید: رسول خدا(ص) فرمود: آیا می دانید <لَمَم> چیست؟ گفتند: خدا و رسولش آگاه ترند، حضرت فرمود: <لَمَم> آن است که شخص به خطر زنا احیاناً آلوده می شود. سپس از این گناه توبه می کند و بر نمی گردد و یا به گناه شرب خمر و یا سرقت گرفتار می شود و با توبه هرگز به آن بر نمی گردد.<

اصرار بر گناه اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۳

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذین ظلموا .. >، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

اصلاح گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۸

۸ دوری از نفاق ، جبران گذشته ، اعتصام به خدا و پرهیز از ریا ، شرط تحقق ایمان واقعی است .

الا الذین تابوا و أصلحوا و اعتصموا

بِاللَّهِ... فَأَوْلئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

اصلاح مفاسد گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۲

۲ - توبه از گناهان و اصلاح مفاسد آنها ، موجب برقراری مجدد رحمت قطع شده است .

أَوْلئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ... إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا... فَأَوْلئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ

اعتراف به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۶

۱۶ اعتراف خردمندان به گناه و تقصیر ، در پیشگاه خداوند

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

افراط در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۶

۶ - اسراف و زیاده روی در گناه ، عامل نزول عذاب هلاکت بار الهی

حِجَارَةٍ مِنْ طِينٍ... لِلْمُسْرِفِينَ

وصف <مصرفین> ، مشعر به علیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۴

۴ - افراط در گناه و طغیان گری ، در کنار بهره بردن از نعمت ها و کرم الهی ، دور از انتظار و امری ناشایسته است .

## كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا

می توان گفت: حرف <كَلَّا> ناظر به جمله های بعد است نه آیه های قبل، زیرا زمان نزول آنها با زمان نزول این آیه و آیات پس از آن، فاصله زیادی داشته است. در این صورت مفاد <كَلَّا>، باز داشتن انسان از طغیان و سایر کارهایی است که تا <كَلَّا لئن لم تنته...> آمده است. در نتیجه حرف <كَلَّا> در آن آیه نیز، تأکید این کلمه خواهد بود.

افراط در

گناه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۳

۳ - اسراف ( تجاوز از قانون الهی و زیاده روی در گناه ) ، بارزترین جرم قوم لوط بود .

أرسلنا إلى قوم مجرمين . . . للمسرفين

تعبیر <مسرف> در این آیه، به معنای تجاوز از قانون است که بر قوم مجرم لوط، منطبق شده است.

اقرار به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۲

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۱

۱ اعتراف برخی از گنهکاران و متخلفان از جنگ تبوک به زشتی عمل خویش

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم

با توجه به اینکه فرازهای پیشین، مربوط به جنگ تبوک و تخلف عده ای از شرکت در آن جنگ است می توان گفت که این آیه نیز مربوط به برخی از همان متخلفان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، کشتن یا تبعید او را گناه می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند .

اقتلوا يوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تكونوا من بعده قومًا صالحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران يوسف در حضور او به

گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنا لخطئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب در حضور وی خویشتن را گنهکار دانسته و به گناه خویش اقرار و اعتراف کردند .

قالوا یا بانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنا خطئین

۲ فرزندان یعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با یوسف (ع) و بنیامین و یعقوب (ع) ، آن را مرتکب می شدند .

قالوا یا بانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنا خطئین

مراد از <ذنوبنا> به قرینه مقام رفتار فرزندان یعقوب با وی و یوسف و بنیامین می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۶ - ۴

۴- مشرکان ، در قیامت به گناه و خطا بودن شرک مستمر خویش اعتراف می کنند .

هؤلاء شرکاؤنا الذین کنا ندعوا من دونک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إنا ءامنا برَبِّنا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۵ - ۲

۲- ایمان آوردن و اعتراف به ظلم و گناه ، پس از دیدن علایم و نشانه های عذاب الهی ، بی ثمر است .

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ . فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوِيهِمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَهُمْ حَصِيدًا

این که خداوند فرمود: >گناه کاران

از وقت مشاهده عذاب تا وقت هلاکت دائماً اعتراف به ظلم خویش می کردند، نشان می دهد که اعتراف به گناه در وقت مشاهده عذاب، مؤثر نیست و توبه باید پیش از دیدن آن انجام گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۹

۱۹- تهلیل و تنزیه خداوند و اعتراف به تقصیر و گناه کاری خویش ، از آداب دعا و نیایش است .

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک إنی كنت من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۷

۷- اعتراف کافران حق ناپذیر در قیامت ، به گناهان خود پس از مشاهده قدرت الهی در آخرت

فاعترفنا بذنوبنا فهل إلی خروج من سبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۸

۸- کافران ، چشنده عذاب الهی در قیامت ، پس از اقرارشان به مجرمیت خویش

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در دوزخ به گناه و تقصیر خویش درباره دین

فاعترفوا بذنبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۹ - ۶



۶ - تسبیح خداوند و اعتراف به گناهکاری خویش ، از آداب توبه

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظلمین

برداشت یاد شده، از آن جا است که این آیه، درصدد بیان چگونگی توبه و پشیمانی صاحبان باغ است که با تسبیح خدا و اعتراف به ستم کاری

خویش، انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۰ - ۲

۲ - اعتراف باغداران یمنی ، به مسؤول و مقصر بودن همگی در محرومیت از محصولات باغ

فأقبل بعضهم على بعض يتلومون

اقسام گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱

۱ گناهان ، دارای دو قسمِ صغیره و کبیره

ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم

به قرینه مقابله بین کبائر و سیئات، مراد از سیئات در اینجا، گناهان صغیره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۳

۳ لزوم اجتناب از گناهان عملی و قلبی

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

از جمله احتمالات موجود درباره <باطن الإثم> آن گناهایی است که در درون انسان پنهان می باشد که مصداق روشن آن گناهان قلبی، مانند سوءظن است. نقطه مقابل آن گناهایی است که کاملاً جنبه عملی دارد (ظاهر الإثم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۶

۶ - گناهان از دیدگاه وحی ، تقسیم پذیر به گناهان کبیره و گناهان صغیره

الذین یجتنبون کبیر الإثم

اکراه بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۲، ۳۴

۳۲ - کنیزان وادار شده به فحشا از سوی مالکان ، مورد آمرزش و مشمول رحمت خدا هستند .

و من یکرههنّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۳۴ - اکراه بر گناه ، عذری قابل قبول برای سلب مسؤولیت از اکراه شدگان

فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ

إِكْرَهْتَنَ غَفُورٍ رَحِيمٍ

اكره در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۶

۶ - گناه هرچند بدون تمایل و با اكره صورت بگیرد ، نیازمند بخشش الهی و توبه است .

إِنَّا ءَامَنَّا لِيَغْفِرَ .. و ما أكرهتنا عليه من السحر

در کلام ساحران مؤمن هم <خطایا> نیازمند غفران دانسته شده و هم <ما أكرهتنا>؛ بنابراین گناه اگر چه از روی اجبار و عدم تمایل نیز باشد، نیازمند مغفرت الهی است.

انبیا و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ پیامبران ، در صورت مسامحه در امر رسالت و ترك ابلاغ توحید ، گنه کارند .

فمن ينصرني من الله إن عصيته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۶

۶ - رسولان الهی ، مبرّا از ظلم و گناه

إِنِّي لَا يَخَافُ لِدَيِّ الْمُرْسَلُونَ . إِيَّا مَنْ ظَلَمَ

انتقال گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۹

۹ گناهان آدمی ، قابل انتقال به ذمه فردی دیگر

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

<تبوا> به معنای <ترجع> است. یعنی <تو بر فرض کشتن من باز می گردی در حالی که گناهان مرا نیز به دوش می کشی> و لازمه آن، گناهان هابیل بر گردن قابیل است.

انذار از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۷

۱۷- انذار های الهی ، متوجه کمترین گناه و ظلم و بشارت های او مخصوص پایداران

بر طریق ارزش ها \*

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

خداوند، برای انداز صرف ظلم را کافی شمرده است؛ زیرا با یک ظلم عنوان <الذین ظلموا> صدق می کند. ولی در زمینه بشارت، واژه <محسنین> را به کار برده است و این عنوان بر کسانی صدق می کند که متخلق به ارزش ها باشند. آیه بعد (ثم استقاموا) مؤید این معنا است).

اهمیت اجتناب از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۱،۲،۳

۱ لزوم اجتناب از هر گناه آشکار و پنهان

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

اضافه شدن <ظاهر> به <الإثم> اضافه صفت به موصوف می تواند باشد، یعنی گناه ظاهر. <باطنه> نیز یعنی گناه پنهان.

۲ لزوم اجتناب از همه گناهان، چه قبضش آشکار و چه نهان باشد.

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

<ظاهر الإثم> می تواند صفت برای محذوف باشد. در این صورت معنی جمله چنین می شود: <ذروا عصیانا ظاهر الإثم و باطنه>.

۳ لزوم اجتناب از گناهان عملی و قلبی

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

از جمله احتمالات موجود درباره <باطن الإثم> آن گناهی است که در درون انسان پنهان می باشد که مصداق روشن آن گناهان قلبی، مانند سوءظن است. نقطه مقابل آن گناهی است که کاملاً جنبه عملی دارد (ظاهر الإثم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۳

۳- لزوم اجتناب انسان از زمینه های ابتلا به فحشا و گناهان بسیار زشت و بد فرجام

و لاتقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سییلاً

جمله <إنه کان فاحشه و .. > تعلیل برای نهی <لاتقربوا>

است، یعنی، زنا چون فحشا و بد عاقبت است، لازم الاجتناب است، پس باید از فحشا و هر گناهی که عاقبت سوء دارد، پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۷

۷ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : معناه إتقوا ما بين أيديكم من الذنوب و ما خلفكم من العقوبه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: معنای <و إذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم و ما خلفكم> این است که پرهیزید از گناهانی که در پیش رو دارید و از کیفرهایی که به دنبال شما است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۳

۳ - لزوم مراقبت از قلب و پرهیز از چرکین ساختن آن با گناه

ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون . کلاً

اهمیت اجتناب از محل گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۳

۳ ضرورت تلاش برای خروج از محیط معصیت برای آلوده نشدن به گناه

واستبقا الباب

اهمیت اجتناب از مقدمات گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۳

۳- لزوم اجتناب انسان از زمینه های ابتلا به فحشا و گناهان بسیار زشت و بد فرجام

و لاتقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سیلاً



جمله <إنه كان فاحشه و .. > تعلیل برای نهی <لا-تقربوا> است؛ یعنی، زنا چون فحشا و بد عاقبت است، لازم الاجتناب است، پس باید از فحشا و هر گناهی که عاقبت سوء دارد، پرهیز کرد.

اهمیت ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۳

۲۳ انسان ، نباید به بهانه سپاس از مردمان و پاسخ گویی به اکرام آنان ، خداوند را معصیت کند .

أكرمی مثویه .. قال معاذ الله إنه ربی

اهمیت تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۶

۱۶ - ره یابی به بهشت جاودان و زودوده شدن گناهان ، رستگاری بزرگ و حقیقی در بینش الهی

و كان ذلك عند الله فوزًا عظیمًا

بدترین گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۸

۸ - ارتکاب فحشا ( زنا و لواط ) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفواحش

ذکر <الفواحش> پس از ذکر <کبائر الإثم> با این که <کبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

بزرگترین گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱

۱ افترا به خداوند بالاترین ظلم و از بزرگترین گناهان است.

و من أظلم ممن افترى على الله كذبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۴

۴ - تکذیب قیامت ، بزرگ ترین جرم محکومان دادگاه رستاخیز

فویل یومئذ للمکذبین

از این که

تنها وصفی که برای محکومان روز قیامت آورده شده، عنوان <تکذیب قیامت> است، مطلب بالا استفاده می شود.

بندگان خدا و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۷

۷ بندگان خالص خدا، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آیند.

و لایزنون

پاداش اجتناب از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۴، ۱۱

۱۱ سرای اخروی پرهیزکنندگان از گناهان کبیره، جایگاهی گرانمایه و با شرافت

و ندخلکم مدخلا کریماً

۱۴ بهشت، پیامد پاکی و پیراستگی از گناهان صغیره و کبیره

ان تجتنبوا... و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است.

جنت عدن... خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکی

پاکی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی ها پاک نخواهد کرد .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ .. لَا يَزِيدُهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۵

۲۵ ورود به بهشت در گرو پاک بودن از گناهان است .

لَا كُفْرَانَ عَنكُمْ سِيَّاتِكُمْ وَ لَا دَخْلَ لَكُمْ جَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۱۰ عاشقان خدا و شیفتگان به او ، وارسته از آلودگی به گناه

نحن ابنوا الله و احبوه قل فلم يعذبكم بذنوبكم

پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۴

۴ - توبه و پشیمانی از گناه ، پس از مرگ پذیرفته نخواهد شد و اثری بر آن مترتب نخواهد بود .

إلا الذين تابوا .. إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله

تقیید <کفروا> با جمله (و ماتوا و هم کفار) بیان پایان مهلت زمان پذیرش توبه است؛ یعنی، پس از مرگ پشیمانی سودبخش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۲

۲ آنان که پشیمان از کرده های ناشایست و ستم بر خویش هستند و اصراری بر گناهان ندارند ، بهره مند از آمرزش الهی و بهشت جاودانه خواهند بود .

و الذين اذا فعلوا .. أولئك جزأؤهم مغفرة من ربهم و جنات ... خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ خداوند بردبار با بندگان ، و فرصت دهنده به ایشان برای بازگشت از خطاهای خویش \*

و الله غفور حلیم

برداشت فوق از ارتباط بین <غفور> و <حلیم> به دست می آید یعنی خداوند سریعاً گناهکاران را مؤاخذه نخواهد کرد بلکه به آنان فرصت خواهد داد تا زمینه های جلب مغفرت الهی را برای خویش فراهم کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنا لخطئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۶

۶- اصلاح خطاهای گذشته و گرایش به صلاح عملی ، نشانگر توبه واقعی و شرط پذیرش آن است .

ثم تابوا من بعد ذلك و أصلحوا إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق به خاطر این است که متعلق و مفعول <أصلحوا> ذکر نشده است، ولی به قرینه جمله پیشین (للذین عملوا السوء ..) که سخن از خطا و زشت کاری به میان آورده است مقصود از آن، اصلاح وضع گذشته و رویکرد به صلاح است.

پلیدی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۸

۸ - گناهان ، دارای مراتب متفاوت از حیث زشتی و ناپسندی

و لنجزینهم أسوأ الذی كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۷

۷ - گناه ، هر چند کوچک و حقیر باشد ، از دیدگاه وحی بزرگ و قبیح است . \*

یجتنبون کبیر الإثم

با توجه به اضافه صفت (کبائر) به موصوف (الإثم)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۴ - اسلام و تسلیم خدا بودن ، از ملاک های برتری و ارزشمندی و جرم و تبه کاری از معیار های پستی و ضد ارزشی برای انسان ها است .

أفنجعل المسلمین

کالمجرمین

تبری از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۷

۷ اعلام بیزاری پیامبر ( ص ) از شرک‌ورزی مشرکان مکه و گناهان آنان

و أنا بریء مما تجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۶ - ۳

۳ - لزوم بیزاری جستن انسان از هر عمل مخالف شریعت ، هرچند که از خویشان و بستگان او صادر شده باشد .

و أندر عشیرتک .. . فإن عصوک فقل إئی بریء مما تعملون

تجسم گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۵

۵ - عذاب جهنم ، تجسم کردار های خود بدکاران است .

ذوقوا ما کتتم تعملون

تجسم گناه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۵

۵ بروز و ظهور گناهان در قیامت ، به صورت علامت و نشانه ای برای گناهکاران

و نادى اصحاب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمهم

## تحمل گناه ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۳،۱۱

۳ - کافران مکه ، به هنگام دعوت از مسلمانان به بازگشت از اسلام ، به آنان اعلام کردند که در صورت مرتد شدن ، گناهان شان را برعهده خواهند گرفت .

و قال الذين كفروا للذين ءامنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم

امر <لنحمل> دلالت بر تعهد کافران در قبول گناه ارتداد مسلمانان می کند.

۱۱ - برعهده گرفتن خطا و گناه ارتداد مسلمانان ، از سوی کافران مکه ، ادعایی دروغ و خالی

از واقعیت بود .

و قال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم .. إنهم لكذبون

تحمل گناه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ - توهم وجود مدافعانی در قیامت که آدمی را از عذاب نجات دهند یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های بنی اسرائیل است .

بینی إسرئیل .. و اتقوا يوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً ... و لاهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۵، ۱۶، ۶

۶ هیچکس بار گناه دیگران را بر دوش نخواهد گرفت و به گناهان دیگران مؤاخذه نخواهد شد.

و لاتزر و ازره وزر آخری

<وزر> به معنای حمل کردن و نیز به معنای گناه است. <تزر> و <وازره>، از <وزر> به معنای حمل کردن است و <وزر> و <وزر آخری> به معنای گناه می باشد.

۱۵ روی انه أتى عمر بحامل قد زنت فامر برجمها فقال له امیر المؤمنین(ع): هب لك سبیل علیها أئی سبیل لك علی ما فی بطنها و الله تعالی یقول: <ولاتزر وازره وزر آخری ...>.

روایت شده: زن حامله ای را که مرتکب زنا شده بود نزد عمر آوردند، وی دستور داد زن را سنگسار کنند. امیر المؤمنین(ع) به وی فرمود: بر فرض که حق سنگسار کردن زن را داشته باشی، ولی چه حقی بر طفل در شکم او داری؟ خداوند متعال می فرماید: کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد ...

۱۶ قال رسول الله(ص): لیس علی ولد الزنا من وزر ابویه شیء،

<لاتزر وازره وزر آخری>.

رسول خدا(ص) فرمود: <ولد الزنا گناه پدر و مادر زناکارش را بر عهده ندارد؛ زیرا کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۸، ۱۷، ۷، ۶، ۵

۵- کسانی که با ساختگی دانستن قرآن، دیگران را به گمراهی کشیدند، بخشی از گناهان آنان را به عهده خواهند داشت.

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم ال

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <من> برای تبعیض باشد.

۶- افترا زندگان به قرآن، علاوه بر گناه خویش، عهده دار گناه گمراه شدگان به دست خود نیز خواهند بود.

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة و من أوزار الذين يضلّونه

برداشت فوق بر این احتمال است که <من> یا زاید و یا برای جنس باشد چنان که مفسران احتمال داده اند.

۷- کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند، علاوه بر گناه افترا زدن به قرآن، برخی از گناه دیگران ( گناه گمراهی آنان ) را نیز بر دوش می کشند .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة و من أوزار الذين يضلّونه

این برداشت، مبتنی بر تبعیض بودن <من> در <من أوزارهم> است.

۱۷- < عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة > یعنی ليستكملوا الكفر يوم القيامة > و من أوزار الذين يضلّونهم بغير علم > یعنی كفر الذين يتولّونهم ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره قول خدا <ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة> فرمود:

مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره <و من اوزار الذین یضلونهم بغير علم> فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند]..<

۱۸- <عن النبی (ص) قال : ایما داع دعی الی ضلاله فاتبع کان علیه مثل اوزار من اتبعه من غیر أن ینقص من اوزارهم شیء  
;...>

از پیغمبر(ص) روایت شده است که فرمود: هر دعوت کننده ای که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی شود، همانند بار سنگین گناهان کسانی که او را پیروی کرده اند بر دوش دعوت کننده است؛ بی آنکه چیزی از گناهان پیروان او کاسته شود.  
..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۵

۵- هیچ انسانی بار عمل دیگری را بر دوش نخواهد کشید .

و لاتزر وازره وزر آخری

<وزر> به معنای چیز سنگین و کنایه از گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- فریب دادن با تمسک به دروغ و پذیرش مسؤلیت خطا ، از راه های ایجاد انحراف دینی است .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم .. إثمهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱،۴

۱ - کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه خود ، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت ، بر دوش خواهند کشید .

و قال الذین کفروا .. اتبعوا سبیلنا

... و ليحملن اُثقالهم و اُثقالاً مع اُثقالهم

۴- آنانی که برای گمراهی دیگران تلاش می کنند ، در گناه گمراه شدگان سهیم اند .

و قال الذين كفروا... اُتبعوا سبيلنا... و ليحملن اُثقالهم و اُثقالاً مع اُثقالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱،۲

۱- هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نکشیده و مسؤولیت آن را نمی پذیرد .

و لاتزر وازره وزر اُخری

۲- بار گناه هر کسی تنها بر دوش خود او است .

و لاتزر وازره وزر اُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۶

۶- هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد و هر کس مسؤول عقاید و رفتار خویش است .

فمن كفر فعليه كفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۸،۹

۸- بار گناه هر فردی ، در مرحله نخست به دوش خود او است ؛ نه دیگران .

و لاتزر وازره وزر اُخری

۹- هیچ کس ، توان بر دوش گرفتن بار گناه دیگران را نداشته و شفاعت کننده و نجات بخش گناه کاران نخواهد بود .

و لاتزر وازره وزر اُخری

جمله <و لاتزر وازره...> می تواند کنایه و اشاره به کسانی داشته باشد که به امید شفاعت و دستگیری دیگران، در انجام

وظایف الهی کوتاهی می کنند و یا به گناهان آلوده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۸ - ۱،۳

۱ - مسئولیت گناه هر فرد



، تنها متوجه خود او است .

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

از گناه، تعبیر به <وزر> می شود (مفردات راغب).

۳ - مسئولیت هر کس تنها در برابر عمل خود و نه عملکرد دیگران دیدگاه مشترک تمامی ادیان آسمانی است .

أَمْ لَمْ يَتَّبِعْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى . وَإِبْرَاهِيمَ ... أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

تداوم بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۸

۸ خداوند انسان ها را تنها بر گناهان مستمرشان مجازات می کند .

هل يجزون إلا ما كانوا يعملون

استمرار از تقارن <كانوا> و فعل مضارع <يعملون> استفاده شده است.

ترجیح ذلت بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲

۲ زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

ترس از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۷

۷ گنهگار باید بیمناک از گناه خویش و امیدوار به مغفرت الهی باشد .

إِنَّ اللَّهَ .. و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء

خداوند با اشاره به اینکه آمرزش گناهان حتمی نخواهد بود و تنها مشیت الهی آن را رقم خواهد زد، خواسته است انسانها را از یکسو امیدوار به رحمت و آمرزش کند (رجاء) و از سوی دیگر آنان را نسبت به گناهان بیمناک سازد (خوف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۱۱ انسان باید همواره بیمناک از گناهان خویش و امیدوار به رحمت و مغفرت الهی باشد .

اعلموا إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۸

۸ - لزوم پرهیز از زمینه های لغزش و ابتلا به گناه

اجتنبوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

در آیه شریفه برای این که خداوند مؤمنان را از بسیاری از گمان ها پرهیز دهد، به آنان یادآور شده که این مسیر، اصولاً امن نیست و در مواردی به گناه منتهی می شود. مفهوم این استدلال، این است که هر راهی که ناامن و در معرض گناه قرار دارد، باید از آن پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲۶

۲۶ - > عن الحسن قال : قال رسول الله ( ص ) أتدرون ما اللّمم ؟ قالوا : الله و رسوله أعلم قال هو الذی یلم بالخطره من الزنا ثم لا یعود ، و یلم بالخطره من شرب الخمر لا یعود و یلم بالسرقه ثم لا یعود ؛

حسن [بصری] گوید: رسول خدا(ص) فرمود: آیا می دانید <لَمَم> چیست؟ گفتند: خدا و رسولش آگاه ترند، حضرت فرمود: <لمم> آن است که شخص به خطر زنا احیاناً آلوده می شود. سپس از این گناه توبه می کند و بر نمی گردد و یا به گناه شرب خمر و یا سرقت گرفتار می شود و با توبه هرگز به آن بر نمی گردد.

تشویق به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۱ - شیطان ، با وسوسه های خویش انسان ها را به کار های بد و شنیع ( گناهان کوچک و بزرگ ) ترغیب می کند .

إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

<امر> به معنای فرمان دادن است و در آیه شریفه - به مناسبت حکم و موضوع - مراد از آن وسوسه کردن و مانند آن می باشد . <فحشا> به بدی و زشتی بیش از حد گفته می شود که می توان از آن به گناه بزرگ تعبیر کرد و به قرینه مقابله، مراد از <سوء> گناه کوچک است.

تعاون بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۹،۴۲،۴۳،۴۷

۳۹ حرمت تعاون و همکاری در گناه و تجاوز

و لاتعاونوا علی الاثم و العدون

۴۲ تقوا، زمینه ساز همکاری در نیکی ها ، فراخوانی یکدیگر به تقوایبشگی و پرهیز از تعاون بر گناه و تجاوز است .

واتقوا الله

جمله <اتقوا الله> پس از امر به تعاون در کارهای نیک و نهی از همکاری در گناه، می تواند اشاره به راهی جهت تحقق امر و نهی یاد شده باشد.

۴۳ تعدی و تجاوز حتی به دشمنان ، تعاون در گناه و تجاوز و ترک همکاری در کارهای نیک ، حاکی از بی تقوایی است .

لا یجرمنکم .. و لاتعاونوا علی الاثم و العدون واتقوا الله

۴۷ همکاری در گناه و تجاوز ، گناهی بزرگ و موجب کیفر و مجازاتی سخت

و لاتعاونوا علی الاثم و العدون .. إنَّ الله شدید العقاب

تهدید به عذاب شدید، نشانه بزرگی گناه است.

تعاون در گناه



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۷

۷ - یاری رساندن به قاتلان و آواره کنندگان اهل دین ، گناه و تجاوز است .

تظہرون علیہم بالاثم و العدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۵

۵ - ہمدستان کشنده ناقہ صالح ، شریک جرم او و مبتلا بہ عذابی ہمسان

فتعاطی فعقر .. فکانوا کھشیم المحتظر

مفرد بودن <فعقر> می رساند کہ کشنده ناقہ یک نفر بود؛ ولی تعبیر <أرسلنا علیہم> افادہ می کند کہ عذاب الہی علاوہ بر کشنده ناقہ شامل ہمہ کسانی بود کہ بہ صورت غیر مستقیم، نوعی ہم فکری و ہماہنگی با وی داشتہ اند.

تکذیب گناہ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۹

۹ - انکار و پردہ پوشی گناہان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لکم من نکیر

<نکیر> چنان کہ برخی گفته اند مصدر و بہ معنای <انکار> است.

تکفیر گناہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۴، ۱۵، ۱۰، ۹

۹ - آموزش گناہان و پوشاندن بدی ہا ، تقاضای خردمندان از پیشگاہ پروردگار

رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

۱۰ خداوند ، آمرزنده گناهان و پرده پوش اعمال ناپسند

فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

۱۴ بخشش گناهان و پوشاندن ناروایی ها ، پرتوی از ربوبیت الهی

رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

۱۵ ایمان ، زمینه مغفرت گناهان و پوشاندن اعمال ناروا از سوی خداوند

فَاَمَّا رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

و کَفَّرْنَا سَيِّئَاتِنَا

تفریع جمله <اغفر> بر جمله <آمنا>، با کلمه <فا> می رساند که خردمندان پس از ایمان، خود را شایسته دعا و درخواست آموزش می دیدند و پذیرش آن را انتظار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۳

۲۳ تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان و دخول در بهشت، پرتویی از نصرت الهی به بندگان خویش

و قال الله اني معكم لئن اقمتم الصلوه .. لا كفرن عنكم سياتكم و لا دخلنكم جنت

بنابر اینکه <لاکفرن> تفسیر <انی معکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۳

۳ - ممکن است که خداوند، گناهان بندگان اش را، در صورت فراهم شدن شرایط، نادیده بگیرد.

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنكفّرَن عنهم سيئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۳، ۳

۳ - نادیده گرفته شدن بزرگ ترین گناهان، از انگیزه های احسان کردن محسنان است.

ذلك جزاء المحسنين . ليكفّر الله عنهم أسوأ الذي عملوا

برداشت یاد شده براین فرض استوار است که لام در <لیکفّر> متعلق به <محسنین> باشد. گو این که گفته می شود:  
<الذين أحسنوا للتكفير> کسانی که احسان کردند برای چشم پوشیده شدن از گناهانشان.>

۱۳ - گذشت و چشم پوشی خداوند از گناهان بزرگ، بسی با اهمیت تر از پاداش های بزرگ او است.

ليكفّر الله عنهم أسوأ الذي عملوا و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

از تقدم ذكری <ليکفّر الله..> بر <يجزيهم...> می توان برداشت بالا



را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۲۴

۲۴ - عدم زدایش تمامی آثار گناهان کافران ، به صرف روی آوردن آنان به ایمان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ .. فَبَايِعْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ

از این که پس از پذیرش بیعت مؤمنان، باز هم خداوند از پیامبر(ص) خواسته است تا برای ایشان استغفار کند. معلوم می شود که به صرف ایمان، تمامی آثار گناهان گذشته محو نشده و نیاز به استغفار است.

تکفیر گناه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۱

۲۱ تکفیر ( نادیده گرفتن ) گناهان بنی اسرائیل و دخول آنان به بهشت در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا

لئن اقمتم الصلوة .. و لادخلنکم جنت

تکفیر گناه صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۵،۱

۱ - خداوند ، گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح را نادیده می گیرد .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفرنّ عنهم سیئاتهم

<تکفیر> مصدر فعل <نکفر> به معنای <پوشاندن> است (لسان العرب) و مراد از آن، نادیده گرفتن گناهان است.

۵ - تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح ، وعده حتمی خداوند است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفرنّ عنهم سیئاتهم

لام و نون تأکید <لنکفرنَّ> دلالت بر قطعیت می کنند.

تکفیر گناه محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ -

۱ - خداوند ، بدترین عمل محسنان را ، به پاس احسان آنان ، نادیده گرفته و می پوشاند .

ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ . لِيَكْفُرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا

<تکفیر> (مصدر <لیکفر>) به معنای ستر و پوشاندن است و مقصود از آن چشم پوشی از گناه و زدودن آن از پرونده اعمال است.

۴ - برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن بدترین اعمال احتمالی گذشته آنان است .

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ . . . لِيَكْفُرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که لام <لیکفر>، برای تعلیل و متعلق به فعل محذوفی است که جمله <لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ..> بر آن دلالت می کند؛ بر این اساس تقدیر چنین می شود: <وَعَدَهُمُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَ يَسِرُّ لَهُمْ لِيَكْفُرَ...>.

تکفیر گناه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۱،۵۸

۱ - خداوند ، گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح را نادیده می گیرد .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

<تکفیر> مصدر فعل <نکفر> به معنای <پوشاندن> است (لسان العرب) و مراد از آن، نادیده گرفتن گناهان است.

۵ - تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح ، وعده حتمی خداوند است .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

لام و نون تأکید <لَنُكَفِّرَنَّ> دلالت بر قطعیت می کنند.

۸ - اعطای پاداش به مؤمنان ، پس از چشم پوشی از لغزش ها و گناهان آنان است .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ . . . وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ

ذکر جزا پس از ذکر پوشاندن

گناهان (تکفیر)، می تواند به جهت نکته یاد شده باشد.

تناسب توبه با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۸

۸ - طریقه توبه از گناهان بسته به نوع آن گناه ، متفاوت است .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

تناسب کیفر با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۶

۶ - همسانی کیفر های الهی با گناه گنهکاران

إنما نحن مستهزون. الله يستهزی بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ میان گناه و کیفر آن در نظام معجزات الهی نوعی تقابل و تناسب برقرار است.

و إذا جاءتهم آیه قالوا لن نؤمن . . . سیصیب الذین أجرموا صغار عند الله

خداوند ذلت و خواری را کیفر متکبران در برابر آیات الهی قرار داده است که با یکدیگر تقابل تضاد دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۲،۶

۲ عمل ناشایست دارای کیفری مانند آن و نه بیشتر

من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسيئه فلا يجزى إلا مثلها و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۶

۶ عذابهای الهی متناسب با گناه متخلفان است.

قلیلا ما تذکرون. و کم من قریه أهلکنها فجاءها بأسنا بیتا أو هم قائلون

بیان زمان عذاب، یعنی شبانگاه و خواب نیمروز، که هنگام

غفلت مردم است، پس از بیان غفلت مردم از تذکارات الهی (قلیلا ما تذکرون) اشاره به تناسب عذاب با گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۸

۱۸ تناسب کیفرها و مجازات های الهی با عملکرد انسان

نسوا الله فنیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۸

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقین .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۵

۱۵ کیفر الهی برای گناهکاران ، متناسب با گناه آنان است .

فیسخرون منهم سخر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۴

۴ کیفر هر کار بد در قیامت ، کیفری متناسب با همان کار بد خواهد بود .

جزاء سیئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۷

۷ بین کردار انسان و مجازات او در آخرت ، تناسب کامل وجود دارد .

ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون

<باء> در جمله <هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون> برای مقابله است و این جمله می تواند پاسخ این سؤال باشد که: چرا کافران به عذاب ابدی دچار خواهند شد؟ (ذوقوا العذاب الخلد) خداوند پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است.



بنابراین بین کیفر (عذاب ابدی) و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۶

۶- هر گناهی ، کیفر و عذاب متناسب خود را دارد .

و إن جهنم لموعدهم أجمعین . لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

از اینکه گفته شده است: <برای هر گروهی از گمراهان در و یا طبقه ای مخصوص در جهنم وجود دارد> به دست می آید که گناهان متفاوتند و کیفر متناسب خود را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- گناهان ، دارای رتبه های مختلف بوده و عذاب های متناسب با خود را دارند .

فادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها فلبئس مثوی المتکبرین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أبواب> اصناف باشد و این معنا نشان دهنده تناسب عذاب با گناه است. مؤید برداشت فوق، تخصیص به ذکر متکبران از میان جهنمیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- برخی از گناهان ، عذابی فراگیر و سخت تر از برخی دیگر دارند .

فأصابهم سيئات ما عملوا و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

از اینکه برای <سيئه> واژه <أصاب> و برای استهزا <حاق> به کار رفته است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۷

۷- عذاب کافران ، به تناسب عملکرد و فساد آنان ، متفاوت است .

زدنهم عذاباً فوق العذاب بما كانوا يفسدون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۶

۶- سرکشان و عصیان گران در قیامت ، هر یک برای چشیدن عذاب ، گرفتار مرحله ای مناسب با کردار خویش خواهند بود .

ثُمَّ لَنُنزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدَّ

جمله <لَنُنزِعَنَّ...> دلالت دارد که بیرون کشیدن فردی که از دیگران گنه کارتر است، تا آنجا ادامه خواهد یافت که هر یک از عصیان گران در جایگاه مناسب خویش قرار گیرند و کیفر ببینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۳

۳- هر کس به اندازه استحقاق و اولویت خود ، طعم عذاب دوزخ را خواهد چشید .

ثُمَّ لَنُحْنُ أَعْلَمَ بِالذِّينِ هُم أُولَىٰ بِهَا صِلِيًّا

درجه بندی مستحقان آتش دوزخ و تعیین اولویت های آنان، نشان از آن دارد که همه یکسان عذاب نخواهند دیدند بلکه برخورداردی متفاوت و متناسب با هر یک صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فَنَسِيْتَهَا .. تَنَسَىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۹

۹ - وجود تناسب میان گناه و کیفر آن در نظام کیفری الهی

ثَانِي عَطْفَةٍ .. لَه فِي الدُّنْيَا خَزِي

برداشت فوق از مقابله <ثانی عطفه> (تکبر) با <خزی> (ذلت) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳، ۱۸، ۱۹

۱۳ - تهدید شدن

توطئه گران < افك > ، به انتقام و کيفر به ميزان نقش آنان در اين گناه از سوي خداوند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ امْرِي مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

۱۸ - در گناه گروهی و دسته جمعی ، هر کس به قدر دخالتش در انجام آن ، مورد مؤاخذة قرار خواهد گرفت .

لِكُلِّ امْرِي مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کيفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لِكُلِّ امْرِي مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۴

۴ - کيفر های الهی ، متناسب با اعمال آدمیان

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا .. قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵،۶

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کيفر متناسب با آن خواهد بود .

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ .. وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ

<ال> در <الحسنه> و <السَّيِّئَةِ> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ> ؛ یعنی ، <هر کس هر

عمل نیک بیاورد> و <مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ> ؛ یعنی ، هر کس هر عمل بد بیاورد.

۶ - تبدیل شدن اعمال ناپسند بدکاران به صورت کيفر در جهان آخرت

فَلَا يَجْزِي الَّذِينَ عَمَلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اعمال بدکاران در این آیه به

عنوان خود جزا مطرح شده است، نه <مجزی به>، یعنی، چیزی که در مقابل آن جزا داده شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فَكَلاَّ أَخَذنا بَذنَبه

۲ - قوم عاد و ثمود ، مناسب گناهشان ، کیفر و عذاب شدند .

و عَادًا و ثَمُودًا .. و قرون ... فَكَلاَّ أَخَذنا بَذنَبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - عمل ها و موضع گیری ها هر کدام ، متناسب با خود ، عذاب و کیفر دارند .

فَذوقُوا بما نَسیتُمْ .. ذوقُوا ... بما كنتم تعملون

تکرار <ذوقوا> با ذکر سبب هر کدام از آنها، می تواند بیان کننده این نکته باشد که هر کدام از عمل ها و نیز برخوردهای منفی با اعتقادات دینی، عذاب خاص خود را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۳،۲۴

۲۳ - عذاب های خداوند ، متناسب با بد کرداری کیفرشدگان است .

هل یجزون إلا ما كانوا یعملون

۲۴ - کیفر مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا .. و جعلنا الأغلیل فی أعناق الذین کفروا هل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مقدار مجازات الهی در قیامت ، بسته به میزان اعمال انسان ها و متناسب با کم و کیف آنها

است .

و لاتجزون إلا ما كنتم تعملون

در برداشت یاد شده <ما> در <ما كنتم> مجرور به مضاف محذوف دانسته شده و تقدیر آن می تواند چنین باشد: <و لاتجزون إلا علی وفاق ما كنتم تعملون و علی مقداره>.

۴ - مجازات به میزان رفتار و کردار و متناسب با کم و کیف آن ، جزایی است عادلانه .

فالیوم لاتظلم نفس شیئا و لاتجزون إلا ما كنتم تعملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <و لاتجزون..> عطف بر جمله پیش (لاتظلم...) است و بیانگر چرایی و چگونگی ستم نشدن به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۱،۲،۳

۱ - عذاب دردناک مشرکان و کافران مستکبر در دوزخ ، تجسم اعمال خود آنان و متناسب با رفتار ایشان است .

لذائقوا العذاب الالیم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

آیه شریفه، در واقع پاسخ سؤالی است که از آیه قبل برمی آید و آن این که: چرا عذاب مشرکان مستکبر، عذابی دردناک است و آیا این عذاب عادلانه است؟

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الالیم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

۳ - مجازات های الهی در قیامت ، عادلانه و متناسب با اعمال و رفتار خود انسان ها است .

و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار



حذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳- پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق .

و هم لایظلمون . و وقیت کلّ نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لایظلمون> می باشد، یعنی، ظلم نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱

۱- جزا و کیفر الهی در قیامت، عادلانه و متناسب با رفتار زشت انسان است .

من عمل سیئه فلا یجزی إلا مثلها

مقصود از مجازات به مثل، عادلانه بودن جزای الهی و متناسب بودن آن با رفتار انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۷

۷- مجازات پروردگار، عادلانه و متناسب با نوع رفتار و کردار آدمی است .

إنّ الذین یتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین

مجازات شدن متکبران خود برترین به خواری و ذلت، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۱۴

۱۴- تناسب کیفر های الهی با رفتار و عملکرد آدمی

فاستكبروا .. عذاب الخزي ... و

## لعذاب الآخره أخزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - تناسب عذاب های الهی ، با گناهان و عملکرد آدمیان

لهم فيها دار الخلد جزاء بما كانوا بآئتنا يجهدون

گفتنی است که در آیه شریفه در برابر انکار مستمر آیات الهی، عذاب مستمر و همیشگی قرار داده شده است. با الغای خصوصیت از مورد، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - کیفر های الهی برای مجرمان ، متناسب با جرم و گناه ایشان \*

تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <استکبار> در قبال <هون> اشاره به این تناسب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۴،۵

۴ - تناسب کامل میان کیفر و کردار مجرمان ، در نظام کیفری خداوند

يوم يسحبون فى النار .. . إنا كلّ شىء خلقناه بقدر

خداوند، پس از بیان مجازات مجرمان، در حقیقت این قانون کلی را تذکر داده است که تمامی برنامه های ما از روی عدل و حساب است. از آن جمله کیفر مجرمان است که هر یک به تناسب عمل و استحقاقشان، کیفر خواهند دید.

۵ - > عن علی بن أبی طالب (ع) إنه سئل عن قوله الله : > إنا كلّ شىء خلقناه بقدر < فقال : يقول الله عزّوجلّ إنا كلّ شىء خلقناه لأهل النار بقدر أعمالهم ;

روایت شده که از امام علی بن ابی طالب(ع) [درباره] آیه > إنا كلّ شىء خلقناه بقدر < سؤال

شد، آن حضرت فرمود: خداوند می فرماید: ما هر چیز را برای اهل دوزخ به اندازه اعمالشان خلق نمودیم <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۷

۷ - مؤاخذه و کیفر خلاق (جن و انس) ، در قیامت براساس جرم آنان است .

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصى و الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۶

۶ - وجود تناسب کامل ، بین کردار انسان و مجازات او در قیامت

إنما تجزون ما كنتم تعملون

جمله <إنما تجزون..> می تواند پاسخ این سؤال باشد که چرا عذر کافران پذیرفته نمی شود و چرا نگهبانان دوزخ این گونه با آنان برخوردی خشن و سختگیرانه دارند؟ خداوند در پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است. بنابراین بین کیفر و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۴

۴ - وجود تناسب ، میان نوع گناه و کیفر الهی

و لا یحضّ علی طعام المسکین . فلیس له الیوم ههنا حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۴

۴ - وجود تناسب ، میان گناه و کیفر الهی

و لا یحضّ علی طعام المسکین . . . و لا طعام إلا من غسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - نبأ - ٧٨ - ٨ - ٧

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - نبأ -

۱ - جهنمیان به میزان کردار خویش ، کیفر خواهند شد .

### جزاء وفاقاً

<جزاء> مصدر است و نصب آن، یا براساس مفعول مطلق بودن آن است؛ یعنی، <يجزون جزاء> و یا با تأویل به مشتق رفتن، حال برای <حمیم> و <غساق> است. در صورت اول، مراد این است که کیفر آنان، کیفری مناسب و به میزان گناه آنان خواهد بود و در صورت دوم، همان <حمیم> و <غساق> کیفر مناسب آنان است. هر یک از دو احتمال، می تواند مبنای برداشت یاد شده باشد. <وفاقاً> گرچه مصدر است؛ ولی چون صفت می باشد، به معنای <موافقاً> خواهد بود.

۲ - نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیان طغیان گر ، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است .

### إلا حمیمًا و غساقًا . جزاء وفاقاً

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حمیمًا و غساقًا> باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

۴ - تناسب عذاب و گناه ، در نظام کیفری خداوند

### جزاء وفاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۴

۴ - محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب با انکار معاد

لا یدوقون فیها بردًا و لا شرابًا .. إنهم كانوا لایرجون حسابًا

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است؛ آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند(نفی) و به نوشیدن <حمیم> و <غساق> مجبور خواهند بود(اثبات). <جزاء وفاقاً> آن را کیفری مناسب با کردار آنان که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده بیان کرده است؛ آنها معاد را باور نداشتند(نفی) و آیات خدا

را تکذیب می کردند(اثبات). آیه <جزاء وفاقاً> دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۷

۷- نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم، عقوبتی مناسب با گناه تکذیب آیات الهی

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا... وَكَذَّبُوا بآيَاتِنَا كَذَابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایذوقون) و دیگری مثبت (إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا) بود و گناهان نیز یکی منفی (لا-یرجون) و دیگری مثبت (کذَّبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب عقوبت مثبت با گناه مثبت است. برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۲

۲- عذاب جهنم و افزایش آن، نتیجه انکار معاد و تکذیب آیات الهی و عقوبتی متناسب با آن گناهان است.

فذوقوا فلن نزيدكم

<فاء> در <فذوقوا> و <فلن نزيدكم> دلالت می کند که چشیدن عذاب فراینده پیامدی مناسب برای گناهان بیان شده در آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۳۴ - ۶

۶- تناسب عذاب و گناه، در نظام کیفری خداوند

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ... فاليوم الذين

ءامنوا من الكفّاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۶،۹

۶ - تناسب گناه و عذاب ، در نظام كيفرى خداوند

الذيين فتنوا .. فلهم عذاب جهنم

۹ - گناه شكنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروى آن يكسان است .

الذيين فتنوا المؤمنين و المؤمنات .. فلهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۶

۶ - تناسب مجازات با گناه ، در نظام كيفرى خداوند

فى تكذيب .. محيط

ر. ك. توضيح ۵

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۳

۳ - كيفر هاى الهى ، متناسب با گناه مجرمان است .

يكيدون .. أكيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، كيفر آن سنگين تر خواهد بود .

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم



حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۹،۱۰

۹ - تناسب کیفر های اخروی ، با گناهان انسان

همزه لمزه ... لینبذنّ فی الحطمه

برگزیدن نام <حطمه> که نشانگر درهم شکسته شدن جهنمیان در آتش است ممکن است در ارتباط با گناه <هَمْز> و <لَمْز> باشد

که باعث شکسته شدن شخصیت و اعتبار کسی نزد دیگران است. مادّه <نَبَذَ> نیز که بر افکندن تحقیرآمیز دلالت دارد، چه بسا ناظر به تناسب آن با استهزاها و متلک انداختن های فرد دوزخی باشد.

۱۰- درهم شکسته شدن در آتش جهنم ، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه .. لینبذن فی الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۴

۴- احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه .. الّتی تطّلع علی الأفتنه

تنزیه از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۲

۲- ساختار وجودی انسان و مراحل پیدایش او ، فاقد زمینه آلودگی به کفر و گناه است .

الذی خلقک فسوّیک فعدلک . فی أیّ صوره ما شاء ربّک . کلاً

حرف <کلاً> به قرینه آیات پیشین ممکن است برای رفع این توهم باشد که زمینه کفر و گناه، در وجود کافران و گنه کاران نهاده شده است؛ یعنی، با آن تسویه، تعدیل و ترکیب، جایی برای این توهم نمی ماند؛ بلکه علت گناه و کفر به خداوند را باید در تکذیب کیفرهای اخروی جست و جو کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۲

۲- زندگی ابرار ، پیراسته از تمسک به بهانه های واهی برای گشودن راه گناه

ما غرّک برّبک الکریم . .. إنّ الأبرار لفی نعیم

توبه از گناه



آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ لزوم استغفار، توبه و تدارک گذشته، در صورت ارتکاب گناه

و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك

گناه مورد بحث در آیه، اعراض از پیامبر (ص) است و پذیرش توبه این گناه را مشروط به روی آوردن (جاؤك) به پیامبر (ص) کرده که همان جبران گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۶

۶ - گناه هرچند بدون تمایل و با اکراه صورت بگیرد، نیازمند بخشش الهی و توبه است.

إِنَّا ءَامَنَّا لِيَغْفِرَ .. و ما أكرهتنا عليه من السحر

در کلام ساحران مؤمن هم <خطایا> نیازمند غفران دانسته شده و هم <ما أكرهتنا>؛ بنابراین گناه اگر چه از روی اجبار و عدم تمایل نیز باشد، نیازمند مغفرت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۶

۶ - بازگشت به خدا با توبه به درگاه او، وظیفه ای ضروری بر عهده گناهکاران

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۵ - ۱۷

۱۷ فرصت الهی به بندگان، برای توبه از گناهان خویش

و اعلموا انّ الله غفور حلیم

ذکر صفت <حلیم> (بُردبار)، حکایت از عدم تعجیل الهی در عقوبت دارد، تا شاید مردم در این فرصت، توبه کنند و مشمول

غفران الهی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۲، ۱۳

۱۲ پشیمان نشدن و توبه نکردن از

گناهان گذشته خود، به منزله اصرار بر آن گناهان است.

الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً... فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ... وَلَمْ يَصْرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا

بنابر اینکه جمله <و لم یصروا...>، عطف تفسیری برای جمله <فاستغفروا> باشد یعنی اگر بعد از گناه، یاد خدا نکنند و استغفار نمایند، در واقع اصرار کنندگان بر گناه هستند.

۱۳ طلب آمرزش نکردن و به فکر توبه نبودن، در عین توجه به گناه، اصرار بر آن است.

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً... لَمْ يَصْرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمودند: الاصرار هو ان یذنب الذنب فلا یستغفر الله و لا یحدّث نفسه بتوبه فذلک الاصرار.

---

کافی، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۳۶۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۷

۷ توبه باید متناسب با گناه باشد.

الا الذین تابوا و أصلحوا... و أخلصوا

با توجه به ویژگیهای منافقان، که در آیات گذشته شمرده شد و تناسب آنها با شرایطی که برای قبولی توبه آنان بیان گردید، معلوم می شود هر گناه، توبه ای ویژه دارد.

تهمت گناه به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۴

۴ - پیامبر (ص)، از نگاه مشرکان، فردی گنه کار و برهم زننده نظم اجتماعی شرک

لیغفر لک الله ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

<ذنبک> به معنای اتهام ها و گناهانی است که مشرکان، برای پیامبر(ص) برمی شمردند زیرا با

بعثت آن حضرت، حرمت بت ها درهم ریخت، نظم جاهلی جامعه شرک با ایمان آوردن طبقات مختلف اجتماعی بر هم خورد و این همه اموری بود که از نظر مشرکان، جرم و گناه پیامبر(ص) تلقی می شد.

جبران گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ لزوم استغفار، توبه و تدارک گذشته، در صورت ارتکاب گناه

و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك

گناه مورد بحث در آیه، اعراض از پیامبر (ص) است و پذیرش توبه این گناه را مشروط به روی آوردن (جاؤك) به پیامبر (ص) کرده که همان جبران گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ انجام دادن کار های شایسته به جبران بدی ها و گناهان، خصلتی نیکو و از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. والذين ... يدرءون بالحسنه السيئه

<درأ> (مصدر يدرءون) به معنای دفع کردن و برطرف کردن است. مراد از <السيئه> می تواند بدیها و گناهانی باشد که شخص نیکوکار مرتکب شده و محتمل است مقصود از آن بدیها و ستمهایی باشد که دیگران در حق او انجام داده اند، برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۷

۱۷- امکان تدارک لغزش ها، در بینش الهی

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۶

۶ - ستمکاران ، خواهان بازگشت



به دنیا و جبران گناهان گذشته خود به هنگام مشاهده عذاب

و ترى الظلمين لَمَّا رأوا العذاب يقولون هل إلى مردّ من سبيل

حتمیت کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۴

۴ تداوم بر گناه، مجازات حتمی خداوند را در پی دارد.

إن الذين يكسبون الإثم سيجزون بما كانوا يقترفون

<تداوم> از فعل <یکسبون> و <کانوا یقترفون>، که ماضی استمراری است، استفاده شده است. ضمناً <إن> و سین در <سیجزون> بر تأکید دلالت دارند.

حرمت تعاون در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۸

۸ - حرمت یاری کردن گنهکاران در گناهشان

تظهرون عليهم بالاثم و العدوان

حرمت گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - <قال الصادق (ع): في قوله عزّوجلّ: > و أمّا ثمود فهديناهم فاستحبوا العمى على الهدى > قال: وجوب الطاعات و  
تحريم المعاصى... /

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ که فرموده <و أمّا ثمود فهديناهم فاستحبوا العمى على الهدى> روایت شده  
که فرمود: [هدایت در این جا بیان کردن وجوب طاعات و حرمت گناهان است].

حضور در مجلسگناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۲

۲ حضور در مجالسی که به باطل و دروغ پردازی می گذرد ، ناپسند و ممنوع است .

و الذین لایشهدون الزور

حقیقت گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱۴ دانایی به حقیقت اعمال و واقعیت گناه ، بازداننده آدمی از خطا و گناه \*

و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفه . . و علمك ما لم تكن تعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۳

۳ - گناه ، نوعی اسراف و تجاوز از حد اعتدال است .

قل يعبادى الذين أسرفوا على أنفسهم

<سرف> (ریشه <أسرفوا>) به معنای تجاوز از حد اعتدال است.

خانواده لوط(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۱

۱- خاندان لوط (ع) ، از هرگونه جرم و تبه کاری منزّه و پاک بودند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاّ آل لوط

خطر ارتکاب گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - ضرورت فاصله گرفتن از محدوده گناه ، در صورتی که آدمی در خطر ارتکاب آن گناه باشد .

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

خطر گناه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر گناه مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا) استفاده می شود.

درجات گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۶

۶ همسانی گناه کفر به آیات الهی ، با قتل انبیا و مردمان عدالتخواه

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ .. وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ ... وَ يَقْتُلُونَ

همسانی گناه، از همگون بودن کیفر، استفاده شده است.

دعوت به ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُم أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از عادیان ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُم أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از قوم عاد، برای اطاعت از وی، رعایت تقوای الهی و پرهیز از بیهودگی، غرور و خشونت

أتبنون .. تعبتون ... بطشتم جبارین . فاتقوا الله و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه صالح (ع)

با ثمودیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ - دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۱

۱ - فراخوانی مجدد صالح ثمودیان را برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۱

۱ - دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۱

۱ - دعوت مجدد شعيب (ع) از مردم ايکه ، برای رعایت تقوای



الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ شَعِيبُ أَلَا تَتَّقُونَ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

ذکر تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ محو شدن گناهان با انجام کار های نیک ، حقیقتی شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن است .

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّكْرِينَ

ذکر خدا هنگام گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ لزوم توجه به خدا و ربوبیت او ، به ویژه در مواقع خطر ارتکاب گناه

رَبِّ... إِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبَأُ إِلَيْهِنَّ

رضایت به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ رضایت کفار عصر پیامبر ( ص ) به کشتار انبیا توسط گذشتگان ، علت تهدید آنان به عذاب الهی \*

و يَقْتُلُونَ النَّبِيَّ... فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابِ الْيَمِّ

تهدید بازماندگان قاتلان انبیا به عذاب در صورتی صحیح است که آنان به اعمال گذشتگان خویش راضی باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۴

۴ نکوهش و سرزنش اهل کتاب به خاطر رضایتشان نسبت به اعمال ناروای علمای خود ( گمراه ساختن دیگران ) \*

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ . . . لَمْ تَكْفُرُوا بِاللَّهِ

با توجه به اینکه سرزنش نسبت به همه اهل کتاب است، و گمراه ساختن دیگران مخصوص عالمان آنان است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۴،۵

۴ رضایت یهود زمان پیامبر (ص) از کشتار انبیای گذشته به دست نیاکان و همکیشان خویش

و قتلهم الانبیاء... ذلک بما قدّمت ایدیکم

به نظر می رسد نسبت قتل پیامبران به یهود عصر پیامبر (ص) که از خطاب در <ایدیکم> به دست می آید، به جهت رضایت آنان به عملکرد گذشتگان خویش باشد، چون آنان مرتکب قتل انبیا نشدند.

۵ راضی بودن به رفتار و اعمال دیگران، همسنگ انجام آنهاست.

و قتلهم الانبیاء... ذلک بما قدّمت ایدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۸،۱۹،۲۷،۲۹

۱۸ رضایت به اعمال دیگران، به منزله شرکت در انجام آن است. \*

فلم قتلتموهم

نسبت قتل به یهود عصر پیامبر (ص)، قطعاً حقیقی نیست؛ چون آنان پیامبران گذشته را نکشتند. لذا برخی بر آن شده اند که این اسناد به لحاظ رضایت آنان به اعمال گذشتگان خویش است.

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قتلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم الله القتل برضاهم ما فعلوا.



۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

۲۹ رضایت به قتل نامشروع کسی به منزله کشتن اوست .

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

امام صادق (ع) با تنقیح مناط از آیه فوق فرمود: .. لعن الله المرجئه ... ان هؤلاء يقولون: ان قتلنا مؤمنون فدمائنا متلطفه بشياهم الى يوم القيامة ان الله حكى عن قوم في كتابه: >الّا بين القاتلين و القائلين خمسمائه فألزمهم الله القتل برضاهم ما فعلو.

---

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۶۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ رضایت یهودیان و مسیحیان عصر بعثت از رفتارهای ناپسند نیاکان خویش

هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله من لعنه الله .. و عبد الطغوت

سرزنش یهودیان و مسیحیان عصر بعثت به خاطر رفتار ناپسند پیشینیان آنان، می تواند حاکی از رضایشتان به آن رفتار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۷

۷ دل سپردن و رضایت دادن و عمل کردن، مراحل تأثیر تبلیغات شیطانی است.

و لتصغی ... و لیرضوه و لیقترفوا

>اقتراف< به معنی به دستاوردن چیزی است و غالباً در مواردی به کار می رود که آن کار ناپسند باشد.

روش برخورد با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۵

۵- در تنگناها و زمینه های سقوط در ورطه خلاف عفت ، باید به خداوند پناه برد .

قالت إني أعوذ بالرحمن منك

روش ترک

گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۹

۹ ایجاد بیم در گنهکاران ، در عین امیدوار ساختن آنان به مغفرت الهی ، از روش های قرآن برای ترک گناه

يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

روش مبارزه با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۸

۲۸ ضرورت به کارگیری روش ها و تدبیر های لازم برای پیشگیری از مفسد و گناه ، قبل از تحقق آن

و التي تخافون نشوزهنّ

اگر چه آیه در مورد نشوز زنان است، ولی می توان از آن استنباط کرد که اهل ایمان باید قبل از وقوع مفسد، چاره اندیشی کنند.

روش نجات از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ برای نجات از ورطه های گناه و لغزش ، باید به خداوند پناه آورد .

قال معاذ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ دعا و نیایش به درگاه خدا و استمداد از او ، راه مصون ماندن از گناه و انحرافات جنسی است .

رب . . . و إلاّ تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

زشتی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۹

۹ زشتی و ناروایی گناه ، تجاوز و حرام خواری

يسرعون في الاثم و العدوان و اكلهم السحت لبئس ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -



۲ لزوم اجتناب از همه گناهان، چه قبضش آشکار و چه نهان باشد.

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

<ظاهر الإثم> می تواند صفت برای محذوف باشد. در این صورت معنی جمله چنین می شود: <ذروا عصیانا ظاهر الإثم و باطنه>.

زشتی گناه آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۶

۶ - ارتکاب علنی اعمال زشت ، دارای قباحت فزون تر

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

لوط(ع)، در توییح قومش بر روی دو نکته تأکید کرده است: ۱ ارتکاب فحشا، ۲ انجام آن در منظر عموم. بنابراین مفاد پیام لوط چنین می شود: ای مردم! چرا به کار زشت آمیزش با مردان روی می آورید و بدتر از آن چرا آن را در برابر چشم دیگران انجام می دهید.

زمینه آموزش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - اجرای فرمان های الهی ، زمینه ساز آموزش گناهان است .

ادخلوا الباب سجداً .. نغفر لكم خطيكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۰

۲۰ آموزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر \*

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآخَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ... لَا كُفْرًا عَنْهُمْ سِيَّاتِهِمْ وَلَا دُخْلًا لَهُمْ جَنَّاتٍ

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخراجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۲

۲ دوری از گناهان بزرگ، زمینه آمرزش گناهان کوچک

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

زمینه اجتناب از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۵

۵ - توجه به سرنوشت شوم اصحاب سبت، زمینه ساز خودداری از گناه و نافرمانی خداوند است.

فجعلنها نکالا لما بین یدیها و ما خلفها

<نکال> به معنای عبرت و نیز به معنای عقوبت و کیفر بازدارنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۶

۶ توجه به شدت عقاب الهی، زمینه ساز پرهیز از گناهان و ستمگریها

و اتقوا فتنه .. و اعلموا أن الله شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۸

۸ - یقین به نتیجه ذلت بار گناه، مایه پرهیز انسان از آن است.

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربهم ربنا أبصرنا .. إنا موقنون

اعتراف مجرمان به معرفت و یقین پیدا کردن در قیامت، پس از مشاهده وضع خود در آن روز و درخواست مؤکد آنان از خدا برای بازگشت به دنیا، جهت انجام دادن کار خوب، نشان می دهد که اگر کسی به نتیجه بد گناه یقین پیدا کند، از آن پرهیز خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۴ - ۵

۵ - ایمان به معاد و حیات اخروی ، مستلزم دوری از گناه و هواپرستی

أفرءیت

من اتخذ إلهه هويه . . . و قالوا ما هي إلا

تأکید مشرکان بر انکار معاد، ممکن است بر این اساس بوده باشد که عقیده به معاد، در تغییر مسیر زندگی هوس آلود تأثیر اساسی داشته و آدمیان را از میل به گناه باز می دارد.

زمینه اعراض از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۲

۲ - اخبار قرآن از فرارسیدن قیامت ، هشدار می کافی برای دور شدن آدمیان از کفر و گناه است .

اقترب الساعة . . . و لقد جاءهم ... ما فيه مزدجر

مراد از <الأنباء> به قرینه آیات پیشین، می تواند مسأله نزدیکی قیامت و مسائل مختلف آن باشد.

زمینه ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۸

۸ توجه به ربوبیت خداوند، مقتضی پرهیز از عصیان او

قل إني أخاف إن عصيت ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱۱، ۹

۹ باور به توانمندی خدا و شدت کیفر های وی زمینه ساز پرهیز آدمی از کفرورزی و ارتکاب گناه

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوي شديد العقاب

هدف از توصیف خداوند با جمله <إن الله...> پس از بیان مؤاخذه کفرپیشگان گنهکار این است که انسانها با باور به نیرومندی خدا و شدید العقاب بودن وی، از مخالفت با وی پرهیزند و رو به کفر و گناه نیاورند.

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

كدأب ءال فرعون . . إن الله

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشدار است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۶

۲۶ باور به ربوبیت خدا و توجه به احسان ها و نعمت های او ، زمینه ساز پرهیز از گناهان است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ پیامبران ، برای مصون ماندن از گناه و پایداری بر عصمت ، همواره و در هر حال به توفیق و امداد های الهی نیازمندند .

و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

زمینه گسترش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۸

۸ بی تفاوتی عالمان و اندیشمندان در برابر گناهان ، زمینه ساز رواج و توسعه آنها

لولا ینهیهم الربیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

زمینه گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۷

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجاً من السماء بما كانوا یفسقون

<با>ی سبیه در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است.



بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ - حسادت ، از رذایلی است که آدمی را به گناهان بزرگ و حتی کفر می کشاند .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغِيًّا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۳

۳ جهل ، منشأ ارتکاب گناه

يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ

در برداشت فوق کلمه <بجهاله> قید توضیحی گرفته شده است ؛ یعنی هر <سوء> و گناهی ناشی از نوعی جهل و نادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۵

۵ چشمداشت و آرزوی دستیابی به نعمت های دیگران ، زمینه ارتکاب گناه

أَنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ ... وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ

نهی از آرزوی دستیابی به نعمتهای دیگران، پس از ترغیب به اجتناب گناهان، می تواند اشاره به ریشه برخی گناهان کبیره و ارشاد به راه مبارزه با آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۳

۳ حرامخواری زمینه سرپیچی از فرمان های الهی و ارتکاب گناهانی دیگر

فَبَدِّلِ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۶

۶ وجود زمینه های لغزش و گناه در بهرهوری از غنایم

فلکوا .. و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۶

۱۶ رفاه و دل‌بستگی به لذت‌های دنیا، زمینه‌ساز ستمگری و گرایش به جرم و گناه است.

واتبع الذين ظلموا ما أترفوا فيه و كانوا مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۵۸

۵ ترک گناه و پرهیز از بدی‌ها و آلودگی‌ها، تنها با توفیق و امداد‌های خداوند میسر است.

إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

۸ یوسف (ع) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی، رحمت او را مایه ترک گناهان و بدی‌ها دانست و خود را ستایش نکرد.

و ما أبرء نفسي إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۳

۳- برخورداری از رفاه و ثروت، زمینه‌ساز گرایش به فسق و گناه

أمرنا مترفها ففسقوا فيها

ذکر مترفان جامعه از میان سایر قشرها برای فاسق شدن، در حالی که فسق و گناه از عهده همه مردم برمی‌آید و اختصاص به گروه خاصی ندارد، ممکن است به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲

۲- مال یتیم و سوسه انگیز و زمینه‌ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است.

ولا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه <لاتقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لاتأكلوا و لاتصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به

دلیل حامی جدی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میل‌های به ناحق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱۰

۱۰- گردن فرازی و سلطه جویی ، زمینه ساز عصیان و گناه است .

و لم یکن جبارًا عصیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۹

۹- خلوت کردن زن و مرد نامحرم حتی برای تقوایبندگان دامی خطرناک و زمینه سقوط به ورطه گناه است .

إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

جواب شرط <إِنْ كُنْتَ> محذوف است. برخی مراد از جمله شرطیه را ترغیب به تقوا دانسته و برخی اشتراط را حقیقی می دانند؛ در صورت دوم، مفاد آیه این است که اگر اهل تقوا باشی جا دارد که من به خدا پناه ببرم (تا چه رسد به این که متقی نباشی). بنابراین، نکته شرط آن است که چنین موقعیتی، حتی برای تقوایبندگان خطرناک است، تاچه رسد به غیر آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱۰

۱۰ - نگاه ، زمینه ساز وقوع در گناه است .

و لا تَمُدَّنْ عَيْنَكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۱

۱۱- فسق و انحراف مستمر ، موجب آلوده شدن انسان به گناهان بزرگ تر و بیش تراست .

كانت تعمل الخبيث إنهم كانوا قوم سوء فسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۲- غفلت انسان از شهادت اعضا و جوارح ، عامل جرأت وی بر گناه و معصیت

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۴

۴- روحیه اقتدار و اشرافی گری ، زمینه ساز غوطه‌وری انسان در گناه

طعام الأثیم .. ذق إنک أنت العزیز الکریم

در این آیات، دوزخیان مبتلا به عذاب شدید و گدازنده، در ابتدا با وصف <الأثیم> (به معنای غوطه‌ور در گناه) و سپس با وصف <العزیز الکریم> یاد شده اند. ارتباط این اوصاف، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۲

۲- بی توجهی به عدالت الهی در نظام حسابرسی ، از زمینه های گناه پیشگی است .

أم حسب الذین اجترحوا السیئات

پرسش انکارآمیز خداوند در زمینه پندار غلط گناه پیشگان، حکایت از این می کند که چنین پنداری در اهل گناه، وجود داشته و یا زمینه بروز دارد. لحن توبیخی و هدایت گرانه آیه شریفه، می رساند که این پندار، خود موجب انحراف است و برای از میان بردن انحراف، باید پندار را نقد و ابطال کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۴

۴- فریفتگی و دل‌بستگی به زندگی دنیایی ، زمینه ساز روی آوری انسان به گناه \*

أما الذین کفروا .. و کنتم قومًا مجرمین ... و غرتکم الحیوه الدنیا

در نخستین آیه از آیات مربوط به سرنوشت کافران، بر دو مسأله تأکید شده

بود: ۱ روحیه استکباری، ۲ گناه پیشگی. اینک در آخرین آیات مربوط به آنان نیز به دو مسأله دیگر اشاره شده است: ۱ استهزای آیات الهی، ۲ فریفتگی آنان به زندگی دنیا. این دو در ارتباطی تنگاتنگ با دو نکته آغازین است و از آن جا که <کنتم قوماً مجرمین> به جنبه عملی زندگی آنان اشاره دارد، <عزّتکم...> می تواند به جنبه روحی و زمینه سازی آن برای گناه کاری ایشان نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- شیطان ، هموارکننده راه گناه و کفر ، در نگاه انسان ها

الشیطن سؤل لهم

واژه <سؤل> ممکن است به معنای <سهل> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۲

۲۲ - کفر ، زمینه ساز ابتلای انسان به شکستن حریم ارزش ها و ارتکاب گناهان \*

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

برداشت بالا بدان احتمال است که تقدم لفظی کفر بر فسوق و عصیان، دال بر تقدم معنوی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۴،۷،۸

۴ - بعضی از گمان ها ، قرار دهنده انسان در معرض گناه و عکس العمل ناشایست

إِنَّ بعض الظنّ إثم

۷ - مترتب شدن گناه بر بعضی از گمان ها ، مقتضی اجتناب هر چه بیشتر انسان از بدگمانی به مؤمنان

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ إِنَّ بعض الظنّ إثم

با توجه به این که <إِنَّ بعض الظنّ...> در مقام تعلیل برای <اجتنبوا...> است، برداشت بالا به دست می آید.





پرهیز از زمینه های لغزش وابتلا به گناه

اجتنبوا كثيراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثم

در آیه شریفه برای این که خداوند مؤمنان را از بسیاری از گمان ها پرهیز دهد، به آنان یادآور شده که این مسیر، اصولاً امن نیست و در مواردی به گناه منتهی می شود. مفهوم این استدلال، این است که هر راهی که ناامن و در معرض گناه قرار دارد، باید از آن پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲۰

۲۰ - ستایش از خویشتن و دعوی پاکی ، با وجود زمینه های طبیعی آلودگی به گناه ، امری ناروا و ناشایست \*

هو أعلم بکم . . . و إذ أنتم أجنه فی بطون أمهتکم فلاتزکوا أنفسکم

ذکر <أنشأکم من الأرض> و <أنتم أجنه> احتمالاً برای آن است که انسان خاکی که دوران جنینی را گذرانده و از عوامل مختلف تأثیر پذیرفته است چگونه می تواند ادعای پاکی و خطاناپذیری، داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۳

۳ - پیوستگی تنگاتنگ میان انکار قیامت با اقدام به جرم و گناه

هذه جهنم التي یکذب بها المجرمون

از این که هر مجرمی به صورت مطلق تکذیب گر جهنم معرفی شده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۸

۸ - فسق و گناه پیشگی ، دارای پیوندی عمیق با غفلت از خدا و خویش

ولا تكونوا کالذین نسوا الله فأنسیهم أنفسهم أولئک هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۶

۱۶ - تلاش برای تکامل و بهتر شدن ، در راستای هدف و فلسفه خلقت بشر و گناه و کوتاهی او ، بیرون از آن است .

لیلوکم اَیکم أحسن عملاً

جمله <لیلوکم اَیکم أحسن عملاً> می رساند که هر تلاشی برای تکامل و بهتر شدن، در جهت هدف خلقت بشر است. بنابراین، هر گناه و کوتاهی ای که از بشر سرزند، خارج از دایره هدف خلقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۵ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، زمینه ساز انواع گوناگون خطاها و گناهان است .

مما خطیتهم أُغرقوا

از این که در آیه شریفه، خطاها و گناهان قوم نوح، عامل هلاکت آنان دانسته شد با آن که آنان بت پرست و مشرک بودند می تواند نشانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۱ - ۵

۵\$ - دروغ دانستن تعالیم پیامبران زمینه ساز نافرمانی خداوند و گرفتاری به گناه

فكذب و عصی

ترتیب بیان تکذیب و عصیان، گویای ترتب آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۶

۶ - دروغ پنداشتن ادیان آسمانی ، زمینه ساز آلودگی به گناهان است . \*

كلا بل تكذبون بالدين

کلمه <دین> ممکن است به معنای شریعت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۴

۴ - کم فروشی ، زمینه ساز آلودگی به گناه و گناه

زمینه ساز تکذیب قیامت است .

ویل للمطفّفين . . . كلاً انّ كتب الفجّار ... الذين يكذبون بيوم الدين

ترتیب آیات، ممکن است برخاسته از ترتیب پیدایش اوصاف ذکر شده در آن باشد.

زمینه گناه ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۴

۴ - فراهم بودن زمینه های افراط در گناه برای ثروتمندان

آن رءاء استغنی

زمینه گناه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

ولّوا إلی قومهم منذرین

<منذرین>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

زمینه گناه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۸

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند

یاخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

زمینه های گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۵

۵ غفلت از یاد خدا، زمینه انجام کارهای ناشایست و ارتکاب گناه

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا

چون ذکر خدا باعث می شود که انسان از کرده خویش پشیمان شود و از خدا آمرزش طلبد (ذکروا الله فاستغفروا)، معلوم می گردد که انسان به هنگام گناه، از یاد خدا غافل است.

زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره -

۱۸ - بازگشت زیان معصیت به گنهکار است نه متوجه ساحت قدس خداوند

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ آثار زیانبار گناه ، دامنگیر خود انسان

و من یکسب اثمًا فانما یکسبه علی نفسه

۲ توجه آدمی به بازگشت آثار زیانبار گناه به خود ، زمینه گرایش به توبه و استغفار

ثم یتستغفر الله یجد الله .. و من یکسب اثمًا فانما یکسبه علی نفسه

خداوند پس از ارائه راه آموزش، این حقیقت را بیان کرده که آثار گناه و خیانت، دامنگیر خود گناهکار خواهد شد، تا او را از خیانت و گناه باز دارد و در صورت ارتکاب، به توبه و استغفار روی آورد.

۴ خداوند بازگرداننده آثار زیانبار گناه به گنهکاران

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جمله <کان الله علیماً حکیماً> می رساند که تحمیل آثار سوء آدمی به دست خداوند است.

۵ خداوند ، آثار سوء گناه آدمی را بر اساس علم خویش و بدور از هرگونه خطا به وی باز می گرداند .

و من یکسب اثمًا فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

توصیف خداوند به <علیماً> برای رساندن این معناست که در بازگرداندن آثار سوء گناه، هیچ خطایی رخ نخواهد داد.

۶ بازگرداندن آثار زیانبار گناه به گنهکاران ، کاری حکیمانه

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ مغفرت و رحمت



الهی تنها امید و وسیله رهایی گنهکاران از خسران گناه است.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسیرین

سختی و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۴

۴ رنج و سختی ، نمی تواند مجوز ارتکاب گناه باشد .

رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

سرزنش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۶

۱۶ گناه و انحراف آگاهانه ، دارای زشتی و پلیدی فزونتر

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

قید <من بعد ..>، بیانگر این است که مذمت و تقییح عملکرد اهل کتاب، بدان جهت است که ارتداد و کفرشان پس از آگاهی و اتمام حجت بوده است.

سکوت در برابر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۶،۹

۶ اطمینان به هلاکت متجاوزان ایله و یا گرفتاری آنان به عذابی سخت ، بهانه تارکان نهی از منکر برای سکوت خویش در برابر آنان و مایه نابجا شمردن عمل موعظه گران ( نهی از منکر )

لم تعظون قوماً اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

۹ اصلاحگران ایله سکوت در برابر گناه را ناروا شمرده و تارکان نهی از منکر را در پیشگاه خدا معذور نمی دانستند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

ظاهر اقتضا می کرد که موعظه گران بگویند <ربنا> (پروردگارانمان)، نه <ربکم> (پروردگار شما). این جا به جایی اشاره به این حقیقت دارد که خداوند پروردگار شما نیز هست و باید در برابر او عذری داشته باشید و

بدانید که اگر نهی از منکر نکنید، معذور نیستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۹

۹ ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری، دارای کیفی شدید است.

أنجینا الذین ینھون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

سنگینی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۶، ۱۲

۱۲ منکران معاد در قیامت با بار سنگین گناهان خویش حضور می یابند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء اللّٰه .. و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

<أوزار>، جمع <وزر>، به معنی سنگینی است و مقصود از <أوزار> در آیه سنگینی گناهان است.

۱۶ کوتاهی و تفریط در امور دینی و مسؤولیتها، گناه و باری شوم بر دوش انسان است.

قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم ألا ساء ما یزرون

بنابراین که <ما در > ما فرطنا < موصوله و مرجع برای ضمیر > فیها < باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۷

۷ گناه، باری سنگین بر دوش گناهکاران

و لاتزر و ازره وزر آخری

<وزر> در اصل به معنای بار سنگین است و گناه را از آن جهت وزر می گویند که بر دوش گناهکار سنگینی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- گناه ، باری سنگین بر دوش گناهکار

ليحملوا أوزارهم كامله

تعبیر از گناه به <وزر> که به معنای سنگین و ثقیل است دلالت بر نکته یاد

شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۶

۶- گناه ، باری سنگین بر دوش انسان است .

و لاتزر وازره وزر آخری

<وزر> در لغت به معنای چیز سنگین است (لسان العرب)، و از این رو به گناه <وزر> گفته می شود، که دارای تبعات و نتایج سنگینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۳

۳ - گناه ، وبال گردن آدمی و باری سنگین بر دوش او است .

و لیحملنْ اُنْقَالَهُمْ و اُنْقَالاً مَع اُنْقَالَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۳

۳ - گناه ، باری سنگین بر دوش انسان ها است .

و لاتزر وازره وزر آخری . . . و لو کان ذاقربی

<وزر> (مرادف <ثقل>) به معنای بار سنگین است و به گناه از آن رو که دارای تبعات و آثار زیانبار سنگینی است، <وزر> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۲

۱۲ - گناه ، باری سنگین بر دوش بشر

و لاتزر وازره وزر آخری

<وزر> در اصل به معنای ثقل و سنگینی است. اطلاق <وزر> بر گناه، به خاطر سنگین بودن آثار و پیامدهای آن برای گناهکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۸ - ۲

۲ - گناه ، باری سنگین بر دوش انسان

الآتزر وازره وزر أُخری

واژه <وزر> به معنای بار سنگین نیز آمده است (مفردات راغب).

سنگینی گناه کفر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ... وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است؛ زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

سنگینی گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ... وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است؛ زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

سنگینی گناه معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۱

۱ - روی گردانندگان از قرآن و تذکارهای آن ، در قیامت باری سنگین از گناه را به دوش خواهند کشید .

من أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا

نکره بودن <وزراً> بر گران باری و سنگینی آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۱

۱ - کیفر روی گردانی از قرآن ، در قیامت همانند باری سنگین بر دوش اعراض کنندگان خواهد بود .

من أعرض عنه . . . وزرًا . خلدین فیه ... حملًا

<حمل> به معمولی گفته می شود که نظیر باری که بر سر یا پشت نهند، آشکار باشد (لسان العرب).



نکره بودن آن، گویای گران باری آن است.

شرایط آمرزش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۶،۷

۶ آمرزش گناهان ، منوط به مشیت خداوند است .

و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء

۷ گناهانی که در حدّ شرک باشد ، قابل آمرزش نیست .

و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء

برداشت فوق با توجه به معنای کلمه <دون> (کمتر و پایینتر) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۶

۶ - گناهان اتفاقی در زندگی اجتناب کنندگان از کبائر ، مورد عفو و اغماض الهی

الذین یجتنبون کبیر الإثم .. إلاّ اللّم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <اللّم> در آیه شریفه، گناهانی باشد که انسان به طور اتفاقی مرتکب آن می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۵

شرکت در مجلس گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۳،۱۶،۱۷

۱۳ شرکت در مجالس گناه ، گناهی همسنگ با انجام آن

فلاتقعدوا معهم حتّى يخوضوا فى حدیث غیره إنکم إذاً مثلهم

۱۶ یکسانی سرنوشت شوم کافران و منافقان و شرکت کنندگان در مجالس کفر و گناه و استهزا به آیات الهی

انکم اذاً مثلهم إنّ الله جامع المنفقین .. . جميعاً

۱۷ مسلمان شرکت کننده در مجالس کفر و استهزای به آیات الهی منافق است .

فلاتقعدوا معهم حتّى يخوضوا فى حدیث غیره إنکم إذاً مثلهم .. . جميعاً

جمله <ان الله .. .>،

پس از بیان حرمت مجالست با استهزا کنندگان، دلالت می کند که مراد از منافقان، همان مسلمانانی هستند که در آن مجالس شرکت می کنند.

شریک گناه گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ ترک کنندگان نهی از منکر، شریک جرم گناهکاران و دارای سرنوشتی همسان با آنان هستند .

أنجینا الذین ینھون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

صالح(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد: در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گناه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

ظلم گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲۰

۲۰ - ارتکاب گناه پس از آگاهی به آن ظلم است .

و لئن اتبعت أهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۵

۵ گناه ، ستم بر خویشان است .

و من يعمل سوءاً او يظلم نفسه ثم يستغفر الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۳

۳ گناه و عصيان، ظلمي است از ناحیه انسان به خویشتن.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۳

۳ شرکورزی ، انکار

پیامبران و ارتکاب گناه ، ستمهایی است که مشرکان ، کافران و گنه کاران در حق خود روا می دارند .

و لکن ظلموا أنفسهم

مقصود از ظلم به نفس که جمله <ظلموا أنفسهم> گویای آن است هم گناهان و هم آثار و تبعات آن می باشد. برداشت فوق ناظر به لحاظ نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۰

۳۰ نادیده گرفتن نعمت های الهی و ناسپاسی خدا ، با ارتکاب گناه ، ظلم است .

إنه ربی أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۳

۳ - جرم و گناه ، عملی ظالمانه است .

یقسم المجرمون .. فیومئذ لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم

ظلم گناه آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۹

۹ - لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، عملی ظالمانه است .

أنتکم لتأتون الرجال .. إنا مهلكوا أهل هذه القرية إن أهلها كانوا ظلمین

عذر بدتر از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۶

۶ عذر منافقان ، عذر بدتر از گناه و مایه بر ملا شدن کفر باطنی آنان بود .

إنما كنا نخوض و نلعب .. لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمانكم

عذر بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۱

۱۱ جهل آدمی ، عذری بر گناهان او در پیشگاه خداوند

لم

يَصِرُوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ

عصمت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱

۱ پیامبر (ص)، معصوم از گناه و مصون از خطا و لغزش

و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفة منهم ان يضلوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۱، ۸، ۶

۶ يوسف (ع)، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی، مصون و معصوم بود.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

۸ پیامبران در پرتو امداد های الهی، از گناه و فحشا، مصون و معصومند.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

از عبارت <لنصرف عنه...> (تا بدی و پلیدی را از او دور سازیم) که دور ساختن گناه از یوسف(ع) را به خداوند نسبت

داده است معلوم می شود مشاهده برهان نیز به توفیق الهی و امداد او بوده است.

۱۱ بندگان خالص (آنان که کاملاً در اختیار خدایند) هرگز آلوده به گناه نشده و مرتکب هیچ معصیتی نمی شوند.

لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان، مصون از خطا و معصوم از گناه و نافرمانی اند.

لا يعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <لا يعصون الله..> عصمت فرشتگان و <يفعلون ما يؤمرون> اشاره به مصونیت آنان از



خطا در انجام وظایف داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۲۴

۲۴ - عصمت از گناه شرط امامت است .

قال لاینال عهدی الظلمین

عفو از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، با بازگرداندن رحمت خویش بر متخلفان از حکم الهی ( حرمت آمیزش در شب های ماه رمضان ) گناه آنان را مورد عفو قرار داد .

فتاب علیکم و عفا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۶

۶ - عفو خداوند ، نسبت به بسیاری از گناهان و خطاهای انسان ها

و یعفو عن کثیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۵

۵ - عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار ، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أو یوبقهنّ بما کسبوا و یعف عن کثیر

عفو گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۷

۷ جرمی که از سر ستمکاری و تجاوزگری نباشد، موجب استحقاق عذاب الهی نخواهد شد.

و من يفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <عدواناً و ظلماً>، قید احترازی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۸، ۹، ۱۰

۸ گذشت از گناه نقض حاکمیت پیامبر (ص)، در گرو پذیرفتن حاکمیت کامل آن حضرت است.

یریدون ان يتحاكموا.

.. و لو أنّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله

مراجعه منافقان به طاغوت، نقض حاکمیت پیامبر (ص)، و جمله <جاؤك .. >، کنایه از پذیرفتن حاکمیت پیامبر است؛ چون ظاهراً صرف آمدن نزد رسول خدا، موضوعیت ندارد.

۹ گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیت پیامبر (ص)، در گرو توبه آنان به درگاه خدا و قبول آنان از سوی پیامبر (ص) است.

یریدون ان یتحاکموا .. و لو أنّهم اذ ظلموا ... لوجدوا الله تواباً

جمله <و استغفر لهم الرسول> می تواند کنایه از این باشد که قبول توبه آنان <لوجدوا الله تواباً> در صورتی است که پیامبر (ص) بازگشت آنان را بپذیرد.

۱۰ شرط گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیت پیامبر (ص)، استغفار پیامبر (ص) برای آنهاست.

و لو أنّهم اذ ظلموا .. و استغفر لهم الرسول ... لوجدوا الله تواباً

عفو گناه صغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۵،۱۶

۵ لزوم چشمپوشی از خلافکاری های کوچک کسانی که مرتکب خلاف های بزرگ نمی شوند . \*

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

این آیه می تواند درسی باشد برای زندگی اجتماعی مردم که همان گونه که خداوند در صورت اجتناب از گناهان بزرگ، گناهان کوچک را نادیده می انگارد، شما مردم نیز چنین باشید.

۱۶ مؤمنان پرهیزکننده از گناهان کبیره، معاف از پاسخگویی درباره گناهان صغیره خویش

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

امام کاظم (ع): .. من اجتنب الکبائر من المؤمنین لم یسئل عن الصغائر

توحید صدوق، ص ۴۰۷، ح ۶، ب ۶۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۱۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۴، ۱۳.

علم به گناه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۹

۹- آگاهی از میزان جرایم انسان ها و درجات عذاب آنان ، از شؤون ربوبیت الهی است .

فوربک .. ثم لنحن أعلم

عوامل آمرزش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ - استغفار به درگاه خدا ، موجب آمرزش گناهان است .

و قولوا حطه نغفر لكم خطيكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَوَدَعُوا فِي سَبِيلِي وَاَقَاتَلُوا وَاَقْتُلُوا لَا كُفْرًا عَنْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۲

۲- هر نوع گناه و بدکاری به وسیله توبه ، قابل آمرزش است .

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمَلُوا السُّوءَ . . . ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ ... لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

گفتنی است که برداشت فوق با توجه به اطلاق <السوء> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداترسی

، تلاوت قرآن ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اسباب آموزش گناهان و دریافت افتخار سپاس گزاری خداوند

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... و یزیدهم

عوامل اجتناب از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو ترى إذ المجرمون .. لأملأن جهنم من الجنه و الناس

عوامل ازدیاد گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۶

۶ - پناه بردن گروهی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به برخی از مردان جن ، بر گناه و زشت کاری آن گروه می افروود .

فزادوهم رهقاً

برداشت یاد شده و بعدی، مبتنی بر این نکته است که ضمیر فاعلی <فزادوهم> به رجال جن و ضمیر <هم> به رجال انس بازگردد.

عوامل ازدیاد گناه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۵

۵ - پناه بردن برخی از انسان ها به جن ، موجب افزایش گناه و زشت کاری جن بود .

فزادوهم رهقاً

معنای گناه و فعل قبیح، از معانی مشهور واژه <رهق> است که مفسران نیز بر آن تأکید دارند.

عوامل پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن

کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطاها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله .. لنكونن من الشكرين

عوامل ترك گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۱

۲۱ باور به انحصار خالقیت به خداوند ، وادار کننده انسان به پرستش او و پرهیز از شرک و دوری از گناه و استغفار از گناهان گذشته است .

هو أنشأكم من الأرض .. فاستغفروه

برداشت فوق، از حرف <فاء> که جمله <استغفروه ..> را بر <هو أنشأكم ...> تفریع کرده است به دست می آید.

عوامل تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۶

۶ رعایت تقوا و ترس از خدا ، موجب زدایش گناهان و آمرزش آنهاست .

يأيها الذين ءامنوا إن تتقوا الله .. يكفر عنكم سيئاتكم و يغفر لكم

تکفیر (مصدر یکفر) و غفران (مصدر يغفر)، هر دو به معنای پوشانیدن و مستور ساختن است و مراد از آن زدایش و آمرزش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱۵،۱۶،۱۷،۱۸

۱۵ > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل : <إن الحسنات يذهبن السيئات > قال : صلاه المؤمن بالليل تذهب بما عمل من ذنب بالنهار ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا که فرموده: <إن الحسنات يذهبن السيئات > روایت شده است که فرمود: نماز مؤمن در



شب هر گناهی را که در روز انجام داده از

بین می برد <.

۱۶ > عن علی (ع) انه قال : الصلوات الخمس كفّاره لما بينهنّ ما اجتنبت الكبائر و هی التي قال الله عزوجل : > إن الحسنات يذهبن السيئات < ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: نمازهای پنجگانه کفّاره گناهانی است که در فاصله بین آنها انجام گرفته مادامی که از گناهان کبیره اجتناب شود و این است معنای سخن خداوند عز و جل: > إن الحسنات يذهبن السيئات <.

۱۷ > عن أمير المؤمنين (ع) : ... ان الله تعالى يكفر بكل حسنه سيئه قال الله عزوجل : > إن الحسنات يذهبن السيئات < ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: ... خداوند متعال به وسیله هر عمل نیکی گناهی را از بین می برد ، خداوند عزوجل فرمود: > إن الحسنات يذهبن السيئات <.

۱۸ > عن رسول الله (ص) : ... يهّم العبد ... بالسيئه أن يعملها ... و إن هو عملها أُجل سبع ساعات و قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات ... لا تعجل عسى أن يتبعها بحسنه تمحوها فإن الله عزوجل يقول : > إن الحسنات يذهبن السيئات < ;

از رسول خدا (ص) روایت شده است: .. [هنگامی که] بنده خدا تصمیم به انجام کاری ناشایست می گیرد ... اگر آن گناه را انجام داد، هفت ساعت به او مهلت داده می شود و فرشته مأمور ثبت کارهای نیک به فرشته مأمور ثبت گناهان می گوید: شتاب نکن شاید او در پی این گناه کار نیکی انجام دهد که آن گناه را از بین ببرد. خداوند عزوجل می فرماید: > إن الحسنات يذهبن

السیئات <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ کارهای شایسته از میان برنده گناهان و جبران کننده بدیهاست .

والذین .. یدرءون بالحسنه السیئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۴

۴ - ایمان همراه با عمل صالح ، موجب مغفرت و زداینده آثار گناه شرک و کفر

فالذین ءامنوا .. لهم مغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - احسان و علمکرد نیک آدمی ، کفاره خطاهای کوچک او \*

و یجزی الذین أحسنوا .. الذین یجتنبون ... إلا اللّٰم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که بخشودگی لغزش ها و خطاهای کوچک محسنان، در اثر عملکرد نیک آنان صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۵

۵ - خداترسی و تقوایبشگی ، عامل زدایش بدی ها از انسان ها و گذشت از آنها ، از سوی خداوند

و من یتق الله یکفر عنه سیئاته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - توبه خالصانه ، عامل زدایش بدی ها و کفاره گناهان

توبوا إلى الله .. عسى ربكم أن يكفر عنكم سيئاتكم

عوامل تکفیر گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۲

۲ - احسان ، موجب محو و زدایش بزرگ ترین گناهان از پرونده اعمال است .

ذلك جزاء المحسنين . ليكفر

اللّٰه عنهم أسوأ الذی عملوا

عوامل عفو گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۵

۵ - خداترسی و تقوایبشگی ، عامل زدایش بدی ها از انسان ها و گذشت از آنها ، از سوی خداوند

و من یتق اللّٰه یکفر عنه سیئاته

عوامل گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۲۰

۲۰ - هواپرستی و خودبزرگ بینی از رذایلی که آدمی را به ارتکاب گناهان بزرگ ترغیب می کند .

بما لاتهوی أنفسکم استکبرتم ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱

۱ - شیطان ، با وسوسه های خویش انسان ها را به کارهای بد و شنیع ( گناهان کوچک و بزرگ ) ترغیب می کند .

إنما یامرکم بالسوء و الفحشاء

<امر> به معنای فرمان دادن است و در آیه شریفه - به مناسبت حکم و موضوع - مراد از آن وسوسه کردن و مانند آن می باشد. <فحشا> به بدی و زشتی بیش از حد گفته می شود که می توان از آن به گناه بزرگ تعبیر کرد و به قرینه مقابله، مراد از <سوء> گناه کوچک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۹،۱۰

۹ حاکمان مفسد در برابر دعوت به تقوا ، به خاطر سرسختی ، تکبر و غرور ، آلوده به گناه می شوند .

اخذته العزه بالاثم

بنابراینکه <باء> سببیه در <بالاثم>، متعلق به <اخذته> باشد.

۱۰ نفاق، فساد در

زمین و نصیحت ناپذیری در برابر دعوت به تقوا، گناه و موجب عذاب جهنم

و من الناس من يعجبك .. فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۹

۱۹ گناه و اصرار بر آن، موجب ارتکاب گناهان بزرگتر

کانوا یکفرون بئای الله و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات و قتل انبیا باشد و این دو گناه بزرگ، معلول اصرار بر گناهان خفیفتری است که <عصوا> و <یعتدون> اشاره به آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۸

۸ بقای بر کفر، موجب ازدیاد گناه و کفر آن

و لا یحسینّ الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا اثما

ظاهراً مراد از گناه در آیه، همان کفر است؛ بنابراین عمر کافر هر چه طولانی شود، گناه او افزون می شود. هر چند غیر از کفر، گناه دیگری مرتکب نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۸

۸ تبدیل اموال مرغوب یتیمان به نامرغوب، ضمیمه ساختن دارایی آنان به ثروت خویش، گناهی بزرگ

و لا تبدلوا الخیث بالطیب و لا تاکلوا .. انه کان حوباً کبیراً

متعدی شدن فعل <لا تاکلوا> به <الی>، گویای این است که در آن فعل، معنای ضمیمه ساختن تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱۰





عامل بدعت و گناه و مبارزه با ادیان الهی و احکام آن هستند.

و إن الشیطن لیوحون إلی أولیائهم لیجدلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۳

۳ حسد ، آدمی را به گناهای همانند قتل و آواره ساختن برادر وادار می سازد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب .. اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ حسد ، آدمی را به گناهای همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به محبوب ترین نزدیکانش ، وادار می سازد .

قالوا یا بانا ما لک لاتأمننا علی یوسف و إنا له لنصحنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۳

۳ نفس آدمیان بجز در پرتو امداد های الهی ، همواره آنان را به ارتکاب گناهان و بدی ها فرا می خواند .

إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

کلمه <اماره> صیغه مبالغه و به معنای بسیار امر کننده و ترغیب کننده است. <ما> در <إلا ما رحم> ممکن است موصول اسمی و به معنای <التي> باشد. بر این مبنا <إن النفس ...> یعنی، نفس آدمیان ایشان را به بدیها فرمان می دهد مگر آن نفسی که خداوند صاحبش را رحم کند. و محتمل است <ما> ظرفیه باشد. در این صورت مستثنی منه <فی کل زمان> است و معنای جمله چنین می شود: <نفس آدمیان همواره آنان را به بدی فرامی خواند، مگر زمانی که خداوند بر صاحب آن نفس رحم کند.>

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۹

۹- بی اعتقادی به معاد ، از عوامل مهم و ریشه های عمده انجام دادن گناه است .

و عرضوا علی ربک . . . و وضع الکتب ... فتری المجرمین

<وضع الکتب> عطف است بر <عرضوا> در آیه قبل و ارتباط دو آیه گویای این است که مصداق مورد نظر از مجرمان در این آیه، همان منکران معاد هستند که در آیه قبل مطرح بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۳

۳- اعراض کنندگان از قرآن و تذکار های آن ، در دنیا گرفتار انحراف و گناه می شوند .

ءاتینک من لدنا ذکراً . من أعرض عنه فإنه یحمل ... وزراً

جمله <فإنه یحمل...> ممکن است حاکی از گرفتاری اعراض کنندگان از قرآن به گناهی دیگر باشد؛ یعنی، آنان بر اثر این روی گردانی، در دنیا به دام گناه گرفتار می شوند و در قیامت زیربار آن بوده و آن را حمل خواهند کرد.

عوامل محو گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۶

۶ توبه ، ایمان و عمل صالح ، موجب محو شدن گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إلا من تاب و ءامن و عمل عملاً صلحاً فأولئك یدل الله سیئاتهم حسنت

عوامل مصونیت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱۰



برابر تمایلات نفسانی و لزوم فراهم آوردن زمینه های جلب رحمت الهی برای مصون ماندن از خطرات آن

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۰ - ۳

۳ - لزوم استمداد از خداوند و پناه جستن به او ، برای مصون ماندن از کفر و گناه

فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ

فراموشی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۵

۵- از یاد بردن اعمال و دستاورد های ناروا و به فراموشی سپردن گناهان گذشته خود ، بزرگ ترین ستم انسان بر خویش است

و يجدل . . . و من أظلم ... و نسی ما قدّمت یداه

<نسی ما قدّمت یداه> یعنی: <فراموش کرد کردار پیشین خود را.> مقصود از <ما> به قرینه آیه قبل جدال به باطل در برابر حق و استهزای آیات الهی است.

فرجام گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۱۵

۱۵- < قال الرضا (ع) فی قول الله عزّوجلّ : > **إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا** : **إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا رَبُّ يَغْفِرُ لَهَا** ;

امام رضا(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ **<إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا>** فرمود: اگر نیکویی کنید، برای خودتان نیکویی کرده اید و اگر بدی کنید، پس برای آن پروردگاری هست که آن را می بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۱

- کسانی که خود را از فرجام کفر و کیفر گناه در امان می پندارند ، دستاویزی برای توجیه کفر و گناه خود ندارند .

ما غرّک .. کلاً

حرف <کلاً> مخاطب را از چیزی منع می کند که در جملات پیشین مطرح بوده است. از آن جایی که آیات قبل، توجیحات و بهانه های نادرست کافران و گنه کاران را پوچ قلمداد کرده است، حرف <کلاً> در این آیه آنان را از دلگرمی به آن دستاویزها بازمی دارد.

فساد گناه آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۳

۳ - عمل لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، از موارد افساد است .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکر .. انصرنی علی ال

فسق گناه آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۴ - ۷

۷ - لواط و راهزنی و ارتکاب گناه علنی ، از مظاهر فسق است .

أنتکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکر .. بما کانوا یفس

فواید ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - پاکی و دوری از گناه و آلودگی ها ، به سود بشر

و من تزکی فإنما یتزکی لنفسه

قضاوت گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۵

۵ - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها

إلى الحكام لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالأثم

کافران مکّه و گناه ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۶

۶ - کافران مکّه ، به رغم اعلام صریح ، هرگز اندکی از گناه ارتداد مسلمانان را ، برعهده نمی گرفتند .

و قال الذین کفروا... و لنحمل خطیکم و ما هم بحملین من خطیهم من شیء

در <و ما هم بحاملین...> دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه اعلام دروغ بودن ادعای برعهده گیری گناه ارتداد، این است که آنان، حاضر به قبول گناه نیستند. دیگر این که چنین امری، شدنی نیست. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

کفاره گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۷

۷ صدقه پنهانی به فقرا ، کفاره برخی گناهان

و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء... و یکفر عنکم من سیئاتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۵

۱۵ بلاها و مشکلات دنیوی (مالی و جانی) ، کفاره گناهان آدمی و از جمله عوامل نابود کننده اعمال زشت اوست .

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

رسول خدا(ص) درباره <من یعمل سوءاً یجز به> در آیه فوق فرمود: اما تبتلون فی اموالکم و انفسکم و ذراریکم؟ قالوا: بلی قال: هذا مما... یمحو به السیئات.



کیفر اخروی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۸

۸ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۳ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیئات..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

کیفر تداوم گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۴

۴ تداوم بر گناه، مجازات حتمی خداوند را در پی دارد.

إن الذین یکسبون الإثم سیجزون بما کانوا یقترفون

<تداوم> از فعل <یکسبون> و <کانوا یقترفون>، که ماضی استمراری است، استفاده شده است. ضمناً <إن> و سین در <سیجزون> بر تأکید دلالت دارند.

کیفر دنیوی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - احتمال تحقق عقوبت و عذاب گناه در دنیا

فأخذتكم الصعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۶

۱۶ انحطاط و نابودی بسیاری از تمدنها پیش از اسلام به سبب گناه و ستیز با حق

ألم يروا كم أهلكتنا من قبلهم . . . فأهلكنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- ارتکاب برخی از گناهان ، عذاب

دنیوی در پی دارد .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض أو يأتيهم العذاب

کیفر رضایت به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن نُبَاتَه قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) على منبر الكوفة يقول : ... أيتها الناس إنما عقر ناقة صالح واحد فأصابهم الله بعذابه بالرضا و آیه ذلك قوله عز وجل > .. فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسویها ... < ;

أصْبَغ بن نُبَاتَه گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین(ع) که بر منبر کوفه می فرمود: > .. ای مردم! همانا ناقة صالح را یک نفر [از قوم ثمود] پستی کرد و ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزوجل است >... فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها...< .

کیفر طراحان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لكل امری منهم ما اكتسب من الإثم والذى تولی كبره منهم له عذاب عظیم

کیفر غفلت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۸ - ۹

۹- جدال در برابر آیات حق و اعراض از آنها و غفلت از گناهان ، دارای کیفر قطعی است .

ذکر بآیت ربّه فأعرض عنها . . . بل لهم موعد

کیفر فراموشی گناه



- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۲

۱۲- محروم شدن از درک پیام های قرآن ، کیفر بی اعتنائی به آیات خدا و فرو رفتن در غفلت از گناهان است .

ذکر بآیت ربّه فأعرض عنها . . . إنا جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه

کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۲، ۱۰

۱۰ نفاق ، فساد در زمین و نصیحت ناپذیری در برابر دعوت به تقوا ، گناه و موجب عذاب جهنم

و من الناس من يعجبك . . . فحسبه جهنم

۱۲ جهنم ، کیفر حاکمان مفسد ، سرسخت و حق ناپذیر

و اذا تولى سعى . . . فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۵

۲۵ عزّت و قدرت شکست ناپذیر الهی ، پشتوانه مجازات متخلّفان از احکام و قوانین الهی

و المطلّقات یتربصن . . . و لا یحلّ لهنّ . . . و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱۰

۱۰ بخشش گناهان انسان و یا عقاب وی ، به مشیت الهی است .

فیغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۷، ۱۱

۷ گرفتاری به عذاب الهی ، نتیجه گناهان

فاخذهم الله بذنوبهم

بنابراینکه <باء> در <بذنوبهم> سببیه باشد.

۱۱ گناهان ، خود ، مایه و وسیله عذاب و کافران است .

فاخذهم الله بذنوبهم

بنابراینکه <باء> در <بذنوبهم> برای استعانت باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۶

۶ بخشایش و آمرزش توبه کنندگان و عذاب گناهکاران ، برخاسته از مشیت خداوند

او يتوب عليهم او يعذبهم .. يغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ برخی از گناهان آدمی ، در پی دارنده عذاب های دنیوی

كيف كان عاقبه المكدبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۶

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سَنَكْتَبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْاَنْبِيَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

<حریق>، به معنای محرق (سوزاننده) است. گفتمی است عذاب سوزان برای کشتن پیامبران و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱۴

۱۴ مجازات افزون بر گناه ، ظلمی بزرگ است .

وَ اِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۶



۱۶ عذاب گناهکاران ، متناسب با گناه آنان

لا یحبّ من کان مختالاً فخوراً .. و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

توصیف عذاب به خوارکننده و قرار دادن آن برای متکبران و فخر فروشان، حاکی از تناسب عذاب الهی با گناه گناهکاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۵

گناه و تخلف گروهی از یک جامعه، می تواند مایه گرفتاری همه افراد آن جامعه به عقوبت های دنیوی باشد .

فبظلم من الذین هادوا حرمننا .. و أعتدنا للكفرین منهم عذاباً ألیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۳، ۱۸

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

۱۸ فراموشی، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد، عذر نیست .

و نسوا حظاً مما ذکروا به

از اینکه خداوند بنی اسرائیل را به خاطر فراموشی دستورات الهی مذمت کرده، معلوم می شود فراموشی آنان عذر نبوده است. چرا که این فراموشی، کیفر پیمان شکنی آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۷

۷ عذاب الهی، پیامد آلودگی به گناه

فلم یعذبکم بذنوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ تفاوت کیفر های الهی، نشاندهنده میزان پلیدی گناهان

قل هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ اندازه کیفرها و مجازات های تعیین شده

از سوی خداوند ، بسته به میزان گناه نه کم و نه بیش

فجزاء مثل ما قتل .. لیدوق و بال امره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۷

۷ کیفیت و نوع عذاب الهی ، متناسب با چگونگی و نوع گناه

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱،۲

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفر های الهی ، بیانگر توانایی خداوند به گرفتارسازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم

فاعل <یهد> ضمیری است که به داستان و سرنوشت اقوام پیشین برمی گردد و <أن لو نشاء .. > مفعول آن می باشد. قابل ذکر است که <الذین یرثون> نیز مفعول به واسطه <یهد> است. و چون <یهد> به حرف لام متعدی شده، معنای تبیین در آن تضمین شده است. بنابراین جمله <او لم یهد ... > یعنی آیا سرگذشت پیشینیان برای وارثانشان این حقیقت را روشن نکرده است که اگر مشیت ما اقتضا کند آنان را به سبب گناهانشان عقوبت می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۸

۸ خداوند انسان ها را تنها بر

گناهان مستمرشان مجازات می کند .

هل يجوزون إلا ما كانوا يعملون

استمرار از تقارن <كانوا> و فعل مضارع <يعملون> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۷

۷ گناه ، دارای آثار سوء اجتماعی و روحی ، علاوه بر کیفر الهی

یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم

از آنجا که تکفیر و غفران سیئات به یک معناست، می توان تکرار آن را اشاره به آثار دنیوی گناهان (آثار سوء اجتماعی، روحی و ...) و آثار اخروی آنها دانست. که در صورت تقواییبشگی خداوند گناهان را می آمرزد و هر دو نوع اثر را می زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۵

۵ خداوند ، فرعونیان و کافران پیش از آنان را به سبب تکذیب آیات الهی و ارتکاب گناهان به هلاکت رساند .

فأهلکنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ينصرنى من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۵

۵ هر کس مسئول عملکرد خویش است

و تنها خودش به خاطر گناهش مؤاخذه می شود .

إن افتريته فعلی إجرامی

<إجرام> به معنای ارتکاب و کسب گناه است. تقدیم <علی> بر <إجرامی> حکایت از حصر دارد؛ یعنی ، گناه افترا (اگر افترای باشد) تنها متوجه من است نه دیگری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۱

۱۱- برخی از گناهان ، کیفر فرو رفتن در زمین را در پی دارد .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۴

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ هر گناهی از هر کسی ، مجازات الهی را در پی دارد .

و کفی به بذنوب عباده خبیرا

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند، حاکی است که گناه از هر کس که باشد، در پی دارنده مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۲، ۱۳، ۱۰، ۸

۸ - ابتلائات و مصائب فراوان ، تنها کیفر بخشی از گناهان انسان ها است .

ظهر الفساد .. ليذيقهم بعض الذي عملوا

۱۰ - خداوند ، به منظور تبه انسان ها ، تنها بخشی از گناهان را کیفر می هد .

ظهر الفساد في البرّ .. ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلّهم يرجعون

۱۲ - در تنبیهی که برای تبه است ، شایسته است



که تنها ، به مجازات بخشی از خطاها اکتفا شود .

ظهر الفساد فی البرّ . . . لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون

۱۳ - فلسفه از دست رفتن امکانات دنیوی ، در پی گناه ، تنبیه گناهکاران جهت بازگشت از خطا به صراط مستقیم است .

ظهر الفساد فی البرّ . . . لیذیقهم بعض الذی عملوا

<لام> در <لیذیقهم> لام عاقبت است و <لعل> معنای تعلیل دارد و مراد از <فساد> براساس ریشه لغوی آن، یعنی خروج شیء از اعتدال (تباه شدن)، قابل بهره برداری نبودن امکانات و یا از دست دادن آنها است. بنابراین، خداوند، در پی آلوده شدن انسان ها، به گناه، آنان را مبتلا می کند تا به این صورت، بیدارشان سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۵

۵ - آزار و اذیت مردان و زنان مؤمن ، در قبال گناه شان ، منعی ندارد .

و الذین یؤذون المؤمنین . . . بغیر ما اکتسبوا

قید <بغیر ما اکتسبوا> احترازی است و مفهوم اش این است که در صورت ارتکاب جرم و گناه، آزار و اذیت با رعایت شرایط جایز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۴

۴ - سنت خداوند ، بر کیفر گناهان ، فراگیر و شامل همه جوامع ، در پهنه زمین

و ما أصبکم . . . و ما أنتم بمعجزین فی الأرض

با توجه به آیه قبل، می توان گفت که قید <فی الأرض> اشاره به این نکته دارد که گرفتار شدن انسان ها به نتایج عملکرد خویش، سنت الهی در سراسر

زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۶

۶ - سرگذشت قوم لوط ، عبرتی برای بیمناکان از عذاب دردناک کفر و گناه

و ترکنا فیها ءایه للذین یخافون العذاب الالیم

کیفر گناه جاهلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۹

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

کیفر گناه کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۴

۴ گناهی که وعده عذاب دوزخ در پی داشته باشد ، کبیره است . \*

سوف نصلیه ناراً .. ان تجتنبوا کبائر

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: الكبائر، التي اوجب الله عزّ و جل علیها النار.

---

کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۷.

گسترش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ وظیفه نهی از منکر حتی در صورت گستردگی گناه در جامعه ، وظیفه ای ضروری و ثابت

و تری کثیراً منهم یسرعون فی الاثم .. لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار

سرزنش خداوند از عالمان یهود و نصارا به خاطر ترک نهی از منکر با وجود آلودگی افراد زیادی از اهل کتاب به گناه، دلالت می کند که آن تکلیف در چنین صورتی نیز برداشته نمی شود.

گناه آبروریزی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۷

۷- شکستن حرمت و آبروی اهل ایمان ، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إِذْ تَلَقُّونَهُ بِالاسْتِخْفَارِ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عَنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۲

۲- بازی با حیثیت مؤمنان و بدنام ساختن آنان ، معصیتی بزرگ و دارای فرجامی سخت و دردناک در دنیا و آخرت

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفُحْشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرِ

گناه آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۸

۸- آگاهی خداوند ، از گناهان باطنی و ظاهری بندگان ، برای مجازات آنان کافی است و نیازی به شاهد و گواه ندارد .

وَ كَفَىٰ بَرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

برداشت فوق با توجه به فرق واژه <خبیر> و <بصیر> به دست می آید؛ چون <خبیر> در مورد آگاهی از افکار و درون اشیاست (مفردات راغب) و <بصیر> اطلاع بر اعمال و رفتار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۸

۸ - بهتان به مؤمنان ، گناه روشن و آشکاری است .

وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ... فَقَدْ اِحْتَمَلُوا بِهِتًا وَ اِثْمًا مَبِينًا

گناه آگاهانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲۰

۲۰ - ارتکاب گناه پس از آگاهی به آن ظلم است .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءك من

العلم إنك إذا لمن الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۶

۱۶ گناه و انحراف آگاهانه ، دارای زشتی و پلیدی فزونتر

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

قید <من بعد ..>، بیانگر این است که مذمت و تقیح عملکرد اهل کتاب، بدان جهت است که ارتداد و کفرشان پس از آگاهی و اتمام حجت بوده است.

گناه ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر ( ص ) از نماز و تکذیب کننده او ، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود .

ناصیه کذبہ خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

گناه اختلاف افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۲

۲ مخالفت با پیامبر ( ص ) و تفرقه افکنی حرام و گناهی بزرگ است .

و من یشاقق الرسول .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی و نصله جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ دشمنی و مخالفت با رسول خدا (ص) و شکستن وحدت جامعه ایمانی ، شرک است .

و من یشاقق الرسول .

.. إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ

اگر جمله <ان الله لا يغفر ..> بیانگر علت <نصله جهنم> باشد، اشاره به این معنا خواهد داشت که مخالفت و دشمنی با رسول خدا(ص) و برهم زدن وحدت جامعه ایمانی، نوعی شرک به خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۸

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إِنَّمَا نَحْنُ فَتَنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ

گناه اختلاف فکنی در خانواده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۸

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إِنَّمَا نَحْنُ فَتَنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ

گناه ادعای الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۳

۳- ادعای الوهیت ، گناهی نابخشودنی است ، هر چند از جانب مقربان الهی باشد .

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِمَّنْ دُونِهِ فَذَلِكُمْ نَجْزِيَهُمْ جَهَنَّمَ

گناه اذیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۳



۳- آزار و اذیت مردان و زنان مؤمن بی گناه ، گناه بوده و باید از آن اجتناب کرد .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات .. فقد احتملوا...إثمًا مبینًا

گناه اذیت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷

۲- آزردهن خاطر پدر و مادر، حتی با گفتن < اُف >، جرمی گران است.

و وصینا الإنسن بولديه إحسنًا .. و الذی قال لولديه اُف لکما ... إنهم کانوا

گناه ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۳

۳ - گناه ارتداد، گناهی قابل عفو و آمرزش الهی

ثم اتخذتم العجل .. ثم عفونا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۷

۷ ارتداد و شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا، گناهی همسنگ با همه گناهان

و الذین عملوا السيئات

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <السيئات>، به دلیل آیات گذشته، شرک و ارتداد باشد. بر این اساس خداوند از آن گناه به <السيئات> (همه گناهان) تعبیر کرد تا بر این معنا اشاره کند که شرک و ارتداد گناهی است همسنگ همه گناهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ارتداد از دین، گناهی نابخشودنی و درپی دارنده عذاب جاودان اخروی است.

و من الناس من يعبد الله على حرف .. خسر الدنيا والأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۲،۶

۲ - بازگشت به کفر ، پس از اسلام آوردن ، در دید مسلمانان ، دارای گناهی سنگین بود .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم

این که کافران، در دعوت از مسلمانان، خطا و گناه بازگشت به کفر را، برعهده می

گیرند و آن را به آنان اعلام می کنند، نشان می دهد که مسلمانان، بازگشت به کفر را گناه و خطایی سنگین می دانسته اند.

۶ - کافران مکه ، به رغم اعلام صریح ، هرگز اندکی از گناه ارتداد مسلمانان را ، برعهده نمی گرفتند .

و قال الذین کفروا .. و لنحمل خطیکم و ما هم بحملین من خطیهم من شیء

در <و ما هم بحاملین..> دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه اعلام دروغ بودن ادعای برعهده گیری گناه ارتداد، این است که آنان، حاضر به قبول گناه نیستند. دیگر این که چنین امری، شدنی نیست. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

گناه ارتکاب محرمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۸

۸ - کسانی که در حال ستمگری و تجاوز از محرمات استفاده کنند - هر چند استفاده آنان به خاطر اضطرار باشد - گنهکارند

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۱

۵۱ برداشتن گناه ارتکاب محرمات در حال اضطرار ، پرتویی از مغفرت خداوند

فمن اضطر .. فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

گناه استمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷ - ۴

۴ - <سئل الصادق (ع) عن الخضخضه ، فقال : إثم عظیم . . . فقال : قول الله ، > فممن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون  
< و هو ممّا وراء ذلك . . . ;

از امام صادق(ع) از حکم

استمنا سؤال شد؟ فرمود: گناه بزرگی است. .. پس فرمود: این سخن خدا است: <فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون> و استمنا از مصادیق < ما وراء ذلك > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۵

۵ - < سُئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنِ الْخَصْخَصَةِ فَقَالَ : إِثْمٌ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ . . . فَقَالَ السَّائِلُ : بَيْنَ لِي يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ (ع) مِنْ كِتَابِ اللَّهِ نَهْيَهُ فَقَالَ : قَوْلَ اللَّهِ < فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ > وَ هُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِكَ . . . ;

از امام صادق(ع) درباره خصخضه (عمل استمنا) سؤال شد، فرمود: گناه بزرگی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده است. . . سؤال کننده پرسید: ای فرزند رسول خدا! نهی آن را از قرآن برای من بیان کن، فرمود: سخن خداوند <فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون> و آن [عمل استمنا] از مصادیق <وراء ذلك> است...<.

گناه استهزا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ خرده گیری و مسخره کردن مؤمن گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب سخت الهی است .

فيسخرون منهم سخر الله منهم و لهم عذاب أليم

گناه استهزای آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - حرمت شکنی و استهزا نسبت به آیات الهی ، گناهی بس بزرگ و در پی دارنده عذابی سخت

ويل لكل أفاك أثيم .. اتخذها هزواً ...

و لهم عذاب عظیم

گناه استهزای اذان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۶

۶ تمسخر اذان ، نماز و دیگر شعایر دینی ، از گناهان بزرگ

و إذا نادیتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

چون تمسخر کنندگان نماز و اذان و یا دیگر شعایر دینی، باید طرد شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر نماز و اذان و دیگر شعایر، از گناهان بزرگ است.

گناه استهزای اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

گناه استهزای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۱

۱۱ استهزای دین و احکام الهی و بازیچه دانستن آن ، از گناهان بزرگ

لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً .. اولیاء

چون تمسخر کنندگان دین باید طرد شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر احکام الهی از

گناهان بزرگ است.

گناه استهزای شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۶

۶ تمسخر اذان ، نماز و دیگر شعایر دینی ، از

## گناهان بزرگ

و إذا ناديتهم إلى الصلوة اتخذوها هزواً ولعباً

چون تمسخر کنندگان نماز و اذان و یا دیگر شعایر دینی، باید طرد شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر نماز و اذان و دیگر شعایر، از گناهان بزرگ است.

### گناه استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

### گناه استهزای مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - استهزا، طعن و نسبت دادن القاب زشت به مؤمنان، گناه و نیازمند توبه است.

لا یسخر قوم... و لا تلمزوا... و لا تنازوا... و من لم یتب

بنابراین که <و من لم یتب> نظر داشته باشد به تمام محتوای آیه و نه صرف کسانی که لقب بد بر مؤمنان می نهند، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۹ - ۲

۲ - پوزخند به مؤمنان، گناه و از نشانه های کفر است.



إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ

مراد از <الَّذِينَ أُجْرِمُوا> به قرینه <مِنَ الْكُفَّارِ> در آیات بعد کافران اند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۸

۸ - تمسخر مؤمنان ، با ریشخند ، چشمک ، لطیفه سازی و گمراه دانستن آنان ، گناه و از نشانه های کفر است .

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا .. يضحكون ... يتغامزون ... فكهين ... من الكفار

گناه استهزای نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۶

۶ تمسخر اذان ، نماز و دیگر شعایر دینی ، از گناهان بزرگ

و إذا ناديتهم إلى الصلوة اتخذوها هزواً ولعباً

چون تمسخر کنندگان نماز و اذان و یا دیگر شعایر دینی، باید طرد شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر نماز و اذان و دیگر شعایر، از گناهان بزرگ است.

گناه اسراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا .. و من يحلل عليه غضبي فقد هوى

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

گناه اشاعه فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۱

۱ - اشاعه فحشا در میان مردم ، گناهی بزرگ و در پی دارنده عذابی دردناک در دنیا و آخرت

إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تُشَاعَ الْفَحْشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

<فاحشه> به هر عمل و سخن بسیار زشت گفته می شود و این واژه

کنایه از گناه زنا و فساد جنسی است. عبارت <أن تشیع الفاحشه> نیز به دو گونه قابل معنا و تفسیر کردن است: ۱ اشاعه فحشا و رواج گناهان جنسی. ۲- رواج و پخش اخبار مربوط به فحشا و روابط جنسی دیگران، که در این صورت کلمه ای در تقدیر است، یعنی، <أن تشیع خبر الفاحشه>.

گناه اضلال مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۵،۶،۷

۵- کسانی که با ساختگی دانستن قرآن، دیگران را به گمراهی کشیدند، بخشی از گناهان آنان را به عهده خواهند داشت.

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <من> برای تبعیض باشد.

۶- افترا زندگان به قرآن، علاوه بر گناه خویش، عهده دار گناه گمراه شدگان به دست خود نیز خواهند بود.

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه و من أوزار الذین یضلونہ

برداشت فوق بر این احتمال است که <من> یا زاید و یا برای جنس باشد چنان که مفسران احتمال داده اند.

۷- کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند، علاوه بر گناه افترا زدن به قرآن، برخی از گناه دیگران ( گناه گمراهی آنان ) را نیز بر دوش می کشند .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه و من أوزار الذین یضلونہ

این برداشت، مبتنی بر تبعیض بودن <من> در <من أوزارهم> است.

گناه اضلالگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ - > عن

النبي (ص) قال: أئما داع دعى إلى ضلاله فاتبع كان عليه مثل أوزار من اتبعه من غير أن ينقص من أوزارهم شيء... ۱

از پیغمبر(ص) روایت شده است که فرمود: هر دعوت کننده ای که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی شود، همانند بار سنگین گناهان کسانی که او را پیروی کرده اند بر دوش دعوت کننده است ۱ بی آنکه چیزی از گناهان پیروان او کاسته شود. <..>

گناه اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۴

۴- بت پرستی و اطاعت از شیطان ، گناهی بزرگ است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ... لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ... إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ

نسبت دادن <عذاب> به خدای رحمان که دارای رحمت وسیع است می تواند بیانگر این نکته باشد که گناه بت پرستی به قدری شدید است که مظهر رحمت و مهربانی را نیز به خشم می آورد.

گناه اطاعت از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ - پیروی از طاغوت ، گناه و فسق است .

فَأَطَاعُوهُ... إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ

گناه اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتاهم... بخلوا به و تولوا... بما أخلفوا الله... و بما كانوا يكذبون

گناه اعراض از خدا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۵

۵ - روی گردانی از یاد خدا ، گناهی نابخشودنی است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن . . . و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم

با توجه به توضیح برداشت قبل و به کار رفتن <لن>، استفاده می شود که اعراض از یاد خدا، هرگز در قیامت مورد عفو او قرار نخواهد گرفت.

گناه اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ تکذیب کنندگان آیات الهی و آنان که از سر تکبر معارف دین را نپذیرند، مردمی تجاوزگر و گناهکارند.

و كذلك نجزي المجرمين

<جرم> به معنای تعدی و گناه است.

گناه اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۲

۲ - اعراض از قرآن ، گناهی است و در قیامت دامنگیر انسان خواهد شد .

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن . . . و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذكر الرحمان> قرآن باشد.

گناه اغواگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱،۴

۱ - کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه



خود، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت، بر دوش خواهند کشید.

و قال الذين كفروا... أتبعوا سبلنا... و ليحملن أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

۴- آنانی که برای گمراهی دیگران تلاش می کنند، در گناه گمراه شدگان سهیم اند.

و قال الذين كفروا... أتبعوا سبلنا... و ليحملن أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

گناه افترا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او، با گناه کشتار انبیا

سَنَكْتَبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْاَنْبِيَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سَنَكْتَبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْاَنْبِيَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

<حریق>، به معنای محرق (سوزاننده) است. گفتنی است عذاب سوزان برای کشتن پیامبران و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناهی است.

گناه افترا به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- نساء - ۴ - ۵۰ - ۸

۸ افترا بر خدا، گناهی آشکار و بزرگ

و كفى به اثمًا مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۹۳ - ۱

۱ افترا به خداوند بالاترین ظلم و از بزرگترین گناهان است.

و من أظلم ممن افتري على الله كذبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۸،۹

۸ افترا بر خداوند از گناهان بزرگ و

موجب کیفر اوست.

سیجزیهم بما کانوا یفترون

۹ جعل قانون و منتسب کردن آن به خداوند از گناهان بزرگ است.

و قالوا .. سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۳

۳ نسبت دادن مطالب خود ساخته به خداوند جرم و گناه است .

قل إن افتريته فعلی إجرامی

<إفترأ> به معنای دروغ بافتن است و در آن نسبت دادن به دیگری قید نشده است؛ ولی قرینه های موجود در آیه شریفه از لحاظ این قید در <إفترأ> و <إفتریته> حکایت دارد. بنابراین <إن افتريته ...>؛ یعنی، اگر آن را من بافته باشم و به خدا نسبت دهم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵ - ۱۱

۱۱- افترا بستن بر خدا ، گناهی بزرگ است .

قالوا اتخذ الله ولداً .. كبرت كلمة ... إن يقولون إلا كذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۵

۵- افترای بر خداوند و گفتن چیز های دروغ و خود بافته در باره او ، گناهی عظیم و موجب استحقاق عذاب استیصال و نابودی است .

لا تفتروا على الله كذباً فيسحتكم بعذاب

<إسحات> (مصدر <يسحتكم>) به معنای ریشه کن کردن و نابود ساختن است. <فيسحتكم بعذاب> با توجه به نکره

بودن <عذاب> که بر عظمت و شدت آن دلالت دارد به این معنا است: شما را با عذابی سخت، ریشه کن و هلاک خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۷

۱ - افترا و نسبت دروغ به خدا بستن ، بالاترین ظلم و بدترین گناه است .

و من أظلم ممّن افتري على الله الكذب

تقیح افترا بر خداوند با تعبیر <أظلم> (صیغه اسم تفضیل)، نشان از بزرگی گناه آن دارد.

گناه افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۴، ۳

۳- ساختگی دانستن قرآن ، گناهی بس بزرگ و سنگین

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيمة

۱۴- بار گناه اسطوره خواندن قرآن ، باری بس ناشایست و زشت

قالوا أسطر الأولين .. ألا ساء ما يزرون

گناه افترا به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۵

۵ - هتک حرمت پیامبر ( ص ) و افترا به حریم آن حضرت ، گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند و در پی دارنده فرجامی ناگوار

إذ تلقّونه بألسنتكم .. و تحسبونه هيئنا و هو عند الله عظيم

گناه افساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۶

۶ فسادگری در زمین ، گناهی برابر با گناه محاربه با خدا و رسول \*

انما جزؤا الذین یحاربون اللّٰه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

جزای مساوی برای محاربان و مفسدان، حکایت از برابری گناه آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که مفسدان، عنوانی مستقل از محاربان نسبت به کیفرهای چهارگانه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۳

۱۳- فسادانگیزی ، گناهی بزرگ و در پی

دارنده مجازات دنیوی و اخروی خداوند است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكافرين حصيراً

گناه افشای راز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۳

۳ - افشای رازها و سخنان محرمانه ، گناه است .

إن تتوبا إلى الله

گناه افشای راز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱۲

۱۲ - افشای راز پیامبر ( ص ) از سوی برخی از همسرانش ، گناه و خطایی بزرگ بود .

فقد صغت قلوبكما و إن تظهرا علیه فإن الله هو مولیه .. و الملكة بعد ذلك ظهی

مطلب یاد شده، از آهنگ هشدارآمیز آیه شریفه نسبت به همسران رسول خدا و لحن حمایت گونه آن، به دست می آید.

گناه اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۴

۱۴ جوامع هلاک شده پیشین ، مردمانی گنه کار بودند .

و كانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۵

۵- جرم پیشگی ، عامل هلاکت قوم < تبع > و اقوام هلاک شده قبل از آن

أهم خير أم قوم تبع و الذين من قبلهم أهلكنهم إنهم كانوا مجرمين

گناه امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - گرفتار شدن امت های متمدن و نیرومند گذشته به عقوبت الهی ، در حال گناه و معصیت

فأخذهم الله بذنوبهم

برداشت یاد شده بر این احتمال استوار است که <با> در



<بذنوبهم> برای ملاست باشد، یعنی، خداوند آنان را در حال گناه کاری شان به کیفر رساند.

گناه امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۲

۲ فرعونیان و پیشینیان آنان مردمی گنهکار و تکذیب کننده آیات الهی

كذبوا بآيات ربهم فأهلكناهم بذنوبهم

گناه انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند.

و من یرد فیہ یالحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب أليم> کیفر دنیوی نیز باشد.

گناه انحراف جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷ - ۳

۳ - بی عفتی (ارضای غریزه جنسی به گونه نامشروع)، انحرافی بزرگ و گناهی عظیم در پیشگاه خداوند

فمن ابتغی وراء ذلك فأولئك هم العادون

گناه انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لا یسل عن ذنبه إنس و لاجانّ .. یعرف المجرمون بسیمهم

گناه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۷

۷- خداوند از تمامی گناهان بندگانش باخبر و بر همه آنها آگاه و ناظر است .

و کفی بر ربّک

بذنوب عباده خبیراً بصیراً

گناه اهل رجعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۶

۶ - تکذیب آیات الهی ، بارزترین و محوری ترین جرم رجعت شوندگان

فوجاً مَمَّنْ یَکْذِبْ بآیتنا

گناه اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۳

۲۳ برخی گناهان اهل کتاب ، موجب گرفتاری حتمی آنان به عذاب الهی

انما یریدالله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

در برداشت فوق <ان یصیبهم> به معنای گرفتار ساختن به عذاب گرفته شده است. قابل ذکر است که <بعض ذنوبهم> می تواند اشاره به این باشد که برخی گناهان به گونه ای است که خداوند مرتکبان آن گناه را قطعاً به عذاب گرفتار خواهد ساخت و لذا توفیق حق پذیری را از آنان سلب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۴

۴ تاریخ اهل کتاب آکنده از گناهانی پلیدتر از گناه ایرادشان بر اهل ایمان

قل هل انبئکم بشرّ من ذلک

بنابر اینکه ذلک اشاره باشد به ایراد اهل کتاب به مؤمنان که از جمله <اهل تنقمون> استفاده می شود / یعنی ایراد اهل کتاب به مؤمنان زشت و گناه است و از آن بدتر، اعمالی است که برای آنها در این آیه ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ نکوهش شدید خداوند از اهل کتاب ، بخاطر آلودگی آنان به گناه ، ستمگری و حرام خواری

یسرعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السحت لبئس

۱ وعده حتمی خداوند به آموزش تمامی گناهان گذشته اهل کتاب در صورت ایمان به خدا، پیامبر (ص)، همه کتب آسمانی و پرهیز از گناهان

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم

با توجه به آیه ۵۹ (هل تنقمون منا الا- ان ءامنوا بالله و ما انزل الينا و ما انزل من قبل) و نیز آیه ۶۱ (و اذا جاءوكم قالوا ءامنوا)، معلوم می شود مراد از ایمان در <ءامنوا> ایمان به خدا، قرآن، همه کتب آسمانی و ایمان به پیامبر اکرم (ص) است.

۱۰ پرهیز از رشوه گیری، حرام خواری، تجاوزگری و گفتار کفرآمیز شرط آموزش گناهان اهل کتاب و ورود آنان به بهشت

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا

متعلق <واتقوا> چنانچه گذشت، گناهان است، از مصادیق مورد نظر آن با توجه به آیات گذشته، گناهانی است که در برداشت به آنها اشاره شد.

گناه با خدا

۱- سوداگری با عهد و پیمان الهی و زیر پا نهادن آن در برابر بهای ناچیز دنیوی، ممنوع و گناهی نابخشودنی است.

و لاتتخذوا ايمانكم دخلاً.. و لكم عذاب عظيم . و لاتشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

ممنوعیت سوداگری با عهد و پیمان الهی، از نهی <لاتشتروا> و بزرگ بودن گناه آن، از ذیل آیه قبل (و لكم عذاب عظيم) که به عذاب بزرگ تهدید شدند استفاده

می شود.

## گناه بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۸

۸ شرک و بت پرستی، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است.

ان يدعون من دونه الا اثناً .. قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۴

۴- بت پرستی و اطاعت از شیطان، گناهی بزرگ است.

لِمَ تعبد ما لا یسمع .. لاتعبد الشیطن ... إنی أخاف أن یمسک عذاب من الرحمن

نسبت دادن <عذاب> به خدای رحمان که دارای رحمت وسیع است می تواند بیانگر این نکته باشد که گناه بت پرستی به قدری شدید است که مظهر رحمت و مهربانی را نیز به خشم می آورد.

## گناه بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۸

۱۸ بخیلان در قیامت، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

برخی برآنند که معنای ظاهری <سیطوقون .. > اراده نشده است، بلکه کلمه ای همانند وبال و گناه، قبل از <ما بخلوا> مقدر است. یعنی وبال گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل، روی گردانی از حق، پیمان شکنی و دروغ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم . . . بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا الله ... و بما كانوا

یکذبون

گناه بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱،۲

۱ - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی، جرم و گناهی بزرگ، و در پی دارنده عذاب الهی است.

فویل للذین یکتبون .. فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه <فویل> کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از <فویل للذین...> گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

۲ - ارائه و نشر افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان های الهی، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است.

فویل للذین .. ثم یقولون هذا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۸

۸ - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت.

فویل للذین یکتبون الکتب .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

از مصادیق مورد نظر برای <سیئه> به دلیل <فویل للذین...> بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۹

۹ جعل قانون و منتسب کردن آن به خداوند از گناهان بزرگ است.



و قالوا .. سيجزيهم بما كانوا يفترون

گناه بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس

۱۱ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله < و الذین کسبوا السيئات ... > قال : هؤلاء أهل البدع و الشبهات و الشهوات ... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که می فرماید: < کسانی که کسب سیئات کرده اند .. > روایت شده است: اینان اهل بدعتها، شبهه ها و شهوتهایند ... <.

گناه برادر کشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۹

۲۹ - جنگ های داخلی و برادر کشی ، از بزرگترین گناهان و موجب خواری و ذلت در دنیا و گرفتار شدن به عذاب اخروی است .

تقتلون أنفسکم .. فما جزاء من يفعل ذلك منکم إلا خزی فی الحیوه الدنيا و یوم القی

از آن جا که گناهان یاد شده، در پی دارنده شدیدترین عذابهاست، معلوم می شود این گناهان از بزرگترین گناهان هستند.

گناه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنا لخطئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار برادران یوسف علیه وی ، گناه بود و بدون آمرزش خداوند عقوبت او را در پی داشت .

یغفر الله لکم

گناه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ - بنی اسرائیل

، پیش از ورودشان به بیت المقدس ، بر دوش دارنده گناهانی بسیار

نغفر لکم خطیکم

برداشت فوق با توجه به جمع آوردن کلمه <خطایاکم> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۱

۳۱ - بنی اسرائیل ، گنهکار و همواره تجاوزگر بوده اند .

ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهرون عليهم بالأثم و العدون

باء در <بالأثم> بای ملابست است و <بالأثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد؛ یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - تمرد و گناه بنی اسرائیل ، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۰

۱۰ - بنی اسرائیل پیش از ورود به بیت المقدس گناهان فراوانی داشتند .

نغفر لکم خطیئتکم

برداشت فوق با توجه به کلمه <خطیئات> که به صورت جمع آمده استفاده شده است.

گناه بی احترامی با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۵ - ۸،۹

۸ - رفتار نامناسب و دور از آداب با پیامبر (ص) ، گناهی

نیازمند آموزش الهی است .

لَاتَقْدَمُوا .. لَاتَرْفَعُوا أَصْوَتَكُمْ ... و لَاتَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ ... و لَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى

۹ - نوید خداوند به باز بودن راه توبه ، برای آنان که ناآگاهانه حرمت پیامبر ( ص ) را آن گونه که بایسته بود ، رعایت نکرده اند .

و الله غفور رحيم

گناه بی احترامی به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - حرمت شکنی و استهزا نسبت به آیات الهی ، گناهی بس بزرگ و در پی دارنده عذابی سخت

وِيلَ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ .. اتَّخَذَهَا هَزْوًا ... و لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

گناه بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - بی حرمتی به پدر و مادر و کوتاهی در رعایت حقوق آنان ، گناه و نیازمند توبه است .

و اخفض لهما .. فإنه كان للأولين غفورًا

گناه بی ادبی با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۵ - ۸

۸ - رفتار نامناسب و دور از آداب با پیامبر ( ص ) ، گناهی نیازمند آموزش الهی است .

لَاتَقْدَمُوا .. لَاتَرْفَعُوا أَصْوَتَكُمْ ... و لَاتَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ ... و لَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى

گناه بی عفتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۳

۳ - بی عفتی (ارضای غریزه جنسی به گونه نامشروع)، انحرافی بزرگ و گناهی عظیم در پیشگاه خداوند

فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

گناه پریش بیجا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ خداوند آمرزنده گناه مترتب بر پرسش های بیجا تا پیش از تحریم آن \*

لا تسئلوا عن اشیاء .. و الله غفور حلیم

توصیف خداوند به <غفور> پس از بیان نهی از پرسشهای بیجا می تواند ناظر به آمرزش گناه کسانی باشد که تا پیش از بیان نهی، چنین سؤالاتی را مطرح کرده بودند.

گناه پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۸

۸- آگاهی خداوند، از گناهان باطنی و ظاهری بندگان، برای مجازات آنان کافی است و نیازی به شاهد و گواه ندارد.

و کفی بر بک بدنوب عبادہ خبیرًا بصیرًا

برداشت فوق با توجه به فرق واژه <خبیر> و <بصیر> به دست می آید، چون <خبیر> در مورد آگاهی از افکار و درون اشیاست (مفردات راغب) و <بصیر> اطلاع بر اعمال و رفتار است.

گناه تارکان نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۹

۹ اصلاحگران ایله سکوت در برابر گناه را ناروا شمرده و تارکان نهی از منکر را در پیشگاه خدا معذور نمی دانستند.

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

ظاهر اقتضا می کرد که موعظه گران بگویند <ربنا> (پروردگاران)، نه <ربکم> (پروردگاران شما). این جا به جایی اشاره به این حقیقت دارد که خداوند پروردگار شما نیز هست و باید در برابر او عذری داشته باشید و بدانید که اگر نهی از منکر نکنید، معذور نیستید.





- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ ترک کنندگان نهی از منکر، شریک جرم گنهکاران و دارای سرنوشتی همسان با آنان هستند.

أنجینا الذین ینھون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

گناه تجاوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۵

۵ تجاوز به حقوق دیگران، حرام خواری و رشوه گیری، از گناهان بزرگ

یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت

ذکر تجاوز و حرام خواری پس از کلمه <اثم> که شامل همه گناهان می شود (ذکر خاص بعد از عام)، می تواند اشاره به بزرگی آن دو گناه داشته باشد.

گناه تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند.

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب الیم> کیفر دنیوی نیز باشد.

گناه تجسس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲۱

۲۱ - بدگمانی ، تجسس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا كثيراً من الظنّ .. و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً ... و اتقوا الله

گناه تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۲۱ تحریف دین ( تغییر و تبدیل و کم و زیاد کردن وحی الهی ) گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب اخروی

قل ما يكون لى أن أبدله .. إنى أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

گناه تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۱

۲۱ - تخریب مساجد به انگیزه یاد نکردن خدا در آنها، گناهی بزرگ و در پی دارنده خواری در دنیا و عذابی بزرگ در قیامت است .

و سعی فى خرابها .. لهم فى الدنيا خزی و لهم فى الآخرة عذاب عظیم

از اینکه بازدارندگان مردم از ورود به مساجد و تخریب کنندگان آنها، ظالمترین مردم شمرده شده اند و نیز به عذاب عظیم قیامت تهدید شده اند، بزرگی گناه آنان به دست می آید.

گناه تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱،۸

۱ گناه و کیفر تخلف از جهاد، تنها متوجه کسانی است که علی رغم توانمندی، از آن روی برگردانند .

إنما السبیل علی الذین یستندونک و هم أغنیاء

۸ گناه تخلف از وظیفه جهاد، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع الله علی قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنانه منافقان باشد نه علت آن.

گناه ترک دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹۱۰

۹ صالح (ع) به مردم

خویش اعلام کرد: در صورت پذیرش خواسته آنان ( ترک دعوت به توحید ) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

۱۰ پیامبران ، در صورت مسامحه در امر رسالت و ترک ابلاغ توحید ، گنه کارند .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

گناه ترک عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱

۱ - کفر به خدا و سرپیچی از عبادت او ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصَدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ

مراد از <الطيب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صراط حمید> عبادت خدای یگانه است. بنابراین با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <کفروا> در <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا> به تقدیر <کفروا بالطيب من القول> است و مراد از <سبيل الله> در <يصدون عن سبيل الله>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إِنَّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... نذيقهم من عذاب أليم>.

گناه ترک هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۲،۵

۲ عفو الهی از گناه ترک هجرت ، هر چند از سر ناتوانی باشد ، حتمی است .

لا يستطيعون حيله... فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

۵ ترک هجرت از سیطره کافران و مشرکان ، گناهی بس بزرگ

فاولئك عسى الله ان

يعفو عنهم

چون کیفر ترک هجرت در صورت ناتوانی نیز به طور حتمی نفی نشده، معلوم می شود هجرت در صورت توان، از واجبات بسیار مؤکد است و ترک آن گناهی بزرگ.

گناه تضييع نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضاعوا الصلوه .. فسوف يلقون غيًّا

چنان که گفته شد معنای <يلقون غيًّا> به قرینه <يدخلون الجنه> (در آیه بعد) <يلقون جزاء غيهم> است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

گناه تعليم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۴

۳۴- رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تكفر فيتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء و زوجته .. و يتعلمون ما يضرهم و ل

گناه تغيير وصيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱،۳

۱ - تغيير و تبديل وصيت ميت ، حرام و گناه است .

فمن بدله .. فإنما إثمه على الذين يبدلونه

۳ - گناه تغيير و تبديل وصيت های ميت ، تنها بر تغيير دهندگان است نه بر وصيت کننده و نه کسانی که بر اثر آن از اموال

میت بهره مند می شوند .

فمن بدله .. فإنما إثمه على الذين يبدلونه

کلمه <إنما> دلالت بر حصر



دارد و این حصر ناظر به وصیت کننده است و نیز کسانی که از وصیت اطلاعی نداشته و بر اثر تغییر آن، اموالی از میت نصیبشان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۲

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیزه های مادی، از زمره گنهکارانند.

لانشری ... و لانکتُم شهده الله اِنَّا اِذَا لَمِن الَاثْمِین

گناه تفاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۲

۲ - فخر فروشی و خودنمایی، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخر ج علی قومه فی زینته .. فخرسفا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریح <خسفا> بر <فخر ج علی قومه فی زینته> به دست می آید زیرا قارون پس از فخر فروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

گناه تکذیب آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۵

۱۵ تکذیب آیات الهی، گناه و موجب هلاکت و نابودی است.

و ما تأتیهم من ءایه .. فأهلکنهم بذنوبهم

کاربرد عنوان <ذنوب> در مورد تکذیب کنندگان آیات روشن می سازد که تکذیب از مصادیق <گناه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۶

۶- انکار آیات الهی و روی گردانی از یاد خدا، گناهی نابخشودنی است .

و من أعرض عن ذكری . . . و لم یؤمن بآیت ربّه . . . لولا کلمه سبقت من ربّک لکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۶

۶ - تکذیب آیات و نشانه های الهی بدون تحقیق و دلیل علمی ، جرمی بزرگ و دارای کیفر

قال أكذبتُم بایتی و لم تحیطوا بها علمًا

گناه تکذیب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - تصدیق نکردن رسالت های پیامبران ، گناه و درپی دارنده کیفر الهی است .

لن تؤمن لك .. فأخذتكم الصعقه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فأخذتكم ..> علاوه بر ارتباطش با <نرى الله جهره> مرتبط با <لن تؤمن لك> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبران الهی ، جرم و گناه است و تکذیب کنندگان مجرم و گنهکارند .

و لا یردّ بأسنا عن القوم المجرمین

گناه تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۴

۴ - تکذیب دین ، جرمی بزرگ و غیر قابل بخشش

كذلك نفعل بالمجرمين

مقصود از <مجرمان>، همان <مكذبان> است كه در اين سوره يازده بار ذكر شده است و چون تكذيب گران، محكوم به هلاكت اند، بنابراین جرم آنان (تكذيب دين)، بزرگ و غير قابل بخشش خواهد بود.

گناه تكذيب قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲،۴

۲ انكار و تكذيب معاد، بزرگ ترين جرم و گناه كافران و مشركان صدر اسلام

قال الذين كفروا إن هذا إلا إفك افتريه ..

قالوا مالِ هذا الرسول ... بل كذبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

۴ انکار معاد، گناهی بزرگ و نابخشودنی

و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيراً

برداشت فوق، از وعده عذاب دوزخ به تکذیب کنندگان قیامت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۴

۴ - تکذیب قیامت، بزرگ ترین جرم محکومان دادگاه رستاخیز

فویل یومئذ للمکذبین

از این که تنها وصفی که برای محکومان روز قیامت آورده شده، عنوان <تکذیب قیامت> است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۳

۳ - تکذیب روز جزا، جرمی بزرگ و نابخشودنی است.

عن المجرمین .. و کنا نکذب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۶

۶ - تکذیب روز جزا، جرمی نابخشودنی است و تکذیب گران مجرم اند.

ویل یومئذ للمکذبین .. کلوا و تمتعوا قليلاً إنکم مجرمون

مطلب یاد شده، از به کار رفتن عنوان <مجرمان> درباره <مکذبان>، استفاده شده است.

## گناه تکذیب لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۲

۲ - تردید در معاد و انکار لقای پروردگار ، عملی مجرمانه است .

بلقاء ربّهم كفرون .. إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم

<ال> در <المجرمون> عهد است و به <هم بلقاء ربّهم

کافرون < برمی گردد.

گناه تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ انکار معاد، گناه و باری شوم بر دوش منکران معاد در قیامت است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. ألا ساء ما یزرون

گناه تلاش برای ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذین کفروا .. اتبعوا سیلنا ... و لیحملن أثقالهم

گناه تهمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۲ - ۱،۲،۴

۱ انتساب گناه خود به دیگران ، دروغی شنیع و گناهی آشکار است .

و من یکسب خطیئه .. ثم یرم به بریاً فقد احتمل بهتناً و اثمأً مبیناً

نکره آوردن کلمه <بهتناً> و <اثماً>، برای اشاره به بزرگی آن دو گناه است. کلمه <بهتان>، به معنای دروغ بستن به دیگران است، به گونه ای که از شنیدن چنین دروغی مبهوت و متحیر می شود.

۲ متهم ساختن افراد بی گناه ، دروغی بهت آور و گناهی آشکار است .

و من یکسب .. ثم یرم به بریاً فقد احتمل بهتناً و اثمأً مبیناً

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: .. فاما اذا قلت ما ليس فيه فذلك قول الله > فقد احتمل بهتاناً و اثماً مینا<.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۲۷۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۶.

۴ تهمت به بی گناهان ، گناهی واضح و



## آشکار

و من یکسب خطیئه أو اثمًا ثم یرم به بریاً فقد احتمل بهتئاً و اثمًا مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۸

۸ - بهتان به مؤمنان ، گناه روشن و آشکاری است .

و الذین یؤذون المؤمنین و .. فقد احتملوا بهتئاً و اثمًا مبیناً

## گناه جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۳، ۷

۷ - به کارگیری سحر گناهی بزرگ و به منزله کفر است .

و ما کفر سلیمان

چنانچه گذشت، مراد از جمله فوق نفی جادوگری از سلیمان است. ولی از آن جا که از جادوگری به کفرورزی، تعبیر شده، به دست می آید که: جادوگری خود نوعی کفر است و یا گناهی است به منزله کفر.

۵۳ - عمرو بن عبید وارد بر امام صادق (ع) شد ... و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم، امام فرمود: > ... والسحر لان الله عز و جل یقول: و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق ... ;

... از جمله گناهان کبیره <سحر> است چون خداوند می فرماید: مسلماً آنان (ساحران) می دانستند هر کس خریدار این متاع (سحر) باشد در آخرت هیچ نصیبی برای وی نخواهد بود ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۸

۸ - سحر و ساحری ، گناهی نیازمند توبه و مغفرت خداوند

لیغفر لنا ... و ما أکرهتنا علیه من السحر



و ساحری به غفران الهی، نشان از گناه بودن آن دارد، اشاره ساحران به اکراهی بودن آن، نوعی اعتذار از صدور آن گناه، برای جلب مغفرت الهی است.

گناه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

گناه جاهلان قاصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۶

۶ صدور خلاف از انسان ، قبل از دستیابی وی به شناخت رهنمود های الهی ، مایه محکومیت او به گمراهی نیست .

ما كان الله ليضل . . . حتى يبين لهم ما يتقون

گناه جاهلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۶

۲۶ مؤمنی که از سر جهل گناه کند، در صورت توبه و اصلاح حتماً مشمول مغفرت و رحمت خداوند قرار خواهد گرفت.

كتب ربكم على نفسه الرحمة أنه من عمل منكم سوءاً بجهل ثم تاب من بعده و أصلح فأنه

گناه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لا یسل عن ذنبه إنس و لاجانّ .. یعرف المجرمون بسیمهم

گناه جنگ داخلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۲۹ - جنگ های داخلی و برادر کشی ، از بزرگترین گناهان و موجب خواری و ذلت در دنیا و گرفتار شدن به عذاب اخروی است .

تقتلون أنفسکم .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحيوه الدنيا و يوم القی

از آن جا که گناهان یاد شده، در پی دارنده شدیدترین عذابهاست، معلوم می شود این گناهان از بزرگترین گناهان هستند.

گناه جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ ناآگاهی از معارف دینی با وجود امکان یادگیری آن ، گناه و ستم بر خویشان است .

ظالمی انفسهم .. قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها .. الا المستضعفين

گناه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۳

۳ - دروغ شمردن آیات الهی ، اساسی ترین جرم دوزخیان

الم تكن ءایتی تتلی .. بها تکذبون

گناه حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۵

۵ تجاوز به حقوق دیگران ، حرام خواری و رشوه گیری ، از گناهان بزرگ

یسرعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السحت

ذکر تجاوز و حرام خواری پس از کلمه <اثم> که شامل همه گناهان می شود (ذکر خاص بعد از عام)، می تواند اشاره به بزرگی آن دو گناه داشته باشد.

گناه حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۶

۶ شکستن سوگند گناه و پرداخت کفاره موجب بخشایش آن

است .

و لكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمن فكفرتة .. ذلك كفره ايمنكم

مؤاخذة سوگندشکنان دليل عصيانگري آنان است و کلمه کفارہ که به معنای پوشاننده است اشاره به بخشودگی گناه در پی پرداخت کفارہ دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۶

۱۶ شکستن سوگند و وفا نکردن به پیمان های الهی ، گناه و موجب عقوبت از ناحیه خداوند است .

الله علی ما نقول وکیل

گناه خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۷،۸

۷ میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير .. و اثمهما اكبر

<اثم> به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحيط)

۸ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

يسئلونك عن الخمر و الميسر .. اثمهما اكبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۳

۳ شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و الميسر .. رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی تواند گناه کوچکی محسوب شود.

گناه خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۹



انتحار و خودکشی ، از گناهان کبیره \*

لا تقتلوا انفسکم .. ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

گناه خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۲

۲ - فخر فروشی و خودنمایی ، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخر ج علی قومه فی زینته .. فحسفننا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <حسفننا> بر <فخر ج علی قومه فی زینته> به دست می آید؛ زیرا قارون پس از فخر فروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

گناه خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱۰

۱۰ خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۸

۸ خیانت و نیرنگ ، گناه است .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا

در برداشت فوق، <اثیماً>، صفت توضیحی برای <خوأناً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۸

۸ خیانت به مردم ، گناه و رفتاری نکوهیده است .

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

گناه خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۷

۲۷ خیانت در شهادت ، گناه است .

لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا .. إِنْنا إِذاً لَمِنَ الْاِثْمِينِ

گناه در اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۱،۲،۳،۷

۱ حرکت آشکار و

بدون پرده پوشی اهل کتاب معاصر پیامبر (ص)، در گناه، تجاوز و حرام خواری

و تری کثیراً منهم یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت

<تری> (می بینی و مشاهده می کنی) دلالت می کند که اهل کتاب به طور آشکارا و علنی مرتکب آن اعمال ناروا می شدند.

۲ پیامبر (ص)، شاهد شتاب بسیاری از اهل کتاب در گناه، تجاوزگری و حرام خواری

و تری کثیراً منهم یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت

<السحت> در لغت به معنای حرام است.

۳ مسابقه و پیشی جستن در ارتکاب گناه، تجاوز و حرام خواری، شیوه بسیاری از اهل کتاب در عصر بعثت

و تری کثیراً منهم یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت

۱ <یسرعون> از مصدر <مسارعه> می تواند به معنای پیشی جستن از یکدیگر باشد. ۲ فعل مضارع <یسرعون> دلالت می کند که ارتکاب این اعمال شیوه آنان بوده و به طور مستمر انجام می داده اند، جمله <کانوا یعملون> نیز دلالت بر این معنا دارد.

۷ رواج گناه و تجاوز و حرام خواری در بین اهل کتاب، نمودی از فسق آنان

و إن اکثرکم فسقون... و تری کثیراً منهم یسرعون فی الاثم و العدون

به مقتضای ارتباط بین آیات این بخش از سوره می توان گفت: آیه مورد بحث با بیان مصداق و نمونه هایی از فسق اهل کتاب برای اثبات <ان اکثرکم فسقون> استدلال کرده است.

گناه در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۹ - ۹

۹- تعرض به بت ها

، ظلمی بزرگ و گناهی نابخشودنی در پندار قوم بت پرست ابراهیم

قالوا من فعل هذا بالهتتا إته لمن الظلمين

ظالم و ستم پیشه به کسی گویند که بارها به ستم دست بزند. بنابراین توصیف ابراهیم به ستمکار بودن از جانب بت پرستان در حالی که او تنها یک بار به بت ها تعرض کرده بود گویای این نکته است که تعرض به بت ها در نظر بت پرستان ظلمی بزرگ محسوب می شد.

گناه در نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۳

۳ - نهی خداوند ، از نجوای آلوده به گناه ، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی پیامبر ( ص )

فلاتتنجوا بالائتم و العدون و معصیت الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱

۱ - نجوای آلوده به گناه ، تعدی به دیگران و نافرمانی از پیامبر اکرم ( ص ) ، از القائات شیطان است .

إتما النجوی من الشیطن

الف و لام <النجوی> برای عهد است و به نجوای منافقان اشاره دارد که آلوده به <إتتم> ، <عدوان> و <معصیت الرسول> است.

گناه دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا الله ... و بما كانوا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۷ - ۳

۳ - دروغ پردازی

، گناهی بزرگ

أفأك أثيم

گناه دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۲

۲ دزدی ، گناه و ستمکاری است .

فمن تاب من بعد ظلمه

مراد از <ظلم> به قرینه آیه قبل، همان دزدی است.

گناه دعوت به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرک‌ورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف

گناه دعوت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرک‌ورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف

گناه دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند

يَاخِذُوْنَ عَرَضَ هٰذَا الَّاٰذِنِيْ وَيَقُوْلُوْنَ سَيَغْفِرُ لَنَا

گناه دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند .

يَاخِذُوْنَ عَرَضَ هٰذَا الَّاٰذِنِيْ وَيَقُوْلُوْنَ سَيَغْفِرُ لَنَا

جمله <سیغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله

<یاخذون ... > ناظر به کسب مال از راههای

نامشروع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۵

۱۵ دل‌بستگی به تمتعات دنیوی و لذت‌های مادی، گناه است.

واتبع الذين ظلموا ما أترفوا فيه و كانوا مجرمين

گناه دین سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ گناه پیروی از مکاتب انحرافی و تأیید رهبران آن، هم‌تراز با گناه مکتب سازان و سران آن مکاتب

ربنا هؤلاء أضلونا .. قال لكل ضعف

گناه دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۲

۲ - ارائه و نشر افکار و اندیشه‌ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان‌های الهی، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است.

فويل للذين .. ثم يقولون هذا من عند الله

گناه دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۳

۳ - دین فروشی و کسب متاع دنیا در قبال آن، از گناهان بزرگ است.



و يشترون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون في بطونهم إلا النار

گناه ربا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۹

۹ رباخواری ، ناسپاسی شدید نعمت و گنهکاری است .

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا . . . وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اِثِمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۴

۴ رباخواری ، گناهی بس بزرگ

فان لم تفعلوا

اعلام جنگ خدا و رسول (ص) علیه رباخوار، حاکی از گناه بزرگ اوست.

گناه رشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۵

۵ تجاوز به حقوق دیگران، حرام خواری و رشوه گیری، از گناهان بزرگ

یسرعون فی الاثم و العدون و اكلهم السحت

ذکر تجاوز و حرام خواری پس از کلمه <اثم> که شامل همه گناهان می شود (ذکر خاص بعد از عام)، می تواند اشاره به بزرگی آن دو گناه داشته باشد.

گناه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

چون جمله <فما كان...> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لكل ضعف و لكن...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

گناه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

چون جمله <فما كان...> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

گناه زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱۰ ارتکاب گناهی همچون شرابخواری ، زنا و نپرداختن زکات ، با اعتقاد به گناه بودن آنها ، کفر است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

ابو بصیر از معصوم (ع) روایت کرده است که پس از تلاوت <ان الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً> امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوه حق و لم یؤدها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۸۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۶۲۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا ، از گناهان بسیار زشت و پلید است .

لنصرف عنه السوء والفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- < عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و لاتقربوا الزنا إنه كان فاحشه < يقول : معصیه و مقتاً فإن الله يمقته و يبغضه قال : > و ساء سییلاً < و هو أشد الناس عذاباً و الزنا من أكبر الكبائر ;

از امام باقر (ع) در باره یخن خدا < و لاتقربوا الزنا إنه كان فاحشه > روایت شده است که فرمود: خدا می گوید: [زنا] گناه و نفرت انگیز است؛ زیرا به شدت مورد تنفر و غضب الهی است [و درباره] < و ساء سییلاً > فرمود: و زنا کار عذابش از همه شدیدتر است و زنا از بزرگ ترین گناهان کبیره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذین لا یدعون مع اللّٰه اِلٰهًا .. و لایزنون

ترتیب ذکرى جمله هاى <و الذین لایدعون..> <لا یقتلون...> و <لا یزنون> مى تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۹

۹ شرک ، آدم کشی و زنا ، از گناهان بزرگ و خطیر

یضعف له العذاب یوم القیمه و یخلد فیہ مهاناً

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۸

۸ - ارتکاب فحشا (زنا و لواط) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفواحش

ذکر <الفواحش> پس از ذکر <کبائر الإثم> با این که <کبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

گناه سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضعوا الصلوه .. فسوف يلقون غيًّا

چنان که گفته شد معنای < يلقون غيًّا >

به قرینه <یدخلون الجنة> (در آیه بعد) <يلقون جزاء غيهم> است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

گناه سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۵،۲۱

۵ - بعضی از گمان ها ، حتی در صورت منتهی نشدن به عمل ، گناه به شمار می آید . \*

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

حصول گمان در ذهن انسان، معمولاً در اختیار وی نیست. بر این اساس مفسران نهی از ظن را، نهی از عمل بر طبق ظن دانسته اند که امری اختیاری است. با این حال احتمال می رود که در آیه شریفه چیزی مقدر نباشد و واقعاً بعضی از گمان های بد حتی با منتهی نشدن به عمل گناه به شمار آید.

۲۱ - بدگمانی ، تجسس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا كثيراً من الظنّ . . . و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً ... و اتقوا الله

گناه سوءظن به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۸

۸ - بدگمانی به خداوند ، از گناهان بزرگ و موجب قرار گرفتن انسان در زمره منافقان و مشرکان

المنفّین . . . و المشرکین ... الظّائین بالله ظنّ السوء

وصف <الظّائین...> مشعر به علیت است؛ یعنی، این بدگمانی است که روح اصلی نفاق و شرک را تشکیل داده و انسان ها با این بدگمانی، منافق و مشرک می شوند.

گناه سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۲

۲ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، گناه است .

فان عثر علی انهما استحقا اثمًا

مراد از < اثمًا > به قرینه < انا اذاً لمن الاثمین > شهادتهای دروغین است.

گناه شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۸

۸ - پذیرش و انتشار شایعه های ناروا علیه مؤمنان و جامعه اسلامی ، بدون توجه به درستی و نادرستی و پیامد های آنها ، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إذ تلقونه بألسنتكم و تقولون .. تحسبونه هيئاً و هو عند الله عظيم

گناه شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۳

۳ - مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی ، از گناهان بزرگ است .

و يعلم الذين يجدلون في آيتنا .. و الذين يجتنبون كبر الإثم

گناه شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ ارتکاب گناهانی همچون شرابخواری ، زنا و نپرداختن زکات ، با اعتقاد به گناه بودن آنها ، کفر است .



إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

ابو بصير از معصوم (ع) روایت کرده است که پس از تلاوت <ان الذين ءامنوا ثم كفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا كفراً> امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنى، و من زعم ان الزكوه حق و لم يؤدها.

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۸۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۳

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

گناه شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۱،۱۴

۱۱ شرک به خدا ، گناهی بزرگ

و من یشرک بالله فقد افتری اثماً عظیماً

۱۴ شرک ، از گناهان کبیره و موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انّ الله لا یغفر ان یشرک به

امام صادق (ع) در معرفی و شمارش گناهان کبیره فرمود: ... و هنّ ممّیا اوجب الله عز و جل علیهن النار قال الله عز و جل:  
<انّ الله لا یغفر ان یشرک به ... >

---

عقاب الاعمال "مترجم" ، ص ۵۲۵، ح ۱، باب عقاب من اتی الکبائر / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۲۹۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۱،۲،۳،۵

۱ شرک ، انحراف و لغزش غیر قابل آمرزش

انّ الله لا یغفر ان یشرک به

۲ هر گناهی ، کمتر از شرک ، قابل آمرزش و مغفرت

و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء

کلمه <دون> به معنای کمتر و پایینتر است.

۳ گناه در حد شرک ، قابل آمرزش نیست .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ

کلمه <دون> به معنای کمتر و پایینتر است. بنابراین اگر گناهی در حد شرک باشد قابل آمرزش نیست.

۵ شرک به خدا

از بزرگترین گناهان

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۸

۸ شرک و بت پرستی ، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است .

ان يدعون من دونه الا اثناً .. قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۷

۲۷ شرک ، بزرگترین گناه کبیره و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

انه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار

از امام صادق(ع) روایت شده: .. اكبر الكبائر، الشرك بالله يقول الله عزوجل: > انه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار ... <

---

عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۳، ب ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۶، ح ۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۴

۴ گرایش به مظاهر شرک از گناهان کبیره است .

و الانصاب و الازلم رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرک‌ورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر، جرم است و مشرکان و کافران، مجرم هستند .

و لو کره

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۹

۹ شرک ، گناهی نابخشودنی است .

ما كان للمشرکین .. أولئک حبطت أعمالهم و فی النار هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۷

۷ شرک ، گناهی است نابخشودنی .

و لو لا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ > دخل عمرو بن عبید علی ابی عبدالله (ع) فلما سلم و جلس ... قال : أحب أن أعرف الكبائر من کتاب الله عزوجل ،

فقال : ... منها : ... نقض العهد و قطيعه الرحم لأن الله عزوجل يقول : > أولئک لهم اللعنه و لهم سوء الدار < ... ;

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد و بعد از سلام نشست .. و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خدا

بشناسم، پس حضرت فرمود: ... یکی از آن گناهان ... عهدشکنی و قطع رحم است ؛ چون خداوند عزوجل می فرماید: أولئک

لهم اللعنه و لهم سوء الدار ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۴

۴- شرک ، جرم و گناه است و آتش دوزخ را در

پی دارد .

نادوا شركاءى . . و رءا المجرمون النار فظنوا أنهم مواقعوها

مصدق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرك است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۹

۹- ابراهیم (ع) ، شرك برخی از مشركان را قابل بخشش می دانست .

سأستغفر لك ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۵،۶

۵- شرك جرم است و مشرك ، مجرم و گناهكار .

واتخذوا من دون الله ءالهة . . و نسوق المجرمين إلى جهنم

از آن جایی که آیات گذشته، درباره شرك بود، تناسب چنین اقتضا می کند که مراد از مجرمان، <مشركان> باشد. احتمال تعلق کلمه <یوم> در <یوم نحس>، به یکی از فعل های <سیکفرون> و یا <یکونون> در آیات پیشین، گویاترین وجه برای ارتباط این آیات است.

۶- شرکورزی و پرستش معبود های باطل ، گناهی بزرگ و موجب دوزخی شدن است .

و نسوق المجرمين إلى جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۴

۴ - كفر و شرك ، گناه و نیازمند توبه و طلب مغفرت از پیشگاه خداوند

ليغفر لنا خطيئنا

مصدق مورد نظر از خطیئه به قرینه آیات بعد که جرم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار داده است گناه كفر به خداوند و

انکار رسالت موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إِنكُمْ و ما تعبدون



من دون الله حسب جهنم . . . و كل فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۸

۸ - شرک ، گناهی است نابخشودنی که اهل آن مستحق عذاب الهی اند .

و كثير حقّ عليه العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۵

۵ - شرک و انکار ربوبیت خدا ، گناهی نابخشودنی و گرفتار کننده به آتش دورخ است .

فالذین كفروا قطعت لهم ثياب من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۸،۹

۸ - شرک ، گناهی بزرگ و دارای کیفی ویژه در نزد پروردگار

و من يدع مع الله . . . فإئما حسابه عند ربّه

۹ - شرک ، گناهی غیر قابل شفاعت \*

و من يدع مع الله . . . فإئما حسابه عند ربّه

تعبیر <إئما حسابه عند ربّه> ممکن است اشاره به این نکته باشد که کمترین اجازه میانجی گری و شفاعت در شرک، به دیگران داده نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذين لا يدعون مع الله إلهاً .. و لا يزنون

ترتیب ذکرى جمله هاى <و الذين لا يدعون..> <لا-يقتلون...> و <لا-يزنون> مى تواند بيانگر ترتيب رتبى و حاكى از مطلب ياد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۹

۹ شرک

، آدم کشی و زنا ، از گناهان بزرگ و خطیر

يضعف له العذاب يوم القيمة و يخلد فيه مهاناً

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸- شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۳

۳- شرک و عبادت غیر خدا ، از سوی هر کس که باشد حتی پیامبران در پیشگاه خداوند ، گناهی نابخشودنی است .

و لقد أوحى إليك و إلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۶ - ۵

۵- عبادت غیر خدا ، گناه و حرام است .

قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۴

۴- شرک ، گناهی بس بزرگ و موجب محرومیت از رحمت الهی در قیامت

و لكن يدخل من يشاء في رحمته والظلمون. .. أم اتخذوا من دونه أولياء

از آیه قبل استفاده می شود که ظالمان از رحمت الهی به دوراند (یدخل من يشاء في رحمته و الظالمون ما لهم. ..) و از آن جا

که شرک مصداق بارز ظلم به شمار می آید، می توان مطلب بالا را برداشت کرد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۳

۳ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَلَدُونَ

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد مشرکان بود بیانگر آن است که مشرکان، مجرمانی اند که قابل بخشش نیستند و در جهنم برای همیشه ماندگاراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفر آور در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصى و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه> می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۴

۴ - شرکورزی ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و باعث دوزخی شدن انسان

و كانوا يصرون على الحنث العظيم

برخی از مفسران برآنند که مراد از <حنث> در آیه شریفه، شکستن پیمان توحید است (پیمانی که خداوند فطرتاً و در عالم ذر از انسان ها گرفته است). بر این مبنا، مفاد آیه چنین می شود: اصحاب شمال به خاطر شکستن پیمان توحید و روی آوردن به شرک و اصرار بر آن، گرفتار عذاب دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

یوّد المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ بینیه

مقرر شدن عذابی که فدیة بردار نیست، بیانگر این حقیقت است که جرم کفر و شرک، جرمی نابخشودنی است.

گناه شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۷ ارتداد و شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا، گناهی همسنگ با همه گناهان

و الذین عملوا السيئات

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <السيئات>، به دلیل آیات گذشته، شرک و ارتداد باشد. بر این اساس خداوند از آن گناه به <السيئات> (همه گناهان) تعبیر کرد تا بر این معنا اشاره کند که شرک و ارتداد گناهی است همسنگ همه گناهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۶

۶ شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا، جرم و گناه است .

و أنا بریء مما تجرمون

چون مخاطبان <تجرمون> مشرکان و پرستش‌کنندگان غیر خدا هستند، می‌توان گفت: منظور از گناه در جمله <تجرمون> شرک و ورزی و پرستش غیر خداست. قابل ذکر است که <ما> در <مما> مصدریه می‌باشد؛ یعنی: أنا بریء من إجرامکم.

گناه شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۲

۲ - تردید در معاد و انکار لقای پروردگار، عملی مجرمانه است .

بلقاء ربهم كفرون .. إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم

<ال> در <المجرمون> عهد است و به <هم بلقاء ربهم كفرون> برمی‌گردد.

گناه شکنجه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت .. فلهم عذاب جهنم

گناه صغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء -



۱ گناهان ، دارای دو قسمِ صغیره و کبیره

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

به قرینه مقابله بین کبائر و سیئات، مراد از سیئات در اینجا، گناهان صغیره است.

گناه صغیره آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۲۵

۲۵ - > عن الرضا (ع) (فی قوله تعالی): < و عصی آدم ربّه فغوی > قال: . . . کان ذلک من آدم قبل التّبوه و لم یکن ذلک بذنب کبیر استحقّ به دخول النار و إنّما کان من الصغائر الموهوبه التي تجوز علی الأنبياء قبل نزول الوحي علیهم ;

از امام رضا(ع) (در باره قول خدا) <و عصی آدم ربّه فغوی> روایت شده که فرمود: این عصیان از آدم قبل از نبوت بود و این گناه بزرگی نبود که بسبب آن مستحق دخول آتش شود بلکه از صغائری بود که بخشیده شده و برای پیامبران قبل از نزول وحی جایز است. <..>

گناه صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۶

۱۶ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم .. عفا الله عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفاره جمله <عفا الله عما سلف> می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت

فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

گناه طرد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۲

۲ طرد مؤمنان ( نپذیرفتن آنان به جرگه و مجمع اهل ایمان ) گناه و درپی دارنده عذاب الهی است .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

<من الله> به معنای <من عذاب الله> است.

گناه طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا .. و من یحلل علیه غضبی فقد هوی

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

گناه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۵

۵ - گناهان زبانی و عملی طغیان گران ، گرفتار سازنده آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی .. ناصیه کذبہ خاطئه

<کذب> از مصداق های گناه زبانی می باشد و <خطا>، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

گناه ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴- ظلم ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و موجب کیفر سخت الهی در قیامت است .

يعمل الظلمون .. لیوم تشخص فيه الأبصر . مهطعین مقنعی رءوسهم لا یرتدّ إلیهم طرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۷

۷- ظلم ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب الهی در دنیا

ولا تحسبنّ الله

غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ .. و أَنْذَرَ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۹ - ۴

۴- ظلم و بیدادگری ، گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است .

و إِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ . فانتقمنا منهم

انتقام خداوند از <اصحاب ایکه> به خاطر ظلم آنها، بیانگر این نکته است که ظلم و بیدادگری گناهی نیست که قابل عفو و آمرزش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۳

۳- ظلم ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و عامل اصلی ابتلای انسان به عذاب اخروی است .

و إِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ

برداشت فوق به خاطر این نکته است که با آنکه آیه در صدد بیان وضعیت کافران در قیامت است، ولی از آنان به ظالمان توصیف کرده است و وصف مشعر به علیت است. گفتنی است وعده عذاب اخروی، بیانگر بزرگی و نابخشودنی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸- شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۴

۴ - ستم پیشگی ، گناهی نابخشودنی و عذرناپذیر در قیامت

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

آمدن کلمه <الظالمین> به صورت وصفی، بیانگر این نکته است که مقصود از آن، فردی نیست که در زندگی اندکی ستم کرده باشد؛ بلکه کسی است

که چنان به این گناه آلوده شده که به آن شهرت یافته و عادت کرده است.

### گناه ظلم به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۵

۵ ستم به پیامبران گناهی قابل آمرزش

سوف أستغفر لكم ربی

### گناه ظلم در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ - > عن ۷۵ أبي الصباح الكناني قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل : و من یرد فیہ بالحد بظلم نذقه من عذاب أليم < فقال : کلّ ظلم یظلمه الرجل نفسه بمکّه من سرقة أو ظلم أحد أو شیء من الظلم فإنی أراه أليماً >

ابی الصباح کنانی گفت: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزوجل > و من یرد فیہ بالحد بظلم نذقه من عذاب أليم < سؤال کردم فرمود: هر ظلمی که شخص در مکه بر خویش کند، خواه دزدی باشد، یا ستم به دیگری و یا هرگونه ستمی، من آن را الحد و انحراف می بینم <.

### گناهظهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۷

۷ -ظهار کردن زن ، حرام و گناه است .

و إنهم ليقولون منكرًا من القول و زورًا و إن الله لعفو غفور

### گناه عاق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١- > عن أبي عبد الله (ع) [ في تعريف الكبائر ] و منها عقوق الوالدين لأنَّ الله عزَّوجلَّ جعل العاقَّ جباراً شقيئاً في قوله  
حكايه

، قال عیسی (ع) : < و بَرّاً بوالدتی و لم يجعلنی جباراً شقیّاً > ;

از امام صادق(ع) [در معرفی گناهان کبیره] روایت شده که از جمله آنها عقوق و نافرمانی والدین است، زیرا خداوند عزوجل در سخن خود به نقل از حضرت عیسی(ع) عاق نافرمانی کننده را جبار شقی قرار داده است، آن جا که فرموده: و بَرّاً بوالدتی و لم يجعلنی جباراً شقیّاً.

گناه عالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۸

۸- ارتکاب فحشا از روی آگاهی ، دارای زشتی و جرم بیشتر

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

گناه عدم تعقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۸

۱۸- خداوند ، در برخورد با گناه نیندیشیدن درباره حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات بردبارانه برخورد کرده و در صورت توبه ، از آن درمی گذرد .

لا تفقهون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

تعلیل <إنه کان حلیمًا غفورًا> دلالت می کند بر اینکه <لا تفقهون تسبیحهم> (تفقه نمی کنید در تسبیح آنان) گناه داشته و شایسته برخورد و مجازات است اما چون خداوند حلیم و غفور است، بردبارانه برخورد می کند.

گناه عصیان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - سرپیچی از فرمان های پیامبر (ص) ، گناه و حرام است .



فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم

گناه عقور شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس

۹ - کشتن ناقه صالح ، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

گناه عملی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۳

۳ لزوم اجتناب از گناهان عملی و قلبی

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

از جمله احتمالات موجود درباره <باطن الإثم> آن گناهایی است که در درون انسان پنهان می باشد که مصداق روشن آن گناهان قلبی، مانند سوءظن است. نقطه مقابل آن گناهایی است که کاملاً جنبه عملی دارد (ظاهر الإثم).

گناه عهدشکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۴

۴ - خداوند ، گناه پیمان شکنی بنی اسرائیل را بخشود .

فلولا فضل الله علیکم و رحمته

شمول فضل و رحمت الهی پس از بیان خطا و گناه، کنایه از عفو و گذشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما آتاهم .. بخلوا به و تولوا .. بما أخلفوا الله ... و بما كانوا يكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۶

۱۶ شکستن سوگند و وفا نکردن به پیمان های الهی ، گناه و موجب عقوبت از ناحیه خداوند است .

الله علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ -

۱۳ > دخل عمرو بن عبید علی ابی عبدالله (ع) فلما سلّم و جلس . . . قال : أحبّ أن أعرف الكبائر من کتاب الله عزوجل ، فقال : . . . منها : . . . نقض العهد و قطيعه الرحم لأن الله عزوجل يقول : > أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار < . . . ;

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد و بعد از سلام نشست . . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خدا بشناسم، پس حضرت فرمود: . . . یکی از آن گناهان ... عهدشکنی و قطع رحم است ; چون خداوند عزوجل می فرماید: أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۱

۱ - عظمت گناه پیمان شکنی در بینش الهی

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

>حنث< در مطلق گناه و نیز خصوص شکستن پیمان و خلف قسم به کار می رود. گفتنی است که توصیف >حنث< به وصف >عظیم<، بیانگر آن است که شکستن پیمان در همه موارد گناهی بزرگ است.

گناه عیب جویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ خرده گیری و مسخره کردن مؤمن گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب سخت الهی است .

فیسخرون منهم سخر الله منهم و لهم عذاب أليم

گناه غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۹

۹ تصرف غاصبانه در اموال یتیمان و تأخیر

در واگذاری آن به ایشان ، گناهی بزرگ

و اتوا الیتامی اموالهم و لا تاکلوا .. انه کان حوباً کبیراً

تأخیر در پرداخت، از <واتوا الیتامی> به دست می آید ؛ چون علاوه بر لزوم پرداخت اموال یتیم، دلالت بر پرداخت به موقع آن نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - تصرف نابجا در اموال دیگران ، گناهی بزرگ ، همچون گناه قتل و آدمکشی است .

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل ... و لا تقتلوا انفسکم

بیان حرمت آدمکشی در کنار تصرفات ناروا در اموال دیگران، نشانه همسانی آن دو گناه است.

گناه غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۶

۶ - انکار آیات الهی و روی گردانی از یاد خدا ، گناهی نابخشودنی است .

و من أعرض عن ذکری ... و لم یؤمن بآیت ربّه ... لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لز

گناه غیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲۱

۲۱ - بدگمانی ، تجسس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا کثیراً من الظنّ ... و لاتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضاً ... و اتقوا الله

گناه فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۲

۲ فرار از میدان جنگ ، گناه بوده و نیازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم ولیتم مدبرین . . .

ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء

گناه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۸، ۱۹

۱ - هر يك از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان كيفر شدند .

فكلاً أخذنا بذنبه

۱۸ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، مردمانی گناه پیشه بودند .

فكلاً أخذنا بذنبه .. و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فكلاً أخذنا بذنبه .. و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۱

۱ - فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و سرزمین ها ، به طغیان گری پرداخته ، در گناه فرورفتند .

الذين طغوا في البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقایس اللغة) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف <ال> در <البلاد>، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن <بلادهم> بوده و حرف <ال>، جانشین ضمیر <هم> است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

گناه فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵۷، ۴





كذأب ءال فرعون و الذین من قبلهم كفروا بآیت اللہ فأخذهم اللہ بذنوبهم

ضمیر در <كفروا> به <آل فرعون> و <الذین من قبلهم> برمی گردد.

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم اللہ بذنوبهم إن اللہ قوی شدید العقاب

۷ انکار آیات الهی ، بارزترین گناه فرعونیان و کافران قبل از آنها

كفروا بآیت اللہ فأخذهم اللہ بذنوبهم

مراد از <ذنوبهم> گناهی است که کفر به آیات، بخشی از آن گناهان است، و گرنه به جای <بذنوبهم> می فرمود <بکفرهم>. بنابراین ذکر بخصوص انکار آیات دلالت بر این دارد که انکار آیات از بارزترین گناهان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۲

۲ فرعونیان و پیشینیان آنان مردمی گنهکار و تکذیب کننده آیات الهی

كذبوا بآیت ربهم فأهلكهم بذنوبهم

گناه قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۵

۵ ستم به پیامبران گناهی قابل آمرزش

سوف أستغفر لكم ربی

گناه قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ خداوند ، گناهان مقتول به ناحق را به پای قاتل او ثبت خواهد کرد .

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <اثمی>، مطلق گناهان باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می کند که فرمود: من قتل مؤمناً متعمداً اثبت الله علیه جميع الذنوب و بری المقتول منها و ذلك قول الله تعالى <انی

اريد ان تبوا باثمي و اثمك فتكون من اصحاب النار.>

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (مترجم)، ص ۶۳۶، ح ۹، باب عقاب من قتل نفساً متعمداً، نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۱۳، ح ۱۳۳.

گناه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۸، ۱۹، ۱

۱ - هر يك از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان كيفر شدند .

فكلاً أخذنا بذنبه

۱۸ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، مردمانی گناه پيشه بودند .

فكلاً أخذنا بذنبه . . . و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فكلاً أخذنا بذنبه . . . و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

گناه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۹

۹ کشتار و خونريزی ، گناهی بزرگ و مصداق بارز فساد گری است .

أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء

فساد گری شامل خونريزی نیز می شود. بنابراین عطف <يسفك الدماء> بر <يفسد فيها> عطف خاص بر عام است و حکايت از آن دارد که گناه خونريزی و آدمکشی از ديگر فساد گريها، بزرگتر و تباهی آن بيشتراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ گناه فتنه انگیزی ، بزرگتر از آدم کشی در ماه های حرام است .

قل قتال فيه كبير . . و الفتنه اكبر من القتل

الف و لام در <القتل> ،

عهد است ، یعنی قتل در ماههای حرام.

۲۲ سلب امتیت مردم ، بزرگتر از آدم کشی است .

و الفتنه اکبر من القتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۵

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ تصرف نابجا در اموال دیگران ، گناهی بزرگ ، همچون گناه قتل و آدمکشی است .

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل .. و لا تقتلوا انفسکم

بیان حرمت آدمکشی در کنار تصرفات ناروا در اموال دیگران، نشانه همسانی آن دو گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۸

۸ آدمکشی ، از گناهان کبیره

لا تقتلوا انفسکم .. ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۶

۶ هشدار هاییل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا بائمی و اثمک فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱،۲

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

کشتن نابحق یک انسان در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است .

من قتل نفساً بغير نفس .. فکانما قتل الناس جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذين لا يدعون مع الله إلهاً .. و لا یزنون

ترتیب ذکرى جمله هاى <و الذين لا يدعون..> <لا یقتلون...> و <لا یزنون> می تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۹

۹ شرک ، آدم کشی و زنا ، از گناهان بزرگ و خطیر

یضعف له العذاب يوم القیمه و یخلد فيه مهاناً

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

گناه قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۵

۵ خداوند حتی گناه کسانی را که تصمیم بر کشتن انبیا داشته باشند ، به شرط توبه و ایمان ، خواهد بخشید .

و الذين عملوا السيئات .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

از مصادیق مورد نظر برای <السيئات> به دلیل جمله <و کادوا یقتلونى>، تصمیم بر کشتن هارون که از پیامبران است می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - قتل پیامبران ، جرمی نابخشودنی و موجب عذاب الهی و محرومیت ابدی از



هدایت الهی است .

أتقتلون رجلاً .. و من یضلل الله فما له من هاد

گناه قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۳

۳ کشتن عمدی مؤمن ، از گناهان بسیار بزرگ

و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدّ

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: قتل النفس من الكبائر لأنّ الله عز و جل یقول: > و من یقتل مؤمناً متعمداً .. و اعدّ له عذاباً عظیماً <.

---

علل الشرایع، ص ۴۷۸، ح ۲، ب ۲۲۸ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۴۹۴.

گناه قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۳

۱۳ - نسبت بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شهده أبداً و أولئک هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۶،۹

۶ - قذف و اتهام به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، از گناهان کبیره است .

إنّ الذین یرمون المحصنت .. لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه شریفه، قذف کنندگان و تهمت به زنان مورد طرد و لعن در دو عرصه دنیا و آخرت قرار گرفته اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

۹ - > عن أبي عبدالله (ع) قال: قذف المحصنات من الكبائر

لأنَّ الله عزَّوجلَّ يقول : لعنوا في الدنيا و الآخرة و لهم عذاب عظيم ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود قذف زنان پاکدامن (یعنی، نسبت زنا دادن به آنان) گناه کبیره است؛ زیرا خدای عزوجل [در باره قذف کنندگان] می فرماید: لعنوا فی الدنيا و الآخرة و لهم عذاب عظیم > .

گناه قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ > دخل عمرو بن عبید علی ابی عبدالله (ع) فلما سلّم و جلس . . . قال : أحبّ أن أعرف الكبائر من کتاب الله عزوجل ، فقال : . . . منها : . . . نقض العهد و قطيعه الرحم لأن الله عزوجل يقول : > أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار < . . . ؛

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد و بعد از سلام نشست . . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خدا بشناسم، پس حضرت فرمود: . . . یکی از آن گناهان ... عهدشکنی و قطع رحم است ؛ چون خداوند عزوجل می فرماید: أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار < . . . > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ > قطع رحم < ، گناهی بزرگ و در ردیف فسادانگیزی در زمین

تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

از این که > تقطّعوا أرحامکم < در کنار > تفسدوا فی الأرض < قرار گرفته و از میان همه گناهان اختصاص به ذکر یافته است؛ بزرگی گناه آن استفاده می شود.

گناه قلب

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۲

۱۲ کتمان شهادت ، گناهی است قلبی .

و من یکنمها فانه اثم قلبه

گناه قلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۳

۳ لزوم اجتناب از گناهان عملی و قلبی

و ذروا ظهر الإثم و باطنه

از جمله احتمالات موجود درباره <باطن الإثم> آن گناهایی است که در درون انسان پنهان می باشد که مصداق روشن آن گناهان قلبی، مانند سوءظن است. نقطه مقابل آن گناهایی است که کاملاً جنبه عملی دارد (ظاهر الإثم).

گناه قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۷۸

۷ میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر . . . و اثمهما اکبر

<اثم> به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحيط)

۸ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . . . اثمهما اکبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

### ۳ شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و الميسر . . . رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی تواند گناه کوچکی محسوب شود.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تیرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

گناه قوم تبع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۵

۵- جرم پیشگی ، عامل هلاکت قوم < تبع > و اقوام هلاک شده قبل از آن

أهم خیر أم قوم تبع و الذین من قبلهم أهلکنهم إنهم کانوا مجرمین

گناه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۸، ۱۹، ۲۰

۲- قوم عاد و ثمود ، مناسب گناهشان ، کیفر و عذاب شدند .

و عادًا و ثمودًا .. و قرون ... فکلاً أخذنا بذنبه

۱۸ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، مردمانی گناه پیشه بودند .

فکلاً أخذنا بذنبه .. و ما کان الله لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فکلاً أخذنا بذنبه .. و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۱

۱- فرعون و قوم عاد و ثمود، در ممالک و سرزمین ها، به طغیان گری پرداخته، در گناه فرورفتند.

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه

است (مقایسه اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف <ال> در <البلاذ>، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن <بلادهم> بوده و حرف <ال>، جانشین ضمیر <هم> است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۲

۲ - قوم ثمود، مردمی طغیانگر و آلوده به گناه بی حد بودند.

بطغویها

<طغوی>، اسم مصدر طغیان (گناه را از حد گذراندن) است. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۹

۹ - کشتن ناقه صالح، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

گناه قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۹

۹ قوم عاد، بر اثر شرکورزی و ارتکاب گناه، به کمبود باران مبتلا شده بودند.

ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۸، ۱۹، ۲۰

۲ - قوم عاد و ثمود، مناسب گناهشان، کیفر و عذاب

شدند .

و عَادًا و ثَمُودًا . . . و قرون ... فَكَلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ

۱۸ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، مردمانی گناه پیشه بودند .

فَكَالًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ . . . و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فَكَالًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ . . . و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۱

۱ - فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و سرزمین ها ، به طغیان گری پرداخته ، در گناه فرورفتند .

الذين طغوا في البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقایس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف <ال> در <البلاد>، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن <بلادهم> بوده و حرف <ال>، جانشین ضمیر <هم> است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

گناه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۲

۲ قوم لوط مردمی مجرم و تبهکار

فانظر كيف كان عقبه المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۳

۳- قوم لوط ، مردمی جرم پیشه و تبہکار

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم

مجرمین . إلیاء لوط

مراد از <قوم مجرمین> به قرینه آیات بعد قوم لوط است.

گناه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۵

۵ مهلت دادن خداوند به کافران ، تنها به جهت افزایش یافتن گناه آنان است .

أثمأ نملی لهم لیزدادوا اثماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵،۷

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

۷ انکار آیات الهی ، بارزترین گناه فرعونیان و کافران قبل از آنها

كفروا بایت الله فأخذهم الله بذنوبهم

مراد از <ذنوبهم> گناهایی است که کفر به آیات، بخشی از آن گناهان است، و گرنه به جای <بذنوبهم> می فرمود <بکفرهم>. بنابراین ذکر بخصوص انکار آیات دلالت بر این دارد که انکار آیات از بارزترین گناهان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۶

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها خود مرتکب آن بودند ، از شیوه های آنان در مبارزه ، علیه پیامبر اسلام (ص)

وقال الذین كفروا إن هذا إلا إفك افتريه .. فقد جاءو ظلماً و زوراً

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران، پیامبر اسلام(ص) را متهم به دروغ گویی می کردند؛ در حالی که خود، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می

شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱

۱ - کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه خود ، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت ، بر دوش خواهند کشید .

و قال الذين كفروا .. اتبعوا سيلنا ... و ليحملن أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلينا مرجعهم فنبتئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - تجاوزگری ، گناه پیشگی و مانع خیر شدن ، از خصوصیات کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام ( ص )

و لاتطع المكذبين .. مناع للخير معتد أئيم

گناه کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

چون جمله <فما كان...> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لكل ضعف و لكن...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > ليحملوا اوزارهم كامله يوم القيامه

< یعنی لیستکملوا الکفر یوم القیامه > و من اوزار الذین یضلونهم بغير علم < یعنی کفر الذین یتولونهم ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره قول خدا < لیحملوا اوزارهم کامله یوم القیامه > فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره < و من اوزار الذین یضلونهم بغير علم > فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند]...>.

گناه کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدر اسلام

قال الذین کفروا ان هذا الاّ فکک افتریه .. قالوا مال هذا الرسول ... بل کذبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ < بل > برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود؛ نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

گناه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذین کفروا .. اتبعوا سیلنا ... و لیحملنّ اثقالهم

گناه کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۳

۱۳ حج گزاری که در ایام تشریق بمیرد ، آمرزیده است .

فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه

امام صادق (ع) درباره آیه <فمن تعجل...>، فرمود: یعنی من مات قبل ان يمضي، فلا اثم عليه

---

کافی، ج ۴،



ص ۵۲۱، ح ۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۷۴۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۲۲، ۱۹، ۱۱، ۱۰، ۹، ۶

۶ جنگ در ماه های حرام، از گناهان بزرگ است.

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

۹ در نظر خداوند، جلوگیری از راه خدا و کفر به او، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است.

عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و كفر به .. اكبر

بنابراینکه <صد عن سبیل الله>، مبتدا و <اکبر>، خبر آن باشد.

۱۰ در نظر خداوند، جلوگیری از ورود به مسجدالحرام، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است.

الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله .. و المسجد الحرام.

بنابراینکه <و المسجد الحرام>، عطف بر <سبیل الله> باشد و <صد>، مبتدا و <اکبر>، خبر آن باشد. یعنی: <و صد عن

سبیل الله و صدّ عن المسجد الحرام ... اكبر>

۱۱ در نظر خداوند، بیرون راندن و آواره ساختن ساکنان مکه، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است.

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه اكبر .. و اخراج اهله منه اكبر

۱۹ گناه فتنه انگیزی، بزرگتر از آدم کشی در ماه های حرام است.

قل قتال فيه كبير .. و الفتنه اكبر من القتل

الف و لام در <القتل>، عهد است؛ یعنی قتل در ماههای حرام.

۲۲ سلب امتیت مردم، بزرگتر از آدم کشی است.

الفتنه اكبر من القتل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۷

۷ میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير . . و اثمهما اكبر

<اثم> به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحيط)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۱۲

۱۲ شناخت امام و پرهیز از گناهان کبیره ، حکمت است .

و من يؤت الحكمة

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: معرفه الامام و اجتناب الكبائر التي اوجب الله عليها النار

---

کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۲۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۱۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۴

۴ رباخواری ، گناهی بس بزرگ

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب

اعلام جنگ خدا و رسول (ص) علیه رباخوار، حاکی از گناه بزرگ اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۶

۶ تکذیب آیات الهی ، گناه بزرگی است .

كذَّبُوا بآيَاتِنَا فَاخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

شدت عقاب، بیانگر بزرگی گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۶،۱۷

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سَنَكْتَبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْاَنْبِيَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

<حریق>، به معنای محرق (سوزاننده) است. گفتمی است عذاب سوزان برای کشتن پیامبران و نسبت

ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناहانی است.

۱۷ عذاب سوزان نسبت دهندگان فقر به خدا و قاتلان انبیا، با فرمان مستقیم خداوند

نقول ذوقوا عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۸، ۹، ۱۰

۸ تبدیل اموال مرغوب یتیمان به نامرغوب، ضمیمه ساختن دارایی آنان به ثروت خویش، گناهی بزرگ

و لا تبدلوا الخیث بالطیب و لا تاكلوا .. انه كان حوباً كبيراً

متعدی شدن فعل <لا تاكلوا> به <الی>، گویای این است که در آن فعل، معنای ضمیمه ساختن تضمین شده است.

۹ تصرف غاصبانه در اموال یتیمان و تأخیر در واگذاری آن به ایشان، گناهی بزرگ

و اتوا الیتامی اموالهم و لا تاكلوا .. انه كان حوباً كبيراً

تأخیر در پرداخت، از <و اتوا الیتامی> به دست می آید؛ چون علاوه بر لزوم پرداخت اموال یتیم، دلالت بر پرداخت به موقع آن نیز دارد.

۱۰ خیانت در اموال یتیمان، گناهی بزرگ

انه كان حوباً كبيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ تصرف نابجا در اموال دیگران، گناهی بزرگ، همچون گناه قتل و آدمکشی است.

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل .. و لا تقتلوا انفسکم

بیان حرمت آدمکشی در کنار تصرفات ناروا در اموال دیگران، نشانه همسانی آن دو گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱،۴،۶،۷،۸،۹

۱ گناهان ، دارای دو قسمِ صغیره و کبیره

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

به قرینه

مقابله بین کبائر و سیئات، مراد از سیئات در اینجا، گناهان صغیره است.

۴ گناهی که وعده عذاب دوزخ در پی داشته باشد، کبیره است. \*

سوف نصلیه ناراً .. ان تجتنبوا کبائر

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: الکبائر، التي اوجب الله عزّ و جل علیها النار.

---

کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۷.

۶ دست اندازی به دارایی ها دیگران با شیوه های باطل، گناهی بزرگ

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل .. ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

به مقتضای ارتباط این آیه و آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای گناهان کبیره، همان تصرف ناروا در اموال دیگران است.

۷ کشاندن جامعه به فساد و تباهی، از گناهان کبیره

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل .. و لا تقتلوا انفسکم ... ان تجتنبوا کبائر ما

۸ آدمکشی، از گناهان کبیره

لا تقتلوا انفسکم .. ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

۹ انتحار و خودکشی، از گناهان کبیره \*

لا تقتلوا انفسکم .. ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۴، ۱۳، ۱۱

۱۱ شرک به خدا، گناهی بزرگ

و من یشرک بالله فقد افتری اثماً عظیماً

۱۳ تمامی گناهان، حتی گناهان کبیره بجز شرک قابل آمرزش و بخشش

و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود که الكبائر فما سواها ... .

مقصود از قابل آمرزش بودن همه گناهان بجز شرک بخشش بدون توبه است

زیرا مشرک هم اگر از شرک توبه کند، بخشیده می شود.

---

کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۳، ۲۸۴، و ص ۴۸۸، ح ۲۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱، ۲، ۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳۶، ب ۱۷۹.

۱۴ شرک، از گناهان کبیره و موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انّ الله لا یغفر ان یشرک به

امام صادق (ع) در معرّفی و شمارش گناهان کبیره فرمود: .. و هنّ ممّا اوجب الله عز و جل علیهن النار قال الله عز و جل: <انّ الله لا یغفر ان یشرک به ... >.

---

عقاب الاعمال "مترجم"، ص ۵۲۵، ح ۱، باب عقاب من اتی الکبائر؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۲۹۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۸

۸ افترا بر خدا، گناهی آشکار و بزرگ

و کفی به اثماً میناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۳

۳ کشتن عمدی مؤمن، از گناهان بسیار بزرگ

و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدّ

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: قتل النفس من الكبائر لانّ الله عز و جل یقول: <و من یقتل مؤمناً متعمداً .. و اعدّ له عذاباً عظیماً>.

---



علل الشرايع، ص ٤٧٨، ح ٢، ب ٢٢٨؛ نورالثقلين، ج ١، ص ٥٣٤، ح ٤٩٤.

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۵

۵ ترک هجرت از سیطره کافران و مشرکان ، گناهی بس بزرگ

فاولئک عسی الله ان یعفو عنهم

چون کیفر ترک هجرت در صورت ناتوانی نیز به طور حتمی نفی نشده، معلوم می شود هجرت در صورت توان، از واجبات بسیار مؤکد است و ترک آن گناهی بزرگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳ دفاع از خائنین ، خیانت و گناهی بزرگ است .

ولا تجدل عن الذین یختانون انفسهم إِنَّ الله لایحب من کان خواناً اثیماً

مراد از <خواناً اثیماً> می تواند قاضیانی باشد که از خیانتکاران دفاع می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۲

۲ مخالفت با پیامبر ( ص ) و تفرقه افکنی حرام و گناهی بزرگ است .

و من یشاقق الرسول . . . و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی و نصله جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۵

۵ شرک به خدا از بزرگترین گناهان

إِنَّ الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۶

۶ اتهام به برگزیدگان الهی ، گناهی بزرگ \*

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴۷

۴۷ همکاری در گناه و تجاوز ، گناهی بزرگ و موجب کیفر

و مجازاتی سخت

و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان .. . إنَّ الله شديد العقاب

تهدید به عذاب شدید، نشانه بزرگی گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا بائمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱،۲

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل نفساً .. . فکانما قتل الناس جميعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

۲ کشتن نابحق یک انسان در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است .

من قتل نفساً بغير نفس .. . فکانما قتل الناس جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۱

۱۱ استهزای دین و احکام الهی و بازیچه دانستن آن ، از گناهان بزرگ

لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً .. . اولیاء

چون تمسخر کنندگان دین باید طرد شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر احکام الهی از گناهان بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۶

۶ تمسخر اذان ، نماز و دیگر شعایر دینی ، از گناهان بزرگ

و إذا نادیتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً ولعباً

چون تمسخر کنندگان نماز و اذان و یا دیگر شعایر دینی، باید طرد

شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر نماز و اذان و دیگر شعایر، از گناهان بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۵

۵ تجاوز به حقوق دیگران، حرام خواری و رشوه گیری، از گناهان بزرگ

یسرعون فی الاثم و العدوان و اكلهم السحت

ذکر تجاوز و حرام خواری پس از کلمه < اثم > که شامل همه گناهان می شود (ذکر خاص بعد از عام)، می تواند اشاره به بزرگی آن دو گناه داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۷

۲۷ شرک، بزرگترین گناه کبیره و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

انه من یشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار

از امام صادق (ع) روایت شده: ... اکبر الكبائر، الشرك بالله يقول الله عزوجل: > انه من یشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار ... <

---

عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۳، ب ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۶، ح ۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۳،۴

۳ شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و الميسر ... رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی

تواند گناه کوچکی محسوب شود.

۴ گرایش به مظاهر شرک از گناهان کبیره است .

و الانصاب و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۹

۹ ابداع کنندگان سنت های ناروا و اعمال زشت ، مرتکب گناهی بزرگتر و مستحق ملامتی بیشتر

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

گناه کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فریقاً منهم لیکتبون الحق و هم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۸

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب

گناه کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۸

۱ - کتمان معارف و احکامی که خدا نازل کرده و در کتاب های آسمانی ثبت شده ، از گناهان بزرگ است .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله



من الكتب . . . لهم عذاب أليم

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب

گناه کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدين فيها لا يخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۸

۱ - کتمان معارف و احکامی که خدا نازل کرده و در کتاب های آسمانی ثبت شده ، از گناهان بزرگ است .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب . . . لهم عذاب أليم

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب

گناه کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی ها پاک نخواهد کرد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله .. لا يزيكهم

گناه کتمان کنندگان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی

ها پاک نخواهد کرد .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ... لَا يَزْكِيهِمْ

گناه کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۴

۲۴ شاهدان رسمی در صورت کتمان شهادت از زمره گنهکارانند .

و لَانَكُمْ شَهِدَهُ اللَّهُ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْاَثْمِينَ

گناه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرک‌ورزی

رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَاتَّهَمُوا عَذَابًا ضَعُفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضَعْفٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر، جرم است و مشرکان و کافران، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۸

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقين . . . و الكفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۴

۴ - کفر و شرک ، گناه و نیازمند توبه و طلب مغفرت از پیشگاه خداوند

لیغفر لنا خطینا

مصدق مورد نظر از خطیته به قرینه آیات بعد که جرم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار

داده است گناه کفر به خداوند و انکار رسالت موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۲

۲ - کفر ، جرم و گناه است و کافران مجرم و دوزخی اند .

إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

لام در <له جهنم> بر استحقاق دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۶

۶ - سد کردن راه ایمان و معرفت دیگران به قرآن ، گناهی بزرگ تر و بدتر از کفر و گناهان شخصی کافران

و قال الذين كفروا لاتسمعوا... و لنجزينهم أسوأ الذي كانوا يعملون

برداشت بالا بدان احتمال است که <أسوء> در مقام مقایسه میان کفر و حق ناباوری کافران، با تلاش های آنان در جلوگیری از گرایش دیگران به ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۳

۳ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَلِدُونَ

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد مشرکان بود بیانگر آن است که مشرکان، مجرمانی اند که قابل بخشش نیستند و در جهنم برای همیشه ماندگاراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۲

۲ - کفر به تنهایی من های ضمیمه شدن به اعمال زشت خود جرمی مستحق عذاب است . \*

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

در آیه پیشین، از لزوم همراهی ایمان با عمل صالح، جهت بهره مندی از پاداش

اخروی سخن به میان آمد؛ لیکن در این آیه، در کنار <الذین كفروا> اشاره به اعمال بد نشده است. بنابراین می توان گفت کفر، انسان را مصداق <مجرم> کرده و مستحق عذاب می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفرآور در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصى و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۷

۷ - کفر ، گناهی نابخشودنی

يأتها الذين كفروا لاتعتذروا اليوم

پذیرفته نشدن عذر کافران، نشانگر نابخشودنی بودن عمل آنان (کفر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

يودّ المجرم لويفتدى من عذاب يومئذ ببنيه

مقرر شدن عذابی که فدیة بردار نیست، بیانگر این حقیقت است که جرم کفر و شرک، جرمی نابخشودنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۹ - ۳

۳ - کفرورزی ، جرم ( گناه ) است و کافران به گناه آلوده اند . \*

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرَمُوا

مجرم خواندن کافران، یا به لحاظ گناه بودن کفر است و یا این که گناهان دیگری نیز در بین کافران رواج دارد.

گناه کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱

۱ - کفر به خدا و سرپیچی از عبادت او ، گناهی نابخشودنی و



در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

مراد از <الطيب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صراط حمید> عبادت خدای یگانه است. بنابراین با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <کفروا> در <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا> به تقدیر <کفروا بالطیب من القول> است و مراد از <سبیل الله> در <یصدون عن سبیل الله>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إِنَّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... نذیقهم من عذاب أليم>.

گناه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من یعیش عن ذکر الرحمن .. و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا .. و من یحلل علیه غضبی فقد هوی

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹



کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزی إلا الکفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۶

۶ - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فبأیء الآء ربکما تکذبان

از ده ها بار تکرار <فبأیء الآء..> در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنّا هدینه السبیل . .. إنا أعتدنا للکفرین ... سعیرا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

گناه کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۱

۱ - کم فروشی ، گناهی بزرگ است و کم فروشان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل للمطففین

<طفیف> و <قلیل>، به یک معنا است. طفیف کاستنی است که انجام دهنده آن در پیمانۀ کردن و وزن کردن خیانت کند

و <ویل> در اصل به معنای عذاب و هلاکت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۴ - ۵

۵ - کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت

مايه شكفتى است .

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

گناه کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله . . . إنا إذا لظلمون

گناه گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱

۱ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، حرام و گناهی بزرگ است .

ولا تتركوا إلى الذين ظلموا

<الركون إلى شيء>؛ یعنی ، گرایش پیدا کردن به چیزی و اعتماد کردن بر آن.

گناه گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۸

۱۸- > عن النبي (ص) قال : أيما داع دعى إلى ضلاله فاتبع كان عليه مثل أوزار من اتبعه من غير أن ينقص من أوزارهم شيء  
؛ . . .

از پیغمبر(ص) روایت شده است که فرمود: هر دعوت کننده ای که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی شود، همانند بار سنگین گناهان کسانی که او را پیروی کرده اند بر دوش دعوت کننده است؛ بی آنکه چیزی از گناهان پیروان او کاسته شود.  
.<..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۴

۴ - آنانی که برای گمراهی دیگران تلاش می کنند ، در گناه گمراه شدگان سهیم اند .

وقال الذين كفروا .. اتبعوا سبلنا ... و ليحملن أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

گناه گواهی دروغ

جلد - نام سوره

۲۱ - > قال رسول الله (ص) خطيباً . فقال : يا أيها الناس عدلت شهادة الزور إشراكاً بالله ثلاثاً ، ثم قرأ : > فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور < ;

رسول خدا(ص) ضمن خطبه ای سه دفعه فرمود: ای مردم! شهادت زور (دروغ)، معادل شرک به خدا است. سپس آیه >فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور< را قرائت فرمود.<

۲۲ - > دخل عمرو بن عبيد على الصادق (ع) . . . وقال : أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله فقال : . . . إن الكبائر . . . وقول الزور > واجتنبوا قول الزور < . . . ;

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد. . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب الله بشناسم. آن حضرت فرمود: ... [از جمله] گناهان کبیره... قول زور است؛ [چون در کتاب الله آمده است:] >واجتنبوا قول الزور<...<.

گناه گواهی ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۲

۲ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، گناه است .

فان عثر على انهما استحقا اثماً

مراد از >اثماً< به قرینه >انا اذاً لمن الاثمين< شهادتهای دروغین است.

گناه لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۴

۴ لواط و همجنس بازی ، گناهی بزرگ و به منزله گناهانی بسیار است .

و من قبل كانوا يعملون السيئات

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که <ال>



در <السیئات> عهد ذهنی باشد. در این صورت مقصود از <السیئات> لواط است. اطلاق <سیئات> به صورت جمع بر یک گناه ، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۸

۸ - ارتکاب فحشا ( زنا و لواط ) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفواحش

ذکر <الفواحش> پس از ذکر <کبائر الإثم> با این که <کبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

گناه متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۷

۷ متخلفان از جنگ ، به بهانه مصون ماندن از فتنه و گناه ، خود در منجلاب فتنه و گناه بودند .

اِذْنِ لِي وَ لَا تَفْتِنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا

گناه مجادله در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۳

۳ - مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی ، از گناهان بزرگ است .

و يعلم الذین یجدلون فی ءایتنا .. و الذین یجتنبون کبیر الإثم

گناه محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ گناه محاربه با پیامبر (ص)، همسان با گناه محاربه با خدا .

انما جزؤا

الذین یحاربون الله و رسوله

۶ فسادگری در زمین ، گناهی برابر با گناه محاربه با خدا و رسول \*

انما جزوا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

جزای مساوی برای محاربان و مفسدان، حکایت از برابری گناه آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که مفسدان، عنوانی مستقل از محاربان نسبت به کیفرهای چهارگانه باشد.

گناه مردان قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۱

۱ - مردان قوم لوط ، گرفتار هم جنس گرایی

أنتکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

گناه مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۲، ۲۱

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن ، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر ( ص )

فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

کلمه <بعض> می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد ؛ نه همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۳۲ بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) ، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن كثيراً من الناس لفسقون

گناه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۷

۵ - خطر منافقان برای اسلام و گناه آنان نزد خداوند ، بیش از مشرکان \*

و یعدّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

تقدم <المنافقین و المنافقات> بر <المشرکین و المشرکات>، ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

گناه مشرکان پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

چون جمله <فما کان...> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

گناه مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدراسلام

قال الذین کفروا ان هذا الاّ فک افتریه .. قالوا مال هذا الرسول ... بل کذبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود؛ نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

گناه مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَهُ أَنْعَمَهَا عَلٰى

قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

<ذلک> علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

گناه معرضان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ اعراض کنندگان از تعالیم پیامبران و معارف دین ، مجرم و گنهکارند .

و لاتتولوا مجرمین

گناه معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ اعراض کنندگان از تعالیم پیامبران و معارف دین ، مجرم و گنهکارند .

و لاتتولوا مجرمین

گناه مغالطه گران در اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلاتتعد بعد الذکری مع القوم الظلمین . و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم> ، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

گناه مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلاتتعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>،



مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

گناه مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۵،۶،۷

۵- کسانی که با ساختگی دانستن قرآن، دیگران را به گمراهی کشیدند، بخشی از گناهان آنان را به عهده خواهند داشت.

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم ال

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <من> برای تبعیض باشد.

۶- افترا زندگان به قرآن، علاوه بر گناه خویش، عهده دار گناه گمراه شدگان به دست خود نیز خواهند بود.

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة و من أوزار الذين يضلّونه

برداشت فوق بر این احتمال است که <من> یا زاید و یا برای جنس باشد چنان که مفسران احتمال داده اند.

۷- کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند، علاوه بر گناه افترا زدن به قرآن، برخی از گناه دیگران ( گناه گمراهی آنان ) را نیز بر دوش می کشند .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة و من أوزار الذين يضلّونه

این برداشت، مبتنی بر تبعیض بودن <من> در <من أوزارهم> است.

گناه مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۷

۷ خداوند، گناهان مقتول به ناحق را به پای قاتل او ثبت خواهد کرد .

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <اثمی>، مطلق گناهان باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید

می کند که فرمود: من

قتل مؤمناً متعمداً اثبت الله عليه جميع الذنوب و برى المقتول منها و ذلك قول الله تعالى >انى ارید ان تبوا بائمی و اثمک فتكون من اصحاب النار<.

---

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (مترجم)، ص ۶۳۶، ح ۹، باب عقاب من قتل نفساً متعمداً، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۳، ح ۱۳۳.

گناه مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ تکذیب کنندگان آیات الهی و آنان که از سر تکبر معارف دین را نپذیرند، مردمی تجاوزگر و گناهکارند.

و كذلك نجزی المجرمین

>جرم< به معنای تعدی و گناه است.

گناه مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر دوش خواهند کشید.

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

لام >لیحملوا< لام عاقبت است و >أوزار< (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

گناه مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او، فردی دروغگو و خطاپیشه و گناه کار بود.

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و

آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

گناه مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ منکران معاد در قیامت با بار سنگین گناهان خویش حضور می یابند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

<أوزار>، جمع <وزر>، به معنی سنگینی است و مقصود از <أوزار> در آیه سنگینی گناهان است.

گناه مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۸

۸ خیانت و نیرنگ ، گناه است .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا

در برداشت فوق، <اثیماً>، صفت توضیحی برای <خوأناً> گرفته شده است.

گناه ممانعت از ذکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۲

۲۲ - بستن مساجد به روی مردم و بازداشتن آنان از یاد خدا، از گناهان بزرگ است .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن یدکر فیها اسمه .. لهم فی الآخره عذاب عظیم

گناه ممانعت از زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ از امام صادق (ع) [ضمن حدیثی در توضیح گناهان کبیره] روایت شده است: >... و منع الزکاه المفروضه لأن الله عز و جل يقول: یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم...؛

... از جمله گناهان کبیره، منع زکات واجب است؛ زیرا خدای عزوجل

می فرماید: روزی که آن [زر و سیم] را با آتش دوزخ می گذازند و پیشانی، پهلو و پشت آنان را داغ می زنند و می گویند این است آنچه برای خود اندوختید ... < .

گناه ممانعت از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۲

۲۲ - بستن مساجد به روی مردم و بازداشتن آنان از یاد خدا، از گناهان بزرگ است .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه .. لهم في الآخرة عذاب عظيم

گناه ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۴

۴ - باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجد الحرام، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذين كفروا و صدوكم عن المسجد الحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجد الحرام را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

گناه منابزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - استهزا، طعن و نسبت دادن القاب زشت به مؤمنان، گناه و نیازمند توبه است .

لايسخر قوم .. و لا تلمزوا ... و لا تنازروا ... و من لم يتب

بنابراین که <و من لم يتب> نظر داشته باشد به تمام محتوای آیه و نه صرف کسانی که لقب بد بر مؤمنان می نهند، برداشت بالا استفاده می شود.



۵ - خطر منافقان برای اسلام و گناه آنان نزد خداوند ، بیش از مشرکان \*

و يعدّب المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

تقدم <المنافقين و المنافقات> بر <المشركين و المشركات> ، ممكن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

گناه نابخشودنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۲۱

۲۱ تحریف دین ( تغییر و تبدیل و کم و زیاد کردن وحی الهی ) گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب اخروی

قل ما یکون لی أن أبدله .. إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۷

۷ شرک ، گناهی است نابخشودنی .

و لو لا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴- ظلم ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و موجب کیفر سخت الهی در قیامت است .

یعمل الظلمون .. لیوم تشخص فیہ الأبصر . مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتد إلیهم طرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۷

۷- ظلم ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب الهی در دنیا



ولا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظلمون . . و أنذر الناس يوم يأتيهم العذاب في

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۳

۳- ظلم ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و عامل اصلی ابتلای انسان به عذاب

اخروی است .

و إذا رءا الذین ظلموا العذاب

برداشت فوق به خاطر این نکته است که با آنکه آیه در صدد بیان وضعیت کافران در قیامت است، ولی از آنان به ظالمان توصیف کرده است و وصف مشعر به علیت است. گفتنی است وعده عذاب اخروی، بیانگر بزرگی و نابخشودنی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی ، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا و آخرت

لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً. إذا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۶

۶- انکار آیات الهی و روی گردانی از یاد خدا ، گناهی نابخشودنی است .

و من أعرض عن ذکری .. و لم یؤمن بآیت ربّه ... لولا کلمه سبقت من ربک لکان لز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۳

۳- ادعای الوهیت ، گناهی نابخشودنی است ، هر چند از جانب مقربان الهی باشد .

و من یقل منهم إتی إله من دونه فذلک نجزیه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۸

۸- ارتداد از دین ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب جاودان اخروی است .

و من الناس من یعبد الله علی حرف .. خسر الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۸

- شرک ، گناهی است نابخشودنی که اهل آن مستحق عذاب الهی اند .

و كثير حقّ عليه العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۵

۵ - شرک و انکار ربوبیت خدا ، گناهی نابخشودنی و گرفتار کننده به آتش دوزخ است .

فالذین كفروا قطعتم لهم ثياب من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱

۱ - کفر به خدا و سرپیچی از عبادت او ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصِدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ

مراد از <الطيب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صراط حمید> عبادت خدای یگانه است. بنابراین با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <كفروا> در <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا> به تقدیر <كفروا بالطيب من القول> است و مراد از <سبیل الله> در <يصدون عن سبیل الله>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إِنَّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... نذيقهم من عذاب أليم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۹

۹ - شرک ، گناهی غیر قابل شفاعت \*

و من يدع مع الله . . . فإئما حسابه عند ربّه

تعبیر <إئما حسابه عند ربّه> ممکن است اشاره به این نکته باشد که کمترین اجازه میانجی گری و شفاعت در شرک، به دیگران داده نخواهد

شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۴

۴ انکار معاد ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيرًا

برداشت فوق، از وعده عذاب دوزخ به تکذیب کنندگان قیامت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۳

۳ - تخلف بی دلیل از مقررات ارتش ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

أم كان من الغائبين . لأعدبته ... أو لأذبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۳

۳ - تکذیب آیات الهی بدون ارائه دلیل علمی ، ظلمی نابخشودنی و غیرقابل اعتذار

أكذبتُم بايتي و لم تحيطوا بها علمًا . . . و وقع القول عليهم بما ظلموا

برداشت یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۳

۳ - مشاهده آیات مختلف خداوند و نادیده گرفتن آنها ، ظلمی غیرقابل بخشش

و وقع القول عليهم بما ظلموا . . . ألم يروا ... إن في ذلك لآيت

آیه یاد شده می تواند تفسیر و توضیحی باشد بر آنچه در آیه پیش به عنوان <ظلم> مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹

۹ - کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزی إلا الکفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت

یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۴

۴ - دروغ بستن بر خداوند ، گناهی نابخشودنی و موجب روسیاهی و خواری در قیامت

و یوم القیمه تری الذین کذبوا علی الله وجوههم مسوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۳

۳ - شرک و عبادت غیرخدا ، از سوی هرکس که باشد حتی پیامبران در پیشگاه خداوند ، گناهی نابخشودنی است .

و لقد أوحى إليك وإلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۸

۸ - قتل پیامبران ، جرمی نابخشودنی و موجب عذاب الهی و محرومیت ابدی از هدایت الهی است .

أتقتلون رجلاً... و من یضلل الله فما له من هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۴،۵

۴ - ستم پیشگی ، گناهی نابخشودنی و عذرناپذیر در قیامت

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

آمدن کلمه <الظالمین> به صورت وصفی، بیانگر این نکته است که مقصود از آن، فردی نیست که در زندگی اندکی ستم کرده باشد؛ بلکه کسی است که چنان به این گناه آلوده شده که به آن شهرت یافته و عادت کرده است.

۵ - کفر و شرک ، ستمی غیرقابل بخشش و عذرناپذیر در پیشگاه خداوند

يوم لا ينفع الظلمين معذرتهم

مقصود از <الظالمين> به قرينه آيات گذشته كافران و مشركان مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳



۵ - روی گردانی از یاد خدا ، گناهی نابخشودنی است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن . . . و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم

با توجه به توضیح برداشت قبل و به کار رفتن <لن>، استفاده می شود که اعراض از یاد خدا، هرگز در قیامت مورد عفو او قرار نخواهد گرفت.

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن . . . و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذكر الرحمان> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۳

۳ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

إنّ المجرمين في عذاب جهنم خلدون

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد مشرکان بود بیانگر آن است که مشرکان، مجرمانی اند که قابل بخشش نیستند و در جهنم برای همیشه ماندگاراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۷ - ۲

۲ - کفر به آیات الهی ، پس از شنود و شهود آن ، دروغ پردازی و گناهی نابخشودنی است .

فبأئى حديث بعد الله و آياته يؤمنون . ويل لكل أفاك أثيم

برداشت یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و این نکته است که <أفاك أثيم> به کسانی اطلاق شده که آیات الهی را تصدیق نکرده و بدان کفر ورزیده اند. بر این اساس عدم ایمان به آیات روشن الهی، خود دروغ و گناهی عظیم

و نابخشودنی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۴

۴ - شرک‌ورزی ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و باعث دوزخی شدن انسان

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <حنث> در آیه شریفه، شکستن پیمان توحید است (پیمانی که خداوند فطرتاً و در عالم ذر از انسان‌ها گرفته است). بر این مبنا، مفاد آیه چنین می‌شود: اصحاب شمال به خاطر شکستن پیمان توحید و روی آوردن به شرک و اصرار بر آن، گرفتار عذاب دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۶ - ۲

۲ - نفاق ، گناهی نابخشودنی است .

سواء علیهم .. أم لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۷

۷ - کفر ، گناهی نابخشودنی

یأیها الذین کفروا لاتعتذروا الیوم

پذیرفته نشدن عذر کافران، نشانگر نابخشودنی بودن عمل آنان (کفر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۵ - ۲

۲ - دروغ بستن بر خدا ، گناهی بس بزرگ و نابخشودنی

و لو تقول علینا .. لأخذنا منه بالیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

یوّد المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببینه

مقرر شدن عذابی که فدیة بردار نیست، بیانگر این حقیقت است که جرم کفر و شرک، جرمی نابخشودنی است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۳

۳ - ترک نماز ، جرمی بزرگ و نابخشودنی

عن المجرمین .. قالوا لم نک من المصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۲

۲ - اطعام نکردن به مساکین و گرسنه رها کردن آنان در جامعه ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین .. و لم نک نطعم المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۵ - ۲

۲ - به بطالت گذراندن عمر ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین .. و کنا نخوض مع الخائضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۳

۳ - تکذیب روز جزا ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین .. و کنا نکذب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنا هدینہ السبیل .. إنا أعتدنا للكفرین ... سعیرًا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۶

۶ - تکذیب روز جزا، جرمی نابخشودنی است و تکذیب گران مجرم اند.

ویل یومئذ للمکذبین .. کلوا و تمتعوا قليلاً إنکم مجرمون

مطلب یاد شده، از به کار رفتن عنوان <مجرمان> درباره <مکذبان>، استفاده شده است.

گناه ناهیان از نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود.

ناصیه کذبه خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

گناه نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۸

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقين... و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۶ - ۲

۲ - نفاق، گناهی نابخشودنی است.

سواء علیهم... أم لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم

گناه و طبع انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۲

۲ - گناه پیشگی، برخلاف طبیعت نفس انسان است.

راغب در <مفردات> اکراه را در معنای <دسّ> دخیل می داند. بنابراین، نفس به وارد شدن در گناه، رغبتی ندارد.

گناه وصیت ناعادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۳،۱۱

۳ - وصیت های ناعادلانه

اگر از سر عمد باشد ، گناه است .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا

۱۱ - چنانچه وصیت ناعادلانه تبدیل و اصلاح شود ، خداوند گناه وصیت کننده را خواهد بخشید .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم عليه إن الله غفور رحيم

در برداشت فوق <إن الله غفور> در ارتباط با گناه وصیت کننده (فمن خاف من موص .. إثمًا) ملاحظه شده است.

گناه هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۸، ۱۹، ۱

۱ - هر يك از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان كيفر شدند .

فكلاً أخذنا بذنبه

۱۸ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، مردمانی گناه پیشه بودند .

فكلاً أخذنا بذنبه .. و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فكلاً أخذنا بذنبه .. و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

گناه هتک آبروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۵

۵ - هتک حرمت پیامبر (ص) و افترا به حریم آن حضرت ، گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند و در پی دارنده فرجامی ناگوار

إذ تلقونه بألسنتكم .. و تحسبونه هيئاً و هو عند الله عظيم

گناه هتک آبروی مؤمنان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۷

۷ - شکستن حرمت و آبروی اهل ایمان

، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إِذْ تَلَقُّونَهُ بِالْأَسْتَكْمِ وَتَقُولُونَ بَأْوَهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عَن

گناه همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۴

۴ لواط و همجنس بازی ، گناهی بزرگ و به منزله گناهانی بسیار است .

و من قبل کانوا یعملون السیئات

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که <ال> در <السیئات> عهد ذهنی باشد. در این صورت مقصود از <السیئات> لواط است. اطلاق <سیئات> به صورت جمع بر یک گناه ، اشاره به برداشت فوق دارد.

گناه همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ .. إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۱

۱- همسر لوط (ع) در زمره مجرمان قوم لوط و عذاب شدگان الهی بود .

إِلَّا ءَالَ لُوطَ إِنَّا لَمَنْجُوهُمْ .. إِلَّا امْرَأَتَهُ

گناه همسران محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۱

۱ - در صورتی که همسران پیامبر، آشکارا کار زشتی انجام دهند، کیفرشان دوچندان خواهد بود.

ينساء النبي من يأت منكن بفحشه مبينه يضاعف لها العذاب ضعفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱۲، ۲

۲ - گناه کاری همسران پیامبر (ص) (حفصه و عایشه)، به خاطر افشای راز آن حضرت

إن تتوبا إلى الله

توصیه به توبه، نشانگر ارتکاب گناه است.

۱۲ - افشای راز پیامبر (ص) از سوی برخی از همسرانش، گناه و خطایی بزرگ بود.

فقد صغت قلوبكما و إن تظهرا عليه فإن الله هو موليه .. و الملكة بعد ذلك ظهري

مطلب یاد شده، از آهنگ هشدارآمیز آیه شریفه نسبت به همسران رسول خدا و لحن حمایت گونه آن، به دست می آید.

گناه یأس از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۷

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی، گناهی است بزرگ.

قومًا غضب الله عليهم قد يئسوا من الآخرة

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد يئسوا..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

گناه یأس از رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٤ > عن أبي عبدالله (ع) :... [ من الكبائر ] الإياس من روح الله ، لأن الله عزوجل يقول : > إنه لا يئأس من روح الله

إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ > ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: [یکی از گناهان کبیره] ناامیدی از رحمت خداست ؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: >إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ< ..< .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۷

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسْأُوا مِنَ الْآخِرَةِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که >قد يسئوا..<، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

گناه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۴

۱۴ آلوده شدن گروهی از یهودیان به گناه ، موجب تحریم طیبات الهی بر تمامی آنان

فَبْظَلَمَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ .. و أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۲، ۲۱

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن ، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر ( ص )

فان تولوا فاعلم انما يريد الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

کلمه >بعض< می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد ؛ نه همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.



بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و ان كثيراً من الناس لفسقون

گناهان صغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۶

۶ - گناهان از دیدگاه وحی، تقسیم پذیر به گناهان کبیره و گناهان صغیره

الذین یجتنبون کبیر الإثم

گناهان قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- تنها برخی از گناهان، قابل بخشش در پرتو ایمان و اعتقاد به خداوند \*

أجیبوا داعی الله و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم

<من> در <من ذنوبکم> برای تبعیض است و این احتمال وجود دارد که تبعیض، نظر به نوع گناه داشته باشد؛ یعنی، برخی از گناهان با ایمان آوردن بخشیده می شود و برخی دیگر خیر.

گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۳، ۱

۱ - کتمان معارف و احکامی که خدا نازل کرده و در کتاب های آسمانی ثبت شده، از گناهان بزرگ است .

إن الذین یکتُمون ما أنزل الله من الکتب .. لهم عذاب أليم

۳ - دین فروشی و کسب متاع دنیا در قبال آن، از گناهان بزرگ است .



و يشترون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون في بطونهم إلا النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بيهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ

است.

فلاتقعد بعد الذكري مع القوم الظلمين. و ما على الذين يتقون من حسابهم من شيء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است.

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴- ظلم، گناهی بزرگ و نابخشودنی و موجب کیفر سخت الهی در قیامت است.

يعمل الظلمون .. ليوم تشخص فيه الأبصر . مهطعين مقنعي رءوسهم لا يرتدّ إليهم طرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۳

۳- ظلم، گناهی بزرگ و نابخشودنی و عامل اصلی ابتلای انسان به عذاب اخروی است.

و إذا رءا الذين ظلموا العذاب

برداشت فوق به خاطر این نکته است که با آنکه آیه در صدد بیان وضعیت کافران در قیامت است، ولی از آنان به ظالمان توصیف کرده است و وصف مشعر به علیت است. گفتنی است وعده عذاب اخروی، بیانگر بزرگی و نابخشودنی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إِنَّكُمْ و مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حُصْبٌ جَهَنَّمَ . . . و كُلُّ فِيهَا خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۸

۸ - شرک ، گناهی بزرگ و دارای کیفی ویژه در نزد پروردگار

و من یدع مع الله .. فإِئْما حسابُه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۱

۱ - گناه قذف ( نسبت دادن زنا بدون دلیل به زنان پاکدامن ) علی رغم بزرگی اش ، بخشودنی و قابل آمرزش از سوی خداوند است .

والذین یرمون المحصنات .. أولئک هم الفسقون. إلا الذین تابوا من بعد ذلک و أصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲،۴

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدر اسلام

قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک افتریه .. قالوا مال هذا الرسول ... بل کذبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود؛ نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

۴ انکار معاد ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

و أعتدنا لمن کذب بالساعه سعیرا

برداشت فوق، از وعده عذاب دوزخ به تکذیب کنندگان قیامت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذين لا يدعون مع الله إلهاً .. و لا يزنون

ترتیب ذکرى جمله هاى < و الذين لا يدعون .. > < لا يقتلون... > و < لا يزنون > مى

تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۵

۵ - دروغ ، مادر گناهان و زاینده انحراف ها

أَفَاكُ أَثِيمٍ

اختصاص به ذکر یافتن <إفك> از میان سایر گناهان و اصل قرار گرفتن برای <إثم> (تقدم آن بر إثم) می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۳

۳ - تخلف بی دلیل از مقررات ارتش ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

أُمُّ كَانٍ مِنَ الْغَائِبِينَ . لِأَعَذِّبَهُ ... أَوْ لِأَذِيبَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹

۹ - کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزي إلا الكفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۶

۶ - سد کردن راه ایمان و معرفت دیگران به قرآن ، گناهی بزرگ تر و بدتر از کفر و گناهان شخصی کافران

و قال الذین کفروا لاتسمعوا... و لنجزینهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت بالا بدان احتمال است که <أسوء> در

مقام مقایسه میان کفر و حق ناباوری کافران، با تلاش های آنان در جلوگیری از گرایش دیگران به ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱۳، ۶، ۸، ۳

۳ - مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی، از گناهان بزرگ است .

و يعلم الذین یجدلون فی ءایتنا .. و الذین یجتنبون کبیر الإثم

۶ - گناهان از دیدگاه وحی، تقسیم پذیر به گناهان کبیره و گناهان صغیره

الذین یجتنبون کبیر الإثم

۸ - ارتکاب فحشا ( زنا و لواط )، از بدترین گناهان کبیره است .

الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

ذکر <الفواحش> پس از ذکر <کبائر الإثم> با این که <کبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

۱۳ - > ( عن ) موسی بن جعفر ( ع ) یقول : دخل عمرو بن عبید علی أبی عبد الله ( ع ) فلما سلّم و جلس تلا هذه الآیه : >  
الذین یجتنبون کبائر الإثم و الفواحش > ... قال أحبّ أن أعرف الكبائر من کتاب الله عزّوجلّ فقال : نعم یا عمرو أكبر الكبائر الإشراک بالله ... و بعده الإیاس من روح الله ... ثمّ الأمن لمکر الله ... و من ها عقوق الوالدین ... و قتل النفس ... و قذف المحصنه ... و



أكل مال اليتيم... و الفرار من الزحف... و أكل الربا... و السحر... و الزنا... و اليمين الغموس الفاجره... و الغلول...  
و منع الزكاه... و شهاده الزور و كتمان الشهاده... و شرب الخمر... و ترك الصلاه... و نقض العهد و قطيعه الرحم... ;

از امام كاظم(ع) روايت شده است كه فرمود: عمرو بن عبید (از علمای عامه) وارد بر امام صادق(ع) شد و چون سلام كرد و نشست آيه <الذین یجتنبون كبائر الإثم والفواحش> را تلاوت كرد.. و گفت دوست دارم كه گناهان كبیره را از كتاب خدا بشناسم امام فرمود: آری ای عمرو! بزرگ ترین گناه كبیره شرك به خدا است... و بعد از آن یأس از رحمت خدا،... و سپس ایمن شدن از مكر خدا... و از جمله آنها نافرمانی نسبت به پدر و مادر... و كشتن انسان... و اتهام به زنان پاكدامن... و خوردن مال یتیم... و فرار از میدان جنگ... و رباخواری... و سحر... و زنا... و قسم دروغ (برای حق ناحق كردن) و خیانت... و ندادن زكات... و گواهی دروغ و كتمان گواهی... و خوردن شراب... و ترك نماز... و پیمان شکنی و قطع رحم...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۷ - ۳

۳ - دروغ پردازی ، گناهی بزرگ

أفأك أثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱۰

حرمت شکنی و استهزا نسبت به آیات الهی ، گناهی بس بزرگ و در پی دارنده عذابی سخت

ویل لكل أفاك أثيم .. اتخذها هزواً ... و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ < قطع رحم > ، گناهی بزرگ و در ردیف فسادانگیزی در زمین

تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

از این که < تقطعوا أرحامکم > در کنار < تفسدوا فی الأرض > قرار گرفته و از میان همه گناهان اختصاص به ذکر یافته است؛ بزرگی گناه آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۸

۸ - بدگمانی به خداوند ، از گناهان بزرگ و موجب قرار گرفتن انسان در زمره منافقان و مشرکان

المنفقین .. و المشرکین ... الظانین بالله ظنّ السوء

وصف < الظانین .. > مشعر به علیت است؛ یعنی، این بدگمانی است که روح اصلی نفاق و شرک را تشکیل داده و انسان ها با این بدگمانی، منافق و مشرک می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۴

۴ - باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجد الحرام ، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجد الحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجد الحرام را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٨ - نجم - ٥٣ - ٣٢ - ٢٥،٢٣

٢٣ - > دخل عمرو بن عبيد

علیٰ ابی عبداللہ (ع) ... قال أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل فقال: نعم، أكبر الكبائر الإشراك بالله... وبعده الإيثار من روح الله... ثم الأمن مكر الله... ومنها عقوق الوالدين... و قتل النفس... و قذف المحصنه... و أكل مال اليتيم... و الفرار من الزحف... و أكل الربا... و السحر... و الزنا... و اليمين الغموس الفاجره... و الغلول... و ترك الصلاه متعمداً و نقض العهد و قطيعه الرحم... ;

(۱) بعضی غلول را به معنای خیانت در غنائم و اموال عمومی گرفته اند.

۲۵ - > دخل عمرو بن عبید علی الصادق (ع) ... و قال: أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله فقال... و اللواط > و الذين یجتنبون كبائر الإثم و الفواحش... < ;

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد.. و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از قرآن بشناسم... امام [ضمن بیان گناهان کبیره] فرمود: <لواط> هم یکی از آنها است و آیه <الذین یجتنبون كبائر الإثم و الفواحش...> را تلاوت نمود...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۱،۴

۱ - عظمت گناه پیمان شکنی در بینش الهی

و كانوا یصبرون علی الحنث العظیم

>حنث< در مطلق گناه و نیز خصوص شکستن پیمان و خلف قسم

به کار می رود. گفتنی است که توصیف <حنت> به وصف <عظیم>، بیانگر آن است که شکستن پیمان در همه موارد گناهی بزرگ است.

۴- شرکوری، گناهی بزرگ و نابخشودنی و باعث دوزخی شدن انسان

و كانوا یصرون علی الحنت العظیم

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <حنت> در آیه شریفه، شکستن پیمان توحید است (پیمانی که خداوند فطرتاً و در عالم ذر از انسان ها گرفته است). بر این مبنا، مفاد آیه چنین می شود: اصحاب شمال به خاطر شکستن پیمان توحید و روی آوردن به شرک و اصرار بر آن، گرفتار عذاب دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۵ - ۲

۲- دروغ بستن بر خدا، گناهی بس بزرگ و نابخشودنی

و لو تقول علینا .. لأخذنا منه بالیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۳

۳- ترک نماز، جرمی بزرگ و نابخشودنی

عن المجرمین .. قالوا لم نک من المصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۲

۲- اطعام نکردن به مساکین و گرسنه رها کردن آنان در جامعه، جرمی بزرگ و نابخشودنی است.

عن المجرمین .. و لم نک نطعم المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۵ - ۲

۲ - به بطلت گذراندن عمر ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین . . . و کنا نخوض مع الخائضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۳

۳ - تکذیب روز جزا ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین .. و کنا نکذب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنا هدینہ السبیل .. إنا أعتدنا للکفرین ... سعیرًا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۴

۴ - تکذیب دین ، جرمی بزرگ و غیر قابل بخشش

کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمان>، همان <مکذبان> است که در این سوره یازده بار ذکر شده است و چون تکذیب گران، محکوم به هلاکت اند، بنابراین جرم آنان (تکذیب دین)، بزرگ و غیر قابل بخشش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۹

۹ - کشتن ناقه صالح ، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۷

۷ روی آوری رزمندگان اسلام به اسیر گرفتن از دشمن پیش از سرکوبی کامل آنان گناهی بزرگ است .

لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

از اینکه گرفتن اسیر اقتضای عذاب بزرگ دارد، معلوم می شود این گناه، بزرگ است.

مبارزه با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -



۷ مبارزه با علل و زمینه های گناه ، از روش های قرآن در مبارزه با مفسد  
لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل ... و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض

۸ لزوم مبارزه با ریشه ها و علل گناه ، برای تأمین سلامت جامعه

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل ... و لا تقتلوا انفسكم ... و لا تتمنوا ما فضل

متقين و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ امکان لغزش تقوای پیشگان و ارتکاب گناه از سوی آنان

اعدت للمتقين .. و الذين اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم

مجلس گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ شرکت جستن در مجالسی که آیات الهی مورد استهزا و انکار قرار گیرد ، حرام است .

و قد نزل عليكم في الكتب .. فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا في حديث غيره

۴ حرمت حضور در مجالس گناه و لزوم ترک آن مجالس

إذا سمعتم آيات الله يكفر بها ويستهزأ بها فلا تقعدوا معهم

۱۲ شرکت کنندگان در مجالس کفر و استهزای به آیات الهی ، همسان با کافران استهزاگر

یکفر بها .. فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا في حديث غيره إنكم إذا مثلهم

مجوز گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۴

۴ رنج و سختی ، نمی تواند مجوز ارتکاب گناه باشد .

رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

محرمات بی گناه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۶

۶ - ارتکاب محرمات در حال اضطرار ، گناه و معصیت محسوب نمی شود .

فمن اضطر .. فلا إثم عليه

محمد(ص) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱۲

۱۲ - > قال الرضا (ع) : لم يكن أحد عند مشرکی أهل مكّه أعظم ذنباً من رسول الله (ص) لأنهم كانوا يعبدون من دون الله ثلثمائة وستين صنماً ، فلما جاءهم (ص) بالدعوة إلى كلمه الإخلاص ، كبر ذلك عليهم و عظم . . . فلما فتح الله عزوجل على نبيه (ص) مكه قال له يا محمد : > إنا فتحنا لك [ مكه ] فتحاً مبیناً لیغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر < عند مشرکی أهل مكه ;

امام رضا(ع) فرمود: هیچ کس در نزد مشرکان عرب، گناهش از گناه رسول خدا(ص) بزرگ تر نبود؛ زیرا مشرکان ۳۶۰ بت را می پرستیدند و چون پیامبر(ص) آنان را به کلمه توحید و اخلاص دعوت کرد، در نظر آنان [گناه] بزرگ و عظیم بود . . . پس چون خدای عزوجل، مکه را برای پیامبرش فتح کرد؛ به آن حضرت فرمود: ای محمد! ما مکه را با فتح آشکاری برای تو فتح کردیم، تا خدا گناهان گذشته و آینده تو در نزد مشرکان اهل مکه را بپوشاند.<

مخلصان و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲

۲ زندانی شدن

و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

مراتب گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۳

۱۳ خداوند ، تعیین کننده درجات گناهان

قتال فيه كبير .. اكبر عندالله ... و الفتنة اكبر

کلمه <عندالله> ، گویای این معناست که تنها ملائک مورد پذیرش در ارزشگذاری اعمال، ارزشگذاری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ گناهان ، دارای مراتب

اثماً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۵

۵ ترک هجرت از سیطره کافران و مشرکان ، گناهی بس بزرگ

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

چون کیفر ترک هجرت در صورت ناتوانی نیز به طور حتمی نفی نشده، معلوم می شود هجرت در صورت توان، از واجبات بسیار مؤکد است و ترک آن گناهی بزرگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ تفاوت کیفر های الهی ، نشاندهنده میزان پلیدی گناهان

قل هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۴

۴ ظلم، معیاری اساسی در سنجش رتبه گناهان و درجه بندی آنها

و من أظلم ممن افترى على الله كذبا أو كذب بآيته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳

۱ افترا به خداوند بالاترین ظلم و از بزرگترین گناهان است.

و من أظلم ممن افترى على الله كذبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۹

۹ ابداع کنندگان سنت های ناروا و اعمال زشت ، مرتکب گناهی بزرگتر و مستحق ملامتی بیشتر

أتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد من العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۱،۴

۱ آثار شوم برخی از گناهان و ظلم ها تنها دامنگیر گناهکار و ظالم ، و برخی دارای آثاری فراگیر بر گناهکار و بی گناه

و اتقوا فتنه لاتصيبين

۴ مؤمنان وظیفه دار اهتمام بیشتر در پرهیز از گناهی که آثار شوم آن فراگیر جامعه ایمانی است .

و اتقوا فتنه لاتصيبين الذين ظلموا منكم خاصة

بدیهی است هیچ گناه و ستمی را نباید مرتکب شد. بنابراین نهی از ارتکاب گناهی که فتنه ای فراگیر دارد، حاکی از تأکید

بیشتر نسبت به پرهیز از چنین گناهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- گناهان ، دارای رتبه های مختلف بوده و عذاب های متناسب با خود را دارند .

فادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها فلبئس مثوی المتکبرین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أبواب> اصناف باشد و این معنا نشان دهنده تناسب عذاب با گناه است.

مؤید برداشت فوق، تخصیص به ذکر متکبران از میان جهنمیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ - برخی از

گناهان ، عذابی فراگیر و سخت تر از برخی دیگر دارند .

فأصابهم سيئات ما عملوا و حاق بهم ما كانوا به يستهزون

از اینکه برای <سيئه> واژه <أصاب> و برای استهزا <حاق> به کار رفته است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذين لا يدعون مع الله إلهاً .. و لايزنون

ترتیب ذکرى جمله هاى <و الذين لا يدعون..> <لا يفتلون...> و <لايزنون> می تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۸

۸ - گناهان ، دارای مراتب متفاوت از حیث زشتی و ناپسندی

و لنجزينهم أسوأ الذی كانوا يعملون

مسابقه در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۳

۳ مسابقه و پیشی جستن در ارتکاب گناه ، تجاوز و حرام خواری ، شیوه بسیاری از اهل کتاب در عصر بعثت

و تری كثيراً منهم يسرعون فى الاثم و العدون و اكلهم السحت

۱ <يسرعون> از مصدر <مسارعه> می تواند به معنای پیشی جستن از یکدیگر باشد. ۲ فعل مضارع <يسرعون> دلالت می کند که ارتکاب این اعمال شیوه آنان بوده و به طور مستمر انجام می داده اند، جمله <كانوا يعملون> نیز دلالت بر این معنا دارد.



مسئول گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ -

۷- هر کسی ، مسؤول گناه خودش است .

و ما هم بحملین من خطیهم من شیء

بنابراین که جمله <و ما هم بحاملین...> در صدد بیان قاعده ای کلی، به صورت بیان قضیه خارجی باشد، نکته یاد شده به دست می آید؛ یعنی، نمی شود که آنان، گناهی را از گناهان مسلمانان مرتد، تحمل کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱،۲،۴

۱ - هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نکشیده و مسؤولیت آن را نمی پذیرد .

و لاتزر وازره وزرأخری

۲ - بارگناه هر کسی تنها بر دوش خود او است .

و لاتزر وازره وزرأخری

۴ - در قیامت ، حتی خویشاوندان هم از به دوش کشیدن بارگناه کسان خود ، سر باز می زنند .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۸ - ۱

۱ - مسؤولیت گناه هر فرد ، تنها متوجه خود او است .

ألاتزر وازره وزرأخری

از گناه، تعبیر به <وزر> می شود (مفردات راغب).

مصرف مال در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < كذلك يريد الله اعمالهم حسرات عليهم > روایت شده: >  
هو الرجل يدع المال لا ينفقه في طاعة الله بخلا ثم يموت فيدعه لمن هو يعمل في طاعة الله او في معصيته فان عمل به في طاعة  
الله رأه

فی میزان غیره فزاده حسره و قد کان المال له و ان کان عمل به فی معصیه الله قواه بذلک المال حتی عمل به فی معصیه الله ;

مراد شخصی است که مال دنیا را به جا می گذارد و از روی بخل آن را در طاعت خدا انفاق نمی کند و بعد از مرگش آن مال در طاعت و یا معصیت خدا خرج می شود. پس اگر آن مال در طاعت خدا مصرف شود آن را در میزان دیگری می بیند و حسرت او زیادتر می شود چون این مال، ملک او بوده است و اگر در معصیت خدا صرف شده باشد، او آن گناهکار را به وسیله آن مال تقویت کرده تا بدین گونه نافرمانی خدا را نماید.

مصونیت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۵

۲۵ پذیرش درخواست آدمی از جانب خدا و حفظ او از ارتکاب گناه ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

معاذ الله إنه ربی أحسن

ملاک ارزیابی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۴

۴ ظلم، معیاری اساسی در سنجش رتبه گناهان و درجه بندی آنها

و من أظلم ممن افتری علی الله کذباً أو کذب بایته

ملاک زشتی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۸

۸ ظلم، معیار سنجش میزان زشتی گناهان و دارای مراتب است.

و من أظلم ممن افتری علی الله کذباً

گزینش واژه <أظلم> به جای <أذنب> و <أعصى> و مانند آن می تواند

بدان جهت باشد که اولاً ظلم بودن افترا را گوشزد کند و ثانیاً به ریشه گناه بودن افترا اشاره نماید. بنابراین ظلم معیاری برای شناخت گناه و مرتبه آن است.

ملائکه و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۲

۲- ملائکه ، در صورت گناه و لغزش ، از عذاب الهی در امان نخواهند بود .

و من یقل منهم إنی إله من دونه فذلک نجزیه جهنم

ممانعت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۵، ۱۲، ۱۰

۱۰ باور مصلحان یهود به ربوبیت خداوند بر بندگان ، وادارکننده ایشان به تلاش برای اصلاح جامعه و بازداری منحرفان از گناه و تجاوز

قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق از آوردن اسم <رب> استفاده شده است.

۱۲ نهی از منکر وسیله ای برای بازداری مردم از گناهان

و لعلهم یتقون

۱۵ پرهیزکنندگان از فساد در صورتی که برای بازداری جامعه از گناه تلاش نکنند ، در پیشگاه خداوند مسؤولند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

منشأً آمرزش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۲

۲- آموزش گناه بندگان به دست خدا و در اختیار اوست .

ثم عفونا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- آموزش گناهان انسان به دست خدا و در اختیار اوست .

نغفر لکم خطیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۱

۱۱ آموزش گناهان

انسان به دست خدا و در اختیار اوست .

نغفر لکم خطیئتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پذیرش توبه گنه کاران و بخشش اعمال ناشایست آنان ، تنها در اختیار خداوند است .

و هو الذی یقبل التوبه عن عباده

<هو> مبتدا و <الذی یقبل> خبر است. موصول آمدن خبر، حکایت از این حقیقت دارد که مضمون صله (یقبل التوبه) از صفات تغییرناپذیر مبتدا و از شؤون ثابت او است.

منشأ تبدیل گناه تواین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ تبدیل بدی های مردم توبه کار ، مؤمن و نیکوکار به خوبی ها و جایگزین کردن ثواب به جای عقاب آنان ، برخاسته از غفران و مهربانی خداوند

إِلَّا مِنْ تَابٍ .. فَأُولَئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

یادآوری دو صفت غفران و رحمت خداوند، پس از وعده تبدیل بدی های مؤمنان به خوبی ها، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

منشأ تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۴

۴ - هر کس تقوا پیشه سازد ، خداوند بدی هایش را می زداید و از گناهانش درمی گذرد .

و من یتق الله یکفر عنه سیئاته

منشأ تكفير گناه مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۶

۶ - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه ، موجب زدایش بدی ها و گذشت خطاهایشان از جانب خداوند

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ



... و من يتق الله يكفر عنه سيئاته

منشأ عفو گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۴

۴ - هر کس تقوا پیشه سازد ، خداوند بدی هایش را می زداید و از گناهانش درمی گذرد .

و من يتق الله يكفر عنه سيئاته

منشأ گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۱۸

۱۸ ارتکاب گناه و اعمال ناروا ریشه در نادانی دارد. \*

أنه من عمل منكم سوءاً بجهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۷

۷ ارتکاب گناهان و ستمکاریها ، برخاسته و نشأت گرفته از جهل است .

هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۵

۵- جهل و ناآگاهی به حقایق ، ریشه هر گناه و بدکاری

للذين عملوا السوء بجهله

کلمه <بجهاله> بدکاران را به دو دسته تقسیم نمی کند بلکه احتمالاً در مقام توضیح و تبیین ماهیت بدکاران است که هر

بدکاری قطعاً جاهل و نابخرد است؛ چه اینکه اگر خرد می داشت، خود را به عواقب شوم گناه مبتلا نمی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۳

۳ - شرك ، عمده ترین گناه دوزخیان و ریشه همه تباهی ها

إِنَّ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . إِذْ نَسُوْكُمْ رَبِّ الْعَلَمِيْنَ

از این که دوزخیان گمراه، از میان همه تبه کاری های خود، تنها به گناه شرکشان پرداخته

اند؛ احتمالاً بدین منظور باشد که شرک را بزرگ ترین خطای خود شمرده و یا منشأ سایر خطاها دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۳

۳ - شیاطین ، الهام کننده دروغ و گناه اند ؛ نه پیام های معرفتی و ارزشی همچون قرآن .

و ما تنزّلت به الشیطان .. تنزّل علی کلّ أفّاک أثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۹

۹ - ( فی المجمع ) > وقال الذین كفروا فی النار أرنا الذین أضلّانا من الجنّ و الإنس < یعنون إبلیس الأبالسه و قایل بن آدم أوّل من أبدع المعصیه . روى ذلك عن علی ( ع ) ؛

در مجمع البیان راجع به قول خداوند که می فرماید: < وقال الذین كفروا فی النار أرنا الذین .. > آمده است که: مقصود آنان رئیس ابلیس ها و قایل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی (ع) روایت شده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۴

۴ - محبت و دلبستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله

موارد گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - تصدیق نکردن رسالت های پیامبران ، گناه و درپی دارنده کیفر الهی است .

لن تؤمن لك .. فأخذتكم الصعقه



فوق بر این اساس است که جمله <فأخذتكم .. > علاوه بر ارتباطش با <نرى الله جهره > مرتبط با <لن تؤمن لك > نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۷

۷ - یاری رساندن به قاتلان و آواره کنندگان اهل دین ، گناه و تجاوز است .

تظهرون عليهم بالاثم و العدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۳

۳ - وصیت های ناعادلانه اگر از سرعمد باشد ، گناه است .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۱۱

۱۱ سوگند صادقانه به خدا ، گناه است و دروغ آن ، کفر عملی .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

ان الله عز و جل يقول: <و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم >

---

کافی، ج ۷، ص ۴۳۴، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۸۳۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۰ - ۶

۶ پس گیری مهریه از سوی شوهران ، کاری باطل و گناهی آشکار است .

فلا تأخذوا منه شيئاً تأخذونه بهتاناً و اثمأً مييناً

در برداشت فوق، <بهتاناً> و <اثماً>، حال برای <أخذ> (که از <تأخذونه> استفاده می شود) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۷

۷ سرپیچی از فرامین پیامبر (ص)، گناه، نفاق و ستم بر خویشان است.

و ما ارسلنا من رسول الا

ليطاع باذن الله و لو انهم اذ ظلموا انفسهم

مراد از ظلم در <اذ ظلموا> به قرينه <ليطاع>، مخالفت با رسول خدا (ص) است و با توجه به آيات قبل كه اعراض كنندگان از رسول (ص) را منافق شمرده، مي توان گفت هر گونه مخالفتي با رسول خدا (ص) و اعراض از او، نوعي نفاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۲ - ۲،۴

۲ متهم ساختن افراد بي گناه، دروغی بهت آور و گناهی آشکار است.

و من يكسب .. ثم یرم به برياً فقد احتمل بهتناً و اثماً ميبناً

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأييد می کند كه فرمود: .. فاما اذا قلت ما ليس فيه فذلك قول الله <فقد احتمل بهتناً و اثماً ميبناً>.

---

تفسير عياشي، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۲۷۰؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۶.

۴ تهمت به بی گناهان، گناهی واضح و آشکار

و من يكسب خطيئه أو اثماً ثم یرم به برياً فقد احتمل بهتناً و اثماً ميبناً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱۶

۱۶ عدم رعایت عدالت نسبی بین همسران، گناه و آمرزش آن در گرو بازگشت به عدالت و رعایت تقواست.

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء .. و إن تصلحوا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲،۵،۶،۴۰

۲ هتك حرمت شعایر الهی، حرام و گناه است.

يا ايها الذين ءامنوا لاتحلوا شعر الله

٥ هتك حرمت ماه



های حرام، هَدَى (قربانی بی نشان حج) و قلائد (قربانی با نشان حج)، حرام و گناه است.

لاتحلوا .. و لالشهر الحرام و لالهدی و لالقلند

<قلائد> جمع قلابه به معنای گردنبند است و مراد از آن گوسفند، شتر و گاوی است که به منظور قربانی کردن در حج، علامتی را بر گردن آن می آویزند. و لفظ <الشهر الحرام> اگر چه مفرد است ولی مراد از آن جنس است. بنابراین شامل تمامی ماههای حرام می شود.

۶ هتک حرمت علامت های ویژه قربانی حج، حرام و گناه است.

و لاتحلوا .. و لالقلند

بنابر اینکه مراد از <قلائد>، خود علامت باشد، نه حیوان دارای علامت.

۴۰ جلوگیری از انجام حج، گناه و تجاوز است.

و لاءآمین البیت الحرام .. و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ تمرد از فرمان جهاد، گناه است.

و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳

۳ بسته بودن دست خداوند، از گفتار های ناروا و گناه آلود بسیاری از یهودیان

عن قولهم الاثم .. و قالت اليهود یدالله مغلوله

<و قالت اليهود ..>، می تواند بیان مصداقی برای <قولهم الاثم> در آیه قبل باشد و به قرینه آیه ۶۲ این سخن، گفته تمامی یهودیان نبوده و گروهی از آنان همچون ربانیون و احبار چنین گفتاری نداشته و لذا در برداشت فوق به همه آنان نسبت

داده نشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۶

۶ شکستن سوگند گناه و پرداخت کفاره موجب بخشایش آن است .

و لكن يؤخذكم بما عقدتم الأيمن فكفرته .. ذلك كفره ايمنكم

مؤاخذه سوگندشکنان دلیل عصیانگری آنان است و کلمه کفاره که به معنای پوشاننده است اشاره به بخشودگی گناه در پی پرداخت کفاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷

۲۳ دستیابی به منافع شخصی و یا نفع رسانی به خویشان با خیانت و شهادت گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قرى . .. إنا اذا لمن الاثمين

۲۴ شاهدان رسمی در صورت کتمان شهادت از زمره گنهکارانند .

و لانکتُم شهده الله إنا اذا لمن الاثمين

۲۵ تضييع حقوق مردمان ، بدون هیچ تردید گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قرى . .. إنا اذا لمن الاثمين

۲۷ خیانت در شهادت ، گناه است .

لانشتری به ثمناً . .. إنا اذا لمن الاثمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۲

۲ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، گناه است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

مراد از <اثماً> به قرینه <انا اذاً لمن الاثمین> شهادتهای دروغین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۶، ۱۵

۱۵ انکار معاد، گناه و باری شوم بر دوش منکران معاد در قیامت است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .

.. ألا ساء ما يذرون

۱۶ کوتاهی و تفریط در امور دینی و مسؤولیتها، گناه و باری شوم بر دوش انسان است.

قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها و هم يحملون أوزارهم على ظهورهم ألا ساء ما يذرون

بنابراین که <ما در > ما فرطنا < موصوله و مرجع برای ضمیر > فیها < باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۲ - ۵

۵ وفا نکردن به عهد ها و پیمان های الهی گناه و موجب فسق است .

و ما وجدنا لأكثرهم من عهد و إن وجدنا أكثرهم لفسقین

در چگونگی ارتباط جمله <ما وجدنا .. > با جمله <إن وجدنا ... > از جهت تقدم و تأخر رتبی دو نظر ابراز شده است: وفا نکردن به عهدهای الهی موجب فسق است / فسق پیشین زمینه ساز پایدار نماندن به عهدهای الهی است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر ، جرم است و مشرکان و کافران ، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون > مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۵، ۲

۲ بازداشتن مردم از ورود به مسجدالحرام ، گناهی مستوجب عذاب الهی

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجدالحرام

۵ سرپرستان مسجدالحرام در صورت بازداشتن اهل ایمان از ورود به

آن ، گنهکارند و از حق ولایت و سرپرستی محروم خواهند شد .

يصدون .. و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۲

۲ طرد مؤمنان ( نپذیرفتن آنان به جرگه و مجمع اهل ایمان ) گناه و درپی دارنده عذاب الهی است .

من ينصرني من الله إن طردتهم

<من الله> به معنای <من عذاب الله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ ناشایست شمردن تهی دستان ، برای کسب خیر و مقام های معنوی ، گناه و پنداری است به دور از واقعیت .

لا أقول للذين تزدرى أعينكم .. إني إذا لمن الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۳،۶

۳ نسبت دادن مطالب خود ساخته به خداوند جرم و گناه است .

قل إن افتريته فعلی إجرامی

<إفترأ> به معنای دروغ بافتن است و در آن نسبت دادن به دیگری قید نشده است؛ ولی قرینه های موجود در آیه شریفه از لحاظ این قید در <إفترأ> و <إفتریته> حکایت دارد. بنابراین <إن افتريته ...> یعنی، اگر آن را من بافته باشم و به خدا نسبت دهم ...

۶ شرکورزی و پرستش غیر خدا ، جرم و گناه است .

و أنا بریء مما تجرمون

چون مخاطبان <تجرمون> مشرکان و پرستش کنندگان غیر خدا هستند ، می توان گفت: منظور از گناه در جمله

<تجرمون> شرک و پرستش غیر خداست. قابل ذکر است که <ما> در <مما> مصدریه می باشد، یعنی:

أنا بريء من إجرامكم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۵

۱۵ دلبستگی به تمتعات دنیوی و لذت های مادی ، گناه است .

واتبع الذين ظلموا ما أترفوا فيه و كانوا مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۸

۸ خیانت به مردم ، گناه و رفتاری نکوهیده است .

ذلك ليعلم أني لم أخنه بالغيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله .. إنا إذا لظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار برادران یوسف علیه وی ، گناه بود و بدون آمرزش خداوند عقوبت او را در پی داشت .

يغفر الله لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبران الهی ، جرم و گناه است و تکذیب کنندگان مجرم و گنهکارند .



و لا يردّ بأسنا عن القوم المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- بی حرمتی به پدر و مادر و کوتاهی در رعایت حقوق آنان ، گناه و نیازمند توبه است .

و اخفض لهما . . فإنه كان للأوبين غفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۶

۶- شرک و دنیاپرستی و مغرور شدن به مال

و فرزند ، گناه و مایه دلهره و وحشت در آخرت است .

فتی المجرمین مشفقین ممّا فیه

آیات گذشته، در باره دنیاپرستی و شرک بود، لذا مصداق مورد نظر از <مجرمین> همان مشرکان سرمست به مواهب دنیوی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۳ - ۴

۴- شرک ، جرم و گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شركاءى . . . و رءا المجرمون النار فظنوا أنهم مواقعوها

مصداق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۴

۱۴ - نسبت دادن عمدی شخصی به فرزندی کسی ، گناه و جرم است .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به و لکن ما تعمّدت قلوبکم

خبر <لکن> محذوف است و می تواند چیزی مانند <جناح> و <ذنب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۲

۲ - نسبت ناروا به مردان و زنان مؤمن بی گناه ، آزار و اذیت آنان و گناه است .

و الذین يؤذون المؤمنین و المؤمنت بغير ما اکتسبوا فقد احتملوا . . . إثمًا مبینًا

به قرینه <فقد احتملوا بهتاناً> مراد از آزار و اذیت مؤمنان، تهمت زدن و نسبت ناروا دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم یکنوا یحتسبون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۳

۳ - شرک و عبادت غیر خدا ، از سوی هر کس که باشد حتی پیامبران در پیشگاه خداوند ، گناهی نابخشودنی است .

و لقد أوحى إليك وإلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

موانع اصرار بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمان ، بازدارنده آدمی از تکرار گناه

يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

جواب جمله شرطیه (إن كنتم مؤمنين) جمله ای است محذوف (مانند <فلا-تعودوا لمثله>) که جمله پیش آن را تفسیر می کند. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر حقیقتاً ایمان دارید پس نباید چنین گناهی را تکرار کنید.>

موانع تأثیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۴

۴ - توجه به قدرت خداوند ، در صورت نگاری و ترکیب اجزای بدن انسان مانع تأثیر جاذبه های گناه در او و زمینه ساز پذیرش ربوبیت خداوند است .

ما غرّك .. فى أیّ صورة ما شاء ربّك

موانع تعاون بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴۸

۴۸ توجه به کیفر سخت الهی ، زمینه ساز تقوای پیشگی و پرهیز از همکاری در گناه

و لاتعاونوا على الاثم و العدوان و اتقوا الله إنّ الله شديد العقاب

موانع كيفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۲

۲ - توبه و

انجام عمل صالح ، از میان برنده آثار سوء ظلم و گناه

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا بَعْدَ سَوْءٍ

<تبدیل> (مصدر <بَدَّلَ>) به معنای جایگزین کردن است. جایگزینی وقتی تحقق می یابد که یکی برود و دیگری جای آن را بگیرد. گفتنی است که مراد از <ظلم> در آیه شریفه، مطلق معصیت است و مراد از <حُسن> هم می تواند توبه باشد و هم عمل صالح؛ یعنی، <لکن آنان که با ارتکاب گناه مرتکب ظلم شدند ولی بعداً توبه [یا عمل صالح] را جایگزین آن نمودند بدانند که من غفور و رحیم هستم و آنان را می بخشم و مورد رحمت خویش قرار می دهم. بنابراین آنان نیز بعد از این از چیزی نترسند.

موانع گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۲

۳۲ - توجه و باور به آگاهی خدا بر اعمال ، بازدارنده آدمی از گناهان و شکستن پیمان های اوست .

و ما اللّٰه بغفل عما تعملون

هدف از بیان آگاهی و نظارت خدا بر رفتار بندگان، این است که: آنان توجه به نظارت خدا داشته باشند تا از کردار ناروا پرهیز کنند. بنابراین توجه به آگاهی و نظارت خداوند چنین اقتضایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳

۳ - زن و شوهر ، لباس عفاف یکدیگرند و هر کدام مایه پرهیز دیگری از گناهان جنسی است .

هن لباس لکم و أنتم لباس لهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۵

۵ تحریک عواطف انسانی از

روش های قرآن برای جلوگیری از ظلم و گناه

اثماً مبیناً. و کیف تأخذونه و قد افضى بعضكم الى بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۳

۳ خداوند ، سزاوارترین ناظری است که هنگام گناه باید از او شرم کرد .

يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله و هو معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ دانایی به حقیقت اعمال و واقعیت گناه ، بازدارنده آدمی از خطا و گناه \*

و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفه . . . و علمك ما لم تكن تعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۸

۸ توجه انسان ها به فرجام اعمال خود ، بازدارنده ایشان از بدی ها و ترغیب کننده آنان به نیکبختی است .

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر . . . و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ توجه به ربوبیت فراگیر خداوند بر جهان هستی ، موجب ترس از او و پرهیز از گناه

انى اخاف الله رب العلمين

توصیف <الله> به <رب العلمين> ، پس از بیان خداترسی هاییل، می رساند که وی بدان جهت از خدا هراسان بوده که خداوند را پروردگار جهانیان می دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ خوف از خداوند و یا معاد ، مانع ظلم و



گناه و گرفتار آمدن به عذاب دوزخ

انى اخاف الله رب العلمين. انى ارید ان تبوا بائمی ... فتكون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۹

۹ تقوا و خداترسی، مانع آلوده شدن آدمی به گناه و بروز رذایل اخلاقی در وی است.

و لباس التقوى ذلك خير

برتر شمردن تقوا پس از تشبیه آن به پوشاک، می تواند ناظر به این حقیقت باشد که پوشاک زشتیهای موجود را مستور می سازد و تقوا مانع از به وجود آمدن پلیدیها در روح آدمی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۶

۱۶ تقوا، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم ... و اعلموا ان الله مع المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۷

۱۷ توجه به شدت عقاب های اخروی، عاملی بازدارنده از گناه و مخالفت با پیامبر (ص)

قل نار جهنم أشد حراً لو كانوا يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۴،۱۳

۴ توجه انسان به نظارت خدا و رسول و مؤمنان بر اعمالش، بازدارنده او از خطا و تشویق کننده به نیکبختی است.

قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون

۱۳ توجه به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار، و غیب و شهود، بازدارنده آدمی

از گناه و توبه شکنی و برانگیزنده وی به خیر و صلاح

و قل اعلموا فیسری اللہ عملکم .. . فینبئکم بما کتمت عملون

بیان علم همه جانبه خداوند پس از تشویق و توصیه به توبه و عمل می تواند به منظور مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ توجه به خداوند ، عامل بازدارنده آدمی از گناه

قال معاذ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۴

۴ بهره مندی یوسف (ع) از برهان و حجت الهی (مشاهده ربوبیت خدا و ... ) عامل عصمت او از ارتکاب گناهان

لولا أن رءا برهن ربه كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۶

۶ نفس آدمی در صورت شمول رحمت خدا بر او ، به انجام بدی ها فرمان نمی دهد و به ارتکاب گناهان ترغیب نمی کند .

إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۱۱، ۸

۸- تقوا، عمده ترین عامل در حفظ آدمی از گناه است .

أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقیاً

۱۱- > روی عن علی (ع) إنه قال : علمت أن التقی ینهاه التقی عن المعصیه ;

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: مریم دانست که انسان پرهیزگار، تقوایش او را از معصیت باز می دارد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴ - ۶

۶- توجه به علم همه جانبه خداوند به گفتار و اعمال موجودات جهان ، بازدارنده آدمی از حق ستیزی و گناه

أَسْرُوا النجوى . . قال ربى يعلم القول فى السماء والأرض و هو السميع العليم

خداوند در پاسخ به توطئه ها و سخنان سرّی مشرکان علیه اسلام، به پیامبر(ص) فرمان داد که علم همه جانبه الهی را به آنان گوشزد کند. این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۳

۳- توجه انسان به علم مطلق خداوند ، عامل بازدارنده وی از معصیت و گناه

لا یسبقونه . . بأمره یعملون . یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متى هذا الوعد . . لو یعلم الذین

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق ستیزی و هرگونه گناه باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۹ - ۶

۶ - توجه و اعتقاد به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار انسان ها ، بازدارنده آنان از گناه و نافرمانی است .

لیس علیکم جناح

أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ .. وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به علم همه جانبه الهی در پایان آیه می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۶

۱۶ - توجه و اعتقاد به آگاهی خداوند به حرکات و رفتار انسان ها ، موجب برانگیختن آنان به رعایت دستورات خدا و پرهیز از نافرمانی او است .

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا .. إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

سخن تهدید آمیز خداوند به مؤمنان (إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ)، می تواند به منظور این مطلب، ادا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ - توجه و اعتقاد به شنوایی و دانایی خداوند ، بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی است .

و الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ .. وَ

جمله <وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ> استینافیه تعلیلیه و در مقام تهدید زنانی است که احیاناً بخواهند از حکم حجاب و عفاف سرپیچی کنند و یا از موارد استثنا، سوء استفاده کنند. از این رو آمدن چنین جمله ای و یادآوری صفت شنوایی و دانایی خداوند، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۹، ۱۳، ۶

۶ - نماز ، قطعاً ، انسان را از افتادن در ورطه گناهان آشکار و منکرات ، باز می دارد .

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

۹ - خداوند ، خواهان برچیدن گناه

و منکر ، از طریق عمل به تکالیف شرعی است .

أقم الصلوه إنَّ الصلوه تنهى عن الفحشاء و المنکر

۱۳ - یاد و ذکر خدا ، بالاتر و برتر از هر چیزی ، مانع فحشا و منکر است .

إنَّ الصلوه تنهى عن الفحشاء و ... و لذكر الله أكبر

برداشت بالا، بنابراین اساس است که مفضلٌ علیه <اکبر> محذوف و چیزی از قبیل <ماسواه> و <جميع أعماله> باشد که شامل نماز هم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - توجه به بازگشت به خدا و در نتیجه ، آگاه شدن از عمل خویش ، مانع پافشاری بر کار خلاف است .

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا

در فراز <إلینا مرجعهم فنتبئهم..> اگر چه روی سخن با پیامبر(ص) و دلداری دادن به آن حضرت است، اما بیان تفصیلی آن به این که خداوند، اعمال آنان را در قیامت، به رُخ شان خواهد کشید، می تواند به منظور بازداشتن آنان از ایستادگی بر کفرشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۶ - ۸

۸ - توجه و اعتقاد به آگاهی خداوند به تمامی رفتارها و حرکت های پنهانی و آشکار انسان ها ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إنَّا نعلم ما یسرون و ما یعلنون

برداشت بالا- از این رو است که آیه شریفه در مقام تهدید به کافران و مشرکان حق ناپذیر است. بنابراین یادآوری آگاهی مطلق خداوند به رفتار نهان و آشکار انسان ها در شرایط تهدید، می تواند بیانگر مطلب یاد شده

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۴

۴ - ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب بزرگ آن روز ، بازدارنده آدمی از هرگونه گناه و قانون شکنی است .

إِنِّي أَخَافُ إِنَّ عَصِيَّتَ رَبِّيَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اخطار کردن و بیم دادن ، از شیوه های بازدارنده از گناه و تربیت مردم حق گریز

ذَلِكَ يَخَوْفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۵

۵ - آگاهی و اعتقاد به احاطه علمی خداوند بر وجود انسان ها ، بازدارنده آنان از هرگونه گناه و ستم

و مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ .. يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورَ

ذکر شدن آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها پس از یاد کردن از ستمکاران می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - ایمان به خدا و مجازات او ، تأثیرگذار در دوری انسان از گناه و بزه کاری ( چون قتل به ناحق )

يَقُومُ .. فَمَنْ يَنْصُرْنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا

یادآوری خداوند و عذاب او، از سوی مؤمن آل فرعون در راستای نجات جان موسی(ع)، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۹

۹ - اعتقاد به روز قیامت ، بازدارنده انسان

از گناه و بزه کاری ( چون آدم کشی )

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ . يَوْمَ تُؤَلَّفُونَ مَدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ

از این که مؤمن آل فرعون برای بازداشتن فرعونیان از کشتن موسی(ع)، مسأله معاد و حسابرسی اعمال بندگان را مطرح ساخت، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به بصیرت و آگاهی کامل خداوند بر احوال بندگان ، زمینه ساز پرهیز آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إِنَّ اللَّهَ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ

یادآوری بصیرت و آگاهی خداوند بر احوال بندگان، برای کسانی که در گناه افراط کرده، حق را نمی پذیرند (أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۵،۶

۵ - توجه و باور آدمیان به آگاهی خداوند از تمامی اعمال آنان ، بازدارنده آنها از گناه و معصیت

و لَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ

۶ - اعتقاد انسان ها ، به نظارت اعضا و جوارح بر اعمال و رفتار آنان ، بازدارنده ایشان از گناه و معصیت

و مَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۴

۴ - توجه به عمر محدود دنیا و گرفتاری های لحظه مرگ ، بازدارنده انسان از گناه و انحراف

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ

تعبیر <فكيف..> در مقام بازداشتن منافقان و منحرفان از بی ایمانی و نفاق است بدین

منظور اولاً مرگ را به رخ آنان کشیده تا بدانند زندگی دنیا دیری نمی پاید. ثانیاً کیفر و عقاب را به یاد آنان آورده تا بدانند حق ستیزی، فرجامی سخت و دشوار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۴

۴ - اخبار و سرگذشت های هشداردهنده و بازدارنده از گناه و سیه روزی ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۲ - ۳

۳ - توجه به ضبط کردار آدمیان در نظام جهان ، بازدارنده آنان از کفر و گناه

فهل من مدکر . و کل شیء فعلوه فی الزبر

با توجه به این که آیه شریفه در جهت تذکار، بیان شده است؛ برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۳ - ۹

۹ - توجه به آگاهی کامل خداوند به اعمال بندگان ، بازدارنده آنان از گناه و نافرمانی

و الله بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۴

۴ - توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت ، مانع از دست زدن انسان به کار های خلاف ، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- آگاهی و عقیده به علم همه جانبه خداوند به جهان و انسان ،

بازدارنده انسان ها از نافرمانی و گناه

يعلم ما في السموت .. و ما تعلنون واللّه عليم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۷

۷ - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و اللّٰه عنده اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۷

۷ - آگاهی و ایمان به قیامت و عظمت عذاب و کیفر الهی در آن روز ، بازدارنده آدمی از گناه ( بخل ، محروم ساختن  
بینوایان از اموال خویش و ... )

كذلك العذاب .. لو كانوا يعلمون

خداوند، در پایان نقل ماجرای <اصحاب الجنّه>، مردم کافر را به عذاب و پیامد هلاکت بار دنیوی و اخروی تهدید کرد. از  
این بیان، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۴

۴ - توجه به خالقیت مدبرانه خداوند ، زمینه ساز پذیرش ربوبیت او و مانع فریب خوردن انسان از جاذبه های گناه است .

ما غرّك برّبك .. الذی خلقك فسوّيك فعدلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۱ - ۵

۵ - توجه به حضور محافظان الهی در همه حالات و ثبت رفتار و کردار در نامه عمل ، بازدارنده انسان از ارتکاب گناه

ما غرّك .. و إنّ علیكم لحفظین . كرامًا كتیبین



سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۳ - ۸

۸ - آیات قرآن ، بازدارنده انسان از طغیان گری و گناه و راهنمای او برای ایمان به قیامت است .

و ما یکذب به إلا .. إذا تتلى عليه آیتنا قال أسطیر الأولین

موجبات آمرزش گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۳، ۱۲

۱۲ چشمپوشی از قصاص در پی دارنده آمرزش گناهان صاحب حق

فمن تصدق به فهو کفاره له

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آمرزش گناه مجرم و سقوط حق قصاص \*

فمن تصدق به فهو کفاره له

چنانچه ضمیر <له> به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، برگردد جمله <فهو کفاره له> علاوه بر سقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۳

۳ ایمان به خدا ، پیامبر ( ص ) و کتب آسمانی و دامن گرفتن از گناه ، موجب آمرزش گناهان گذشته آدمی

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

متعلق <واتقوا> به قرینه <سیئاتهم> گناهان است، و مراد از <سیئاتهم> در <لکفرنا عنهم سیئاتهم> گناهان پیش از ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۶

۶ شکستن سوگند گناه و پرداخت کفاره موجب بخشایش آن است .

و لكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمن فكفرته . . . ذلك كفره ايمنكم

مؤاخذة سوگندشکنان دلیل عصیانگری آنان است و کلمه کفاره که به معنای پوشاننده است اشاره



به بخشودگی گناه در پی پرداخت کفاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱۲

۱۲ تقوا شرط شایستگی مؤمنان نیک کردار برای بخشایش گناهانشان

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۶

۶ رعایت تقوا و ترس از خدا، موجب زدایش گناهان و آمرزش آنهاست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ .. يَكْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ

تکفیر (مصدر یکفر) و غفران (مصدر یغفر)، هر دو به معنای پوشانیدن و مستور ساختن است و مراد از آن زدایش و آمرزش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۱ - ۲

۲ - تقوای مؤمنان، سبب می شود که خداوند، گناهان آنان را ببامرزد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ .. وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

موجبات تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۰، ۲۲

۲۰ اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا، موجب تکفیر (نادیده گرفتن) قطعی گناهان و دخول حتمی در بهشت

لئن اقمتم .. لا کفرن عنکم سیئاتکم و لا دخلنکم جنت

۲۲ ایمان و انجام اعمال نیک ، موجب تکفیر ( نادیده گرفتن ) گناهان از جانب خداوند \*

لئن اقمتم الصلوه .. لا كفرن عنكم سيئاتكم

موجبات گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ توانایی آدمی در توجیه نفس خویش برای ارتکاب گناه

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

مؤمنان و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۷

۷- مؤمنان ، برخوردار از حمایت های غیبی الهی در دور ماندن از کفر و معصیت اند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

مهمترین گناه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۳

۳ - شرک ، عمده ترین گناه دوزخیان و ریشه همه تباهی ها

إن کنا لفی ضلل مبین . إذ نسوئکم برّب العلمین

از این که دوزخیان گمراه، از میان همه تبه کاری های خود، تنها به گناه شرکشان پرداخته اند؛ احتمالاً بدین منظور باشد که شرک را بزرگ ترین خطای خود شمرده و یا منشأ سایر خطاها دانسته اند.

نجات از زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱۰

۱۰ شمول رحمت خدا و آمرزش او تنها راه نجات از زیان گناه و گرایش های شرک آلود است .

لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرين

نجات از كيفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - شوري - ٤٢ - ٣١ - ٦

٦ - خداوند ، تنها يار و ياور انسان در حفاظت وي از عواقب ناگوار گناهان

و ما أصبكم . . . و ما لكم من دون الله من وليّ و لا نصير

نذر براي گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۸

۱۸ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: > ان من خطوات الشيطان الحلف بالطلاق و النذور في المعاصي و كل يمین بغير الله ;

از گامهای شیطان است قسم خوردن به طلاق همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی که به غیر خداوند باشد <.

نشانه های بی گناهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۷

۷ حسن سابقه افراد از نشانه های بی گناهی آنان است .

لقد علمتم . . و ما كنا سرقین

نعمت نفرت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لكنّ الله حبیب إلیکم الإیمن . . و کرّه إلیکم الکفر ... فضلاً من الله و نع

نفس اماره و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۶

۶ نفس آدمی در صورت شمول رحمت خدا بر او ، به انجام بدی ها فرمان نمی دهد و به ارتکاب گناهان ترغیب نمی کند .

إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

نهی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۶

۶ لزوم نهی از منکر و بازداري مردمان از فساد ها و گناهان

فلولا كان .. أولوا بقیه ینهون عن الفساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- نهی خداوند، از نجوای آلوده به گناه، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی پیامبر (ص)

فلاتتنجوا بالائثم و العدون و معصیت الرسول

نیاز به تکفیر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۰

۲۰- نیاز همیشگی انسان، به لطف و خطاپوشی خداوند

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم

از این که خداوند به موحدان نیک کردار و مؤمن به قرآن و خط پیامبر(ص)، نوید غفران داده است؛ استفاده می شود که حتی چنین مؤمنانی نیز نیازمند غفران خداوند هستند.

هماهنگی کیفر با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۹

۹ - خداوند، پاداش دهنده و مجازات کننده ملت ها، براساس عملکرد خود آنان

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

<قومًا> ممکن است به تمامی ملت ها (اعم از مؤمن و کافر) نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۴ - ۴

۴ - تشابه کیفر اخروی با عملکرد دنیوی انسان

نسیکم کما نسیتم

بنابراین که <کما> برای تشبیه باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

یحیی(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۷

۷- حضرت یحیی (ع) ، مبرا از گناه در برابر خدا \*

و لم یکن .. عصیاً

می توان گفت جمله <و لم یکن .. عصیاً> بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

یقین به



## آثار گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۸

۸ - یقین به نتیجه ذلت بار گناه ، مایه پرهیز انسان از آن است .

و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربهم ربنا أبصرنا .. إنا موقنون

اعتراف مجرمان به معرفت و یقین پیدا کردن در قیامت، پس از مشاهده وضع خود در آن روز و درخواست مؤکد آنان از خدا برای بازگشت به دنیا، جهت انجام دادن کار خوب، نشان می دهد که اگر کسی به نتیجه بد گناه یقین پیدا کند، از آن پرهیز خواهد کرد.

یوسف(ع) و ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ احساس ناتوانی یوسف (ع) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

یوسف(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲،۷

۲ زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إليّ مما يدعونني إليه

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

گناهان

آثار اجتناب از گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱،۲

۱ - پرهیزکنندگان از گناهان بزرگ

و زشتی ها ، برخوردار از نعمت های جاودان الهی

و ما عند الله... للذین ءامنوا... و الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

۲ - پرهیز از بدی ها و گناهان کبیره ، نمود و نشانه ایمان و اتکا به خداوند

للذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون . و الذین یجتنبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۶، ۵، ۲

۲ - نیک کرداری به همراه اجتناب از گناهان کبیره ، شرط برخورداری از پاداش الهی

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

ذکر <الذین یجتنبون...> به دنبال <الذین أحسنوا> می تواند بیانگر شرط دوم برای بهره مندی انسان، از پاداش الهی باشد.

۵ - لغزش های کوچک پرهیزکنندگان از گناهان کبیره ، مورد بخشش خداوند

الذین یجتنبون... إلاّ اللّم إن ربک وسع المغفره

<لمم> در معانی گناه صغیره و گناهی که انسان هر از گاهی مرتکب آن شود، اطلاق می گردد. برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۶ - گناهان اتفاقی در زندگی اجتناب کنندگان از کبائر ، مورد عفو و اغماض الهی

الذین یجتنبون کبیر الإثم... إلاّ اللّم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <اللّم> در آیه شریفه، گناهی باشد که انسان به طور اتفاقی مرتکب آن می شود.

آثار اخروی گناهان همسر ابولهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۹

۹ - گناهان همسر ابولهب ، در قیامت باری سنگین بر دوش او و برافروزاننده آتش جهنم خواهد بود .

حمّاله الحطب

مراد از <حطب>، می تواند گناهان باشد

که مانند هیزم آتش را شعلهور می سازد.

آثار اصرار بر گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۳

۳ - پافشاری و تداوم بخشی بر گناهان بزرگ ، در پی دارنده قطعی دوزخ

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

آثار غفلت از گناهان گذشته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۵

۵- اعراض از آیات الهی و نشنیده انگاشتن آن و غفلت از گناهان گذشته خویش ، ستم ، و موجب سقوط و نابودی امت ها است .

و من اظلم .. و تلك القرى اهلکنهم لما ظلموا

مراد از ظلم در <لم اظلموا> به دلیل ارتباط این آیه با آیات قبل همان اموری است که در آیه پنجاه و هفت بیان شد.

آثار گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۹

۹ - گناهان بزرگ ، مانع پدید آمدن زمینه های سپاسگزاری به درگاه خدا و رسیدن به منزلت شاکران

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۴

۱۴- > عن الصادق (ع) :... إن الكبائر... كفران النعمه > و لئن كفرتم إن عذابی لشدید <... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در بیان گناهان کبیره فرمود: .. همانا از گناهان کبیره ... کفران نعمت است [خداوند می فرماید]: و لئن كفرتم إن عذابی لشدید...<.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۴،۵

۴ - انجام گناه کبیره ، موجب زوال ایمان نخواهد شد . \*

لذین ءامنوا .. و الذین یجتنبون کبیر الإثم

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که وصف <الذین یجتنبون..> احترازی باشد و نه توضیحی بدین معنا که ایمان حقیقتی مستقل داشته باشد که هر گاه با معنایی چون <اجتناب از کبائر> جمع شود، دستیابی به نعمت های جاودان بهشت را نتیجه دهد.

۵ - ارتکاب گناهان بزرگ و انجام اعمال زشت ، مانع بهره مندی انسان از نعمت های جاویدان اخروی

و ما عند الله خیر .. الذین یجتنبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۴

۴ - تأثیر ویرانگر و مخرب گناهان کبیره ، در فرجام و سرنوشت انسان

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

آمرزش گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۲، ۱۰

۱۰ خداوند ، آمرزنده گناهان و با بندگان خویش مهربان است .

و الله غفور رحیم

۱۲ آمرزش گناه ستیزه جویان علیه دین ، پس از گرایش آنان به اسلام ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خدا نسبت به انسانهاست .

و یغفر لکم و الله غفور رحیم

آمزش گناهان صغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۹

۹ - بخشش گناهان کوچک و یا گناہانی که انسان هر از گاهی مرتکب آن می شود ، نمود از فضل



و گستردگی عفو الهی است .

الذین یجتنبون .. الا اللّمم إنّ ربّک وسع المغفره

با توجه به معانی واژه <اللّمم> و ارتباط عبارت <إنّ ربّک واسع المغفره> با آن، برداشت بالا استفاده می شود.

آمزش گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۱۶

۱۶ > عن ابراهیم بن العباس یقول : کنا فی مجلس الرضا (ع) فتذاکروا الکبائر و قول المعتزله فیها : انها لاتغفر فقال الرضا (ع) : قال أبو عبد الله (ع) : قد نزل القرآن بخلاف قول المعتزله ، قال الله عزوجل : إن ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم < .. ; .

ابراهیم بن عباس گوید: در مجلس امام رضا(ع) بودیم، سخن از گناهان کبیره و عقیده معتزله مبنی بر اینکه آن گناهان بخشیده نمی شوند، به میان آوردند. امام رضا(ع) نقل از امام صادق(ع) فرمود: همانا قرآن برخلاف سخن معتزله نازل شده است. خدای عزوجل فرمود: <و إن ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۲۶

۲۶ - روی آوردن به ایمان ، زمینه ساز آمزش و رحمت الهی ، حتی نسبت به گناهان بزرگ

علی أن لا یشرکن .. و استغفر لهنّ الله إنّ الله غفور رحیم

از صدر آیه شریفه استفاده می شود که چه بسا، برخی از روی آوردن گان به ایمان، در گذشته کفرآلود خویش مرتکب گناهان بزرگی شده بودند. از ذیل آن (إنّ الله غفور رحیم) نیز استفاده می شود که، آنان هم مورد غفران و رحمت الهی قرار

می گیرند.

ابتلای بی گناهان به عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۲

۲ برخی از گناهان و ستمکاری ها در جامعه ایمانی مایه گرفتار شدن همگان ( مرتکبان گناه و غیر آنها ، یعنی ظالم و غیر ظالم ) به عذاب های الهی است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه

<لا> در <لاتصیین> نافیه و <خاصه> حال برای <الذین> است. جمله <لاتصیین الذین ...> تبیین و توضیحی است برای <فتنه>. و مراد از اتقاء فتنه، پرهیز از عامل آن می باشد که به قرینه <ظلموا>، ستمکاری است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ای اهل ایمان از گناهایی که موجب فتنه ای عظیم می شود پرهیزید ؛ آن گونه فتنه ای که نه تنها دامنگیر گناهکار می شود، بلکه همگان را در شعله های خود خواهد سوزانید.

اجتناب از کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۴

۴ لزوم پرهیز حاکمان از مجازات بی گناهان به جای گناه کاران

قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

اجتناب از گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱

۱ - پرهیز پیوسته و مستمر از زشتی ها و گناهان کبیره ، از ویژگی های بارز نیک کرداران

و یجزی الذین أحسنوا .. الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

استمرار، از فعل مضارع <یجتنبون> استفاده می شود.

بشارت به آمرزش گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۸ پیامبر (ص) مأمور ابلاغ نوید خداوند به اسیران جنگ بدر (آمزش گناهان ایشان و...) در صورت گرایش به اسلام

قل لمن فی ایدیکم من الأسری

بی گناهان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۳

۱۳ وجود افرادی نیک کردار و پاکدامن از گناهان در میان قوم موسی

سنزید المحسنین

کلمه <المحسنین> می تواند در مقابل گروهی از بنی اسرائیل باشد که از جمله <نغفر لکم خطیئکم> به دست می آید. یعنی بنی اسرائیل دو گروه بودند: گروهی گنهکار که جمله <نغفر لکم خطیئکم> اشاره به آنان دارد و پاکدامنان از گناه که <المحسنین> عهده دار تبیین آن گروه است.

توبه از گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۲۰

۲۰ - توبه از گناهان بزرگ نیز به درگاه خداوند پذیرفته است .

إِنَّهٗ كَانَ تَوَّابًا

<تَوَّاب> بر مبالغه دلالت دارد (مصباح). مبالغه در توبه پذیری، یا به این معنا است که هر چه توبه تکرار شود، توبه پذیری هم تکرار خواهد شد و یا این که گناه هر چه بزرگ باشد، خداوند توبه از آن را خواهد پذیرفت.

ظلم قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۲

۲ - تهاجم بی دلیل به انسان ها و کشتار آنها ، ظلم است .

أُذْنٌ لِلَّذِينَ يَقْتُلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا

ظلم کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله .. إنا إَذَا لظلمون

عوامل تکفیر گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۲

۲ - احسان ، موجب محو و زدایش بزرگ ترین گناهان از پرونده اعمال است .

ذلك جزاء المحسنين . ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا

کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ بی گناهان جامعه ، در خطر گرفتار آمدن به کیفر گناهکاران

قال فانها محرمه عليهم اربعين سنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۲،۳

۲ داوطلب شدن بی گناهان برای مجازات شدن به جای مجرمان ، مجوز کیفر دادن آنان نیست .

فخذ أحدنا مكانه .. معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

۳ قوانین جزایی مصر در زمان یوسف ، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد ، مجاز نمی شمرد . \*

معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد (یعنی، یوسف(ع))

با جمله <بازداشت نمی کنیم> به جای <بازداشت نمی کنم> اشاره به این معنا می کند که قوانین مصر چنین اجازه ای به من نمی دهد که بی گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چند او خود داوطلب باشد.

کیفر گناهان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۶

۶ - اعدام ، کیفری پذیرفته شده برای بعضی از گناهان

بأی ذنب قتلت

استفهام در این آیه (به کدامین گناه؟) حاکی از پذیرش این نکته است که هر چند برخی گناهان ممکن است مجوز اعدام باشد ولی زنده به گور شدگان، از آن گناهان پاک بودند.

کیفر گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- ارتکاب گناه کبیره هر چند جاهلانه ، تقلیدی و تحت تأثیر تبلیغات باشد ، کیفر دارد .

ليحملوا أوزارهم .. و من أوزار الذين يضلونهم بغير علم

این برداشت، مبتنی بر این اساس است که <من> برای تبعیض و <بغیر> حال برای ضمیر مفعولی باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: آنان به دوش می کشند گناهان خود و بخشی از گناه گمراه شدگان به دست خود را، هر چند اینها عالم نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

گناه کیفر بی گناهان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ

الله... إنا إذا لظلمون

گناهان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ خداوند ، بر احوال بندگان و به گناهان آنان ، آگاهی کامل دارد .

و کفی به بذنوب عباده خبیراً

گناهان پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۵

۵ پیروان نوح ، به هنگام سوارشدن بر کشتی نجات ، نگران گناهان و تخلفات خویش بودند .

قال اركبوا فيها... إن ربی لغفور رحیم

گناهان صغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۶

۶ - گناهان از دیدگاه وحی ، تقسیم پذیر به گناهان کبیره و گناهان صغیره

الذین یجتنبون کبیر الإثم

گناهان قابل آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۸

۸ عدم تنافی ایمان و تقوا ، با وجود بعضی از خطاها و کاستی های قابل غفران در زندگی فرد

الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفره

نوید به مغفرت، در جایی مفید خواهد بود که لغزش و یا احتمال لغزش، وجود داشته باشد.

گناهان قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۰

۱۰- تنها برخی از گناهان، قابل بخشش در پرتو ایمان و اعتقاد به خداوند \*

أجیبوا داعی الله و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم

<من> در <من ذنوبکم> برای تبعیض است و این احتمال وجود دارد که تبعیض، نظر به نوع گناه داشته باشد؛ یعنی، برخی از

گناهان با ایمان آوردن بخشیده می شود و برخی دیگر خیر.

گناهان قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۳

۳ قوم لوط علاوه بر لواط ، به گناهان فراوان دیگری نیز آلوده بودند .

و من قبل كانوا يعملون السيئات

برداشت فوق ، بر این اساس است که <ال> در <السيئات> برای جنس باشد. <ال> جنسیّه در صیغه جمع ، دلالت بر عموم و احیاناً حکایت از کثرت دارد.

گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۷

۷ روی آوری رزمندگان اسلام به اسیر گرفتن از دشمن پیش از سرکوبی کامل آنان گناهی بزرگ است .

لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

از اینکه گرفتن اسیر اقتضای عذاب بزرگ دارد، معلوم می شود این گناه، بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱،۳

۱ - کتمان معارف و احکامی که خدا نازل کرده و در کتاب های آسمانی ثبت شده ، از گناهان بزرگ است .

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه من الکتب .. لهم عذاب ألیم

۳ - دین فروشی و کسب متاع دنیا در قبال آن ، از گناهان بزرگ است .

و یشترون به ثمنًا قليلًا أولئک ما یأکلون فی بطونهم إلا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلاتتعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین

یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است.

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴- ظلم، گناهی بزرگ و نابخشودنی و موجب کیفر سخت الهی در قیامت است.

يعمل الظلمون .. لیوم تشخص فيه الأبصر . مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتد إلیهم طرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۳

۳- ظلم، گناهی بزرگ و نابخشودنی و عامل اصلی ابتلای انسان به عذاب اخروی است.

و إذا رءا الذین ظلموا العذاب

برداشت فوق به خاطر این نکته است که با آنکه آیه در صدد بیان وضعیت کافران در قیامت است، ولی از آنان به ظالمان توصیف کرده است و وصف مشعر به علیت است. گفتنی است وعده عذاب اخروی، بیانگر بزرگی و نابخشودنی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است.

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ .. وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ -

۸- شرک ، گناهی بزرگ و دارای کیفی ویژه در نزد پروردگار

و من یدع مع الله .. فإِنَّمَا حَسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۱

۱ - گناه قذف ( نسبت دادن زنا بدون دلیل به زنان پاکدامن ) علی رغم بزرگی اش ، بخشودنی و قابل آمرزش از سوی خداوند است .

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. أَوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ . إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲،۴

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدراسلام

قال الذين كفروا إن هذا إلا إفك افتريه .. قالوا مال هذا الرسول ... بل كذبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

۴ انکار معاد ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

و أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

برداشت فوق، از وعده عذاب دوزخ به تکذیب کنندگان قیامت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا .. وَلَا يَزْنُونَ



ترتیب ذکرى جمله هاى <والذین لایدعون..> <لایقتلون...> و <لایزنون> مى تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۵

۵ - دروغ ، مادر گناهان و زاینده انحراف ها

أَفَاكُ أَثِيمٍ

اختصاص به ذکر یافتن <إفك> از میان سایر گناهان و اصل قرار گرفتن برای <إثم> (تقدم آن بر إثم) می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۳

۳ - تخلف بی دلیل از مقررات ارتش ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

أُمُّ كَانٍ مِنَ الْغَائِبِينَ . لِأَعَذِّبَهُ ... أَوْ لِأَذْبَحَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹

۹ - کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزي إلا الكفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون

۶ - سد کردن راه ایمان و معرفت دیگران به قرآن ، گناهی بزرگ تر و بدتر از کفر و گناهان شخصی کافران

و قال الذین کفروا لاتسمعوا... و لنجزینهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت بالا بدان احتمال است که <أسوء> در مقام مقایسه میان کفر و حق ناباوری کافران، با تلاش

های آنان در جلوگیری از گرایش دیگران به ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱۳، ۶، ۸، ۳

۳ - مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی ، از گناهان بزرگ است .

و يعلم الذین یجدلون فی ءایتنا .. و الذین یجتنبون کبیر الإثم

۶ - گناهان از دیدگاه وحی ، تقسیم پذیر به گناهان کبیره و گناهان صغیره

الذین یجتنبون کبیر الإثم

۸ - ارتکاب فحشا ( زنا و لواط ) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

ذکر <الفواحش> پس از ذکر <کبائر الإثم> با این که <کبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

۱۳ - > ( عن ) موسی بن جعفر ( ع ) یقول : دخل عمرو بن عبید علی أبی عبد الله ( ع ) فلما سلم و جلس تلا هذه الآیه : >  
الذین یجتنبون کبائر الإثم و الفواحش > ... قال أحب أن أعرف الكبائر من کتاب الله عزوجل فقال : نعم یا عمرو أكبر الكبائر الإشراک بالله ... و بعده الإیاس من روح الله ... ثم الأمن لمکر الله ... و من ها عقوق الوالدین ... و قتل النفس ... و قذف المحصنه ... و أکل مال الیتیم ... و الفرار من الزحف

... و أكل الربا... و السحر... و الزنا... و اليمين الغموس الفاجره... و الغلول... و منع الزكاه... و شهاده الزور و كتمان الشهاده... و شرب الخمر... و ترك الصلاه... و نقض العهد و قطيعه الرحم... ;

از امام كاظم(ع) روايت شده است كه فرمود: عمرو بن عبید (از علمای عامه) وارد بر امام صادق(ع) شد و چون سلام كرد و نشست آيه <الذین یجتنبون كبائر الإثم و الفواحش> را تلاوت كرد.. و گفت دوست دارم كه گناهان كبیره را از كتاب خدا بشناسم امام فرمود: آری ای عمرو! بزرگ ترین گناه كبیره شرك به خدا است... و بعد از آن یأس از رحمت خدا،... و سپس ایمن شدن از مكر خدا... و از جمله آنها نافرمانی نسبت به پدر و مادر... و كشتن انسان... و اتهام به زنان پاكدامن... و خوردن مال یتیم... و فرار از میدان جنگ... و رباخواری... و سحر... و زنا... و قسم دروغ (برای حق ناحق كردن) و خیانت... و ندادن زكات... و گواهی دروغ و كتمان گواهی... و خوردن شراب... و ترك نماز... و پیمان شکنی و قطع رحم...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۷ - ۳

۳ - دروغ پردازی ، گناهی بزرگ

أفأك أثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - حرمت شکنی و استهزا نسبت به آیات الهی ، گناهی

بس بزرگ و درپی دارنده عذابی سخت

ویل لكل أفاك أئيم .. أتخذها هزواً ... و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ < قطع رحم > ، گناهی بزرگ و در ردیف فسادانگیزی در زمین

تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

از این که < تقطعوا أرحامکم > در کنار < تفسدوا فی الأرض > قرار گرفته و از میان همه گناهان اختصاص به ذکر یافته است؛ بزرگی گناه آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۸

۸ - بدگمانی به خداوند ، از گناهان بزرگ و موجب قرار گرفتن انسان در زمره منافقان و مشرکان

المنفقین .. و المشرکین ... الظانین بالله ظنّ السوء

وصف < الظانین .. > مشعر به علیت است؛ یعنی، این بدگمانی است که روح اصلی نفاق و شرک را تشکیل داده و انسان ها با این بدگمانی، منافق و مشرک می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۴

۴ - باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجدالحرام را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٣ - > دخل عمرو بن عبيد على أبي عبد الله (ع) .. قال أحبّ

أن أعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل فقال : نعم ، أكبر الكبائر الإشراك بالله ... و بعده الإياس من روح الله ... ثم الأمن مكر الله ... و منها عقوق الوالدين ... و قتل النفس ... و قذف المحصنه ... و أكل مال اليتيم ... و الفرار من الزحف ... و أكل الربا ... و السحر ... و الزنا ... و اليمين الغموس الفاجره ... و الغلول ... و ترك الصلاه متعمداً و نقض العهد و قطيعه الرحم ... ;

(۱) بعضی غلول را به معنای خیانت در غنائم و اموال عمومی گرفته اند.

۲۵ - > دخل عمروبن عبید علی الصادق (ع) ... و قال : أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله فقال ... و اللواط > و الذين یجتنبون كبائر الإثم و الفواحش ... < ;

عمروبن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد.. و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از قرآن بشناسم... امام [ضمن بیان گناهان کبیره] فرمود: <لواط> هم یکی از آنها است و آیه <الذین یجتنبون کبائر الإثم و الفواحش...> را تلاوت نمود...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۱،۴

۱ - عظمت گناه پیمان شکنی در بینش الهی

و كانوا یصبرون علی الحنث العظیم

>حنث< در مطلق گناه و نیز خصوص شکستن پیمان و خلف قسم به کار می رود. گفتنی است که توصیف <حنث> به



وصف <عظیم>، بیانگر آن است که شکستن پیمان در همه موارد گناهی بزرگ است.

۴- شرک‌ورزی، گناهی بزرگ و نابخشودنی و باعث دوزخی شدن انسان

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <حنث> در آیه شریفه، شکستن پیمان توحید است (پیمانی که خداوند فطرتاً و در عالم ذر از انسان‌ها گرفته است). بر این مبنا، مفاد آیه چنین می‌شود: اصحاب شمال به خاطر شکستن پیمان توحید و روی آوردن به شرک و اصرار بر آن، گرفتار عذاب دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۵ - ۲

۲- دروغ بستن بر خدا، گناهی بس بزرگ و نابخشودنی

و لو تقول علینا .. لأخذنا منه بالیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۳

۳- ترک نماز، جرمی بزرگ و نابخشودنی

عن المجرمین .. قالوا لم نک من المصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۲

۲- اطعام نکردن به مساکین و گرسنه‌ها کردن آنان در جامعه، جرمی بزرگ و نابخشودنی است.

عن المجرمین .. و لم نک نطعم المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۵ - ۲

۲- به بطالت گذراندن عمر، جرمی بزرگ و نابخشودنی است.

عن المجرمين . . . و كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۳

- تکذیب روز جزا، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین . . . و کنا نکذب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنا هدیة السبیل . . . إنا أعتدنا للكفرین ... سعیرا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۴

۴ - تکذیب دین ، جرمی بزرگ و غیر قابل بخشش

کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمان>، همان <مکذبان> است که در این سوره یازده بار ذکر شده است و چون تکذیب گران، محکوم به هلاکت اند، بنابراین جرم آنان (تکذیب دین)، بزرگ و غیر قابل بخشش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۹

۹ - کشتن ناقه صالح ، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

گناهان کبیره در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

مراتب گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۳

۳ - گناهان کبیره ، دارای مراتب

يجتنبون كبئر الاثم و الفواحش

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر <الفواحش> به دنبال <کبائر الاثم> از قبیل ذکر خاص بعد از عام باشد. بنابراین <فواحش> عبارت است از گناهان کبیره ای که قبلی فزون تر دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

ناپسندی قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - کشتن فرد بی گناه ، کاری زشت و ناروا است .

لقد جئت شیئا نکرًا

<نکر> صفت مشبه و به معنای <منکر> است <یعنی کار قبیح و ناپسند و خلاف معروف>.

هلاکت بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۳

۱۳ هلاکت گروهی به سبب گناه گروهی دیگر ، خلاف سنن الهی در دیدگاه موسی (ع)

أتهلكنا بما فعل السفهاء منا

گناهان کبیره

{گناهان کبیره}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۹

۹ کشتار و خونریزی ، گناهی بزرگ و مصداق بارز فسادگری است .

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ

فسادگری شامل خونریزی نیز می شود. بنابراین عطف <يسفك الدماء> بر

<یفسد فیها> عطف خاص بر عام است و حکایت از آن دارد که گناه خونریزی و آدمکشی از دیگر فساد گریها، بزرگتر و تباهی آن بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱،۲

۱ - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی، جرم و گناهی بزرگ، و در پی دارنده عذاب الهی است.

فویل للذین یکتبون .. فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه <فویل> کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از <فویل للذین...> گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

۲ - ارائه و نشر افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان های الهی، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است.

فویل للذین .. ثم یقولون هذا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۹

۲۹ - جنگ های داخلی و برادر کشی، از بزرگترین گناهان و موجب خواری و ذلت در دنیا و گرفتار شدن به عذاب اخروی است.

تقتلون أنفسکم .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا و یوم القی

از آن جا که گناهان یاد شده، در پی دارنده شدیدترین عذابهاست، معلوم می شود این گناهان از بزرگترین گناهان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۷،۵۳

۷ - به کارگیری سحر گناهی بزرگ و به منزله

کفر است .

و ما کفر سلیمان

چنانچه گذشت، مراد از جمله فوق نفی جادوگری از سلیمان است. ولی از آن جا که از جادوگری به کفرورزی، تعبیر شده، به دست می آید که: جادوگری خود نوعی کفر است و یا گناهی است به منزله کفر.

۵۳ - عمرو بن عبید وارد بر امام صادق (ع) شد . . . و گفت : دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم ، امام فرمود : > . . . والسحر لان الله عز و جل يقول : و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق . . . ;

.. از جمله گناهان کبیره <سحر> است چون خداوند می فرماید: مسلماً آنان (ساحران) می دانستند هر کس خریدار این متاع (سحر) باشد در آخرت هیچ نصیبی برای وی نخواهد بود ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۲، ۲۱

۲۱ - تخریب مساجد به انگیزه یاد نکردن خدا در آنها، گناهی بزرگ و در پی دارنده خواری در دنیا و عذابی بزرگ در قیامت است .

و سعی فی خرابها . . . لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الآخره عذاب عظیم

از اینکه بازدارندگان مردم از ورود به مساجد و تخریب کنندگان آن ها، ظالمترین مردم شمرده شده اند و نیز به عذاب عظیم قیامت تهدید شده اند، بزرگی گناه آنان به دست می آید.

۲۲ - بستن مساجد به روی مردم و بازداشتن آنان از یاد خدا، از گناهان بزرگ است .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن یدکر فیها اسمه . . .



لهم في الآخرة عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۲۱

۲۱ - مخالفت آگاهانه با هدايت های الهی ، انحراف و گناهی بزرگ و نابخشودنی است .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد الذي جاءك من العلم مالک من الله من وليّ و لانصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۷

۷ - کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، از گناهان بزرگ است .

إن الذين يکتمون ما أنزلنا .. أولئک یلعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدين فيها لا یخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۲

۲ کفر و کشتن پیامبران و عدالتخواهان ، گناه بزرگی است که همه اعمال نیک را می زداید و تباه می کند .

انّ الذين یکفرون .. أولئک الذين حبّطت اعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ سوداگران با شکستن عهد الهی و سوگند های خویش از گناهان بزرگ

انّ الذین یشترون . . . و لهم عذاب الیم

کیفر سخت، نشانه بزرگی گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ اختلاف و پراکندگی جوامع ایمانی با وجود دلایل روشن ( اتمام حجت ) ، گناهی است بزرگ .

و اختلفوا من بعد ما جاءهم اليّنات و اولئك لهم عذاب عظيم

بزرگی عذاب، دلالت بر بزرگی گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۹

۱۹ گناه و اصرار بر آن ، موجب ارتکاب گناهان بزرگتر

كانوا يكفرون بنّات الله و يقتلون الانبياء بغير حقّ ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلك بما عصوا>، کفر به آیات و قتل انبیا باشد و این دو گناه بزرگ، معلول اصرار بر گناهان خفیفتری است که <عصوا> و <يعتدون> اشاره به آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱

۱ افترا به خداوند بالاترین ظلم و از بزرگترین گناهان است.

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۸،۹

۸ افترا بر خداوند از گناهان بزرگ و موجب کیفر اوست.

سیجزیهم بما كانوا یفترون

۹ جعل قانون و منتسب کردن آن به خداوند از گناهان بزرگ است.

و قالوا .. سیجزیهم بما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۸

۸ از امام صادق (ع) [ضمن حدیثی در توضیح گناهان کبیره] روایت شده است: >... و منع الزکاه المفروضه لأن الله عز و جل يقول: يوم یحیی علیها فی نار جهنم

فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم ...؛

.. از جمله گناهان کبیره، منع زکات واجب است؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: روزی که آن [زر و سیم] را با آتش دوزخ می گدازند و پیشانی، پهلو و پشت آنان را داغ می زنند و می گویند این است آنچه برای خود اندوختید ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ خرده گیری و مسخره کردن مؤمن گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب سخت الهی است .

فیسخرون منهم سخر الله منهم و لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۴

۴ لواط و همجنس بازی ، گناهی بزرگ و به منزله گناهانی بسیار است .

و من قبل كانوا يعملون السيئات

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که <ال> در <السيئات> عهد ذهنی باشد. در این صورت مقصود از <السيئات> لواط است. اطلاق <سيئات> به صورت جمع بر یک گناه ، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱

۱ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، حرام و گناهی بزرگ است .

ولا تتركوا إلى الذين ظلموا

<الركون إلى شيء>؛ یعنی ، گرایش پیدا کردن به چیزی و اعتماد کردن بر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ > عن أبي عبد الله (ع) : ... [ من الكبائر ] الإيأس

من روح الله ، لأن الله عزوجل يقول : > إنه لا يأس من روح الله إلا القوم الكافرون < ... ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: [یکی از گناهان کبیره] ناامیدی از رحمت خداست ؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: > إنه لا يأس من روح الله إلا القوم الكافرون < .. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ > دخل عمرو بن عبيد على أبي عبدالله (ع) فلما سلم و جلس ... قال : أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل ، فقال : ... منها : ... نقض العهد و قطيعه الرحم لأن الله عزوجل يقول : > أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار < ... ؛

عمرو بن عبيد بر امام صادق(ع) وارد شد و بعد از سلام نشست . . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خدا بشناسم، پس حضرت فرمود: ... یکی از آن گناهان ... عهدشکنی و قطع رحم است ؛ چون خداوند عزوجل می فرماید: أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۶

۶- یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، از گناهان بزرگ و امری بس نکوهیده

و من يقنط من رحمه ربّه إلا الضالّون

اینکه خداوند یأس از رحمت خویش را عمل گمراهان قرار داد و مأیوسان را برابر گمراهان شمرده است، بیانگر بزرگی این عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

۶- انحرافات جنسی و همجنس بازی ، جرمی بزرگ و در پی دارنده عذاب است .

فأخذتهم الصيحة .. فجعلنا عليها سافلها و أمطرنا عليهم حجاره من سجيل

از اینکه قوم لوط به خاطر گناه لواط و همجنس بازی دچار عذاب و نابودی شدند، استفاده می شود که این گناه بسیار بزرگ و در صورت توبه نکردن، نابخشودنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۹ - ۴

۴- ظلم و بیدادگری ، گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است .

و إن كان أصحاب الأيكة لظلمين . فانتقمنا منهم

انتقام خداوند از <اصحاب ایکه> به خاطر ظلم آنها، بیانگر این نکته است که ظلم و بیدادگری گناهی نیست که قابل عفو و آمرزش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۴

۴- التقات در دین ( پذیرش قسمتی از دین و انکار برخی دیگر ) گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب الهی است .

كما أنزلنا على المقتسمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۳

۳- ساختگی دانستن قرآن ، گناهی بس بزرگ و سنگین

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱

۱- سوداگری با عهد و پیمان الهی و زیر پا نهادن آن در برابر بهای ناچیز دنیوی ، ممنوع و گناهی نابخشودنی است .

و لاتتخذوا أیمانکم دخلاً... و لکم عذاب عظیم . و لاتشتروا بعهد الله



ممنوعیت سوداگری با عهد و پیمان الهی، از نهی <لاتشترُوا> و بزرگ بودن گناه آن، از ذیل آیه قبل (و لکم عذاب عظیم) که به عذاب بزرگ تهدید شدند استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۳

۱۳- فسادانگیزی ، گناهی بزرگ و در پی دارنده مجازات دنیوی و اخروی خداوند است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكفرین حصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- فرزند کشی ، خطا و جنایتی بس بزرگ و عملی محکوم در طول اعصار و قرن های گذشته

إن قتلهم كان خطئًا كبيرًا

<خطئًا> در لغت به معنای عدول از جهت اصلی و حقیقی است و از جمله کاربردهای این واژه، جایی است که شخص تصمیم بر انجام کار نادرست می گیرد و آن را به انجام می رساند (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : > و لاتقربوا الزنا إنه كان فاحشه < يقول : معصیه و مقتاً فإن الله یمقته و بیغضه قال : > و ساء سیلاً < و هو أشد الناس عذاباً و الزنا من أكبر الكبائر ;

از امام باقر(ع) در باره یخن خدا > و لاتقربوا الزنا إنه كان فاحشه < روایت شده است که فرمود: خدا می گوید: [زنا] گناه و نفرت انگیز است زیرا به شدت مورد تنفر و غضب الهی است [و درباره] > و ساء سیلاً < فرمود: و

زناکار عذابش از همه شدیدتر است و زنا از بزرگ ترین گناهان کبیره است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵ - ۱۱

۱۱- افترا بستن بر خدا، گناهی بزرگ است .

قالوا اتخذ الله ولداً .. كبرت كلمة ... إن يقولون إلا كذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱۱، ۱۲

۱۱- افترا بر خداوند، گناهی بزرگ است و افترازنندگان به او، ستم کارترین مردمان اند .

فمن أظلم ممن افترى على الله كذباً

۱۲- شرک، گناهی بزرگ است و مشرکان، ظالم ترین مردمان اند .

اتخذوا من دونه ءالهه .. فمن أظلم ممن افترى على الله كذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۲

۱۲- اصحاب کهف، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند .

أو يعيدوكم في ملتهم و لن تفلحوا إذا أبدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع) [ في تعريف الكبائر ] و منها عقوق الوالدين لأن الله عزوجل جعل العاق جباراً شقيماً في قوله

حكاية ، قال عيسى (ع) : > و براً بوالدتي و لم يجعلني جباراً شقيماً < ;

از امام صادق (ع) [در معرفی گناهان کبیره] روایت شده که از جمله آنها عقوق و نافرمانی والدین است، زیرا خداوند عزوجل

در سخن خود به نقل از حضرت عیسی (ع) عاق نافرمانی کننده را

جبار شقی قرار داده است، آن جا که فرموده: و بَرّاً بوالدتی و لم يجعلنی جباراً شقیّاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۴

۴- بت پرستی و اطاعت از شیطان ، گناهی بزرگ است .

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ ... لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ... إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسُكَ عَذَابُ مِنَ الرَّحْمَنِ

نسبت دادن <عذاب> به خدای رحمان که دارای رحمت وسیع است می تواند بیانگر این نکته باشد که گناه بت پرستی به قدری شدید است که مظهر رحمت و مهربانی را نیز به خشم می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۴

۴- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أَضَاعُوا الصَّلَاةَ ... فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا

چنان که گفته شد معنای <يَلْقَوْنَ عَذَابًا> به قرینه <يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ> (در آیه بعد) <يَلْقَوْنَ جَزَاءَ غَيْبِهِمْ> است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۶

۶- شرکورزی و پرستش معبود های باطل ، گناهی بزرگ و موجب دوزخی شدن است .

و نَسُوا الْمَجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۵

۵ - افترای بر خداوند و گفتن چیز های دروغ و خود بافته در باره او ، گناهی عظیم و موجب استحقاق عذاب استیصال و نابودی است .

لا تفتروا على الله كذبًا فيسحتكم

<إسحات> (مصدر <يسحتكم>) به معنای ریشه کن کردن و نابود ساختن است. <فيسحتكم بعذاب> با توجه به نکره بودن <عذاب> که بر عظمت و شدت آن دلالت دارد به این معنا است: شما را با عذابی سخت، ریشه کن و هلاک خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا .. و من يحلل عليه غضبي فقد هوى

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ارتداد از دین ، گناهی نابخشودنی و درپی دارنده عذاب جاودان اخروی است .

و من الناس من يعبد الله على حرف .. خسر الدنيا والأخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب الیم> کیفر دنیوی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲۲

٢٢ - > دخل عمرو بن عبّيد على الصادق (ع) . . . وقال : أحب

أن أعراف الكبائر من كتاب الله فقال: ... إن الكبائر... وقول الزور > واجتنبوا قول الزور <... ;

عمر بن عبید بر امام صادق (ع) وارد شد.. و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب الله بشناسم. آن حضرت فرمود: ... [از جمله] گناهان کبیره... قول زور است؛ [چون در کتاب الله آمده است:] > واجتنبوا قول الزور <...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷ - ۳

۳ - بی عفتی (ارضای غریزه جنسی به گونه نامشروع) ، انحرافی بزرگ و گناهی عظیم در پیشگاه خداوند

فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۳

۱۳ - نسبت بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

والذين يرمون المحصنات .. و لا تقبلوا لهم شهاده أبداً و أولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۵،۷،۸

۵ - هتک حرمت پیامبر (ص) و افترا به حریم آن حضرت ، گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند و در پی دارنده فرجامی ناگوار

إذ تلقونه بألسنتكم .. و تحسبونه هيئاً و هو عند الله عظيم

۷ - شکستن حرمت و آبروی اهل ایمان ، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إذ تلقونه بألسنتكم و تقولون بأفواهكم ما ليس لكم به علم و تحسبونه هيئاً و هو عن

۸ - پذیرش و انتشار شایعه های ناروا علیه مؤمنان و جامعه اسلامی ، بدون توجه

به درستی و نادرستی و پیامد های آنها ، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إِذْ تَلَقُّونَهُ بِالرَّسْمِ وَتَقُولُونَ... تَحْسِبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - اشاعه فحشا در میان مردم ، گناهی بزرگ و در پی دارنده عذابی دردناک در دنیا و آخرت

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

<فاحشه> به هر عمل و سخن بسیار زشت گفته می شود و این واژه کنایه از گناه زنا و فساد جنسی است. عبارت <أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ> نیز به دو گونه قابل معنا و تفسیر کردن است: ۱ اشاعه فحشا و رواج گناهان جنسی. ۲- رواج و پخش اخبار مربوط به فحشا و روابط جنسی دیگران، که در این صورت کلمه ای در تقدیر است، یعنی، <أَنْ تَشِيعَ خَبْرَ الْفَاحِشَةِ>.

۲ - بازی با حیثیت مؤمنان و بدنام ساختن آنان ، معصیتی بزرگ و دارای فرجامی سخت و دردناک در دنیا و آخرت

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۶،۹

۶ - قذف و اتهام به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، از گناهان کبیره است .

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... لَعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه شریفه، قذف کنندگان و تهمت به زنان مورد طرد و لعن در



دو عرصه دنیا و آخرت قرار گرفته اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

۹ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : قذف المحصنات من الكبائر لأنَّ الله عزَّوجلَّ يقول : لعنوا في الدنيا و الآخرة و لهم عذاب عظیم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود قذف زنان پاکدامن (یعنی، نسبت زنا دادن به آنان) گناه کبیره است؛ زیرا خدای عزوجل [در باره قذف کنندگان] می فرماید: لعنوا فی الدنيا و الآخرة و لهم عذاب عظیم >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۹

۹ شرک ، آدم کشی و زنا ، از گناهان بزرگ و خطیر

يضعف له العذاب يوم القيامة و يخلد فيه مهاناً

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۶

۶ - تکذیب آیات و نشانه های الهی بدون تحقیق و دلیل علمی ، جرمی بزرگ و دارای کیفر

قال أكذبتم بايتي و لم تحيطوا بها علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۲

۲ - فخر فروشی و خودنمایی ، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخرج علی قومه فی زینته .. فحسبنا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریح <حسبنا> بر <فخرج علی قومه فی زینته> به دست می آید؛ زیرا قارون پس از فخر فروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

جلد - نام سوره - سوره -

۱۷ - > عن محمد بن مسلم ، عن أبي جعفر (ع) قال : سمعته يقول : الغناء ممّا وعد الله عزّوجلّ عليه النار و تلى هذه الآية : >  
و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله بغير علم و يتّخذها هزواً أو لثكاً لهم عذاب مهين < ;

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می گفت: غنا از جمله گناهانی است که خداوند عزّوجلّ برای آن، وعده آتش داده است. و این آیه را تلاوت کرد: و من الناس من يشتري لهو الحديث...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - کشتن مؤمنان مجاهد و مبلغان دینی ، گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب و نابودی است .

قیل ادخل الجنّه . .. إن كانت إلاّ صبيحه وحده فإذا هم خمدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - استکبار در برابر پذیرش کلمه توحید ، بزرگ ترین و سنگین ترین جرم است .

كذلك نفعل بالمجرمين . إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلاّ الله يستكبرون

دوزخی دانستن کسانی که مرتکب جرم استکبار در برابر توحید شده اند، حاکی از حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - شرک ، گناهی بس بزرگ و موجب محرومیت از رحمت الهی در قیامت

و لكن يدخل من يشاء في رحمة والظلمون . .. أم اتخذوا من دونه أولياء

آیه قبل استفاده می شود که ظالمان از رحمت الهی به دوراند (یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمون ما لهم..). و از آن جا که شرک مصداق بارز ظلم به شمار می آید، می توان مطلب بالا را برداشت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۲

۲- آزردهن خاطر پدر و مادر، حتی با گفتن <أف>، جرمی گران است.

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا .. و الذی قال لولدیه أف لکما ... إنهم کانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک، جرمی بزرگ و کیفر آور در قیامت

يعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۶

۶ - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن، گناهی بس عظیم

فبأی ءالآء ربکما تکذبان

از ده ها بار تکرار <فبأی ءالآء..> در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۵

۵ - < عن بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول الله عزوجل : < فلا أقسم بمواقع النجوم > قال : أعظم إثم من يحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزوجل <فلا أقسم بمواقع النجوم> سؤال کردند، حضرت

فرمود: بزرگ است گناه کسانی که به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۷

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یئسوا..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۷ - ۱

۱ - افترا و نسبت دروغ به خدا بستن ، بالاترین ظلم و بدترین گناه است .

و من أظلم ممن افترى على الله الكذب

تقیح افترا بر خداوند با تعبیر <أظلم> (صیغه اسم تفضیل)، نشان از بزرگی گناه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۵، ۳

۳ - بی عفتی (ارضای غریزه جنسی به گونه نامشروع) ، انحرافی بزرگ و گناهی عظیم در پیشگاه خداوند

فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

۵ - <سُئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنْ الْخَضَخَضَةِ فَقَالَ : إِثْمٌ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ . . . فَقَالَ السَّائِلُ : بَيْنَ لِي يَا بِنَ رَسُولَ اللَّهِ (ع)

(ع) مِنْ كِتَابِ اللَّهِ نَهَى فَقَالَ : قَوْلَ اللَّهِ < فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ > وَهُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِكَ . . . ;

از امام صادق(ع) درباره خضخضه (عمل استمنا) سؤال شد، فرمود: گناه بزرگی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده

است . . . سؤال کننده پرسید: ای فرزند رسول خدا! نهی آن

را از قرآن برای من بیان کن، فرمود: سخن خداوند <فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون> و آن [عمل استمنا] از مصادیق <وراء ذلك> است...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱ - ۱

۱ - کم فروشی ، گناهی بزرگ است و کم فروشان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفین

<طفیف> و <قلیل>، به یک معنا است. تطیف کاستنی است که انجام دهنده آن در پیمانہ کردن و وزن کردن خیانت کند و <ویل> در اصل به معنای عذاب و هلاکت است. (لسان العرب)

آثار اجتناب از گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱،۲

۱ - پرهیزکنندگان از گناهان بزرگ و زشتی ها ، برخوردار از نعمت های جاودان الهی

و ما عند الله .. للذین ءامنوا ... و الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

۲ - پرهیز از بدی ها و گناهان کبیره ، نمود و نشانه ایمان و اتکا به خداوند

للذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون . و الذین یجتنبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲،۵،۶

۲ - نیک کرداری به همراه اجتناب از گناهان کبیره ، شرط برخورداری از پاداش الهی

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

ذکر <الذین یجتنبون..> به دنبال <الذین أحسنوا> می تواند بیانگر شرط دوم برای بهره مندی انسان، از پاداش الهی باشد.

۵ - لغزش های کوچک پرهیزکنندگان از گناهان کبیره ، مورد بخشش خداوند

الذين يجتنبون .. إلا اللّٰم إن ربّك

<لمم> در معانی گناه صغیره و گناهی که انسان هر از گاهی مرتکب آن شود، اطلاق می گردد. برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۶ - گناهان اتفاقی در زندگی اجتناب کنندگان از کبائر، مورد عفو و اغماض الهی

الذین یجتنبون کبیر الإثم ... إلا اللّم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <اللّم> در آیه شریفه، گناهانی باشد که انسان به طور اتفاقی مرتکب آن می شود.

آثار اصرار بر گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۳

۳ - پافشاری و تداوم بخشی بر گناهان بزرگ، در پی دارنده قطعی دوزخ

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

آثار گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۹

۹ - گناهان بزرگ، مانع پدید آمدن زمینه های سپاسگزاری به درگاه خدا و رسیدن به منزلت شاکران

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۴

۱۴ - <عن الصادق (ع) : ... إن الكبائر ... كفران النعمه > و لئن كفرتم إن عذابی لشدید < ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که در بیان گناهان کبیره فرمود: ... همانا از گناهان کبیره ... کفران نعمت است [خداوند

می فرماید: [و لئن کفرتم إن عذابی لشدید...].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۴۵

۴ - انجام گناه کبیره ،



موجب زوال ایمان نخواهد شد . \*

للذین ءامنوا .. و الذین یجتنبون کبیر الإثم

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که وصف <الذین یجتنبون..> احترازی باشد و نه توضیحی بدین معنا که ایمان حقیقتی مستقل داشته باشد که هر گاه با معنایی چون <اجتناب از کبائر> جمع شود، دستیابی به نعمت های جاودان بهشت را نتیجه دهد.

۵- ارتکاب گناهان بزرگ و انجام اعمال زشت ، مانع بهره مندی انسان از نعمت های جاویدان اخروی

و ما عند الله خیر .. الذین یجتنبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۴

۴- تأثیر ویرانگر و مخرب گناهان کبیره ، در فرجام و سرنوشت انسان

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

آمرزش گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۶ - ۱۶

۱۶ > عن ابراهیم بن العباس یقول : کنا فی مجلس الرضا (ع) فتذاکروا الکبائر و قول المعتزله فیها : انها لاتغفر فقال الرضا (ع) : قال أبو عبد الله (ع) : قد نزل القرآن بخلاف قول المعتزله ، قال الله عزوجل : إن ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم < .. ; .

ابراهیم بن عباس گوید: در مجلس امام رضا(ع) بودیم، سخن از گناهان کبیره و عقیده معتزله مبنی بر اینکه آن گناهان بخشیده نمی شوند، به میان آوردند. امام رضا(ع) نقل از امام صادق(ع) فرمود: همانا قرآن برخلاف سخن معتزله نازل شده است. خدای عزوجل فرمود: <و إن ربک لذو مغفره

للناس علی ظلمهم <...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۲۶

۲۶ - روی آوردن به ایمان ، زمینه ساز آموزش و رحمت الهی ، حتی نسبت به گناهان بزرگ

علی أن لا یشرکن. .. و استغفر لهنَّ اللهُ إِنَّ اللهُ غفور رحیم

از صدر آیه شریفه استفاده می شود که چه بسا، برخی از روی آوردندگان به ایمان، در گذشته کفرآلود خویش مرتکب گناهان بزرگی شده بودند. از ذیل آن (إِنَّ اللهُ غفور رحیم) نیز استفاده می شود که، آنان هم مورد غفران و رحمت الهی قرار می گیرند.

اجتناب از گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱

۱ - پرهیز پیوسته و مستمر از زشتی ها و گناهان کبیره ، از ویژگی های بارز نیک کرداران

و یجزی الذین أحسنوا .. الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

استمرار، از فعل مضارع <یجتنبون> استفاده می شود.

توبه از گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۲۰

۲۰ - توبه از گناهان بزرگ نیز به درگاه خداوند پذیرفته است .

إِنَّه کان تَوَّابًا

<تَوَّابٌ> بر مبالغه دلالت دارد (مصباح). مبالغه در توبه پذیری، یا به این معنا است که هر چه توبه تکرار شود، توبه پذیری هم تکرار خواهد شد و یا این که گناه هر چه بزرگ باشد، خداوند توبه از آن را خواهد پذیرفت.

عوامل تكفير گناهان كبيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - زمر - ٣٩ - ٣٥ - ٢

٢ - احسان ، موجب محو و

زدایش بزرگ ترین گناهان از پرونده اعمال است .

ذلك جزاء المحسنين . ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا

کیفر گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- ارتکاب گناه کبیره هر چند جاهلانه ، تقلیدی و تحت تأثیر تبلیغات باشد ، کیفر دارد .

ليحملوا أوزارهم ... و من أوزار الذين يضلونهم بغير علم

این برداشت، مبتنی بر این اساس است که <من> برای تبعیض و <بغیر> حال برای ضمیر مفعولی باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: آنان به دوش می کشند گناهان خود و بخشی از گناه گمراه شدگان به دست خود را، هر چند اینها عالم نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱،۳

۱ - کتمان معارف و احکامی که خدا نازل کرده و در کتاب های آسمانی ثبت شده ، از گناهان بزرگ است .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب ... لهم عذاب أليم

۳- دین فروشی و کسب متاع دنیا در قبال آن ، از گناهان بزرگ است .

و یثرون به ثمناً قليلاً

أولئك ما يأكلون في بطونهم إلا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلا تتعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است.

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴- ظلم، گناهی بزرگ و نابخشودنی و موجب کیفر سخت الهی در قیامت است.

یعمل الظلمون... لیوم تشخص فیہ الأبصر. مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتدّ إلیهم طرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۳

۳- ظلم، گناهی بزرگ و نابخشودنی و عامل اصلی ابتلای انسان به عذاب اخروی است.

و إذا رءا الذین ظلموا العذاب

برداشت فوق به خاطر این نکته است که با آنکه آیه در صدد بیان وضعیت کافران در قیامت است، ولی از آنان به ظالمان توصیف کرده است و وصف مشعر به علیت است. گفتنی است وعده عذاب اخروی، بیانگر بزرگی و نابخشودنی بودن آن

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إِنَّكُمْ و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم .. و كلُّ فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۸

۸- شرک ، گناهی بزرگ و دارای کیفری ویژه در نزد پروردگار

و من يدع مع الله .. فَإِنَّمَا حسابُه عند ربِّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۱

۱ - گناه قذف ( نسبت دادن زنا بدون دلیل به زنان پاکدامن ) علی رغم بزرگی اش ، بخشودنی و قابل آمرزش از سوی خداوند است .

والذین یرمون المحصنت .. أولئك هم الفسقون. إلا الذین تابوا من بعد ذلك و أصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲،۴

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدر اسلام

قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک افتريه .. قالوا مالِ هذا الرسول ... بل کذبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود؛ نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

۴ انکار معاد ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

و أعتدنا لمن کذب بالساعه سعیرًا

برداشت فوق، از وعده عذاب دوزخ به تکذیب کنندگان قیامت استفاده شده است.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذین لا یدعون مع الله إلهًا . .. و لا یزنون

ترتیب ذکرى جمله های <و الذین لا یدعون..> <لا یقتلون...> و <لا یزنون> می تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۵

۵ - دروغ ، مادر گناهان و زاینده انحراف ها

أفأک أئیم

اختصاص به ذکر یافتن <إفک> از میان سایر گناهان و اصل قرار گرفتن برای <إثم> (تقدم آن بر إثم) می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۳

۳ - تخلف بی دلیل از مقررات ارتش ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

أم کان من الغائبین . لأعدبته ... أو لأذبحته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹

۹ - کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزی إلا الکفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸- شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابى سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۶

- سد کردن راه ایمان و معرفت دیگران به قرآن ، گناهی بزرگ تر و بدتر از کفر و گناهان شخصی کافران

و قال الذين كفروا لاتسمعوا ... و لنجزينهم أسوأ الذي كانوا يعملون

برداشت بالا بدان احتمال است که <أسوء> در مقام مقایسه میان کفر و حق ناباوری کافران، با تلاش های آنان در جلوگیری از گرایش دیگران به ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷

۳ - مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی ، از گناهان بزرگ است .

و يعلم الذين يجدلون في ءايتنا .. و الذين يجتنبون كبر الإثم

۶ - گناهان از دیدگاه وحی ، تقسیم پذیر به گناهان کبیره و گناهان صغیره

الذين يجتنبون كبر الإثم

۸ - ارتکاب فحشا ( زنا و لواط ) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذين يجتنبون كبر الإثم و الفواحش

ذکر <الفواحش> پس از ذکر <كبائر الإثم> با این که <كبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

۱۳ - > ( عن ) موسى بن جعفر ( ع ) يقول : دخل عمرو بن عبید علی أبي عبد الله ( ع ) فلما سلم و جلس تلا هذه الآية : >  
الذين يجتنبون كباير الإثم و الفواحش < ... قال أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل فقال : نعم یا عمرو أكبر الكبائر  
الإشراك

بالله... وبعده الإياس من روح الله... ثم الأمن لمكرالله... و من ها عقوق الوالدين... و قتل النفس... و قذف المحصنه... و أكل مال اليتيم... و الفرار من الزحف... و أكل الربا... و السحر... و الزنا... و اليمين الغموس الفاجره... و الغلول... و منع الزكاه... و شهاده الزور و كتمان الشهاده... و شرب الخمر... و ترك الصلاه... و نقض العهد و قطيعه الرحم... ;

از امام كاظم(ع) روايت شده است كه فرمود: عمروبن عبید (از علمای عامه) وارد بر امام صادق(ع) شد و چون سلام كرد و نشست آيه <الذین یجتنبون كبائر الإثم و الفواحش> را تلاوت كرد.. و گفت دوست دارم كه گناهان كبیره را از كتاب خدا بشناسم امام فرمود: آری ای عمرو! بزرگ ترین گناه كبیره شرك به خدا است... و بعد از آن یأس از رحمت خدا،... و سپس ایمن شدن از مكر خدا... و از جمله آنها نافرمانی نسبت به پدر و مادر... و كشتن انسان... و اتهام به زنان پاكدامن... و خوردن مال یتیم... و فرار از میدان جنگ... و رباخواری... و سحر... و زنا... و قسم دروغ (برای حق ناحق كردن) و خیانت... و ندادن زكات... و گواهی دروغ و كتمان گواهی... و خوردن شراب... و ترك نماز... و پیمان شكنی و قطع رحم...<.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۷ - ۳

۳ - دروغ پردازی ، گناهی بزرگ

أفَّاك أثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - حرمت شکنی و استهزا نسبت به آیات الهی ، گناهی بس بزرگ و در پی دارنده عذابی سخت

ویل لكل أفَّاك أثم .. اتخذها هزواً ... و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ < قطع رحم > ، گناهی بزرگ و در ردیف فسادانگیزی در زمین

تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

از این که < تقطعوا أرحامکم > در کنار < تفسدوا فی الأرض > قرار گرفته و از میان همه گناهان اختصاص به ذکر یافته است؛ بزرگی گناه آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۸

۸ - بدگمانی به خداوند ، از گناهان بزرگ و موجب قرار گرفتن انسان در زمره منافقان و مشرکان

المنفِقین .. و المشرکین ... الظَّائِنِ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوِّءِ

وصف < الظَّائِنِ .. > مشعر به علیت است؛ یعنی ، این بدگمانی است که روح اصلی نفاق و شرک را تشکیل داده و انسان ها با این بدگمانی ، منافق و مشرک می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجدالحرام را به عنوان دومین جرم مهم

مشركان ياد كرده و آن را در کنار كفر آنان متذكر شده است؛ مطلب بالا استفاده مي شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲۵، ۲۳

۲۳ - > دخل عمرو بن عبيد على أبي عبد الله (ع) .. قال أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله عز وجل فقال : نعم ، أكبر الكبائر الإشراف بالله ... و بعده الإياس من روح الله ... ثم الأمن مكر الله ... و منها عقوق الوالدين ... و قتل النفس ... و قذف المحصنه ... و أكل مال اليتيم ... و الفرار من الزحف ... و أكل الربا ... و السحر ... و الزنا ... و اليمين الغموس الفاجره ... و الغلول ... و ترك الصلاة متعمداً و نقض العهد و قطيعه الرحم ... ;

(۱) بعضی غلول را به معنای خیانت در غنائم و اموال عمومی گرفته اند.

۲۵ - > دخل عمرو بن عبيد على الصادق (ع) ... و قال : أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله فقال ... و اللواط > و الذين يجتنبون كبائر الإثم و الفواحش ... < ;

عمرو بن عبيد بر امام صادق(ع) وارد شد. .. و گفت: دوست دارم گناهان كبيره را از قرآن بشناسم... امام [ضمن بيان گناهان كبيره] فرمود: <لواط> هم یکی از آنها است و آيه <الذين يجتنبون كبائر الإثم و الفواحش...> را تلاوت نمود...<.

جلد -



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۱،۴

۱ - عظمت گناه پیمان شکنی در بینش الهی

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

<حنث> در مطلق گناه و نیز خصوص شکستن پیمان و خلف قسم به کار می رود. گفتنی است که توصیف <حنث> به وصف <عظیم>، بیانگر آن است که شکستن پیمان در همه موارد گناهی بزرگ است.

۴ - شرکوری، گناهی بزرگ و نابخشودنی و باعث دوزخی شدن انسان

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

برخی از مفسران برآنند که مراد از <حنث> در آیه شریفه، شکستن پیمان توحید است (پیمانی که خداوند فطرتاً و در عالم ذر از انسان ها گرفته است). بر این مبنا، مفاد آیه چنین می شود: اصحاب شمال به خاطر شکستن پیمان توحید و روی آوردن به شرک و اصرار بر آن، گرفتار عذاب دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۵ - ۲

۲ - دروغ بستن بر خدا، گناهی بس بزرگ و نابخشودنی

و لو تقول علینا .. لأخذنا منه بالیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۳

۳ - ترک نماز، جرمی بزرگ و نابخشودنی

عن المجرمین .. قالوا لم نک من المصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۲

۲ - اطعام نکردن به مساکین و گرسنه رها کردن آنان در جامعه ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین . . . و لم نک نطعم المسکین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۵ - ۲

۲ - به بطالت گذراندن عمر ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین . . . و کنا نخوض مع الخائضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۳

۳ - تکذیب روز جزا ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین . . . و کنا نکذب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنا هدینه السبیل . . . إنا أعتدنا للكفرین . . . سعیراً

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۴

۴ - تکذیب دین ، جرمی بزرگ و غیر قابل بخشش

کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمان>، همان <مکذبان> است که در این سوره یازده بار ذکر شده است و چون تکذیب گران، محکوم به هلاکت اند؛ بنابراین جرم آنان (تکذیب دین)، بزرگ و غیر قابل بخشش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۹

۹ - کشتن ناقه صالح ، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۷

۷ روی آوری رزمندگان اسلام به اسیر گرفتن

از دشمن پیش از سرکوبی کامل آنان گناهی بزرگ است .

لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

از اینکه گرفتن اسیر اقتضای عذاب بزرگ دارد، معلوم می شود این گناه، بزرگ است.

گناهان کبیره در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۷

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

اللّه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

مراتب گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۳

۳ - گناهان کبیره ، دارای مراتب متفاوت \*

يجتنبون کبیر الإثم و الفواحش

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر <الفواحش> به دنبال <کبائر الإثم> از قبیل ذکر خاص بعد از عام باشد.

بنابراین <فواحش> عبارت است از گناهان کبیره ای که قبیحی فزون تر دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

گناهکار

آمرزش کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۲

۳۲ - کنیزان وادار شده به فحشا از سوی مالکان ، مورد آمرزش و مشمول رحمت خدا هستند .

و من

يَكْرَهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ

اذیت زنان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۵

۵ - آزار و اذیت مردان و زنان مؤمن ، در قبال گناه شان ، منعی ندارد .

و الذين يؤذون المؤمنين .. بغير ما اكتسبوا

قید <بغير ما اكتسبوا> احترازی است و مفهوم اش این است که در صورت ارتکاب جرم و گناه، آزار و اذیت با رعایت شرایط جایز است.

اذیت مردان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۵

۵ - آزار و اذیت مردان و زنان مؤمن ، در قبال گناه شان ، منعی ندارد .

و الذين يؤذون المؤمنين .. بغير ما اكتسبوا

قید <بغير ما اكتسبوا> احترازی است و مفهوم اش این است که در صورت ارتکاب جرم و گناه، آزار و اذیت با رعایت شرایط جایز است.

اعراض از گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۳۱

۳۱ پند و اندرز ، بی اعتنایی و تنبیه بدنی ، از روش های اصلاح رفتار های ناهنجار

و التي تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ و اهجروهنّ في المضاجع و اضربوهنّ

بنی اسرائیل گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۹

۱۹ - بنی اسرائیلیان گنهکار و دارای اعمال ناشایست ، مورد تهدید خداوند به کیفر و مجازات

و ما اللّٰه بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی و توجه خداوند به اعمال گنهکاران، تهدید ایشان به کیفر است.



پرسش از گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ

توبه گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ سقوط کیفر و پذیرش توبه گناهکاران و مرتکبین فحشا از سوی خداوند، جلوه توبه پذیری و رحمت او

وَالَّذِينَ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ .. إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۱،۲،۵،۹

۱ وعده الهی به پذیرش توبه گناهکاران

أِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ

۲ پذیرش حتمی توبه، مشروط به تأخیر نینداختن آن از سوی گناهکاران است.

أِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَبُّهُمُ الرَّحِيمُ

۵ تشویق گناهکاران به توبه و تأخیر نینداختن آن

أِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ

خداوند با اعلام پذیرش حتمی توبه به شرط تأخیر نینداختن آن، گناهکاران را به چنین توبه ای تشویق کرده است.

۹ علم و حکمت الهی، اساس پذیرش توبه گناهکاران

أَتَمَّا التَّوْبَةَ عَلَى اللَّهِ . . وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۸

۸ توبه گناهکاران و ایمان آوردن کافران تا قبل از یقین به مرگ ، پذیرفته است .

أَتَمَّا التَّوْبَةَ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ

السوء بجهاله ثم يتوبون من قريب . . . و ليس

مفهوم جمله <حتی اذا حضر> در برداشت فوق، بیان و توضیح <من قریب> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۵،۲۳

۱۵ راه بازگشت و توبه برای خطاکاران و حتی منافقان، باز و گشوده است .

و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك . . . لوجدوا الله تواباً رحيماً

۲۳ پذیرش توبه خطاکاران، باید همراه مهر و محبت به آنان باشد .

و لو انهم اذ ظلموا انفسهم . . . لوجدوا الله تواباً رحيماً

توصیف خداوند به <رحیماً>، پس از <تواباً>، می رساند که انسان نباید آنگاه که فردی را پذیرفت و از خطایش درگذشت، مهر و لطف خویش را از او دریغ دارد.

جن گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۸

۸- وجود افرادی گنه کار و عصیانگر، در میان جنیان

يغفر لكم من ذنوبكم

جنیان گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فيومئذ لايسئل عن ذنبه إنس ولاجان

## جهل گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۴،۱۰

۴ گناهکار، جاهل است .

يعملون السوء بجهالة

با توجه به توضیح فیش قبل .

۱۰ گناهکار، جاهل و سبک مغر است، اگر چه آگاه به گناه بودن عملش باشد .

انّما التّوبه على الله

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کُلُّ ذَنْبِ عَمَلِ الْعَبْدِ وَانْكَانَ بِهِ عَالِمًا فَهُوَ جَاهِلٌ حِينَ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ فِي مَعْصِيَةِ رَبِّهِ . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۶.

خائنان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۱

۱ خیانت پیشگان گناهکار، علی رغم شرم از مردم، از خدا شرم و پروایی ندارند.

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَ لَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ

چون <استخفاء> (پنهان سازی) از خداوند مقدر نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد؛ بنابراین <استخفاء> می تواند کنایه از <استحیاء> (شرم کردن) باشد.

عذاب جامعه گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۲

۲ عذاب سهمگین خداوند در انتظار جوامع مختلف از قوانین دین و پذیرنده ولایتهای غیر خداوند

و لا تتبعوا من دونه . . . و کم من قریه أهلکنها

بیان هلاکت جوامع پیشین پس از فرمان به رعایت قوانین دین و سرپیچی از ولایت غیر خدا <اتبعوا ما أنزل الیکم . . .>، بیانگر آن است که عذاب امتهای پیشین به سبب تخلف آنان از این فرمان بوده است.

عذاب دنیوی امت های گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱۱

۱۱- نزول عذاب دنیوی بر امت های گنهکار ، تنها پس از اتمام حجت و فرستادن پیامبری برای ایشان است .

و ما کنا معدّیین حتی نبعث رسولاً

جمله > ما کنا معدّیین حتی نبعث

رسولاً > اطلاق دارد و عذاب دنیوی را هم دربرمی گیرد.

عفو خویشاوندان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - گذشت از لغزش های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجرانِ راه خدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی . . . و لیعفوا و لیصفحوا

<عفو> در لغت به معنای گذشت است و <صفح> به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

عفو مساکین گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - گذشت از لغزش های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجرانِ راه خدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی . . . و لیعفوا و لیصفحوا

<عفو> در لغت به معنای گذشت است و <صفح> به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

عفو مهاجران گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - گذشت از لغزش های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجرانِ راه خدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

ولا يأتل أولوا الفضل منكم والسعه أن يؤتوا أولى القربى . . . و ليغفوا و ليصفحوا

<عفو> در



لغت به معنای گذشت است و <صفح> به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

### کیفر گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۵

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند، عذاب دردناکی آماده کرده است .

و لیست التوبه للذین ... و لا الذین یموتون و هم کفار اولئک اعتدنا لهم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ عذاب گناهکاران ، متناسب با گناه آنان

لا یحب من کان مختالاً فخوراً .. و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

توصیف عذاب به خوارکننده و قرار دادن آن برای متکبران و فخرفروشان، حاکی از تناسب عذاب الهی با گناه گناهکاران است.

### گلایه از رهبران گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۱

۱ - شکوه دوزخیان از نقش اصلی پیشوایان مجرم خویش در گمراهی آنان

و ما أضلنا إلا المجرمون

### گناهکار در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ جهنم، جایگاه گنہکارانی که به سبب ماندن در سلطه مشرکان و ترک عمدی هجرت، قادر بر ادای تکالیف الهی نباشند

الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها فاولئك مأويهم جهنم و ساءت مصيراً

بنابر اینکه توبیخ، به جهت عمل نکردن به تکالیف باشد، نه خصوص ترک هجرت.

گناهکار در

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ مداومت بر نافرمانی خدا و رسول (ص)، مایه گرفتاری به عذاب های جسمی و روحی در قیامت

و من یعص الله... یدخله ناراً... و له عذاب مهین

دخول در آتش، عذاب جسمی آنان و عذاب خوارکننده، شکنجه روحی ایشان.

گناهکار مستضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الذین توفّیهم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کتم

محرومیت گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۵،۶

۵ ناسپاسان از نعمت ها و گنهکاران، محروم از محبت الهی

والله لا یحب کل کفار اثم

۶ رباخواران، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبت الهی

یمحق الله الزبوا... والله لا یحب کل کفار اثم

کلمه <کفار> (بسیار ناسپاس) و کلمه <اثم> (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

محرومیت مالک کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۳

۳۳ - برده دارانِ وادار کننده کنیزان خویش به فحشا و فساد جنسی ، محروم از آمرزش و رحمت خدا هستند .

و من یکرههنّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در آیه یاد شده متعلق

<غفور> و <رحیم> ذکر نشده است. با توجه به این که بعید است خداوند به برده داران، به خاطر گناه اکراهشان و نیز مورد هشدار قرار گرفتن آنان وعده غفران و رحمت بدهد، به نظر می رسد مقصود کنیزانی خواهد بود که مجبور به فحشا شده اند. بر این اساس اختصاص یافتن این وعده به کنیزان، حاکی از محرومیت برده داران از این موهبت است.

مسلمانان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۳

۳ مسلمانانی که از هجرت به مدینه سر باز زدند و یا در راه خدا جهاد نکردند و یا مهاجران و دین خدا را یاری ندادند ، از دایره مؤمنان راستین خارج هستند .

و الذین ءامنوا و هاجروا .. أولئک هم المؤمنون حقاً

<أولئک> اشاره است به هر یک از <الذین> اول و دوم با ویژگیهایی که در توصیف آنها آمده است. با توجه به این معنا و دلالت ضمیر فصل (هم) بر حصر معلوم می شود کسانی که مجموع صفات یاد شده را نداشته، اگر چه برخی از آنها را دارا باشند مؤمن حقیقی نیستند.

ملائکه و گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۳

۳ بازخواست گناهکاران ، پس از لحظه مرگ از سوی فرشتگان

انّ الذّین توفّیهم الملئکه ظلّمی انفسهم قالوا فیم کتم

مؤاخذه گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۳

۳ بازخواست گناهکاران ، پس از لحظه مرگ از سوی فرشتگان

انّ الذّین توفّیهم الملئکه ظلّمی انفسهم قالوا

فیم کنتم

مؤمنان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱ راوی گوید امام باقر (ع) فرمود: <الذین خلطوا عملاً صالحاً و آخر سیئاً> : فأولئك قوم مؤمنون یحدثون فی ایمانهم من الذنوب التي یعیبها المؤمنون و یكرهونها فأولئك عسى الله أن یتوب علیهم ;

<آنان که عمل خوب و بد را در هم آمیختند> گروهی از مؤمنانند که در عین داشتن ایمان، مرتکب بعضی گناهان می شوند که مؤمنان آنها را عیب می دانند و ناخوش دارند اینانند که امید می رود خداوند توبه آنان را بپذیرد.>

یهود گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۲

۱۲ - یهودیان گنهکار به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

بما قدمت أیدیهم .. و ما هو بمزحزحه من العذاب

<زحزحه> (مصدر مزحزح) به معنای دور ساختن است.

گناهکاران

{گناهکاران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۱

۳۱ - بنی اسرائیل ، گنهکار و همواره تجاوزگر بوده اند .

ذلك بما عصوا و كانوا یعتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۳

۳ - یهود ، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أیدیهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال نارواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۸

۸ - کسانی که در حال ستمگری

و تجاوز از محرمات استفاده کنند - هر چند استفاده آنان به خاطر اضطرار باشد - گنهکارند .

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا اثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ فرعونیان ، جز تکذیب آیات الهی ، مرتکب گناهان دیگری نیز شدند . \*

كذبوا باياتنا فاخذهم الله بذنوبهم

اینکه کلمه <ذنوب> را به صورت اسم ظاهر و با صیغه جمع آورده است، می تواند اشاره به مطلب فوق باشد. در غیر این صورت می فرمود: <فاخذهم الله به> و یا <فاخذهم الله بذنوبهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۵

۵ عالمان اهل کتاب که از داوری کتاب خدا رویگردان بودند ، به گناهکاری خود اذعان داشتند .

لن تمسنا النار الا اياماً معدودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۷،۸،۱۱

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعيداً

۸ بیزاری شدید بدکاران ، از کردار خویش در قیامت

توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعيداً

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعيداً



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۴

۴ تأثیر علم و آگاهی گناهکاران ، در مقدار و کیفیت عذاب آنان

كفروا بعد ايمانهم و شهدوا انّ

الرّسول حق و جاءهم البيّنات .. لا يخفّف عنهم الع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۹

۲۹ عفو از گناهکاران مؤمن ، جلوه ای از فضل خداوند

و لقد عفا عنکم و الله ذو فضل علی المؤمنین

جمله <و الله ذو فضل .. >، به منزله علتی برای عفو است ؛ یعنی چون خداوند صاحب فضل است از گناه شما صرفنظر کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۲

۳۲ بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) ، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و ان كثيراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۶،۲۲،۲۴

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گناهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله .. إنا اذاً لمن الاثمین

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیزه های مادی ، از زمره گناهکارانند .

لانشری .. و لانکتّم شهده الله إنا اذاً لمن الاثمین

۲۴ شاهدان رسمی در صورت کتمان شهادت از زمره گناهکارانند .

و لانکتّم شهده الله إنا اذاً لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ تکذیب کنندگان آیات الهی و آنان که از سر تکبر معارف دین را نپذیرند، مردمی تجاوزگر و

گناهکارند.

و كذلك نجزي المجرمين

<جرم> به معنای تعدی و گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۹

۹ ابداع کنندگان سنت های ناروا و اعمال زشت ، مرتکب گناهی بزرگتر و مستحق ملامتی بیشتر

أتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد من العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۲

۲ قوم لوط مردمی مجرم و تبهکار

فانظر كيف كان عقبه المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۲

۲ فرعونیان و پیشینیان آنان مردمی گنهکار و تکذیب کننده آیات الهی

كذبوا بايت ربهم فأهلكنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۱

۱ مشرکان ، مردمانی بد کردارند .

و الذين كسبوا السيئات .. و يوم نحشرهم

ضمير <هم> در <نحشرهم> به <الذين احسنوا> و <الذين كسبوا السيئات> برمی گردد. جمله <ثم نقول للذين أشركوا

... < قرینه است بر اینکه مشرکان یکی از مصداقهای مورد نظر در جمله <الذین کسبوا السيئات ... > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ اعراض کنندگان از تعالیم پیامبران و معارف دین ، مجرم و گنهکارند .

و لاتتولوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ پیامبران ، در صورت مسامحه در امر رسالت و ترک ابلاغ توحید ، گنه کارند .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۴

۱۴ جوامع هلاک شده پیشین ، مردمانی گنه کار بودند .

و کانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبران الهی ، جرم و گناه است و تکذیب کنندگان مجرم و گنهکارند .

و لا یردّ بأسنا عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۳

۳- قوم لوط ، مردمی جرم پیشه و تبهکار

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین . إلاء لوط

مراد از <قوم مجرمین> به قرینه آیات بعد قوم لوط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- همه انسان ها ، به نوعی مرتکب گناه و عمل ناروا می شوند .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابّه

کلمه <الناس> با وجود <ال> استغراق، دلالت بر عموم می کند و نیز اینکه در صورت مؤاخذة و عقوبت، هیچ انسانی بنا بر اینکه مراد از <دابّه> انسان باشد باقی نمی ماند، می تواند مؤید برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- شرک جرم است و مشرک ، مجرم و گناهکار .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً .. و نسوق المجرمین إلى جهنم

از آن جایی که آیات گذشته، درباره شرک بود، تناسب چنین اقتضا می کند که مراد از مجرمان، <مشرکان> باشد. احتمال  
تعلق کلمه <یوم> در <یوم نحش>، به یکی

از فعل های <سیکفرون> و یا <یکونون> در آیات پیشین، گویاترین وجه برای ارتباط این آیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۲

۲ - کفر، جرم و گناه است و کافران مجرم و دوزخی اند.

إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

لام در <له جهنم> بر استحقاق دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان، مردمانی گناه پیشه بودند.

فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ... و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۹ - ۱

۱ - فرعونیان و اقوام پیش از آنان، مردمی بد کردار و خطاپیشه بودند.

و جاء فرعون و من قبله... بالخاطئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - نهی کنندگان از نماز و تکذیب گران دین، مردمی خطاکار و دروغ گویند.

ينهى... كذب... ناصيه كذبه خاطئه

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود.

ناصيه كذبه خاطئه



دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند

و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

آثار آخرت گریزی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر ( ص ) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم آثمًا أو كفورًا .. . إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع منهم آثمًا أو كفورًا) است.

آثار دنیاطلبی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر ( ص ) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم آثمًا أو كفورًا .. . إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع منهم آثمًا أو كفورًا) است.

آثار دوستی با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۲

۲ - دوستی مجرمان ، عامل گمراهی انسان ها

و ما أضلنا إلا المجرمون

آثار ذکر ذلت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۳

۳ - توجه به فضاحت و ذلت مجرمان در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

فیؤخذ بالنوصی

و الأقدام . فبأي آلاء ربكما تكذبان

آثار قیاس متقین با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۲

۲ - برابر دانستن صالحان با مفسدان و تقوایپیشگان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء ... بطلاً... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت كالمفسدين

آثار کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۲

۲ - کیفر دردناک الهی ، زداینده غفلت و سرمستی مجرمان

فیاتیهم بغته و هم لا یشعرون . فیقولوا هل نحن منظرون

آرزوهای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۱

۱ - آرزوی کافران و گنه کاران ، هنگام مشاهده عذاب الهی ، به بازگشت دوباره به دنیا

أو تقول حين ترى العذاب لو أن لی کزّه

<لو> در آیه شریفه، برای تمنی است.

آرزوی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱- مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . \*

و يقولون يويلتنا مال هذا الكتب

<ويله> و <ويل> به معنای <هلاکت> است و مؤنث بودن <ويله> مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن <ويل> از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند

که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیّت می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۳

۳ - مجرمان در روز محشر، آرزومند نجات خویش از عذاب الهی با پرداخت فدیّه

یودّ المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۱

۱ - نجات مجرمان با پرداخت فدیّه از عذاب الهی در قیامت هر چند بسیار و نامحدود آرزویی واهی و ناممکن است .

یودّ المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببینه .. کلاً

آرزوی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۷

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعیدا

آگاهی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت خلافکاران را به اعمال ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ثم ینبئهم بما كانوا یفعلون

آمرزش اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۵

۵ - گروهی از گناه کاران ، مورد عفو و بخشش خداوند در قیامت \*

فما هم من المعتبين

با توجه به این که <من> در <من المعتبين> برای تبعیض است، به دست می آید که عده ای مورد مغفرت هستند.

آمزش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۸

۸ گناهکار ، با توبه و استغفار ، آمرزش و رحمت الهی را درک و احساس می کند .

و من يعمل سوءاً .. ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً

کلمه <يجد>، از مصدر وجدان به معنای دریافتن و احساس کردن است؛ یعنی در وجود خود رحمت و مغفرت الهی را درک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۹

۹ گناهکارانی که خود را به شرک نیالوده اند ، باید امیدوار به مغفرت الهی باشند .

و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۹

۹ خداوند ، آمرزنده گناهکاران است ؛ هر چند پس از مدتی طولانی توبه کرده باشند .

و الذين عملوا السيئات ثم تابوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <ثم> که برای تراخی است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲۲

۲۲ آمرزش گناه خطاکاران و گسترانیدن رحمت بر ایشان ، از شؤون ولایت و سرپرستی خداوند بر بندگان خویش است .

أنت ولينا فاغفر لنا و ارحمنا

تفریع جمله <اغفر لنا و .. > بر <أنت ولينا> به وسیله حرف فاء، حاکی از برداشت فوق است.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۴

۲۴ خداوند ، درخواست طلب کنندگان آمرزش را اجابت می کند و گناهانشان را می آمرزد .

فاستغفروه ... إن ربی

دو صفت <قریب> و <مجیب> به صورت لفّ و نشر غیر مرتب ، در ارتباط با <استغفروه> و <توبواالیه> ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ مغفرت و آمرزش بندگان خطاکار ، پرتوی از رحمت و مهربانی خداوند است .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۱۰

۱۰ گناه کاران و ستم پیشگان نباید از مغفرت الهی ناامید شده و خویشان را سزاوار آمرزش ندانند .

إن ربك لذو مغفرة للناس علی ظلمهم

<علی> در <علی ظلمهم> به معنای <مع> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۷

۷ - تشویق شدن گناه کاران به آمرزش خواهی از ساحت پروردگار و نوید غفران و رحمت به آنان

إنه هو الغفور الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۱،۱۳

۱ - پیامبر ( ص ) ، مأمور ابلاغ پیام امیدبخش رحمت و آمرزش خداوند به بندگان گناه کار

قل یعبادی الذین أسرفوا علی أنفسهم لاتقنطوا من رحمة الله

۱۳ - تجلی رحمت خداوند در آمرزش بندگان گنه کار

لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

آمرزش گناهکاران تائب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱

۱ در صورتی که گناهکاران توبه کنند ، خداوند گناهشان را خواهد بخشید .

و الذين عملوا السيئات ثم تابوا .. إن ربك من بعدها لغفور

ابهام فرجام

## گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۵

۵ مبهم گذاردن سرنوشت اخروی برخی از خطاکاران ، نشأت یافته از علم و حکمت الهی و دارای مصلحت است .

و ءاخرون مرجون لأمر الله .. و الله علیم حکیم

اتمام حجت با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۴

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قال لاتختصموا لدیّ و قد قدّمت إلیکم بالوعید

اتمام حجت بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

کفروا بایت الله فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

كذلك نجزي القوم المجرمين .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار

گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

اجابت دعای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۴

۲۴ خداوند ، درخواست طلب کنندگان

آمزش را اجابت می کند و گناهانشان را می آمرزد .

فاستغفروه .. إن ربی قریب مجیب

دو صفت <قریب> و <مجیب> به صورت لفّ و نشر غیر مرتب ، در ارتباط با <استغفروه> و <توبواإلیه> ایراد شده است.

اجتناب از اطاعت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۶

۶ - هشدار خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر فرمان نبردن از گناه کاران و ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءائمًا أو کفورًا

احتضار گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۶

۶ وحشت مجرمان از ملائکه به هنگام رو در رویی با آنها ، به هنگام مرگ و روز رستاخیز

یوم یرون الملائکه لالبشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

ادعای تساوی مسلمانان با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۱

۱ - برابر دانستن مسلمانان با مجرمان ، نشانه کوتاه فکری و بی خردی است .

ما لکم کیف تحکمون

آیه شریفه دارای دو استفهام است: ۱ <ما> که درصدد بیان منشأ و اساس قضاوت است؛ ۲ <کیف> که مربوط به کیفیت قضاوت است. این عبارت در جایی به کار می رود که فردی بدون داشتن دلیل و منطق صحیح، درباره چیزی قضاوت کند و

این کار افراد جاهل و بی خرد است.

اذیت‌های گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۹ - ۴

۴ - ابرار به دلیل ایمانشان در معرض تمسخر گناه پیشگان کافر، قرار گرفته

و آزار می بینند .

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ

مراد از <الذین آمنوا> به قرینه <إِنَّ الْأَبْرَارَ ..> در آیات پیشین نیکوکاران است. تغییر عبارت به جهت اشاره به این است که آنچه برای گناه کاران خنده دار به نظر می رسد، ایمان نیکوکاران است. آیات بعد که بیانگر مقابله به مثل نیکوکاران در قیامت است اشاره دارد که انگیزه گناه کاران از این برخوردار، آزاررسانی به آنان بوده است.

اسارت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۹ - ۳،۴

۳- جرم و گناه پیشگی عامل اسارت مجرمان در زنجیر ها و بند ها در قیامت

و ترى المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد

۴- به غل و زنجیر بودن مجرمان در قیامت ، جلوه عزت ، انتقام و قهاریت بی همتای خداوند

إن الله عزیز ذو انتقام .. و برزوا لله الوحّد القهار . و ترى المجرمین یومئذ مقرّ

استغفار برای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۵

۵ - پیامبر ( ص ) ، برای گناهکاران طلب آمرزش می کرد .

یستغفر لکم رسول الله

استمهال گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۱

۱ - مهلت خواهی مجرمان کفرپیشه ، پس از مشاهده عذاب الهی



فِيأْتِيهِمْ بَغْتَةً .. فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ

استهزاهای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۴

۴- خداوند ، از طریق انبیای خود ، علی رغم مورد استهزا

قرار گرفتن آنها، آیات خود را در قلب های تبهکاران نفوذ می دهد . \*

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ممکن است سؤال شود: چگونه خداوند انبیای خود را به سوی مردم گسیل می دهد در حالی که آنان مورد استهزا قرار می گیرند و در این صورت غرض برآورده نمی شود؟ خداوند جواب می دهد که با همین وضعیت، ما آیات خود را در دلها نفوذ می دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۹ - ۴

۴ - ابرار به دلیل ایمانشان در معرض تمسخر گناه پیشگان کافر، قرار گرفته و آزار می بینند .

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ

مراد از <الذين آمنوا> به قرینه <إِنَّ الْأَبْرَارَ..> در آیات پیشین نیکوکاران است. تغییر عبارت به جهت اشاره به این است که آنچه برای گناه کاران خنده دار به نظر می رسد، ایمان نیکوکاران است. آیات بعد که بیانگر مقابله به مثل نیکوکاران در قیامت است اشاره دارد که انگیزه گناه کاران از این برخوردار، آزاررسانی به آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۱ - ۳

۳ - کافران و گنه پیشگان، حتی در غیاب مؤمنان نیز آنان را استهزا کرده و با طعنه و کنایه از ایشان یاد می کنند .

و إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

استهزای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۱

۱ - معرفی دوزخ به

مجرمان دوزخی ، از روی استهزا و تمسخر

يعرف المجرمون بسيمهم .. هذہ جهنم

اسلام و گناهکاران پشیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۷

۷ باز بودن آغوش اسلام ، بر روی خطاکاران نادم و معترف

عسى الله يتوب عليهم إن الله غفور رحيم

اشرافىگرى گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمدارى ، برترى جويى و اشرافى گرى در دنيا ، از ويژگى هاى عمده گنه کاران دوزخى

ذق إتك أنت العزيز الكريم

تحقير، تمسخر و توبيخ شدن دوزخيان، با تعابير <العزيز> و <الكريم>، اشعار به اين نکته دارد كه تحقير شوندگان، از جمله كسانى اند كه در دنيا براى خويش عزت و جاىگاهى رفيع قائل بودند.

اصلاح گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ خداوند ، ترغيب کننده ستمکاران و گنهکاران به توبه و اصلاح خويش ( خودسازى )

فمن تاب .. فَإِنَّ الله يتوب عليه إِنَّ الله غفور رحيم

توجه دادن ستمکاران به مغفرت، رحمت و توبه پذيرى خداوند مى تواند به منظور ترغيب آنان به توبه و اصلاح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۱

۲۱ لزوم امیدوار ساختن گناهکاران به آموزش و رحمت خداوند و جذب آنان به محیط صلاح

فقل .. من عمل منکم سوءاً

اطاعت از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۹

۹- اطاعت و پیروی از

گنه پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند ، امری ناروا و ناسپاسی نعمت های او است .

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

اعتدال در برخورد با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ - لزوم رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط در برخورد با گنه کاران

و لَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُتُوءَا .. و ليعفوا و الیصفا

در آیات پیشین، خداوند فرمان داد که با مرتکبین گناه <افک>، برخورد سختی شود؛ ولی در آیه شریفه یاد شده، همگان را به گذشت از مستمندان، خویشاوندان و .. هر چند گنه کار باشند فرا خواند. از ارتباط میان این دو دسته از آیات، می توان استفاده کرد که باید با گنه کاران واقع بینانه و به دور از افراط و تفریط برخورد کرد.

اقرار اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۴

۱۴- مجرمان ، در قیامت ، خود به بدکاری و استحقاق عقوبت خویش ، معترف خواهند بود .

يُؤَيِّلَتْنَا مَالِ هَذَا الْكُتُبِ .. و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لا يظلم ربك أحدًا

اقرار گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۱

۱ اعتراف برخی از گنهکاران و متخلفان از جنگ تبوک به زشتی عمل خویش

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم

با توجه به اینکه فرازهای پیشین، مربوط به جنگ تبوک و تخلف عده ای از شرکت در آن جنگ است می توان گفت که

این آیه نیز مربوط به برخی از همان متخلفان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۹

۹ - اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ .. وَ إِنْ كُنْتَ لَمِنَ السَّخِرِينَ ... لَوْ أَنَّ لِي كَرْهٌ فِ

التَّجَايِ الْغَنَاهَكَارَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۹

۹ - مجرمان در قیامت ، برای بازگشت به دنیا ، به ربوبیت الهی متمسک می شوند .

رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَ سَمِعْنَا فَارْجِعْنَا

الْقَايِ الْقُرْآنِ بِرِ الْقَلْبِ الْغَنَاهَكَارَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۲

۲- خداوند ، قرآن کریم را در دل مجرمان هدایت ناپذیر القا می کند و آنان را با قرآن آشنا می سازد .

كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمَجْرِمِينَ

امداد به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ خداوند ، امداد خویش را حتی از گنهکاران دریغ نمی دارد .

فَأَصْبَحَ مِنَ الْخٰسِرِينَ. فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا ... لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوْرِي سُوْءَ اٰخِيهِ

امیدواری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۹

۹ ایجاد بیم در گناهکاران ، در عین امیدوار ساختن آنان به مغفرت الهی ، از روش های قرآن برای ترک گناه

يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

انتقام از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲

۴ - خداوند ، از مجرمان منکر آیات الهی قطعاً انتقام خواهد گرفت .

ذَكَرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

۶ - عذاب بزرگ اخروی ، همان انتقام الهی از مجرمان تکذیب کننده آیات خدا است .

ذوقوا عذاب النار الذي كنتم به تكذبون .. العذاب الأكبر ... إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مِنْ

۱۰ - انتقام الهی از مجرمان در قیامت ، پس از اتمام حجت با ایشان در دنیا است .

ذَكَرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ .. إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

اندوه اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۱

۱ - مجرمان ، در روز برپایی قیامت ، اندوهگین و ناامیدند .

و يوم تقوم الساعة يبلس المجرمون

<إبلاس> در لغت، اندوه ناشی از شدت سختی (مفردات راغب) و نیز به معنای یأس است (لسان العرب).

اندوه بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ پرهیز از تأسف و اندوه بر گناهکاران بنی اسرائیل ، فرمان خداوند به موسی (ع)

فلاتأس على القوم الفسقين

۱۳ ضرورت پرهیز از تأسف و اندوه بر گناهکاران گرفتار به کیفر الهی

فلاتأس على القوم الفسقين



انذار گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ بشارت ( مژده به مطيعان ) و انذار ( ترساندن گناهکاران ) ، روح رسالت پیامبران الهی ( ع ) و شیوه تبلیغ آنان

فقد جاء کم بشیر و نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷

۹- گناهکاران ، مورد تهدید و هشدار خداوندند .

و کفی بر بک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

ذکر <خبیراً بصیراً> پس از <کفی بر بک بذنوب عباد> برای تهدید و هشدار به گناهکاران است.

انذار گناهکاران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۶

۶- گرفتاری به عذاب هلاکت بار ، هشدار خداوند به گنه کاران و کافران و ستم پیشگان عصر بعثت بود .

و تلك القرى اهلکنهم لما ظلموا و جعلنا لمهلکهم موعداً

اهمیت امیدواری به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۹ - ۲،۵

۲- پیامبر ( ص ) عهده دار امیدوار ساختن بندگان خطاکار و گنهکار به غفران و رحمت خداوند

نبیء عبادی انی انا الغفور الرحیم

<غفران> و <آمرزش> اصولاً در جایی به کار می روند که در کنار آن، خطا و لغزشی وجود داشته باشد. از این رو ممکن است مراد از <عبادی> آن دسته از بندگان باشند که لغزش و گناهی مرتکب شده اند.

۵- آگاه ساختن بندگان از آمرزندگی و رحمت خداوند و آگاهی از آن ، امری دارای اهمیت

نبیء عبادی انی انا الغفور الرحیم

طبق آنچه در کتابهای لغت آمده است <نبأ> اسم مصدر فعل <نبی> و به معنای خبر است و در خبرهایی استعمال می شود که دارای اهمیت و فایده عظیمی باشد.

اهمیت امیدواری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۶

۶ خطا کار نادم و پشیمان ، نیازمند روحیه امید برای خودسازی و تربیت

عسى الله يتوب عليهم إن الله غفور رحيم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۷

۷ - گناه کاران ، نباید خود را از لطف و یاری خدا محروم بدانند .

و ما أصبکم ... و ما لکم من دون الله من ولیّ و لا نصیر

با توجه به آیات پیشین که در مورد انسان ها و جوامع گنه کار است می توان استفاده کرد که <ما لکم من دون الله.. > ناظر به این نکته است که خداوند ملجأ و پناهگاه تمامی انسان ها حتی گنه کاران می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۵

۵ - گناهکاران ، باید به لطف و عنایت خداوند امیدوار باشند ؛ هر چند از جانب او کیفر دیده باشند .

عسی ربّنا أن یبدلنا خیرًا منها إنا إلی ربّنا رغوبون

اهمیت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۵

۱۵ - سیر در زمین و به کیفر رساندن اقوام ناصالح ، امری پسندیده است .

حتّی إذابلغ .. إمّا أن تعدّب

گزارش سفر ذی القرنین پس از بیان موهبت های الهی به او، نشانه شایسته بودن اقدامات او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۷

۷ - مصلحت بقای نسل انسان ها و حیات در زمین ، مهم تر از مصلحت عقوبت دنیایی بندگان گنه کار و کافران

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرههم إلی أج



در گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۱

۲۱ لزوم امیدوار ساختن گناهکاران به آمرزش و رحمت خداوند و جذب آنان به محیط صلاح

فقل . . . من عمل منکم سوءاً

برتری طلبی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمداری، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إتك أنت العزيز الکریم

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزيز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیر شوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

برخورد اخروی با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گوینان و گنه کاران، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد.

ناصیه کذبہ خاطئه . . . سندع الزبانیه

بهبانه جویی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۱

۱ - مجرمان در روز قیامت ، بهانه جویی می کنند .

يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون .. فيومئذ لا ينعف الذين ظلموا معذرتهم

مراد از <الذين ظلموا> می تواند <المجرمون> باشد که در آیه پنجاه و پنج گذشت.

بی ارزشی اظهار نظر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۳ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر ، شایسته قضاوت کردن و اظهار نظر درباره

راه مؤمنان ، نیستند .

و ما أرسلوا عليهم حفظین

بی پناهی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- برای مجرمان ، پس از پایان مهلت آنان و فرا رسیدن موعد تحقق عذاب آنان ، کمترین پناهگاهی وجود ندارد .

بل لهم موعد لن يجدوا من دونه موئلاً

<موئلاً> اسم مکان به معنای <ملجأ و پناگاه> است. ضمیر در <من دونه> به <موعد> برمی گردد و مراد این است که کافران، جز حرکت به سوی زمان تعیین شده عذاب، راه نجاتی ندارند. نکره بودن <موئلاً> بر عموم نفی دلالت دارد؛ یعنی، برای مجرمان کمترین پناگاهی نیز پیدا نمی شود.

بی تأثیری آیات خدا در گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - تلاوت آیات قرآن ، بر کسانی که قلب شان بر اثر گناه ، سیاه و فاسد شده ، تأثیری ندارد .

إذا تتلى عليه آیتنا .. بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون

بی تأثیری تلاش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۲

۲ تلاش محکومان دادگاه قیامت برای تغییر حکم الهی ، تلاشی بی فرجام

ما یبدل القول لدی

در آیات پیشین، حکم مجرمان با فرمان <ألقیا فی جهنم ..> از سوی خداوند صادر می گردد. مجرمان با جدال و تخاصم،



درصدد تبرئه خویش برمی آیند تا مگر حکم الهی را در حق خود تغییر دهند؛ ولی <ما یبدّل القول...> بی فرجام بودن تلاش آنان را می رساند.

بی تأثیری مجادله گناهکاران

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۴

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قال لا تختصموا لديّ و قد قدّمت إليكم بالوعيد

بی منطقی احساس مصونیت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۱

۱ - کسانی که خود را از فرجام کفر و کیفر گناه در امان می پندارند ، دستاویزی برای توجیه کفر و گناه خود ندارند .

ما غرّك .. كلاً

حرف <كلاً> مخاطب را از چیزی منع می کند که در جملات پیشین مطرح بوده است. از آن جایی که آیات قبل، توجیهاً و بهانه های نادرست کافران و گنه کاران را پوچ قلمداد کرده است، حرف <كلاً> در این آیه آنان را از دلگرمی به آن دستاویزها باز می دارد.

بی منطقی تساوی مسلمانان و گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۰ - ۲

۲ - هیچ کس نمی تواند ضامن درستی این اندیشه شود که خداوند ، سرنوشت مسلمانان و تبهکاران را یکسان دانسته و آزادی مطلق انسان ها را در برابر گزینش راه درست و نادرست ، تعهد کرده است .

أفنجعل المسلمين كالمجرمين .. إنّ لكم فيه لما تخيرون ... سلهم أئهم بذلك زعيم

بی یآوری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۹

۹- هیچ کس ، توان بر دوش گرفتن بار گناه دیگران را نداشته و شفاعت کننده و نجات

بخش گناه کاران نخواهد بود .

و لاتزر وازره وزر أُخری

جمله <ولاتزر وازره..> می تواند کنایه و اشاره به کسانی داشته باشد که به امید شفاعت و دستگیری دیگران، در انجام وظایف الهی کوتاهی می کنند و یا به گناهان آلوده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - نبود هیچ یار و یآوری برای گنه کاران ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی

من قبل أن یأتیکم العذاب ثم لاتنصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ - گنه کاران محکوم شده به عذاب استیصال الهی ، محروم از هر گونه منجی و نگه دارنده ای

فأخذهم الله بذنوبهم و ما كان لهم من الله من واق

پاداش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۳

۳ تعلق مشیت خداوند به کیفر و یا بخشودن خطاکاران ، بر اساس علم و حکمت گسترده او و دارای فلسفه ای عالمانه و حکیمانه است .

إما یعذبهم و إما یتوب علیهم و الله علیم حکیم

پاسخ اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربِّ لم حشرتنی . . . قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این

پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

پراکنندگی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۴

۴ - مجرمان و تبهکاران ، در روز قیامت ، به صورت پراکنده محشور می شوند .

و یوم تقوم الساعة یبلس المجرمون .. و یوم تقوم الساعة یومئذ یتفرقون

پرسش اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربِّ لم حشرتنی .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

پرسش از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین ، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

یتساءلون . عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

پرسش درباره گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

پرسش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۸

۸ - منتظران شفاعت ، پس از خبردار شدن از امر خدا درباره

آن ، سؤال می کنند که پروردگار چه گفته است ؟

حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ

بنابراین که فاعل <قالوا>، <من> در <لمن> باشد و مراد از آن شفاعت شوندگان باشند، نکته یاد شده قابل استفاده است. گفتنی است که متعلق <ماذا قال> ذکر نشده و به قرینه بحث شفاعت، احتمال دارد متعلق آن درباره شفاعت باشد.

پشیمانی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱

۱ - ندامت و سرافکنندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربهم

<نكس الرأس> به معنای <پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأيت شيئاً عجيباً و هو...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۲

۲ - مجرمانِ نادم در روز قیامت ، فاقد روحیه حق پذیری ، حتی در صورت رجوع دوباره به دنیايند .

فارجعنا نعمل صلحاً .. إنّما يؤمن بأيتنا الذين إذا ذكروا بهَاخروا سجدًا

احتمال دارد که آیه درصدد تبیین و تشریح جواب رد دادن به درخواست مجرمان باشد. خداوند در این آیه، تلویحاً می گوید: <آنان فاقد روحیه ایمان اند و بنابراین، درخواست شان اجابت نمی شود.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - < قال رسول الله ( ص ) ... يابن مسعود أكثر من الصالحات والبرِّ فإنَّ المحسنَ



و المُسِيءَ يندمان ، يقول المحسن : يا ليتني ازددتُ من المحسنات و يقول المسيء : قصرْتُ ، و تصديق ذلك قوله تعالى : > و لأقسم بالنفس اللوامة < ;

رسول خدا(ص) فرمود: ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادت‌تر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم باللّوامة>.

پشیمانی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۸

۸ بیزاری شدید بدکاران ، از کردار خویش در قیامت

تودّ لو أنّ بينها و بينه امداً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربّهم كفرون .. و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربّهم

پيادگی گناهکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۷

۷- حضور تقوایپیشگان در صحنه قیامت به صورت سواره ، و رانده شدن گنه پیشگان به سوی جهنم با پای پیاده خواهد بود .

نحشر المتّقين .. و فدا . و نسوق المجرمين ... وردًا

برخی از لغت دانان <وفد> را سوارانی ارجمند و <ورد> را پیادگانی تشنه کام معنا کرده اند (لسان العرب).

پیراهن اخروی گناهکاران



۱- مجرمان در قیامت دارای پیراهنی از ماده ای سیاه ، بد بو ، داغ و قابل اشتعال ( مانند قیر )

و تری المجرمین .. سرابیلهم من قطران

<قطران> به معنای ماده ای است سیاه، بد بو و چسبنده (روغن) که آن را بر بدن شتر می مالند (مجمع البیان). اینکه خداوند فرمود: لباس دوزخیان از قطران است، ممکن است برای بیان مبالغه و کثرت شعله‌وری و سوزندگی آتش جهنم به بدن انسان دوزخی باشد و نیز بیانگر قابل اشتعال بودن ماده قطران باشد (لسان العرب).

تأخیر عذاب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - مهلت دادن به کافران و گنه کاران و به تأخیر انداختن مجازات آنان ، کاری عالمانه و برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان

و لكن يؤخرهم إلى أجل مسمى فإذا جاء أجلهم فإن الله كان بعباده بصيراً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <فإن الله كان...> در مقام تعلیل برای جمله پیش (و لكن يؤخرهم...) می باشد یعنی، چون خداوند به احوال بندگان آگاه است از این رو مجازات آنان را تا زمان معین به تأخیر انداخته است.

تأخیر کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۶

۶- مهلت یافتن گنه کاران و تأخیر مجازات ایشان ، به معنای ایمنی ابدی آنان از کیفر نیست .

لو يؤخذهم .. بل لهم موعد لن يجدوا من دونه مؤثلاً

تباهی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره -

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می‌بندند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند و قیامت را انکار می‌کنند، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران، تباه‌تر و زیانکارترند.

و من أظلم .. الذين يصدون ... لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. برای مبنا آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می‌باشند.

تبیین فرجام گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - تشریح حوادث قیامت و آینده مجرمان، زمینه ساز پیدایش تقوا و رفع غفلت از انسان

و كذلك أنزلناه .. لعلمهم يتقون أو يحدث لهم ذكراً

حرف <کاف> در <کذالك> برای تشبیه است و آیات گذشته را نمونه ای از نزول آیات الهی برای ایجاد تقوا و تذکر، معرفی می‌کند.

تحریر اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مجرمان در لحظه حضور در قیامت، با نگرانی به فرجام خویش چشم دوخته و مات و حیرت زده خواهند بود.

و نحشر المجرمين يومئذ زرقاً

<زرقاً> حال برای <المجرمين> است و مفرد آن <أزرق> یا <زرقاء> به کسی گفته می‌شود که سفیدی چشم او سیاهی آن را بپوشاند (لسان العرب). این حالت نشان

چشم دوختن و خیره شدن مجرمان است و از اضطراب شدید درونی آنان حکایت دارد. برخی گفته اند: سفید شدن چشم، ملازم با کوری آن است (لسان العرب).

ترس اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۳،۴،۵

۳- در قیامت مجرمان ، هنگام مشاهده نامه عمل ، از کردار خود وحشت و دلهره پیدا می کنند .

فتری المجرمین مشفقین مَّا فیه

۴- روز قیامت ، بیم و هراس و تأثر ، در چهره مجرمان ، ملموس و نمایان است .

فتری المجرمین مشفقین مَّا فیه

<اشفاق> توجه و عنایتی است که آمیخته به ترس باشد و در صورتی که با <من> متعدی شود، معنای بیم و دلهره در آن آشکارتر است (مفردات راغب). پس عبارت <مشفقین مَّا فیه> دلالت دارد که مجرمان، از آنچه در نامه اعمال مشاهده می کنند، خائف و هراسناک اند و این ترس به قرینه فعل <تری> در چهره آنان قابل مشاهده و رؤیت است.

۵- مجرمانِ رفاه مند و بی باک دنیا ، بیم ناکان وحشت زده صحنه قیامت اند .

فتری المجرمین مشفقین مَّا فیه

با توجه به این که آیات قبل در مورد رفاه مندان مغرور بود، مصداق بارز <مجرمان هراسناک> در این آیات، همان دنیاپرستان مغرور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۵

۵- برانگیخته شدن مجرمان در قیامت ، همراه با رنج و سختی و وحشت بسیار است .

و ساء لهم يوم القيمة حملاً .. نحشر المجرمین یومئذ زرقاً

<حملاً> و <زرقاً> بر وضعیت سخت و پریشان حالی

منکران قرآن در قیامت دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۶

۶ وحشت مجرمان از ملائکه به هنگام رو در رویی با آنها ، به هنگام مرگ و روز رستاخیز

یوم یرون الملائکه لابشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

ترس دنیوی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۶

۶ وحشت مجرمان از ملائکه به هنگام رو در رویی با آنها ، به هنگام مرگ و روز رستاخیز

یوم یرون الملائکه لابشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

ترس گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۹

۹ ایجاد بیم در گناهکاران ، در عین امیدوار ساختن آنان به مغفرت الهی ، از روش های قرآن برای ترک گناه

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

ترک انفاق به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱،۲،۳

۱ - خداوند ، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان ، بر حذر داشت .

ولا يأتل أولوا الفضل منكم والسعه أن يؤتوا أولى القربى و المسكين و المهجرين

<إيتلاء> (مصدر <يأتلى>) می تواند مشتق از <الو> به معنای <تقصیر و منع> باشد. هم چنین می تواند از <الیه> به معنای <حلف> و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای <حلف> باشد، <يؤتوا> منفی به <لا> ی محذوف است، یعنی، <لا يحلفوا أن لا يؤتوا...> درباره شأن نزول آیه

شریفه دو نظر وجود دارد: ۱ آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای <افک>، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. ۲- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای <افک>، از انفاق به <مسطح بن اثاثه> که پسرخاله یا پسر خواهر وی بود امتناع ورزید.

۲- سوگند بر ترک نیکی و انفاق به خویشاوندان، مستمندان و مهاجران، به صرف لغزش گذشته آنان، نشانه تأثیر پذیری از وسوسه شیطان و پیروی از او است.

لا تَتَّبِعُوا خُطُوتَ الشَّيْطَانِ... وَ لَا يَأْتِلْ أَوْلُوا الْفَضْلَ مِنْكُمْ وَ السَّعَةَ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلَى

جمله <و لا یأتل...> می تواند عطف بر <و لا تَتَّبِعُوا خُطُوتَ الشَّيْطَانِ...> از نوع عطف خاص بر عام باشد که حاکی از اهمیت موضوع مورد بحث خاص است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین خواهد شد: <ای مؤمنان! از گام های شیطان، بویژه اگر شما را به ترک انفاق خویشاوندان و ... فرا بخواند پیروی نکنید.>

۳- سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان، بینوایان و مهاجران، به صرف لغزش گذشته آنان، حرام و وفا نکردن به آن جایز است.

وَ لَا يَأْتِلْ أَوْلُوا الْفَضْلَ مِنْكُمْ وَ السَّعَةَ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلَى الْقَرَبِيِّ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْمُهَاجِرِ

حرمت در برداشت یاد شده از نهی <لایأتل> استفاده شده است.

تسلیم گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۳

۳- قلب های جرم پیشه، تسلیم به هنگام مشاهده عذاب و نه در برابر دلیل روشن وحی

بلسان عربی



مبین . . . لایؤمنون به حتی یروا العذاب الالیم

بنابر مفهوم غایت، مفاد آیه این می شود که: مجرمان تنها با مشاهده عذاب دست از لجاجت برمی دارند.

تشابه برخوردهای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۶

۶- واکنش هدایت ناپذیران مجرم در برابر انبیای الهی ، همگون و مشابه بوده است .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به و قد خلت سنه الأولین

تشنگی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۱

۱- مجرمان شرک پیشه ، در قیامت لب تشنه و عطشان به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و نسوق المجرمین إلی جهنم وردًا

از جمله معانی بیان شده برای <ورد> عطش است (لسان العرب). <وردًا> در این آیه با تأویل به مشتق حال برای <المجرمین> است؛ یعنی، مجرمان را در حالی که تشنه اند، به جهنم می رانیم. برخی از اهل لغت و تفسیر <ورد> را به معنای گروهی که بر لب آب می روند، گرفته و آن را کنایه از تشنه کامی آنان دانسته اند.

تشویق گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ - ترغیب گنه کاران ، به توبه و استغفار از سوی خداوند

یعبادی الذین أسرفوا .. لاتقنطوا من رحمه الله... إته هو الغفور الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ - تشویق خطاکاران به توبه و پیمودن راه درست از سوی خداوند

فاغفر للذین تابوا و اتّبعوا

سیلک و فهم عذاب الجحیم

تعجب اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

یویلتنا مال هذا الکتب لایغادر صغیره و لاکبیره

تعقل در فرجام گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نَمَل - ۲۷ - ۷۱ - ۴

۴- اتکای کافران به حس و تجربه عذاب ، علی رغم فرا خوانده شدن به تعقل و تدبر در فرجام شوم مجرمان تاریخ

فانظروا کیف کان عقبه المجرمین . . . و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

علی رغم این که خداوند از کافران مکه می خواهد تا با مطالعه تاریخ و تدبر در فرجام مجرمان گذشته، درس عبرت بگیرند و بینش خود را تصحیح کنند، آنان برای پی بردن به حقانیت وعده الهی، خواهان لمس و شهود عذاب می شوند و تعیین زمان آن را می طلبند.

تفاوت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۲۲

۲۲- پی آمد های هر گناه ، برای تمامی مرتکبان آن گناه یکسان نیست .

فأکلا . . . و عصی ءادم ربّه فغوی

مطرح نشدن عصیان حوا، شاید به این جهت باشد که وی در عصیان خود اصالت نداشت؛ بلکه عملکرد شوهرش را سرمشق خود ساخته بود. در نتیجه آثار عصیان او در حد عصیان آدم نبود.

تفاوت مؤمنان با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۳

مؤمنان نیکوکار با افراد بد کردار، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سنگ نیستند.

و ما یستوی... و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

تقلید گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- ارتکاب گناه کبیره هر چند جاهلانه، تقلیدی و تحت تأثیر تبلیغات باشد، کیفر دارد.

لیحملوا أوزارهم... و من أوزار الذین یضلونهم بغیر علم

این برداشت، مبتنی بر این اساس است که <من> برای تبعیض و <بغیر> حال برای ضمیر مفعولی باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: آنان به دوش می کشند گناهان خود و بخشی از گناه گمراه شدگان به دست خود را، هر چند اینها عالم نبوده اند.

تکذیبگری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تنها تجاوزگران و فرورفتگان در گناه، به انکار قیامت کشانده می شوند.

و ما یکذب به إلا کلّ معتد اثم

مراد از <اعتداء> (تجاوزگری) نادیده گرفتن حدود الهی است. <اثم> مبالغه در <آثم> است (مصباح)؛ یعنی، کسی که در گناه زیاده روی می کند.

تلاوت قرآن برای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۲

۲ - متجاوزان و گنه پیشگان، نباید از شنیدن آیات قرآن محروم بمانند.

كَلِّ مَعْتَدٍ اٰثِيْمٍ . اِذَا تَتْلٰى عَلَيْهِ ءَايٰتِنَا

تَنْبِهٌ لِّغٰنَاكُم مِّنْ عَذَابٍ

جِلْدٍ - نَامِ سُوْرَةٍ - سُوْرَةٍ - اٰيَةٍ - فَيْشٍ

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳ - برخى از كافران لجوج و گنه كاران سرمست

، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از آن پیروی می کنند .

أو تقول حين ترى العذاب لو أنّ لي كثره فأكون من المحسنين

تنبيه گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - بازگشت انسان های گناهکار از گناه خویش ، در صورت تنبیه شدن ، باز هم حتمی و قطعی نیست .

و لنذيقنهم من العذاب الأدنى .. لعلهم يرجعون

<لعل> حرف ترجی است و در جایی استعمال می شود که انجام شدن فعل، قطعی نیست، بلکه صرفاً امید به انجام آن وجود دارد.

توبه گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۷

۷ - رحمانیت و رحیمیت خداوند ، ضامن پذیرش توبه گناهکاران است . \*

لا إله إلا هو هو الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ خداوند ، ترغیب کننده ستمکاران و گناهکاران به توبه و اصلاح خویش (خودسازی)

فمن تاب .. فَإِنَّ اللَّهَ يتوب عليه إِنَّ اللَّهَ غفور رحيم

توجه دادن ستمکاران به مغفرت، رحمت و توبه پذیری خداوند می تواند به منظور ترغیب آنان به توبه و اصلاح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - راه توبه و بازگشت به سوی خداوند ، برای گنه کاران و غضب شدگان باز است .

یحلل غضبی . . . و



إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ

تأکید بر مغفرت گسترده خداوند در پی وعید به طغیان گران، به جهت بیان باز بودن راه توبه و امیدوار ساختن گنه گاران به مغفرت الهی است.

تهدید گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۸

۸ تهدید شدن منکران قیامت و جرم پیشگان ، به عذاب قهر الهی در قیامت

الذین لا یرجون لقاءنا .. لا بشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

تهدید گناهکاران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۳

۳ - تهدید شدن گنه پیشگان و کافران دنیاگرا در صدر اسلام ، به هلاکت و جایگزین شدن مردمی دیگر ، از سوی خداوند

وإذا شئنا بدلنا أمثلهم تبديلاً

تهمتهای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۲ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر ، با مشاهده مؤمنان به نکوهش آشکار ایشان پرداخته ، آنان را ره گم کرده قلمداد می کنند .

و إذا رأوهم قالوا إن هؤلاء لضالون

جمله <إذا رأوهم..> ، بیانگر برخورد علنی کافران با مؤمنان است.

جنون اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۲

۲ - مجرمان ، گرفتار سرگردانی و جنون در قیامت

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَلٍ وَسَعَرٍ

>سعر< در صورتی که مفرد باشد، به معنای جنون می آید.

جهل گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ > عن أبي عبد الله (ع) : ...

كل ذنب عمله العبد و إن كان به عالماً فهو جاهل حين خاطر بنفسه في معصيه ربه ، و قد قال في ذلك تبارك و تعالی یحكي قول يوسف لإخوته : < هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه إذ أنتم جاهلون > فنسبهم إلى الجهل لمخاطرتهم بأنفسهم في معصيه الله ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . هر گناهی را که بنده انجام دهد اگر چه به گناه بودن آن آگاه باشد نادان است ؛ زیرا خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته است. خدای تبارک و تعالی در همین مورد، قول یوسف را خطاب به برادرانش حکایت کرده که گفت: <هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون> [امام(ع) فرمود: یوسف به آنان نسبت نادانی داد ؛ چون خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته بودند].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- ارتکاب گناه کبیره هر چند جاهلانه ، تقلیدی و تحت تأثیر تبلیغات باشد ، کیفر دارد .

ليحملوا أوزارهم . . . و من أوزار الذين يضلونهم بغير علم

این برداشت، مبتنی بر این اساس است که <من> برای تبعیض و <بغیر> حال برای ضمیر مفعولی باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: آنان به دوش می کشند گناهان خود و بخشی از گناه گمراه شدگان به دست خود را، هر چند اینها عالم نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند

المجرمون.. الذین کفروا... الذین لایعلمون

<لایعلمون> می تواند صفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الذین کفروا> باشد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

حتمیت عذاب اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۱

۱ - نجات مجرمان با پرداخت فدیة از عذاب الهی در قیامت هر چند بسیار و نامحدود آرزویی واهی و ناممکن است .

یودّ المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببینه .. کلاً

حتمیت عذاب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۳

۱۳ گنه کاران مجرم ، پس از نزول عذاب الهی ، راهی برای نجات خویش نخواهند یافت .

و لایردّ بأسنا عن القوم المجرمین

<بأس> به معنای عذاب است. <ردّ> (مصدر لایردّ) به معنای بازگرداندن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- برای مجرمان ، پس از پایان مهلت آنان و فرا رسیدن موعد تحقّق عذاب آنان ، کمترین پناهگاهی وجود ندارد .

بل لهم موعد لن یجدوا من دونه موئلاً

<موئل> اسم مکان به معنای <ملجأ و پناگاه> است. ضمیر در <من دونه> به <موعد> برمی گردد و مراد این است که کافران، جز حرکت به سوی زمان تعیین شده عذاب، راه نجاتی ندارند. نکره بودن <موئلاً> بر عموم نفی دلالت دارد، یعنی،

برای مجرمان کمترین پناگاهی نیز پیدا نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۱

۱ - عذاب و کیفر کافران

جرم پیشه ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر است ؛ هر چند پس از تأخیر و مهلتی محدود باشد .

أَفْرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ . ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ

حتمیت کیفر اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۹

۹ - عقوبت و مجازات کافران و گنه کاران ، امری قطعی است که در عالم پس از مرگ تحقق خواهد یافت .

و لو يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ . . . و لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

حتمیت هلاکت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۲

۲ - نابودی مجرمان ، از سنت های الهی در بستر تاریخ

كذَلِكَ نَفْعُكَ بِالْمَجْرِمِينَ

جمله < كذَلِكَ نَفْعُكَ .. > در مقام بیان برای < أَلَمْ نَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ . ثُمَّ... > است ؛ یعنی ، سنت ما درباره هلاکت پیشینیان و پسینیان، درباره همه مجرمان تاریخ جاری و ساری است.

حرکت گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۱

۱ - حرکت مجرمان دوزخی ، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن

یطوفون بينها و بین حمیم ءان

حرمت اطاعت از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۹

۹ - اطاعت و اجابت خواسته های گناه پیشگان ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ .. ائیم

حسابرسی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۶

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت

و ناگوار مواجه می شوند .

و يخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسلّتهم أجمعين

آورده شدن فعل مضارع <نسل< برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباءً منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهننگ [کاری] کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۵

۵ - مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت ، به تبه کاری خویش در دنیا ، پی می برند .

و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا

<عند ربّهم> می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف با <أبصرنا و سمعنا> پس از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَاَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گراف و ظلم است .

یوم یسحبون .. إنا کلّ شیء خلقه بقدر

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

حسابرسی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱

۱ - گنه کاران ، دارای حسابی مجزّا از مؤمنان نیک کردار ، در پیشگاه الهی

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ .. كَالَّذِينَ ءَامَنُوا

حسرت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۳

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقوایپیشگان در قیامت

أَنَّ اللَّهَ هَدِيَنِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۶

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أن لی کزّه فأکون من المحسنین

حسرت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۳

۳ - حسرت شدید مجرمان لجاجت پیشه ، بر فرصت های از دست رفته و نومیدی آنان به هنگام مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته . . . فیقولوا هل

با توجه به تعبیر <هل نحن..> به دست می آید که آنان به گونه ای قطعی چنین درخواستی نمی کنند؛ بلکه آرزوی خود را در قالب پرسش بیان می دارند.

حق ناپذیری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

كذلك سلكنه في قلوب المجرمين

ذکر مشرکان با وصف <المجرمين>، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلك السلوک جزاء لأجرامهم؛ ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تا کیفری باشد در برابر جرم هایشان.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

كذلك سلكنه .. لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الأليم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا يستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزا، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۲

۲ - مجرمانِ نادم در روز قیامت ، فاقد روحیه حق پذیری ، حتی در صورت رجوع

دوباره به دنیایند .

فارجعنا نعمل صلحاً .. إتما يؤمن بأیتنا الذین إذا ذکروا بهاخزوا سجداً

احتمال دارد که آیه درصدد تبیین و تشریح جواب رد دادن به درخواست مجرمان باشد. خداوند در این آیه، تلویحاً می گوید:  
> آنان فاقد روحیه ایمان اند و بنابراین، درخواست شان اجابت نمی شود.<

ختم قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۶

۶ گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبهنم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله <نطبع علی قلوبهم> عطف بر جمله <أصبهنم> است و فعل ماضی <اصبنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۳،۴

۳ - قلب مجرمان ، محروم از درک حقایق قرآن

كذلك سلكنه فی قلوب المجرمین

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

كذلك سلكنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلك السلوک جزاء لأجرامهم> ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تا کیفری باشد در برابر جرم هایشان.<

خجالت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ -

۱ - ندامت و سرافکنندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم عند ربهم

<نكس الرأس> به معنای <پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأيت شيئاً عجيباً و هو...> است.

خضوع اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۲

۲ - مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحی القیوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجه> جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

خطر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۹

۹ - خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً

خواسته های اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۳، ۱۹، ۹

۹ - مجرمان در قیامت ، برای بازگشت به دنیا ، به ربوبیت الهی متمسک می شوند .

رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا

۱۳ - مجرمان در قیامت ، برای بازگشت به دنیا و یافتن فرصت انجام اعمال نیک



، تمنا می کنند .

فارجعنا نعمل صلحًا

۱۹ - به یقین رسیدن مجرمان درباره معاد ، در قیامت دلیل درخواست شان از خدا جهت بازگشت به دنیا است .

فارجعنا نعمل صلحًا إنا موقنون

<إنا موقنون> به منزله تعلیل برای درخواست است.

خیرگی چشم گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ - مجرمان در لحظه حضور در قیامت ، با نگرانی به فرجام خویش چشم دوخته و مات و حیرت زده خواهند بود .

و نحشر المجرمین یومئذ زرقًا

<زرقًا> حال برای <المجرمین> است و مفرد آن <أزرق> یا <زرقاء> به کسی گفته می شود که سفیدی چشم او سیاهی آن را بپوشاند (لسان العرب). این حالت نشان چشم دوختن و خیره شدن مجرمان است و از اضطراب شدید درونی آنان حکایت دارد. برخی گفته اند: سفید شدن چشم، ملازم با کوری آن است (لسان العرب).

درماندگی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۷

۷ جهان آخرت ، سرای تنهایی و محرومیت از هر گونه شفاعت برای زشت کرداران

و الذین کسبوا السیئات .. ما لهم من الله من عاصم

دروغگویی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به <كَلِّ أَفَّاكٍ> باز گردد و <السَّمْعَ> نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛  
یعنی، <يَلْقَى هَؤُلَاءِ>

المنحرفون مسموعاتهم علی الناس و الحال أنّ اکثرهم کاذبون فیما یلقونه / این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

دعا برای گناهکاران پشیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۶

۱۶ دستور خدا به دلجویی کردن پیامبر (ص) از گناهکاران نادم، با قبول صدقه شان و دعا برای آنان

خذ من أموالهم صدقه... و صل علیهم إن صلوتک سکن لهم

برداشت فوق با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش است که درباره متخلفان نادمی نازل شده که برای جبران تخلفشان از جنگ تبوک عزم انفاق تمامی اموال خود را داشتند.

دعوت از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند.

تدعوا من أدبر و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ، مجرمان و ثروت اندوزان را به سوی خود فرامی خواند.

تدعوا من... و جمع فأوعی

<وعاء> (ماده <أوعی>) به معنای ظرف است و مقصود از <جمع فأوعی> اندوختن و ذخیره کردن مال و ثروت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، گنه کاران حتی قاتلان مردم مؤمن را به توبه دعوت کرده است .

ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا

بیان

اختصاص عذاب به کسانی که توبه نکرده اند، ترغیب به توبه است.

دلایل تأخیر عذاب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۹

۹ غفران و رحمت خداوند ، دلیل و فلسفه تأخیر و یا انصراف از نزول عذاب بر برخی از بندگان گنه کار

اِنَّهٗ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا

جمله <اِنَّهٗ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا> تعلیل برای جمله ای مقدر و مناسب آن (مانند <اٰخِرُ عَقُوْبَتِهٖ> و <انصرفت عن عذابه>) است.

دلجویی از گناهکاران پشیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۶

۱۶ دستور خدا به دلجویی کردن پیامبر (ص) از گناهکاران نادم ، با قبول صدقه شان و دعا برای آنان

خذ من أموالهم صدقه .. و صل علیهم إن صلوتک سکن لهم

برداشت فوق با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش است که درباره متخلفان نادمی نازل شده که برای جبران تخلفشان از جنگ تبوک عزم انفاق تمامی اموال خود را داشتند.

دنیاطلبی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لاتطع منهم ءائماً أو کفوْراً .. إِنَّ هٰؤُلَاءِ یحِبُّون العاجله و یدرون وراءهم یومً

ذلت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۵

۵ بدکاران در جهان آخرت ، گرفتار چنان خواری و ذلتی خواهند شد

که در وصف نمی گنجد .

و الذین کسبوا السيئات . . و ترهقهم ذله

تنکیر <ذله> بیانگر این حقیقت است که ذلت و خواری بدکاران غیر قابل توصیف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۲

۲- زبونی و خواری مجرمان در قیامت ، به هنگام رانده شدن به طرف دوزخ

و نسوق المجرمین إلی جهنم وردًا

<نسوق> و <وردًا> در این آیه، در مقابل <نحشر> و <وفدًا> در آیه پیشین است. تعبیرات یاد شده در آن آیه حکایت از احترام و تجلیل داشت و در این آیه (به قرینه مقابله و بیان حالت تشنگی مجرمان و نیز تعبیر <نسوق>) حکایت از ذلت و زبونی آنها در صحنه قیامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۲

۲ - مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحي القيوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجوه> جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۳

۳- کشانده شدن اجباری گنه کاران با خفت و خواری به سوی مرکز دوزخ

خذوه فاعتلوه إلی سواء الجحیم





- فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۵

۵ - مجرمان گردن فراز دنیا ، دارای وضعی خفت بار و ذلیلانه در قیامت

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

گرفتار شدن کافران با موهای سر و با پاهایشان، حکایت از مقهور بون کامل آنان و ذلت ایشان در قیامت دارد.

ذلت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربّهم كفرون ... و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فصاحت بار و ذلیلانه مجرمان

يعرف المجرمون ... فبأیء الآء ربّكما تكذّبان

رحمت بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۷

۷ - تشویق شدن گنه کاران به آمرزش خواهی از ساحت پروردگار و نوید غفران و رحمت به آنان

إنّهُ هو الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیامبر (ص)، مأمور ابلاغ پیام امیدبخش رحمت و آمرزش خداوند به بندگان گنه کار

قل يعبادى الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله

رد بهانه جویی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۴

۴ - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای

برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالمَلَقِيتَ ذِكْرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

رد خواسته های گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱

۱ - درخواست مجرمان در قیامت برای بازگشت به دنیا ، از سوی خداوند شدیداً رد می شود .

فارجعنا نعمل صلحًا .. فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا

احتمال دارد امر <ذوقوا> جواب درخواست مشرکان باشد که در آیه پیش (۱۲) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۸

۸ - پیامبر ( ص ) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های گناه پیشگان

و لا تطع كلَّ .. أثيم

رد عذر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۴

۴ - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالمَلَقِيتَ ذِكْرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

رنج‌های اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۵

۵ خوشی‌های دنیا در مقایسه با رنج‌های اخروی برای گناهکاران بسی ناچیز است .

فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً

رنج صورت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۶

۶ - مجرمان در قیامت ،

با چهره‌هایی کبود و رنگ باخته محشور خواهند شد. \*

و نحشر المجرمین یومئذ زرقاً

ممکن است مراد از <أزرق> یا <زرقاء> (مفرد <زرقاً>) رنگ لاجوردی باشد که به آن، کبود آسمانی و یا نیلگون نیز اطلاق می‌شود. این وصف گرچه غالباً برای توصیف چشم به کار می‌رود، ولی در غیر چشم نیز کاربرد دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر این اساس است که <زرقاً> بیانگر حالت جسمی مجرمان باشد.

روحیه گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۱

۱ خیانت پیشگان گنهکار، علی‌رغم شرم از مردم، از خدا شرم و پروایی ندارند.

يستخفون من الناس و لا يستخفون من الله

چون <استخفاء> (پنهان‌سازی) از خداوند مقدور نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد؛ بنابراین <استخفاء> می‌تواند کنایه از <استحیاء> (شرم کردن) باشد.

روش برخورد با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۴، ۱۲

۱۲ - گذشت از لغزش‌های خویشاوندان، بینوایان و مهاجران راه خدا و برخورد کریمانه با آنان، وظیفه‌ای الهی بر عهده توانگران

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی . . . و لیعفوا و لیصفحوا

<عفو> در لغت به معنای گذشت است و <صفح> به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت‌کننده است.

۱۴ - لزوم رعایت اعتدال و میانه‌روی و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط در

برخورد با گنه کاران

و لا يَأْتِلُ أُولَئِكَ الْفَضْلَ مِنْكُمْ وَالسَّعَةَ أَنْ يُؤْتُوا .. و ليعفوا و اليففحوا

در آیات پیشین، خداوند فرمان داد که با مرتکبین گناه <افك>، برخورد سختی شود؛ ولی در آیه شریفه یاد شده، همگان را به گذشت از مستمندان، خویشاوندان و .. هر چند گنه کار باشند فرا خواند. از ارتباط میان این دو دسته از آیات، می توان استفاده کرد که باید با گنه کاران واقع بینانه و به دور از افراط و تفریط برخورد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۹

۹ - لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لَأَعَذَّبَنَّهُ .. أَوْ لِيَأْتِيَنَّ بِسُلْطَنٍ مَبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - داشتن ملاحظت و برخورد محبت آمیز ، روشی پسندیده و بایسته در تبلیغ دین و برخورد با افراد خاطی و گناه کار

قال يقوم اتبعوا المرسلين

روش برخورد گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۶

۶- واکنش هدایت ناپذیران مجرم در برابر انبیای الهی ، همگون و مشابه بوده است .

كذلك نسلكه فى قلوب المجرمين . لا يؤمنون به و قد خلت سنه الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۳ - ۴

۴ - گنه پیشگان کافر ، در برخورد با مؤمنان ، چنان خود را در مقام قییم و نگهبان می نشانند که گویا هدایت آنان را

مأموریت خود می دانند .

و ما اُرسَلوا

علیهم حفظین

رهبر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۲

۲ - انسان های دروغ پرداز و آلوده به گناه ، گوش سپرده به القائات دروغین شیاطین

علی کلِّ أفاك أئیم . یلقون السمع و أكثرهم كذبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <یلقون> به <کلِّ أفاك> باز گردد و <یلقون السمع> کنایه از این باشد که آنها تمامی اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند. گفتنی است که بر این مبنا ضمیر جمع در <أكثرهم كاذبون> می تواند به شیاطین باز گردد؛ یعنی، منحرفان تمام اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند؛ اما بیشتر شیاطین، اخبار دروغ تحویلشان می دهند.

زکات گناهکاران پشیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۷

۷ گرفتن صدقه (زکات) از خطاکاران نادم از سوی حاکم اسلامی باید به منظور تطهیر روح و تکامل معنوی آنان باشد .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

زمان کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۹

۹ - قیامت ، مکان اصلی مجازات عصیانگران و گناه کاران است .

إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

پیامبر(ص) ترس و هراس خود را تنها در پیامدهای اخروی عصیان و نافرمانی اظهار کرده اند. این نکته می توان بیانگر



برداشت یاد شده باشد.

زمینه احساس مصونیت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۳

۳ - چیزی جز

دروغ پنداشتن کیفرهای اخروی، گناه کاران و کافران را به احساس امنیت از عذاب سوق نداده است.

بل تکذّبون بالدین

مراد از <دین> به قرینه آیات بعد که در آنها قیامت با عنوان <یوم الدین> یاد شده جزای اعمال است. حرف <بل> که برای اضراب است بیانگر آن است که کافران و گناه کاران، گرچه توجیهاتی نزد خود دارند ولی محرک اصلی آنان، چیزی جز دروغ دانستن کیفرهای آخرت نیست.

زمینه سازش با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - ضعف روح صبر و شکیبایی، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک ولا تطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

از توصیف شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه هلاکت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۳

۳ - انسان های گناه کار، مستحق کیفر الهی و در معرض هلاکت و نابودی به واسطه اعمال ناشایست خویش

أو یوبقهنّ بما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۲ - ۴

۴ - جامعه مجرم، در معرض انتقام الهی و نابودی

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

بیان هشدار دهنده و هدایت قرآنی، با ذکر رسالت فرشتگان به سوی مجرمان، پیامدار معنای یاد شده است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۵

۵ - جوامع کفرپیشه و گناه کار ، در معرض نابودی از سوی خداوند

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا .. إن هؤلآء یحبون العاجله و یذرون وراءهم ...

زندگی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۷

۷ - زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذین اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محیاه

زیان به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۴، ۱۵

۱۴ بازگشتی برای تقدیر الهی بر آسیب دیدن گمراهان و تبه کاران نیست .

و إذا أراد الله بقوم سوءًا فلا مرد له

مراد از <قوم> در آیه شریفه به مناسبت حکم و موضوع ، قوم گنه کار می باشد . <مرد> مصدر میمی و به معنای بازگرداندن است .

۱۵ هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله <فلا مرد له> می رساند که تقدیر الهی بر گزندرسانی بازگشتی نیست و جمله <و ما لهم ..> بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد .

زیان گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۴

۴

خداوند بازگرداننده آثار زیانبار گناه به گنهکاران

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جمله <کان الله علیماً حکیماً> می رساند که تحمیل آثار سوء آدمی به دست خداوند است.

زیانکاری اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۶

۶ - تفاوت میزان زیان کاری خطاکاران در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

تعبیر <الأخسرون> (زیانکارترین ها) می رساند که گناه کاران به طور یکسان در آخرت زیان نمی بینند.

زیانکاری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۲

۳۲ بازگشت زیان گناه به گنهکار است ، نه متوجه ساحت قدس خداوند

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۱،۴

۱ - کسانی که نفس خود را در گناه مدفون ساخته ، آن را به سقوط و تباهی می کشانند ، محروم و زیانکارانند .

و قد خاب من دسیها

<خاب> یعنی، محروم شد، خسارت دید و به آنچه خواست، نرسید (قاموس). <دسّاهّا> یعنی، آن را ساقط کرد و از بهره آن کاست. <دسیّت> یعنی، گمراه و فاسد کردم (لسان العرب). این فعل که <دَسَسَ> بوده و حرف <سین> در آن به <یاء> تبدیل شده است، مبالغه در <دَسَّ> (دفن کرد) است. مراد از <دسّاهّا> به قرینه <ألهمها فجورها> مدفون ساختن

نفس در معصیت ها و کشاندن آن به سقوط و گمراهی و فساد است.

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به > خورشید

و نور آن <، > ماه < روز و شب >، < آسمان و زمین >، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است.

و الشمس .. و قد خاب من دسيها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

سختی حسابرسی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۶

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت و ناگوار مواجه می شوند .

و يخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است.

سرزنش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۴

۴ سرزنش خلفاکاران و مؤاخذه آنان باید همواره پس از اتمام حجّت باشد .

و كيف تكفرون و انتم تتلى عليكم ايات الله و فيكم رسوله

بنابراینکه استفهام برای توبیخ بوده و مراد از تلاوت آیات و وجود رسول، اتمام حجّت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۴ - ۱

۱ - توبیخ مجرمان از سوی خدا به خاطر شتاب آنان در طلب نزول عذاب

أفبعذابنا يستعجلون



استفهام در <أفبعذابنا> برای توییخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، با پرخاش به کافران و گنه کاران ، آنان را به خاطر دلگرمی به دستاویز های پوچ و بی باکی شگفت آورشان در برابر کفر و گناه ، سرزنش کرده است .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَنُ مَا

استفهام در <ما غزک>، بر توبیخ همراه با تعجب دلالت دارد.

سرزنش گناهکاران مسرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۵

۵ سرزنش خداوند نسبت به منافقان و آنان که به جای ندامت از تخلفات و گناهان خویش، خشنود بودند.

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

سرزنشهای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۱ - ۳

۳ - کافران و گنه پیشگان، حتی در غیاب مؤمنان نیز آنان را استهزا کرده و با طعنه و کنایه از ایشان یاد می کنند.

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۲ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر، با مشاهده مؤمنان به نکوهش آشکار ایشان پرداخته، آنان را ره گم کرده قلمداد می کنند.

و إذا رأوهم قالوا إن هؤلاء لضالون

جمله <إذا رأوهم..>، بیانگر برخورد علنی کافران با مؤمنان است.

سرگردانی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۱،۲

۱ - مجرمان ، در روز قیامت دچار سردرگمی و حیرت و گرفتار عذاب آتش برافروخته دوزخ

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسَعِيرٍ

آیه شریفه به دلیل ارتباط با قبل و بعد که در زمینه قیامت است نظر به وخامت حال مجرمان در آن روز دارد. گفتنی است که در برداشت بالا <سعر>، جمع <سعیر> (آتش ملتهب) گرفته شده است.

۲ - مجرمان ، گرفتار سرگردانی و جنون در قیامت

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ

<سعر> در صورتی که مفرد باشد، به معنای جنون می آید.

سرمستی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۲ - ۳

۳ - فرارسیدن عذاب الهی بر مجرمان ، در حال سرمستی و غفلت آنان

فیأتیهم بغته و هم لا یشعرون

سرنوشت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۹

۹ - اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ .. و إِن كُنْتَ لَمِنَ السَّخِرِينَ ... لَوْ أَنَّ لِي كَرْهٌ ف

سنت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۸

۸ - هلاکت قوم عاد ، نمودی از سنت الهی در مجازات جوامع جرم پیشه

كذلك نجزي القوم المجرمين

از تعبیر <كذلك نجزي> با توجه به فعل مضارع که مفید استمرار است سنت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۵

۵ - مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلكنا أشیاعکم فهل من مدّکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد؛ بلکه سنتی فراگیر است.

سوگند اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱

۱ - مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود <یخلق ما یشاء> که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالم برزخ است.

سهولت هلاکت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۶

۶ - نابود ساختن امت های کفرپیشه و مجرم ، امری آسان و بی مؤونه برای خداوند

و ما أمرنا إلا وحده کلمح بالبصر

با توجه به این که در آیات پیشین، سخن از هلاکت جوامع مجرم بود و در آیه بعد نیز همین امر، دنبال شده است؛ احتمال می رود که مراد از <أمرنا>، مجازات و هلاکت کفرپیشگان و یا از مصادیق بارز آن باشد.

سیمای اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۴

۴- روز قیامت ، بیم و هراس و تأثر ، در چهره مجرمان ، ملموس و نمایان است .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

<اشفاق> توجه و عنایتی است که آمیخته به ترس باشد و در صورتی که با <من> متعدی شود، معنای بیم و دلهره در آن آشکارتر است (مفردات راغب). پس عبارت <مشفقین ممّا فیه> دلالت دارد که مجرمان، از

آنچه در نامه اعمال مشاهده می کنند، خائف و هراسناک اند و این ترس به قرینه فعل <تری> در چهره آنان قابل مشاهده و رؤیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۲

۲ - مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنق الوجوه للحی القیوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجوه> جایگزین مضاف الیه است یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنق> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

سیمای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۲

۲- چهره مجرمان در روز قیامت در پوششی از آتش است .

و تری المجرمین .. و تغشی وجوههم النار

سیمای گناهکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۸

۸ چهره مردمان زشت کار در قیامت ، مانند پاره ای از شب دیجور ، سیاه خواهد بود .

و الذین کسبوا السیئات .. کأنما أغشیت وجوههم قطعاً من الیل مظلماً

شایعه پراکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كلّ أفاك أثيم . يلقون



## السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می توانند به <كَلِّ أَفَّاكٍ> باز گردد و <السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه>؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شبهه افکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

۳ - تلاش خطاکاران فاسد، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٌ . يلقون السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می توانند به <كَلِّ أَفَّاكٍ> باز گردد و <السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه>؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شخصیت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۳

۳ - مؤمنان نیکوکار باافرادبد کردار، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سنگ نیستند .

و ما يستوى . . . و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسيء

شدت عذاب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۲

۲ - کشیده شدن مجرمان، با صورت در آتش به منظور چشیدن هرچه بیشتر طعم عذاب



علی وجوههم ذوقوا مسّ سقر

شدت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۹

۹- مجازات الهی برای جوامع مجرم ، مجازاتی سخت ویرانگر و هلاکت بار

كذلك نجزي القوم المجرمين

<كذلك> اشاره به عذاب سخت و ویرانگری دارد که قوم عاد را نابود ساخت. خداوند امت ها را به مجازاتی چنین سخت، هشدار داده است.

شرایط آمرزش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۸

۱۸- برخورداری گناهکاران از رحمت و بخشش خداوند ، مشروط به توبه عملی و تدارک گذشته هاست .

ثمّ إن ربك للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثمّ جهدوا و صبروا إن ربك من بعدها لغف

شرایط رحمت بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۸

۱۸- برخورداری گناهکاران از رحمت و بخشش خداوند ، مشروط به توبه عملی و تدارک گذشته هاست .

ثمّ إن ربك للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثمّ جهدوا و صبروا إن ربك من بعدها لغف

شرایط سعادت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

شریک گناه گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ ترک کنندگان نهی از منکر ، شریک جرم گناهکاران و

دارای سرنوشتی همسان با آنان هستند .

أُنَجِّينَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِقَابٍ

شعيب(ع) و گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۲

۲۲ شعيب (ع) نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و گنه کاران مردم خویش

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مَّحِيطٍ

شك گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۱

۱- غوطهوران در گناه ، گرفتار تردید در وقوع قیامت و وجود دوزخ

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

شکنجه اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۱

۱- مأموران دوزخ ، موظف به شکنجه گناه پیشگان در وسط دوزخ

ثُمَّ صَبُّوا

شناسایی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۶

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم

<سِمْما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۶ - ظهور علامت های جرم در چهره مجرمان ، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب

يعرف المجرمون .. فيؤخذ بالنوصی و الأقدام

صفات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً .. إِنَّ هؤلاءِ یحبون العاجله

و یذرون وراءهم یوم

ظلم گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۸

۸ - گنهکاران ، ستمکارند .

بما قدمت أیدیهم و الله علیهم بالظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمداری ، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا ، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إتك أنت العزیز الکریم

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزیز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیرشوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

عبرت از سرنوشت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۹ - ۱

۱ - عبرت گرفتن از سرنوشت مجرمان گذشته تاریخ ، هشدار خداوند به منکران معاد

و قال الذین کفروا.. إن هذا إلا أسطیر الأولین . قل سیروا فی الأرض فانظروا ک

عذاب اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة . . . بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ - گنهکاران علاوه بر عذاب



اخروی در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی نیز هستند .

فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۳

۲۳ - گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی ، در خطر گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی نیز هستند .

لهم في الدنيا خزي و لهم في الآخره عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ - گنهکاران در قیامت ، علاوه بر آتش دوزخ به عذاب های روحی نیز گرفتار خواهند شد .

و لا يكلمهم الله يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۹

۹ - ضلالت پیشگان و گنهکاران به عذاب طاقت فرسای قیامت گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى .. فما أصبر هم على النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۴

۲۴ عذاب روز قیامت ، عذابی است فراگیر همه کافران و گنه کاران .

إني أخاف عليكم عذاب يوم محيط

کلمه <محیط> (احاطه کننده و فراگیر) در ظاهر صفت برای <یوم> است و در حقیقت ، بیانگر وصفی برای عذاب می باشد؛ یعنی ، محیط عذاب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۹ - ۴

۴- به غل و زنجیر بودن مجرمان در قیامت ، جلوه عزت ، انتقام و قهّاریت بی همتای خداوند

إن الله عزیز ذو انتقام . . . و برزوا لله الواحد القهّار . و

تری المجرمین یومئذ مقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۱،۲،۳

۱- مجرمان در قیامت دارای پیراهنی از ماده ای سیاه ، بد بو ، داغ و قابل اشتعال ( مانند قیر )

و تری المجرمین .. سرابیلهم من قطران

<قطران> به معنای ماده ای است سیاه، بد بو و چسبنده (روغن) که آن را بر بدن شتر می مالند (مجمع البیان). اینکه خداوند فرمود: لباس دوزخیان از قطران است، ممکن است برای بیان مبالغه و کثرت شعله‌وری و سوزندگی آتش جهنم به بدن انسان دوزخی باشد و نیز بیانگر قابل اشتعال بودن ماده قطران باشد (لسان العرب).

۲- چهره مجرمان در روز قیامت در پوششی از آتش است .

و تری المجرمین .. و تغشی وجوههم النار

۳- عذاب الهی در قیامت سراسر وجود مجرمان و تبهکاران را فرا می گیرد .

و تری المجرمین .. سرابیلهم من قطران و تغشی وجوههم النار

تعبیر <وجوه> (چهره ها) می تواند کنایه از سراسر وجود باشد چون چهره آینه تمام نمای وجود انسان است. گفتنی است پیراهن آتشین و به غل و زنجیر بسته شدن مجرمان مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۴

۴- گنه کاران دوزخی ، از درون و بیرون و از هر سو مبتلا به عذاب و شکنجه خواهند بود .

إِنَّ شَجْرَتَ الزَّقُّومِ ... كَالْمُهْلِ يَغْلَى فِي الْبَطْنِ ... خَذْوَةٌ ... ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۲

- امدادگران و پناه دهندگان در دنیا ، ناتوان از نجات دادن انسان مجرم از عذاب الهی در آخرت

و فصیلته الّتی تویه

مطلب یاد شده، از وصف و قید <الّتی تویه> (آنان که به او پناه می دادند) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۴ - ۳

۳ - عذاب الهی در آخرت ، برای مجرمان بس طاقت فرسا و غیر قابل تحمّل است .

یودّ المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببنيه . . . و من فی الأرض جمیعاً ثم ینجیه

حاضر شدن مجرمان به فدا کردن همه خویشان و خلائق برای نجات خود از عذاب، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۲

۲ - آتش شعلهور و خالص ، عذاب و کیفر مجرمان در آخرت

إنّها لظی

واژه <لظی> هم در معنای آتش شعلهور و خالص به کار می رود و هم می تواند عَلم و اسم برای دوزخ باشد. برداشت یاد شده، براساس کاربرد نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۲ - ۴

۴ - طغیان گران و گناه کاران ، در قیامت به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل یومئذ للمکذّبین . . . و ما یکذّب به إلّا کلّ معتد أثم

عذاب دنیوی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - گنهکاران فسق پیشه ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی هستند .

فأنزلنا على الذين ظلموا رجلاً من السماء بما

کانوا یفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۶

۶ گنهکاران و ستم پیشگان در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی هستند .

فأرسلنا عليهم رجلاً من السماء بما كانوا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۷

۱۷ گنهکاران و تکذیب کنندگان پیامبر ( ص ) در خطر گرفتار آمدن به عذاب های دنیوی اند .

ولا یرد بأسنا عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - جوامع گمراه و گنه کار ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند .

فاستحبوا العمی علی الهدی فأخذتهم صعقه العذاب الهون بما كانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۴

۴- عذاب های دنیوی مجرمان ، پیش در آمد کیفر نهایی آنان در آخرت

أهلکنهم إنهم کانوا مجرمین ... إن یوم الفصل میقتهم أجمعین

از ارتباط این آیه با آیات پیشین، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

عذاب روحی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ - گنهکاران در قیامت ، علاوه بر آتش دوزخ به عذاب های روحی نیز گرفتار خواهند شد .

و لایکلمهم الله یوم القیمه

عذاب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ - عمر گنهکاران ، هر چند طولانی باشد ، موجب نجاتشان از عذاب الهی نخواهد شد .

بما قدمت

أيديهم .. و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۶۸

۶ گناهکاران یهود و نصارا ، گرفتار عذاب الهی

فلم يعذبكم بذنوبكم

۸ گرفتاری گناهکاران یهود و نصارا به عذاب الهی ، ردی بر پندار تقرب و محبوب بودنشان نزد خداوند

قل فلم يعذبكم بذنوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ اراده خداوند بر عذاب گناهکاران ، مانع توفیق آنان به پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر ( ص )

فان تولوا فاعلم انما يريدالله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ خداوند ، گرفتارکننده گناهکاران و تکذیب گران انبیا به عذاب

و لكن كذبوا فأخذنهم بما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۵

۵ گناهکاران و کفرپیشگان در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی

أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش



۱۱ نزول عذاب بر مشرکان و گنه پیشگان ، جلوه ای از ربوبیت خدا و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

لما جاء أمر ربك

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <رب> (مدبر و مربی) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ گنه کاران و ستم پیشگان که مشمول مغفرت الهی نشوند ،

به عذاب های سهمگین الهی گرفتار خواهند شد .

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ .. و إِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۸

۸- عذاب استیصال هر قومی تنها شامل مجرمان و تبهکاران آن قوم می شود و نه پاکان و بی گناهانشان .

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ مَجْرِمِينَ . إِلَّا آءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۳

۳- کفرپیشگان ، و گنه کاران ، به عذاب شدید الهی گرفتار خواهند شد .

لِيَنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ

<بأس>، به معنای عذاب و سختی است و به قرینه <يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ..> در فراز بعد مراد، عذابی است که کافران و گنه کاران به آن تهدید شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر آگاهی دقیق خود از میزان عذاب مجرمان تأکید کرده است .

فَوَرَبِّكَ .. ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۲ - ۱،۳

۱ - نزول عذاب استیصال بر جرم پیشگان ، به گونه ای ناگهانی و غافل گیرانه

فِيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً

۳- فرارسیدن عذاب الهی بر مجرمان ، در حال سرمستی و غفلت آنان

فیاتیهم بغته و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۶

۶- مجرمان و منکران قیامت ، به عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد

و لو ترى إذ المجرمون .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۴ - ۹،۱۰

۹ - گنه کاران توبه ناپذیر ، در معرض عذاب الهی در دنیا ( عذاب استیصال )

و أنیبوا إلى ربکم و أسلموا له من قبل أن یأتیکم العذاب

۱۰ - نبود هیچ یار و یآوری برای گنه کاران ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی

من قبل أن یأتیکم العذاب ثم لاتنصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی ( قرآن ) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أن الله هدینی لکنت من المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۱

۱ - آرزوی کافران و گنه کاران ، هنگام مشاهده عذاب الهی ، به بازگشت دوباره به دنیا

أو تقول حین ترى العذاب لو أن لی کثره

<لو> در آیه شریفه، برای تمنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۵

۵- مراتب شدید و هلاکت بار عذاب دوزخ ، متوجه گناه پیشگان مغرور و پیشوایان کفر و نه همه گنه کاران \*

طعام الأثيم كالمهل . . . ثم صبوا فوق رأسه ... ذق إنك أنت العزيز الكريم

از مبالغه نهفته در <الأثيم> و نیز وصف <العزيز الكريم>، این احتمال شکل می گیرد که عذاب های شدید مطرح شده در این آیات، برای هر گنه کاری نیست؛ بلکه مخصوص دارندگان اوصاف

یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۲

۲- عذاب گنه کاران به هنگام مرگ ، نمود خشم الهی بر آنان

یضربون وجوههم و أدبرهم . ذلک بأنهم اتبعوا ما أسخط الله

<ذالک> اشاره به <یضربون..> است؛ یعنی، عذاب هنگام مرگ، نتیجه و نمود سخط و خشم خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز ، به حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثم إنهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال>) بوده است؛ یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَالِيَ بِالنَّارِ وَ صَالِيَهَا صَالِيًا قَاسِيًا حَرًّا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَالِيَ فُلَانٌ بِالنَّارِ يَصْلِي صَالِيًا احترق (سوخت).

عفو از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۷

۷ تعیین موارد اجرای حد و یا سقوط آن و گذشت از مجرمان ، به اراده و مشیت الهی است . \*

والسارق و السارقة فاقطعوا .. يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

مراد از جمله <يعذب..> می تواند حکمی باشد که از جمله <فاقطعوا...> به دست می آید و مقصود از جمله <يغفر...> برداشتن آن حکم است که جمله <فان الله يتوب...> بدان اشاره کرد. گفتنی است که تقدیم

عذاب بر مغفرت، این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۹

۲۹ عفو از گناهکاران مؤمن ، جلوه ای از فضل خداوند

و لقد عفا عنکم و اللّٰه ذو فضل علی المؤمنین

جمله < و اللّٰه ذو فضل .. > ، به منزله علتی برای عفو است ؛ یعنی چون خداوند صاحب فضل است از گناه شما صرف نظر کرد.

عفو گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۳

۲۳ جهالت، عذری قابل قبول برای اغماض و گذشت از خطاکاران

أنه من عمل منکم سوءاً بجهله ثم تاب

عقیده گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۲

۲ خیانت پیشگان گنهکار ، ناباور به نظارت و آگاهی خداوند بر اعمال انسانها

یستخفون من الناس و لا یستخفون من اللّٰه

پنهان سازی از خداوند نامعقول است. بنابراین جمله < و لا یستخفون من اللّٰه > می تواند اشاره به این معنا باشد که گناهکاران، در حقیقت خداوند را ناظر و آگاه به اعمال نمی دانند تا در صدد پنهان سازی اعمال ناروای خویش از او باشند.

علم اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت ، به تبه کاری خویش در دنیا ، پی می برند .

و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربهم ربنا أبصرنا

<عند ربهم> می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف با <أبصرنا و سمعنا> پس



از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

علم خدا به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۴ - ۵

۵- > عن الصادق جعفر بن محمد (ع) : ان المستقدمين أصحاب الحسنات و المستأخرين أصحاب السيئات ;

از امام صادق (ع) روایت شده است: مقصود از <المستقدمین> نیکوکاران و <المستأخرین> گناهکارانند.

عوامل تنبه گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۲

۲ - كيفر دردناك الهی ، زداینده غفلت و سرمستی مجرمان

فياًتهم بغته و هم لا يشعرون . فيقولوا هل نحن منظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳- برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از آن پیروی می کنند .

أو تقول حين ترى العذاب لو أن لي كره فأكون من المحسنين

عوامل عذاب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۴

۴ گرفتاری کافران ، مشرکان و گنه کاران به عذاب های الهی ، ستم و کیفری است که آنان خود برای خویشتن فراهم می کنند .

و لكن ظلموا أنفسهم

چنان چه گذشت، مقصود از <ظلم به نفس> گناهان و نیز آثار و تبعات گناهان می باشد؛ برداشت فوق ناظر به دومین لحاظ است. بنابراین <ظلموا أنفسهم...> یعنی، نزول عذاب بر کافران

که از آثار و تبعات گناهانشان است ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند.

عوامل کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۳

۳ - انسان های گنه کار ، مستحق کیفر الهی و در معرض هلاکت و نابودی به واسطه اعمال ناشایست خویش

أو یوبقهنّ بما کسبوا

عوامل نجات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - مغفرت و رحمت الهی تنها امید و وسیله رهایی گنهکاران از خسران گناه است.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

غذای اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۱

۱ - درخت زقوم ، غذای گناه پیشگان در قیامت

إنّ شجرت الزّقوم . طعام الأثیم

<أثیم> (از ماده <إثم>) به معنای کسی است که مداومت بر گناه دارد.

غفلت از فرجام گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فیومئذ لایسل عن ذنبه .. فبأی ءالاء ربکما تکذبان

تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فصاحت بار و ذلیلانه مجرمان

یعرف المجرمون .. فبأی ءالاء ربکما تکذبان

## غفلت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۲ - ۳

۳ - فرارسیدن عذاب الهی بر مجرمان ، در حال سرمستی و غفلت آنان

فیأتیهم بغته و هم لا یسعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۱

۱ - کفرپیشگان و گنه کاران ، غافل از آگاهی و نظارت اعضا و جوارح بر اعمالشان

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

<آن یشهد> به تقدیر <مخافه> (برای ترس) است. بنابراین مفاد <ما کنتم...> این است که شما برای ترس از شهادت گوش، چشم و پوستتان خود را مخفی نمی کردید؛ زیرا غافل بودید و نمی دانستید که آنها شاهد بر اعمال شما هستند.

فدیه اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۴۳

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۲ - ۱

۱ - مجرمان در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همسران خویش اند .

و صحبتہ

فرجام اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ مبهم گذاردن سرنوشت اخروی برخی از خطاکاران ، نشأت یافته از علم و حکمت الهی و دارای مصلحت است .

و ءاخرون مرجون لأمر الله .. و الله علیم حکیم

فرجام شوم گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۹

۹ - اعراض کنندگان

از قرآن ، مجرمانی بد فرجامند .

ءاتینک .. من أعرض ... و نحشر المجرمین یومئذ زرقاً

فرجام گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۴

۴ - امت های گنهکار و متمرّد از فرمان خدا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و سرنوشتی شوم

فجعلنها نکلا لما بین یدیهما و ما خلفها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۹

۹ عذاب قیامت، عاقبت شوم گناهکاران

قل إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۸

۸ خداوند تعیین کننده کیفر و سرنوشت شوم خلافکاران و تفرقه افکنان

إنما أمرهم إلی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۳

۳ فرجام شوم کفرپیشگان گنهکار تاریخ ، زمینه ای مناسب برای پند گیری و عبرت آموزی است .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم

از مصادیق مورد نظر برای <ذنوب>، به قرینه آیات قبل و آیه بعد، کفر و انکار آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربّهم كفرون .. و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۹ - ۵

۵ - دروغ پردازانِ گناه پیشه ، دارای



فرجامی خفت بار و آکنده از ذلت

ویل لكل أفاك أئيم .. أولئك لهم عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۳

۳ - مسلمانان و مجرمان ، دارای دو سرنوشت متفاوت و گوناگون اند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین

برابر نبودن مسلمانان و مجرمان، بیشتر ناظر به سرنوشت آنان است؛ یعنی، مربوط به سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۱

۱ - مجرمان ، محکوم به هلاکت و نابودی از سوی خداوند

ألم نهلك الأولین .. كذلك نفعل بالمجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۱

۱ - جهنم ، فرجام طغیان گران فرو رفته در گناه است .

إن جهنم كانت .. للطغین مآباً

<طغیان>؛ یعنی، بی اندازه در معصیت پیش رفتن (مفردات راغب). <مآب> اسم مکان و از <أوب> به معنای رجوع گرفته شده است و فرجام هر کس را از آن جهت مآب و مرجع گویند که خود، از پیش آن را فراهم ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه ساختن انسان ها را با خوبی و بدی و رساندن خوبان و بدکاران را به فرجام شایسته آنان ، بر خود لازم

شمرده است .

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

<هدی> مصدر و به معنای ارشاد و راهنمایی است (قاموس). مراد از هدایت ممکن است اعم از هدایت فطری و تشریحی و نیز رساندن به مقصد باشد.

جملات <سنیّره لیسری> و <سنیّره للعسری> (در آیات پیشین) مؤید تعمیم است.

فرصت به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۹

۹ - لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لأعدّبنه .. أو لیأتیننی بسطن مبین

فسق گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۵

۲۵ گنهکاران ، فاسقند .

ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن کثیراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۶

۶ - مجرمان ، مردمانی فاسق و تبه کارند .

المجرمون .. أفمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً

فلسفه اعراض از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم ءائماً أو کفوراً .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یوماً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لا تطع منهم آثماً أو كفوراً) است.

فلسفه مهلت به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱۱، ۶

۶ - بقای نسل انسان و تداوم حیات زندگان در کره زمین ، فلسفه به تأخیر افتادن کیفر گناه کاران و کافران تا قیامت

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على

ظهِرَهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرْهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ

۱۱ - مهلت دادن به کافران و گنه کاران و به تأخیر انداختن مجازات آنان ، کاری عالمانه و برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان

و لَكِنْ يُؤَخِّرْهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ...> در مقام تعلیل برای جمله پیش (و لکن يؤخرهم...) می باشد یعنی، چون خداوند به احوال بندگان آگاه است از این رو مجازات آنان را تا زمان معین به تأخیر انداخته است.

قانونمندی کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمَجْرِمِينَ .. وَ جَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفْئِدَةً

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

قبول توبه گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۶

۶ پذیرش توبه گناهکاران ، جلوه خطاپوشی و مهربانی خداوند

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ .. وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۹

۹ پذیرفته شدن توبه گناهکاران معترف و نادم ، جلوه ای از غفران و رحمت الهی



یتوب علیهم إن الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - توبه گنه کاران ، حتی شکنجه گران و سوزانندگان مردم با ایمان ، پذیرفته می شود .

ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم

قبول صدقات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۶

۱۶ دستور خدا به دلجویی کردن پیامبر ( ص ) از گناهکاران نادم ، با قبول صدقه شان و دعا برای آنان

خذ من أموالهم صدقه . . . و صل علیهم إن صلوتک سکن لهم

برداشت فوق با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش است که درباره متخلفان نادمی نازل شده که برای جبران تخلفشان از جنگ تبوک عزم انفاق تمامی اموال خود را داشتند.

قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۱

۱ - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزل علی کل أفاک أثیم

<أفاک> از ریشه <إفک> (قلب کردن حقیقت) مشتق شده است. بنابراین <أفاک> به کسی گفته می شود که دروغ پردازی کند. <أثیم> نیز از ماده <إثم> (گناه) به معنای گنه پیشه است.

قیاس اهل تسلیم با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - فرمانبران و تسلیم شدگان فرمان های الهی ، در نگاه ارزشی اسلام با مجرمان و تبهکاران برابر نیستند ؛ بلکه آنان برتراند .

أفجعل المسلمين كالمجرمين

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <مسلمین>



در معنای لغوی آن به کار رفته باشد؛ نه اصطلاحی

قیاس متقین با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۵،۷

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقوایندگان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. کالفجار

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أم نجعل..> به دست می آید.

۷ - تقوایندگان در نظام ارزشی خدا با تبه کاران برابر نیستند ؛ بلکه آنان برتر می باشند .

أم نجعل المتقین کالفجار

قیاس مسلمانان با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۱

۱ - مسلمانان ، در نگاه نظام ارزشی اسلام ، با مجرمان برابر نیستند ؛ بلکه از آنان برتراند .

أفجعل المسلمین کالمجرمین

استفهام در <أفجعل..>، انکاری و درصدد نفی برابری مسلمانان با مجرمان و اثبات برتری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۱

۱ - در هیچ کتاب آسمانی ، مسلمانان و اطاعت کنندگان از خدا ، با مجرمان و تبهکاران یکسان تلقی نشده اند .

أفجعل المسلمین کالمجرمین .. أم لکم کتب فیه تدرسون

کمی سرور گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۵

۵ خوشی های دنیا در مقایسه با رنج های اخروی برای گناهکاران بسی ناچیز است .

فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً

کیفر اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

۳ بدکاران در قیامت ، گرفتار کیفر اعمال بد خویش خواهند شد .

و الذین کسبوا السيئات جزاء سيئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۵

۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر گنه پیشگان

و ساء لهم يوم القيمه حملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۵

۵ - دنیا ، سرایی نیست که در آن بتوان گنه کاران را به کیفر گناهانشان رساند .

يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق

<يومئذ> ظرف و متعلق به <يوفيهم> است. بنابراین تقدیم آن بر <يوفيهم> یا به خاطر اهتمام به ذکر <قیامت> و یا برای بیان حصر می باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است زیرا در این صورت معنای آیه چنین می شود: تنها در آن روز (قیامت) است نه روزی دیگر (دنیا) که خداوند، جزای آنان را به صورت تام و کامل خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۴

۴- عذاب های دنیوی مجرمان ، پیش درآمد کیفر نهایی آنان در آخرت

أهلکنهم إنهم كانوا مجرمين .. إن يوم الفصل میقتهم أجمعين

از ارتباط این آیه با آیات پیشین، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گراف و ظلم است .

یوم یسحبون .. اِنَّا کُلَّ شَیْءٍ خَلَقْنَه

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه به کیفر بی چون و چرای گناه کاران در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب نعمت های خداوند

فیومئذ لایسل عن ذنبه . . . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

برداشت یاد شده بر این اساس است که خداوند پس از بیان راه نداشتن چون و چرا در برنامه های قیامت برای گناهکاران، خلق را به پرهیز از تکذیب نعمت ها توجه داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین . . . یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشدار می دهد که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

کیفر دنیوی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ - گنهکاران ، از گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی در امان نبوده و نباید احساس مصونیت کنند .

فأخذتکم الصعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۴

۴- امت های گنهکار و متمرّد از فرمان خدا، در خطر گرفتار شدن به کیفرهای دنیوی و سرنوشتی

فجعلنها نکلا لما بين يديها و ما خلفها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ - گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی نیز هستند .

فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۳

۲۳ - گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی ، در خطر گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی نیز هستند .

لهم في الدنيا خزي و لهم في الآخرة عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امکان گرفتاری گناهکاران به عقوبت گناهشان در دنیا

فانها محرمه عليهم اربعين سنه يتيهون في الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۵

۵ - دنیا ، سرایی نیست که در آن بتوان گنه کاران را به کیفر گناهانشان رساند .

يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق

<يومئذ> ظرف و متعلق به <يوفيهم> است. بنابراین تقدیم آن بر <يوفيهم> یا به خاطر اهتمام به ذکر <قیامت> و یا برای بیان حصر می باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است زیرا در این صورت معنای آیه چنین می شود: تنها در آن روز (قیامت) است نه روزی دیگر (دنیا) که خداوند، جزای آنان را به صورت تام و کامل خواهد داد.

## کیفر گناہکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۹،۲۰

۱۹ - بنی اسرائیلیان گنہکار و



دارای اعمال ناشایست ، مورد تهدید خداوند به کیفر و مجازات

و ما الله بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی و توجه خداوند به اعمال گنهکاران، تهدید ایشان به کیفر است.

۲۰- انسان های گنهکار و دارای رفتار و کردار ناروا، در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی هستند.

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۲

۲ - طوایف و نژاد های مختلف انسانی ، در برابر کیفر گناهانشان ، هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند .

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة . . . بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۲

۱۲ - یهودیان گنهکار به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

بما قدمت أیدیهم . . . و ما هو بمزحزحه من العذاب

<مزحزحه> (مصدر مزحزح) به معنای دور ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹ - ۹

۹ مقتضای حکمت الهی ، عقابِ خطاکاران پس از بیان احکام و ارائه ادله روشن است .

فان زللتم من بعد ما جاءتکم البینات . . . ان الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۴

۴ سرزنش خلافکاران و مؤاخذه آنان باید همواره پس از اتمام حجّت باشد .

و کیف تکفرون و انتم تتلى عليكم ايات الله و فيكم رسوله

بنابراینکه استفهام برای توبیخ بوده و مراد از تلاوت آیات و وجود رسول، اتمام حجّت باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۸

۸ مشرکان و گناهکارانی که آمرزیده نشوند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

نصله جهنم .. . إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لِمَنْ يَشْرِكُ بِهِ

بنابر اینکه جمله <ان الله .. > بیانگر علت <نصله جهنم > باشد، معلوم می شود که نجات از جهنم یا سقوط در آن، در گرو آمرزش و عدم آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۹،۱۴

۹ بدکاران ، گرفتار کیفرِ کردار ناپسند خویش خواهند شد .

من يعمل سوءاً یجز به

۱۴ حرمت جلوگیری از اعمال مجازات های الهی ، بر خطاکاران

و لایجد له من دون الله ولیاً و لانصیراً

چنانچه <یُجَز > شامل کیفرهای دنیوی باشد، جمله <لایجد .. > چه نافیه باشد و عطف بر جمله <یجز به > و چه ناهیه باشد و جمله ای مستقل ، دلالت می کند که نباید هیچ کس مانع کیفر دیدن خطاکاران شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ عذاب گنهکاران ، مظهر عزت و حکمت خداوند و آمرزش توبه کاران ، جلوه غفران و رحمت او

یُعذِب من یشاء و یغفر لمن یشاء

چنانچه <یُعذِب .. > و یغفر اشاره به آیات پیشین داشته باشد. بیان عزت و حکمت خداوند پس از <فاقطعوا > و ذکر غفران و رحمت او پس از <فان الله یتوب علیه > در آن آیات، حاکی از برداشت مذکور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۵ مجازات گناهکاران نتیجه عمل خود ایشان است.

إن الذین یکسبون الإثم سیجزون بما کانوا یقترفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۸

۸ خداوند تعیین کننده کیفر و سرنوشت شوم خلافکاران و تفرقه افکنان

إنما أمرهم إلی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۶

۶ کیفر دادن گناهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۲

۱۲ کیفر های الهی بازتاب اعمال ناروای گناهکاران است .

سیجزون ما کانوا یعملون

<ما> در <ما کانوا یعملون> مصدریه است و مفاد آیه این می شود که <سیجزون عملهم>. مطرح شدن عمل به عنوان جزا حاکی از این است که کیفر ملحدان چیزی جز چهره دیگر همان عمل ناروای آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲

۲ کیفر الهی در مورد گناهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلك بما قدمت ايديكم و ان الله ليس بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - انفال - ٨ - ٥٢ - ١١، ٦

٦ خداوند ، کافران و گناهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

كفروا بايت الله فأخذهم الله بذنوبهم

١١ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی

و ارتکاب گناه

كدأب ءال فرعون .. إن الله قوی شدید العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشدار می‌دهد که انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۳

۳ تعلق مشیت خداوند به کیفر و یا بخشودن خطاکاران، بر اساس علم و حکمت گسترده او و دارای فلسفه ای عالمانه و حکیمانه است.

إما يعذبهم و إما يتوب عليهم و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۳

۳ کیفر ستم کاران و گنه پیشگان، مقتضای ربوبیت خداوند و در جهت تدبیر امور انسانهاست.

مسؤمه عند ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۳

۳- خداوند، خصلت تمسخر و استهزا کردن را به منظور کیفر مجرمان تبهکار، در قلبشان رسوخ داده است.

كذلك نسلک فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه> استهزا (مصدر یستهزءون) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لكلّ امرى منهم ما اكتسب من الإثم والذي تولّى كبره منهم له عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان



، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

كذلك سلكنه فى قلوب المجرمين

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلك السلوک جزاء لأجرامهم؛ ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تا کیفری باشد در برابر جرم هایشان.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها ظالمان و گنه کاران در معرض خطر کیفر و عقاب الهی

إِنِّي لایخاف لَدَى المرسلون . إلامن ظلم ثم بَدَل حسناً

از مفهوم <لایخاف لَدَى المرسلون> استفاده می شود که غیر از رسولان، هیچ شخص دیگری از عقاب الهی در امان نیست. عبارت <إلامن ظلم...> استثنا از این مفاد است؛ یعنی، همه ظالمان در معرض خطر قرار دارند، مگر کسانی که ستم کردند ولی آن را با انجام خوبی ها جبران نمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - بازگشت انسان های گناهکار، به صراط مستقیم، حتی پس از تنبّه دادن شان قطعی نیست.

لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون

<لعلّ> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و توقع است؛ یعنی می خواهد بگوید: <امید است که باز گردند.>

۱۷ - در مجازات مجرمان، باید به جهت های اصلاحی و تربیتی، توجه شود.

لیذیقهم .. لعلهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴

۲- مواد مذاب و گداخته ، مجازات الهی برای گناه پیشگان

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ .. كغلى الحميم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إِنَّ الفَجَّارَ لَفى جحيم

<فجور>؛ یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

کیفر گناهکاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۳، ۱

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة .. بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة) است.

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أتخذتم عند الله عهداً .. بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

کیفیت حشر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۹ - ۲

۲- در قیامت انبوه مجرمان ( همانند اسیران ) با غل و زنجیر به هم بسته می شوند و همراه یکدیگر حاضر و محشور خواهند شد .

و ترى المجرمین یومئذ مقزنین فی الأصفاد

<أصفاد> جمع <صفد> و به معنای ریسمان و یا وسیله ای

است که اشیا و یا افرادی مانند اسیران را به هم بسته باشند و <مقرّنین> از مصدر <قران> به معنای بستن شدید و محکم چند چیز و یا چند فرد با هم است (لسان العرب). ضمناً آمدن <مقرّنین>، از باب تفعیل، معنای تکثیر را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۴

۴- کیفیت حضور مجرمان در قیامت، منظره ای زشت و هولناک است.

و برزوا... و ترى المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد. سرایلهم من قطران و تعشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۷

۷- حضور تقوایپیشگان در صحنه قیامت به صورت سواره، و رانده شدن گنه پیشگان به سوی جهنم با پای پیاده خواهد بود.

نحشر المتّقین... و فداً. و نسوق المجرمین... ورداً

برخی از لغت دانان <وفد> را سوارانی ارجمند و <ورد> را پیادگانی تشنه کام معنا کرده اند (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۴

۴ - مجرمان و تبهکاران، در روز قیامت، به صورت پراکنده محشور می شوند.

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون... و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

کیفیت ورود گناهکاران به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۲

۲- زبونی و خواری مجرمان در قیامت، به هنگام رانده شدن به طرف دوزخ

و نسوق المجرمین إلی جهنم ورداً

<نسوق> و <وردأ> در این آیه،

در مقابل <نحشر> و <وفداً> در آیه پیشین است. تعبیرات یاد شده در آن آیه حکایت از احترام و تجلیل داشت و در این آیه (به قرینه مقابله و بیان حالت تشنگی مجرمان و نیز تعبیر <نسوق>) حکایت از ذلت و زبونی آنها در صحنه قیامت دارد.

کیفیت ورود گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز کشانده شدن مجرمان بر صورت هاشان در آتش دوزخ

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم

<سحب> (مصدر مجهول <یسحبون>) به معنای کشانده شدن است.

۲ - کشیده شدن مجرمان ، با صورت در آتش به منظور چشیدن هر چه بیشتر طعم عذاب

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مسّ سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۴

۴ - پاها و موهای جلوی سر مجرمان ، در چنگ مأموران قیامت ( برای افکندن در دوزخ )

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

گرفتن پای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۴

۴ - پاها و موهای جلوی سر مجرمان ، در چنگ مأموران قیامت ( برای افکندن در دوزخ )

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

گرفتن موی سر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۴

۴ - پاها و موهای جلوی سر مجرمان ، در چنگ مأموران قیامت ( برای افکندن در دوزخ )

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

گفتگوی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۱

۱ - خداوند، آگاه تر از هر کس به گفت و گوهای مجرمان با یکدیگر در صحنه قیامت، درباره مدت زمان درنگشان در برزخ

إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا . نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ

<ما يقولون> یعنی، آنچه می گویند و مراد از آن می تواند جملات رد و بدل شده بین مجرمان باشد و نیز می تواند مراد، موضوعی باشد که مجرمان در باره آن نظر می دهند. در برداشت یاد شده، اولین احتمال مورد نظر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۷

۷ - امکان گفت و گوی مجرمان با یکدیگر، در صحنه دادگاه الهی در قیامت

إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ . . . وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

گمراهی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان الهی ( درک حقایقی نظیر ربوبیت خدا، دریافت زشتی گناه، باور به عدم رستگاری ظالمان و گناه کاران و .. ) عامل عصمت پیامبران است .

و هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَن رَّءَا بُرْهَانَ رَبِّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۸

۸ - مؤمنان نیک کردار، بهره مند از رحمت و هدایت الهی در دنیا و گناه پیشگان محروم از آنند .

و هَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ . . . أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ



منظور از تفاوت مؤمنان صالح با گناه پیشگان در دنیا به قرینه آیه قبل ممکن

است تمایزشان در بهره‌وری از رحمت و هدایت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۵

۵ - مجرمان ، گمراهان از راه حق در دنیا و مبتلا به شعله های آتش در قیامت \*

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <فی ضلال>، نظر به گمراهی دنیوی و <سعر> نظر به عذاب اخروی داشته باشد.

گناهکاران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۱،۷

۱ - گروهی از قوم موسی پیش از ورودشان به بیت المقدس ، ستمکار و آلوده به گناه بودند .

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گناهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

<با>ی سببیه در <بما كانوا يفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۱

۱ گروهی از قوم موسی دارای پیشینه ای آلوده به گناه و ستم ، پیش از ورودشان به بیت المقدس

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا... بِمَا كَانُوا يَظْلَمُونَ

گناهکاران تائب



- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۲

۲ گناهکاران تائب مشمول رحمت خداوند خواهند شد .

و الذین عملوا السيئات ثم تابوا .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

گناهکاران در آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۲

۲ - آتش شعله‌ور و خالص ، عذاب و کیفر مجرمان در آخرت

إنها لظی

واژه <لظی> هم در معنای آتش شعله‌ور و خالص به کار می رود و هم می تواند عَلم و اسم برای دوزخ باشد. برداشت یاد شده، براساس کاربرد نخست است.

گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ - گناهکاران در قیامت ، علاوه بر آتش دوزخ به عذاب های روحی نیز گرفتار خواهند شد .

و لایکلمهم الله يوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۹

۹ زشت کرداران ، اهل دوزخ هستند و در آن جاودانه خواهند ماند .

و الذین کسبوا السيئات .. أولئک أصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵،۶،۱۴

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جنّی و انّسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لكن حقّ القول منّی لأملأَنَّ جهنّم من الجنّهِ و الناس أجمعین

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لكن حقّ القول منّی لأملأَنَّ جهنّم من الجنّهِ و الناس

لام در <لأملأَنَّ> برای قسم است

و حکایت از آن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جَنّی و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

قید <أجمعين> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الْجِنَّةِ> و <النَّاسِ> عهد بوده و اشاره به افرادی خاص که همانا مجرمان اند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مصرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۱

۱ - گناهکاران ، در عذاب جهنم ماندگاراند .

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّتَسَاوِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۳

۳- کشانده شدن اجباری گنه کاران با خَفَّت و خواری به سوی مرکز دوزخ

خَذُوهُ فاعْتَلَوْهُ إِلَىٰ سِوَاءِ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۱،۴

۱- مأموران دوزخ ، موظف به شکنجه گناه پیشگان در وسط دوزخ

ثُمَّ صَبُّوا

۴- گنه کاران دوزخی ، از درون و بیرون و از هر سو مبتلا به عذاب و شکنجه خواهند بود .

إِنَّ شَجَرَتِ الزَّقْوَمِ .. كَالْمِهِلِ يَغْلَى

فی البطون ... خذوه ... ثم صبوا فوق رأسه من ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۵،

۱ - مجرمان ، در روز قیامت دچار سردرگمی و حیرت و گرفتار عذاب آتش برافروخته دوزخ

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَلٍ وَسَعَرٍ

آیه شریفه به دلیل ارتباط با قبل و بعد که در زمینه قیامت است نظر به وخامت حال مجرمان در آن روز دارد. گفتنی است که در برداشت بالا <سعر>، جمع <سعیر> (آتش ملتهب) گرفته شده است.

۵ - مجرمان ، گمراهان از راه حق در دنیا و مبتلا به شعله های آتش در قیامت \*

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَلٍ وَسَعَرٍ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <فی ضلال>، نظر به گمراهی دنیوی و <سعر> نظر به عذاب اخروی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین ، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

یتساءلون . عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

۲ - دوزخ ، جایگاه جرم پیشگان

عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ



<فجور>؛ یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۲ - ۴

۴ - طغیان گران و گناه کاران ، در قیامت به

جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل یومئذ للمکذبین .. و ما یکذب به الاکلّ معتد اثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز ، به حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال>) بوده است / یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَالَى بِالنَّارِ وَ صَالِيهَا صَالِيًا قَاسِي حَرِّهَا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَالَى فَلَانٌ بِالنَّارِ يَصَلِيًا احترق (سوخت).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

ناصیه کذبہ خاطئه .. سندع الزبانیه

گناهکاران در عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۵

۵ - اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخدادهای قیامت است .

یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون .. و قال الذین أوتوا العلم و الايمن ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و

ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

### گناهکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت خلافکاران را به اعمال ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ثم ینبئهم بما كانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۵

۵ در قیامت به گناهکاران ستم نخواهد شد.

و هم لا یظلمون

ذیل آیه قبل (ثم ینبئهم ...) بیانگر این است که ظرف پاداش و جزای مطرح شده در این آیه روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۳،۶

۳ بدکاران در قیامت، گرفتار کیفر اعمال بد خویش خواهند شد.

و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها

۶ مردمان زشت کردار در سرای آخرت، گرفتار خشم و عذاب الهی خواهند بود.

و الذین کسبوا السیئات .. ما لهم من الله من عاصم

مراد از جمله <ما لهم من الله من عاصم>، <ما لهم من عذاب الله من عاصم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- وضعیت مجرمان در قیامت برای همگان قابل رؤیت خواهد بود .

و ترى المجرمین یومئذ مقرنین فی الأصفاد

مخاطب < ترى المجرمین > (مجرمان را می بینی) نوع انسان است. بنابراین می توان استفاده کرد که وضعیت مجرمان برای همگان قابل رؤیت است.

۲- در قیامت انبوه مجرمان ( همانند

اسیران) با غل و زنجیر به هم بسته می شوند و همراه یکدیگر حاضر و محشور خواهند شد .

و ترى المجرمین یومئذ مقزنین فی الأصفاد

<أصفاد> جمع <صفد> و به معنای ریسمان و یا وسیله ای است که اشیا و یا افرادی مانند اسیران را به هم بسته باشند و <مقزنین> از مصدر <قران> به معنای بستن شدید و محکم چند چیز و یا چند فرد با هم است (لسان العرب). ضمناً آمدن <مقزنین>، از باب تفعیل، معنای تکثیر را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۱،۲

۱- مجرمان در قیامت دارای پیراهنی از ماده ای سیاه، بد بو، داغ و قابل اشتعال (مانند قیر)

و ترى المجرمین .. سرابیلهم من قطران

<قطران> به معنای ماده ای است سیاه، بد بو و چسبنده (روغن) که آن را بر بدن شتر می مالند (مجمع البیان). اینکه خداوند فرمود: لباس دوزخیان از قطران است، ممکن است برای بیان مبالغه و کثرت شعله‌وری و سوزندگی آتش جهنم به بدن انسان دوزخی باشد و نیز بیانگر قابل اشتعال بودن ماده قطران باشد (لسان العرب).

۲- چهره مجرمان در روز قیامت در پوششی از آتش است .

و ترى المجرمین .. و تغشی وجوههم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۳،۵

۳- در قیامت مجرمان، هنگام مشاهده نامه عمل، از کردار خود وحشت و دلهره پیدا می کنند .

فترى المجرمین مشفقین ممّا فیه

۵- مجرمان رفاه مند و بی باک دنیا، بیم ناکان وحشت

زده صحنه قیامت اند .

فتی المجرمین مشفقین ممّا فیه

با توجه به این که آیات قبل در مورد رفاه مندان مغرور بود، مصداق بارز <مجرمان هراسناک> در این آیات، همان دنیاپرستان مغرور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۱،۳

۱- مجرمان ، در صحنه قیامت ، ناظر شعله های آتش دوزخ اند .

و رء المجرمون النار

۳- مجرمان ، در قیامت ، به دوزخی بودن خود و نداشتن راه گریزی از آن ، پی خواهند برد .

فَظَنُوا أَنَّهُمْ مَوَاقِعُهَا وَ لَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرَفًا

بیان دیدگاه مشرکان در مورد ورود به جهنم با فعل <ظنن>، حکایت از آن دارد که آنان، در آن شرایط، خود را دوزخی می بینند، ولی هنوز امیدهایی هر چند واهی به نجات دارند. ولی به زودی درمی یابند که گریزگاهی برای آنان نیست. <مصرفاً> اسم مکان به معنای مکانی است که به آن روی آورند. جمله <لم يجدوا...> یعنی جایی را که بتوانند با پناه بردن به آن، از آتش رها شوند، نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۷

۷- تقسیم گنه کاران در قیامت براساس مراتب عصیان گری آنها ، از شؤن ربوبیت الهی است .

فَوَرَبِّكَ .. تَمَّ لَنَنْزَعَنَّ مِنْ كُلِّ شَيْعَةٍ أَيْهَمَ أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

يوم نحشر .. و نسوق المجرمين إلى جهنم وردًا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۶

۶ وحشت مجرمان از ملائکه به هنگام رو در رویی با آنها ، به هنگام مرگ و روز رستاخیز

یوم یرون الملائکه لابیشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۱،۵

۱ - مجرمان ، در روز برپایی قیامت ، اندوهگین و ناامیدند .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

<إبلاس> در لغت، اندوه ناشی از شدت سختی (مفردات راغب) و نیز به معنای یأس است (لسان العرب).

۵ - عذر ها و حجت های مجرمان و تبهکاران ، در روز قیامت ، قطع می شود .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

گفته شده که معنای <إبلاس>، سکوت و قطع شدن حجت است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱

۱ - مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه



از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر

کرد و بعد فرمود <یخلق ما یشاء> که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالم برزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۱

۱ - مجرمان در روز قیامت ، بهانه جویی می کنند .

یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . . . فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

مراد از <الذین ظلموا> می تواند <المجرمون> باشد که در آیه پنجاه و پنج گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۵

۵ - اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخداد های قیامت است .

یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . . . و قال الذین أوتوا العلم و الإیمان ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۷، ۱۲، ۱۱، ۵، ۴، ۱

۱ - ندامت و سرافکنندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم

<نکس الرأس> به معنای

<پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأیت شیئاً عجیباً و هو...> است.

۴- ربوبیت خدا در قیامت، برای مجرمان، تجلی پیدا می کند.

ناکسوارءوسهم عند ربهم .. ربنا أبصرنا

۵- مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت، به تبه کاری خویش در دنیا، پی می برند.

و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربهم ربنا أبصرنا

<عند ربهم> می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف با <أبصرنا و سمعنا> پس از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

۱۱- همه حقایق و وعده های الهی، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود.

و لو تری إذ المجرمون .. ربنا أبصرنا و سمعنا

۱۲- در قیامت حتی برای مجرمان، امکان تکلم و درخواست وجود دارد.

و لو تری إذ المجرمون .. ربنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا

فراز <ربنا أبصرنا..> مقول قول مجرمان در روز قیامت و مفید نکته بالا است.

۱۷- مجرمان در قیامت، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد، زبان می گشایند.

ربنا أبصرنا و سمعنا .. إنا موقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱،۳

۱- ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن)، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أن الله هدینی لکنت من المتقین

۳- غبطه و حسرت کافران و

گنه کاران ، به حال تقوایبشگان در قیامت

أَنَّ اللَّهَ هَدِينِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵،۶

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لَوْ أَنَّ لِي كَرْهٌ فَأَكُونُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لَوْ أَنَّ لِي كَرْهٌ فَأَكُونُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۱

۱- روز قیامت ، میعاد و وعده گناه تمامی مجرمان و منکران معاد

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در <مِيقَاتِهِمْ> مجرمان و منکران معاد باشد؛ همچون قوم <تَبِعَ> که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۳

۳- <درخت زَقُّوم> ، تجسّم گناهان جرم پیشگان در قیامت \*

إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ . طَعَامُ الْأَثِيمِ

تعبیر <شجرت الزَّقُّوم> و ارتباط میان دو آیه، ممکن است کنایه از این باشد که این بذر گناه است که در آخرت <زَقُّوم> می رویاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قال لا تختصموا لديّ و قد قدّمت إليکم بالوعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ تلاش محکومان دادگاه قیامت برای تغییر حکم

الهی ، تلاشی بی فرجام

ما یبدّل القول لدی

در آیات پیشین، حکم مجرمان با فرمان <ألقیا فی جهنّم .. > از سوی خداوند صادر می گردد. مجرمان با جدال و تخاصم، درصدد تبرئه خویش برمی آیند تا مگر حکم الهی را در حق خود تغییر دهند و ولی <ما یبدّل القول...> بی فرجام بودن تلاش آنان را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایستل عن ذنبه انس و لاجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۲،۵

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم

<سیمما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه انس و لاجان .. یعرف المجرمون بسیمهم

۵ - مجرمان گردن فراز دنیا ، دارای وضعی خفت بار و ذلیلانه در قیامت

فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

گرفتار شدن کافران با موهای سر و با پاهایشان، حکایت از مقهور بون کامل آنان و ذلت ایشان در قیامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۴

۴ - مجرمان برای نجات خویش از عذاب الهی در قیامت ، آماده اند تا فرزندان خود را فدا کنند .

یودّ المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببنيه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همسران خویش اند .

و صحبتہ

۲ - مجرمان در عرصه محشر ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن برادران خویش اند .

و أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۱

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فضیلتہ الّتی تویہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه انسان های کره زمین اند .

و من فی الأرض جمیعاً

۲ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه محبوب ها و خلائق زمینی اند ( انس ، جن و .. )

.. )

و من فی الأرض جمیعاً ثمّ ینجیہ

<من> برای مطلق موجودات شعورمند وضع شده است و برداشت یاد شده، مبتنی بر همین وضع اصلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۱ - ۱



۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - > قال رسول الله ( ص ) ... یابن

مسعود أكثر من الصالحات و البرّ فإنّ المُحسن و المُسيء يندمان ، يقول المحسن : يا ليتني ازدَدْتُ من المحسنات و يقول المسيء : قصرْتُ ، و تصديق ذلك قوله تعالى : < و لأقسم بالنفس اللّوامة > ;

رسول خدا(ص) فرمود: ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پیشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم بالنفس اللّوامة>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و يذرون وراءهم يوماً ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدين ... يعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدين> هشدارى به تکذیب گران است که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۴ - ۳

۳ - گنه پیشگان کافر در قیامت ، وضعی ناهنجار و خنده آور خواهند داشت .

فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۷۸،۱۱

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعیداً

۸ بیزاری شدید بدکاران ، از کردار خویش در قیامت

توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعیداً

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعیداً

گناهکاران قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك .. إلا امرأتک إنه مصیبا ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصیبا ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

گناهکاران مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۵،۶،۸،۹،۱۱

۵ گروهی از یهود و نصارا ، آلوده به گناه هستند .

فلم یعذبکم بذنوبکم

۶ گناهکاران یهود و نصارا ، گرفتار عذاب الهی

فلم یعذبکم بذنوبکم

۸ گرفتاری گناهکاران یهود و نصارا به عذاب الهی ، ردی بر پندار تقرب و محبوب بودنشان نزد خداوند

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

۹ یهود و نصارا به دلیل ارتکاب گناه

، نه محبوب خدا هستند و نه مقرب درگاه او

نحن ابئوا الله و احبوه قل فلم يعذبكم بذنوبكم

۱۱ گرفتاری گناهکاران یهود و نصارا به عذاب های دنیوی \*

قل فلم يعذبكم بذنوبكم

چون مسیحیان خود را مصون از عذاب قیامت می دانند، بنابراین در صورتی استدلال تمام است که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی باشد.

گناهکاران و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۴

۴- خداوند ، از طریق انبیای خود ، علی رغم مورد استهزا قرار گرفتن آنها ، آیات خود را در قلب های تبهکاران نفوذ می دهد . \*

كذلك نسلک فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ممکن است سؤال شود: چگونه خداوند انبیای خود را به سوی مردم گسیل می دهد در حالی که آنان مورد استهزا قرار می گیرند و در این صورت غرض برآورده نمی شود؟ خداوند جواب می دهد که با همین وضعیت، ما آیات خود را در دلها نفوذ می دهیم.

گناهکاران و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۱

۱ - معرفی دوزخ به مجرمان دوزخی ، از روی استهزا و تمسخر

يعرف المجرمون بسیمهم .. هذہ جهنم

گناهکاران و رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ - گناهکاران نباید از شمول فضل و رحمت خداوند ، ناامید باشند .

ثم تولیتم .. فلولا فضل الله علیکم و رحمته

گناهکاران و عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ - عمر گنهکاران ، هر چند طولانی باشد ، موجب نجاتشان از عذاب الهی نخواهد شد .

بما قدمت أیدیهم .. و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

گناهکاران و فضل خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ - گنهکاران نباید از شمول فضل و رحمت خداوند ، ناامید باشند .

ثم تولیتم .. فلولاً فضل الله علیکم و رحمته

گناهکاران و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۸

۸ - تلاش گناه پیشگان و ناسپاسان کافر ، برای نفوذ و تأثیر گذاری در پیامبر (ص)

فاصبر .. و لاتطع منهم ءاثماً أو کفوراً

هشدار خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر اطاعت نکردن از گناه پیشگان و ناسپاسان و فرمان به صبر و شکیبایی در امر رسالت، می رساند که این گروه ها، در صدد تأثیر گذاری بر اراده پیامبر(ص) بودند.

گناهکاران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۳ - ۱،۴

۱ - گنه پیشگان کافر ، شایسته قضاوت کردن و اظهار نظر درباره راه مؤمنان ، نیستند .

و ما أرسلوا عليهم حفظین

۴ - گنه پیشگان کافر ، در برخورد با مؤمنان ، چنان خود را در مقام قیم و نگهبان می نشانند که گویا هدایت آنان را مأموریت خود می دانند .

و ما أرسلوا علیهم حفظین

گناهکاران هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱،۳



پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی ( عذاب استیصال )

كذلك سلكنه .. لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الاليم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الاليم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا يستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزاء، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

۳- قلب های جرم پیشه ، تسلیم به هنگام مشاهده عذاب و نه در برابر دلیل روشن وحی

بلسان عربی مبین .. لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الاليم

بنابر مفهوم غایت، مفاد آیه این می شود که: مجرمان تنها با مشاهده عذاب دست از لجاجت برمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۱،۳

۱ - مهلت خواهی مجرمان کفرپیشه ، پس از مشاهده عذاب الهی

فیاتيهم بغته .. فيقولوا هل نحن منظرون

۳ - حسرت شدید مجرمان لجاجت پیشه ، بر فرصت های از دست رفته و نومیدی آنان به هنگام مشاهده عذاب الهی

فیاتيهم بغته .. فيقولوا هل نحن منظرون

با توجه به تعبیر <هل نحن..> به دست می آید که آنان به گونه ای قطعی چنین درخواستی نمی کنند؛ بلکه آرزوی خود را در قالب پرسش بیان می دارند.

گناهکاران هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۲

۲ - استمرار دشمنی مجرمان با قرآن و وحی ، تا لحظه مرگ

لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الاليم

مراد از مشاهده عذاب دردناک،

می تواند لحظه مرگ کافران و حق ستیزان باشد.

گناهکاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۵،۶،۸،۹،۱۱

۵ گروهی از یهود و نصارا، آلوده به گناه هستند.

فلم یعذبکم بذنوبکم

۶ گناهکاران یهود و نصارا، گرفتار عذاب الهی

فلم یعذبکم بذنوبکم

۸ گرفتاری گناهکاران یهود و نصارا به عذاب الهی، ردی بر پندار تقرب و محبوب بودنشان نزد خداوند

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

۹ یهود و نصارا به دلیل ارتکاب گناه، نه محبوب خدا هستند و نه مقرب درگاه او

نحن ابتؤا الله و احبؤه قل فلم یعذبکم بذنوبکم

۱۱ گرفتاری گناهکاران یهود و نصارا به عذاب های دنیوی \*

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

چون مسیحیان خود را مصون از عذاب قیامت می دانند، بنابراین در صورتی استدلال تمام است که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی باشد.

گواهان اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۳

۳ - گواهی پوست بدن گناه کاران علیه آنان در قیامت، امری شگفت و دور از انتظار برای ایشان

و قالوا لجلودهم لِمَ شهدتم علينا

استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند در مقام تعجب و شگفتی باشد.

لجاجة گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱،۲

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی ( عذاب استیصال )

كذلك سلكنه .. لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الأليم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان

مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا يستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزا، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

۲- استمرار دشمنی مجرمان با قرآن و وحی ، تا لحظه مرگ

لایؤمنون به حتی یروا العذاب الألیم

مراد از مشاهده عذاب دردناک، می تواند لحظه مرگ کافران و حق ستیزان باشد.

لجاجة گناهکاران هدایت ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۲

۲- مجرمان هدایت ناپذیر ، در صورت گشوده شدن دری از آسمان و راه یافتن آنان به آنجا جهت مشاهده حقایق ، باز ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکة فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

لعن بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶- شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك یلعنهم الله .. إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

مبدأ کیفر اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۷

۷- لحظه مرگ ، سرآغاز کیفر اخروی مجرمان

لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

برداشت فوق، از تعبیر <مات> به جای <آخرت> و <قیامت> استفاده شده است؛ یعنی، عذاب دو چندان در ایام مرگ خواهد بود چه در قیامت و چه پیش از آن.

مبغوضیت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۷

۷ خداوند ،

خیانتکاران گناهکار را دوست ندارد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا

محرومیت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۷

۷ جهان آخرت ، سرای تنهایی و محرومیت از هر گونه شفاعت برای زشت کرداران

و الذين كسبوا السيئات .. ما لهم من الله من عاصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲ - در قیامت ، تنها مجرمانی ناکام و محروم خواهند بود که بهره ای از ایمان و عمل صالح ندارند .

من حمل ظلماً

جمله <و من يعمل من الصالحات..> در آیه بعد، می تواند قرینه براین باشد که <من حمل ظلماً> مطلق نیست بلکه تنها کسانی مورد نظر هستند که نه مؤمنان د و نه نیکوکار.

محرومیت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۷

۷ - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گناهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۲

۱۲. بدکاران و گناهکاران ، محروم از هرگونه مدافع و یاور ، برای گریز از کیفر الهی

و لایجد له من دون الله ولیاً و لانصیراً

<ولی> به کسی گفته می شود که آدمی را سرپرستی کند و دفاع و حمایت او را بر عهده گیرد، ضمیر فاعلی در <لایجد> و نیز ضمیر <له> به <من یعمل> بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره



- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۳

۳ - قلب مجرمان ، محروم از درک حقایق قرآن

كذلك سلكنه في قلوب المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ - گنه کاران محکوم شده به عذاب استیصال الهی ، محروم از هرگونه منجی و نگه دارنده ای

فأخذهم الله بذنوبهم و ما كان لهم من الله من واق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۸

۸ - مؤمنان نیک کردار ، بهره مند از رحمت و هدایت الهی در دنیا و گناه پیشگان محروم از آیند .

و هدی و رحمه لقوم یوقنون . .. أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصلحت

منظور از تفاوت مؤمنان صالح با گناه پیشگان در دنیا به قرینه آیه قبل ممکن است تمایزشان در بهره‌وری از رحمت و هدایت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که نفس خود را در گناه مدفون ساخته ، آن را به سقوط و تباهی می کشانند ، محروم و زیانکارانند .

و قد خاب من دسیها

<خاب> یعنی، محروم شد، خسارت دید و به آنچه خواست، نرسید (قاموس). <دساها> یعنی، آن را ساقط کرد و از بهره آن کاست. <دسیت> یعنی، گمراه و فاسد کردم (لسان العرب). این فعل که <دَسَسَ> بوده و حرف <سین> در آن به <یاء> تبدیل شده است، مبالغه در <دَسَّ> (دفن کرد) است. مراد از <دساها> به قرینه <ألهمها فجورها> مدفون ساختن

نفس در معصیت ها و کشاندن آن به سقوط و گمراهی و فساد است.

محرومیت گناهکاران غافل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۸

۸ - ظالمان و گنه کاران غافل از جبران بدی های خویش ، از بخشش و رحمت خداوند محروم اند .

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

از این که خداوند، تنها به توبه کنندگان و جبران کنندگان بدی های خویش، نوید غفران و رحمت داده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

محمد(ص) و گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۷

۱۷ محمد ( ص ) ، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران از آینده ای ناگوار برای مشرکان و گنه کاران

فَأِنِّي أَنُحِيطُ بِذُنُوبِكُمْ وَلَوْلَا إِذْ بَدَلْتُمُ الْيَمِينَ لَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا لِّمَا كُنْتُمْ كَافِرِينَ

مراحل عذاب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۲

۲ - عذاب طغیان گران و فرورفتگان در گناه ، دارای مراحل گوناگونی است .

لَبِثْنَا فِيهَا أَهْقَابًا

<لابثین> حال برای <الطاغین> در آیه قبل است. تعدد حُقب (مرحله زمانی)، نشانگر تفاوت هر مرحله با مراحل دیگر است.

مرگ گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۷

۷- لحظه مرگ ، سرآغاز کیفر اخروی مجرمان

لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف الممات

برداشت فوق، از تعبیر <ممات> به جای <آخرت> و <قیامت> استفاده شده است؛ یعنی، عذاب دو چندان در ایام مرگ خواهد بود چه در قیامت و چه پیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۷

۷- زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذين اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذين ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محياه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۲

۲- عذاب گنه کاران به هنگام مرگ ، نمود خشم الهی بر آنان

يضربون وجوههم و أدبرهم . ذلك بأنهم اتبعوا ما أسخط الله

<ذالك> اشاره به <يضربون..> است یعنی، عذاب هنگام مرگ، نتیجه و نمود سخط و خشم خداوند است.

مسئولیت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۶

۶ - بازگشت به خدا با توبه به درگاه او ، وظیفه ای ضروری بر عهده گناهکاران

إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل فتوبوا إلى بارئكم

مشکلات اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

مصالح گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۵

۵ مبهم گذاردن سرنوشت اخروی برخی از خطاکاران ، نشأت یافته از علم و حکمت الهی و دارای مصلحت است .

و ءاخرون مرجون لأمر الله .. و الله علیم حکیم

ملائکه عذاب و گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۶

۶ - ظهور

علامت های جرم در چهره مجرمان ، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب

يعرف المجرمون .. فيؤخذ بالنوصی و الأقدام

ممنوعیت اطاعت از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۹

۹ - اطاعت و اجابت خواسته های گناه پیشگان ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع كلّ .. ائیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۷

۷ - ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً

ممنوعیت ترك انفاق به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۴

۴ - کوتاهی در تأمین نیاز خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به خاطر لغزش های گذشته آنان ، ممنوع است .

ولا یأتل أولوا الفضل منكم و السعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجری

منشأ آمرزش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۲

۲ کیفر گناهکاران یا بخشودن خطای آنان ، مبتنی بر مشیت الهی

و ءاخرن مرجون لأمر الله إما يعذبهم وإما يتوب عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - حديد - ٥٧ - ٢١ - ١٦

١٦ - آمرزش گناه بندگان و اعطای بهشت پهناور به آنان ، جلوه فضل و فزون بخشی خداوند به آنان است ؛ نه استحقاق ایشان .

سابقوا إلى مغفره من ربكم و جنّه . . . ذلك فضل الله

منشأ استهزاگری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۳

۳- خداوند ، خصلت تمسخر و استهزا کردن را به منظور کیفر مجرمان تبهکار ، در قلبشان رسوخ داده است .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه> استهزا (مصدر یستهزءون) باشد.

منشأ حشر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۸

۸- برپایی قیامت و احضار مجرمان در آن ، به دست خداوند و اراده او است .

نحشر

منشأ عذاب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - عذاب جامعه های گنه کار ، به تدبیر خداوند و جلوه ربوبیت او بر آنان است .

رَبِّهِمْ

منشأ کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۲

۲ کیفر گناهکاران یا بخشودن خطای آنان ، مبتنی بر مشیت الهی

و ءاخرون مرجون لأمر الله إما يعذبهم و إما يتوب عليهم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۸ - ۳

۳ - ربوبیت الهی ، مقتضی کیفر دادن گناه کاران است .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ

منشأ هلاکت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۱

۱ - مجرمان ، محکوم به هلاکت و نابودی از سوی خداوند

ألم نهلك الأولين .. كذلك نفعك بالمجرمين

مهلت به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۸ - ۶،۷

۶- مهلت یافتن گناه کاران

و تأخیر مجازات ایشان ، به معنای ایمنی ابدی آنان از کیفر نیست .

لو يؤاخذهم .. بل لهم موعد لن يجدوا من دونه مؤثلاً

۷- اعطای مهلت از سوی خداوند به گنه کاران ، برای روی آوری به توبه ، جلوه ربوبیت الهی است .

و رَبِّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهم بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُم مَّوْعِدٌ

یادآوری رحمت و غفران خداوند، در ضمن آیاتی که نشان دهنده حال هدایت ناپذیران و عذاب حتمی آنان است، در بردارنده این پیام نیز هست که در هر صورت، راه بازگشت، مسدود نشده و مجرم، می تواند به سوی او بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۳

۳ - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت ، از سنت های او است .

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهورها من دابة ولكن يؤخرهم إلى آج

مقصود از <أجل مسمى>، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ - فرصت دهی خداوند به متخلفان و گنه کاران ، برای توبه و بازگشت و عدم تعجیل او در کیفر ایشان

قل للمخلفين .. فإن تطيعوا ... و إن تتولوا... يعذبكم

میعاد اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۱

۱- روز قیامت ، میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَتَهُمْ أَجْمَعِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این

نکته است که مرجع ضمیر در <میقّاتهم> مجرمان و منکران معاد باشد، همچون قوم <تبع> که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

نامه عمل گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کُهِف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰- مجرمان، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد.

یویلتنا مال هذا الکتب لایغادر صغیره و لاکبیره

۱۱- مجرمان، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند. \*

و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

<ویله> و <ویل> به معنای <هلاکت> است و مؤنث بودن <ویله> مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن <ویل> از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

نجات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ - عمر گنهکاران، هر چند طولانی باشد، موجب نجاتشان از عذاب الهی نخواهد شد.

بما قدمت أیدیهم .. و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

نجوای اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۳ - ۱

۱ - گنه کاران و اعراض کنندگان از قرآن ، در صحنه قیامت ، آهسته و بی صدا با یکدیگر سخن می گویند .

یتخفتون بینهم

<خفت>

به معنای پوشاندن گفتار است (لسان العرب). <یتخافتون> از باب تفاعل، دال بر این است که هنگام گفت و گوی با یکدیگر، از آنان صدایی شنیده نمی شود. گفتنی است که به قرینه <خشعت الأصوات للرحمان> (در آیات بعد)، آنچه مجرمان را وادار به پایین آوردن صدا کرده است، احساس عظمت خداوند و انتظار رحمت او است.

نزدیکی کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار، نزدیک است .

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نشانه های اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۵

۵ بروز و ظهور گناهان در قیامت، به صورت علامت و نشانه ای برای گناهکاران

و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسیمهم

نشانه های صورت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۶

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

يعرف المجرمون بسیمهم

<سیمما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۶ - ظهور علامت های جرم در چهره مجرمان، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب

يعرف المجرمون .. فيؤخذ بالنوصي و الأقدام

نشانه های گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۸،۹

۸ افترا بستن به خدا ، نشانه وجود روحیه جرم پیشگی و

بزهکاری در افترا زننده

فمن أظلم ممن افتري على الله كذباً .. إنه لا يفلح المجرمون

۹ تکذیب قرآن ، نشانه وجود روحیه جرم پیشگی و بزهکاری در تکذیبگر

أو كذب بأيته إنه لا يفلح المجرمون

نفرین بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۷ - ۱

۱ - دروغ پردازان گناه پیشه ، مورد نفرین و تهدید خداوند

ويل لكل أفاك أثيم

نگرانی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰- مجرمان ، از جامعیت و دقت کتاب اعمال آدمیان ، شگفت زده و به شدت نگران خواهند شد .

يولتنا مال هذا الكتب لا يغادر صغيرة ولا كبيرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ - مجرمان در لحظه حضور در قیامت ، با نگرانی به فرجام خویش چشم دوخته و مات و حیرت زده خواهند بود .

و نحشر المجرمين يومئذ زرقاً

<زرقاً> حال برای <المجرمین> است و مفرد آن <أزرق> یا <زرقاء> به کسی گفته می شود که سفیدی چشم او سیاهی آن را بپوشاند (لسان العرب). این حالت نشان چشم دوختن و خیره شدن مجرمان است و از اضطراب شدید درونی آنان حکایت دارد. برخی گفته اند: سفید شدن چشم، ملازم با کوری آن است (لسان العرب).



نهی از اطاعت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۶

۶ - اطاعت از دستورات دروغ گویان و گنه پیشگان ، مورد نهی خداوند

ناصیه کذبہ خاطئہ .. کلاً لاتطعه

نیازهای معنوی گناهکاران پشیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۶

۶ خطا کار نادم و پشیمان ، نیازمند روحیه امید برای خودسازی و تربیت

عسی الله يتوب عليهم إن الله غفور رحيم

ویژگیهای حشر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۵

۵ - برانگیخته شدن مجرمان در قیامت ، همراه با رنج و سختی و وحشت بسیار است .

و ساء لهم يوم القيمة حملاً .. نحشر المجرمین یومئذ زرقاً

<حملاً> و <زرقاً> بر وضعیت سخت و پریشان حالی منکران قرآن در قیامت دلالت دارد.

ویژگیهای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمداری ، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا ، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إنك أنت العزيز الکریم

تحقیر، تمسخر و تویخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزيز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیر شوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

هدایت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - فلسفه از دست رفتن امکانات دنیوی، در پی گناه، تنبیه گناهکاران جهت بازگشت از خطا به صراط مستقیم است.

ظهر الفساد فی البرّ .. لیذیقهم بعض الذی عملوا

<لام> در <لیذیقهم> لام عاقبت است و <لعلّ> معنای تعلیل دارد و مراد از <فساد> براساس ریشه لغوی آن، یعنی خروج شیء از اعتدال (تباه شدن)، قابل بهره برداری نبودن

امکانات و یا از دست دادن آنها است. بنابراین، خداوند، در پی آلوده شدن انسان ها، به گناه، آنان را مبتلا می کند تا به این صورت، بیدارشان سازد.

۱۶ - بازگشت انسان های گناهکار ، به صراط مستقیم ، حتی پس از تبتّه دادن شان قطعی نیست .

ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون

<لعلّ > از حروف شبیه به فعل و برای انشا و توقع است ؛ یعنی می خواهد بگوید: <امید است که باز گردند .>

هشدار به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ - گناهکاران ، از گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی در امان نبوده و نباید احساس مصونیت کنند .

فأخذتكم الصعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۹

۹ - گناهکاران فسق پیشه ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی هستند .

فأنزّلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء بما كانوا یفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۲۰

۲۰ - انسان های گناهکار و دارای رفتار و کردار ناروا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی هستند .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۰

۳۰- گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی نیز هستند .

فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۲۳ - گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی ، در خطر گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی نیز هستند .

لهم في الدنيا خزي و لهم في الآخرة عذاب عظيم

هلاکت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۲

۲ قدرت خداوند بر نابودی کافران و جایگزینی مؤمنانی تقوایپیشه به جای ایشان

ان اتقوا الله .. ان یشأ یدهبکم ایها الناس و یأت باخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۹

۹- مجازات الهی برای جوامع مجرم ، مجازاتی سخت ویرانگر و هلاکت بار

کذلک نجزی القوم المجرمین

<کذلک> اشاره به عذاب سخت و ویرانگری دارد که قوم عاد را نابود ساخت. خداوند امت ها را به مجازاتی چنین سخت، هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۴

۴ - توانایی خداوند بر آفرینش انسان ، نشانه توانایی او بر نابود کردن امت های گنه پیشه و کافر و جایگزین کردن دیگران

نحن خلقنهم .. و إذا شئنا بدّلنا أمثلهم تبدیلاً

برداشت یاد شده، از یاد آوری آفرینش انسان از سوی خداوند پیش از تذکر به هلاکت امت های کافر و جایگزین کردن دیگران استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، از نابود ساختن جامعه های بزرگ آلوده به گناه ، نمی هراسد و بر آثار و پیامد های آن سلطه کامل دارد .

و لایخاف عقیبها

همنشینی با

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب همنشینی با گناهکاران

لعن الذین كفروا من بنی اسرئیل .. كانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه

از حضرت علی (ع) روایت شده: .. و لما وقع التقصیر فی بنی اسرائیل جعل الرجل منهم یری اخاه علی الذنب فینهاه فلا ینهی فلا یمنعہ ذلك من ان یکون اکیله و جلیسه و شریبه حتی ضرب الله عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فیهم القرآن حیث یقول عزوجل <لعن الذین كفروا من بنی اسرئیل ... كانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه ... >

---

ثواب الاعمال مترجم، ص ۵۹۷، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۲.

هواپرستی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۳

۳ - گناه پیشگان ، پرستشگر و اطاعت کننده هوس های خویش

أم حسب الذین اجترحوا السیئات .. من اتخذ إلهه هویه

یأس اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۱

۱ - مجرمان ، در روز برپایی قیامت ، اندوهگین و ناامیدند .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون



<إِبلاس> در لغت، اندوه ناشی از شدت سختی (مفردات راغب) و نیز به معنای یأس است (لسان العرب).

یأس گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۵

۲۵ گناهکار نباید از آموزش و رحمت خداوند مأیوس باشد.

من عمل منکم

سوءاً .. فأنه غفور رحيم

يأس گناهکاران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۲

۲۲ برخی مردم در صدر اسلام، با وجد علاقه به اسلام، به سبب گناهان و خلافهای گذشته خود امید راه یافتن به جرگه مؤمنان را نداشتند.

و إذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم .. أنه من عمل منكم سوءاً بجهله

<إذا جاءك الذين يؤمنون> دلالت دارد که برخی از مردم، که متمایل به اسلام بودند، نزد پیامبر(ص) می آمدند، ولی از عملکرد گذشته خویش بیمناک بودند. آیه شریفه با وعده رحمت و مغفرت به آنان در صدد جذب سریعتر آنان به ایمان است.

### گندم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

اهمیت گندم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۷ - ۳

۳ - گندم و جو در نظام غذایی انسان ها ، دارای نقشی برجسته است .

فأنتنا فيها حَبًّا

بنی اسرائیل و درخواست گندم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

يخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

رویش گندم از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- رویش انواع دانه ها ( چون گندم ، جو ، برنج و ... ) از زمین ، نشانه ای بزرگ از قدرت خدا است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها و أخرجنا منها حبًا

مقصود از < حَبِّ > در آیه شریفه، جنسِ < حَبِّ > و به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است و نکره آمدن آن با توجه به این که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های الهی و امتنان است گویای همین نکته است.

فواید گندم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۶

۶- خداوند ، حبوبات ( گندم ، جو ، برنج و ... ) را به منظور تغذیه انسان ها آفریده است .

و أخرجنا منها حبًا فمناه يأكلون

نعمت گندم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۷

۷- دانه هایی چون گندم ، جو ، برنج و ... ، از مهم ترین خوردنی ها و نعمت های الهی برای بشر است .

و أخرجنا منها حبًا فمناه يأكلون

تقدیم جار و مجرور (فمنه) بر متعلق خود (یأكلون)، می تواند برای اهتمام و نیز توجه دادن انسان ها به این نعمت ارزشمند الهی باشد.

## گواه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گواه

بهترین گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ خداوند، بزرگترین و ارجمندترین گواه بر هر چیز

قل أي شيء أكبر شهده قل الله

۳ گواهی خداوند، مهمترین و صحیحترین و اطمینان بخش

ترین گواهیها

قل أي شيء أكبر شهده قل الله شهيد بيني و بينكم

خسارت به گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۸

۴۸ زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا يضارّ كاتب و لا شهيد و ان تفعلوا فانه فسوق بكم

بر مبنای مجهول بودن <لا يضار<

خیانت گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۵،۴۹

۴۵ حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا يضارّ كاتب و لا شهيد

در صورتی که <لا- يضار< معلوم باشد و نه مجهول، متعلق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لا- يضارّ كاتب ولا- شهيد المتبايعين.

۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا يضارّ كاتب و لا شهيد و ان تفعلوا فانه فسوق بكم

بر مبنای معلوم بودن <لا يضار<

شرایط گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۴،۲۴

۲۲ بلوغ ، شرط گواهان بر دین و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم

کلمه <رجل> (مرد) و <امرأه> (زن) ظهور در افراد بالغ دارد.

۲۴ گواهان بر دین و مبادلات باید مورد قبول و رضایت طرفین باشند .

و استشهدوا شهیدین من رجالکم .. مَمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ

گواه آسمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۳

۳ - هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی

مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزَّبْرِ

گواه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۵

۵ - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

در اینکه مراد از <شهداء> و <شهادت> در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امتها را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر(ص) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

گواه حقانیت سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنرېهم ءايتنا .. حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَّلَمْ يَكْفُ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

گواه در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۸،۴۹

۴۸ زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لَا يَضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَلَّحُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ

بر مبنای مجهول بودن <لا يضار>



۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعّلوا فأنّهُ فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن <لا یضار>

گواه عهد موسی(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۷

۷ - موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلك بيني وبينك . . . و الله على ما نقول وكيل

گواه فطرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، شهادت دهنده و تأکید کننده بر درستی ادراکات عقلی و گرایش فطری انسان \*

إنا أرسلناك شهيداً و مبشراً

برداشت بالا بدان احتمال است که منظور از <شاهداً>، شهادت دادن به درستی ارزش هایی باشد که انسان با عقل و فطرت آن را درک کرده یا می تواند درک کند. قرینه بر درستی این احتمال، تقدم <شاهداً> بر <مبشراً و نذيراً> است؛ چه این که اول باید ارزش تبیین گردد؛ سپس بر اجرای آن تأکید شود.

گواه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر (ص) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذی أخرج المرعى . فجعله غناء أحوی . سنقرئک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند پیش از وعده به قرائت و حفظ نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است؛ به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

گواه مسلمانان



۵ - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً

در اینکه مراد از <شهداء> و <شهید> در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امته را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر(ص) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

گواه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ > عن علی بن الحسین (ع) : ... قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلك سوء بل هی راودتني عن نفسی فسل هذا الصبی ... و كان عندها من أهلها صبی زائر لها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : ... انظر إلی قمیص یوسف ... ;

از امام سجاده(ع) روایت شده است: ... یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودک پرس کودکی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود پس خدا آن کودک را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: ... به پیراهن یوسف نگاه کن ... <.

مسؤولیت گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵۳ لزوم رعایت تقوای الهی از جانب نویسنده ، گواهان و طرفین قرارداد ها و مبادلات

اذا تداینتم .. و لا یأب کاتب ... و استشهدوا شهیدین ... و اتقوا الله

متعاملین، کاتب و گواه در مبادلات، از مصادیق مورد نظر در خطاب <و اتقوا الله> می باشند.

نقش ملائکه گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۳ - ۷

۷ > فی المجمع < قال قرینه > یعنی الملك الشهيد علیه ... و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبدالله (ع) ;

در مجمع البیان در تفسیر < قال قرینه > آمده است: مقصود فرشته ای است که گواه بر آن [فرد] است .. و این معنایی است که از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۱

۱ دو فرشته موکل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

أَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِید

دو فرشته ای که مخاطب <أَلْقِیَا> قرار می گیرند؛ یا <رقیب> و <عتید>ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا <سائق> و <شهید>اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی خواهند کرد.

گواهان

{گواهان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۶

۶ - کسانی که به خدا و همه پیامبران او ایمان دارند ، در زمره صدیقان و شهدا (گواهان) ، قرار می گیرند .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ءَاولئك هم الصّٰدِقُونَ و

<شهید> (مفرد <شهداء>) به معنای گواه است.

آثار ایمان گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۶

۶ - نقش سازنده ایمان و عدالت شاهدان ، در گواهی صحیح و به حق آنان در میان مردم

و اشهدوا ذوی عدل منکم

آثار عدالت گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۶

۶ - نقش سازنده ایمان و عدالت شاهدان ، در گواهی صحیح و به حق آنان در میان مردم

و اشهدوا ذوی عدل منکم

برگزیدگی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۷،۱۹

۱۷ برگرفتن ناظران و گواهانی نخبه از میان مردم ، بر شکست ها و پیروزی ها بر اساس مشیت خداوند است .

و یتَّخِذْ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایام .. و لیعلم الله الذین امنوا و یتَّخِذْ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ

ترک لام در <و یتَّخِذْ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی

برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهد آء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

برگزیدگی گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۶

۶- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند.

و یوم نبعث من



كُلُّ أُمَّةٍ شَهِيدًا

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امت خویشند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان نیز گروه دیگری شاهد و گواه باشد، انتخابشان برای دادن گواهی لغو و بیهوده خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۴

۴- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند .

و یوم نبعث فی کلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا علیهم من أنفُسهم

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امتند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان گروه دیگری شاهد و گواه باشند، انتخاب آنان برای گواهی، لغو و بیهوده خواهد بود.

پاداش اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا ( گواهان ) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند؛ یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آن ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

تقرب گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۷

۷ - صدیقان و شهدا ( گواهان ) ، غنوده در جوار قرب الهی

هم الصّدّیقون و الشّهداء عند ربّهم

حبس گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله <تحبسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

ذکر گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱

۱- انسان، وظیفه دار توجه به نظارت گواهان الهی در هر عصری بر اعمالش

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً

تکرار مضمون <یوم نبعث...> در ضمن چند آیه و نیز در تقدیر بودن <اذکر> یا <اذکروا> بیانگر اهمیت موضوع است.

سوگند به گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۴

۴ - سوگند خداوند، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

سوگند به گواهی گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد نه مشاهده و نظارت، کلمه <مشهود> نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد <مشهود به > است.

سوگند

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

و اءاخرا من غیر کم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

جمله < تحبسونهما .. > می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان < ذوا عدل منکم > و < اءاخرا من غیر کم > باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی < و اءاخرا من غیر کم > گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله .. إنا اذا لمن الاثمین

شرایط گواهان حد زنا

۱۴- تنها مسلمانان دارای حق حضور و گواهی بر اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

از این که خداوند حضور مؤمنان را لازم دانسته است (من المؤمنین) نه عموم مردم را (من الناس)، به دست می آید که گواهان و حاضران صحنه اجرای حدود، باید از مسلمانان باشند نه از غیر آنان.

عدالت گواهان طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲

۸ - برخورد شایسته با زنان مطلقه ، ادای حق آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لا تخرجوهن من بیوتهن .. و اقیموا الشهده لله ذلکم یوعظ به

<ذلک> اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

فضایل اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - صدیقان و شهدا ( گواهان ) ، در جهان آخرت دارای نورانی و ویژه و مخصوص به خود هستند .

لهم ... و نورهم

فضایل گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۱ ، ۱۰ ، ۵ ، ۴

۴ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان برخوردار از نعمت عظیم الهی

و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم .. و الصالحین

تصریح به اسم جلاله <الله> در جمله <انعم الله علیهم> ، دلالت بر عظمت آن نعمت دارد.

۵ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، رهروان صراط مستقیم و برخورداران از هدایت خاص

و لهدیناهم صراطاً مستقیماً. و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله

با توجه به آیه قبل، که اطاعت کنندگان را راه یافته به صراط مستقیم می داند و در این آیه آنان را همراهان پیامبران و ..

قلمداد می کند معلوم می شود پیامبران و ... رهروان صراط مستقیم هستند.

۸ مقام برتر پیامبران بر صدیقان ، و صدیقان بر شاهدان ، و شاهدان بر صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين ..



ترتیب درجات از ترتیب در ذکر استفاده شده است.

۱۰ مقام پیروان ، صدیقین ، شاهدان و صالحان بالاتر از مقام اطاعت کنندگان از خدا و رسول ( ص )

و من یطع الله و الرّسول فاولئک .. الصّالحین

۱۱ مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان ( گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا ) و صالحان

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیّین و الصّدیقین و الشّهداء و الصّالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۳

۳ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، بهره مند از تفضّل خاص الهی

من النبیّین و الصّدیقین .. ذلك الفضل من الله

بنابر اینکه <ذلك> اشاره به انعام مستفاد از جمله <الذین انعم الله علیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۶،۷،۸

۶ - کسانی که به خدا و همه پیامبران او ایمان دارند ، در زمره صدیقان و شهدا ( گواهان ) ، قرار می گیرند .

و الذین ءامنوا بالله و رسله أولئک هم الصّدّیقون و الشّهداء

<شهید> (مفرد <شهداء>) به معنای گواه است.

۷ - صدیقان و شهدا ( گواهان ) ، غنوده در جوار قرب الهی

هم الصّدّیقون و الشّهداء عند ربّهم

۸ - صدیقان و شهدا ( گواهان ) ، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

الصّدّیقون و الشّهداء عند ربّهم

اضافه <ربِّ> به ضمیر <هم> اضافه تشریفی و بیانگر توجه خاص و عنایت ویژه خداوند به صدیقان و شهدا است.

کافران و گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کافران و مشرکان ، با رو به رو شدن با گواهی شاهدان علیه خود ، به عذرخواهی خواهند پرداخت .

و یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <یوم لاینفع .. > بدل برای <یوم یقوم الأشهاد > می باشد.

گواهان آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۶

۶ - خداوند ، شاهد و گواه بر تمامی هستی است .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

گواهان اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۶

۶ - پیامبر ( ص ) ، شاهد و ناظر بر تمامی امت ها در قیامت \*

و تری کلّ أمّه جاثیه

برداشت بالا بدان احتمال است که خطاب <تری > اختصاص به شخص پیامبر(ص) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - قیامت ، وقت تعیین شده برای حضور پیامبران جهت گواهی بر امت های خویش

و إذا الرسل أُقَّتت

مقصود و مفاد این آیه برابر نظر بیشتر مفسران فرارسیدن زمان وعده الهی مبنی بر گواهی پیامبران بر امت های خویش در

عرصه قیامت است؛ مانند <فَلنَسئَلَنَّ الذین اُرسل اِلیهم و لنسئَلَنَّ المرسلین > (اعراف، آیه ۶).

۲ - گواهی پیامبران در عرصه قیامت بر امت های خویش ، امری قطعی و تخلف ناپذیر است .

و إذا الرسل أُقَّتت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ -

۱ - گواهی پیامبران بر امت های خویش ، دارای وقتی معین در عرصه قیامت

و إذا الرسل أُقَّتت . لأئى يوم أُجَلت

<أئى> اسم استفهام و یا موصوله و مفید تعظیم و تهویل است. <أُجَلت> به معنای <أُخرت> است. در این برداشت مرجع ضمیر فاعلی <أُجَلت>، میقات و گواهی پیامبران (قابل استفاده از آیه قبل) دانسته شد.

گواهان اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۱

۱ حضور یکایک انسان ها در صحنه قیامت ، همراه با دو مأمور پیش برنده و گواه

و جاءت كل نفس معها سائق وشهيد

گواهان اخروی دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۳

۳ - گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و يوم يحشر أعداء الله .. شهد عليهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

گواهان اخروی طراح قصه افك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افك > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر

قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إن الذين يرمون المحصنت .. يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

گواهان اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۳

۳ - گواهی پوست

بدن گناه کاران علیه آنان در قیامت ، امری شگفت و دور از انتظار برای ایشان

و قالوا لجلودهم لِمَ شهدتم علينا

استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند در مقام تعجب و شگفتی باشد.

گواهان اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۰

۱۰ - اصحاب اخدود ، در ماجرای سوزندان مؤمنان ، مراقب و گواه کار یکدیگر بودند . \*

و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود

شاهد بودن اصحاب <اخدود> ممکن است به این منظور باشد که هر یک، بر انجام صحیح مأموریت دیگری نظارت داشته و نزد حاکمان به آن گواهی دهد.

گواهان اغواپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۲

۲- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر ( ص ) مخفی نیست .

ألم تر أننا أرسلنا الشیطين

گواهان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴۵، ۳، ۲

۲ خداوند گواهان و ناظران امت ها را در قیامت به گواهی فرامی خواند .

فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

۳ پیامبران ، گواهان امت های خویش

فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

برداشت فوق را فرمایش علی (ع) تأیید می کند که در ضمن بیان مواظن محشر فرمود: .. فبقوم الرسل (ع) فیشهدون فی هذه المواطن فذلک قوله: <فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید>.

---

توحید صدوق، ص ۲۶۱، ج ۵، ب ۳۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۱، ح ۲۵۴.

۵ پیامبر ( ص ) ، گواه امت خویش

و جئنا بک



در برداشت فوق، <هؤلاء> اشاره به مسلمانان و امت پیامبر (ص) گرفته شده است.

۶ خداوند در قیامت، پیامبر (ص) را برای گواهی بر امت خویش فرامی خواند.

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۸، ۹، ۴، ۳، ۱

۱- در قیامت از میان هر امت، فردی به عنوان گواه و شاهد برانگیخته می شود.

و یوم نبعث من کلُّ أمه شهیداً

۳- از میان هر امتی در تمامی عصرها، فردی به عنوان شاهد و گواه در قیامت حضور پیدا می کند.

و یوم نبعث من کلُّ أمه شهیداً

حضور یافتن گواه هر امتی، ممکن است بدین صورت باشد که از میان تمامی امتهای فردی از هر عصر و نسلی به عنوان گواهی دادن در قیامت حضور یابد. بنابراین به تعداد عصرها و نسلها، گواهانی به گواهی خواهند پرداخت.

۴- در میان تمامی امتها در هر عصری، افرادی از جانب خداوند بر اعمال مردمان نظارت دارند.

و یوم نبعث من کلُّ أمه شهیداً

برداشت فوق به خاطر این نکته است که نظارت کردن، لازمه گواهی دادن است؛ زیرا تا نظارت بر چیزی انجام نگیرد، گواهی بر آن ممکن نخواهد بود.

۶- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند.

و یوم نبعث من کلُّ أمه شهیداً

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امت خویشند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان نیز گروه

دیگری شاهد و گواه باشد، انتخابشان برای دادن گواهی لغو و بیهوده خواهد بود.

۸- رخصت نیافتن کافران برای سخن گفتن و معذرت خواهی به هنگام حضور شاهدان و گواهان امت ها ، در قیامت

و یوم نبعث من کلِّ أُمَّه شهیداً ثمَّ لایؤذن للذین کفروا

۹- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت ، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است . \*

و یوم نبعث من کلِّ أُمَّه شهیداً ثمَّ لایؤذن للذین کفروا

واژه <ثمَّ> که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود و نه قبل از آن دیگر کافران رخصت نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۳،۴،۸،۱۰

۳- قیامت ، روز برانگیخته شدن گواهانی از میان هر امت برای شهادت دادن بر آنان

و یوم نبعث فی کلِّ أُمَّه شهیداً علیهم من أنفسهم

۴- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند ، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند .

و یوم نبعث فی کلِّ أُمَّه شهیداً علیهم من أنفسهم

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امتند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان گروه دیگری شاهد و گواه باشند، انتخاب آنان برای گواهی، لغو و بیهوده خواهد بود.

۸- پیامبر ( ص ) ، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است .

و جئنا بک شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در <فی کلِّ أُمَّه> مردم هر عصری

نباشد؛ بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) <هؤلاء> اشاره باشد به کل امت پیامبر(ص) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

۱۰- پیامبر اسلام (ص)، شاهد بر همه گواهان طول تاریخ

و جنابك شهيداً على هؤلاء

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <هؤلاء> اشاره به <شهيداً>؛ یعنی، گواهان هر امت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۸

۱۸ - مسلمانان، گواه بر اعمال سایر مردم و پیامبر (ص) گواه بر اعمال مسلمانان

ليكون الرسول شهيداً عليكم و تكونوا شهداء على الناس

در این که مراد از <شهيد> و <شهداء> در آیه چیست، نظراتی چند ابراز شده است که از جمله آنها <گواهی بر اعمال> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۶

۶- رسولان الهی، خود بهترین گواه وصول هدایت به خلق و اتمام حجت بر آنان \*

إنا أرسلناك شهيداً

<شاهداً> ممکن است نظر به شهادت بر اصل پیام رسانی به خلق و فرستادن رسول داشته باشد و قید محذوف از فعل <أرسلناك> استفاده می شود.

گواهان امتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۸

۸ منزلت والای کسانی که در قیامت، بر اعمال امت ها گواهی می دهند.

درخواست حواریون از خداوند به اینکه آنان را با گواهان قرار دهد، بیانگر آن است که آنان دارای مقامی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷

۹ عیسی (ع) ، گواه و ناظر بر عقاید و رفتار امت خویش ، به هنگام حضور در میان آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

۱۱ پیامبران به هنگام حضور در میان امت های خویش ، گواه و ناظر بر اعمال و عقاید آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

گواهان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ پیامبر اسلام (ص) ، گواه و شاهد بر همه رسولان الهی در روز رستاخیز

فکیف اذا جننا . . . و جننا بک علی هؤلاء شهیداً

امیرالمؤمنین (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هو [محمد (ص)] الشهید علی الشهداء و الشهداء هم الرسل (ع).

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۱۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۴.

گواهان اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي جعفر (ع) : . . . قال الله عزوجلّ : . . . يوم تشهد عليهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا يعملون < و لیست تشهد الجوارح علی مؤمن ، إنّما تشهد علی من حقت علیه کلمه العذاب . . . >

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. خدای عزوجل فرمود: <یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا يعملون> [و توضیح آن که: این گونه نیست که جوارح علیه مؤمنی شهادت بدهد؛ همانا شهادت جوارح علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد].

گواهان ایمان حیب نچار

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمن انطاکیه ( حبیب نجار ) ، پیامبران آن دیار را بر ایمان استوارش به خدای یکتا ، به گواهی گرفت .

إِنِّي ءَامِنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ

خطابِ <فاسمعون> بر مبنای این که مخاطبان آن پیامبران باشند به این منظور ایراد شده است تا پیامبران انطاکیه را بر ایمان آوردن خود به پروردگار شاهد بگیرد.

گواهان بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۱

۱ بت ها در قیامت ، خدا را شاهد می گیرند که از عبادت اهل شرک بی خبر بوده اند .

فَكَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغٰفِلِيْنَ

گواهان بر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۴

۴ لزوم شهادت چهار مرد مسلمان برای اثبات فحشای زنان ( زنا و مساحقه )

وَالَّتِي يَأْتِيْنَ الْفٰحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ

مؤنث آوردن کلمه <اربعه> دلالت می کند که معدود آن، رجال (مردان) هستند و <منکم> دلالت بر مسلمان بودن آن مردان دارد.

۹ لزوم دعوت کردن از چهار مرد مسلمان ، برای تحمّل شهادت به هنگام اطلاع از وقوع فحشا ( زنا و همجنس بازی ) \*

وَالَّتِي يَأْتِيْنَ الْفٰحِشَةَ .. فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ

جمله <فاستشهدوا>، می تواند به معنای دعوت برای تحمّل شهادت باشد.

۱۰ شاهد فحشای زنان ، می تواند از ادای شهادت استنکاف کند .

و الّتی یأتین الفاحشه .. فان شهدوا

جمله <فان شهدوا>،



ظهور در این معنا دارد که شاهد، در ادای شهادت و یا استنکاف از آن مختار است و شرعاً الزامی برای ادای شهادت ندارد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است.

و التي يأتين الفاحشه .. فاستشهدوا عليهن اربعة منكم فان شهدوا

چون مخاطبان <منکم> مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

گواهان بر عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ خداوند، گواه بر همه عهد ها و پیمان ها و اعمال انسان

و الذين عقدت ايمانكم فاتوهم نصيبهم ان الله كان على كل شيء شهيداً

گواهان بر معارف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۹

۹ خداوند، گواهی کافی برای حقایق معارف ارائه شده در قرآن

ما اصابك من حسنه فمن الله و ما اصابك من سيئه فمن نفسك .. و كفى بالله شهيداً

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <شهیداً>، معارفی باشد که در این بخش از آیات تبیین گردید.

گواهان بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۰، ۱۷، ۹

۹ خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

ولا تكونن من المشركين . . . قل أى شىء أكبر شهده قل الله شهيد بينى و بينكم

۱۷ قرآن، گواه یگانگی خداوند

و بطلان شرک

قل أغیر الله اتّخذ ولیا .. قل الله ... و أوحى إلى هذا القرءان

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

۲۰ شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أئنکم لتشهدون أن مع الله ءالهه أخرى

همزه استفهام در <أئنکم> دال بر شگفتی است.

گواهان پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- خداوند ، والاترین گواه بر حقانیت رسالت پیامبر ( ص ) و غلبه اسلام بر سایر ادیان

هو الذی أرسل رسوله .. لیظهره علی الدین کلّه و کفی باللّه شهیداً

تعبیر <کفی باللّه شهیداً> محتوای این آیه را تأکید کرده است.

گواهان تنزیه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۲

۲ - تمامی موجودات هستی ، شاهدی گویا بر منزّه بودن خداوند از هر عیب و نقص

یسبّح لله ما فی السموت و ما فی الأرض

برداشت یاد شده، بر این اساس است که تسبیح در آیه شریفه، تسبیح تکوینی باشد.

گواهان تنزیه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - حضور همیشگی پیامبر (ص) در میان مردم ، گواه روشنی برای آنان بر مبرّا بودن ساحت آن حضرت از گمراهی و فساد رأی

ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

آوردن وصف <صاحب> (همدم، همنشین) برای پیامبر(ص) و اضافه آن به <کم>، پیامدار این معنا است که رسول اکرم(ص) همیشه

با شما بوده و این حضور خود گواهی است بر پاکی و درستی آن حضرت در طول عمرشان.

گواهان توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱۶، ۹، ۸، ۶، ۳، ۲، ۱

۱ گواهی خداوند برپادارنده قسط و عدل ، بر اینکه معبودی جز او نیست .

شهد الله أنه لا اله الا هو .. قائماً بالقسط

<قائماً بالقسط>، حال است برای <الله>.

۲ نظام آفرینش ، گواه یکتایی خداوند

شهد الله أنه لا اله الا هو

بنابراینکه گواهی خدا، گواهی فعلی نیز باشد، یعنی خداوند با فعل خود (نظام آفرینش)، گواهی بر یکتایی خویش می دهد. و

<قائماً بالقسط>، مؤید این احتمال است.

۳ خدا ، ملائکه و عالمان ، گواهان توحید

شهد الله أنه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم

۶ دانشمند ، در نگرش قرآنی ، کسی است که با شهود نظام عادلانه هستی به وحدانیت خداوند گواهی دهد .

شهد الله .. و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد <قائماً بالقسط> به منزله دلیلی برای وحدانیت خداوند باشد.

۸ حاکمیت قسط و عدل بر نظام تکوین ، دلیل دانشمندان و ملائکه برای گواهی بر وحدانیت خدا \*

شهد .. الملائكة و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد <قائماً بالقسط> که حال برای <الله> است، اشاره به علت گواهی ملائکه و اولوا العلم باشد. و بدین جهت،

مؤخر آمده است.

۹ عالمان راستین ، با عمل و حرکت خویش ، گواه بر توحید هستند .

شهد الله أنه لا إله إلا هو .. و اولوا العلم قائماً بالقسط

بنابراینکه منظور از گواهی عالمان، گواهی عملی آنان

باشد که عبارت است از موضعگیریها و چگونگی کردار آنان.

۱۶ انبیا و اوصیا ، صاحبان علم و گواهان توحید

شهد الله انه لا اله الا هو و الملئكة و اولوا العلم قائماً بالقسط

امام باقر (ع): .. اما قوله < و اولوا العلم قائماً بالقسط > فان اولى العلم الانبياء و الاوصياء ...

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۹، ۱۷، ۲۰

۹ خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

و لا تكونن من المشركين .. قل أى شىء أكبر شهدته قل الله شهيد بينى و بينكم

۱۷ قرآن، گواه یگانگی خداوند و بطلان شرک

قل أغیر الله اتخذ ولیا .. قل الله ... و أوحى إلى هذا القرءان

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

۲۰ شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أئنکم لتشهدون أن مع الله ءالهه أخرى

همزه استفهام در <أئنکم> دال بر شگفتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۲

۲ عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدلهم ما كانوا يخفون من قبل

گواہان حد زنا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۶

۱۶- > عن أمير المؤمنين (ع) في قول الله عز وجل : > ولا تأخذكم



بهما رأفه في دين الله < قال في إقامة الحدود و في قوله تعالى : > وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين قال الطائفة واحد . . . .

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزوجل <ولأ تأخذكم بهما رأفه في دين الله> فرمود: در مورد اجرای حدود [رأفت نشان ندهید] او درباره سخن خدای تعالی <وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين> فرمود: طایفه یک نفر است (یعنی، یک نفر را هم شامل می شود).<

گواهان حقانیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، تأیید کننده رسولان الهی پیشین و گواه بر درستی تعالیم آنان

و صدق المرسلین

گواهان حقانیت انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۱

۱ - پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعای خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربنا يعلم إنا إلیکم لمرسلون

جمله <ربنا يعلم> (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند <شهد الله> و <علم الله>) در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

گواهان حقانیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۱۲

۱۲- حضرت ابراهیم (ع) بر صحت عقاید توحیدی خویش گواهی داد و خود را به آثار و پیامد های این عقیده ، ملتزم و متعهد دانست .

و أنا على ذلكم من الشهدين

گواهان حقانیت قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ مسیحیان عصر بعثت پس از پذیرش اسلام با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیوستن به صف شاهدان و گواهان حقانیت قرآن بودند .

ربنا ءامنا فاکتبنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر ( ص ) \*

فاکتبنا مع الشهدین . .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جمله <نطمع ان یدخلنا .. > می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین > از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۱، ۵، ۲

۲ قرآن ، خود دلیل و شاهی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد > چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی > می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربك > حقانیت و الهی بودن قرآن است و <تُلُوْ > (مصدر یتلوه) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در <یتلوه > به <مَنْ > و ضمیر <منه > به <رب > برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه > ;

یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بینه> از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

۵ تورات، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه .. من قبله کتب موسی

<کتاب> عطف بر <شاهد> است و ضمیر در <قبله> به شاهد برمی گردد.

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن كان علی بینه من ربه .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بینه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتک...> را مؤید این نظر شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۸

۸- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل، فردی دانا و متشخص بود.

و شهد شهد من بنی إسرائیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن، خود گواه حقانیت خویش\*

و القرءان المجید

وجود سوگند به <قرآن> در متن آن، در صورتی منطقی خواهد بود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

گواهان حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۵

۵ قرآن، گواه صدق کتب

آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

گواهان حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر ( ص ) \*

فاکتبنا مع الشهداءین .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جمله <نطمع ان یدخلنا ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهداءین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

گواهان حقانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۲

۲ عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

گواهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۰، ۶۸، ۲

۲ خداوند گواهان و ناظران امت ها را در قیامت به گواهی فرامی خواند .

فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

۶ خداوند در قیامت ، پیامبر ( ص ) را برای گواهی بر امت خویش فرامی خواند .

و جننا بک علی هؤلاء شهیداً

۸ پیامبر (ص)، گواهی بر شاهدان امت ها در قیامت

فکیف اذا .. و جننا بک علی هؤلاء شهیداً

و لذا اسم اشاره با صیغه جمع (هؤلاء) آمده است.

۱۰ خداوند در قیامت با وجود آگاهی بر اعمال گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی، فراخواهد خواند

كان الله بهم عليمًا .. فكيف اذا جئنا ... و جئنا بك على هؤلاء شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۳

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بك على هؤلاء شهيداً. يومئذ يودّ الذين كفروا ... لو تسوى بهم الارض

<يومئذ> متعلق به <شهيداً> است. يعنى آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان <افك> به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر

قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذين يرمون المحصنت .. يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افك> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۴، ۲۳

۲۳ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز \*

و اشهد بانّا مسلمون

۲۴ رهبران الهی، گواهان امت خویش در قیامت \*

و اشهد بانّا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش



۸ منزلت والای کسانی که در قیامت، بر اعمال امت‌ها گواهی می‌دهند.

فاکتبنا مع الشاهدين

درخواست حواریون از خداوند به اینکه آنان را با گواهان قرار دهد، بیانگر آن است که آنان دارای مقامی

والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۳، ۱۲، ۷

۷ در قیامت ، گواهانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا ، شهادت خواهند داد .

و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

<أشهاد> جمع شاهد و به معنای گواهان است.

۱۲ گواهان اعمال در قیامت ، دوری ستمگران از رحمت الهی را به همگان اعلام می کنند .

ألا لعنه الله على الظلمين

۱۳ گواهان اعمال ، از کار گزاران صحنه قیامتند .

و يقول الأشهد .. ألا لعنه الله على الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۹، ۶، ۳، ۱

۱- در قیامت از میان هر امت ، فردی به عنوان گواه و شاهد برانگیخته می شود .

و يوم نبعث من كل أمة شهيداً

۳- از میان هر امتی در تمامی عصرها ، فردی به عنوان شاهد و گواه در قیامت حضور پیدا می کند .

و يوم نبعث من كل أمة شهيداً

حضور یافتن گواه هر امتی ، ممکن است بدین صورت باشد که از میان تمامی امتهای فردی از هر عصر و نسلی به عنوان گواهی دادن در قیامت حضور یابد. بنابراین به تعداد عصرها و نسلها ، گواهانی به گواهی خواهند پرداخت.

۶- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند ، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند .

و يوم نبعث من كل أمة شهيداً

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امت خویشند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان نیز گروه

دیگری شاهد و گواه باشد، انتخابشان برای دادن گواهی لغو و بیهوده خواهد بود.

۸- رخصت نیافتن کافران برای سخن گفتن و معذرت خواهی به هنگام حضور شاهدان و گواهان امت ها ، در قیامت

و یوم نبعث من کلِّ أُمَّه شهیداً ثمَّ لایؤذن للذین کفروا

۹- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت ، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است . \*

و یوم نبعث من کلِّ أُمَّه شهیداً ثمَّ لایؤذن للذین کفروا

واژه <ثمَّ> که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود و نه قبل از آن دیگر کافران رخصت نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۴۸

۴- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند ، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند .

و یوم نبعث فی کلِّ أُمَّه شهیداً علیهم من أنفسهم

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امتند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان گروه دیگری شاهد و گواه باشند، انتخاب آنان برای گواهی، لغو و بیهوده خواهد بود.

۸- پیامبر ( ص ) ، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است .

و جئنا بک شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در <فی کلِّ أُمَّه> مردم هر عصری نباشد؛ بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) <هؤلاء> اشاره باشد به کل امت پیامبر(ص) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۶

۶- در قیامت ، گواهانی بر بطلان پندار فرزندی عیسی (ع) برای خداوند شهادت خواهند داد .

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله < و نزعنا من کلّ أُمَّه شهیداً > یقول من کلّ فرقه من هذه الأُمَّه إمامها . . . /

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و نزعنا من کلّ أُمَّه شهیداً> روایت شده که خدا می فرماید: از هر فرقه ای از این امت، امام آنها را برمی گزینیم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۳

۳ - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴، ۷

۷ - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه <فکیف إذا جننا من کلّ أُمَّه بشهید و جنابک علی هؤلاء شهیداً (نساء(۴)، ۴۱) گواهی دادن آنان است.

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و

جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۸

۸ - قیامت ، روز برپا خاستن گواهان برای شهادت و گواهی

یوم یقوم الأشهد

گواهان دروغگویی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۶

۱۶ گواهی خداوند بر دروغ گویی منافقان در داشتن حسن نیت در ساختن مسجد ( مسجد ضرار )

و الله یشهد إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۸

۸ - گواهی خداوند بر ماهیت دروغ پرداز منافقان و بی تعهدی آنان در قبال هر پیمان

و الله یشهد إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۸

۸ - شهادت اکید خداوند ، بر دروغ گویی منافقان

و الله یشهد إن المنفقین لکذبون

گواهان دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنك سرق

لحن جمله <إن ابنك سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

گواهان رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۸

۸ خداوند ، گواهی کافی برای رسالت پیامبر ( ص )

و ارسلناك للناس رسولا و كفى بالله شهيدا

گواهان صداقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ -

۷ - گواهی اُکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر ( ص )

و الله يعلم انك لرسوله

گواهان صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهی بر صدق دعوای خویش ( من یوسفم ) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله < هذا أخی > می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای < قد من الله > باشد به عنوان شاهی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را درخواهید یافت.

گواهان عفت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱

۱- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم ( س ) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال كذلك

< كذلك > خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم(س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

گواهان عقد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۳ - خدا، گواه قرارداد های میان مردم و شاهد گفت و گو های طرفین قرارداد

قال إنني أريد .. أئما الأجلين قضيت ... و الله على ما نقول و كيل

<وکیل> به قرینه متعدی شدن با <علی>، متضمن معنای <شهادت> است؛

یعنی، <و الله على ما نقول شاهد>.

گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۸

۸ حضرت عیسی (ع)، گواه بر اعمال اهل کتاب در دنیا

و یوم القیمه یکون علیهم شهیداً

اگر حضرت عیسی (ع) در دنیا گواه بر اعمال نباشد، نمی تواند در قیامت گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۹،۱۱

۹ عیسی (ع)، گواه و ناظر بر عقاید و رفتار امت خویش، به هنگام حضور در میان آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

۱۱ پیامبران به هنگام حضور در میان امت های خویش، گواه و ناظر بر اعمال و عقاید آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۵

۵ - مسلمانان، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است.

لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً

در اینکه مراد از <شهداء> و <شهید> در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امتها را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر (ص) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۶

۶ خداوند ، گواه اعمال انسانها

و الله شهيد على ما

تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، گواه بر همه عهد ها و پیمان ها و اعمال انسان

و الذين عقدت ايمانكم فاتوهم نصيبهم ان الله كان على كل شيء شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱

۱ هر امتی گواه و ناظری بر اعمال خویش به همراه دارد .

فكيف اذا جئنا من كل امه بشهيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان ( گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا ) و صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴ سلمه بن اكوع گوید : مرّ ( رسول الله ( ص ) ظ ) بجنازه فائنی على ها فقال وجبت . . . فسئل عن ذلك فقال : ان الملائكة شهداء الله في السماء و انتم شهداء الله في الارض فما شهدتم عليه من شيء وجب ، و ذلك قول الله : > و قل اعلموا فسیری الله عملكم و رسوله و المؤمنون < ;

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۶ - ۷

۷ خداوند ، بر تمام اعمال مردم شاهد و گواه است .

ثم اللّٰه شهيد على ما يفعلون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۵

۵ تمامی اعمال آدمیان ، از لحظه آغاز ، در منظر گواهانی است که از سوی خداوند جهت نظارت بر آنان ، گمارده شده اند .

و ما تكون في شأن و ما تتلوا منه من قرآن و لا تعملون من عمل إلا كنا عليكم شهوداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۸

۸ اعمال آدمیان در دنیا ، تحت نظارت شاهدان و گواهانی از ناحیه خداوند ، قرار دارد .

يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

۹ شاهدان اعمال در محضر خداوند ، علیه آنان که به خدا دروغ بسته اند ، گواهی خواهند داد .

أولئك يعرضون على ربهم و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

۱۲ گواهان اعمال در قیامت ، دوری ستمگران از رحمت الهی را به همگان اعلام می کنند .

ألا لعنه الله على الظلمين

۱۳ گواهان اعمال ، از کار گزاران صحنه قیامتند .

و يقول الأشهد .. ألا لعنه الله على الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۴

۴- در میان تمامی امت ها در هر عصری ، افرادی از جانب خداوند بر اعمال مردمان نظارت دارند .

و يوم نبعث من كل أمه شهيداً

برداشت فوق به خاطر این نکته است که نظارت کردن ، لازمه گواهی دادن است زیرا تا نظارت بر چیزی انجام نگیرد ، گواهی بر آن ممکن نخواهد بود .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۹

۹- گواهی و نظارت خداوند

بر اعمال بندگان ، متکی بر علم و اطلاع گسترده او به احوال آنان است .

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم إنه کان بعباده خبیراً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۴

۴ - گواهی اعضای بدن انسان به تمامی رفتار و گفتار او در دنیا

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، به خاطر این است که شهادت و گواهی بر هر چیزی، آن گاه متصور و صادق است که شعور و آگاهی بر صحنه شهادت وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۵ - ۲

۲ - پیامبر ( ص ) ، شاهد و گواهی از سوی خداوند بر اعمال مردم است .

أرسلنک شهداً

متعلق <شاهدأ> در آیه، ذکر نشده است و لکن به قرینه <مبشّر> و <نذیر> و نیز آیات دیگری مانند <لتکونوا شهداء علی الناس> [۲/۱۴۳] متعلق آن، مردم اند و چون اعمال آنان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت، مراد از گواهی بر مردم هم می تواند گواهی بر اعمال آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۰، ۹، ۷

۷ - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه <فکیف إذا جننا من کلّ أمّه بشهید و جنابک علی هؤلاء شهیداً (نساء(۴)، ۴۱) گواهی دادن آنان است.





برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهدا> جمع <شاهد> (گواه) است.

۱۰ - تمامی رفتار و کردار انسان ها در دنیا ، تحت نظارت گروهی شاهد و گواه قرار دارد .

و الشهداء

برداشت یاد شده به خاطر این مطلب است که لازمه گواهی شاهدان در قیامت، نظارت و حضور آنان در صحنه های اعمال بندگان در دنیا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۹

۹ - وجود گواهان و شاهدان ، بر رفتار و کردار انسان ها در دنیا

یوم یقوم الأشهد

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لازمه گواهی دادن بر هر چیزی، گواه و ناظر بودن بر آن از پیش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۲،۴،۱

۱ - پیامبر ( ص ) ، فرستاده الهی برای گواهی بر خلق و بشارت و انداز آنان

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

۲ - گواه بودن بر اعمال خلق و تبشیر و انداز آنان ، از وظایف مهم پیامبر اسلام

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا مُّبَشِّرًا وَنَذِيرًا

اهمیت وظایف یاد شده، از تخصیص یافتن به ذکر استفاده می شود.

۴- پیامبر ( ص ) ، گواه و ناظر بر اعمال امت خویش در طول تاریخ

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا

در صورتی که مراد از <شاهدًا> شهادت بر اعمال امت در قیامت باشد، از مطلق آمدن <شاهدًا> گواهی و نظارت آن حضرت بر تمام اعمال امت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۷ - ۲

۲ فرشتگانِ ثبت

کننده اعمال علاوه بر علم محیط الهی گواهی دیگر بر اعمال انسان \*

و نحن أقرب إليه من جبل الوريد . إذ يتلقى المتلقيان

در آیه قبل، خداوند علم خویش را به عنوان ملائک محاسبه انسان ها معرفی فرمود و اکنون در این آیه دریافت های دو فرشته را، به عنوان گواهی دیگر بر اعمال آدمی یاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۹

۹ - خداوند ، بر هر چیزی شاهد و گواه است .

و الله على كل شيء شهيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۴ - ۲

۲ - هر انسانی در عرصه قیامت ، خود شاهد و گواه بر محکومیت خویش خواهد بود .

بل الإنسن على نفسه بصيره

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <بصیره> صفت برای موصوف محذوفی (مانند <حجّه>) باشد. در این صورت مفاد این آیه مانند آیه ۲۴ از سوره <نور> است (یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا یعملون).

گواهان عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۱

۱ - گواهی پیامبر ( ص ) ، بر تمامی حرکات و رفتار های امت خویش در قیامت

إنا أرسلنا إليك رسولا شهدا علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۴،۳

۳- قیامت ، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است .

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده

آورده است، معنای گواهی را برای آن ذکر کرده و می گوید: شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

۴- سوگند خداوند ، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- بروج - ۸۵ - ۷ - ۹

۹- اصحاب اخدود در قیامت ، بر کردار خویش شهادت خواهند داد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

آیات <و الیوم الموعود> و <و شاهد و مشهود> در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

گواهان عمل و ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ گواهان اعمال در قیامت ، دوری ستمگران از رحمت الهی را به همگان اعلام می کنند .

ألا لعنه الله علی الظلمین

گواهان عهدشکنی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۸

۸- گواهی خداوند بر ماهیت دروغ پرداز منافقان و بی تعهدی آنان در قبال هر پیمان

و الله یشهد إنهم لکذبون

گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۷

۷ پیامبران ، شاهدان محکمه الهی در قیامت

و يوم القيمة يكون عليهم شهيداً

گواهان محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۱ - ۳

۳ - مقرّبان در گاه خداوند گواهان نامه اعمال نیکوکاران اند .

يشهده المقرّبون

فعل <يشهد>، یا از <شهود> به معنای حضور است و یا از <شهاده> که ابن اثیر در نهاییه آن را <خبر دادن

از مشاهدات خویش < معنا کرده است؛ در هر صورت گواه بودن <مقرَّبون> استفاده می شود؛ زیرا در معنای اول حضور و نظارت آنان به منظور گواهی دادن است و معنای دوم که در آن صورت <یشهده> به معنای <یشهد به> خواهد بود صریح در نکته یاد شده است.

گواهان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۲

۲- خداوند ، گواه و ناظری کافی میان پیامبر ( ص ) و مشرکان

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

گواهان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۸

۱۸ - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردم و پیامبر ( ص ) گواه بر اعمال مسلمانان

لیكون الرسول شهيداً عليكم و تكونوا شهداء على الناس

در این که مراد از <شهید> و <شهداء> در آیه چیست، نظراتی چند ابراز شده است که از جمله آنها <گواهی بر اعمال> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۴،۵

۴- پیامبر ( ص ) ، گواه و ناظر بر اعمال امت خویش در طول تاریخ

إنا أرسلناك شهيداً

در صورتی که مراد از <شاهداً> شهادت بر اعمال امت در قیامت باشد، از مطلق آمدن <شاهداً> گواهی و نظارت آن حضرت بر تمام اعمال امت استفاده می شود.



۵- پیامبر ( ص ) ، حتی پس از رحلت خود ، دارای آگاهی و قدرت نظارت بر عملکرد امت خویش

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا

اگر منظور از <شاهدًا> شهادت بر اعمال همه امت در صحنه قیامت باشد، مطلب بالا استفاده می

شود؛ زیرا که شهادت بدون آگاهی و نظارت فاقد اعتبار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۱

۱ - گواهی پیامبر (ص)، بر تمامی حرکات و رفتارهای امت خویش در قیامت

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ

گواهان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۲

۲- خداوند، گواه و ناظری کافی میان پیامبر (ص) و مشرکان

كُنْفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

گواهان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۷

۷- موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت.

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ .. وَاللَّهِ عَلِيٌّ مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ

گواهان نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۷، ۵

۵ خداوند، بزرگترین گواه رسالت پیامبر اکرم(ص) در برابر منکران است.

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهِدَهُ قُلُّ اللَّهِ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

با توجه به این حقیقت که نزاع بین پیامبر(ص) و مشرکان، نزاع شخصی نبوده، بلکه اختلاف بر سر درستی ادعای پیامبر(ص) به نزول وحی بر ایشان بوده است.

۲۷ عن أبي جعفر(ع) في قوله: <قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني وبينكم> و ذلك ان مشركي أهل مكة قالوا: يا محمد ما وجد الله رسولا يرسله غيرك؟ ما نرى أحداً يصدقك بالذي تقول .. فتأتينا من يشهد إنك رسول الله؟ قال رسول الله(ص): <الله

شهید بینی و بینکم ... <

از امام باقر(ع) درباره آیه <قل أي شیء أكبر شهادة... > روایت شده است که مشرکان مکه به حضرت محمد(ص) گفتند: خداوند رسولی غیر از تو نیافت که بفرستد؟ کسی را نمی بینیم درباره آنچه می گویی تو را تصدیق کند ... پس کسی که به رسالت تو گواهی دهد، برای ما می آوری؟ رسول خدا(ص) فرمود: خداوند بین من و شما گواه است ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۴

۴ لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا... و کلمهم الموتی... ما کانوا لیؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۴

۴ قرآن، معجزه جاودان حضرت محمد (ص) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم یقولون افتریه قل فأتوا بسوره مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۵

۵ خداوند خود گواهی دهنده به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و الهی بودن بعثت او

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

<بالله> فاعل برای <کفی> است و حرف <باء> در آن به اصطلاح زائیده و دلالت بر تأکید انتساب فعل به فاعل دارد. قابل ذکر است که گواهی های خداوند بر رسالت پیامبر(ص) بسیار است و آن آیات گوناگون و متعددی است که در آنها تصریح شده که او فرستاده ای از ناحیه خداوند است. و چون قرآن معجزه است

و الهی بودن آن برای حق جوین امری روشن می باشد، شهادت خداوند به رسالت پیامبر(ص) ثابت می شود و جمله < کفی بالله... > برهانی تام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۸

۸ - احاطه علمی خداوند بر موجودات جهان ، دلیل کفایت گواهی او برای حقانیت نبوت پیامبر (ص) است .

قل كفى بالله بيني وبينكم شهيداً يعلم ما في السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۷

۷ - گواهی اُکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر (ص)

و الله يعلم إنك لرسوله

گواهان نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۵

۱۵ - > عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي عبد الله (ع) : أخبرني بأفضل المواقيت في صلاة الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عزوجل يقول : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > یعنی صلاه الفجر تشهده ملائكه الليل و ملائكه النهار فإذا صَلَّى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرتين اثبتها ملائكه الليل و ملائكه النهار ;

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از با فضیلت ترین اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند عزوجل می فرماید: < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > مقصود نماز طلوع فجر است که فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز

همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسیله] فرشتگان مأمور روز.

## گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۵، ۲۲، ۱۴، ۱۰، ۸

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تجبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله <تجبسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد. منوط به سوگند است.

ذو عدل منکم او ءاخرا من غیرکم .. تجبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تجبسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش

بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان بالله ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی

ضمیر در <به> به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در <كان> به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان بالله ... و لانکتُم شهده الله

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیزه های مادی ، از زمره گنهکارانند .

لانشتری .. و لانکتُم شهده الله اِنَّا اِذَا لَمِنَ الْاِثْمِیْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۶،۷،۸،۹

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقاقاً اثماً> گفته شده <من الذین استحق...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

۵ حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت

ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

<اولیان> صیغه تفضیل و به معنای سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان بالله

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان بالله لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افعال تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر...> دلالت بر این تفسیر دارد.

گواهان هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۷

۷ - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما كان له من فئه .. من دون الله

<من دون الله> استثنا از <من فئه> است ؛ یعنی، در آن لحظه



کسی جز خدا حضور نداشت.

گواهی گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۳

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (بر گرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عُثر> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

مسئولیت گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۷،۲۰

۱۷ شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و یا خویشاوندی ، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قریبی . . . إنا اذا لمن الاثمین

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

۲۰ اداء شهادت به درستی و راستی ، تکلیفی الهی بر عهده شاهدان

و لانکتّم شهده الله

اضافه <شده> به <الله> می تواند به منظور رساندن این حقیقت باشد که شهادت حقی از حقوق الهی است و بندگان موظف به ادای آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۷

۷- گواهی شاهدان در امر طلاق زنان و یا رجوع همسران به آنان ، باید برای خدا و خالصانه و

به دور از چشمداشت مادی باشد .

و أقيموا الشهادة لله

مسئولیت گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۳

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوایبشگی آنان است .

ذلك ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها .. و اتقوا الله و اسمعوا

مشرکان و گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۲

۲ - کافران و مشرکان ، بارو به رو شدن با گواهی شاهدان علیه خود ، به عذرخواهی خواهند پرداخت .

و یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <یوم لاینفع ..> بدل برای <یوم یقوم الأشهد> می باشد.

مقام گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۸

۱۸ منزلت والای گواهان بر حوادث تاریخی ( شکست ها و پیروزی های مسلمانان ) و بیانگران علل آن حوادث

و یتخذ منکم شهداء

چون در آیه شریفه متعلق شهادت ذکر نشده، می توان به قرینه آیات قبل که علل حوادث تاریخی را تحلیل کرده است چنین احتمال داد که مراد از شهیدان، گواهان شکستها و پیروزیهای مسلمانان باشند تا گواهی دهند آنجا که از خدا و رسولش

پیروی شد و تقوا رعایت گردید، مسلمانان پیروز شدند و آنجا که بر خود اعتماد کردند و از خداوند غافل شدند و بی تقوایی و بی صبری پیشه کردند،

شکست خوردند.

مقامات گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۱،۱۳

۱۱ مسیحیان عصر بعثت پس از پذیرش اسلام با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیوستن به صف شاهدان و گواهان حقانیت قرآن بودند .

ربنا ءامنا فاکتبا مع الشهدین

۱۳ ایمان زمینه نیل به منزلت رفیع شاهدان

ءامنا فاکتبا مع الشهدین

کلمه <فاء> در <فاکتبنا> رساننده برداشت فوق است.

مقامات گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۳ - ۸۵ - ۵

۵ - گواهان صحنه قیامت ، دارای مقامی ارجمنداند .

و شاهد

نقش اخروی گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ گواهان اعمال ، از کار گزاران صحنه قیامتند .

و يقول الأشهد .. ألا لعنه الله علی الظلمین

نقش گواهان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۷

۷- وجود انسان های شایسته و متعالی در هر عصر و در میان هر گروه ، مایه اتمام حجت خداوند بر دیگران است .

و یوم نبعث فی کلِّ أُمَّةٍ شَهِیدًا عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که منظور از شهادت و گواهی، شهادت و گواهی قولی نباشد؛ بلکه شهادت عملی باشد؛ یعنی، وجود صالحان خود وسیله ای قرار گیرد برای اتمام حجت بر دیگران و اینکه آنان نیز می توانند صالح باشند.

نقش گواهان در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱

۱ - کیفر نسبت

دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهارگواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است .

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدہ

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

نقش گواهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۶

۶- حکم و داوری خداوند میان انسان ها در قیامت ، بر اساس حجت و گواه شاهدان است .

و یوم نبعث فی کلِّ أمّہ شہیداً علیہم من أنفسہم

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که برانگیختن شاهدان در راستای صدور حکم و داوری است و نیز به منظور اتمام حجت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشہد

نقش گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۴

۴ محاسبه کردار بندگان و جزا دهی به آنان ، متکی بر شهادت گواهان

کَلِّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

نورانیت اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۰ - صدیقان و شهدا ( گواهان ) ، در جهان آخرت دارای نورانیتی ویژه و مخصوص به خود هستند .

لهم .. و نورهم

هشدار به گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۱

۲۱ ضرورت توجه شاهدان ، به آگاهی و شهود خداوند بر هر آنچه به آن شهادت می دهند .

و لانکتُم شهده اللّٰه

همنشینی با گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۲ ، ۹ ، ۶

۶ پیروان خدا و رسول ( ص ) ، از همنشینان بهشتی پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان خواهند بود .

و من یطع اللّٰه .. فاولئک مع الذین انعم اللّٰه علیهم من النّبیین ... و الصّالحین

چون مصاحبت و همنشینی با پیامبران برای همه پیروان آنان در دنیا تحقق نمی یابد، بنابراین زمان آن، آخرت و مکانش بهشت است.

۹ همنشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئک مع الذین انعم اللّٰه علیهم

از اینکه همنشینی با پیامبران و .. پاداشی برای پیروان خدا و رسول (ص) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

۱۲ پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، رفیقان و همنشینانی نیکو برای پیروان خدا و رسول ( ص )

و من یطع اللّٰه و الرّسول .. و حسن اولئک رفیقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۱۰۲

۱ معاشرت و همنشینی با

پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، دارای فضیلتی کامل

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين . . . ذلك الفضل من الله

بنابر اینکه <ذلك>، اشاره به معیت و رفاقت در آیه قبل باشد، و فضیلت کامل بر این مبناست که <الفضل> خبر برای <ذلك> باشد.

۲ معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، تفضلی الهی برای اطاعت کنندگان از خدا و رسول ( ص )

فاولئك مع الذين . . . ذلك الفضل من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۱ - ۵

۵ مجاهدان راه خدا ، همنشین با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم . . . يا ايها الذين امنوا خذوا حذرکم

همنشینی با گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱

۱ مصاحبت با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و گواهان اعمال و صالحان ، پاداش اطاعت از خدا و رسول ( ص )

و من يطع الله و الرسول . . . و الصالحين

<صدیق>، یعنی بسیار راستگو و شاید مبالغه بودن آن اشاره به صداقت آنان در گفتار و عمل باشد. برخی برآنند که مقصود از صدیقین، اولین کسانی هستند که پیامبران را تصدیق کردند و شاهدان، یا به معنای کشته شدگان در راه خدا و یا گواهان بر اعمال انسانها و یا عالمان واقعی دین است.

گواهان امتها

گواهان امتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آل عمران - ۳- ۵۳- ۸

۸ منزلت والای کسانى

که در قیامت ، بر اعمال امت ها گواهی می دهند .

فاکتبنا مع الشاهدین

درخواست حواریون از خداوند به اینکه آنان را با گواهان قرار دهد، بیانگر آن است که آنان دارای مقامی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۹،۱۱

۹ عیسی (ع) ، گواه و ناظر بر عقاید و رفتار امت خویش ، به هنگام حضور در میان آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

۱۱ پیامبران به هنگام حضور در میان امت های خویش ، گواه و ناظر بر اعمال و عقاید آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

گواهی

آثار ادای گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۵

۵ - پاکدامنی ، رعایت امانت ، وفای به عهد ، ادای شهادت و مراقبت از نماز ، از موجبات ورود به بهشت

و الذین هم لفروجهم حفظون ... و الذین هم لأمتهم وعهدهم رعون . و الذین هم بش

آثار تذکر گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۱۹

۱۹ - توجه دادن به حضور و گواهی خداوند ، زمینه ساز رویکرد بیشتری به عمل به فرمان های او است .

و اتقین الله إنّ الله کان علی کلّ شیء شهیداً

ذکر <إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا> پس از بیان دستورهایی خاص، می تواند مفید این نکته باشد که مخاطبان دستورها، به حضور و گواهی خداوند توجه پیدا کنند تا تشویق شوند و یا از ترس پیامد ناگوار ترک عمل، به سمت عمل

به آن دستور بروند.

آثار عقیده به گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۷

۷ - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت، ستودگی، حاکمیت، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است.

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ .. إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. <الصالحات>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است یعنی، تمام آن چه میسر است. <جَنَّةٌ> یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

آثار کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۶

۲۶ شهادت دهندگان به دروغ و ترک کنندگان شهادت حق، مورد تهدید خدایند.

وَإِنْ تَلَوْا وَتَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

بیان آگاهی خداوند به شهادتهای دروغ و ترک شهادت حق، کنایه از تهدید و عذاب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۳ - ۳

۳ - خودداری از ادای شهادت و گواهی، نشانه ضعف ایمان

و الذین هم بشهدتهم قائمون

آثار گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ شهادت آدمی ، علیه پدر ، مادر و دیگر خویشاوندان ، دارای



اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء لله و لو على أنفسكم او الولدين و الاقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۷

۷ گواهی شهود عینی ، طریقی معتبر برای اثبات مدعا

وسئل القریه .. والعیر التي أقبلنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۱ - ۴

۴- گواهی دادن ، وسیله اثبات جرم در میان قوم ابراهیم

فأتوا به .. لعلمهم یشهدون

آثار گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پای ) خود آنها خواهد بود .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم .. یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق

جمله <یومئذ یوفیهم الله> استتفای بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

آثار گواهی اخروی دست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان، دست و پای) خود آنها خواهد بود.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم .. یومئذ یوفّیهم

اللّٰه دينهم الحقّ

جمله <يومئذ يوفّيهم اللّٰه> استثناف بياني است و پاسخ به اين سؤال است كه گواهي زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، براي چه منظوري است؟ پاسخ آيه شريفه اين است كه اين گواهي، به منظور اعطاي جزاي كامل و عادلانه مي باشد و اين جزا بر پايه همين گواهي استوار است.

آثار گواهي اخروي زبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - كيفر و پاداش اشخاص در قيامت و داوري درباره آنان ، بر پايه شهادت و گواهي اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پا ) خود آنها خواهد بود .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... يومئذ يوفّيهم اللّٰه دينهم الحقّ

جمله <يومئذ يوفّيهم اللّٰه> استثناف بياني است و پاسخ به اين سؤال است كه گواهي زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، براي چه منظوري است؟ پاسخ آيه شريفه اين است كه اين گواهي، به منظور اعطاي جزاي كامل و عادلانه مي باشد و اين جزا بر پايه همين گواهي استوار است.

آثار گواهي به حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۴

۴ شهادت به حق و براي خدا ، زمينه تأمين عدالت اجتماعي است .

يأيها الذين ءامنوا كونوا قومين بالقسط شهداء لله

ظاهراً <شهداء لله>، كه در حقيقت شهادت دادن به حق است، به عنوان راهي براي دستيابي به اقامه قسط معرفي شده است.

آداب گواهي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۱



و غنای افراد در ادای شهادت ، هواپرستی است .

شهداء لله .. ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۱

۲۱ ضرورت توجه شاهدان ، به آگاهی و شهود خداوند بر هر آنچه به آن شهادت می دهند .

و لانکتُم شهده الله

اجتناب از گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، هرگز به باطل و دروغ ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

احکام گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۲

۱۲ - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵۰ ، ۴۷ ، ۴۴ ، ۳۲ ، ۳۱ ، ۳۰ ، ۲۹ ، ۲۸ ، ۲۷ ، ۲۶ ، ۲۴ ، ۲۲ ، ۲۱

۲۱ وجوب شاهد گرفتن دو مرد مسلمان و در صورت نبودن آنان ، یک مرد و دو زن مسلمان در ثبت و تنظیم اسناد دیون و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

۲۲ بلوغ ، شرط گواهان بر دین و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم

کلمه <رجل> (مرد) و <امرأه> (زن) ظهور در افراد بالغ دارد.

۲۴ گواهان بر دین و مبادلات باید مورد قبول و رضایت طرفین باشند .

و استشهدوا شهیدین من رجالکم . . . ممن ترضون من الشهداء

۲۶ جایگزینی دو زن به جای یک مرد در شهادت ، به منظور

تذکر یکی از آنها به دیگری در صورت فراموشی و لغزش آن دیگری است .

فرجل و امراتان .. ان تضلّ احديهما فتذکر احديهما الاخرى

۲۷ تذکرو یادآوری یکی از گواهان به دیگری ، در صورت فراموشی و لغزش ، فلسفه و حکمت تعدد گواهان \*

ان تضلّ احديهما فتذکر احديهما الاخرى

چون جمله <ان تضلّ> در مقام تعلیل است، پس می توان به غیر مورد (گواهی زنان) گسترش داد.

۲۸ لزوم تذکر یکی از گواهان به دیگری ، در صورت فراموشی و لغزش وی

ان تضلّ احديهما فتذکر احديهما الاخرى

۲۹ وجوب ادای شهادت بر گواهان به هنگام فراخوانی به شهادت

و لا یأب الشهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه <اذا ما دعوا> دعوت برای ادای شهادت باشد، یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشّهاده.

۳۰ وجوب تحمّل شهادت بر مؤمنین ، به هنگام استشهاد از آنان

و لا یأب الشهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه <اذا ما دعوا> دعوت برای تحمّل شهادت باشد، یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشّهاده.

۳۱ عدم وجوب تحمّل و ادای شهادت ، ابتدائاً و بدون فراخوانی به آن ( داوطلبانه )

و لا یأب الشهداء اذا ما دعوا

لزوم ادا و تحمّل شهادت را مشروط به دعوت بر آن کرده و مفهوم شرط این است که در صورت نبود دعوت، شاهد بودن و شهادت دادن واجب نیست.

۳۲ جواز احضار شهود برای ادای شهادت

و لا یأب الشهداء اذا ما دعوا

۴۴ لزوم شاهد گرفتن در هنگام داد و ستد هر چند معامله ای نقد و بدون مطالبه باشد .

و اشهدوا اذا تبایعتم

۴۷ لزوم جبران خسارتهایی که بر کاتب و شاهد، از ناحیه کتابت و شهادت به



وجود می آید .

و لا یضارَ کاتب و لا شهید

بنابراینکه <لا یضار> مجهول باشد، مقصود از ضرر، خسارتهای ناشی از شهادت و کتابت است یعنی نباید کاتب و شاهد در این میان متحمل ضرر و زیانی شوند که لازمه آن جبران خسارتهای ایشان است. مثل بیکاری، کرایه رفت و آمد و ... .

۵۰ جبران نکردن خسارتهایی که بر کاتب و شاهد از ناحیه کتابت و شهادت وارد می شود، موجب فسق و انحراف از حق

و لا یضارَ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن <لا یضار>، مقصود از <ضرر>، ضررهای ناشی از <کتابت> است. یعنی اگر ضرری متوجه کاتب و شاهد گردید و خسارتهای ایشان را جبران نمودید، از حق منحرف شده اید و فاسق گشته اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۰

۱۰ حرمت کتمان شهادت

و لا تکنموا الشَّهاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ شهادت آدمی، علیه پدر، مادر و دیگر خویشاوندان، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۴

۴ لزوم رعایت قسط و عدالت به هنگام ادای شهادت

کونوا قومین لله شهداء بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۷،۲۰،۱۰،۹،۸

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تجسسونهما من

## بعد الصلوه فيقسمان بالله

جمله <تجسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

و اءاخرا من غير کم .. . تجسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله ان ارتبتم

جمله <تجسونهما .. .> می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخرا من غير کم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <و اءاخرا من غير کم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد. منوط به سوگند است.

ذو عدل منکم او اءاخرا من غير کم .. . تجسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تجسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۷ شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و

یا خویشاوندی، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی .. إنا اذا لمن الاثمين

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

۲۰ اداء شهادت به درستی و راستی، تکلیفی الهی بر عهده شاهدان

و لانکتّم شهده الله

اضافه <شده> به <الله> می تواند به منظور رساندن این حقیقت باشد که شهادت حقی از حقوق الهی است و بندگان موظف به ادای آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱،۴

۱ شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عثر علی انهما استحقا اثمًا فاخران یقومان مقامهما

عَثْرٌ و عَثُورٌ مصدر عَثِرَ به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و <استحقا> باب استفعال از <حق> می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از <استحقا> اراده شده است. بنابراین جمله <فان عثر...> یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ...

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل

آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقاقاً> گفته شده <من الذین استحق...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۷

۷ تقوای پیشگی اجرا کنندگان احکام شهادت و تسلیم بودن آنان در برابر احکام الهی ایشان را به اثبات و ایفای حقوق مردم به طور صحیح می رساند .

و اتقوا الله و اسمعوا

در برداشتهای گذشته مخاطبان <اتقوا و اسمعوا> شاهدان گرفته شده بود ولی احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه مخاطبان در این دو فراز حاکمان و قاضیان که متصدیان اجرای احکام هستند، باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ تصدیق کردن و همگام شدن با شهادت دهندگان نابحق، حرام است.

فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذین کذبوا بآیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۷

۷ گواهی شهود عینی ، طریقی معتبر برای اثبات مدعا

وسئل القریه .. والعیر التی أقبلنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۲، ۱۱، ۷

۷- اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان ، در تمامی صحنه های گواهی

والذين يرمون المحصنت .. . ولا تقبلوا لهم

۱۱ - شهادت و گواهی انسان فاسق ، در نظام قضایی اسلام هرگز پذیرفته نمی شود .

و لاتقبلوا لهم شاهده ابدأ و أولئك هم الفسقون

برداشت فوق، مبتنی براین نکته است که جمله <و أولئك هم الفاسقون> در مقام تعلیل و بیان فلسفه حکم پذیرفته نشدن شهادت نسبت دهندگان زنا باشد، یعنی، چون آنان فاسق اند، گواهیشان مورد قبول نیست. بنابراین گواهی هیچ فاسقی پذیرفتنی نخواهد بود.

۱۲ - پذیرش شهادت شاهد ، مشروط به عادل بودن او است .

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شاهده ابدأ و أولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۴

۴ شهادت و گواهی باطل و دروغ ، ممنوع است .

و الذین لایشهدون الزور

اخلاص در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۷

۷ ادای شهادت ، باید بر اساس حق ، به خاطر خدا و تقرب به او باشد .

يأیها الذین ءامنوا كونوا قومین بالقسط شهداء لله

حرف لام در <لله> برای غایت است و دلالت می کند که شهادت باید برای خدا باشد نه برای دستیابی به اغراض دنیوی.

اخلاص در گواهی طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۷

۷- گواهی شاهدان در امر طلاق زنان و یا رجوع همسران به آنان ، باید برای خدا و خالصانه و به دور از چشمداشت مادی باشد .

و أقيموا الشهده لله

ادای گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره -



۳۵ ثبت دیون و مدّت آن و ثبت حقوق کم باشد و یا زیاد ، از عادلانه ترین اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین چیز برای اقامه شهادت

ذلکم اقسط عند الله و اقوم للشّهاده

۳۸ تأمین و گسترش عدالت ، تحکیم در ادا و اقامه شهادت و پیشگیری از بروز شک و بدبینی ، از جمله حکمت های لزوم ثبت و تنظیم اسناد مبادلاتی

ذلکم اقسط عند الله . . . و ادنی الا ترتابوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۸،۱۶،۲۰

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله <تحبسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله . . . إنا اذا لمن الاثمین

۲۰ اداء شهادت به درستی و راستی ، تکلیفی الهی بر عهده شاهدان

و لانکتّم شهده الله

اضافه <شده> به <الله> می تواند به منظور رساندن این حقیقت باشد که شهادت

حقی از حقوق الهی است و بندگان موظف به ادای آن هستند.

ادای گواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۳ - ۱

۱ - ادای شهادت و گواهی ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم بشهدتهم قائمون

ارزش گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر ( ص ) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامننا فاکتبتنا مع الشهدین

اسلام در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۵،۶

۵ نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل ، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفاره آن

یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در <به> به <مثل> بر می گردد از کلمه <ذوا> که تثنیه ذواست مرد بودن و دو نفر بودن به دست می آید و از <منکم> مسلمان بودن آنها معلوم می شود.

۶ اعتبار نظر و گواهی دو مرد مسلمان و عادل در تعیین موضوعات

یحکم به ذوا عدل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲،۴

۲ ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل ، توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یا ایها الذین ءامنوا شهدہ بینکم .. حین الوصیہ اثنان ذوا عدل منکم

۴ شہادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شہدہ بینکم .. حین الوصیہ اثنان ذوا عدل منکم

اعتبار

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخرا من غیر کم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

جمله < تحبسونهما .. > می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان < ذوا عدل منکم > و < ءاخرا من غیر کم > باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی < و ءاخرا من غیر کم > گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد. منوط به سوگند است.

ذو عدل منکم او ءاخرا من غیر کم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله < تحبسونهما > ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

اعتماد به گواهی خدا

۱۳- ایمان به خداوند، مقتضی اعتماد کامل بر وعده ها و گواهی او \*

و کفی بالله شهیداً

خداوند، پس از وعده به پیروزی اسلام بر سایر ادیان، فرمود: < و کفی .. >. این جمله ممکن است بیانگر این باشد که اگر شما به مقام الوهیت ایمان دارید، لازمه آن، اعتماد به گواهی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۵

۵ حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

<اولیان> صیغه تفضیل و به معنای سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریق دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

اهمیت گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۵

۱۵ - از امام کاظم (ع) روایت شده که فرمود: >... و ان سئلت عن الشهاده فاشهد بها ، و هو قول الله عز و جل ... و من أظلم ممن کتم شهاده عنده من الله ... ;

اگر از تو از شهادتی که [آن را تحمل کرده ای] سؤال شد، پس شهادت بده و این سخن خدای عز و جل است: و من أظلم ممن کتم شهاده عنده من الله ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۶

لزوم حفظ و مصونیت نویسنده و گواهان بر مبادلات از زیان

و لا یضارَ کاتب و لا شهید

بنابراینکه <لا یضار> مجهول باشد و <کاتب> و <شهید> نایب فاعل.

اهمیت گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۰، ۱۴، ۱۱، ۸

۸ لزوم ادای شهادت به حق، گرچه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <ولو علی أنفسکم> کلمه <بالحق> گرفته شده است.

۱۱ لزوم شهادت به حق، بدون در نظر گرفتن فقر و غنای افراد

کونوا قومین بالقسط شهداء لله .. ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

۱۴ ترحم به فقیران و بیزاری از ثروتمندان و یا بی اعتنایی به فقیران و طمع به ثروتمندان، نباید مؤمنان را از شهادت به حق بازدارد.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله .. ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

شهادت درباره فقیر و ثروتمند چهار صورت دارد: یا شهادت علیه ثروتمند است به خاطر گرایش ضد استکباری، یا به نفع اوست به خاطر طمع یا ترس، یا علیه فقیر است به خاطر بی اعتنایی به او، و یا به نفع اوست به خاطر ترحم و گرایش به مستضعفان، خداوند دخالت دادن این موارد را در ادای شهادت ممنوع دانسته است.

۲۰ مقدم داشتن مصالح خویش، والدین و بستگان بر

شهادت به حق ، هواپرستی و عدالت شکنی است .

كونوا قومين بالقسط شهداء لله و لو على أنفسكم .. فلا تتبعوا الهوى

اهمیت گواهی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۴

۱۴- تنها مسلمانان دارای حق حضور و گواهی بر اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا .. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

از این که خداوند حضور مؤمنان را لازم دانسته است (من المؤمنین) نه عموم مردم را (من الناس)، به دست می آید که گواهان و حاضران صحنه اجرای حدود، باید از مسلمانان باشند نه از غیر آنان.

ایمان در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۶

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان بالله ان ارتبتم .. لانکتهم شهده الله

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از <ءاخران من غیرکم > غیرمسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

بلوغ در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۲

۲۲ بلوغ ، شرط گواهان بر دین و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم

کلمه <رجل> (مرد) و <امرأه> (زن) ظهور در افراد بالغ دارد.

بی ارزشی گواهی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۷

۷ - اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان، در تمامی صحنه های



## گواهی

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شهده ابداً

بی اعتباری گواهی جعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۶

۶ اگر مدعیان تحریمهای بی اساس، گواه و شاهی ساختگی نیز بر مدعای خود اقامه کنند، نباید مورد تصدیق قرار گیرند.

قل هلم .. فان شهدوا فلا تشهد معهم

بی گواهی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۴

۴ - مشرکان، از ارائه هر گونه شاهد عقلی و نقلی چه از این جهان و چه از عالم غیب بر راستی و درستی آیین شرک ناتوان اند.

أفنجعل المسلمین کالمجرمین .. أم لکم کتب فیه تدرسون ... أم لهم شرکاء ... أم عن

از مجموع آیات مربوط به مشرکان که به صورت پرسش و درخواست از آنان برای ارائه دلایل درستی آیین خویش مطرح شده است برداشت یاد شده به دست می آید.

بی گواهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۴

۴ - مشرکان، از ارائه هر گونه شاهد عقلی و نقلی چه از این جهان و چه از عالم غیب بر راستی و درستی آیین شرک ناتوان اند.

أفنجعل المسلمین کالمجرمین .. أم لکم کتب فیه تدرسون ... أم لهم شرکاء ... أم عن

از مجموع آیات مربوط به مشرکان که به صورت پرسش و درخواست از آنان برای ارائه دلایل درستی آیین خویش مطرح شده است برداشت یاد شده به دست می

آید.

تقرب در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۷

۱۷ ادای شهادت ، باید بر اساس حق ، به خاطر خدا و تقرب به او باشد .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ

حرف لام در <لله> برای غایت است و دلالت می کند که شهادت باید برای خدا باشد نه برای دستیابی به اغراض دنیوی.

حتمیت گواهی اخروی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۲

۲ - گواهی پیامبران در عرصه قیامت بر امت های خویش ، امری قطعی و تخلف ناپذیر است .

وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتْ

حرمت تصدیق گواهی ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ تصدیق کردن و همگام شدن با شهادت دهندگان ناحق، حرام است.

فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا

حرمت تغییر گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۸

۲۸ کتمان شهادت و تغییر آن ، حرام و امری ناروا در ادیان الهی

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی و لانکنتم شهده الله إنا اذاً لمن الاثمین

جمله <انا اذاً ..> سخنی است که شاهدان غیر مسلمان نیز باید آن را در پایان سوگند خویش بیان دارند و در حقیقت اعتراف کنند که در صورت کتمان شهادت گنهکار هستند و این نشان می دهد که پیروان دیگر ادیان الهی نیز شهادت های دروغین را حرام و ناروا می دانند.

## حرمت کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۸

۲۸ کتمان شهادت و تغییر آن ، حرام و امری ناروا در ادیان الهی

لانشتري به ثمناً و لو كان ذا قربي و لانكتم شهده الله إنا اذاً لمن الاثمين

جمله <انا اذاً ..> سخنی است که شاهدان غیر مسلمان نیز باید آن را در پایان سوگند خویش بیان دارند و در حقیقت اعتراف کنند که در صورت کتمان شهادت گنهکار هستند و این نشان می دهد که پیروان دیگر ادیان الهی نیز شهادت های دروغین را حرام و ناروا می دانند.

### خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۲،۱۶،۱۷،۱۸،۲۳

۱۲ نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحيات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فيقسمان بالله .. إنا اذاً لمن الاثمين

۱۷ شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و یا خویشاوندی ، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتري به ثمناً و لو كان ذا قربي .. إنا اذاً لمن الاثمين

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله

عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی

۲۳ دستیابی به منافع شخصی و یا نفع رسانی به خویشان با خیانت و شهادت گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی .. إنا اذاً لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۹

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله إنا اذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۳،۱۰

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوای پیشگی آنان است .

ذلك ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها .. و اتقوا الله و اسمعوا

۱۰ خیانت در شهادت و سوگند دروغ ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

فان عثر علی انهما استحقا .. و الله لایهدی القوم الفسقین

درخواست گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۶

۶- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر ( ص )

أو تأتي بالله و الملائکه قبیلاً

<قبیلاً> به معنای <مقابله> (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

درخواست گواهی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- کافران مکه ، از پیامبر ( ص ) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

<لو ما> مانند <هلا> و <لولا> برای تحضیض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۶

۶- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر ( ص )

أو تأتي بالله و الملكة قبلاً

<قبلاً> به معنای <مقابله> (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

ذکر گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۷

۱۷ یعقوب ( ع ) برای واداشتن فرزندانش به پابندی به سوگند و پیمانشان ، آنان را متوجه نظارت و شهادت خدا کرد .

الله علی ما نقول وکیل

از جمله <الله ..> در صورتی که آن را جمله ای خبری بدانیم ، برداشت فوق استفاده می شود.

زلیخا و گواهی زنان اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف ( ع ) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق



<حصصه> (مصدر حصص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زمینه گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره -

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت ( عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و ... ) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلك ادنى ان یأتوا بالشهده على وجهها

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت ( نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران ) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در < یخافوا > و < ایمنهم > به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین < ترد ایمن > بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین < او یخافوا ان ترد... > یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

۴ رعایت تقوا و ترس از خدا ، ضامن ادای شهادت به درستی و راستی است .

ان یأتوا بالشهده على وجهها .. و اتقوا الله

زمینه گواهی ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ خودخواهی ، وابستگی فامیلی و ملاحظه فقر و غنای افراد ، ریشه بسیاری از بی عدالتی ها و شهادت های نابحق و تهدیدی برای عدالت اجتماعی است .

کونوا .. شهداء لله و لو على أنفسکم او الولدین و الاقرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ پیروی از هواهای نفسانی زمینه ساز شهادت نابحق است.



فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذين كذبوا

سوگند به گواهی گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد نه مشاهده و نظارت، کلمه <مشهود> نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد <مشهود به > است.

شرایط اعتبار گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۶

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان بالله ان ارتبتم . . . لانکتتم شهده الله

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از <ءاخران من غیرکم > غیرمسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

شرایط گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۷

۷ ادای شهادت ، باید بر اساس حق ، به خاطر خدا و تقرب به او باشد .

يأيتها الذين آمنوا كونوا قويمين بالقسط شهداء لله

حرف لام در <لله > برای غایت است و دلالت می کند که شهادت باید برای خدا باشد نه برای دستیابی به اغراض دنیوی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۹

۹ لزوم ادای شهادت بر اساس علم و آگاهی

و لکن الله یشهد .. أنزله بعلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۴

۴ لزوم رعایت قسط و

عدالت به هنگام ادای شهادت

کونوا قومین لله شهداء بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۲

۱۲ - پذیرش شهادت شاهد ، مشروط به عادل بودن او است .

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شهده أبداً و أولئک هم الفسقون

شرایط گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت ( عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و ... ) بهترین قوانین و شرایط برای

تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

شگفتی گواهی اخروی پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۳

۳ - گواهی پوست بدن گناه کاران علیه آنان در قیامت ، امری شگفت و دور از انتظار برای ایشان

و قالوا لجلودهم لِمَ شهدتم علینا

استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند در مقام تعجب و شگفتی باشد.

صحت گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عُثر> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

عدالت در

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۲۳، ۶، ۵، ۴

۴ لزوم رعایت قسط و عدالت به هنگام ادای شهادت

کنونا قومین لله شهداء بالقسط

۵ شهادت به قسط ، در گرو عادت آدمی به انجام اعمال برای خداوند است .

کنونا قومین لله شهداء بالقسط

تقدیم ذکری <قومین> بر <شهداء> اشاره به این حقیقت دارد که شهادت به قسط، متفرع بر قیام لله است.

۶ شهادت به قسط و تلاش در جهت برپایی عدالت ، باید برای جلب رضایت خداوند باشد . \*

کنونا قومین لله شهداء بالقسط

در برداشت فوق کلمه <لله> برای <شهداء>، به قرینه <قومین لله>، در تقدیر گرفته شده است.

۲۳ اعتقاد به آگاهی خدا از اعمال انسان ، زمینه قیام برای خدا ، شهادت به قسط ، اجرای عدالت و تحصیل تقواست .

کنونا قومین لله شهداء بالقسط .. و اتقوا الله إن الله خبير بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۴

۴ قیام برای خدا ، شهادت به قسط و اجرای عدالت ، از مصادیق عمل صالح

کنونا قومین لله شهداء بالقسط .. و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۶، ۵

۵ نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل ، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفاره آن



یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در <به> به <مثل> بر می گردد از کلمه <ذوا> که تشبیه ذواست مرد بودن و دو نفر بودن به دست می آید و از <منکم> مسلمان

بودن آنها معلوم می شود.

۶ اعتبار نظر و گواهی دو مرد مسلمان و عادل در تعیین موضوعات

یحکم به ذوا عدل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲،۴

۲ ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل ، توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یا یها الذین ءامنوا شهده بینکم .. حین الوصیه ائتان ذوا عدل منکم

۴ شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شده بینکم .. حین الوصیه ائتان ذوا عدل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۸

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان بالله .. ما اعتدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت ( عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و ... ) بهترین قوانین و شرایط برای

تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۳

۱۳ انسان باید به هنگام سخن گفتن (شهادت دادن، داوری کردن و ...) به عدالت سخن گوید.

و إذا قلمت فاعدلوا

جمله <ولو كان ذاقربی> می تواند بیانگر این باشد که مراد از سخن در اینجا سخنی است که زمینه نفع و ضرر را

برای خود و یا دیگران در بر داشته باشد<sup>۲</sup> مانند شهادت، داوری و ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۲

۱۲ - پذیرش شهادت شاهد، مشروط به عادل بودن او است .

والذین یرمون المحصنت ... و لاتقبلوا لهم شهده أبداً و أولئك هم الفسقون

علم در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۹

۹ لزوم ادای شهادت بر اساس علم و آگاهی

و لكن الله یشهد .. أنزله بعلمه

غفلت از گواهی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۲

۲ - غفلت انسان از شهادت اعضا و جوارح ، عامل جرأت وی بر گناه و معصیت

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

فضیلت ادای گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۳ - ۲

۲ - ادای شهادت و گواهی ، اقدامی شایسته و بایسته

و الذین هم بشهدتهم قائمون

## فضیلت گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۷

۷ پیامبری ، صدیق ، شاهد و صالح بودن ، مقامی رفیع و نعمتی بزرگ \*

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين . . . و الصالحين

بنابراین احتمال که مراد از نعمت در <انعم الله عليهم>، همان مقام نبوت و . . . باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۴ نبوت ، صداقت کامل ، گواه بودن بر اعمال بندگان و صالح شدن ، تفضل خاص الهی

فاولئک .. ذلك الفضل من الله

فلسفه گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت با وجود آگاهی بر اعمال گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

كان الله بهم عليماً .. فكيف اذا جئنا ... و جئنا بك على هؤلاء شهيداً

فهم گواهی تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۷

۷ برخورداران از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ، به خوبی درمی یابند .

أفمن كان على بينة من ربه .. ومن قبله كتب موسى

قبول گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۱

۱۱- شهادت گواهان در قیامت ، خدشه ناپذیر و غیر قابل ردّ است .

و يوم نبعث من كل أمة شهيداً ثم لا يؤذن للذين كفروا

کافران صدر اسلام و گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۲

۱۲ - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۴

۴ زنان مطلقه نباید به منظور کم و زیاد کردن مدّت عدّه خویش ، جنین و یا حیض خود را کتمان کنند .

و لا يحلّ لهنّ ان يكتمن ما خلق الله في ارحامهنّ

کلمه <ما خلق> دارای مفهومی وسیع است که می تواند شامل هر نوع خلقی شود که تأثیر در مدّت عدّه دارد؛ همانند جنین، حیض و طهر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۷

۱۰ حرمت کتمان شهادت

و لا تكتنوا الشّهاده

۱۱ قلب های گناهکار ، سرچشمه ای برای کتمان شهادت

و من يكتمها فانه اثم قلبه

۱۲ کتمان شهادت ، گناهی است قلبی .

و من يكتمها فانه اثم قلبه

۱۴ هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و کتمان کنندگان شهادت

فليؤدّ الذی اوّتمن امانته .. و لا تکتنوا الشّهاده ... و اللّٰه بما تعملون علیم

۱۷ کتمان شهادت ، حاکی از کفر قلب کتمان کننده است .

و لا تکتنوا الشّهاده و من يکتمها فانه اثم قلبه

امام باقر (ع) درباره <فانه اثم قلبه> فرمود: کافر قلبه



---

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵، ح ۵ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۱۲۰۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۵

۲۵ خداوند آگاه به شهادت های دروغ و نابحق مردم و دانا به کتمان شهادت ، از سوی آنان

و إن تلوا او تعرضوا فإنَّ الله كان بما تعملون خبيراً

<تلوا> از <لوی لسانه> (زبانش را منحرف کرد) گرفته

شده و متعلق آن به قرینه <شهداء لله> شهادت می باشد و انحراف زبان، کنایه از دروغ گفتن است.

کفایت گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۶

۶ گواهی خداوند بر هر امری در اثبات آن کافی و تمام است .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۲

۲- خداوند ، گواه و ناظری کافی میان پیامبر ( ص ) و مشرکان

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۱

۱ - پیامبر ( ص ) ، موظف بود که کفایت گواهی خداوند را میان او و معجزه خواهان کافر ابلاغ کند .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خداوند ، شاهی کافی برای داوری میان حق و باطل

قل .. کفی به شهیداً بینی و بینکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد آیه است.

کفایت گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ شهادت و گواهی عالمان به قرآن ، بر حقیقت رسالت پیامبر ( ص ) در اثبات آن کافی و تمام است .

کفی بالله .. و من عنده علم الکتب

<من عنده .. > عطف بر <الله> است و در حقیقت فاعل برای <کفی> می باشد ؛ یعنی: <کفی

بمن عنده علم الكتاب شهيداً >.

کیفر گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۶

۲۶ شهادت دهندگان به دروغ و ترک کنندگان شهادت حق ، مورد تهدید خدایند .

و إن تلوا او تعرضوا فإن الله كان بما تعملون خبيراً

بیان آگاهی خداوند به شهادتهای دروغ و ترک شهادت حق، کنایه از تهدید و عذاب الهی است.

کیفیت گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان بالله ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی

ضمیر در <به> به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در <كان> به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان بالله . . . و لانکتُم شهده الله

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله . . . إنا اذا لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۶،۷،۸،۹

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای

ارزش قانونی است .

فیقسمان بالله

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان بالله لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افضل تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر...> دلالت بر این تفسیر دارد.

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان بالله .. ما اعتدینا

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله إنا اذا لمن الظلمین

گناه خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۷

۲۷ خیانت در شهادت ، گناه است .

لانشری به ثمناً .. إنا اذا لمن الاثمین

گناه کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۴

۲۴ شاهدان رسمی در صورت کتمان شهادت از زمره گنهکارانند .

ولانکتّم شهده الله إنا اذا لمن الاثمین

گناه گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲۱،۲۲

۲۱ - > قال رسول الله (ص) خطيباً . فقال : يا أيها الناس عدلت شهادة الزور إشراكاً بالله ثلاثاً ، ثم قرأ : > فاجتنبوا الرجس

من الأوثان واجتنبوا قول الزور > ;

رسول خدا(ص) ضمن خطبه ای سه دفعه فرمود: ای مردم! شهادت زور (دروغ)، معادل شرک به خدا است. سپس آیه <فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور> را قرائت فرمود.

۲۲ - <دخل عمرو بن عبيد على الصادق (ع) . . . وقال : أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله فقال : . . . إن الكبائر . . . و قول الزور > و اجتنبوا قول الزور < . . . ;

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد. . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب الله بشناسم. آن حضرت فرمود: ... [از جمله] گناهان کبیره... قول زور است > [چون در کتاب الله آمده است: <واجتنبوا قول الزور>...].

گناه گواهی ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۲

۲ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، گناه است .

فان عثر على انهما استحقا اثماً

مراد از <اثماً> به قرینه <انا اذاً لمن الاثمين> شهادتهای دروغین است.

گواهی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۱۲

۱۲- حضرت ابراهیم (ع) بر صحت عقاید توحیدی خویش گواهی داد و خود را به آثار و پیامدهای این عقیده ، ملتزم و متعهد دانست .

و أنا على ذلكم من الشهدین

گواهی اخروی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۹

۹ - اصحاب اخدود در قیامت ، بر کردار خویش شهادت خواهند داد .

و هم علی

ما يفعلون بالمؤمنين شهود

آیات <و اليوم الموعود> و <و شاهد و مشهود> در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

گواهی اخروی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان <افك> به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افك> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت خداوند است .

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ... يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ ه

جمله <و يعلمون...> عطف بر <يُوَفِّيهِمُ> است و مقصود از <يَوْمَئِذٍ> به قرینه آیه قبل (یوم تشهد...) - همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند. بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ - آگاهی و شهادت

اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا .. و هو خلقکم أول مرّه و إليه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <و هو خلقکم ..> ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

گواهی اخروی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۷، ۱۴

۷ - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه <فکیف إذا جئنا من کلّ أمّه بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً (نساء(۴)، ۴۱) گواهی دادن آنان است.

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت ، وقت تعیین شده برای حضور پیامبران جهت گواهی بر امت های خویش

و إذا الرسل أقتت

مقصود و مفاد این آیه برابر نظر بیشتر مفسران فرارسیدن زمان وعده الهی مبنی بر گواهی پیامبران بر امت های خویش در عرصه قیامت است ، مانند <فلنسلنّ الذین أرسل إلیهم و لنسلنّ المرسلین > (اعراف، آیه ۶).

گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱، ۲

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه

## آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

۲ - اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پای ) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را باز گفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۳

۳ - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

گواهی اخروی پای قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إِنَّ الذین یرمون المحصنات ... یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

گواهی اخروی پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۳

۳ - گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء الله ... شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - گلايه دشمنان خدا، در قيامت، از پوست بدن خود به خاطر شهادت عليه ايشان

و قالوا لجلودهم لم شهدتم علينا

<لِمَ> مرکب از لام علت و ماى استفهاميه

است. استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند توییخی باشد که در این صورت حاکی از اعتراض، گلایه و سرزنش است.

گواهی اخروی چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۸

۸- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إِن السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۳

۳ - گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء الله .. شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

گواهی اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۵

۵ گواهی خداوند در قیامت ، گواهی کامل و بی نیاز کننده از گواهی دیگران است .

فكفى بالله شهيداً بیننا و بینکم إن كنا عن عبادتکم لغفلین

گواهی اخروی دست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

يوم تشهد عليهم ألسنتهم و أيديهم و أرجلهم

۲ - اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پای ) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را



بازگفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۳

۳ - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلمنا أیدیههم و تشهد أرجلهم بما كانوا یکسبون

گواهی اخروی دست قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إنّ الذین یرمون المحصنت ... یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

گواهی اخروی زبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیههم و أرجلهم

۲ - اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پای ) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

گواهی اخروی زبان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْسِنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

گواهی اخروی علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۷

۷- صحنه های شهادت علیه کافران در قیامت ، منظره هایی دشوار و هلاکت آفرین خواهد بود .

فویل للذین كفروا من مشهد یوم عظیم

<مشهد> ممکن است اسم مکان به معنای محل شهادت باشد. حرف <مِنْ> دلالت دارد که همان مکان شهادت منشأ <ویل> برای کافران است، بنابراین باید گفت صحنه های شهادت علیه آنها، مرگ آفرین و عذاب ساز است، به گونه ای که اگر در قیامت مرگ کسی امکان پذیر بود، آنان جز هلاکت و ویل سرنوشتی نداشتند.

گواهی اخروی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۸

۸- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

گواهی اخروی گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۸

۸- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع و البصر و الفؤاد كلّ أولئك كان عنه مسؤولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از

مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۳

۳ - گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء الله .. شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

گواهی اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۶

۶ - پیامبر ( ص ) ، شاهد و ناظر بر تمامی امت ها در قیامت \*

و تری کلّ أمّه جائیه

برداشت بالا بدان احتمال است که خطاب <تری> اختصاص به شخص پیامبر(ص) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۱

۱ - گواهی پیامبر ( ص ) ، بر تمامی حرکات و رفتار های امت خویش در قیامت

إنا أرسلنا إليك رسولا شهيدا عليكم

گواهی اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۱ - ۶

۶ - گواهی ملائکه در قیامت ، به این که مشرکان جن پرست بوده اند .

و یوم یحشرهم .. یقول للملائکه ... قالوا ... بل كانوا یعبدون الجنّ

گواهی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۰

۱۰ - اصحاب اخدود ، در ماجرای سوزندان مؤمنان ، مراقب و گواه کار یکدیگر بودند . \*

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

شاهد بودن اصحاب <اخدود> ممکن است به این منظور باشد که هر

یک، بر انجام صحیح مأموریت دیگری نظارت داشته و نزد حاکمان به آن گواهی دهد.

گواهی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - < عن أبي جعفر (ع) : ... قال الله عزوجل : ... يوم تشهد عليهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا يعملون > و لیست تشهد الجوارح علی مؤمن ، إنما تشهد علی من حقت علیه کلمه العذاب ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. خدای عزوجل فرمود: <یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا يعملون > [و توضیح آن که:] این گونه نیست که جوارح علیه مؤمنی شهادت بدهد؛ همانا شهادت جوارح علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۱

۱ - کفرپیشگان و گنه کاران ، غافل از آگاهی و نظارت اعضا و جوارح بر اعمالشان

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

<أن یشهد> به تقدیر <مخافه> (برای ترس) است. بنابراین مفاد <ما کنتم...> این است که شما برای ترس از شهادت گوش، چشم و پوستتان خود را مخفی نمی کردید؛ زیرا غافل بودید و نمی دانستید که آنها شاهد بر اعمال شما هستند.

گواهی امت وسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۹

۲۹ - رسول خدا (ص) فرمود : < یدعی نوح یوم القیامه فیقال له :

هل بلغت؟ فيقول: نعم، فيدعى قومه فيقال لهم هل بلغكم؟ فيقولون: ما أتانا من نذير و ما أتانا من أحد، فيقال لنوح: من يشهد لك؟ فيقول: محمد (ص) و أمته، فذلك قوله: < و كذلك جعلناكم أمة وسطاً > قال: و الوسط العدل فتدعون فتشهدون له بالبلاغ...؛

روز قیامت نوح(ع) دعوت به حضور می شود و به او گفته می شود: آیا رسالت خود را ابلاغ کردی؟ می گوید: آری پیش قومش دعوت می شوند و از آنان سؤال می شود: آیا به شما [رسالتش] را ابلاغ کرده است؟ آنان می گویند: ما را بیم دهنده ای نیامد. پس به نوح گفته می شود: چه کسی به نفع تو شهادت می دهد؟ پس وی می گوید: محمد(ص) و امتش؛ و این است سخن خداوند: شما را امت وسط قرار دادیم. رسول خدا فرمود: مراد از وسط، عدل است. پس شما (مسلمانان) دعوت می شوید و به نفع او شهادت به ابلاغ رسالت می دهید ... <

گواهی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱

۱ هر امتی گواه و ناظری بر اعمال خویش به همراه دارد .

فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید

گواهی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ انبیا و اوصیا ، صاحبان علم و گواهان توحید

شهد الله انه لا اله الا هو و الملئکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

امام



باقر (ع): .. اما قوله <و اولوا العلم قائماً بالقسط> فان اولى العلم الانبياء و الاوصياء ...

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۳

۲۳ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز \*

و اشهد بانأ مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۷

۷ حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره در دنیا و آخرت، همراه گواهان (انبیاء) باشند.

فاکتبنا مع الشاهدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۹، ۲۰

۱۹ خداوند و انبیا، گواهان بر میثاق الهی در مورد ایمان آوردن به انبیا و یاری کردن آنان

و انا معکم من الشاهدين

۲۰ به گواه گرفتن انبیا بر حقایق پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند، و گواهی خداوند همراه آنان بر این حقایق

ثم جاءكم رسول .. قال فاشهدوا و انا معکم من الشاهدين

بنابراینکه مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۳

۳ پیامبران ، گواهان امت های خویش

فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

برداشت فوق را فرمایش علی (ع) تأیید می کند که در ضمن بیان مواظن محشر فرمود: .. فبقوم الرسل (ع) فیشهدون فی هذه المواظن فذلک قوله: <فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید>.

---

توحید

صدوق، ص ۲۶۱، ج ۵، ب ۳۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۱، ح ۲۵۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۷

۷ پیامبران ، شاهدان محکمه الهی در قیامت

و يوم القيمة يكون عليهم شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۰

۲۰ حراست و نگهبانی از کتب آسمانی و شهادت بر حقانیت آن ، مسؤولیت انبیای الهی \*

يحکم بها النبیون . . . بما استحفظوا من کتب اللّٰه و كانوا علیه شهداء

بنابر اینکه ضمیر در <استحفظوا> به <النبیون> نیز برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۱۱

۱۱ پیامبران به هنگام حضور در میان امت های خویش ، گواه و ناظر بر اعمال و عقاید آنان

و كنت عليهم شهيداً مادمت فيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۶

۶ - رسولان الهی ، خود بهترین گواه وصول هدایت به خلق و اتمام حجت بر آنان \*

إنا أرسلناك شهيداً

<شاهداً> ممکن است نظر به شهادت بر اصل پیام رسانی به خلق و فرستادن رسول داشته باشد و قید محذوف از فعل

<أرسلناك> استفاده می شود.

گواهی انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمن انطاکیه ( حبیب نجار ) ، پیامبران آن دیار را بر ایمان استوارش به خدای یکتا ، به گواهی گرفت .

إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ

خطابِ <فاسمعون> بر مبنای این که

مخاطبان آن پیامبران باشند به این منظور ایراد شده است تا پیامبران انطاکیه را بر ایمان آوردن خود به پروردگار شاهد بگیرد.

گواهی انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۹

۹ گواهی تمامی پیامبران یهود بر حقانیت تورات

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم مصداقاً لما بین یدیہ من التوریه

توصیف عیسی (ع) به تصدیق کننده تورات، پس از بیان پیروی آن حضرت از پیامبران یهود، بیانگر آن است که آنان نیز مصدق تورات بوده اند.

گواهی انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ گواهی و تأیید انجیل بر راستی و درستی تورات موجود در عصر عیسی (ع)

و ءاتینه الانجیل . . . مصداقاً لما بین یدیہ من التوریه

۱۳ وجود انجیل ، گواه بر راستی و درستی تورات

و ءاتینه الانجیل . . . و مصداقاً لما بین یدیہ من التوریه

گواهی اوصیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ انبیا و اوصیا ، صاحبان علم و گواهان توحید

شهد الله انه لا اله الا هو و الملكة و اولوا العلم قائماً بالقسط

امام باقر (ع): ... اما قوله < واولوا العلم قائماً بالقسط > فان اولى العلم الانبياء و الاوصياء ...

---

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۱۸؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶۶.

گواهی ائمه (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۸

۲۸ - از امام صادق

(ع) درباره سخن خدای تبارک و تعالی که می فرماید : < و كذلك جعلناكم أمه وسطاً لتكونوا شهداء على الناس > روایت شده که فرمود : < نحن الشهداء على الناس بما عندهم من الحلال و الحرام و ماضعوا منه ;

ما (ائمه) شاهد حلال و حرام و آنچه مردم از آن ضایع می کنند، هستیم.>

گواهی بر پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۹،۱۳

۹ شهادت بر پاکی و پیراستگی انسان از ناپاکی ها ، از شؤن خداوند است .

بل الله يزكي من يشاء

بنابر اینکه <يزكي> از <تزکيه> به معنای پاک دانستن و نسبت طهارت دادن باشد.

۱۳ شهادت خدا بر پاکی و طهارت انسان و نیز ملاک های تعیین شده از سوی او برای پیراستگی ، گزاف و بدون دلیل نیست .

بل الله يزكي من يشاء و لا يظلمون فتیلا

گواهی بر حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامننا فاکتبنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۳،۴

۳ آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح شده در این آیه



شرایطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

۴ ظهور خداوند برای تصدیق قرآن و بیان پیامهای خویش به طور مستقیم، ناممکن است.

هل ينظرون إلا أن .. يأتي ربك

<إتيان> در جمله <یأتی ربک> به معنای ظاهر شدن و آشکار گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۷

۷ برخورداران از بصیرت الهی، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را، به خوبی درمی یابند.

أفمن كان على بينة من ربه..ومن قبله كتب موسى

گواهی بر حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامننا فاكتمنا مع الشهيدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۶، ۷

۷ گواه طلبی مشرکان از پیامبر(ص) در تأیید رسالت آن حضرت\*

قل أي شيء أكبر شهده قل الله شهيد بيني وبينكم

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر(ص)

قل الله شهيد بيني وبينكم و أوحى إليّ هذا القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۵

۵ اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر (ص) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا علیهم کل شیء قبل ما کانوا لیؤمنوا

<قبلا>

در این برداشت جمع <قبیل>، به معنی دسته و صنف گرفته شده است. <و القبیل الجماعه ... من اقوام شتی>. (قاموس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۶

۶- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر ( ص )

أو تأتي بالله و الملائكة قبيلاً

<قبیلاً> به معنای <مقابله> (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

گواهی بر دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۲،۳،۴

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنك سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنك سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنك سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنك سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح

لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

گواهی بر ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۵

۵ خداوند پس از شناساندن خود به انسان ها از آنان خواست تا بر ربوبیت خدا و عبودیت خویش گواه باشند .

و أشهدهم علی أنفسهم ألت بریکم

گواهی بر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۵،۴

۴ - پذیرش نسبت زنا به زنان پاکدامن در گرو ارائه چهار شاهد مرد از سوی شخص نسبت دهنده است .

و الذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

<شهداء> جمع <شاهد> است و <شاهد> مفرد مذکر می باشد. بنابراین <أربعة شهداء> به معنای چهار مرد ناظر می باشد. گفتنی است ذکر <أربعة> با تایی تأنیث نیز شاهد بر مطلب فوق است زیرا اعداد از سه تا ده در زبان عرب، در مذکر با تایی تأنیث و در مؤنث بدون <تاء> به کار می رود.

۵ - اثبات زنا، در گرو شهادت چهار مرد ناظر بر آن کردار ناپسند است .

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که محکومیت به کیفر <قذف>، در صورتی است که چهار شاهد مرد ارائه نشود. بنابراین اگر چهار مرد شهادت بدهد، زنا ثابت خواهد شد.

گواهی بر عفت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۴

۴ - گواهی خداوند ، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الَّتِي

أحصنت فرجها

گواهی بر عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۳

۳ زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد .

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند ؛ با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است . بنابراین <فاستعصم> ؛ یعنی ، یوسف(ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید .

گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۹، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲

۲ ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل ، توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یا ایها الذین ءامنوا شهده بینکم .. حین الوصیه ائتان ذوا عدل منکم

۴ شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شده بینکم .. حین الوصیه ائتان ذوا عدل منکم

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخرا من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتم مصیبه الموت

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان بالله ان ارتبتم .. لانکتهم شهده الله

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از <ءاخرا من غیرکم> غیر مسلمانی است

که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

۷ مرگ ، مصیبت

و حادثه ای سخت و ناگوار .

مصیبه الموت

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تجسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله <تجسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخرا من غیر کم .. تجسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

جمله <تجسونهما ..> می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخرا من غیر کم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <و ءاخرا من غیر کم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او ءاخرا من غیر کم .. تجسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تجسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی



چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۳ سوگند به نام خدا، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر وصیت

فیقسمان بالله

۱۹ شهادت بر وصیت امری بس عظیم

و لانکتُم شهده الله

مراد از <شهده الله>، شهادت بر وصیت است یعنی شاهدان بر وصیت در حقیقت شهادت الهی را بر دوش دارند و این حکایت از اهمیت والای شهادت بر وصیت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۲

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد ایمن> بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

گواهی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۲،۳،۴

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنك سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در

<ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنك سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنك سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

گواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۳

۳ بندگان خالص خدا، هرگز به باطل و دروغ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لا یشهدون الزور

گواهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۵

۵ - بنی اسرائیل به عهدهایی که خداوند با آنان داشت معترف بوده ، بر آن گواهی می دهند .

و إذ أخذنا ميثقكم .. ثم أقرتكم و أنتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن كان من عند الله و كفرتم به و شهد شهد من بنی إسرائيل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود

گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

گواهی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهی بر صدق دعوی خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخي

جمله <هذا أخي> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد من الله> باشد به عنوان شاهی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را در خواهید یافت.

گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۱۸

۱ مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق ، شهادت دهند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلّٰهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ

<قَوْمًا> صیغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، یعنی عادت شما باید قیام برای خدا باشد. و <قسط> به معنای عدل و حق است.

۱۸ قیام برای خدا ، شهادت به حق و برپا داشتن قسط ، نشانه و جلوه ای از تقوا

كُونُوا قَوْمِينَ لِلّٰهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ .. و اتقوا الله

گواهی تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۵

۵ تورات ، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه .. من قبله کتب موسی

<کتاب> عطف بر <شاهد> است و ضمیر در <قبله> به شاهد برمی گردد.

گواهی جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱

۱- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم ( س ) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال كذلك

<كذلك> خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم(س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱،۳

۱ گواهی خداوند برپادارنده قسط و عدل ، بر اینکه معبودی جز او نیست .

شهد الله أنه لا اله الا هو .. قائماً بالقسط

<قائماً بالقسط>، حال است برای <الله>.

۳ خدا ، ملائکه و عالمان ، گواهان توحید

شهد الله أنه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ خداوند و انبیا ، گواهان بر میثاق الهی در مورد ایمان آوردن به انبیا و یاری کردن آنان

و انا معکم من الشاهدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۶

۶ خداوند ، گواه اعمال انسانها

و الله شهيد على ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، گواه بر همه عهد ها و پیمان ها و اعمال انسان

و الذين عقدت ايمانكم فاتوهم نصيبهم انّ

اللّٰه کان علی کل شیء شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۱۴، ۱۳

۱۳ شهادت خدا بر پاکی و طهارت انسان و نیز ملاک های تعیین شده از سوی او برای پیراستگی، گزاف و بدون دلیل نیست.

بل اللّٰه یزکی من یشاء و لا یظلمون فتیلاً

۱۴ شهادت خدا بر ناپاکی یهودیان کفرپیشه، هرگز ستمی به آنها نیست.

الم تر .. بل اللّٰه یزکی من یشاء و لا یظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۱۰، ۹، ۸

۸ خداوند، گواهی کافی برای رسالت پیامبر (ص)

و ارسلناک للنّاس رسولاً و کفی باللّٰه شهیداً

۹ خداوند، گواهی کافی برای حقاقت معارف ارائه شده در قرآن

ما اصابک من حسنه فمن اللّٰه و ما اصابک من سیئه فمن نفسک .. و کفی باللّٰه شهیداً

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <شهیداً>، معارفی باشد که در این بخش از آیات تبیین گردید.

۱۰ خداوند، گواهی کافی بر روابط و عملکرد متقابل پیامبران و مردم

و ارسلناک للنّاس رسولاً و کفی باللّٰه شهیداً

<ارسلناک للنّاس رسولاً>، بیانگر دو معناست: یکی بیان وظیفه پیامبر (ص)، یعنی ابلاغ رسالت، و دیگری بیان وظیفه مردم، یعنی پذیرش رسالت او. و <کفی باللّٰه شهیداً>، می تواند ناظر به چگونگی عملکرد پیامبر (ص) در انجام وظیفه و عملکرد مردم در پذیرش رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۵، ۱





و رسالت پیامبر (ص)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك .. و الملكة يشهدون

در برداشت فوق جمله <و الملكة يشهدون> عطف بر <الله يشهد> گرفته شده است و در نتیجه متعلق <يشهدون> نیز <بما انزل اليك> خواهد بود.

۵ تجلی علم الهی در قرآن، گواهی خداوند بر حقانیت قرآن و پیامبر (ص) است.

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

جمله <انزله بعلمه> می تواند تفسیری برای <يشهد> باشد یعنی نزول قرآن که مظهري از علم خداوند است، همان شهادت الهی بر حقانیت قرآن و متعاقباً حقانیت پیامبر(ص) است.

۷ گواهی خداوند به حقانیت قرآن برخاسته از علم و آگاهی او نسبت به آن

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

۱۲ شهادت خداوند بر اثبات و نفی امور، شهادتی کافی و تمام

و كفى بالله شهيداً

۱۳ شهادت خداوند برای اثبات حقانیت قرآن کافی است.

لكن الله يشهد بما أنزل .. و كفى بالله شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۱

۲۱ ضرورت توجه شاهدان، به آگاهی و شهود خداوند بر هر آنچه به آن شهادت می دهند.

و لانكتم شهده الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۸

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه، از خداوند خواستند تا بر نیشان به مقام تسلیم گواه باشد.

و اذ اوحیت . . و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۱۵

۱۵ خداوند

، گواه و ناظر بر همه پدیده ها

و انت علی کل شیء شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۳

۳ خداوند ، گواه بر راستگویی عیسی (ع) در انجام رسالت های الهی خویش و اظهار برائت از ادعای الوهیت

قال الله هذا يوم ينفع الصديقين صدقهم

از مصادیق مورد نظر برای <صدقهم> سخنان نقل شده از عیسی(ع) در آیات پیشین است که ابلاغ توحید و یکتاپرستی، نفی ادعای الوهیت برای خویش و مادرش مریم(ع) و نداشتن هیچ نقشی در گرایش امت به شرک از جمله آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۷، ۲۰، ۱۶، ۹، ۵، ۲

۲ خداوند، بزرگترین و ارجمندترین گواه بر هر چیز

قل أي شيء أكبر شهادة قل الله

۵ خداوند، بزرگترین گواه رسالت پیامبر اکرم(ص) در برابر منکران است.

قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني و بينكم

با توجه به این حقیقت که نزاع بین پیامبر(ص) و مشرکان، نزاع شخصی نبوده، بلکه اختلاف بر سر درستی ادعای پیامبر(ص) به نزول وحی بر ایشان بوده است.

۹ خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

و لا تكونن من المشركين .. قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني و بينكم

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر(ص)

قل الله شهيد بيني و بينكم و أوحى إلي هذا القرآن

۲۰ شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أَنتُمْ لِشَهِدُونَ أَن مَعَ اللَّهِ ءَالِهَةٌ أُخْرَى

همزه استفهام در <أَنتُمْ> دال بر

شگفتی است.

۲۷ عن أبي جعفر (ع) في قوله: <قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني وبينكم> و ذلك ان مشرکی اهل مکة قالوا: یا محمد ما وجد الله رسولا یرسله غیرک؟ ما نری أحداً یصدقک بالذی تقول .. قتأتینا من یشهد إنک رسول الله؟ قال رسول الله (ص): <الله شهيد بيني و بینکم ... > .

از امام باقر (ع) درباره آیه <قل أي شيء أكبر شهادة .. > روایت شده است که مشرکان مکة به حضرت محمد (ص) گفتند: خداوند رسولی غیر از تو نیافت که بفرستد؟ کسی را نمی بینیم درباره آنچه می گویی تو را تصدیق کند ... پس کسی که به رسالت تو گواهی دهد، برای ما می آوری؟ رسول خدا (ص) فرمود: خداوند بین من و شما گواه است ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۳

۳ کتب آسمانی پیشین مشتمل بر گواهی خداوند بر حقانیت پیامبر (ص)

قل أي شيء أكبر شهده قل الله .. الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه

چون در آیه قبل شهادت خداوند مطرح شده و قرآن نیز به عنوان شاهد ذکر گردیده و در پی آن از آشنایی اهل کتاب با پیامبر (ص) سخن رفته است، می توان دریافت که اولاً - منبع آگاهی آنان کتب آسمانی بوده و ثانیاً آن کتب نیز شاهی بر حقانیت پیامبر (ص) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سیحلفون بالله .. و الله يعلم انهم

## لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۶

۱۶ گواهی خداوند بر دروغ گویی منافقان در داشتن حسن نیت در ساختن مسجد (مسجد ضرار)

و الله يشهد انهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۶ - ۷

۷ خداوند ، بر تمام اعمال مردم شاهد و گواه است .

ثم الله شهيد على ما يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۶

۶ هود (ع) ، خداوند را بر بی تأثیر دانستن معبود های اهل شرک و اعلان بیزاری از آنان ، گواه گرفت .

قال انى اشهد الله واشهدوا انى برىء مما تشرکون

اشهاد (مصدر اشهد) به معنای گواه گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۵

۵ خداوند خود گواهی دهنده به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و الهی بودن بعثت او

کفی بالله شهيداً بينى و بينکم

<بالله> فاعل برای <کفی> است و حرف <باء> در آن به اصطلاح زائیده و دلالت بر تأکید انتساب فعل به فاعل دارد. قابل ذکر است که گواهی های خداوند بر رسالت پیامبر(ص) بسیار است و آن آیات گوناگون و متعددی است که در آنها تصریح شده که او فرستاده ای از ناحیه خداوند است. و چون قرآن معجزه است و الهی بودن آن برای حق جویان امری روشن می

باشد، شهادت خداوند به رسالت پیامبر(ص) ثابت می شود و جمله <کفی بالله...> برهانی تام خواهد بود.

جلد -



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۵ - ۳

۳ - موسی (ع) ، علاقه مداوم خود و برادرش هارون (ع) را به تسبیح و ذکر خداوند ، ابراز داشت و خداوند را بر آن گواه دانست .

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

جمله <إِنَّكَ..> می تواند تعلیل برای <کی نسبحك كثيراً> باشد؛ یعنی خدایا! تو خوب می دانی که من و برادرم هارون چه روحیه ای داریم و نسبت به تسبیح و ذکر تو، تا چه حد علاقه مندیم، بنابراین با پذیرش وزارت هارون، راه تسبیح و ذکر فراوان تر را بر ما هموار ساز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۶

۶ - خداوند ، شاهد و گواه بر تمامی هستی است .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۳،۷

۳ - خدا ، گواه قرارداد های میان مردم و شاهد گفت و گو های طرفین قرارداد

قال إني أريد .. أئما الأجلين قضيت ... و الله على ما نقول وكيل

<وكيل> به قرینه متعدی شدن با <على>، متضمن معنای <شهادت> است؛ یعنی، <و الله على ما نقول شاهد>.

۷ - موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلك بيني وبينك .. و الله على ما نقول وكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۷



و خانه اش در کام زمین بود .

فما كان له من فئه .. من دون الله

<من دون الله> استثنا از <من فئه> است؛ یعنی، در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۲۸

۲ - خداوند ، گواه حقانیت ادعای نبوت پیامبر ( ص ) است .

قل كفى بالله بيني وبينكم شهيداً

آن چه در این آیه از گواهی خداوند به آن پرداخته شده، مربوط به ادعای نبوت از جانب پیامبر اکرم(ص) و انکار آن از سوی کافران است. گفتنی است که در آیات چهارده و شانزده و هجده و بیستوهشت و سیوشش و سیونه و چهلونج، بحث رسالت انبیا و از جمله نبوت پیامبر(ص) و نیز تکذیب شدن آن از سوی کافران، مطرح شده است و در این آیه خداوند، می فرماید برای صدق نبوت پیامبر(ص)، گواهی خداوند، کافی است، اگر چه آنان تکذیب کنند.

۸ - احاطه علمی خداوند بر موجودات جهان ، دلیل کفایت گواهی او برای حقانیت نبوت پیامبر ( ص ) است .

قل كفى بالله بيني وبينكم شهيداً يعلم ما في السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، قطعاً بر همه چیز شاهد و گواه است .

إنّ الله كان على كلّ شيء شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۷

۷ - خداوند ، بر همه چیز گواه است .

و هو على كلّ شيء شهيد



سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۱

۱ - پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعا های خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربنا يعلم إنا إلیکم لمرسلون

جمله <ربنا يعلم> (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند <شهد الله> و <علم الله>) در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- خداوند ، والاترین گواه بر حقانیت رسالت پیامبر ( ص ) و غلبه اسلام بر سایر ادیان

هو الذی أرسل رسوله .. لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیداً

تعبیر <کفی بالله شهیداً> محتوای این آیه را تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲ - ۲

۲ - شهادت خداوند بر گمراه نبودن پیامبر ( ص ) و مبرّا بودن آن حضرت از جهل و رأی فاسد

و النجم .. ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۹

۹ - خداوند ، بر هر چیزی شاهد و گواه است .

و الله علی کلّ شیء شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - گواهی خداوند بر ماهیت دروغ پرداز منافقان و بی تعهدی آنان در قبال هر پیمان

و الله يشهد انهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - گواهی اُکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر ( ص )

و الله يعلم انك لرسوله

۸ - شهادت اُکید خداوند ، بر دروغ گویی منافقان

و الله يشهد ان المنفقين لكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۴

۴ - گواهی خداوند ، بر پاکدامنی و عفت مریم ( ع )

التي أحصنت فرجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۱

۱ - گواهی خداوند به حقانیت رسالت پیامبر ( ص ) و مصون بودن آن حضرت از هرگونه جنون

بأبيكم المفتون

در <بأبيكم المفتون> چند احتمال وجود دارد: الف) <مفتون> اسم مفعول و <باء> زائده باشد؛ یعنی، در آینده خواهید دید کدام یک از شما گرفتار جنون است. ب) <مفتون> مصدر و <باء> به معنای <فی> باشد؛ یعنی، خواهید دید در کدام یک از شما، جنون وجود دارد. ج) <باء> متعلق به محذوف و <مفتون> اسم مفعول باشد؛ یعنی، در آینده خواهید دید نام مجنون، شایسته کدام یک از شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۴

۴ - خداوند ، بر همه چیز گواه و از همه چیز آگاه است .

و الله على كل شيء شهيد

<شهاده>، در اصل به معنای خیر دادن از چیزی است که شخص آن را مشاهده کرده و نزد آن حاضر بوده است (نهایه ابن اثیر). گواه بودن خداوند بر همه چیز، مستلزم آگاهی او از آنها است.

گواهی در امانتداری

جلد - نام سوره - سوره -



آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۵

۱۵ لزوم گواه گرفتن ، در ادای اموال دیگران

فاذا دفعتم اليهم اموالهم فاشهدوا عليهم

به نظر می رسد ملاک در شاهد گرفتن، مختص مال یتیم نباشد. بنابراین آیه می تواند دلیل لزوم گواه گرفتن برای ادای همه اموال و دیون باشد.

گواهی در بارداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۷

۷ ادعای زنان در مورد بارداری ، طهر و حیض خود ، پذیرفته است .

و لا يحل لهن ان يكتمن ما خلق الله في ارحامهن

اگر گفته زنان درباره طهر، حیض، بارداری و هر آنچه دخیل در مدت حیض است، پذیرفته نباشد، حرمت کتمان، لغو می شود.

گواهی در بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۴

۲۴ گواهان بر دین و مبادلات باید مورد قبول و رضایت طرفین باشند .

و استشهدوا شهیدین من رجالکم . . . ممن ترضون من الشهداء

گواهی در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و ... نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسبیاً

گواهی در حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۴،۷

۴ زنان مطلقه نباید به منظور کم و زیاد کردن مدّت عدّه خویش ، جنین و یا حیض خود را کتمان کنند .

ولا یحلّ لهنّ ان یتکتمن ما

خلق الله في ارحامهنّ

کلمه <ما خلق> دارای مفهومی وسیع است که می تواند شامل هر نوع خلقی شود که تأثیر در مدّت عدّه دارد؛ همانند جنین، حیض و طهر.

۷ ادّعی زنان در مورد بارداری، طهر و حیض خود، پذیرفته است.

ولا یحلّ لهنّ ان یتکمن ما خلق الله فی ارحامهنّ

اگر گفته زنان درباره طهر، حیض، بارداری و هر آنچه دخیل در مدت حیض است، پذیرفته نباشد، حرمت کتمان، لغو می شود.

گواهی در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۵۸،۱۶

۵ - لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل، بر جدایی کامل مرد از زن مطلقه خویش

و اشهدوا ذوی عدل

برداشت یاد شده، براساس نظریه بسیاری از مفسران است که گفته اند: برای رجوع مرد به زن مطلقه خود، شاهد لازم نیست و گرفتن گواهی، اختصاص به طلاق و جدایی کامل دارد.

۸ - برخورد شایسته با زنان مطلقه، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لا تخرجنّ من بیوتهنّ... و اقیموا الشّهده لله ذلکم یوعظ به

<ذلک> اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

۱۶ - > محمد بن ابی نصر قال: سألت أبا الحسن (ع)... فقلت له: فإن طلق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین؟ فقال: لا تجوز شهادة النساء فی الطلاق...؛

محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم.. اگر زنی را در پاکی بدون این

که در آن پاکی آمیزشی شده باشد یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...>.

گواهی در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - اثبات ادعای زنا، در گرو اقامه چهار شاهد مرد است.

لولا جاء و علیه بأربعة شهداء

<شهداء> جمع شاهد است و <شاهد> مفرد مذکر و به معنای یک مرد گواه است.

۲ - پذیرش اتهام رابطه جنسی، در گرو اقامه چهار شاهد از سوی اتهام زننده است.

لولا جاء و علیه بأربعة شهداء

گواهی در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - مردی که همسرش را قذف کند (نسبت زنا بدهد)، برای اثبات ادعای خود، نخست باید چهار شاهد مرد ارائه کند.

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء

<شهداء> جمع <شاهد> است و شاهد مفرد مذکر است. بنابراین <شهداء> به معنای <چند مرد ناظر> می باشد. گفتنی است که عدد چهار، با توجه به آیه قبل که مربوط به قذف است و نیز به قرینه ذیل آیه که در صورت عجز از ارائه شهود باید چهار سوگند یاد شود استفاده می گردد.

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش، از ارائه شاهدان ناتوان باشد، باید چهار بار سوگند یاد کند.

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسمهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۳ - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف

علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۴- شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد ، نوبت به سوگند او نمی رسد ؛ بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادات باللّ

۶- شوهر اگر در ادعای زنا همسرش ، مدعی مشاهده نباشد ؛ ولی چهار شاهد مرد ارائه کند ، زنا همسرش ثابت می شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

گواهی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵- داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان ، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

گواهی در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۱ - ۴

۴- گواهی دادن ، وسیله اثبات جرم در میان قوم ابراهیم

فأتوا

به ... لعلهم يشهدون

گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ پیامبر اسلام (ص)، گواه و شاهد بر همه رسولان الهی در روز رستاخیز

فکیف اذا جئنا .. و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

امیرالمؤمنین (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هو [محمد (ص)] الشہید علی الشہداء و الشہداء هم الرسل (ع).

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۱۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۶

۶ گواهی حضرت عیسی (ع) بر اهل کتاب در روز قیامت

و یوم القیمه یكون علیهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۰

۱۰- محکومیت کافران در محکمه قیامت، با شهادت شاهدان همراه است.

و یوم نبعث من کل أمه شهیداً ثم لا یؤذن للذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۳

۳- قیامت، روز برانگیخته شدن گواهانی از میان هر امت برای شهادت دادن بر آنان

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۸

۸- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی

و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۸

۸- روز قیامت ، روزی عظیم و جایگاه حضور و گواهی است .

من مشهد یوم عظیم

<مشهد> چنانچه اسم مکان باشد، به معنای محل حضور و شهادت است. و می تواند مصدر میمی و به معنای شهود و حضور در روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

۲ - اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پای ) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا یعملون

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إنّ الذین یرمون المحصنت . . . یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است .

و شاهد



راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی را برای آن ذکر کرده و می گوید:  
شهادت، گفتاری

است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۶

۶ - > عن أبي هريره قال قرء رسول الله (ص) هذه الآية > يومئذ تحدث أخبارها < قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فإن إخبارها أن تشهد على كل عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهريره روايت شده که رسول خدا(ص) آيه >يومئذ تحدث أخبارها< را قرائت کرد و فرمود: آيا مي دانيد خبر دادن زمين چيست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمين گواهي دادن آن است بر هر مرد و زني به آنچه بر روی آن انجام داده است. <.

گواهي در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۹

۹ شاهدان اعمال در محضر خداوند ، عليه آنان که به خدا دروغ بسته اند ، گواهي خواهند داد .

أولئك يعرضون على ربهم و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

گواهي در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۴

۴۴ لزوم شاهد گرفتن در هنگام داد و ستد هر چند معامله ای نقد و بدون مطالبه باشد .

و اشهدوا اذا تبايعتم

گواهي دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۴

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام

شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقاقاً> گفته شده <من الذین استحق...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

گواهی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۳

۳ زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد .

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند ؛ با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین <فاستعصم> ؛ یعنی، یوسف(ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه وإنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد ؛ یعنی ، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

گواهی زمین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۵،۶

۵ - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

تحدّث

۶ - > عن أبي هريره قال قرء رسول الله (ص) هذه الآية > يومئذ تحدّث أخبارها < قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فإنّ إخبارها أن تشهد على كلّ عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(ص) آیه >یومئذ تحدّث أخبارها< را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبر دادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۵

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۵

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذره شرا یره

گواهی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۳،۲۶



مردان نسبت به زنان ، در تحمّل شهادت

فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

۲۶ جایگزینی دو زن به جای یک مرد در شهادت ، به منظور تذکّر یکی از آنها به دیگری در صورت فراموشی و لغزش آن دیگری است .

فرجل و امراتان .. ان تضلّ احدهما فتذکّر احدهما الاخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۶

۱۶ - > محمد بن ابی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) ... فقلت له : فإن طلق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین ؟ فقال : لا تجوز شهادة النساء فی الطلاق ... ;

محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم.. اگر زنی را در پاکی بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...<

گواهی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۶

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زاییده نیز این معنا را تأکید می کند.

گواهی عالم بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۸





گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل ، فردی دانا و متشخص بود .

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

گواهی عالمان به انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ آگاهان به تورات و انجیل در عصر بعثت بر حقانیت رسالت پیامبر ( ص ) شهادت می دادند .

و کفی بالله شهیداً .. و من عنده علم الکتاب

گواهی عالمان به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ آگاهان به تورات و انجیل در عصر بعثت بر حقانیت رسالت پیامبر ( ص ) شهادت می دادند .

و کفی بالله شهیداً .. و من عنده علم الکتاب

گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۹

۹ عالمان و آگاهان به قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبر ( ص ) گواهی می دهند .

کفی بالله .. و من عنده علم الکتاب

گواهی علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱۶، ۹، ۸

۸ حاکمیت قسط و عدل بر نظام تکوین ، دلیل دانشمندان و ملائکه برای گواهی بر وحدانیت خدا \*

شهد . . . الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد <قائماً بالقسط>

که حال برای <الله> است، اشاره به علت گواهی ملائکه و اولوا العلم باشد. و بدین جهت، مؤخر آمده است.

۹ عالمان راستین، با عمل و حرکت خویش، گواه بر توحید هستند.

شهد الله انه لا اله الا هو .. و اولوا العلم قائماً بالقسط

بنابراینکه منظور از گواهی عالمان، گواهی عملی آنان باشد که عبارت است از موضعگیریها و چگونگی کردار آنان.

۱۶ انبیا و اوصیا، صاحبان علم و گواهان توحید

شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائماً بالقسط

امام باقر (ع): .. اما قوله <و اولوا العلم قائماً بالقسط> فان اولی العلم الانبياء و الاوصياء ...

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶۶.

گواهی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۷، ۱۶

۱۶ دانشمندان یهود و عالمان ربانی آنان، گواهان حقانیت تورات و بیان کنندگان حقایق آن

یحکم بها .. و الربینون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله و کانوا علیه شهداء

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند.

یحکم .. بما استحفظوا من کتب الله و کانوا علیه شهداء

چون جمله <کانوا ..> عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

گواهی علیه ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۱ - ۲

۲- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (

ع) را به منظور گواهی دادن مردم به مجرم بودن او در شکستن بت ها ، احضار کردند .

فأتوا به .. لعلمهم یشهدون

گواهی علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۹

۹ - اصحاب اخدود در قیامت ، بر کردار خویش شهادت خواهند داد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

آیات <و الیوم الموعود> و <و شاهد و مشهود> در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

گواهی علیه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ شهادت آدمی ، علیه پدر ، مادر و دیگر خویشاوندان ، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقرین

گواهی علیه ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۷

۷ در قیامت ، گواهانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا ، شهادت خواهند داد .

و یقول الأشهد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم

<أشهاد> جمع شاهد و به معنای گواهان است.

گواهی علیه مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۷،۹

۷ در قیامت ، گواهانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا ، شهادت خواهند داد .

و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

<أشهاد> جمع شاهد و به معنای گواهان است.

۹ شاهدان اعمال در محضر خداوند ، علیه آنان که به خدا دروغ بسته اند ، گواهی

خواهند داد .

أولئك يعرضون على ربهم و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

گواهی علیه والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ شهادت آدمی ، علیه پدر ، مادر و دیگر خویشاوندان ، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء لله و لو على أنفسكم او الولدين و الاقربین

گواهی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۰

۲۰ درخواست حواریون از عیسی (ع) ، مبنی بر شهادت و گواهی او بر مقام تسلیم آنان

امنا بالله و اشهد بانا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۶،۸

۶ گواهی حضرت عیسی (ع) بر اهل کتاب در روز قیامت

و يوم القیمه یكون علیهم شهیداً

۸ حضرت عیسی (ع) ، گواه بر اعمال اهل کتاب در دنیا

و يوم القیمه یكون علیهم شهیداً

اگر حضرت عیسی (ع) در دنیا گواه بر اعمال نباشد، نمی تواند در قیامت گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۶

۶ گواهی و تأیید عیسی (ع) بر راستی و درستی تورات موجود در عصر خویش

و قفینا .. بعیسی ابن مریم مصداقاً لما بین یدیه من التوریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۹،۱۰

۹ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه



باشد .

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عیسی(ع) باشد. نیاوردن ربنا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

۱۰ عیسی (ع) ، گواه بر کیفیت برخورد مردمان با تعالیم و فرمان های الهی

و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۹

۹ عیسی (ع) ، گواه و ناظر بر عقاید و رفتار امت خویش ، به هنگام حضور در میان آنان

و كنت عليهم شهيداً مادمت فيهم

گواهی غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۵،۶،۹،۱۰

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخرا من غيركم ان انتم ضربتم في الارض فاصبتم مصيبه الموت

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فيقسمان بالله ان ارتبتم . . لانكتم شهده الله

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از <ءاخرا من غيركم> غیر مسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شك در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار

قانونی برخوردار می گردد

او اٰخران من غيرکم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله ان ارتبتم

جمله < تحبسونهما .. > می تواند ناظر به هر

دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخرا من غیرکم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <و ءاخرا من غیرکم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد. منوط به سوگند است.

ذو عدل منکم او ءاخرا من غیرکم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تحبسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

گواهی فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۱

۱۱ - شهادت و گواهی انسان فاسق، در نظام قضایی اسلام هرگز پذیرفته نمی شود.

و لاتقبلوا لهم شهده أبداً و أولئک هم الفسقون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <و أولئک هم الفسقون> در مقام تعلیل و بیان فلسفه حکم پذیرفته نشدن شهادت نسبت دهندگان زنا باشد، یعنی، چون آنان فاسق اند، گواهی‌شان مورد قبول نیست. بنابراین گواهی هیچ فاسقی پذیرفتنی نخواهد بود.

گواهی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ - > عن الصادق (ع) عن أبيه عن جدّه (ع) ( أن علیاً (ع) قال ، لیس بین خمس من النساء و بین أزواجهنّ ملاءنه ...  
والمجلود فی الفریه لأنّ

اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ : وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا . . . ;

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاحظه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود). .. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند؛ زیرا خداوند فرمود: < وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۹

۹ - > فی مجمع البیان [ أحد القولین فی هذه الآیه ] ان الإستثناء یرجع إلى الأمرین فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أو لم یحد و قول أبی جعفر (ع) و أبی عبدالله (ع) ;

در مجمع البیان آمد است که [یکی از دو قول در آیه یاد شده] این است که استثنا به هر دو امر بازمی گردد. پس هرگاه قذف کننده توبه کند، شهادت او قبول می شود؛ چه حد بر او جاری شده باشد و چه نشده باشد ... و ان قول امام باقر و امام صادق علیهما السلام است <.

گواهی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۸، ۱۷

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ، از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

۱۸ - قرآن ، گواه و دلیلی بر راستی و درستی تورات است . \*

و هو الحق

مصدقاً لما معهم

تصدیق کتابهای آسمانی اهل کتاب از سوی قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتاب ها، مبنی بر آوردن قرآن تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن مایه اثبات راستین و درستی آن کتاب هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۷،۸

۷ - قرآن ، محتوای تورات را تأیید و راستی و درستی آن را تصدیق می کند .

مصدقاً لما بین یدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <مصدقاً> حال برای ضمیر مفعولی <نزله> - که مراد از آن قرآن است - باشد. مقصود از <ما بین یدیه> (کتابی که پیش از قرآن بوده است)، در آیه مورد بحث، تورات است.

۸ - وجود قرآن ، گواه و شاهی بر حقانیت تورات است . \*

مصدقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصدقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است؛ یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵

۵ گواهی قرآن بر حقانیت تورات و انجیل

امنوا بما نزلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین ( تورات و انجیل )

و انزلنا إليك الكتاب بالحق مصدقاً

لما بين يديه من الكتب

به دليل آيات گذشته مراد از <ما بين يديه من الكتب>، تورات و انجيل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۰، ۱۷، ۱۶

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانيت رسالت پيامبر(ص)

قل الله شهيد بيني و بينكم و اوحى الى هذا القراءان

۱۷ قرآن، گواه يگانگي خداوند و بطلان شرك

قل اغير الله اتخذ وليا .. قل الله ... و اوحى الى هذا القراءان

از ارتباط اين آيه با آيات قبل چنين برمي آيد كه قرآن تحقق عيني شهادت خداوند است.

۲۰ شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدايان، با توجه به بديهي بودن توحيد و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرك

أنكم لتشهدون أن مع الله ءالهه أخرى

همزه استفهام در <أنكم> دال بر شگفتي است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۳

۳ قرآن، بينه و دليل روشن پيامبر(ص) و گواه حقانيت او

قل إني على بينه من ربي و كذبتهم به

بسياري از مفسران گفته اند كه مراد از بينه و مرجع ضمير <كذبتهم به> قرآن است. مفرد آمدن كلمه <بينه> و مذكر آمدن

ضمير <به> اين احتمال را تقويت مي كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۵

۵ قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲،۳

۲ قرآن، خود دلیل و شاهی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه



مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربك> حقانیت و الهی بودن قرآن است و <تُلُو> (مصدر یتلو) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در <یتلوه> به <من> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه>؛ یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بینه> از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

۳ بهره مندان از بصیرت الهی، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن، درمی یابند و بدان واقف می شوند.

أفمن كان علی بینه من ربه و یتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن ... یتلوه شاهد منه [کمن لیس كذلك]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست؛ بلکه درک و عدم درک آنان از گواهی قرآن، موجب تمایز آن دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن، خود گواه حقانیت خویش \*

و القرءان المجید

وجود سوگند به <قرآن> در متن آن، در صورتی منطقی خواهد بود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

گواهی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۳

کتاب آسمانی پیشین مشتمل بر گواهی خداوند بر حقانیت پیامبر(ص)

قل أي شيء أكبر شهادة قل الله .. الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه

چون در آیه قبل شهادت خداوند مطرح شده و قرآن نیز به عنوان شاهد ذکر گردیده و در پی آن از آشنایی اهل کتاب با پیامبر(ص) سخن رفته است، می توان دریافت که اولاً منبع آگاهی آنان کتب آسمانی بوده و ثانیاً آن کتب نیز شاهی بر حقانیت پیامبر(ص) هستند.

گواهی گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۳

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (بر گرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عثر> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

گواهی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۵،۲۹

۵ - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً

در اینکه مراد از <شهداء> و <شهید> در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امتها را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر(ص) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت

می دهد.

۲۹- رسول خدا (ص) فرمود: < یدعی نوح یوم القیامه فیقال له : هل بلغت ؟ فیقول : نعم ، فیدعی قومه فیقال لهم هل بلغکم ؟ فیقولون : ما أتانا من نذیر و ما أتانا من أحد ، فیقال لنوح : من یشهد لک ؟ فیقول : محمد (ص) و أمته ، فذلک قوله : > و کذلک جعلناکم أمه وسطاً < قال : و الوسط العدل فتدعون فتشهدون له بالبلاغ ... >

روز قیامت نوح(ع) دعوت به حضور می شود و به او گفته می شود: آیا رسالت خود را ابلاغ کردی؟ می گوید: آری پیش قومش دعوت می شوند و از آنان سؤال می شود: آیا به شما [رسالتش] را ابلاغ کرده است؟ آنان می گویند: ما را بیم دهنده ای نیامد. پس به نوح گفته می شود: چه کسی به نفع تو شهادت می دهد؟ پس وی می گوید: محمد(ص) و امتش؛ و این است سخن خداوند: شما را امت وسط قرار دادیم. رسول خدا فرمود: مراد از وسط، عدل است. پس شما (مسلمانان) دعوت می شوید و به نفع او شهادت به ابلاغ رسالت می دهید ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۵،۶،۸،۱۱

۵ پیامبر (ص) ، گواه امت خویش

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

در برداشت فوق، <هؤلاء> اشاره به مسلمانان و امت پیامبر (ص) گرفته شده است.

۶ خداوند در قیامت ، پیامبر (ص) را برای گواهی بر امت خویش فرامی خواند .

و جئنا بک

علی هؤلاء شهیداً

۸ پیامبر (ص)، گواهی بر شاهدان امت ها در قیامت

فکیف اذا... و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

و لذا اسم اشاره با صیغه جمع (هؤلاء) آمده است.

۱۱ پیامبر اسلام (ص)، گواه و شاهد بر همه رسولان الهی در روز رستاخیز

فکیف اذا جئنا... و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

امیرالمؤمنین (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هو [محمد (ص)] الشهید علی الشهداء و الشهداء هم الرسل (ع).

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۱۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۳

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یوّد الذین کفروا... لو تسوّی بهم الارض

<یومئذ> متعلق به <شهیداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۵، ۱۱

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بینه من ربه... و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بینه> پیامبر (ص) است. این گروه جمله <فلاتک

>... را مؤید این نظر شمرده اند.

٢٥ > عن الحسين بن علي (ع) في قوله : > و يتلوه شاهد منه <

قال : الشاهد هو محمد ( ص ) ؛

از امام حسین (ع) روایت شده است که درباره <و یتلوه شاهد منه > فرمود: شاهد محمد(ص) است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۸،۱۰

۸- پیامبر ( ص ) ، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است .

و جنابك شهيداً علي هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در <في كل أمه > مردم هر عصری نباشد؛ بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) <هؤلاء > اشاره باشد به کل امت پیامبر(ص) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

۱۰- پیامبر اسلام ( ص ) ، شاهد بر همه گواهان طول تاریخ

و جنابك شهيداً علي هؤلاء

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <هؤلاء > اشاره به <شهیداً >؛ یعنی، گواهان هر امت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۲

۲- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر ( ص ) مخفی نیست .

ألم تر أنّا أرسلنا الشیطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۸

۱۸ - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردم و پیامبر ( ص ) گواه بر اعمال مسلمانان

لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس

در این که مراد از <شهید > و <شهداء > در آیه چیست، نظراتی چند ابراز شده است که از جمله آنها <گواهی بر اعمال > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳

۲ - پیامبر ( ص ) ، شاهد و گواهی از سوی خداوند بر اعمال مردم است .

أرسلنک شهداً

متعلق <شاهدأ> در آیه، ذکر نشده است و لکن به قرینه <مبشّر> و <نذیر> و نیز آیات دیگری مانند <لتکونوا شهداء علی الناس> [۲/۱۴۳] متعلق آن، مردم اند و چون اعمال آنان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت، مراد از گواهی بر مردم هم می تواند گواهی بر اعمال آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۳

۳ - پیامبر ( ص ) ، تأیید کننده رسولان الهی پیشین و گواه بر درستی تعالیم آنان

و صدق المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - پیامبر ( ص ) ، فرستاده الهی برای گواهی بر خلق و بشارت و انداز آنان

إنّا أرسلنک شهداً و مبشّراً و نذیراً

۲ - گواه بودن بر اعمال خلق و تبشیر و انداز آنان ، از وظایف مهم پیامبر اسلام

إنّا أرسلنک شهداً مبشّراً و نذیراً

اهمیت وظایف یاد شده، از تخصیص یافتن به ذکر استفاده می شود.

۳ - پیامبر ( ص ) ، شهادت دهنده و تأکید کننده بر درستی ادراکات عقلی و گرایش فطری انسان \*

إنّا أرسلنک شهداً و مبشّراً

برداشت بالا بدان احتمال است که منظور از <شاهدأ>، شهادت دادن به درستی ارزش هایی باشد که انسان با عقل و فطرت آن را درک کرده یا می تواند درک کند. قرینه بر درستی این احتمال، تقدم <شاهدأ> بر <مبشّراً و نذیراً> است؛ چه این



که اول باید ارزش تبیین گردد؛ سپس بر

اجرای آن تأکید شود.

۴- پیامبر ( ص ) ، گواه و ناظر بر اعمال امت خویش در طول تاریخ

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا

در صورتی که مراد از <شاهدًا> شهادت بر اعمال امت در قیامت باشد، از مطلق آمدن <شاهدًا> گواهی و نظارت آن حضرت بر تمام اعمال امت استفاده می شود.

گواهی مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۳، ۲۶

۲۳ تقدّم و اولویّت مردان نسبت به زنان ، در تحمّل شهادت

فان لم یکونا رجلین فرجل و امراتان

۲۶ جایگزینی دو زن به جای یک مرد در شهادت ، به منظور تذکّر یکی از آنها به دیگری در صورت فراموشی و لغزش آن دیگری است .

فرجل و امراتان .. ان تضلّ احدیہما فتذکّر احدیہما الاخری

گواهی مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ آگاهان به تورات و انجیل در عصر بعثت بر حقانیت رسالت پیامبر ( ص ) شهادت می دادند .

و کفی باللہ شہیدًا .. و من عنده علم الکتب

گواهی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۵، ۲۹

۵ - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً

در اینکه مراد از <شهداء> و <شهید> در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛  
یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امتها را مشاهده می کنند و در

قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر(ص) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

۲۹- رسول خدا (ص) فرمود: > یدعی نوح یوم القیامه فیقال له : هل بلغت ؟ فیقول : نعم ، فیدعی قومه فیقال لهم هل بلغکم ؟ فیقولون : ما أتانا من نذیر و ما أتانا من أحد ، فیقال لنوح : من یشهد لک ؟ فیقول : محمد (ص) و أمته ، فذلک قوله : > و کذلک جعلناکم أمه وسطاً < قال : و الوسط العدل فتدعون فتشهدون له بالبلاغ . . . /

روز قیامت نوح(ع) دعوت به حضور می شود و به او گفته می شود: آیا رسالت خود را ابلاغ کردی؟ می گوید: آری پیش قومش دعوت می شوند و از آنان سؤال می شود: آیا به شما [رسالتش] را ابلاغ کرده است؟ آنان می گویند: ما را بیم دهنده ای نیامد. پس به نوح گفته می شود: چه کسی به نفع تو شهادت می دهد؟ پس وی می گوید: محمد(ص) و امتش / و این است سخن خداوند: شما را امت وسط قرار دادیم. رسول خدا فرمود: مراد از وسط، عدل است. پس شما (مسلمانان) دعوت می شوید و به نفع او شهادت به ابلاغ رسالت می دهید ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۸

۱۸ - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردم و پیامبر (ص) گواه بر اعمال مسلمانان

لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس

در این که مراد

از <شاهد> و <شهداء> در آیه چیست، نظراتی چند ابراز شده است که از جمله آنها <گواهی بر اعمال> می باشد.

گواهی مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۲۱ - ۳

۳ - مقربان در گاه خداوند گواهان نامه اعمال نیکوکاران اند .

یشهده المقربون

فعل <یشهد>، یا از <شهود> به معنای حضور است و یا از <شهاده> که ابن اثیر در نهاییه آن را <خبر دادن از مشاهدات خویش> معنا کرده است؛ در هر صورت گواه بودن <مقربون> استفاده می شود؛ زیرا در معنای اول حضور و نظارت آنان به منظور گواهی دادن است و معنای دوم که در آن صورت <یشهده> به معنای <یشهد به> خواهد بود صریح در نکته یاد شده است.

گواهی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۳۸

۳ خدا، ملائکه و عالمان، گواهان توحید

شهد الله أنه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم

۸ حاکمیت قسط و عدل بر نظام تکوین، دلیل دانشمندان و ملائکه برای گواهی بر وحدانیت خدا \*

شهد .. الملائكة و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد <قائماً بالقسط> که حال برای <الله> است، اشاره به علت گواهی ملائکه و اولوا العلم باشد. و بدین جهت، مؤخر آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱،۱۱

۱ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك . . . و الملكة

در برداشت فوق جمله <و الملئکه یشهدون> عطف بر <اللّه یشهد> گرفته شده است و در نتیجه متعلق <یشهدون> نیز <بما انزل الیک> خواهد بود.

۱۱ فرشتگان الهی ، شاهد و ناظر نزول قرآن بر پیامبر ( ص )

و الملئکه یشهدون

کلمه <واو> در جمله <و الملئکه یشهدون> حالیه و <یشهدون> به معنای نظارت می کنند، گرفته شده است.

گواهی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۲

۲ - تمامی موجودات هستی ، شاهدی گویا بر منزّه بودن خداوند از هر عیب و نقص

یَسْبِحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که تسبیح در آیه شریفه، تسبیح تکوینی باشد.

گواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۱

۱ مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق ، شهادت دهند .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا كُونُوْا قَوْمِيْنَ لِلّٰهِ شُهَدَآءَ بِالْقِسْطِ

<قَوَام> صیغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، یعنی عادت شما باید قیام برای خدا باشد. و <قسط> به معنای عدل و حق است.

گواهی ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ سود مصلحت واقعی فقرا و یا اغنیا، از طریق شهادت نابحق تأمین نخواهد شد .

ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

۲۵ خداوند آگاه به شهادت های دروغ و نابحق مردم و دانا به کتمان شهادت ، از سوی آنان

و إن تلوا او تعرضوا فإن الله کان بما تعملون خبیراً

<تلوا> از <لوی



لسانه < زبانش را منحرف کرد > گرفته شده و متعلق آن به قرینه < شهداء لله > شهادت می باشد و انحراف زبان، کنایه از دروغ گفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۲۱

۲۱ هشدار و تهدید خداوند نسبت به کسانی که به حق شهادت ندهند و برای خدا قیام نکنند .

كونوا قومين لله شهداء بالقسط .. و اتقوا الله إنّ الله خبير بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱،۱۰

۱ شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عشر علی انهما استحقا اثمًا فاخران یقومان مقامهما

عُثْرٌ و عُثُورٌ مصدر عُثِرَ به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و <استحقا> باب استفعال از <حق> می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از <استحقا> اراده شده است. بنابراین جمله <فان عشر...> یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ... .

۱۰ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، تجاوز به حقوق دیگران و ستمکاری در حق ایشان است .

و ما اعتدینا إنا إذا لمن الظلمین

گواهی نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - اعتراف کافران در حضور نگهبانان و دربانان دوزخ ، به آمدن پیامبران تلاوت گر آیات خداوند و اندازگرا الهی برای هدایت آنان

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربکم و ینذرونکم

لقاء یومکم هذا

گواهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند الله و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرائیل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

لغو گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱

۱ شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عثر علی انهما استحقا اثمًا فاخران یقومان مقامهما

عُثِرَ و عُثِرَ مصدر عُثِرَ به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و <استحقا> باب استفعال از <حق> می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از <استحقا> اراده شده است. بنابراین جمله <فان عثر...> یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ... .

ممنوعیت گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۴

۴ شهادت و گواهی باطل و دروغ ، ممنوع است .

و الذین لایشهدون الزور

موانع کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۹

۲۹ توجه به آگاهی خداوند از اعمال آدمیان ، زمینه اقامه عدل ،

پرهیز از شهادت های دروغ و کتمان شهادت

کونوا قومین بالقسط شهداء لله .. فان الله کان بما تعملون خبيراً

موانع گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۲

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت ( نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران ) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در < یخافوا > و < ایمنهم > به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین < ترد ایمن > بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین < او یخافوا ان ترد... > یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

موجبات گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۵،۶

۵ اجرای عدالت و شهادت به حق ، مقتضای ایمان است .

یأیها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء لله

۶ تحقق شهادت به حق در گرو داشتن ملکه عدالتخواهی

یأیها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء لله

برداشت فوق بر این اساس است که نظر اصلی آیه بر شهادت دادن به حق باشد، بنابراین اقامه قسط به منزله مقدمه ای برای رسیدن به شهادت به حق، خواهد بود. یعنی شهادت به حق در صورتی میسر است که ملکه قیام به قسط، در وجود آدمی ایجاد شده باشد.

مؤاخذه گواهی بی برهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ -

۱۲ - ادعاها و گواهی های بدون پشتوانه علمی ، دارای مسؤولیت و مورد بازخواست

ستکتب شهدتهم و یسئلون

وجوب گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۲

۱۲ - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن كتم شهادته عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۹،۳۰

۲۹ وجوب ادای شهادت بر گواهان به هنگام فراخوانی به شهادت

ولا یأب الشهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه <اذا ما دعوا> دعوت برای ادای شهادت باشد، یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشَّهادة.

۳۰ وجوب تحمّل شهادت بر مؤمنین ، به هنگام استشهاد از آنان

ولا یأب الشهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه <اذا ما دعوا> دعوت برای تحمل شهادت باشد، یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشَّهادة.

وجوب گواهی در حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۳

۱۳ - وجوب کفایبی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانية و الزانى فاجلدوا.. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنين

کفایى بودن و جوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه <طائفه> که به معنای گروه است استفاده می شود؛ زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: <و ليشهد عذابهما المؤمنون>.

وقت گواهی اخروی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ - ۱

۱ - گواهی پیامبران بر امت های خویش ، دارای وقتی معین در عرصه

و إذا الرسل أُقْتت . لأىّ يوم أُجَلت

<أىّ> اسم استفهام و یا موصوله و مفید تعظیم و تهویل است. <أُجَلت> به معنای <أُخِرَت> است. در این برداشت مرجع ضمیر فاعلی <أُجَلت>، میقات و گواهی پیامبران (قابل استفاده از آیه قبل) دانسته شد.

ویژگی گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۳

۳ گواهی خداوند، مهمترین و صحیحترین و اطمینان بخش ترین گواهیها

قل أىّ شىء أكبر شهده قل الله شهيد بينى و بينكم

ویژگیهای گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۵

۵ گواهی خداوند در قیامت ، گواهی کامل و بی نیاز کننده از گواهی دیگران است .

فكفى بالله شهيداً بيننا و بينكم إن كنا عن عبادتكم لغفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۶

۶ گواهی خداوند بر هر امری در اثبات آن کافی و تمام است .

قل كفى بالله شهيداً بينى و بينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۹



۹- گواهی و نظارت خداوند بر اعمال بندگان ، متکی بر علم و اطلاع گسترده او به احوال آنان است .

كفى بالله شهيداً بينى و بينكم إنه كان بعباده خبيراً بصيراً

ویژگیهای گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۱

۱۱- شهادت گواهان در قیامت ، خدشه ناپذیر و غیر قابل ردّ است .

و یوم نبعث من کلّ أُمَّه شهیداً ثمّ لایؤذن

## گوساله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گوساله

آثار گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۷، ۱۶

۱۶ - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله <و أشربوا ..> حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

۱۷ - اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ، تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۲، ۱

۱ - موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت از میقات ، به شدت خشمگین شد .

بینؤمّ لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی(ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

۲ - موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یهرون ما منعک .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

آمزش گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ آموزش گناه گوساله پرستان بنی اسرائیل مؤثر در پیشبرد اهداف رسالت موسی (ع)

إِن رَّبِّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

مخاطب در جمله <إِن رَّبِّكَ .. > حضرت موسی(ع) است. در اینکه چرا

خداوند در بیان آمرزش گناهان بنی اسرائیل، موسی(ع) را مورد خطاب قرار داده و کلمه <رب> را به آن اضافه کرده، دو وجه می توان ذکر کرد: بخشش گناه بنی اسرائیل در راستای ربوبیت خدا بر موسی و طبعاً در راستای پیشبرد رسالت اوست. توصیه ای است به موسی(ع) که تو نیز از خطاها و لغزشهای قومت، در صورت توبه، در گذر و آنها را نادیده انگار. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی(ع) ذکر شد. یعنی <ربك> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها در گذر.

آمرزش گوساله پرستان تائب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سكت عن موسى الغضب

وقوع جمله <و لما سكت .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرار کنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

اختفای ساخت گوساله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰

۲ - ساخت گوساله زرین به دست سامری ، پنهان و به دور از چشم بنی اسرائیل صورت گرفت .

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا

<أخرج> تنها ناظر به مرحله عرضه گوساله بر بنی اسرائیل است و مسکوت ماندن مراحل قبل از آن، (ساخت گوساله) نشانگر مستور بودن آن مراحل از انظار عمومی است.

القای گوساله سامری در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرین سامری

وَانظُرْ إِلَىٰ إِلْهَيْكَ .. لَنحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

<تحریق> (مصدر <لَنحَرِّقَنَّهُ>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ...> ; یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا ، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وَانظُرْ .. لَنحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ

<انظر> فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در <لَنحَرِّقَنَّهُ> و <لَنَنْسِفَنَّهُ>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

امتحان با گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ -

۳ - فتنه و امتحان بودن گوساله زرین سامری ، از جمله هشدارهایی که هارون به بنی اسرائیل داده بود .

و لقد قال لهم هرون .. إنما فتنتم به

انذار گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ - موسی (ع) ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربكم

بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولا

بی منطقی گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۸

۸ - قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه < و أنتم ظالمون > ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است، یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

بی منطقی گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۷،۱۰

۷ گرایش قوم موسی به پرستش مجسمه ای ناتوان از سخن گفتن و عاجز از هدایتگری ، امر

نابخردانه و شکفت آور

ألم يروا أنه لا يكلمهم ولا يهديهم سبيلا

۱۰ بنی اسرائیل هیچ بهانه و عذری در گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

اتخذوه و كانوا ظلمين

جمله حالیه <و كانوا ظلمين> می تواند اشاره به یکی از این دو معنا باشد: شرک ظلم است و قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی از ظالمان شدند. گوساله پرستی بنی اسرائیل قرین ظلم بود، نه بیان این حقیقت که شرک خود ظلم است. یعنی این کردار آنان از سر ظلم بود و هیچ توجیهی که بتواند آن کار ناصواب را کاری شایسته جلوه دهد در دست نداشتند. برداشت فوق ناظر به معنای دوم است.

پشیمانی از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ؛ به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

توبه از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۴

۴ خداوند گناه آن گروه از بنی اسرائیل را که پس از گوساله پرستی توبه کرده و با ایمان به یکتایی خدا به پرستش او بازگشتند ، آمرزید و آنان را مشمول رحمت خویش قرار داد .

و الذین عملوا السيئات



ثم تابوا من بعدها و ءامنوا

مصدق مورد نظر برای <الذین عملوا السيئات>، به دلیل آیات پیشین، گوساله پرستان بنی اسرائیل است. این آیه در حقیقت استثنایی برای آیه پیشین است.

توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۷، ۲۰

۷ - کشتن یکدیگر، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ ۲ هر کسی خود را بکشد.

۲۰ - پذیرش توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل، از نعمت های خداوند به آنان

و إذ قال موسی .. فتاب علیکم

آیه های این بخش از سوره چنانچه از مطلع آن (یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی ..) به دست می آید، در صدد بیان نعمتهایی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی <ربک> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از

خطاها و لغزشها در گذر.

توطئه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهبای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکوری آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلونی

تهدید گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۱،۲

۱ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

<فی الحیوه الدنیا> علاوه بر اینکه قید برای <ذله> است، می تواند <قید> برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن <غضب> دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم .. ذله فی الحیوه الدنیا

تهمت گوساله پرستی به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ - سامری و طرفداران و مبلغان او ، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند .

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنیسی

جنسیت گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱

۱ - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیس به شکل گوساله نر

ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلاً جسداً

<عجل>؛ یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلاً> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فأخرج لهم...> ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تیرئه خود از پرستش گوساله است.

جهل گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولا

حاکمیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إني خشيت أن تقول فرقت بين بني إسرائيل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

ذلت دنیوی گوساله پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۲

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم . . . ذله في الحيوه الدنيا

ذلت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۲

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید

در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم .. ذله في الحيوه الدنيا

روش برخوردار با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ - سخنان هارون به گوساله پرستان بنی اسرائیل ، گفتاری محبت آمیز و همراه با توجیه و ارشاد بود .

يقوم إثمًا فنتنم به

انتساب بنی اسرائیل به خود، با گفتن <ای قوم من > ابراز محبت است و ریشه یابی ماجرای سامری با فتنه خواندن آن، روشن گری و ارشاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۸

۸ - هارون (ع) ، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخوردار خود با گوساله پرستان ، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد .

لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی إنی خشیت

روش نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ - تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا ، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لنحرقنه

از معانی ذکر شده برای <حرق> و <تحریق>، سوهان کاری کردن و ساییدن است و <تحریق> بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

زمینه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۵،۹

برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولاً- یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلاً جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۶

۶ توهم به سر آمدن زمان میعاد خدا با موسی (ع) و تأخیر وی در مراجعت ، زمینه ساز گرایش قوم موسی به گوساله پرستی شد .

بئسما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم

جمله <أعجلتم .. > اشاره به علتی دارد که بنی اسرائیل را به گوساله پرستی واداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۸

۸ - بنی اسرائیل ، دارای زمینه مساعد فکری برای پذیرش گوساله طلایی



به عنوان معبود بودند .

فقالوا هذا إلهكم و إله موسى

انتخاب شکل گوساله برای القای بت پرستی و نیز ارتداد سریع بنی اسرائیل، به خصوص پس از مشاهده معجزات موسی (ع)، گویای برداشت یاد شده است.

سوزاندن گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۲، ۱۱

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرین سامری

وانظر إلى إلهك .. لنحرقنه ثم لنسفنه في اليم نسفاً

<تحریق> (مصدر <لنحرقنه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتمنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثم لنسفنه...>؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر .. لنحرقنه ثم لنسفنه في اليم

<انظر> فرمان موسی (ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در <لنحرقنه> و <لنسفنه>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲۲

۲۲ - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: <واشربوا في قلوبهم العجل بكفرهم> روایت شده

که فرموده است : > فعمد موسى (ع) فبرد العجل من أنفه الى طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذرّه في اليمّ قال : فكانت احدهم ليقع في الماء و ما به إليه من حاجه فيتعرض بذلك للرماد فيشربه و هو قول الله : و اشربوا في قلوبهم العجل بكفرهم ;

موسی(ع) قصد [نابودی] [گوساله] [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم <.

صدای گوساله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۳،۵

۳ مجسمه گوساله دست ساز بنی اسرائیل ، بانگی مانند بانگ گاو داشت .

له خوار

>خوار< به صدای گاو گفته می شود و در صدای شتر نیز به صورت استعاره کاربرد دارد. (مفردات راغب).

۵ برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولا- یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۳

۳ - تندیس گوساله زرین سامری ، نعره ای همانند بانگ گوساله داشت .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

<خوار> یعنی، صدای بلند گاو و گوساله (لسان العرب). از آن جا که تندیس ساخته شده سامری به شکل گوساله بود، پیدا است که صدای آن نیز همانند صدای گوساله بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۶

۶ - صدای خارج شده از گوساله سامری ، خالی از هر گونه مفهوم لفظی بود .

له خوار .. أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

ظلم گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیل زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و كانوا ظلمین

عجز گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۱

۱ - گوساله سامری ، پیکره ای عاجز از پاسخ گویی و ناتوان از نفع و ضرر رسانی

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً و لا یملک لهم ضرراً و لانفعاً

<رجوع> در کلام فصیح عرب به صورت متعدی نیز استعمال می شود (مصباح) و <لا یرجع..> یعنی گوساله، گفته ای را به آنان باز نمی گرداند و به آنان پاسخی نمی دهد و <لا یملک...> یعنی، گوساله، مالک نفع و ضرر آنان نیست.

عوامل گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۳

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در

انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال يهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

<ما منعك..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی (ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۳

۳ - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

يهرون ما منعك .. لا تأخذ بلحيتي و لا برأسي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبك يسمري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۸

۸ - فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل بود .

و كذلك سؤلت لي نفسي

<كذلك> در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل که دعوت مردم به گوساله پرستی است وجود ندارد.

فتنه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ فرونشستن فتنه گوساله پرستی در میان قوم موسی ، فراهم

آورنده زمینه ای مناسب برای مطرح شدن تورات از سوی آن حضرت

## أخذ الألواح

بیان این واقعیت که موسی(ع) در پی فرونشستن فتنه گوساله پرستی، الواح را برگرفت، این حقیقت را روشن می سازد، که زمینه از دست رفته برای تعالیم تورات بار دیگر در میان قوم موسی ایجاد شد. گفتنی است آیه <۱۴۹> می رساند که عموم بنی اسرائیل از گوساله پرستی توبه کردند و آیه <۱۵۳> می رساند که خداوند توبه آنان را پذیرفت و در نتیجه فتنه گوساله پرستی فرونشست.

## فرجام گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۳

۳ بنی اسرائیل پس از اذعان به گمراهی خویش، به این حقیقت رسیدند که نجاتشان از فرجام شوم گوساله پرستی در گرو شمول رحمت خدا و مغفرت اوست .

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرين

فلسفه نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۸ - ۱

۱ - متذکر ساختن مردم به توحید در پرستش، هدف موسی(ع) از منهدم ساختن و خرد کردن گوساله سامری

لنحرقنه .. إنما إلهكم الله

برحسب ظاهر، این آیه ادامه سخن موسی(ع) با قوم خویش است. ارائه این بیانات، پس از محاکمه سامری و محکومیت وی و نیز تصمیم به نابود ساختن گوساله او، نتیجه گیری از مجموع واقعه و حاکی از این نکته است که موسی(ع) برای اخذ این نتیجه (ابطال شرک و اثبات توحید)، آن مقدمات را به کار گرفته بود.

کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست.

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <بارء> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست.

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

گوساله بریان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۸

۸ ابراهیم (ع)، در فاصله ای کوتاه پس از آمدن فرشتگان بشارت، گوساله ای بریان شده برای آنان آورد.

فما لبث أن جاء بعجل حینذ

ضمیر در <لبث> به ابراهیم(ع) برمی گردد و <أن جاء> به تقدیر <فی> متعلق به <لبث> است.



<عجل> به گوساله نر که بیش از یک ماه نداشته باشد، گفته می شود و <حنیذ> به معنای بریان شده است. بنابراین <فما لبث ...> یعنی، ابراهیم(ع) در آوردن گوساله ای بریان شده درنگی نکرد.

گوساله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۶،۷

۶ معبود دست ساز بنی اسرائیل (مجسمه گوساله) نه با آنان سخن می گفت و نه ایشان را به راهی رهنمون می ساخت .

ألم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سیلا

استفهام در <ألم یروا> برای انکار و تعجب است ؛ یعنی گوساله پرستان با اینکه می دیدند معبود دست سازشان با آنان سخن نمی گوید و راهی را به آنان نشان نمی دهد، آن را <إله> می پنداشتند و این امری است که به خاطر نابخردانه بودنش هر خردمندی را شگفت زده می کند.

۷ گرایش قوم موسی به پرستش مجسمه ای ناتوان از سخن گفتن و عاجز از هدایتگری ، امر نابخردانه و شگفت آور

ألم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سیلا

گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۹

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل ( گوساله پرستان ) پس از فرمان موسی ( ع ) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است ؛ یعنی: <ففعلتُم ما أمرتُم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت.< قابل ذکر است که ضمیر در <تاب>

به قرینه جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۷

۷ - گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود ، با سامری همراهی و هم کاری داشتند .

عجلاً .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

فعل جمع <قالوا> می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم کاری و هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

گوساله پرستان بنی اسرائیل در غیاب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إني خشيت أن تقول فرقت بين بني إسرائيل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

گوساله پرستان بنی اسرائیل و هارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۸

۱۸ هارون ، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازداری ایشان

إن القوم استضعفوني

<استضعاف> به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

گوساله پرستان تائب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای

یکتا ، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی <ربك> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۷

۷ - بنی اسرائیل ، در غیاب موسی (ع) به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

<من بعده> یعنی پس از غیاب موسی (ع) و دور شدنش از بنی اسرائیل. <اتخذتم> از افعال تصییر است. کلمه <العجل> مفعول اول آن و مفعول دومش <الهاً> است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است؛ یعنی: <ثم جعلتم العجل الهاً لكم>.

۱۰ - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ فرقنا بكم البحر . . . و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

۱۱ - بنی اسرائیل ، هیچ بهانه و عذری برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه <أنتم ظالمون> (در حالی که ظالم بودید) ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن حالتی بوده مقارن گوساله پرستی؛ یعنی، گرایش بنی اسرائیل به شرک از سر ظلم بود و هیچ توجیهی هر چند واهی از قبیل جهل و مانند آن - که بتواند بهانه و عذری برای آنان باشد - در میان نبوده است.

۱۳ - داستان غیبت

موسی (ع) از میان قوم خویش و گرایش آن قوم به گوساله پرستی ، داستانی عبرت آموز و شایسته یاد آوردن

و إذ وعدنا موسى أربعين ليلة ثم اتخذتم العجل من بعده

۱۵ - گوساله پرستی بنی اسرائیل از جمله ستمکاری های آنان بود .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۵، ۴، ۱

۱ - خداوند ، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد .

ثم عفونا عنكم من بعد ذلك

۴ - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنكم من بعد ذلك

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله <عفونا عنکم> نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف <ثم> به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

۵ - امتنان خدا بر بنی اسرائیل به خاطر آمرزش گناه گوساله پرستی ایشان

ثم عفونا عنكم من بعد ذلك

روشن است که عفو از گناه پس از ارتکاب آن است. بنابراین <من بعد ذلك> بیانگر زمان آمرزش نخواهد بود؛ بلکه اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل استحقاق آمرزش را نداشت، ولی مع ذلك خداوند بر آنان تفضل کرده و گناهمشان را بخشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۷، ۱

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشان ستم کرده و

مستحق کیفر شدند .

يقوم إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلى بارئكم فاقتلوا أنفسكم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسكم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسكم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضكم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ ۲ هر کسی خود را بکشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: <... ان الذين أمروا قوم موسى بعبادة العجل، كانوا خمسه أنفس، و كانوا أهل بيت يأكلون على خوان واحد... و هم الذين ذبحوا البقره التي أمر الله عز و جل بذبحها >

... کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند... و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود زبح کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۰، ۴۸

۴ - قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم أتخذتم العجل من بعده

۸ - قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه <و أنتم ظالمون> ظهور در این معنا

دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است؛ یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

۱۰- ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی، از جمله ستم های آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۴،۲۲

۱۴ - قلب ها و دل های یهودیان عصر موسی آکنده از عشق به گوساله پرستی بود .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

اشراب <مصدر اشربوا> به معنای آمیختن و نفوذ دادن است. مراد از <عجل> (گوساله) به قرینه <فی قلوبهم> محبت و عشق گوساله است نه خود گوساله. آوردن <عجل> به جای <محبت عجل>، بیانگر این است که: محبت گوساله چنان با قلبهای آنان عجین شده بود که گویا خود گوساله در دلهای آنان جای داشت.

۲۲- از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم > روایت شده که فرموده است: < فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الى طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذره فی الیم قال: فكانت احدهم ليقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالك للرماد فیشر به و هو قول الله: و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم >

موسی (ع) قصد [نابودی] [گوساله] [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در

این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱،۲،۱۱

۱ قوم موسی در غیاب وی ( زمان حضورش در میعادگاه مناجات ) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند .

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلاً جسداً

۲ قوم موسی با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ .. من حلیهم عجلاً جسداً

اتخاذ (مصدر <اتخذ>) در اینجا به معنای ساختن است. <عجل> به معنای گوساله نر و <حُلَى> (جمع حَلَى) به معنای زیورآلات است.

۱۱ بنی اسرائیل زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و كانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱،۲،۸

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ؛ به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه



خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرین

۸ قوم موسی علی رغم پیشینه گوساله پرستی به رحمت و مغفرت الهی امیدوار بودند .

لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۷، ۸، ۹، ۱۱

۷ موسی (ع) بر اثر شدت غضب به خاطر گوساله پرستی قومش ، لوحه های تورات را بر زمین افکند .

لما رجع موسی إلى قومه غضبن أسفاً .. و ألقى الألواح

۸ آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی ، از میان برنده زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

و ألقى الألواح

گویا هدف از بیان این بخش از داستان که موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکند، این نکته باشد که موسی (ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

۹ موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت .

و أخذ برأس أخيه يجره إليه

۱۱ بازداري بنی اسرائیل از گرایش به شرک و گوساله پرستی ، مسؤولیت هارون از دیدگاه موسی (ع)

و أخذ برأس أخيه يجره إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۷

۷ قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی بر خداوند افترا بستند .

و كذلك نجزي المفترين

مصدق مورد نظر برای <المفتترین> مشرکان و گوساله پرستان بنی اسرائیل هستند.

بنابراین شرک‌ورزی آنان افترا بر خدا بود. <افتراء>، از <فریه>، به معنای دروغ بافتن است. و مراد از <مفترین>، به مناسبت مورد، کسانی هستند که بر خدا دروغ می‌بندند؛ یعنی به دروغ چیزی را به خدا نسبت می‌دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ - ارتداد بنی اسرائیل و پیدایش گوساله پرستی در میان آنان، پس از عبورشان از دریا بود.

یبنی اسرئیل قد أنجینکم من عدوکم .. فتنا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱،۳

۱ - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توبیخ خود از جانب موسی (ع)، سعی در بی‌تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند.

ألم یعدکم .. أفضال .. أم أردتم .. قالوا ما أخلفنا موعدک بملکنا

جمله <ما أخلفنا> و نیز <حملنا>، جمله‌گی توجیحات بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله پرستی از سوی آنان است.

۳ - بی‌اختیار قلمداد کردن خود، از بهانه‌های بنی اسرائیل برای توجیه پیمان شکنی با موسی (ع) و پذیرش گوساله پرستی در میان خود

ما أخلفنا موعدک بملکنا

<موعد> مصدر و به معنای <وعد> است. <ملک> نیز مصدر است و مراد بنی اسرائیل، نفی مالک بودن امور خویش است. از همین رو معنای <ما أخلفنا...> چنین می‌شود: ما از پیمان و وعده تو، به اختیار خود تخلف نکردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۳

۳ - توبیخ و

سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

استفهام در <أفلا یرون> برای انکار توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱

۱ - انحراف و گوساله پرستی بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) ، علی رغم هشدار های هارون (ع) صورت گرفته بود .

و لقد قال لهم هرون من قبل

<من قبل> یعنی، پیش از بازگشت موسی(ع) از میقات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سر باز زدند .

فأتبعونی و أطیعوا أمری .. قالوا لن نبرح علیه عکفین

<لن نبرح> یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به

تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد

بازخواست و توبیخ قرار داد .

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

گوساله پرستی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - سامری ، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید .

وانظر إلى إلهك الذي ظلت عليه عاكفاً

<إلهك> علاوه بر تحقیر

معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان <إله> پذیرفته بود.

گوساله پرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل ... و لقد جاءكم موسى بالبينت ثم اتخذتم العجل

جمله <لقد جاءكم ..> عطف بر <لم تقتلون ...> در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ ( کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ... ) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۵،۱۸

۱۵ کفر و گوساله پرستی یهود ، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار

بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت ففعلوا عن ذلك

گوساله چاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۷

۷ - پذیرایی ابراهیم (ع) از میهمانان خویش ، با گوساله ای فربه و بریان

فجاء بعجل سمین

گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۶

۶ - سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان < اله > بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

گوشت گوساله در دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنید

مبارزه با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۰

۲۰ هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازداري آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش برای موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل در خطر تشمت و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون (ع) برای مقابله



با گوساله پرستان

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

مبارزه با گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرک‌ورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أمّ إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطيعوا أمری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان <اَتَّبِعُونِي>، حاکی از آن است که وی برای بنی اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را تدارک دیده بود.

مبارزه هارون(ع) با گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرک‌ورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أمّ إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني

مجسمه گوساله نر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ قوم موسی با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ .. من حلیهم عجلاً جسداً

اتخاذ (مصدر <اتخذ>) در اینجا به معنای ساختن است. <عجل> به معنای گوساله نر و <حُلَى> (جمع حَلَى) به معنای زیورآلات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیس به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلاً جسداً

<عجل>؛ یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلاً> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فأخرج لهم...> ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تبرئه خود از پرستش گوساله است.

۳ - تندیس گوساله زرین سامری ، نعره ای همانند بانگ گوساله داشت .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

<خوار>؛ یعنی، صدای بلند گاو و گوساله (لسان العرب). از آن جا که تندیس ساخته شده سامری به شکل گوساله بود، پیدا است که صدای آن نیز همانند صدای گوساله بوده است.

۶ - سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان <اله> بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج .. فقالوا هذا إلهكم و إله موسى

محافظة از گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ظلت عليه عاكفاً

<ظلت>، تخفیف یافته <ظللت> (مداومت داشتی) است. <عكوف> به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و <ظلت عليه عاكفاً>؛ یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود

را با آن تازه می کردی.

مدت گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۲

۲ - تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتی یرجع إلینا موسی

مغضوبیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۱

۱ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

<فی الحیوه الدنیا> علاوه بر اینکه قید برای <ذله> است، می تواند <قید> برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن <غضب> دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

مکان گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، محل استقرار گوساله سامری را عبادت گاه خود قرار داده و ساعات فراوانی را به عبادت آن اختصاص دادند

لن نبرح علیه عکفین

ملازمت و مداومت، از لغت <عاکفین> به دست می آید.

منشأ گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

موسی(ع) و گوساله سامری

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۱

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلى إلهك .. لنحرّفته ثمّ لنسفنه في اليمّ نسفاً

<تحریق> (مصدر <لنحرّفته>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثمّ لنسفنه...> ; یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ - موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان در این اقدام مصمم بود .

لنحرّفته ثمّ لنسفنه

ضمیرهای جمع در افعال <لنحرّفته> و <لنسفنه> گویای نکته یاد شده است.

نقش صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۵

۵ - شنیده شدن صدای گوساله از تندیس دست ساز سامری ، مایه فریفتگی بنی اسرائیل و باور به معبود بودن آن شد .

له خوار

ذکر هر یک از اوصاف گوساله، نشانگر دخالت آن در گرایش بنی اسرائیل است.

نقش گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه -

۲ - گوساله سامری ، وسیله فتنه و آزمون بنی اسرائیل بود .

إِنَّمَا فَتَنَّاهُمْ بِهِ

هارون(ع) و گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرک‌ورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أمّ إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۵

۵ موسی (ع) در عین قانع شدن به بی تقصیری هارون در گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، وی را کاملاً دور از خطا ندانست . \*

قال رب اغفر لي و لأخي

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.

هزینه گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل ، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را ، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خواننده و خود را از هرگونه کمک مالی به آن تبرئه کردند .

ما أخلفنا موعداك بملكنا و لكنا حملنا أوزارًا

یکی از معانی ذکر شده برای <ملك> ، <مملوك> است (قاموس). مفاد آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله



اموال خودمان، خود را در این انحراف سهیم نساختیم؛ بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

گوساله پرستان

آمزش گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۱۱ آمرزش گناه گوساله پرستان بنی اسرائیل مؤثر در پیشبرد اهداف رسالت موسی (ع)

إِنْ رَبِّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

مخاطب در جمله <إِنْ رَبِّكَ .. > حضرت موسی (ع) است. در اینکه چرا خداوند در بیان آمرزش گناهان بنی اسرائیل، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داده و کلمه <رَبِّكَ> را به آن اضافه کرده، دو وجه می توان ذکر کرد: بخشش گناه بنی اسرائیل در راستای ربوبیت خدا بر موسی و طبعاً در راستای پیشبرد رسالت اوست. توصیه ای است به موسی (ع) که تو نیز از خطاها و لغزشهای قومت، در صورت توبه، در گذر و آنها را نادیده انگار. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إِنْ رَبِّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی <رَبِّكَ> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها در گذر.

آمرزش گوساله پرستان تائب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سكت عن موسى الغضب

وقوع جمله <و لما سكت .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب

موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

انذار گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ - موسی (ع) ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحْلَ عَلِيكُمْ غَضَبَ مَنْ رَبِّكُمْ

بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

أَفَلَا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا

توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۲۰، ۷

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارتکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ ۲ هر کسی خود را بکشد.

۲۰ - پذیرش توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل ، از نعمت های خداوند به آنان

و إذ قال موسی .. فتاب علیکم

آیه های این بخش از سوره چنانچه از مطلع آن (یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی ..) به دست می آید، در صدد بیان نعمتهایی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ،  
توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی(ع) ذکر شد. یعنی <ربك> اشاره به این معنا  
باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها در گذر.

توطئه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهبای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکوری آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلونی

تهدید گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۱،۲

۱ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

<فی الحیوه الدنیا> علاوه بر اینکه قید برای <ذله> است، می تواند <قید> برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از  
غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن <غضب> دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم .. ذله فی الحیوه الدنیا



بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

حاکمیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إِنّی خشیت أن تقول فرقت بین بنی اسرائیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

ذلت دنیوی گوساله پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۲

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم . . . ذله فی الحیوه الدنیا

ذلت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۲

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم . . . ذله في الحيوه الدنيا

روش برخوردار با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ - سخنان هارون به گوساله پرستان بنی اسرائیل ، گفتاری محبت آمیز و همراه با توجیه و ارشاد بود .

يقوم إنما فتنتم به

انتساب بنی اسرائیل به خود، با گفتن >ای



قوم من < ابراز محبت است و ریشه یابی ماجرای سامری با فتنه خواندن آن، روشن گری و ارشاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۸

۸ - هارون (ع)، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد.

لا تأخذ بلحیتی ولا برأسی إنی خشیت

کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مردان به خالقیت خدا، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست.

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <بارء> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست.

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی (ع) به خاطر پذیرش توبه

تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۹

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل ( گوساله پرستان ) پس از فرمان موسی ( ع ) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم .. فتاب علیکم

جمله < تَابَ عَلَیْكُمْ > عطف بر جمله ای مقدر است یعنی: < ففعلتُم ما أمرتُم به فتَابَ عَلَیْكُمْ > پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت. قابل ذکر است که ضمیر در < تَابَ > به قرینه جمله بعد به < بَارِئُكُمْ > (خالق شما) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۷

۷ - گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود ، با سامری همراهی و هم کاری داشتند .

عَجَلًا .. فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

فعل جمع < قالوا > می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم کاری و هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

گوساله پرستان بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی ( ع )

إِنِّي خشیت أن تقول فرقت بين بنی إسرائیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در

فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

گوساله پرستان بنی اسرائیل و هارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۸

۱۸ هارون ، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازداری ایشان

إن القوم استضعفونی

<استضعاف> به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

گوساله پرستان تائب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ،

توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی(ع) ذکر شد. یعنی <ربك> اشاره به این معنا

باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

مبارزه با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۰

۲۰ هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازداری آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش برای

موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل در خطر تشنگی و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون ( ع ) برای مقابله با گوساله پرستان

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

مغضوبیت

گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۱

۱ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنيا

<فی الحیوه الدنيا> علاوه بر اینکه قید برای <ذله> است، می تواند <قید> برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن <غضب> دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

گوساله پرستی

آثار گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله <و أشربوا ..> حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

۱۷ - اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ، تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱، ۲

۱ - موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت از میقات ، به شدت خشمگین شد .

یبنؤم لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی (ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

۲- موسی (ع)

با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یهرود ما منعك .. لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی

بی منطقی گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۸

۸- قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه <و أنتم ظالمون> ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است؛ یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

بی منطقی گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۷،۱۰

۷ گرایش قوم موسی به پرستش مجسمه ای ناتوان از سخن گفتن و عاجز از هدایتگری ، امر نابخردانه و شگفت آور

ألم یروا أنه لا یكلمهم و لا یهدیهم سبیلا

۱۰ بنی اسرائیل هیچ بهانه و عذری در گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

اتخذوه و كانوا ظلمین

جمله حالیه <و كانوا ظلمین> می تواند اشاره به یکی از این دو معنا باشد: شرک ظلم است و قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی از ظالمان شدند. گوساله پرستی بنی اسرائیل قرین ظلم بود، نه بیان این حقیقت که شرک خود ظلم است. یعنی این کردار آنان از سر ظلم بود و هیچ توجیهی که بتواند آن کار ناصواب را کاری شایسته جلوه

دهد در دست نداشتند. برداشت فوق ناظر به معنای دوم است.

پشیمانی از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند.

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد؛ به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

توبه از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۴

۴ خداوند گناه آن گروه از بنی اسرائیل را که پس از گوساله پرستی توبه کرده و با ایمان به یکتایی خدا به پرستش او بازگشتند، آمرزید و آنان را مشمول رحمت خویش قرار داد.

و الذین عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها و ءامنوا

مصدق مورد نظر برای <الذین عملوا السيئات>، به دلیل آیات پیشین، گوساله پرستان بنی اسرائیل است. این آیه در حقیقت استثنایی برای آیه پیشین است.

تهمت گوساله پرستی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ - سامری و طرفداران و مبلغان او، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند.



فقالوا هذا إلهكم و إله موسى فنسى

زمينه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولاً- یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلاً جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۶

۶ توهم به سر آمدن زمان میعاد خدا با موسی (ع) و تأخیر وی در مراجعت ، زمینه ساز گرایش قوم موسی به گوساله پرستی شد .

بئسما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم

جمله <أعجلتم... > اشاره به علتی دارد که بنی اسرائیل را به گوساله پرستی واداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۸

۸ - بنی اسرائیل ،

دارای زمینه مساعد فکری برای پذیرش گوساله طلایی به عنوان معبود بودند .

فقالوا هذا إلهکم و إله موسى

انتخاب شکل گوساله برای القای بت پرستی و نیز ارتداد سریع بنی اسرائیل، به خصوص پس از مشاهده معجزات موسی(ع)، گویای برداشت یاد شده است.

ظلم گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیل زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و كانوا ظلمین

عوامل گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۳

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال يهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

<ما منعك ..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۳

۳ - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

يهرون ما منعك .. لا تأخذ بلحيتي و لا برأسي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - موسی (ع) ، پس از توییح بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمری

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۸

۸- فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل بود .

و كذلك سؤلت لی نفسی

<كذلك> در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل که دعوت مردم به گوساله پرستی است وجود ندارد.

فتنه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۷

۷ فرونشستن فتنه گوساله پرستی در میان قوم موسی ، فراهم آورنده زمینه ای مناسب برای مطرح شدن تورات از سوی آن حضرت

أخذ الألواح

بیان این واقعیت که موسی(ع) در پی فرونشستن فتنه گوساله پرستی، الواح را برگرفت، این حقیقت را روشن می سازد، که زمینه از دست رفته برای تعالیم تورات بار دیگر در میان قوم موسی ایجاد شد. گفتنی است آیه <۱۴۹> می رساند که عموم بنی اسرائیل از گوساله پرستی توبه کردند و آیه <۱۵۳> می رساند که خداوند توبه آنان را پذیرفت و در نتیجه فتنه گوساله پرستی فرونشست.

فرجام گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۳

۳ بنی اسرائیل پس از اذعان به گمراهی خویش ، به این حقیقت رسیدند که نجاتشان از فرجام شوم گوساله پرستی در گرو شمول رحمت خدا و مغفرت اوست .

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرین

## گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۷

۷ - بنی اسرائیل ، در غیاب موسی (ع) به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

<من بعده> یعنی پس از غیاب موسی (ع) و دور شدنش از بنی اسرائیل. <اتخذتم> از افعال تصییر است. کلمه <العجل> مفعول اول آن و مفعول دومش <الهاً> است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است؛ یعنی: <ثم جعلتم العجل الهاً لكم>.

۱۰ - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ فرقنا بكم البحر . . . و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

۱۱ - بنی اسرائیل ، هیچ بهانه و عذری برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه <أنتم ظالمون> (در حالی که ظالم بودید) ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن حالتی بوده مقارن گوساله پرستی؛ یعنی، گرایش بنی اسرائیل به شرک از سر ظلم بود و هیچ توجیهی هر چند واهی از قبیل جهل و مانند آن - که بتواند بهانه و عذری برای آنان باشد - در میان نبوده است.

۱۳ - داستان غیبت موسی (ع) از میان قوم خویش و گرایش آن قوم به گوساله پرستی ، داستانی عبرت آموز و شایسته یاد آوردن

و إذ وعدنا موسی أربعين ليلة ثم اتخذتم العجل من بعده

۱۵ - گوساله پرستی بنی اسرائیل از جمله ستمکاری های آنان بود .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۱،۴،۵

۱ - خداوند ، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد .

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

۴ - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله <عفونا عنکم> نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف <ثم> به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

۵ - امتنان خدا بر بنی اسرائیل به خاطر آمرزش گناه گوساله پرستی ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

روشن است که عفو از گناه پس از ارتکاب آن است. بنابراین <من بعد ذلک> بیانگر زمان آمرزش نخواهد بود؛ بلکه اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل استحقاق آمرزش را نداشت، ولی مع ذلک خداوند بر آنان تفضل کرده و گناهمشان را بخشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱،۷

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشان ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا>

أنفسكم > دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضكم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ ۲ هر کسی خود را بکشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: > ان الذين أمروا قوم موسى بعباده العجل ، كانوا خمسه أنفس ، و كانوا أهل بيت يأكلون على خوان واحد . . . و هم الذين ذبحوا البقره التي أمر الله عز و جل بذبح ها ؛

.. کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند ... و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود زبح کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۴،۸،۱۰

۴ - قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم أخذتم العجل من بعده

۸ - قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم أخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه > و أنتم ظالمون < ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است؛ یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

۱۰ - ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم های آنان

ثم



أَتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۴،۲۲

۱۴ - قلب ها و دل های یهودیان عصر موسی آکنده از عشق به گوساله پرستی بود .

و أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ

اشراب <مصدر اشرَبوا> به معنای آمیختن و نفوذ دادن است. مراد از <عجل> (گوساله) به قرینه <فی قلوبهم> محبت و عشق گوساله است نه خود گوساله. آوردن <عجل> به جای <محبت عجل>، بیانگر این است که: محبت گوساله چنان با قلبهای آنان عجین شده بود که گویا خود گوساله در دلهای آنان جای داشت.

۲۲ - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < و أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ > روایت شده که فرموده است: < فَعَمِدَ مُوسَى (ع) فَبَرَدَ الْعِجْلَ مِنْ أَنْفِهِ إِلَى طَرَفِ ذَنْبِهِ ثُمَّ أَحْرَقَهُ بِالنَّارِ فَذَرَّهُ فِي الْيَمِّ قَالَ: فَكَانَتْ أَحَدَهُمْ لِيَقَعَ فِي الْمَاءِ وَ مَا بِهِ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ فَيَتَعَرَّضُ بِذَلِكَ لِلرَّمَادِ فَيَشْرَبُهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: وَ أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ >

موسی (ع) قصد [نابودی] [گوساله] [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] [می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ قوم موسی در غیاب وی ( زمان حضورش در میعادگاه مناجات ) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند .

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیمهم عجلاً جسداً

۲ قوم موسی با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ .. من حلیمهم عجلاً جسداً

اتخاذ (مصدر <اتخذ>) در اینجا به معنای ساختن است. <عجل> به معنای گوساله نر و <حُلَى> (جمع حَلَى) به معنای زیورآلات است.

۱۱ بنی اسرائیل زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و كانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ؛ به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

۲ بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنكونن من الخسرین

۸ قوم موسی علی رغم پیشینه گوساله پرستی به رحمت و مغفرت الهی امیدوار بودند .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



موسی (ع) بر اثر شدت غضب به خاطر گوساله پرستی قومش، لوحه های تورات را بر زمین افکند.

لما رجع موسی إلى قومه غضبن أسفاً .. و ألقى الألواح

۸ آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی، از میان برنده زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

و ألقى الألواح

گویا هدف از بیان این بخش از داستان که موسی(ع) با مشاهده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکند، این نکته باشد که موسی(ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

۹ موسی (ع)، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت.

و أخذ برأس أخیه یجره إليه

۱۱ بازداری بنی اسرائیل از گرایش به شرک و گوساله پرستی، مسؤولیت هارون از دیدگاه موسی (ع)

و أخذ برأس أخیه یجره إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۷

۷ قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی بر خداوند افترا بستند.

و كذلك نجزی المفترین

مصدق مورد نظر برای <المفترین> مشرکان و گوساله پرستان بنی اسرائیل هستند. بنابراین شرکورزی آنان افترا بر خدا بود. <افتراء>، از <فربه>، به معنای دروغ بافتن است. و مراد از <مفترین>، به مناسبت مورد، کسانی هستند که بر خدا دروغ می بندند، یعنی به دروغ چیزی را به خدا نسبت می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - ارتداد بنی اسرائیل و پیدایش گوساله پرستی در میان آنان ، پس از عبورشان از دریا بود .

یبنی اسرئیل قد أنجینکم من عدوکم .. فتنا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱،۳

۱ - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توییح خود از جانب موسی (ع) ، سعی در بی تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند .

الم یعدکم .. أفضال .. أم أردتم ... قالوا ما أخلفنا موعدک بملکنا

جمله < ما أخلفنا > و نیز < حملنا > ، جمله‌گی توجیحات بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله پرستی از سوی آنان است .

۳ - بی اختیار قلمداد کردن خود ، از بهانه های بنی اسرائیل برای توجیه پیمان شکنی با موسی (ع) و پذیرش گوساله پرستی در میان خود

ما أخلفنا موعدک بملکنا

< موعد > مصدر و به معنای < وعد > است . < ملک > نیز مصدر است و مراد بنی اسرائیل ، نفی مالک بودن امور خویش است . از همین رو معنای < ما أخلفنا ... > چنین می شود: ما از پیمان و وعده تو ، به اختیار خود تخلف نکردیم .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۳

۳ - توییح و سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

استفهام در < أفلا یرون > برای انکار توییحی است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱



زمان غیبت موسی (ع) ، علی رغم هشدار های هارون (ع) صورت گرفته بود .

و لقد قال لهم هرون من قبل

<من قبل>؛ یعنی، پیش از بازگشت موسی(ع) از میقات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سر باز زدند .

فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي .. قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ

<لَنْ نَبْرَحَ>؛ یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد بازخواست و توبیخ قرار داد .

يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

گوساله پرستی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۹

۹ - سامری ، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید .

وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكِ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا

<إِلْهِكِ> علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان <إله> پذیرفته بود.

گوساله پرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل



قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قُلْ ... و لقد جاءكم موسى بالبينت ثم اتخذتم العجل

جمله <لقد جاءكم .. > عطف بر <لم تقتلون ...> در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ... ) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قُلْ بئسما يأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قُلْ بئسما .. > (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۵،۱۸

۱۵ کفر و گوساله پرستی یهود ، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت فغفونا عن ذلک

مبارزه با گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرک‌ورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود.

قال ابن أمّ إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطیعوا امری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان <اتبعونی>، حاکی از آن است که وی برای بنی اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را تدارک دیده بود.

مبارزه هارون(ع) با گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرک‌ورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أمّ إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

مدت گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۲

۲ - تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتی یرجع إلینا موسی

مکان گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، محل استقرار گوساله سامری را عبادت گاه خود قرار داده و ساعات فراوانی را به عبادت آن

اختصاص دادند .

لن نبرح علیه عکفین

ملازمت و مداومت، از لغت <عاکفین> به دست می آید.

منشأ گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

هارون(ع) و گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرکورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۵

۵ موسی (ع) در عین قانع شدن به بی تقصیری هارون در گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، وی را کاملاً دور از خطا

ندانست . \*

قال رب اغفر لی و لأخی

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.

گوساله سامری

القای گوساله سامری در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۲، ۱۱

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع)  
در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلى إلهك .. لنحرقته ثم لنسفنه في اليم نسفاً

<تحريق> (مصدر <لنحرقته>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن  
و به هوا

افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثُمَّ لَنَسْفَعُ...> یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر .. لَنَحْرَقَنَّ ثُمَّ لَنَسْفَعُ فِي الْيَمِّ

<انظر> فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در <لَنَحْرَقَنَّ> و <لَنَسْفَعُ>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

امتحان با گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۳

۳ - فتنه و امتحان بودن گوساله زرین سامری، از جمله هشدارهایی که هارون به بنی اسرائیل داده بود .

و لقد قال لهم هرون .. إِنَّمَا فَتَنْتُمْ بِهِ

جنسیت گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱

۱ - سامری، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل، تندیزی به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا

<عجل> یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلاً> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فَأَخْرَجَ لَهُمْ...> ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تبرئه خود از پرستش گوساله است.

روش نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ - تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لنحرَقنه

از معانی ذکر شده برای <حرق> و <تحریق>، سوهان کاری کردن و ساییدن است و <تحریق> بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

سوزاندن گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲۲

۲۲ - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم > روایت شده که فرموده است: < فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الی طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذره فی الیم قال: فکانت احدهم ليقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالك للرماد فیشربه و هو قول الله: و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم >

موسی (ع) قصد [نابودی] [گوساله] [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید:

و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرین سامری

وانظر إلى إلهك . . . لنحرقنه ثم لنسفنه فی الیم نسفاً

>تحریق< (مصدر <لنحرقنه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثم لنسفنه...> ؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا ، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر . . . لنحرقنه ثم لنسفنه فی الیم

>انظر< فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در <لنحرقنه> و <لنسفنه>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۳

۳ - تندیس گوساله زرین سامری ، نعره ای همانند بانگ گوساله داشت .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

>خوار< ؛ یعنی، صدای بلند گاو و گوساله (لسان العرب). از آن جا که تندیس ساخته شده سامری به شکل گوساله بود، پیدا است که صدای آن نیز همانند صدای گوساله بوده است.

جلد - نام



سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۶

۶ - صدای خارج شده از گوساله سامری ، خالی از هر گونه مفهوم لفظی بود .

له خوار .. أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

عجز گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۱

۱ - گوساله سامری ، پیکره ای عاجز از پاسخ گویی و ناتوان از نفع و ضرر رسانی

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً و لایملک لهم ضرراً و لانفعاً

<رجوع> در کلام فصیح عرب به صورت متعدی نیز استعمال می شود (مصباح) و <لایرجع..> یعنی گوساله، گفته ای را به آنان باز نمی گرداند و به آنان پاسخی نمی دهد و <لایملک...> یعنی، گوساله، مالک نفع و ضرر آنان نیست.

فلسفه نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۸ - ۱

۱ - متذکر ساختن مردم به توحید در پرستش ، هدف موسی (ع) از منهدم ساختن و خرد کردن گوساله سامری

لنحرقنه .. إنما إلهکم الله

برحسب ظاهر، این آیه ادامه سخن موسی (ع) با قوم خویش است. ارائه این بیانات، پس از محاکمه سامری و محکومیت وی و نیز تصمیم به نابود ساختن گوساله او، نتیجه گیری از مجموع واقعه و حاکی از این نکته است که موسی (ع) برای اخذ این نتیجه (ابطال شرک و اثبات توحید)، آن مقدمات را به کار گرفته بود.

گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - سامری ، تندیس گوساله زرین را به

عنوان < اله > بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج .. فقالوا هذا إلهكم و إله موسى

محافظت از گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۰

۱۰ - سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ظلت عليه عاكفاً

<ظلت>، تخفیف یافته <ظللت> (مداومت داشتی) است. <عكوف> به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و <ظلت عليه عاكفاً>؛ یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

موسی(ع) و گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۱

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلى إلهك .. لنحرّقه ثم لنسفنه في اليم نسفاً

<تحریق> (مصدر <لنحرّقه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتمی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثم لنسفنه...>؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۳



(ع)، برای نابود ساختن گوساله سامری، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان در این اقدام مصمم بود.

لنَحْرَقَنَّهٔ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهٔ

ضمیرهای جمع در افعال <لنَحْرَقَنَّهٔ> و <لَنَنْسِفَنَّهٔ> گویای نکته یاد شده است.

نقش صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۵

۵ - شنیده شدن صدای گوساله از تندیس دست ساز سامری، مایه فریفتگی بنی اسرائیل و باور به معبود بودن آن شد.

له خوار

ذکر هر یک از اوصاف گوساله، نشانگر دخالت آن در گرایش بنی اسرائیل است.

نقش گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۲

۲ - گوساله سامری، وسیله فتنه و آزمون بنی اسرائیل بود.

إِنَّمَا فَتَنَّاهُ بِهٖ

هزینه گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خواننده و خود را از هر گونه کمک مالی به آن تبرئه کردند.

مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا

یکی از معانی ذکر شده برای <ملک>، <مملوک> است (قاموس). مفاد آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله اموال خودمان، خود را در این انحراف سهیم نساختیم؛ بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

## گوسفند از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

احکام گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۱ خداوند هیچ حکم ویژه ای برای بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی قرار نداده است .

ما جعل الله من بحیره و لاسائبه و لاوصیله و لاحام

مراد از عدم جعل بحیره و ... به قرینه <قالوا حسبنا ما وجدنا...> در آیه بعد، نفی تشریح احکامی خاص درباره حیوانات ذکر شده است زیرا آنچه در بین کافران عصر بعثت و پدرانشان معروف بود، احکامی ویژه درباره بحیره و ... بوده است.

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل الله .. و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

۶ احکام ویژه وصیله ( گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر باشد ) بدعت و از افتراهای کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من .. و لاوصیله و لكن الذين كفروا يفترون

در دوره جاهلیت اگر گوسفندی دو قلو می زائید که یکی از آن دو نر بود، ذبح آن را تحریم می کردند و همزاد آن را <وصیله> می نامیدند یعنی ماده گوسفندی که سرنوشت همزادش را به سرنوشت خود گره زد و سبب شد که بر آستان بتها ذبح نشود. امام صادق(ع) در توضیح معنای <وصیله> در آیه فوق فرمود: <ان اهل الجاهلیه كانوا اذا ولدت الناقه ولدین فی بطن قالوا: وصلت، فلا یستحلون ذبحها و لا اکلها ...>

---

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۱۲ بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی ، را احکامی الهی

می پنداشتند .

ما جعل الله من بحيره ... يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون

۱۳ تنها اندکی از کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم طرفداری از احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی آگاه به بدعت بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون

استفاده از گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤنون - ۲۳ - ۲۱ - ۷

۷ - امکان بهره‌وری گسترده بشر از دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر احوال آفریده هایش

و ما کنا عن الخلق غفلین ... و انّ لکم فی الأنعم لعبره ... و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۳

۳ - اهمیت و نقش بسیار شیر شتر ، گاو و گوسفند و فراورده های آن ، در تغذیه انسان ها



و مشارب

برداشت یاد شده از آن جا است که شیر با آن که از منافع أنعام به شمار

می رود اختصاص به ذکر یافته است.

پیه گوسفند در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلک جزینهم بیغیهم

تحریم پیه گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۳،۵

۳ خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرمننا علیهم شحومهما إلا ما حملت

<شحم> به معنی چربی و پیه است و <ظهر> یعنی پشت و <حوایا>، جمع <حویه>، به معنی روده است.

۵ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلک جزینهم بیغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

تسخیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۲

۲ - رام و مسخر کردن دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنّها لهم

تشبیه به گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۹

۹ - از امام باقر (ع) درباره آیه فوق روایت شده: > مثل الذین کفروا فی دعائک إیاهم أی مثل الداعی

لهم إلى الإيمان كمثل الناق في دعائه المنعوق به من البهائم التي لا تفهم و إنما تسمع الصوت فكما ان الأنعام لا يحصل لها من دعاء الراعى إلا السماع دون تفهم المعنى فكذلك الكفار لا يحصل لهم من دعائك إياهم إلى الإيمان إلا السماع دون تفهم المعنى ;

مثل تو ای رسول ما در دعوت این کافران، به سان چوپانی است که گوسفندان را فرا می خواند و آن گوسفندان نمی فهمند او چه می گوید و تنها صدایی می شنوند. پس همان طور که گوسفندان از فریاد چوپان غیر از صدا، معنایی نمی فهمند، کافران نیز از دعوت تو آنها را به ایمان غیر از شنیدن صدا هیچ معنایی نمی فهمند <.

تعقل در خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر، گاو و گوسفند)

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

حلیت جنین گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حلیت گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد

ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعام إلا ما يتلى عليكم غير محلي الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم... کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن... قل الذکرین حرم أم الأنتین أما اشملت علیه أرحام الأنتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود

و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا

تحریم شده ، حلال و جایز است .

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

خالق گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام ( گاو ، شتر و گوسفند ) است .

و الْأَنْعَامُ خَلَقَهَا لَكُمْ

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ... وَمِنَ النَّاسِ وَالذَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ

<أنعام> جمع <نعم> (شتر) می باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

خوردن گوشت گوسفند در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الْأَنْعَامُ خَلَقَهَا لَكُمْ... وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ... وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه آنها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ



چنین استفاده ای بیان نگرديده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

ذبح گوسفند در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمانیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمانیه ازواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانیه ازواج>.

شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۲

۲ - شیر دام ها ( شتر، گاو و

گوسفند ) ، از منابع مهم تغذیه انسان

نسقیکم ممّا فی بطونها

شیر گوسفند از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۳

۳- بیرون آوردن شیر خالص و آماده نوشیدن ، از بین خون و سرگین داخل شکنجه شتر ، گاو و گوسفند ، از آیات خداوند

و إن لکم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

عبرت از خروج شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۴

۴- در خارج کردن شیر خالص از میان خون و فضولات غذایی شتر ، گاو و گوسفند ، درس عبرتی است برای انسانها

و إن لکم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

عبرت از گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۱

۱- در شتر ، گاو و گوسفند درس عبرتی برای انسانهاست .

و إن لکم فی الأنعم لعبره نسقیکم

<أنعام> نامی است برای شتر ، گاو و گوسفند.

فلسفه خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آفرینش دام‌ها ( شتر، گاو و گوسفند ) به منظور بهره‌گیری انسان از آنهاست .

و الأنعـم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲ - شتر، گاو و گوسفند، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر،

گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۵

۵ - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها يأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱

۱ - خداوند ، دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نَعْمٌ>) در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

فواید پشم گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹

۹- پشم ، کرک و موی دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لکم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثنا و متعا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

فواید پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- آفرینش دام‌ها ( شتر، گاو و گوسفند )، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و

قابل انتقال ( برای عشایر و صحرانشین ) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً

فواید شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۵

۵- شیر شتر ، گاو و گوسفند نوشیدنی ، سالم و سهل التناول است .

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

<خالصاً> (پالوده از هر چیز) حکایت از سلامت آن و <سائغاً> (آسان جریان یابنده) حکایت از سهل التناول بودن آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۲

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، دارای نوشیدنی های بسیار برای انسان

و مشارب

فواید کرک گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹

۹- پشم ، کرک و موی دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن ااثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثثا و متعا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد. چون خداوند حکیم

و داناست.

فواید گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۴

۴- دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، دارای فواید و منافع گوناگون برای انسان

و الأنعمة خلقها لكم فيها دفء و منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۱،۶

۱ - وجود و کارایی دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای انسان ، آکنده از درس ها و عبرت هایی از تقدیر و تدبیر الهی است

و إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَمِ لَعِبْرَةً

<أنعام>؛ یعنی، گله های شتر، گاو و گوسفند. <عبره> و <اعتبار> نیز به معنای پندگرفتن و اندرز یافتن است.

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از منابع درآمد و امرار معاش انسان

و منها تأكلون

جمله <و منها تأكلون> (از آنها می خورید) می تواند تعبیر کنایی از ارتزاق و کسب درآمد باشد؛ چنان که گفته می شود <فلانی از حرفه اش می خورد> که مقصود این است که فلانی از حرفه اش زندگی کرده کسب درآمد می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.





۱ - شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها رکوبهم و منها یا کلون . و لهم فیها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۸،۹

۸ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه آفرینش دام ها ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز )

و أنزل لكم من الأنعم

۹ - دام ها ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز ) دارای اهمیت و نقش ویژه در تغذیه و بهره‌وری انسان ها

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

از اختصاص به ذکر یافتن دام ها از میان دیگر حیوانات و نعمت های خدادادی، به وقت سخن گفتن از آفرینش انسان ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۴

۴ - خداوند ، برخی از دام ها ( چون شتر ) را برای سوار شدن و برخی دیگر ( مانند گوسفند ) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است .

الأنعم لتركبوا منها و منها تأکلون

فواید موی گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹

۹ - پشم ، کرک و موی دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثنا و متعا

از اینکه خداوند پشم،

کرک و موی دامها را در جهت تهیه ااثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

کیفیت خروج شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۲

۲- خداوند، بیرون آورنده شیر خالص از میان خون و سرگین های داخل شکبه شتر، گاو و گوسفند جهت استفاده انسانها

و إن لکم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

<فرث> سرگینی است که داخل شکبه است و هنوز از آن خارج نشده است.

گوسفند در کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۴۸،۲۶

۴ جریمه و سزای کشتن شکار، قربانی کردن دام اهلی ( شتر، گاو و گوسفند ) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق (ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الطبی شاه و و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا

در حرم مکه ( شتر ، گاو و یا گوسفند ) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدياً بلغ الكعبه

۲۶ شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

گوسفند قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۳

۱۳ گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبات أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره <طیبت> در آیه فوق فرمود: ... یعنی

---

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۳

۳ خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم ... کلوا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۵

۵ - گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم ... و منها تأکلون

مالکیت بر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۳

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

<أنعام> جمع <نعم> است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

منشأ تسخیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) را رام انسان و در خدمت



او قرار داده است .

أَنَا خَلَقْنَا لَهُمْ أَنْعَمًا .. و ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ

<تذليل> (مصدر <ذللنا>) به معنای خوار کردن و به خضوع واداشتن چیزی است. و مقصود از آن در آیه شریفه، رام کردن و در اختیار قرار دادن انعام برای بشر است.

نعمت پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا

نعمت زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز ) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<أنعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <أزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۴

۴ - دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) و فرزندان ، از نعمت ها و امداد های الهی به بشر

أمدکم بأنعم و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

و لهم فیها منفع و مشارب أفلایشکرون

**گوش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما**

گوش

آثار سنگینی گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- هدايت پذيرى كسانى كه بر دل هايشان پرده افكنده شده و بر گوش هايشان سنگينى نشسته ( محرومان از درك و فهم آيات الهى ) ، ناممكن است .

و إن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذا أبداً

<لن> برای نفى هميشگى است كه در آيه مورد بحث، با كلمه <أبداً> نيز بر آن تأكيد مجدد شده است؛

یعنی، چنین افرادی، هرگز و هیچ گاه، هدایت نخواهند شد و باید از آنان مأیوس بود.

آثار سنگینی گوش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۲

۲- مشرکان مکه ، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشهایشان ، از ادراک صحیح آیات خدا ، محروم بودند .

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا و جعلنا علی قلوبهم أکن

آگاهی گوش از عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۴

۴ - آگاهی گوش ، چشم و پوست آدمی ، از اعمال و رفتار او

شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم بما کانوا یعملون

گفتنی است که گواهی دادن فرع بر آن است که گواهی دهنده به آنچه گواهی می دهد آگاه باشد.

ادراک گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - دریافت های ادراکی انسان ، از طریق گوش ، تنها به یک کیفیت است ، ولی از طریق چشم و قلب ، متنوع است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

مفرد آورده شدن <سمع> و جمع آورده شدن <أبصار> و <أفئده> شاید به خاطر این واقعیت خارجی باشد که انسان از طریق گوش، تنها صدا را می شنود در حالی که از طریق چشم، رنگ ها، جسم ها، سکون و حرکت و .. و نیز از طریق قلب، دریافت های گوناگونی دارد.

استفاده از گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶

۷- بهره نگرستن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لا تقف .. إن السمع ... کان عنه مسؤلاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

انگشت به گوش کردن قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۲

۲ - انگشت ها را در گوش ها نهادن و جامه ها را بر سر کشیدن ، واکنش معمول قوم نوح در برابر دعوت آن حضرت

و اِنّی کَلّمَا دعوتهم .. جعلوا أصبعهم فی اذانهم و استغشوا ثيابهم

پرسش از گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹،۱۱

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک کان عنه مسؤلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤال نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱- > عن الحسن بن هارون قال : قال لی أبو عبدالله ( ع ) : > إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک کان عنه مسؤلاً > قال :

یسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إلیه

و الفؤاد عما عقد عليه ;

حسن بن خارون گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: [مراد از آیه] <إِن السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئولًا> [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود.

خالق گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفتده

سنگینی گوش اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۴

۴- خداوند ، با تصرف در حسّ شنوایی اصحاب کهف ، آنان را در خوابی چندین ساله ، در غار نگاه داشت .

فَضْرَبْنَا عَلَى ءَاذَانِهِمْ فِي الْكُهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

سنگینی گوش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳- محروم شدن حق ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فَأَعْرَضَ عَنْهَا .. . إِنَّا جَعَلْنَا ... فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا

سنگینی گوش دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱۰- خداوند ، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی ، بر دل هایشان ، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان ، سنگینی ، می افکند .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَ

فی اذانهم وقرًا

<أُكْنَه> جمع <کِنَان> به معنای <پرده و پوشش> است. <وَقَر> به معنای <سنگینی> است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه کران، در آن است. ضمیر <یفقهوه> به <آیات> بازمی گردد که چون مراد از <آیات>، واژه <قرآن> است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از <أَنْ یَفْقَهُوه>، <لثلایفقهوه> و یا <کراهه أَنْ یَفْقَهُوه> است.

سنگینی گوش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۳

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أَنْ یَفْقَهُوه و فی اذانهم وقرًا

سنگینی گوش مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۸

۸ - رواج دهندگان سخنان باطل، به قدری از آیات خدا گریزانند که گویا سنگینی گوش دارند.

كَأَنَّ فِی أُذُنِهِ وَقرًا

سنگینی گوش معرضان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۸

۸ - رواج دهندگان سخنان باطل، به قدری از آیات خدا گریزانند که گویا سنگینی گوش دارند.

كَأَنَّ فِی أُذُنِهِ وَقرًا

سنگینی گوش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۱

۱۱- برخی از مردم ، در برابر آیات قرآن ، مانند کسانی اند که گوش شان ، سنگین ، و فهم آنها از کار افتاده است .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا

تعبیرهای >علی قلوبهم

آکنه > و <فی اذانهم وقرأ> تعبیراتی کنایی هستند، نه این که واقعاً، گوش و قلب آن ها، خللی ظاهری پیدا کرده باشد.

عوامل حجاب گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۵

۵ - آدمی ، خود ایجاد کننده حجاب شنیدن و دیدن ، بر چشم و گوش خویش است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

ایجاد <غشاوه> بر چشم و گوش - به خلاف مسدود کردن قلبها - به خداوند نسبت داده نشده است. از این مقابله چنین بر می آید که کافران، خود ایجاد کننده <غشاوه> بر گوش و چشم خویش هستند.

فواید گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۳

۳ - قلب ( دل و اندیشه ) ، گوش و چشم از ابزار شناخت

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۶

۶- قوای شنوایی و بینایی و قلب ، ابزار شناخت است .

و لاتقف .. إن السمع و البصر و الفؤاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۵

۵- حس شنوایی ، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست .

علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۶

۶ - حواس ظاهری ، همانند شنوایی ، از ابزار شناخت است .

لاتسمع الصم الدعاء

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۷

۷ - شنوایی و بینایی از جمله ابزار فهم و دریافت هدایت است .

و ما أنت بهد العمی . . . إن تسمع إلا من يؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۶

۶ - گوش ، از ابزار کسب اطلاعات و شناخت است .

كأن لم يسمعها كأن في أذنيه وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۸

۸ - گوش و چشم ، از ابزار شناخت حق

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدى العمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - ابزار حسی چشم و گوش ، وسیله رهیافت حقایق به محدوده ادراک بشر \*

جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده فما أغنى عنهم سمعهم و لا أبصرهم و لا أفئدتهم

تقدم لفظی <سمع> و <بصر> بر <أفئده> ممکن است بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

قصاص گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و كتبنا عليهم ... و العين بالعين و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

گواهی اخروی گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۸

۸- شهادت خواهی از چشم ،

گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۳

۳ - گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء الله .. شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

گوش جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵۸

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک ( قلب ، چشم و گوش ) هستند .

لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم أعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها

۸ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشان را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می سازند .

و لهم أعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها

مسئول گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۳

۳- انسان ، در قبال فعالیت چشم ، گوش و قلب خویش ، در پیشگاه خداوند مسئول است .

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا



موجبات سنگینی گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ -

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند <کل آیه .. > و <یجادلونک ... >، استفاده شده است.

نعمت گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۶

۱۶ - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها، به درگاه وی شکرگزاری شود.

ثم سوّیه و نفخ فیہ من روحه و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشکرو

نقش گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۵

۵ گوش، ابزار شناخت و قلب و دل، جایگاه فهم

و منهم من یستمع الیک و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن يفقهوه و فی اذانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۵

۵- قلب، چشم و گوش، از ابزار شناخت

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۵

۱۵- گوش ، ابزار شناخت ، و قلب و دل ، جایگاه فهم است .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۷

۷- قلب و گوش

، ابزار شناخت و درک حقایق

فتکون لهم قلوب يعقلون بها أو أذان يسمعون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۱۲، ۱۱

۱۱ - آیه بودن خواب در شب و تلاش در روز برای کسب روزی ، برای دارندگان گوش شنوا ، قابل درک است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

۱۲ - گوش شنوا ، وسیله ای برای شناخت آیات الهی است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۶

۶ قوای ادراکی ( چشم و گوش و قلب انسان ) از نشانه های خداوند است .

اللّٰهُ الَّذِي أَحْسَنَ ... و بدأ خلق الإنسن ... و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - گوش ، چشم و قلب از مهم ترین ابزار شناخت و ادراک در انسان

و أضله الله على علم وختم على سمعه و قلبه و جعل على بصره غشوه

## گوشت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گوشت

اجتناب از گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ امساک بی بدیل از خوردن گوشت چهارپایان (زهد بیجا) پیروی از راه شیطان است.

و من الأنعم .. کلوا ... و لا تتبعوا خطوت الشیطن

استفاده از گوشت خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۶، ۳۹، ۳۵، ۱۱، ۱

۱ حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوگ

حرمت علیکم المیتة و

۱۱ استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، حیوان خفه شده، زده شده، پرت شده، شاخ خورده، دریده شده و بدون تذکيه، فسق و خروج از طاعت خداوند است.

حرمت علیکم .. ذلکم فسق

بنابر اینکه <ذلکم> اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

۳۵ استفاده از مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود، در حال اضطرار جایز است.

حرمت علیکم .. فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لاثم فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۳۹ استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، تنها به مقدار ضرورت جایز است.

حرمت .. فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لاثم فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۵۶ بهره گیری مضطر از مردار، خون، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و ...، مشروط به آن است که از روی عمد و قصد گناه نباشد.

فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح <غیر متجانف> در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

---

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۶

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکيه نشده بر مضطر جایز است.

إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا .. فَمَنْ اضْطُرَّ ... فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

استفاده از گوشت قربانی حج



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - استفاده از تمام گوشت قربانی ، جایز نیست .

فكلوا منها و أطمعوا البائس الفقير

<من> در <منها> تبعیضیه است. بنابراین <كلوا منها> یعنی، <بخورید بخشی از آن را[نه همه آن را]>.

اهمیت گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۳

۳ - میوه و گوشت ، دو غذای مهم در بهشت

و أمددناهم بفكهة و لحم

پیدایش گوشت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۴

۴ - پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین ، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند .

فكسونا العظم لحماً

<كشو> (مصدر <كسونا>) به معنای پوشانیدن است.

تحریم گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.



قلء الذكرين حرم .. ومن أظلم ممن افترى على الله كذبا

تحريم گوشت قربانی در جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فكلوا منها

تجويز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است كه استفاده از آن را حرام می دانستند.

تحريم گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحريم استفاده از گوشت شتر،

گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل الذکرین حرم... ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تشبیه به خوردن گوشت مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۱۶، ۱۹

۱۶ - ریختن آبروی برادر مؤمن با غیبت، به منزله خوردن گوشت بدن بی جان او است.

أیحبُّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً

۱۹ - تجسس در عیب ها و کاستی های مؤمنان، همانند غیبت به منزله خوردن گوشت آنان است. \*

ولا تجسسوا... أیحبُّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً

برداشت بالا بدان احتمال است که <أیحبُّ...> تنها در جهت ترسیم قبح غیبت نباشد؛ بلکه علاوه بر غیبت شامل تجسس نیز بشود.

تنوع گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۱، ۲

۱ - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طیر ممّا یشتهون

<طیر> (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. <ممّا یشتهون> (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

۲ - جوانان خدمت گذار، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت با گوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

<لحم طیر> عطف بر <أکواب> است؛ یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر>.

چهارپایان حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲،۳

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم ... کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

۳ خداوند

گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم .. كلوا مما رزقكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشملت علیه أرحام الأثنین

حرمت گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴، ۶

۶ حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال

احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصيد

حرمت گوشت خوگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار، خون، گوشت خوگ و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده، حرام است.

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

<اهلال> (مصدر (أهل)) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآیند - نام بردن است و

لام در <لغير الله> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغير الله>؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او



شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱

۱ حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم الميته و الدم و لحم الخنزیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

حرمت گوشت مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

حلیت گوشت بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن... قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشملت علیه أرحام الأثنین

حلیت گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۵،۱۴

۵ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهيمة الأنعام إلا ما يتلى عليكم

<بهیمه> اسم است برای هر حیوان چهارپای صحرائی و یا دریایی (مجمع البیان). و <انعام> به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات)

راغب). و اضافه <بهیمه> به <انعام>، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمه تعلق گرفته نه به خصوص خوردن از گوشت آنها، معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر ، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهیمه الانعم الا ما يتلى عليكم غیر محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فكلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

حلیت گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر ، گاو و گوسفند ) و



حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعم الا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم... کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین... قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام> یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام> گفته می شود

و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْاَنْعَمُ اِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ

حلیت گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْاَنْعَمِ اِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مَحَلَى الصَّيْدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأَنْعَمِ .. . كلوا مما رزقكم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإِبِلِ اثْنَيْنِ .. . قل الذکرین حرم أم الأثْنین أما اشتملت علیه أرحام الأثْنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فكلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و

## أَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ> به تقدیر <أَحَلَّتْ لَكُمْ أَكْلَ لِحُومِ الْأَنْعَامِ> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹ - استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ

حلیت گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مَحَلِّي الصَّيْدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

وَمِنَ الْأَنْعَامِ ... كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قل الذكرين حرم أم الأنثيين أما اشتملت عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹ - استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ

حیوانات حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنين .. قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

خوردن گوشت اسب در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها



لکم . . . و منها تأکلون ... و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و

خوردن گوشت استر در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها لکم . . . و منها تأکلون ... و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و

خوردن گوشت الاغ در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها لکم . . . و منها تأکلون ... و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و

خوردن گوشت چهارپایان در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لکم . . . و منها تأکلون ... و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ

چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول

نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده ولی

خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت شتر در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت گاو در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده

از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده و ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت گوسفند در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوا و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده و ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

فلسفه حرمت گوشت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۳

۲۳ - > محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابي جعفر ( ع ) قال قلت له لم حرم الله عزو جل الخمر و الميتة و الدم و لحم الخنزير ؟ فقال : ان الله تبارك و تعالی . . . خلق الخلق . . . و علم ما يضرهم فنهاهم عنه و حرمة عليهم ثم احله للمضطر في الوقت الذي لا يقوم بدنه

إلا به فأمره أن ينال منه بقدر البلغه لاغير ذلك ... ;

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . . . و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن ... < .

گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۱

۱ - بهره مندی تقوایندگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جَنّت و نعیم . . . و آمدنهم بفقکه و لحم ممّا یشتهون

گوشت پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتان ( سابقون )

و لحم طیر ممّا یشتهون

<طیر> (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. <ممّا یشتهون> (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

۲ - جوانان خدمت گذار ، پذیرایی کننده پیشتان ( سابقون ) در بهشت با گوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

<لحم طیر> عطف بر <أکواب> است ؛ یعنی ، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر> .

گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- قابلیت بهره برداری از فرآورده های دامی ( گوشت ، لبنیات و

(...) برای تغذیه آدمی ، از مواهب و نعمت های الهی است .

و الأنعمة خلقها لكم .. و منها تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۵

۵ - گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأكلون

گوشت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۹،۱۱،۷

۷ حرمت خوردن برخی از اجزای چهارپایان حلال گوشت

أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم

بنابر اینکه استثنای در <الا ما يتلى> نسبت به اجزای مستثنی منه باشد نه از افراد آن.

۹ خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه <صید> به معنای اسم مفعول باشد ؛ یعنی حیوان شکار شده.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۸

۸ حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت .. و این تستقسموا بالازلیم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

گوشت حیوانات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۳- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيهَ تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَكَ

<طری> به معنای جدید و تازه و <حلیه> به معنای زیور است.

۸- گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های خداوند است .

و هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيهَ تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و مِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا .. وَ تَرَى الْفَلَكَ فِيهِ مَوَاطِرَ

۱۱ - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های الهی برای بشر

مِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُونَ مِنْهُ حَلِيهَ تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفَلَكَ فِيهِ مَوَاطِرَ

گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ حَلِيَّتٍ بَرَحِيٍّ مِنْ خُورْدِنِيْهَا ( شتر و شیر آن ) بر مسلمانان ، مورد اعتراض یهود

كُلِ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ .. ان كنتم صادقين

در شأن نزول آیه آمده است که یهودیان برای ردّ سخن پیامبر (ص) که خود را بر آیین ابراهیم (ع) می دانست گفتند: با آن

که گوشت شتر در آیین ابراهیم (ع) حرام بوده چرا در آیین اسلام تحریم نشده است؟





حلیت همه خوردنی‌ها بر بنی اسرائیل، جز گوشت شتر که اسرائیل (ع) (یعقوب) قبل از نزول تورات بر خود حرام کرده بود.

كل الطعام كان حلالاً لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل على نفسه

امام صادق (ع): .. ان اسرائیل کان اذا اكل من لحم الابل هیج علیه وجع الخاصره فحرّم علی نفسه لحم الابل و ذلك قبل ان تنزل التوراه.

---

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۹۱، ح ۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۳

۱۳ گوشت شتر، گاو و گوسفند، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

امام صادق (ع) درباره <طیبت> در آیه فوق فرمود: ... یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ...

---

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۳

۳ خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم .. کلوها مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۵

۵ - گوشت دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند)، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر

، گاو و گوسفند

الأنعم . . . و منها تأكلون

گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فكلوا منها

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطلعوا البائس الفقير

گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهلیت

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۳

۱۳ گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره <طیبات> در آیه فوق فرمود: ... یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ...

---

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۳

۳ خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم... کلوا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۵

۵ - گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . . . و منها تأكلون

گوشت گاو در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

گوشت گوساله در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۳

۱۳ گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره <طیبت> در آیه فوق فرمود: . . . یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ...

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۳

۳ خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم... کلوا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۵

۵ - گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم .. و منها تأكلون

نزول گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۹

۹ نزول نان و گوشت ( مائده آسمانی ) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی ( ع )

قال الله اني منزلها عليكم

رسول خدا(ص) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً و لحماً . . .

---

مجمع البيان، ج ۳، ص ۴۱۰، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۱، ح ۴۳۷.

## گیاهان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گیاهان

آثار تنوع رنگ گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۱۲

۱۲- گوناگونی رنگ عسل ، نتیجه استفاده زنبور های عسل از گیاهان گوناگون است .

ثم کلی من کل الثمرت .. یخرج من بطونها شراب مختلف ألونه

ذکر گوناگونی عسل پس از بیان تغذیه زنبورهای عسل از میوه ها و گیاهان مختلف، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

آثار تنوع گیاهان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۵

۵ - تنوع نباتات ، فراهم آورنده زمینه مناسب برای تغذیه انسان و انواع دام ها

نبات شتی . کلوا وارعوا أنعمکم

آثار ذکر رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۴

۴ - توجه به رویش گیاهان و سبزیجات ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفره .. فأنبتنا فیها ... عبئا و

آثار رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۸

۸ رویش گیاهان زنده از دل مرده زمین ، نمودی از رستاخیز دوباره انسان از درون خاک

ذلك رجع بعيد .. و أنبتنا فيها من كل زوج بهيج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۸

۸ رویش دوباره گیاهان در پی خزان ، نمودی از حیات دوباره انسان ها پس از مرگ

و أحيينا به بلدة ميتا كذلك الخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبا - ۷۸ - ۱۵ - ۴

۴ - پیدایش محصولات کشاورزی و رویدن گیاه در زمین ، دلیل امکان معاد و حیات دوباره انسان است .

عم يتساءلون .. ألم نجعل ... لنخرج به حبا و نباتا

آثار مطالعه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۰

۳۰ - مطالعه در چگونگی رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، زایل کننده هر گونه شک و تردید در امکان

برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر احیای دوباره مردگان

يأيتها الناس إن كنتم في ريب من البعث .. و ترى الأرض هامده ... من كل زوج بهيج

استفاده از گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۶

۶- بهره برداری از آب و گیاه حق همگانی است

هو الذی أنزل من السماء ماء لکم منه شراب و منه شجر فیه تسیمون . ینبت لکم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۲

۲- رویش گیاهان و درختان میوه به منظور بهره برداری انسان است

يَنْبِت لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۳

۳ - جواز بهره برداری انسان از رویدنی های زمین برای تغذیه

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۲

۲ - رویش گیاهان مختلف ، با کاربرد های گوناگون ، از آمیختن دو عنصر آب و خاک ، به منظور استفاده انسان ها و دام ها ، از آیات الهی است .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُ

اطاعت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶ - ۱

۱ - گیاهان از بوته ها تا درختان ، در اطاعت و فرمانبری از قوانین الهی

و النجم و الشجر يسجدان

<نجم> در معنای ستاره و گیاه بی ساقه (بوته) به کار می رود و <شجر> به گیاهان ساقه دار گفته می شود (مفردات راغب). قرار گرفتن <نجم> در کنار <شجر> قرینه است بر این که مراد از آن، معنای دوم (بوته) است.

اهمیت رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ طبیعت ( نزول باران ، رویش گیاهان و ... ) از منابع تفکر و نشانه های ربوبیت خداوند است .

كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ

به نبات الأرض .. كذلك نفصل الأيت لقوم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۶

۶ - اهمیت ویژه باران و رویش گیاهان در مجموعه نعمت های بی کران الهی برای انسان

و أنزل لكم من السماء ماء فأنبتنا به حدائق

اختصاص به ذکر یافتن نزول باران و رویش گیاهان از میان سایر نعمت ها، دلالت بر اهمیت ویژه آنها برای آدمیان دارد.

اهمیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۷

۷ گیاهان ، از منابع غذایی انسان ها و چهارپایان است .

فاختلط به نبات الأرض مما يأكل الناس و الأنعم

باروری گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۵

۵ - احاطه علمی خدا به تمام تحولات پیچیده شکوفه ها و کیفیت بارور شدن و ثمردهی آنها

و ما تخرج من ثمرت من أكمامها .. إلا بعلمه

بذر گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۱

۱ خداوند شکافنده دانه ها و هسته ها برای رویدن است.

إن الله فائق الحب و النوى

<حب> به دانه هایی مانند گندم و جو گفته می شود (راغب) و <نوی>، جمع <نواه>، به معنای هسته است.

پایان عمر گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - روئیدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه

هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

كَمْثَلٌ غَيْثٌ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتْرِيْهِ مَصْفَرًا ثُمَّ يَكُوْنُ حَطَمًا

هر یک از <نبات> (رویاندن) <هیجان> (حرکت)، <اصفرار> (زرد شدن) و <حطام> (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

پیدایش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۴

۴ - پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطَّامَّةُ الْكُبْرَى

<کبری> اسم تفضیل است و قیامت را در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

تبدیل گیاهان به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۲

۲ - خداوند ، در صورتی که بخواهد ، می تواند زراعت ها را به خس و خاشاک تبدیل کند .

لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَاهُ حُطَمًا

<حطام> به چیز خشک و شکسته شده گفته می شود (قاموس المحيط).

تخریب گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۷

۷ - در صورت وزش باد های مخرب ، گیاهان ، سرسبزی خود را از دست داده و به زردی می گریند .



و لئن أرسلنا ريحاً فرأوه مصفرةً

مرجع ضمير مفعولی <رأوه>، <نباتِ> استفاد از آیه پیش (آثار رحمه الله) است.

ترکیبات گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۶

۶ گیاه، ترکیبی است آمیخته به آب.

فاختلط به نبات الأرض

تشبیه

به خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و الله أنبتکم من الأرض نباتاً

تشبیه به رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - شباهت رستاخیز انسان ها در قیامت ، به رویش گیاهان پس از ریزش باران

و من ءایته أنك تری الأرض خشعه .. إن الذی أحيها لمحی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۸ - ۵

۵ - چگونگی زنده شدن انسان ها در قیامت ، همچون رویدن نباتات است .

و الله أنبتکم من الأرض نباتاً .. و یخرجکم إخراجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۶

۶ - معاد انسان ، شبیه رویش گیاهان از زمین است .

لنخرج به حبّاً و نباتاً

یاد آوری اخراج دانه و گیاه از زمین در آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده گویای تشابه معاد با رویش گیاهان است.

تشبیه به گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - حیات دنیا ، همچون رستنی های کشتزار ، فریبا و ناپایدار است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا .. کمثل غیث أعجب الکفار نباته ... ثمّ یكون حطماً

تعقل در رشد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۳ - ۱،۴

- فرایند جوانه زدن دانه ها از دل خاک ، رشد و نمو کردن و بالاخره به ثمر نشستن آنها ، شایان مطالعه و تأمل

أفرءیتم ما تحرثون

<حرث> (مصدر <تحرثون>)، به عمل شخم زدن زمین و پاشیدن دانه ها در آن گفته می شود. با توجه به آیات بعد، آیه شریفه، درصدد تشویق منکران معاد به مطالعه کردن در چگونگی رشد و نمو و به ثمر رسیدن بذراست که آنان تنها نقش شخم زدن زمین و پاشیدن دانه ها را به عهده دارند؛ و نه بیشتر از آن.

۴ - توصیه منکران معاد از سوی خداوند ، به مطالعه در چگونگی رشد و نمو دانه های پاشیده شده در زمین بهوسیله کشاورزان ، برای پی بردن به قدرت الهی و پذیرش امکان معاد

أفرءیتم ما تحرثون

تعقل در رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۷

۷ تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالحق الحب و النوى .. ذلکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۸ - ۷

۷ - مطالعه در آفرینش و رویش مداوم نباتات ، راهبر انسان ها به مسأله معاد و آسان کننده درک و ایمان به آن است .

و الله أنبتکم من الأرض نباتاً .. و یخرجکم إخراجاً

تغذیه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۴،۷،۸



، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد ، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند .

جئت من أعنب و زرع و نخیل . . . یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

۷ گوناگون شدن میوه های درختان و محصولات کشاورزی ، علی رغم بهره‌وری آنها از آب با طبیعتی واحد ، از نشانه های توحید و یکتایی خدا در تدبیر هستی

یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل إن فی ذلك الأیت لقوم یعقلون

۸ مشروب شدن گیاهان و درختان گوناگون به وسیله آبی با طبیعت واحد ، از نشانه های خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یسقی بماء وحد . . . إن فی ذلك لأیت لقوم یعقلون

تناسب عناصر گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۶

۶- اجزای موجودات روئیده از زمین ، متناسب و موزون است .

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <موزون> تناسب و موزون بودن اجزای اشیا باشد.

تنوع گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۵

۵ گیاه ، دارای گونه هایی است گوناگون و متناسب با خوراک انسان و دام ها .

نبات الأرض مما يأکل الناس و الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - خداوند ، گیاهان زمین را از انواع گوناگون قرار داده است .

فأخرجنا به أزواجًا من نبات

<أزواج> جمع زوج است و معنای اصلی زوج، صنف و نوع هر چیز است و به دو چیز هم شکل یا مخالف که در کنار هم قرار گیرند زوج گفته می شود (لسان العرب). اطلاق <أزواج> به نباتات ممکن است از جهت تشابه افراد یک نوع به یکدیگر باشد که بر مجموعه افراد مشابه، <زوج>، <صنف> و یا <نوع> اطلاق می شود. همچنین ممکن است از جهت تقسیم شدن آنها به صنف نر و صنف ماده باشد.

۱۳ - وجود تفاوت چشمگیر در بین انواع گوناگون نباتات ، از جلوه های ربوبیت الهی است .

فأخرجنا به أزواجًا من نبات شّتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۹،۳۲

۲۹ - رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، جلوه ای از قدرت خداوند

يأيتها الناس إن كنتم في ريب من البعث.. و تری الأرض هامده... من كلّ زوج بهيج

۳۲ - گیاهان ، دارای اصناف و دسته های گوناگون

من كلّ زوج بهيج

<زوج> در این جا به معنای صنف و دسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۲

۲ - گوناگونی نباتات ، از زمینه های مطالعه برای پی بردن به امکان معاد و قدرت خدا بر احیای مردگان

فسياًتهم أنبؤا .. يستهزون . أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

در این جا روی سخن با کسانی است که منکر معاد بوده و پذیرفتن آن برای آنان دشوار می نمود. آیه یاد شده برای برطرف کردن استبعاد کافران و ارائه نشانه های امکان معاد است.



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۱

۱ - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا .. إن في ذلك لآية

واژه <ذلك> اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات در صدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۲

۲ - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از عزّت و شکست ناپذیری خداوند

أولم يروا كم أنبتنا .. إن في ذلك لآية... و إن ربك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۲

۲ - رویش گیاهان مختلف ، با کاربرد های گوناگون ، از آمیختن دو عنصر آب و خاک ، به منظور استفاده انسان ها و دام ها ، از آیات الهی است .

أولم يروا أننا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعاً تأكل منه أأنعمهم و أنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۹

۹ تنوع و گوناگونی گسترده گیاهان ، از آیات الهی است .

و أنبتنا فيها من كل زوج بهيج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶ - ۲

۲- نظام گیاهان با تنوع و قانون مداری خاص خویش ، نشانی از خداوند و

رحمت او

و النجم و الشجر يسجدان

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر به دست می آید: الف) تعبیر <یسجدان> اشاره به انقیاد تکوینی و قانون مداری دارد؛  
ب) آیات شریفه در مقام ارائه نمودهای آفرینش و رحمانیت خداوند است.

ثمردهی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۵

۵- احاطه علمی خدا به تمام تحولات پیچیده شکوفه ها و کیفیت بارور شدن و ثمردهی آنها

و ما تخرج من ثمرت من أكمامها .. إلا بعلمه

خالق گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۳

۳ خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من كل الثمرت جعل فيها زوجین اثنين

<ثمرات> (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

خزان گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۵ - ۷

۷- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحيوه الدنيا كما أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشيمًا تذروه الری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۱

۱ - < رویش و خزان > و < حیات و مرگ > مداوم در پهنه زمین ، از نمود های تدبیر خداوند

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ

فعل های < یبدأ > و < یعید > مضارع و مفید استمرار است. آیه یاد شده به چرخه منظم حیات و مرگ و بهار و خزان

در عرصه زمین اشاره دارد؛ یعنی، کیست که پدیده‌ها را به طور مداوم پدید می‌آورد و آن‌گاه آنها را به حال سابقشان برمی‌گرداند؟

خشکیدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۹

۹ - زرد و خشک شدن، نشانه پایان رشد کشت‌ها

ثُمَّ يَهِيحُ فَتْرِيهٖ مَصْفَرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - رویدن از خاک، رشد و بالیدن، زرد شدن و آن‌گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن، مراحل عمر دانه‌هایی است که کشاورزان کشت می‌کنند.

كَمْثَلٌ غَيْثٌ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتَهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتْرِيهٖ مَصْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حَطَمًا

هر یک از <نبات> (رویاندن) <هیجان> (حرکت)، <اصفرار> (زرد شدن) و <حطام> (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده‌اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۵ - ۶

۶ - توجّه به رویدن و خشکیدن گیاهان، زمینه ساز یاد معاد

أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ . فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ

ارتباط آیات آغاز سوره، با جمله‌هایی نظیر <يَصْلَىٰ النَّارَ الْكُبْرَىٰ> و <وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ> (در ادامه سوره) بیانگر آن است که این آیات، زمینه توجّه به مفاد آیات مربوط به معاد را فراهم می‌سازد.

خوشه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۶

۶ خداوند از گیاهان سبز سنبله هایی با دانه های چیده شده بر روی هم بیرون می آورد.

فَأُخْرِجْنَا مِنْهُ خَضِرًا

نخرج منه حبا متراكبا

دانه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۹ - ۹

۹ افتادن دانه ای در تاریکیهای زمین و در دل خاک تیره از حیطة علم خداوند خارج نیست.

و ما تسقط من ورقه . . . و لا حبه فی ظلمت الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۶

۶ خداوند از گیاهان سبز سنبله هایی با دانه های چیده شده بر روی هم بیرون می آورد.

فأخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا

رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ - زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

مراد از <احیای ارض> (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۳،۶

۳ رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالحق الحب و النوى يخرج الحى من الميت و مخرج الميت من الحى

۶ قدرت خداوند بر رویاندن گیاه زنده از دل دانه و هسته مرده، نمودی از قدرت او بر زنده ساختن آدمی پس از مرگ است.

لقد جئتمونا فردی كما خلقنكم أول مره . . إن الله فائق ... مخرج الميت من الحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۱۰، ۱۱، ۱۲



حیاتبخشی دوباره به مردگان به هنگام برپایی قیامت ، همانند رویش گیاهان مرده و به ثمر نشانیدن آنهاست .

فاخرجنا به من كل الثمرت كذلك نخرج الموتی

۱۱ زنده شدن گیاهان مرده ، دلیل امکان معاد و زنده شدن مردگان

كذلك نخرج الموتی لعلکم تذکرون

تشبیه زنده کردن مردگان به چگونگی رویش گیاهان و تبدیل دانه های بی جان به موجوداتی زنده، استدلالی است بر امکان معاد و زنده شدن مردگان.

۱۲ مطالعه عوامل طبیعی در حیاتبخشی به گیاهان ، موجب پذیرش معاد و پی بردن به قدرت خداوند است .

هو الذی یرسل الریح .. فاخرجنا به من كل الثمرت كذلك نخرج الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱،۲،۴

۱ گیاهان نهفته در سرزمین های مستعد ، بر اثر بارش باران ، به تمامی می روید و بازدهی آن فراوان است .

و البلد الطیب یخرج نباته یاذن ربه

با توجه به مقابله دو فراز <یخرج نباته باذن ربه> و <و الذی خبث .. > معلوم می شود در جمله <یخرج نباته > ضد معنای <نکدا>، همانند <مبارک>، لحاظ شده است.

۲ رویش گیاهان به اذن و اراده خداوند است .

و البلد الطیب یخرج نباته یاذن ربه

۴ گیاهان نهفته در سرزمین های نامستعد ، هر چند باران رحمت بر آن ببارد ، تهی از خیر و برکتند و بازدهیشان اندک است .

و الذی خبث لا یخرج إلا نکداً

<نکدا> به معنای چیزی است که خیر در آن نباشد و بی خیر بودن گیاهان به این است که بازدهی آن اندک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۹

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۱ - ۲

۲- رویش متناسب گیاهان و پدیده های معدنی و اعطای مواهب و وسایل معیشت ، از خزانه الهی است .

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون. و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین . و إ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۷

۷- رویش گیاهان و درختان زیتون ، نخل و تاک به وسیله آب ، زمینه ای برای اندیشیدن و راهی برای خداشناسی است .

ینبت لکم به ... إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۷

۷- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحویه الدنیا کما أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشیماً تذروه الری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۹

۲۹ - رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، جلوه ای از قدرت خداوند

يأتيها الناس إن كنتم في ريب من البعث. .. و ترى الأرض هامده... من كلّ زوج

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۳ - ۹

۹ - نزول باران و رویش گیاهان توسط آن ، از نشانه های داشتن آگاهی همه جانبه خدا به امور انسان ها

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. إنّ الله لطيف خبير

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۹ - ۶

۶ - پیدایش گیاهان مختلف با میوه های متفاوت به وسیله ریزش باران ، یکی از جلوه های تدبیر و ربوبیت خداوند است .

فأنشأنا لكم به جنّات .. لكم فيها فوکه کثیره

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۱

۱ - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا .. إنّ في ذلك لآیه

واژه <ذلك> اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیہ پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۲

۲ - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از عزّت و شکست ناپذیری خداوند

أولم يروا كم أنبتنا .. إنّ في ذلك لآیه... و إنّ ربّك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱ - > رویش و خزان < و > حیات و مرگ

< مداوم در پهنه زمین ، از نمود های تدبیر خداوند

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

فعل های <یبدأ> و <يعيد> مضارع و مفید استمرار است. آیه یاد شده به چرخه منظم حیات و مرگ و بهار و خزان در عرصه زمین اشاره دارد؛ یعنی، کیست که پدیده ها را به طور مداوم پدید می آورد و آن گاه آنها را به حال سابقشان برمی گرداند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۲،۶۸

۲ - نزول باران و سرسبز و با طراوت شدن زمین به وسیله آن ، از آیه های خداوند است .

و من آياته ... و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

۶ - برق هایی ترس آفرین و طمع زا ، بارش باران و رویش گیاهان با آن ، نشانه های قدرت خداوند

يريكم البرق ... إن في ذلك لآيت

۸ - پدیده های طبیعی ، مانند برق و باران و رویش گیاهان ، از منابع خداشناسی است .

يريكم البرق ... إن في ذلك لآيت لقوم يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۵

۵ - رویش گیاهان و آباد شدن زمین ، پرتویی از رحمت خداوند بر آدمیان است .

فانظر إلى اثر رحمت الله كيف يحيى الأرض بعد موتها

مراد از <آثار>، می تواند هر چیزی باشد که بر اثر باران، به دست می آید که غالب آنها گیاهان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - خداوند ، روانه کننده آب به

سرزمین های خشک جهت رویاندن گیاهان است .

أولم يروا أنا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعًا

<جرز> به جایی کویر مانند گفته می شود که ریشه گیاه، در آن قطع شده و از بین رفته باشد (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <زرع> مصدر به معنای مفعول است.

۲- رویش گیاهان مختلف ، با کاربرد های گوناگون ، از آمیختن دو عنصر آب و خاک ، به منظور استفاده انسان ها و دام ها ، از آیات الهی است .

أولم يروا أنا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعًا تأكل منه أنعمهم و أنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۵

۵- رویش دانه ها ، جلوه روشن حیات در زمین است .

و ءایه لهم الأرض الميته أحینها و أخرجنا منها حبًا

برداشت یاد شده از آن جا است که رویش دانه ها، به عنوان نخستین نمونه حیات در زمین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- احیای زمین با رویاندن نباتات و درختان میوه ، به منظور تغذیه انسان ها از سوی خدا ، شایسته شکر و سپاس گذاری است .

و ءایه لهم الأرض الميته أحینها و أخرجنا منها حبًا. .. جنت من نخیل و أعنب..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- پیدایش و رویش گیاهان ، مظهری از حیات زمین است .

اهتزت و ربت إنّ الذی أحیایها

جلد - نام سوره - سوره - آیه



۲ - آفرینش انسان از منی ، بر آوردن دانه ها از دل خاک و رشد و نمو دادن آن ، فرو فرستادن باران از آسمان و ایجاد درخت آتش زنه برای بیابان گردان ؛ بیانگر میرا بودن ساحت او از نقص و کاستی

أفرءیتم ما تمنون .. فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح> بر مطالب آیات پیشین، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - رویدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

کمثل غیث أعجب الکفّار نباته ثمّ یهیج فتریه مصفرًا ثمّ یكون حطّمًا

هر یک از <نبات> (رویاندن) <هیجان> (حرکت)، <اصفرار> (زرد شدن) و <حطام> (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - رویش نباتات در زمین و سپس خشک شدن و تبدیل شدن آنها به خاک ، نشانه قدرت خداوند بر احیای مردگان در قیامت

والله أنبتکم من الأرض نباتًا .. و یخرجکم إخراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - توجه به رویدن و خشکیدن گیاهان ، زمینه ساز یاد معاد

أخرج المرعى . فجعله غشاء أحوى

ارتباط آيات آغاز سوره، با جمله هاىي نظير <يصلى النار الكبرى> و <والآخره خير

و أبقی < (در ادامه سوره) بیانگر آن است که این آیات، زمینه توجه به مفاد آیات مربوط به معاد را فراهم می سازد.

رویش گیاهان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۸

۸- بارش آب باران از آسمان ، جهت حیات گیاهان از آیات الهی است .

هو الذی أنزل من السماء ماء .. إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

ممکن است مشارالیه <ذلک> عبارت <أنزل .. ماء> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۲

۲- رویش انواع دانه ها ( چون گندم ، جو ، برنج و ... ) از زمین ، نشانه ای بزرگ از قدرت خدا است .

و آیه لهم الأرض المیتة أحيینها و أخرجنا منها حَبًّا

مقصود از <حَبِّ> در آیه شریفه، جنسِ <حَبِّ> و به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است و نکره آمدن آن با توجه به این که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های الهی و امتنان است گویای همین نکته است.

زرد شدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۷

۷- در صورت وزش باد های مخرب ، گیاهان ، سرسبزی خود را از دست داده و به زردی می گرایند .

و لئن أرسلنا ریحا فأوه مصفرًا

مرجع ضمیر مفعولی <رأوه>، <نباتِ> مستفاد از آیه پیش (آثار رحمه الله) است.

زردی گیاهان



۹- زرد و خشک شدن ، نشانه پایان رشد کشت ها

ثُمَّ يَهِيْجُ فَتْرِيْهٖ مَصْفَرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- روییدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

كَمْثَلٌ غِيْثٌ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتْرِيْهٖ مَصْفَرًا ثُمَّ يَكُوْنُ حَطَمًا

هر یک از <نبات> (رویاندن) <هیجان> (حرکت)، <اصفرار> (زرد شدن) و <حطام> (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

زمینه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۷

۷ نقش برپایی کتب آسمانی در نزول باران و دیگر مواهب آسمانی و رویش گیاهان و دستیابی به دیگر نعمت های زمین

و لَوْ اَنهٖم اَقَامُوْا التَّوْرِيْهٖ وَ الْاِنْجِيْلَ .. لَآكَلُوْا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۶

۶- نزول باران ، زمینه تحول عناصر خاک و مهیا شدن زمین برای رویش گیاهان

فَاِذَا اُنزِلْنَا عَلِيْهَا الْمَاءُ اهْتَرَّتْ وَ رَبَّتْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۱

۱ - نزول باران بر زمین ، مایه تولید حبوبات و رویش گیاهان است .

و أنزلنا .. لنخرج به حَبًّا و نباتًا

<باء> در <به>، برای استعانت است و بیانگر نقش باران در رویش دانه ها و گیاهان

و نیز میوه هایی است که در بوستان های پوشیده از درخت، حاصل می شود.

### زوجیت در گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ - حاکمیت قانون زوجیت در گیاهان

فأخرجنا به أزواجًا من نبات شتى

### زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۴،۶

۴ گیاهان و میوه جات هر یک دارای دو نوع نر و ماده

و من كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين

<زوج> در لغت به معنای یک جفت و نیز به معنای یک تایی از یک جفت است. تشبیه آن (زوجین) به اعتبار معنای دوم است. بنابراین <زوجین> یعنی ، دو چیز که هر یک زوج و هم‌تای دیگری است و <اثنین> تأکید برای زوجین است.

۶ زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۳

۳- درختان و گیاهان محصول دهنده ، مشمول قانون زوجیت هستند و نر و ماده دارند . \*

و أرسلنا الريح لوقح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - قانون زوجیت ، حاکم بر نظام نباتات

من کلّ زوج کریم

از معانی <زوج>، جفت است. برخی از مفسران واژه <زوج> را در آیه یاد شده به همین معنا گرفته اند.

جلد -



نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - وجود قانون زوجیت ، در گیاهان

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۴

۴ - حاکمیت قانونِ زوجیت ( نر و ماده بودن ) بر تمامی موجوداتِ دارای حیات ( گیاهان ، حیوانات و ... )

سُبْحٰنَ الَّذِیْ خَلَقَ الْاَزْوَاجَ کُلَّهَا .. وَ مِمَّا لَا یَعْلَمُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۵

۵ وجود زوجیت ، در نباتات و گیاهان

و أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِیْجٍ

زیبایی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۱

۱ - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

أَوَلَمْ یُرَوْا اِلَی الْاَرْضِ کَمْ اَنْبَتْنَا .. اِنْ فِیْ ذٰلِکَ لَآیَهِ

واژه <ذَلِکَ> اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از عزّت و شکست ناپذیری خداوند

أولم يروا كم أنبتنا .. إنّ في ذلك لآيه... و إنّ ربّك لهو العزيز

شگفتی رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۶ -

۱ - شکافتن زمین هنگام رویدن گیاه ، کار خداوند و تحوّل شگفت انگیز است .

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

به قرینه آیات بعد، مراد از <شققنا الأرض> شکافتن زمین هنگام رویدن گیاه است. تأکیدی که کلمه <شَقًّا> بر آن دلالت دارد، در این موارد بیانگر شگفت بودن است.

عبرت از رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۱

۱ - رویش گیاهان مختلف از زمین ، شایان تأمل و درس آموزی

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا

علم خدا به گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۸

۸ - خداوند ، به هر آنچه در دل خاک فرو می رود ( قطرات باران ، دانه های گیاهان و ... ) و هر آنچه از دل خاک بیرون می آید ( انواع گیاهان و ... ) آگاه است .

يعلم ما يُلج في الأرض و ما يخرج منها

<ولج> (مصدر <يلج>) معادل <دخول> است و واژه <ما> (آنچه) در <ما يلج..> شامل قطرات باران، دانه های گیاهان و... است. هم چنین کلمه <ما> در <ما يخرج> دربرگیرنده انواع گیاهان، جنبندهگان، آب و... است.

عنصر خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۴،۶

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإننا خلقناكم من تراب. .. و تری الأرض هامده... و أنه یحی الموتی

جمله

<وَأَنَّهُ يَحْيِي.. > عطف بر <أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ > و به تقدیر <وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْمَوْتَى > می باشد، یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶- آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶۸

۶- آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن.

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <السَّاعَةُ > به برپایی قیامت و <ذَلِكَ > در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: *إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ.. فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ > اشاره داشته باشد.*

۸- خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ... و تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً... و أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مِنْ فِي الْقُبُورِ

عوامل ازدیاد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۴

۴- نزول باران، تدبیری الهی در گسترش بخشیدن به پوشش گیاهی و زندگی جانداران در پهنه زمین

وَمَا أَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

تفریح حیات زمین بر نزول باران از آسمان، می تواند بیانگر اهمیت محوری و اساسی آن در حیات

تمامی پهنه زمین و بهره مندی تمام عرصه حیات نباتی و حیوانی از آن باشد.

عوامل باروری گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۲

۲- باد ها ، وسیله جا به جا کردن گرده های نر ، برای بارور ساختن گیاهان و درختان است .

و أرسلنا الريح لوقح

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <الرياح لوقح> (بادهای بارورکننده) بادهایی است که مواد باردارکننده را از گیاهان نر، به گیاهان ماده منتقل می کنند.

عوامل پوشش گیاهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - پوشش گیاهی بر سطح زمین ، مرهون بارش باران است .

و أنزلنا من السماء ماء فأنبثنا فيهما من كل زوج كريم

عوامل تنوع رنگ گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۷

۷- آب ، مایه حیات و رویش کشت های متنوع و رنگارنگ

يخرج به زرعًا مختلفًا ألونه ثم يهيح فترية مصفرًا

عوامل رشد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۱

۳۱ - آب ، مایه رویش و رشد گیاهان

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

عوامل رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۲،۳،۴

۲ خداوند با آب باران گیاهان را از زمین می رویاند.

أنزل من السماء ماء فأخرجنا به نبات كل شيء

۳ آب مایه اصلی رویدن گیاهان و هر موجود رشد کننده است.

فأخرجنا به نبات كل شيء

۴ سرسبزی

زمین و رشد نباتات مرهون ریزش باران است.

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۴

۴ آب ، مایه رویش و رشد گیاهان است .

كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۴

۴- آب ، عامل حیات و رویش گیاهان ، میوه ها و نباتات است .

و أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۳

۳- رویش گیاهان و به وجود آمدن مراتع و جنگل ها ، در اثر نزول باران است .

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. وَ مِنْهُ شَجَرٌ

<شجر> شامل گیاه بدون ساقه و با ساقه می شود که از آنها به مراتع و جنگلها تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۳

۳- آب ، مایه رویش گیاهان و درختان میوه است .

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. يَنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ

حرف جر <ب> در <به الزرع> سببیه است و مرجع ضمیر آن <ماء> در آیه قبل است. از این رو معنای جمله چنین می



شود: خداوند به وسیله آب، کشتها و ... را برای شما می رویاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۴

۴- باران، از عناصر اصلی حیات گیاهی در زمین است.

کماء

أُنزِلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض

چنان چه <بَاء> در <فاختلط به> برای تعدیه باشد، جمله <فاختلط به نبات الأرض> معنایی مبالغه آمیز خواهد داشت؛  
یعنی، نقش آب، به قدری برجسته است که باید گفت گیاه زمین، با آب، مخلوط شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۸،۹

۸ - باران ، از عوامل اصلی رویش گیاهان

أُنزِل .. فأخرجنا

۹ - نزول باران از آسمان و رویش گیاهان مختلف به وسیله آن ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی .. و أنزل من السماء ماء فأخرجنا به أزواجًا من نبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۱

۳۱ - آب ، مایه رویش و رشد گیاهان

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۹ - ۲

۲ - تأثیر مهم و محوری آب در رویش گیاهان

فأنشأنا لكم به جنّات من نخيل و أعنب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۱،۶

۱ آب باران ، منشأ پیدایش حیات و رویش گیاهان و نباتات در بستر زمین

ماء طهورًا . لنحیی به بلده میتًا

۶ پاکی و زلال بودن آب ، تأثیرگذار در احیای زمین ( رویش گیاهان و نباتات )

ماء طهورًا لنحیی به بلده میتًا

برداشت فوق، از قید <طهورًا> برای <ماء> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - ثبات و آرامش

زمین ، آن را برای رویش گیاهان ، مساعد کرده است .

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم .. فأنبتنا فيهمن كل زوج كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۷

۷- آب ، مایه حیات و رویش کشت های متنوع و رنگارنگ

يخرج به زرعًا مختلفًا ألونه ثم يهيج فتریه مصفرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - نقش اصلی و تعیین کننده باران ، در رویش و بالندگی گیاهان

کمثل غیث أعجب الکفار نباته

<غیث> به معنای باران است و ضمیر <نباته> به <غیث> بازمی گردد. اضافه <نبات> به ضمیر <ه> لامیه است؛ یعنی، <نبات له> (گیاهی که از آن باران است). انتساب گیاه به باران، با این که نور خورشید و عناصر خاک نیز در رشد آن دخالت دارد، حکایت از نقش اصلی باران در رشد آن دارد.

فلسفه خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۱

۱ - تغذیه انسان و چریدن دام های او از گیاهان و رویدنی های زمین ، از هدف های خلقت نباتات

أزوجًا من نبات .. کلوا و ارعوا أنعمکم

<رعی> به معنای چرانیدن است. <ارعوا أنعمکم>؛ یعنی، دام های خود را به چرا ببرید تا از نباتات رویانیده شده تغذیه نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - همه موجودات زمین ( جمادات ، نباتات و حیوانات ) در خدمت انسان و مسخر و رام شده

برای بهره برداری او

ألم تر أنّ الله سَخَّرَ لَكُمْ ما فى الأرض

فلسفه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۶

۶- رویش گیاهان ، نباتات و میوه ها برای تأمین رزق و روزی انسان است .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۲

۲- رویش گیاهان و درختان میوه به منظور بهره برداری انسان است

ينبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعنب و من كلّ الثمرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۹

۹ - فلسفه احیای زمین و رویاندن دانه ها از جانب خداوند ، بهره مندی انسان ها و تأمین زندگی آنان است .

و ءایه لهم الأرض المیتة أحيینها و أخرجنا منها حَبًّا فمَنه يأكلون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، پس از طرح مسأله احیای زمین و رویاندن دانه ها از آن، تنها مسأله تغذیه انسان ها را یادآور شده است. یادآوری این مسأله می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۱

۱ تأمین روزی خلق ، از اهداف مهم ریزش باران و رویش درخت ها و گیاهان

و نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ .. فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَ حَبِّ الْحَصِيدِ ... رِزْقًا لِلْعِبَادِ

فوائد زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، از هر گیاهی ،

زوج سودمند و دارای فایده آفریده است .

فأبتنا فيها من كل زوج كريم

صفت <كريم>، درباره اشیا و مفاهیم به معنای <سودمندی و دارای نفع بودن> است (مفردات راغب).

فواید گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۸

۸ گیاهان ، زینت بخش زمینند .

فاختلط به نبات الأرض .. حتی إذا أخذت الأرض زخرفها وازینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۴

۴- چرای دام ها از جمله فواید مرتع ها و گیاهان است .

و منه شجر فیه تسیمون

<تسیمون> (از اسامه) به معنای چراندن گوسفندان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۹ - ۵،۷

۵ - منابع گیاهی زمین ، تأمین کننده بخش بزرگی از نیازمندی های انسان

لکم فیها فوکه کثیره

ضمیر <فیها> به <جَنّات> بازمی گردد. <فواکه> جمع <فاکّه> است و <فاکّه> به هر نوع میوه گفته می شود.

۷ - تغذیه و امرار معاش از منابع گیاهی ، یکی از مهم ترین فواید رویش گیاهان برای انسان

و منها تأکلون



ضمیر <منها> به <جَنّات> بازمی گردد؛ یعنی: و از آن [باغ ها] می خورید. گفتنی است که جمله <منها تَأْكُلُونَ> (از باغ ها می خورید) می تواند کنایه از این باشد که شما با آن باغ ها، امرار معاش و گذران زندگی می کنید؛ مثلاً وقتی گفته می شود <فلانی از حرفه اش می خورد> مقصود این است که در سایه حرفه اش زندگی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷

۵- زیبایی ، طراوت و نشاط آفرینی گیاهان برای انسان ، امری مهم و براساس تقدیر و برنامه الهی

فأنبتنا به حدائق ذات بهجه

تذکر خداوند به بهجت آفرینی بوستان ها برای آدمیان، نشانگر اهمیت آن و تدبیر و تقدیر الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۷

۷- زمین ، بدون بارش باران و رویش گیاهان ، مرده و موات است .

یحی الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۸

۸- نباتات ، منبع اصلی تغذیه انسان ها و حیوان ها است .

فنخرج به زرعًا تأكل منه أنعمهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۶، ۴

۴ رویش گیاهان بهجت آفرین در زمین ، به تدبیر الهی و آیتی خداوندی است .

و أنبتنا فيها من كل زوج بهيج

۶ سرور آفرینی گیاهان در روح انسان ، زمینه اندیشیدن وی به پدیدآورنده آن

أفلم ينظروا .. و أنبتنا فيها من كل زوج بهيج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متَّعَا لَكُمْ وَلَآنِعْمَكُم

<متاعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب)؛ ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است؛ یعنی، <تمتيعاً لكم>.

قانونمندی

## رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۵

۵- خداوند ، همه رویدنی های زمین را به وزن و اندازه معین رویانید .

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

کاشت دانه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - رویدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

کمئل غیث أعجب الکفار نباته ثمّ یهیج فتریه مصفرًا ثمّ یكون حطماً

هر یک از <نبات> (رویاندن) <هیجان> (حرکت)، <اصفرار> (زرد شدن) و <حطام> (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

گیاهان خودرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۴

۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) قال : إنّ الأبّ هو الكلأ والمرعى ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که فرمود: <أبّ> علف ها و گیاهان خودرو و چراگاه [حیوانات] است .

مالک گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۴

۲۴ زمین و رویدنیهایش از آن خداست .

فذرورها تأكل في أرض الله

اضافه کلمه <أرض> به <الله> می تواند به این معنا باشد که زمین از آن خداست. و نیز می تواند به معنای زمین خدا، در مقابل زمینی که مالک شخصی دارد، باشد. بنابر احتمال دوم معنای <فذرورها ... > چنین می شود: ناچه را آزاد بگذارید. آن ناچه

در زمین خدا می چرد و به زمینهای شخصی شما تعرضی نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۷

۷ زمین و رویدنی های آن ، ملک خداوند است .

فذررها تأكل في أرض الله

برداشت فوق، از اضافه <أرض> به <الله> استفاده شده است.

مراحل عمر دانه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - رویدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

كَمْثَلْ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتَهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتْرِيهِ مَصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حَطْمًا

هر یک از <نبات> (رویاندن) <هیجان> (حرکت)، <اصفرار> (زرد شدن) و <حطام> (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

مطالعه تنوع گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. ثم يخرج به زرعا ... ثم يجعله حطما

مطالعه خشکیدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

ألم تر أن

اللّٰهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا ... ثُمَّ يُجْعَلُهُ حَطًّا

مطالعه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۱

۱ - رویش گیاهان مختلف از زمین ، شایان تأمل و درس آموزی

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا ... ثُمَّ يُجْعَلُهُ حَطًّا

منشأ پژمردگی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۵ - ۲

۲ - پژمرده ساختن گیاهان و تبدیل آن به هیزم و خرده کاه ، جلوه های حاکمیت تدبیر خداوند بر جهان هستی است .

رَبِّكَ .. الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى . فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى

در این آیات، همان گونه که رویاندن گیاهان از جلوه های ربوبیت خداوند معرفی شده؛ پژمرده ساختن آنها نیز براساس تدبیر و ربوبیت او دانسته شده است. این تدبیر، ممکن است ناظر به منافع نظیر تهیه هیزم و کود، غذای زمستانی حیوانات و غیر آن باشد که از گیاهان خشک شده حاصل می شود.

منشأ تبدیل گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



۱ - تبدیل گیاهان سبز و خرّم ، در زمانی کوتاه به خس و خاشاک تیره و

سیاه فام ، کار خداوند است .

فجعل غنأ أحوی

<غنأ> به گیاهان خشکی گفته می شود که روی سیلاب ها، قرار گرفته و جابه جا می شوند و <أحوی> به معنای سیاه پر رنگ است. (مفردات راغب)

۲ - پژمرده ساختن گیاهان و تبدیل آن به هیزم و خرده کاه ، جلوه های حاکمیت تدبیر خداوند بر جهان هستی است .

رَبِّكَ .. الذی أخرج المرعی . فجعله غنأ أحوی

در این آیات، همان گونه که رویاندن گیاهان از جلوه های ربوبیت خداوند معرفی شده / پژمرده ساختن آنها نیز براساس تدبیر و ربوبیت او دانسته شده است. این تدبیر، ممکن است ناظر به منافی نظیر تهیه هیزم و کود، غذای زمستانی حیوانات و غیر آن باشد که از گیاهان خشک شده حاصل می شود.

۳ - سیر صعودی و نزولی گیاهان و رویدن و تبدیل شدن آنها به خاشاک ، نمونه ای از نظم تقدیر شده آفریده های خداوند است .

الذی قَدَّر .. أخرج المرعی . فجعله غنأ أحوی

منشأ تنوع رنگ گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۶۸

۶ - جریان رویش کشت های رنگارنگ و رسیده و آن گاه خشک و خرد شدن ساقه ها و برگ های آنها ، به دست خداوند است .

ثم یخرج به زرعًا مختلفًا ألونه ثم یهیج فتریه مصفرًا ثم یجعله حطماً

<هیجان> (مصدر <یهیج>) در اصل به معنای حرکت شتابان و جوش و خروش است. این کلمه هر گاه به کشت ها و نباتات نسبت داده شود، آغاز خشک شدن را افاده می کند و این کنایه از رسیدن محصول و وقت

چیدن آن است. <حطام> به معنای خرده های یک شیء خشک شده است و مقصود از آن، خرد و کاه شدن برگ ها و ساقه های کشت ها است.

۸ - متنوع و رنگارنگ بودن کشت ها ، از جلوه های قدرت خدا و توحید ربوبی او است .

ثُمَّ يَخْرُجُ بِهِ زُرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَنَهُ

آیه شریفه، درصدد بیان جلوه هایی از قدرت و توحید ربوبی خداوند (چون نزول باران، پیدایش چشمه ها و رویدن کشت ها) است. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن قید تنوع و رنگارنگی کشت ها، می تواند به منظور به نمایش گذاشتن جلوه دیگری از قدرت خدا باشد.

منشأ تنوع گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - طبیعت ( جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها ) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. ثُمَّ يَجْعَلُهُ حَبًّا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ

منشأ ثمردهی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۱

۱ - محصول دادن زراعت ، وابسته به اراده خداوند است .

لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَاهُ حَبًّا

منشأ خشکیدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۳، ۶

۶- جریان رویش کشت های رنگارنگ و رسیده و آن گاه خشک و خرد شدن ساقه ها و برگ های آنها ، به دست خداوند است .

ثم يخرج به زرعاً مختلفاً ألونه ثم

یهیج فتریه مصفرًا ثمَّ یجعلہ حطًا

<هیجان> (مصدر <یهیج>) در اصل به معنای حرکت شتابان و جوش و خروش است. این کلمه هرگاه به کشت ها و نباتات نسبت داده شود، آغاز خشک شدن را افاده می کند و این کنایه از رسیدن محصول و وقت چیدن آن است. <حطام> به معنای خرده های یک شیء خشک شده است و مقصود از آن، خرد و کاه شدن برگ ها و ساقه های کشت ها است.

۱۳ - طبیعت ( جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها ) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثمَّ یجعلہ حطًا إنّ فی ذلک لذکرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر ( ص ) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذی أخرج المرعى . فجعله غثاء أحوی . سنقرئک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند پیش از وعده به قرائت و حفظ نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است ، به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

منشأ رشد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۳ - ۳

۳ - رویش و رشد دانه ها در بستر

خاک ، نمودی از قدرت الهی و نشانی روشن از امکان معاد

أفرء یتیم ما تحرثون

روی سخن در این آیه، با منکران معاد است. تشویق آنان به مطالعه در چگونگی رشد گیاهان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - انسان در فرایند رشد و نمو بذری که در زمین کشاورزی اش می باشد ، هیچ نقشی ندارد .

ءأنتم تزرعونه

<زرع> (مصدر <تزرعون>)، به معنای رویاندن و رشد و نمو بخشیدن است. ضمیر مفعول <تزرعونه> به <حرث> در آیه قبل که از <تحرثون> استفاده می شود و یا به <بذر> که از مقام استفاده می شود باز می گردد. استفهام در <ءأنتم...> انکاری است؛ یعنی، شما آن بذر را که کاشته اید، رشد نمی دهید.

۲ - رویش دانه های کاشته شده ، در زمین ، رشد و نمو و بالاخره به ثمر رسیدن آن نمودی از قدرت خداوند است .

أم نحن الزرعون

منشأ رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ - پدید آمدن گیاهان از زمین ، در اختیار خداوند و به دست اوست .

فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۱

۱ خداوند شکافنده دانه ها و هسته ها برای روییدن است.

إن الله فالحق الحب و النوى

<حب> به دانه هایی مانند گندم و جو گفته می شود (راغب) و <نوی>، جمع <نواه>، به معنای هسته است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۲،۱۱

۲- جهان طبیعت ، دارای آسمان های متعدد

السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۳

۳- نزول باران از سمت آسمان و رویش بوستان های پرتراوت در پرتو آن ، جلوه تدبیر خدای یگانه

و أنزل لكم من السماء ماء فأنبتنا به حدائق ذات بهجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۰

۱۰- رویش گیاهان و حیات یافتن زمین ، با باران ، به دست خداوند است .

کیف یحی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۲۱ - ۳۹ - ۶،۱۳

۶- جریان رویش کشت های رنگارنگ و رسیده و آن گاه خشک و خرد شدن ساقه ها و برگ های آنها ، به دست خداوند است .

ثم یرج به زرعًا مختلفًا ألونه ثم یهیج فتریه مصفرًا ثم یجعلہ حطماً

<هیجان> (مصدر <یهیج>) در اصل به معنای حرکت شتابان و جوش و خروش است. این کلمه هرگاه به کشت ها و نباتات نسبت داده شود، آغاز خشک شدن را افاده می کند و این کنایه از رسیدن محصول و وقت چیدن آن است. <حطام> به معنای خرده های یک شیء خشک شده است و مقصود از آن، خرد و کاه شدن برگ ها و ساقه های کشت ها است.

۱۳ - طبیعت ( جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها ) ، از





ربوبیت خداوند است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثمّ يجعله حطّماً إنّ في ذلك لذكرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۳

۳ - حیات و سرسبزی پهنه زمین ، در گرو نزول باران به اراده الهی

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت و ربّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۴

۴ رویش گیاهان بهجت آفرین در زمین ، به تدبیر الهی و آیتی خداوندی است .

و أنبتنا فيها من كلّ زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۳ - ۳

۳ - رویش و رشد دانه ها در بستر خاک ، نمودی از قدرت الهی و نشانی روشن از امکان معاد

أفرء یتّم ما تحرثون

روی سخن در این آیه، با منکران معاد است. تشویق آنان به مطالعه در چگونگی رشد گیاهان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۴ - ۲،۳

۲ - رویش دانه های کاشته شده ، در زمین ، رشد و نمو و بالاخره به ثمر رسیدن آن نمودی از قدرت خداوند است .

أم نحن الزرعون

۳ - نقش الهی در فرایند رشد دانه ها در زمین ، منحصر به فرد بوده و هیچ نیرویی توان چنین عملی را ندارد .

أم نحن الزرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، پدید آورنده بذر ها و دانه های خوراکی و رویدنی

های زمین و تأمین کننده غذا های گیاهی انسان است .

لنخرج به حبًا و نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۱ - ۳، ۲

۲ - خداوند ، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

أخرج .. مرعيها

<مرعی> مصدر میمی است و در این جا به معنای اسم مفعول به کار رفته است یعنی، آنچه چریده می شود. این کلمه گرچه ناظر به تغذیه گیاه خواران است ولی تأثیر گیاه در زندگانی انسان نیز به قرینه <متاعاً لكم ولأنعامکم> در آیات بعد مراد است.

۳ - بیرون آوردن آب و گیاه از دل زمین ، نشانه قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم أشد خلقاً .. أخرج منها ماءها و مرعيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۶ - ۱

۱ - شکافتن زمین هنگام رویدن گیاه ، کار خداوند و تحوّل شگفت انگیز است .

ثمّ شققنا الأرض شقًّا

به قرینه آیات بعد، مراد از <شققنا الأرض> شکافتن زمین هنگام رویدن گیاه است. تأکیدی که کلمه <شقًّا> بر آن دلالت دارد، در این موارد بیانگر شگفت بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۵، ۲

۲ - آمادگی زمین ، برای رویش گیاهان و پیدایش چشمه ساران

و الأرض ذات الصدع

چنانچه <ذات الرجع> در آیه قبل به باران نظر داشته باشد؛ <ذات الصدع> در این آیه به نتایج باران در زمین اشاره خواهد داشت.

۵- بازگشت های مکرر نزولات آسمانی و رویش گیاهان از دل زمین ، از

نشانه های امکان معاد است .

ذات الرجع .. ذات الصدع

توصیف آسمان و زمین به اوصاف یاد شده در سیاق آیات معاد به همسانی آن اوصاف، با اعاده انسان در آخرت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۴ - ۱،۲

۱ - خداوند ، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

و الذی أخرج المرعی

<مرعی> یا مصدر میمی و یا اسم مکان است و به صورت مجاز در معنای گیاهان چراگاه به کار رفته است. برگزیدن این لفظ، به منظور بیان منافع گیاه است که خوراک دام ها را تأمین می کند.

۲ - توجه به قدرت خداوند بر رویاندن گیاهان و به وجود آوردن چراگاه ها ، مایه منزه دانستن او از هر عیب و نقص و پیراستن نام او ، از هر وصف ناروا است .

سَبَّحَ اسْمَ .. و الذی أخرج المرعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۵ - ۳

۳ - سیر صعودی و نزولی گیاهان و روییدن و تبدیل شدن آنها به خاشاک ، نمونه ای از نظم تقدیر شده آفریده های خداوند است .

الذی قَدَّرَ .. أخرج المرعی . فجعله غثاء أحوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر ( ص ) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذي أخرج المرعى . فجعله غشاء أحوى .

برشمردن صفات خداوند پیش از وعده به قرائت و حفظ نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است؛ به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

### منشأ زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند تمامی رویدنی های زمین ، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج ( نر و ماده ) آفریده است

سبحن الذی خلق الأزواج کلها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

<زوج> (مفرد <أزواج>) برای دو معنا به کار می رود: ۱ مقابل طاق و مرادف جفت؛ ۲ به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

### منشأ زیبایی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۶

۶ - زیبایی موجود در انواع گیاهان جلوه هنرنمایی خداوند

من کلّ زوج کریم

قید <کریم> بیانگر برداشت یاد شده است.

نشانه های پایان رشد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۹

۹ - زرد و خشک شدن ، نشانه پایان رشد کشت ها



ثم يهيج فتریه مصفراً

نظم در گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶ - ۲

۲ - نظام گیاهان با تنوع و قانون مداری خاص خویش ، نشانی از خداوند و رحمت او

و النجم و الشجر یسجدان

برداشت یاد شده با

توجه به نکات زیر به دست می آید: الف) تعبیر <یسجدان> اشاره به انقیاد تکوینی و قانون مداری دارد (ب) آیات شریفه در مقام ارائه نمودهای آفرینش و رحمانیت خداوند است.

نعمت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۸

۸- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الاءنسان لظلوم کفار> در دو آیه بعد (آیه ۳۴) مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۳

۳ - حبوبات و گیاهان ، از نعمت های الهی

لنخرج به حبّاً و نباتاً

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که خداوند در مقام برشمردن آن دسته از آفریده های خویش است که در زندگانی انسان ها مؤثر می باشد. تقدیم <حبّ> بر <نبات>، به دلیل اهمیت بیشتر دانه جات (از قبیل گندم، جو و...) در زندگی آنها است، به گونه ای که در اکثر موارد، گیاه را برای دانه اش می خواهند.

نقش رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۷

۷- نزول باران و رویش نباتات و میوه ها ، دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذی

خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

نقش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ - باران و گیاه ، دارای نقشی بسزا در زندگی انسان ها

و أنزل من السماء ما فأخرجنا به أزوجًا من كلّ نبات

مخاطب قرار گرفتن انسان ها در صدر آیه، نشان می دهد که نعمت های یاد شده در آیه، در جهت منافع آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۳

۳۳ - گیاهان ، مایه زیبایی و خرمی زمین

من كلّ زوج بهيج

<بهیجه و بهاجه> به معنای حسن و خرمی است. بنابراین <بهیج> یعنی، نیکو و خرم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۶

۶ - زمین ، بدون داشتن گیاه و نباتات ، مرده است .

نزل .. ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۲

۲ - گیاهان و سبزی های خوشبو و معطر ، نمودی از آراستگی زمین برای انسان

و الأرض وضعها للأنام . فيها ... و الريحان

واژه <ریحان>، به هر گیاه خوشبو گفته می شود (قاموس المحيط).

هسته گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۳،۶،۷

۳ رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالحق الحب و النوى يخرج الحى من الميت و

۶ قدرت خداوند بر رویاندن گیاه زنده از دل دانه و هسته مرده، نمودی از قدرت او بر زنده ساختن آدمی پس از مرگ است.

لقد جئتمونا فردی كما خلقنکم أول مره . . . إن الله فالق ... مخرج المیت من الحی

۷ تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالق الحب و النوى . . . ذلکم الله

گیاه خواران

منشأ تأمین گیاه خواران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

و الذی أخرج المرعی

<مرعی> یا مصدر میمی و یا اسم مکان است و به صورت مجاز در معنای گیاهان چراگاه به کار رفته است. برگزیدن این لفظ، به منظور بیان منافع گیاه است که خوراک دام ها را تأمین می کند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹